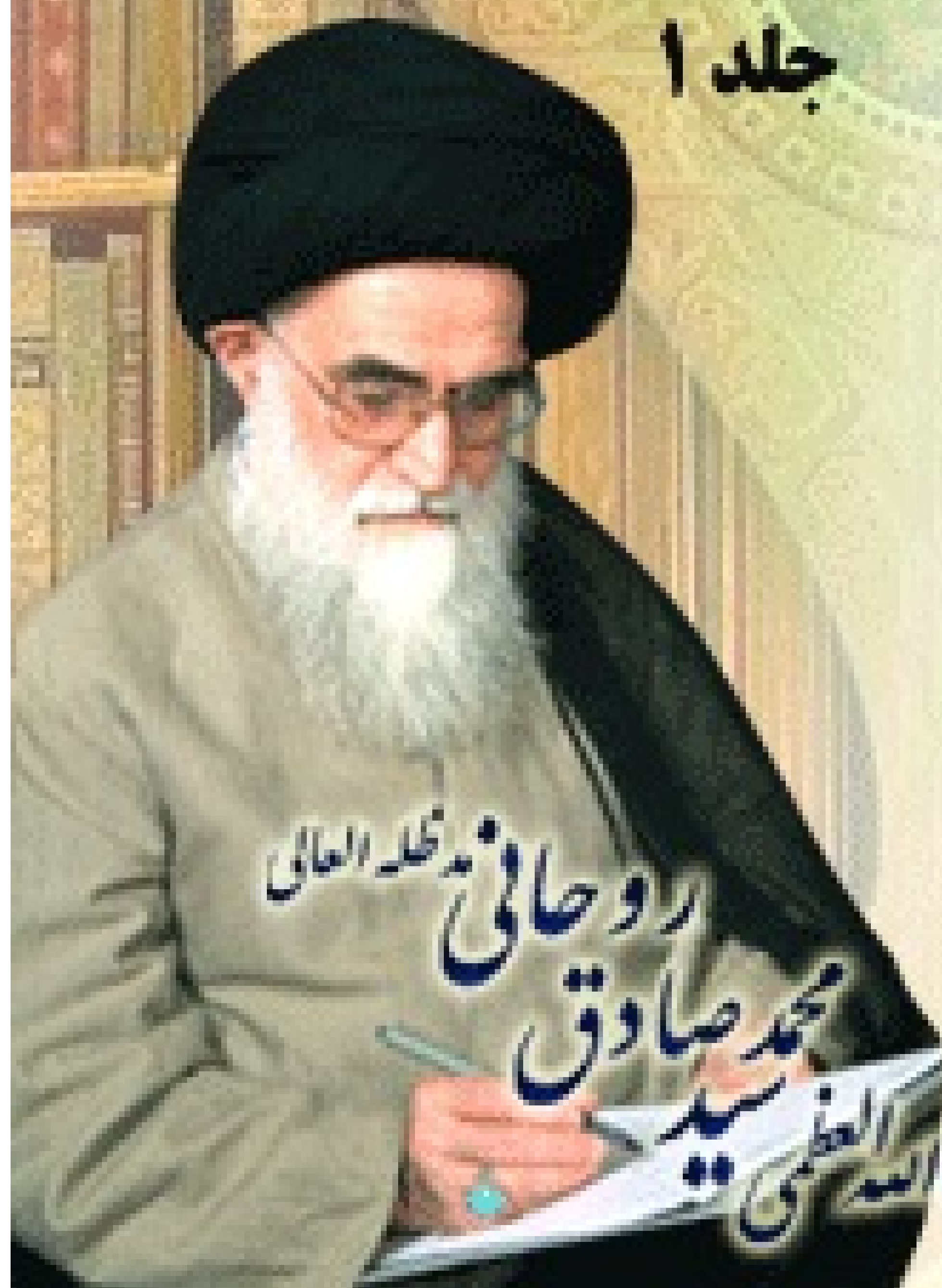
استفتائات

پرسش و پاسخ مسائل شرعی

جلد ۱



بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید محمدصادق روحانی

نویسنده:

آیت الله سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

حدیث دل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی جلد ۱ از:حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۱

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

احکام تقلید

س۱ مراد از تقلید چیست؟

ج باسمه تعالی; مراد پیروی کردن از مجتهد در احکام است.

س۲ با توجه به این که در رساله های عملیه مراجع معظم تقلید اصل تعیین سرنوشت و انتخاب مرجعیت به رسمیت شناخته شده است پس چرا در حکومت اسلامی و در عمل افراد این اختیار را ندارند؟

ج باسمه تعالی; اطاعت از حاکم اسلامی بعد از تعیین از روی موازین شرعیه بر همه لازم است و الا هرج و مرج پیش می آید.

س۳ با توجه به این که در ابتدای رساله های عملیه آمده است که اعلم بودن شرط تقلید است. چه کسانی باید مردم را از این سردرگمی نجات دهند؟

ج باسمه تعالی; اهل خبره عادل.

س۴ آیا برای حل مشکلات در باب معرفی مرجع اعلم راهی می تواند مورد استفاده قرار بگیرد، اگر می تواند چرا در حوزه های علمیه نسبت به معرفی مرجع تقلید اعلم اقدام نمی کنند؟

ج باسمه تعالی; اتفاقاً تعیین مرجع همیشه رسم بوده و فعلا نیز هست.

س۵ مراد از مجتهد جامع الشرایط و کسی که می توان از او تقلید کرد چه کسی است؟

ج باسمه تعالی؛ در خصوص تقلید، باید از مجتهد اعلم عادل زنده تقلید نمود ولی در غیر تقلید، مجتهد مطلق بودن کافی است؛ لازم نیست اعلم باشد، ولی عدالت و حیات شرط است.

س۶

آیا تقلید از مجتهد اعلم واجب است یا نه؟ اگر دسترسی به اعلم پیدا نکرد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ تقلید از اعلم واجب است و اگر دسترسی ندارد در صورت امکان احتیاط نماید و در صورت عدم امکان، باید از مجتهد غیر اعلم، با رعایت اعلم بودن او از دیگران تقلید نمود.

س۷ آیا لازم است که مُقلّد، مذهب مجتهد خود را بشناسد و اگر نشناسد و عمل کند آیا اعمالش باطل است؟

ج باسمه تعالی؛ اگر مراد از مذهب، رأی است، لازم نیست رأی او را بشناسد.

س۸ تقلید کردن از مجتهد بَلَد در حالی که رساله ندارد جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ رساله شرط جواز تقلید نیست. چنانچه مجتهد اعلم باشد؛ تقلید صحیح است.

س۹ بقای بر تقلید میت اعلم، جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ جایز نیست.

س۱۰ شخص عامی که قادر به فهمیدن احکام شرعیه از ادله آنها نیست تکلیفش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ بر عامی لازم نیست از ادله، حکم شرعی را بفهمد. بلکه باید به رساله اعلم رجوع کند؛ یا از شخصی موثق فتوای مجتهد را یاد بگیرد.

س۱۱ هرگاه شخص عامی به احتیاط عمل نکند و تقلید هم نکند عمل چنین کسی صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که مطابق با فتوای مجتهد اعلم وقت باشد؛ صحیح است.

س۱۲ عدول از مجتهد حَیّ به مجتهد حَیّ دیگر جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت اعلم بودن واجب است و در غیر آن صورت، جایز نیست.

س۱۳ اجتهاد واجب عینی است یا کفایی؟

ج باسمه تعالی؛ واجب کفایی است.

س۱۴ شناخت

مجتهد توسط یک نفر عادل کافی است یا باید به وسیله دو نفر عادل او را شناخت؟

ج باسمه تعالی; با یک نفر کفایت می کند.

س۱۵ در مسایل ضروری تقلید لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست.

س۱۶ آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه اجتهاد رسیده جایز است؟

ج باسمه تعالی; خیر جایز نیست.

س۱۷ آیا وجوب تقلید، یک امر تقلیدی است یا اجتهادی؟

ج باسمه تعالی; تقلیدی نیست; بلکه مرتکز عقلایی است.

س۱۸ به نظر مبارک حضرتعالی عمل به احتیاط بهتر است یا به تقلید؟

ج باسمه تعالی; الاحتیاط حسن فی کل حال.

س۱۹ فرق بین حکم و فتوی چیست؟

ج باسمه تعالی; حکم در مورد قضیه شخصیه است و اما فتوی در احکام کلیه است.

س۲۰ حکم حاکم تا چه حدّ نافذ است؟

ج باسمه تعالی; حکم حاکم به قول مطلق، نافذ است.

س۲۱ اگر مقُلّد به خطاء مجتهد یا دلیل او عالم شود، آیا تقلید کردن از او جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۲۲ هر گاه وکیل یا موکّل، وصی با موصی مختلف باشند; در اجتهاد یا تقلید، عمل به کدام یک لازم است؟

ج باسمه تعالی; اگر وکالت و وصیت مقید نباشد وصی و وکیل باید به تکلیف خود عمل کنند و اگر به آنچه موکل و موصی وظیفه می داند مقید است باید آنگونه باشد.

س۲۳ اگر مجتهد اجتهاد کرده و مُقلّد هم از او تقلید بکند و بعد معلوم شود که مجتهد در اجتهاد خطا نموده نه در رأی دادن، عمل مقلد در این حال چه صورت دارد؟

باسمه تعالی؛ در خصوص نماز اعاده لازم نیست.

(گنگ) س۲۴ عدالت حسن ظاهری است یا ملکه؟

ج باسمه تعالی؛ عدالت ملکه نیست، بلکه استقامت عملی در جاده شرع است.

(ت) س۲۵ اگر مجتهـدی در مورد احکام فتوی دهـد یا یک نفر عادل از رأی مجتهـد خبر دهد و یا خود مکلف به حسب فهم خود از کتاب و غیره یقین کند که رأی مجتهد این است و بعد از عمل، خطا ظاهر شود اعاده لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ در خصوص نماز لازم نیست.

س۲۶ با توجه به این که در رساله های عملیه قیـد شـده که اصول دین تحقیقی است نه تقلیـدی، کسـی که اصول دین را هنوز تحقیقی نیاموخته است آیا می تواند در فروع دین تقلید کند؟ چرا؟

ج باسـمه تعالی؛ مراد از تحقیق، غور در مسائل کلامی نیست؛ بلکه مراد اطمینان است حال از هر راهی پیـدا شود و بعـد از آن باید در فروع تقلید نماید.

(ت) س۲۷ با توجه به این که سن دختر برای بلوغ ۹ سال و سن پسر را ۱۵ سال مشخص کردند آیا در این فرصت فردی که به تکلیف می رسد توانایی تحقیق در اصول دین را دارد یا نه؟ چگونه؟

ج باسمه تعالی؛ توانایی تحقیق به آن معنی که در مسأله فوق ذکر شد دارد.

س۲۸ با توجه به این که نظرات فقها در ارائه احکام شـرعی بعضاً متفاوت می باشد اسـتنباط می شود که برداشـتهای مختلف از متون دینی وجود دارد. لذا یک مقلد از کجا بداند کدام یک از نظرات فقها با نص صریح دین اسلام مطابقت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ وظیفه مقلد، علم به

فتوای کسی است که تقلید از او جایز است بنابراین علم به موافقت با صریح دین برای او لازم نیست; چون این امر ممکن نیست.

س۲۹ با توجه به برداشتهای متفاوت از دین توسط فقهای محترم کدام یک از نظرات را می توان مبنای حکومت اسلامی قرار داد؟

ج باسمه تعالی; در اساس مسائلی که مبنای حکومت اسلامی است; اختلافی نیست.

س۳۰ با توجه به این که اجماع در مسائل فقهی کم رنگ است در سنین پائین یا برای طبقه کم سواد که امکان تحقیق وجود ندارد شما چه راهکارهایی را برای رسیدن به حقیقت شریعت اسلام پیشنهاد می کنید؟

ج باسمه تعالی; هیچ راهی را جز متابعت نظر مرجع تقلید وجود ندارد.

(ت) س۳۱ با توجه به این که مبنای اسلام دارای موضوعات متعددی می باشد، برای حصول علم مقلدین به حقیقت موضوعات فوق، شما چه راهکاری را پیشنهاد می کنید؟

ج باسمه تعالی; تقلید از عارف.

س۳۲ آیا از زن می توان تقلید کرد؟

ج باسمه تعالی; خیر تقلید از زن جایز نیست.

س۱۳۳اگر کسی چند سال پیش برای شناختن مجتهد اعلم، از اهل خبره تحقیق کند ولی اعلم بودن یا محتمل اعلم بودن کسی برایش ثابت نشد یا نتوانست بشناسد و از یکی از مجتهدین جامع الشرائط که مساوی با دیگران در علم بود; تقلید کند ولی اکنون احتمال می دهد یا اطمینان دارد که اهل خبره اعلم را شناخته اند; آیا بر چنین کسی تحقیق دوباره از اهل خبره برای شناختن اعلم لازم است؟

ج باسمه تعالی; بلی لازم است چنین کند و یا به وسیله جمع بین فتاوای کسانی که احتمال اعلم بودن آنان

را می دهد، احتیاط کند.

(ت) س۳۴ عـدول از مجتهدی که اعلم بودنش ثابت شده نیست به مجتهد دیگر که او هم اعلم بودنش ثابت نشده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۳۵ از نظر شما بقای بر تقلید میت جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۳۶ با توجه به این که جایز ندانسته اید در فتاوی جواز بقاء بر تقلید مجتهدی که وفات کرده، دلیل آن چیست؟

ج باسـمه تعالی; پاسخ به این سؤال احتیاج به بحث مفصل دارد. تا این اواخر در بین فقهاء اسـلام کسی قائل به جواز بقاء نبوده است. حتی شـیخ انصـاری نقـل می کننـد که عموماً می گفته انـد: قول المیت کـالمیت و عـدم بقاء رأی و همان گونه که اگر مجتهـدی مرض نسـیان بگیرد بقـاء بر تقلیـد او اجماعـاً جایز نیست; اگر هم بمیرد و رأیش از بین برود بقاء بر تقلیـد از او جایز نیست.

س۳۷ عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر که هر دو مساویند علماً چگونه است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۳۸ عـده ای به بعضـی از مراجع حتی مرحوم شـده به دلایلی بیهوده اهانت می نمایند حال سؤال این است که شـرعاً این کار جایز است؟ و ضـمناً اگر کسی مقلد ایشان بوده و هنوز هم برایشان باقی مانده آیا این تقلید صحیح است یا باید از مجتهد زنده تقلید نماید؟

ج باسـمه تعـالی; جسـارت و اهانت به مراجع مرحومماننـد جسارت و اهانت به بقیه مراجع عظام از محرمات شدیـده است. در روایت شریفه آمده است: «الراد علیهم کالراد علینا و هو علی حد الشرک بالله»، ولی من بقاء بر تقلید میت

را جایز نمی دانم، فوراً عدول کنید.

س۱۳۹اگر کسی مقلد مجتهدی هست که فتوایش این است که احتیاطاً تسبیحات اربعه را سه بار باید گفت و شخص مذکور از روی ندانستن مسئله تسبیحات اربعه را تا رحلت مرجع مذکور یک بار گفته و بعد از مرجعی تقلید کرده که یک مرتبه را واجب می داند حال نمازهایی که شخص مزبور خوانده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۱۴۰اگر کسی بنا به عللی که خود حضرت عالی بهتر می دانید نتواند در اوّل تکلیف، مرجع تقلید برای خودش تعیین کند یا وجوب تقلید را ندانسته و مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد; آیا شما صحت اعمال شخص مذکور را تأیید می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که اعمال او با فتوای مجتهدی مطابق باشد که وظیفه اش تقلید از او بوده صحیح است.

س۴۱ جمعی از مجتهدین حی بقاء بر تقلید میت را تجویز می فرمایند باز هم در این مسأله تقلید شخص معینی واجب است یا باید از همه آنان تقلید کند؟

ج باسمه تعالی; فتوی اعلم میزان است و بقیه تأثیر ندارد.

س۴۲ شخصی که تکلیف شده و ابتداء می خواهد بدون در نظر گرفتن اعلم بودن و اورعیت و... از مرجعی تقلید کند، آیا مبنا به گفته دیگران می تواند تعصباً از مرجعی تقلید نماید. آیا این تقلید صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در مرجع اعلم بودن و عدالت شرط است. چنانچه از گفته دیگران، به این دو امر اطمینان پیدا کند جایز است و الا جایز نیست.

س۴۳ بعد از بلوغ مقلد آیه الله گلپایگانی شدم; ولی رساله

ایشان را بدست نیاوردم. در شـهر بم تحصیل می کردم و با قصد ده روز روزه را کامل انجام می دادم. در سال ۷۷ رساله ایشان را پیدا کردم و عمل کردم در سال ۷۸ مقلد شما شدم تکلیف من در این سال ها که از شما تقلید نمی کردم چیست؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه اعمالتان مخالف فتوای حقیر نباشد صحیح است و اشکالی ندارد.

س۴۴ مراد از احکام شـرعی که در مورد مجهول المالك و رد مظالم و غیره به او مراجعه شود؛ چه کسی است؟ آیا اعلم بودن در او شرط است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ اعلم بودن شرط نیست اگر مجتهد باشد کافی است.

س۴۵ شخصی به اسلام یا مراجع تقلید اهانت می کند وظیفه در مقابل اینها چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حتی المقدور دفاع کنید. در صورت عدم تمکن، با او ترک مراوده بنمائید.

س۴۶ آیا در مرجعیت اعلم بودن شرط است؟ دلیل آن چیست؟

ج باسمه تعالی؛ بلی شرط است و برای دلیل آن باید به کتب استدلالی رجوع شود.

س۴۷ وظیفه مقلد در مورد مرجع تقلیدش در صورتی که احراز اعلم بودن مرجع دیگری نماید چیست؟

ج باسمه تعالی؛ باید به اعلم رجوع کند.

س۴۸ آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که امکان دسترسی به آنها وجود ندارد جایز است؟

ج باسمه تعالی؛ بلی؛ اگر بتواند فتوای او را بدست آورد، جایز است.

س۴۹ اگر مرجع تقلید در حالت بی هوشی باشد آیا مقلدین او می توانند باقی بر تقلید باشند؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مدت بی هوشی کوتاه باشد، بقا بر تقلید او جایز است.

س۵۰ حاکم شرع چه کسی است؟ آیا هر مجتهدی

می تواند حاکم شرع باشد؟

ج باسمه تعالی; حاکم شرع، مجتهد مطلق جامع الشرایط یعنی عادل را گویند.

س۵۱ لطفاً بفرمائید که در احتیاط واجب حضرت عالی به کدامیک از مراجع باید رجوع کرد؟

ج باسـمه تعالی; اعلم را از اهل خبره سؤال کنید. چنانچه آن ها اعلم بودن و عادل بودن شخصی را معین کردند; به او مراجعه کنید.

س۵۲ آیا اعلم بودن و اورعیت مرجع نبست به سایر مراجع عظام به گفته خود ایشان ثابت می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اعلم بودن سایر مراجع، به گفته ایشان ثابت می شود. اما اعلم بودن خودش، اگر از گفته او اطمینان پیدا شود; بلی و گرنه ثابت نمی شود.

س۵۳ آیا تقلید از میت را ابتدا جایز می دانید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر تقلید از میت مطلقاً جایز نیست.

س۵۴ آیا تقلید از مرجعی که فتوایش با فتوای اعلم باشد صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بلی، ولی آن تقلید اعلم هم هست.

س۵۵ آیا می شود از مرجعی به مرجع تقلید دیگر عدول کرد و شرایط آن چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ثابت شود مرجع دیگر اعلم است و یا خدای نکرده مرجع فعلی، عادل نباشد عدول واجب است.

س۵۶ نظر مبارکتان در مورد شرط بودن اعلمیت مرجع چیست و دلیل آن کدام است؟

ج باسمه تعالی; شرط جواز تقلید اعلم بودن است و دلیل آن را هم در کتاب اجتهاد و تقلید نوشته ام.

س۵۷ فرد نوجوانی در آغاز تکلیف است در تکلیف آیا رجوع به حی اعلم در بقاء بر میت لازم است؟

ج باسمه تعالی; باید به حّی اعلم رجوع نماید.

اگر آن اعلم اجازه بقاء را داد و آن جوان هم قبل از تکلیف در حال تمیز، تقلید از آن میت نموده؛ می تواند باقی باشد و اگر تقلید نکرده بقاء معنی ندارد.

س۵۸ آیا می شود در بعضی از مسایل از مجتهدی تقلید کرد و در بعضی دیگر از مجتهد دیگری تقلید نمود؟

ج باسمه تعالی؛ همه ی مسایل را باید از یک مجتهد تقلید نمود؛ مگر در جاهائی که مجتهد احتیاط می نماید.

وضو

س۵۹ آیا مسح کردن سر با یک انگشت اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی؛ خیر اشکال ندارد.

س۱۶۰ اگر آب مسح سر با آب صورت وصل باشد آیا وضو باطل می شود؟

ج باسمه تعالی؛ باطل نمی شود.

س۱۶۱ اگر در وضو موهای سر انسان مثل موهای فرد مذکور در مسأله ۲۶۰ رساله عملیه شما نباشد و مثل او سر را مسح کند آیا چنین مسحی و وضو صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ تفصیل را در همان مسأله نوشته ام؛ دقت شود.

س۱۶۲ اگر در وضو در موقع مسح، رطوبت دست ها به علت گرما و غیر آن خشک شود، برای مسح سر و پاها چه تکلیفی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه ممکن است، از سایر اعضاء وضوء رطوبت را بگیرد و مسح کند. اگر آن هم ممکن نیست وظیفه به تیمم منتقل می شود و احتیاط مستحبی آن است که اول با دست خشک و بعد با آب خارج مسح کند، سپس تیمم نماید.

س۶۳ موقع وضو بعضی ها احساس می کنند که ناخنهایشان چرب است و آب به ناخن نمی رسد تکلیف چنین شخصی چیست؟

ج باسمه تعالی؛ باید یقین کند که آب به

بدن، اعم از ناخن و غیره می رسد.

س۶۴ در هنگام کشیدن مسح سر، آیا برخورد دست با موهای خیس جلوی سر که معمولاً در اثر شستن صورت خیس می شود اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۶۵ اگر موقع شستن صورت در وضو اندکی از جلو سر خیس شود و موقع مسح سر اشتباهاً مسح به جای خیس شده برسد آیا وضو باطل هست یا نه; عمداً چطور؟

ج باسمه تعالی; در هردو صورت مضر نیست; ولی با انگشتی که رطوبت صورت به آن خورده; مسح پا نکند.

س۶۶ آیا وضوء با حنا و سرمه ای که برای زن زینت حساب می شود صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه جسمیت داشته باشد و مانع رسیدن آب به بشره باشد; اشکال دارد وگرنه اشکال ندارد و صحیح است.

س۶۷ مراد از شستن صورت و دست ها در وضو کدام یک از موارد است (الف) رساندن آب به صورت و دست ها همراه با دست کشیدن (ب) رساندن آب به صورت و دست ها بدون کشیدن دست؟

ج باسمه تعالی; هردو مجزی است.

س۱۶۸ اگر طبیب به مریض بگوید تا چند روز دیگر آب به دستت نرسد تا نتیجه آزمایش معلوم شود آیا وضو گرفتن جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه آزمایش برای طبابت لازم باشد وضو واجب نیست.

س۱۶۹ اگر کسی بیش از یک استکان آب ندارد و می خواهد وضو بگیرد، وقتی با آن، صورت خود را بشوید و از قطرات جمع شده از صورت، بقیه اعضاء را بشوید وضو صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۷۰ آیا در وسعت وقت وضو گرفتن به صورت ترتیبی

یا ارتماسی جایز است و کدام صورت از دیگری افضل است؟

ج باسمه تعالی; هردو جایز است شاید ترتیبی افضل باشد چون بهتر می توان قیود را رعایت کرد.

س۷۱ وضو با دمپایی مغصوب صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۷۲ یک شخصی برای نیت نماز ظهر و عصر وضو می گیرد و با آن نماز را می خواند و بعداً آن وضو باطل نمی شود تا اذان مغرب و عشاء آیا می تواند با آن وضو که به نیت ظهر و عصر گرفته است و باطل نشده است نماز مغرب و عشاء را بخواند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند با آن وضو مادامی که باطل نشده، نماز مغرب و عشاء و بقیه نمازها را بخواند.

س۷۳ تکرار مسح چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر به حد وسواس نرسد اشکال ندارد.

س۷۴ نهی شریف (لا تبطلوا أعمالکم) شامل ابطال وضو در اثناء می شود؟

ج باسمه تعالی; خیر در روایات مراد از ابطال بیان شده است حاصل روایات این است که انسان بعد از عمل کاری بکند که اثر آن عمل از بین برود، مانند معاصی که موجب نابودی اعمال حسنه می شود.

س۷۵ در محلی که ما ساکن هستیم حدود ۱۷ سال پیش مسجدی با کمک مردم محل بنا کردند در مورد آب لوله کشی مسجد آن موقع در تحت نظر شهرداری بود. شهرداری به عنوان کمک هزینه برای کنتر آب با پول اشتراک را رایگان کرده است حالا- این امور آب زیر نظر سازمان آب قرار گرفته است و آن را به بخش خصوصی دادند الان برای موضوع وضو و مصرف

این چه شرایط است؟

ج باسمه تعالی; به هر مؤسسه که داده باشند; چنانچه متصدی آن موسسه خصوصی یا غیرخصوصی اجازه دهد اشکال ندارد.

غسل

س۱۷۶اگر کافر مسلمان شد و غسل جنابت نمی کرد بعد از اسلام آوردن باید غسل کند؟

ج باسمه تعالی; بلی باید غسل کند (حدیث جبّ) شامل اینجا نمی شود.

س۱۷۷اگر طالب علمی که طلب علم برایش واجب عینی شده از خواب بیدار شد; دید جنب شده و درس او هم در مسجد می باشد اگر غسل کند به درس نمی رسد و در حال حدث از رفتن به مسجد ممنوع است. دوران امر بین محذورین است چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه همان یک درس واجب عینی باشد و قابل تدارک نباشد (که فرض بعید است) می تواند تیمم کند و به مسجد رود.

س۱۷۸اگر در اثر مریضی یا عنوان دیگر مثل قطع نخاع، بدون اراده منی خارج شود آیا موجب غسل است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خروج منی ولو بدون شهوت در صورتی که یقین داشته باشد به این که منی است موجب جنابت است.

س۷۹ تکرار وضو و غسل و تطهیر اشیاء به عنوان احتیاط چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر تا به حد وسواس نرسد; مانعی ندارد. تجدید وضو; بلکه تجدید غسل نیز، مستحب است.

س۸۰ با توجه به آیه شریفه (فاغسلوا وجوهکم و أیدیکم الی المرافق) الی، هم معنای غایت می دهد و هم به معنای مع می آید. گویا ترجیح با معنای معیت است آیه در مقام بیان مقدار لازم غسل است نه بیان کیفیت چگونه استفاده می شود؟

ج باسمه تعالی; اجمالا الی

المرافق قید مغسول است نه غسل در مازاد، به فقه الصادق مراجعه کنید.

س۱۸۱اگر کسی مخرج بول و غائط را در خزینه حمام عمومی بشوید آیا غسل او باطل است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; لابد صاحل حمام راضی نیست و با عدم رضایت او، غسل باطل است.

س۸۲ آیا با غسل های مستحبی می شود اعمال واجب را انجام داد مثل نماز و طواف یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۱۸۳اگر در وسط غسل بول کنند آیا غسل صحیح است اگر صحیح است با همان غسل می شود نماز خواند یا باید وضو گرفت؟

ج باسمه تعالی; غسل صحیح است ولی باید بعد از غسل برای نماز وضو بگیرد.

س۸۴ خانمی بعد از عروسی که با شوهر نزدیک شده در اثر خجالت بدون غسل نماز و روزه انجام داده حالا این زن هفتاد سال دارد فعلا نه توان قضای نماز و روزه را دارد و نه قدرت دادن کفاره، در این صورت چه کاری باید انجام دهد؟

ج باسمه تعالی; اگر غسل کردن برای او مشکل بوده و مستلزم عسر و حرج بوده است و با تیمم نماز خوانده و روزه گرفته; نماز و روزه اش صحیح است و قضای آن ها واجب نیست.

س۸۵ به دلائلی آب منزل مسکونی شبهه ناک می باشد به همین علت ایشان علاوه بر منزل در حمام عمومی نیز غسل می کند.
الف: آیا غسل دوم رافع شبه غسل اولی می شود؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۸۶ آیا با غسل دوم بدون وضو می توان نماز خواند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بعد از غسل در منزل، محدث به حدث اصغر

نشود; بلا اشکال می توان نماز خواند و همچنین اگر محدث شده، ولی شبهه ناک بودن آب منزل به معنای غصبی بودن آن باشد; می تواند نماز بخواند ولی اگر احتیاطی است نمی تواند نماز بخواند.

س۱۸۷ اگر کسی بر بدنش (پوست بدنش) چربی هست آیا این مانع برای وضو یا غسل می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; مانع نیست.

س۱۸۸ اگر قبل از غسل، بدن را وارسی کند و یقین کند که مانعی در بدن وجود ندارد ولی پس از غسل بفهمد که مانع بوده است مانع را بردارد و جای آنرا بشوید غسل صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۸۹ در اعضای وضو، تیمم و غسل رنگی وجود دارد ولی شک دارد که جرم دارد یا نه، آیا لازم است رنگ را پاک کند؟

ج باسمه تعالی; بله لازم است.

س۱۹۰ اگر در اعضای وضو، تیمم و غسل رنگی که جرم دارد باشد و انسان پس از سعی زیاد نتوانست آن را از بین ببرد برای وضو، تیمم، غسل و نماز چه وظیفه ای دارد؟

ج باسمه تعالی; باید به وسیله داروی طبی برطرف کند.

س۱۹۱ اگر کسی قبل از بلوغ نشانه های بلوغ را در رساله بخواند و به گمان این که همه نشانه ها در بلوغ شرط است موقع محتلم شدن غسل نکند بعداً مسئله را بفهمد عبادات وی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; باطل است و باید اعاده کند.

س۱۹۲ اگر در محلی که انسان غسل می کند کسی دیگری عمل حرامی از قبیل ریش تراشی انجام دهد آیا مضرّ غسل غاسل هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; مضر نیست.

س۹۳ شخصی

جنب در تنگی وقت که وظیفه اش تیمم است غسل کند با آن غسل می شود نماز خواند؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند و غسلش صحیح است هرچند با ترک نماز معصیت نموده است.

س۹۴ شرائط منی در خانم ها و غسل آنان در چه شرائطی است؟

ج باسمه تعالی; علامت منی بودن رطوبتی که از زن خارج می شود فقط شهوت است و آن دو امر دیگر معتبر نیست.

س۹۵ هر گاه از زمینی غصبی آب مباح را بردارد و در جای مباح وضو یا غسل انجام دهد چه صورت است؟

ج باسمه تعالی; اگر خود آب مباح باشد وضو و غسل صحیح است.

س۹۶ اگر کسی نمی دانسته جنب است و میت را غسل داده یا آب به روی میت موقع غسل دادن ریخته است و بعد از چند روز متوجّه شده است; آیا اشکال بر غسل وارد می کند و حالا مدتی هم گذشته و اگر کسی عمداً با جنابت میت را غسل دهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; هیچ کدام از دو مورد فوق اشکال ندارد.

س۹۷ اگر کسی جاهل به این که در غسل جنابت وضو واجب نیست و وضو گرفت آیا مرتکب گناه شده یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر گناه نکرده است.

س۹۸ اگر کسی بعد از جنابت بول نداشت که استبراء کند و بعد از غسل کردن رطوبت دید آیا حکم جنابت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه رطوبت مشتبه باشد; حکم جنابت دارد.

تیمم

س۹۹ کسی برای غسل (جنابت، حیض، نفاس) آب پیدا نکند یا محذور دیگری دارد آیا با تیمم می تواند به مسجد برود و از قرآن استفاده نماید یا

خیر؟

ج باسمه تعالی؛ در خصوص تیمم به واسطه ضیق وقت، نمی تواند کارهای مشروط به طهارت را انجام دهد؛ ولی با تیمم به واسطه نبودن آب یا مضر بودن استعمال آن، انجام همه آن کارها بلامانع و جایز می باشد.

س۱۰۰ در مسئله ۸۲۳ آمده است تیمم در فضای غصبی صحیح است پس اگر دستها را در جای غیر غصبی به زمین بزنیم و در زمین غصبی به صورت بکشد تیمم او باطل است؟ آیا این مسئله صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ عبارت غلط است و تیمم باطل نیست بلکه صحیح است. همان گونه که در مسأله بعد بیان می شود.

س۱۰۱ آیا تیمم در فضای غصبی صحیح است چنانچه دست ها را در فضای مباح بزمین بزند در فضای غصبی بصورت بکشد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ تیمم صحیح است.

س۱۰۲ تیمم کردن روی شن و سیمان و سرامیک و آجر جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ تیمم بر هر چیزی که اسم ارض بر آن صدق کند جایز است ولو مانند آجر، کلوخ باشد.

احکام نجاسات

س۱۰۳ دهان اگر به خون آلوده شود نجس است، و باید تطهیر نمود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ دهان باطن محسوب می شود نجس نمی شود و احتیاج به تطهیر ندارد.

س۱۰۴ پزشکی که مسلمان نباشد مراجعه به او چه حکمی دارد، آیا اگر با رطوبت با مریض ملاقات کند مریض نجس می شود؟

ج باسمه تعالی؛ پزشک مسلمان و غیر مسلمان (یهودی، مسیحی، مجوسی) فرق ندارد. چن اهل کتاب به نظر ما مانند مسلمانان پاکند.

س۱۰۵ خونی که در زیر پوست جمع شده آیا نجس است؟

ج باسمه تعالی؛ اگر

انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده، پاک است و چنانچه بداند خون بوده، ولی طوری شود که دیگر در عرف به آن خون نمی گویند پاک است و اگر به آن خون بگویند نجس است.

س۱۰۶ نوک آمپول که در تزریق، با خون تماس پیدا می کند آیا نجس است؟

ج باسمه تعالی؛ سر سوزن با تماس با خون در درون رگ نجس نمی شود ولی چنانچه بعد از بیرون آوردن، آغشته بخون باشد؛ نجس است. به هر حال دوباره استفاده کردن از آن مانعی ندارد.

س۱۰۷ اگر بعد از بول و استبراء رطوبتی بی اختیار خارج شود شباهت به بول دارد آیا این رطوبت نجس است یا پاک، حکم نماز خواندن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ محکوم به طهارت است و نمازها هم صحیح است.

س۱۰۸ رطوبت غلیظی که شبیه منی است بعد از بول مشاهده می شود آیا بدون شهوت حکم منی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ حکم منی ندارد.

س۱۰۹ اکثر ماشینهای لباس شویی هنگام تکمیل شدن آب آن که به وسیله شلنگی به شیر آب وصل می باشند، بطور اتوماتیک آب را قطع می کنند آیا بدین ترتیب لباس نجسی که در آن شسته می شود پاک می گردد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه بعد از زوال عین نجاست، آب متصل به مبدأ، تمام لباس و خود ماشین را فرا گیرد؛ بعد از فشاری که خود ماشین می دهد، پاک می شود. ولی چنانچه قطراتی از آب نجس به لباس بریزد یا با آن محلی که نجس شده و آب کشیده نشده است

تماس پیدا کند نجس می شود.

س۱۱۰ معمولا روی زخم، زرد آبه ای می بندد که سفت شده و بعضاً اگر کنده شود خون می آید؟ لطفاً حکم آن را در مورد نجاست و وضو و غسل بیان فرمائید؟

ج باسمه تعالی؛ رنگ اگر به نحوی است که یقین دارید خون مخلوط با چرک شده است؛ نجس است وگرنه ولو احتمال بدهید که خون دارد؛ محکوم به طهارت است و وضو و غسل هم اشکال ندارد.

س۱۱۱ اگر در غذا یا خوراکی الکل استفاده شود آیا آن غذا نجس است؟ در آمد حاصله از فروش آن خوراکی یا غذا چه حکمی دارد؟ در صورت نجس بودن و حرام بودن کسب چه راهی برای جلوگیری از اسراف وجود دارد؟

ج باسمه تعالی؛ الکل اگر در غذای مایع ریخته شود و مسکر شود؛ نجس و حرام است و دور ریختن آن غذا اسراف نیست.

س۱۱۲ دلیل این که الکل صنعتی پاک است چیست و چرا الکل صنعتی مست کننده نیست؟

ج باسمه تعالی؛ الکل، بدون مزج با آب، مست کننده نیست؛ بلکه کشنده است؛ بنابراین پاک است.

س۱۱۳ در انقلاب خمر به خل زمانی که خمر بوده اگر میوه ای مانند خیار یا سیر در آن بریزند؛ آیا بالتبع بعد از انقلاب به خل پاک می شود؟ یا نجاست باقی است و آن خل هم به خاطر ملاقات نجس می شود؟

ج باسمه تعالی؛ بالتبع پاک می شود و خل هم پاک است.

س۱۱۴ نظر برخی از فقهاء این است که اهل کتاب نجسند و حکم نجاسات بر آن ها جاری است و نظر برخی دیگر همچون مرحوم آیه الله العظمی سبزواری(ره)

بر طهارت آنهاست نظر حضرت عالی چیست؟

ج باسمه تعالی; تا این اواخر نظرم نجاست اهل کتاب بود ولی فعلا بنا بر طهارت آن ها گذاشتم.

س۱۱۵ اگر کسی در دریای شور بدنش زخم شود با آب مذکور پاک می شود یا در ملاقات با آب دریا، آب نجس می شود؟

ج باسمه تعالی; با آب دریا پاک می شود ولی با زخم شدن و خون آمدن بدن نجس می شود و آب دریا نجس نمی شود.

س۱۱۶ اگر پشم لحاف یا تشک نجس شود و هرچه هم در آب جاری بشویند آبش صاف نشود آیا پاک می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست صاف شود. همین قدر که مضاف نباشد; کافی است.

س۱۱۷ اگر به برنج خیس شده فضله موش بیفتد در حالی که برنج دو یا سه روز است خیس شده یا فضله دو یا سه روز داخل برنج خیس شده بماند به چه صورت برنج مذکور پاک می شود؟

ج باسمه تعالی; باید برنج را در آب کر یا جاری خیس کنند; تا حدی که یقین کنند به هرجا که آب نجس رسیده آب کر هم رسیده است.

س۱۱۸ ترشحی که از توالت به لباس سرایت می کند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با شلنگ باشد و عین نجاست در لباس پیدا نشود پاک است.

س۱۱۹ در پاک کردن نجاسات آیا حکم آب جاری و کر یکی است؟

ج باسمه تعالی; بلی یکی است.

س۱۲۰ اگر کسی یادش برود که دستش نجس است و دست نجس را در گوجه فرنگی خرده شده برای تهیه رب فرو کند; آیا امکان پاک شدن گوجه فرنگی مذکور

وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت می باشد؟

ج باسمه تعالی; راهش منحصر است به این که گوجه فرنگی خرد شده را در ظرف پاک متصل به کر، مانند اتصال به لوله بریزند و بیرون بیاورند در این صورت پاک است.

س۱۲۱ آیا بول بچه شیرخوار پسر نجس است یا نه و فرقی با بول دختر دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نجس است ولی چند مرتبه آب کشیدن لازم نیست و یک مرتبه کفایت می کند و این حکم مختص به پسر است; مشروط به این که چیزی غیر از شیر مادر نخورد و بول دختر حکم بول بزرگسالان را دارد.

س۱۲۲ چیزهایی که قابل فشار نیست مثل چوب، برنج، گندم و... اگر نجس شد تطهیرش چگونه است؟

ج باسمه تعالی; ظاهر آن ها چه با آب کثیر و چه با آب قلیل پاک می شود ولی برای تطهیر باطن باید آن قدر در آب کر یا جاری نگاه داشته شود که به نفوذ آب به آنچه نجاست در آن نفوذ کرده است; یقین پیدا کند.

س۱۲۳ تخم مرغ در آب نجس جوشانده شود حکم به طهارت می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; داخل تخم مرغ نجس نمی شود، و اگر ظاهر را آب بکشند; کافی است.

س۱۲۴ ورود اهل کتاب به مساجد برای شرکت در مجالس ترحیم چگونه است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه دخول آن ها موجب هتک حرمت نباشد و سبب نجاست مسجد هم نشود; حرام نیست و جلوگیری واجب نمی باشد ولی احوط غیر لزومی، جلوگیری است.

س۱۲۵ آیا فضله پرندگان حرام گوشت پاک است یا نجس؟

ج باسمه تعالی; نجس نیست.

س۱۲۶ در مورد

پاکی و نجسی افراد بفرمائید. زرتشت، مسیحی، اهل کتاب، سنی؟

ج باسمه تعالی؛ همه ذاتاً پاکند ولی غالباً نجاست عرضی دارند؛ چون از نجاسات اجتناب نمی کنند.

س۱۲۷ اگر ما شک داریم این خون از خون متخلف در ذبیحه است یا خون دیگری، در اینجا می شود تمسک به عام در شبهه مصداقیه به (حرمت علیکم المیته و الدم الخ) کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ خوردن خون مطلقاً حرام است و خون متخلف نجس نیست ولی حرام است. بنابراین آیه مربوط به مسأله نیست و در نجاست در مورد سؤال به قاعده طهارت رجوع می شود.

س۱۲۸ اگر مگسی بر نجاست بنشیند و بعد از آن بر بدن یا لباس مرطوب یا خشک نشست آیا نجس می شود یا نه و آیا حکم به طهارت لباس یا بدن جاری است، چون استصحاب نجاست اصل مثبت است؟

ج باسمه تعالی؛ موضوع نجاست، سرایت است و با استصحاب اثبات نمی شود بنابراین اگر نداند که مگس حامل عین نجاست مسری است؛ حکم به نجاست نمی شود.

س۱۲۹ شخصی که اهل کتاب نیست و ده کیلو شیر هدیه کرده؛ چون دستش با شیر تماس داشته قطعاً نجس است آیا می شود پنیر درست کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه پنیر را در آب کر بگذارد و آب به تمام اعماق آن نفود کند؛ پاک می شود.

س۱۳۰ کسی یقین به حدث کرد بعد شک کرد و غفلت نمود و نماز خواند آیا عمل او باطل است؟ اگر یقین به حدث کرد بعد غفلت نمود و نماز خواند بعد از آن ملتفت شد و شک کرد آیا نماز او صحیح است؟

ج

باسمه تعالی; در هردو صورت نماز باطل است.

نماز میت

س۱۳۱ تکلم در اثنا نماز میت حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; بنابر احتیاط واجب در وسط نماز تکلم نکند.

س۱۳۲ کسانی که خودکشی می کنند و یا به طریقی خودشان را از بین می برند آیا نماز میت دارند و از اموالشان ثلث می برند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی باید نماز خوانده شود و چنانچه وصیت نکرده است; حقی به ثلث مال ندارد و اگر وصیت کرده; باید طبق وصیت عمل شود.

س۱۳۳ عوام الناس که شرایط صلوه میت و ادعیه آنرا حفظ نیستند و می دانند که باید هرکس خودش اعمال صلوه را متحمل بشود ولی چون نمی دانند از امام تبعیت کنند. سؤال این است در فرض سئوال الزاماً کدام یک از دو نیت ذیل را بکنند؟ (۱) به میت حاضر نماز می خوانیم (۲) به میت حاضر نماز می خوانیم اقتداء به پیش نماز حاضر. کدام یک از این دو صحیح نیست؟

ج باسمه تعالی; هردو صحیح است.

س۱۳۴ آیا ترتیب در نماز قضاء برای میت واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; واجب نیست.

س۱۳۵ اگر پدر فوت کند و چند پسر داشته باشد برای اقامه نماز میت بر او آیا از همه پسرانش باید اجازه گرفت یا از پسر بزرگ کافی است؟

ج باسمه تعالی; گرفتن اجازه از یکی از آن ها به شرط بلوغ و عقل کافی است.

غسل میت

س۱۳۶ غسالی را شهرداری در غسالخانه اسکان داده و در مقابل غسل وجهی می گیرد و اگر پولی داده نشود; غسل نمی دهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; غسل صحیح است.

س۱۳۷ در صورت

نبودن آب تکلیف نسبت به غسل میت چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت عدم امکان غسل، با تیمم دفن شود.

س۱۳۸ در صورت عدم امکان غسل با سدر و کافور چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی؛ یک غسل با آب قراح، کافی است.

س۱۳۹ اگر محرم و مماثل برای غسل دادن نباشد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ غسل ساقط است.

س۱۴۰ اجزاء میت طوری است که معلوم نیست واجب الغسل است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت مشکوک بودن، با عدم علم به حال سابق، غسل واجب نیست.

س۱۴۱ اگر عضوی معلوم نباشد مربوط به زن و یا مرد است چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه عضوی باشد که غسل آن واجب است باید دو غسل داده شود یک متصدی مرد و دیگری زن باشد.

س۱۴۲ آیا شخصی با امر نائب عام به جبهه دفاع از ارزش های اسلامی و حفظ مملکت خویش عازم می شود و در آنجا کشته می شود، شهید به آن فرد اطلاق می شود و غسل آن واجب نیست یا غسل واجب است؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، چنانچه مجتهد جامع الشرائط به جبهه رفتن امر کند حکم شهید دارد.

س۱۴۳ میتی معلوم نیست مرد و یا زن است چه کسی باید غسل دهد؟

ج باسمه تعالی؛ اگر از محارمش کسی هست؛ او از روی لباس غسل دهد وگرنه یک مرتبه مرد و یک مرتبه زن، میت را از روی لباس غسل دهند که دو غسل می شود.

س۱۴۴ میتی را غسل داده و نماز خواندند، بعداً معلوم شد در جنازه خون است بعد از تطهیر جنازه تکرار نماز لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ واجب نیست.

س۱۴۵

آیا کسی که غسل میت می دهد شرط است شیعه و دوازده امامی باشد؟

ج باسمه تعالی؛ آری باید مسلمان دوازده امامی باشد.

س۱۴۶ شخصی که برای میت غسل می دهد دستکش پوشیده بعد از اغسال دستکش بالتبع پاک می شود، یا تطهیر لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه آب کشیده نشود؛ پاک نمی شود ولی آبی که روی میت ریخته شود قهراً به آن دستکش هم ریخته می شود و در طهارت همان قدر کافی است.

س۱۴۷ اگر کسی در اثر تصادف از دنیا برود و موقع غسل دادن خون قطع نشود چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه ممکن است در آب کر غسل بدهند غسل دادن لازم است و اگر ممکن نیست، و می شود مقداری صبر کنند تا خون قطع شود ولو به واسطه لازم است این کار را انجام دهند. اگر آن هم ممکن نیست؛ غسل جبیره و الا تیمم بدهند.

س۱۴۸ اگر کسی عضو مقطوع انسان با گوشت و استخوان را مس کند آیا غسل مس میت دارد و اگر فقط استخوان خالی باشد چطور و آیا غسل مس میت، وضو برای نماز لازم است؟ اگر وضو داشت و مس میت کرد وضوی او باطل می شود؟

ج باسمه تعالی؛ مس عضو مشتمل بر استخوان، غسل دارد؛ ولی مس استخوان خالی، غسل ندارد و در مورد غسل مس میت، وضو واجب نیست.

س۱۴۹ آیا اگر اسیر کافر در دست مسلمانان بمیرد غسل میت دارد (بنابر آن که تابع مسلمان می باشد)؟

ج باسمه تعالی؛ برای کافر بالغ اسیر، غسل دادن واجب نیست ولی طفل اسیر، اگر پدر و مادر و جده و جد

با او نباشند; تابع اوست و حکم مسلمان را دارد.

دفن و کفن

س۱۵۰ در قبور کهنه که سال ها بر آنها می گذرد حق تقدم با بازماندگان اهل قبور است و یا دیگران می توانند میت دفن کنند؟

ج باسمه تعالی; تا آثاری از میت در آنجا هست; حق با کسان میت است. ولی اگر اثری نیست حق ندارند.

(ت) س۱۵۱ بچه در شکم مادر فوت کرده آیا بیرون آوردن و جدا دفن کردن او، لازم است و یا با مادرش دفن شود؟

ج باسمه تعالی; بیرون آوردن و جدا دفن کردن لازم نیست.

س۱۵۲ کفن واجب را از اصل مال بر می دارند یا از ثلث مال؟

ج باسمه تعالی; از اصل مال.

س۱۵۳ دفن میت در منزل شخصی جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; دفن شخص در منزل شخصی اشکال ندارد و جایز است.

س۱۵۴ یک نفر وصیت کرده است بعد از فوت خودم مرا در قبرستان کفر دفن و کفن کنید و چون مسلمان است شرعاً وصیت ایشان نافذ می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; وصیت غیرمشروع است و نافذ نیست.

س۱۵۵ اگر قبری سنگ نداشته باشد یا سنگش از بین رفته باشد آیا می توانند برای این که نشانی قبر از بین نرود سنگ تازه برای قبر حک کنند؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۵۶ زنی در حال زایمان، خود و بچه در شکمش هردو می میرند آیا زن را با بچه دفن کنند یا بچه را از شکم زن بیرون بیاورند. اگر با هم دفن شوند; بچه پشت به قبله می شود مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بچه را نباید از شکم مادر بیرون

بیاورند. بلکه مادر را غسل می دعند و دفن می کنند. چنانچه مادر کافر باشد پشت به قبله دفن می کنند تا روی بچه به قبله باشد در صورتی که پدر مسلمان باشد و مادر هم مسلمان باشد; مادر را به همان حال معمولی دفن می کنند و قهراً بچه پشت به قبله می شود; اشکالی ندارد.

نبش قبر

س۱۵۷ اگر میتی که در قبر هنوز کاملاـ خاک نشده بلکه مقداری از استخوانهایش مانده آیا نبش آن جایز است و می شود میت دیگر را دفن کرد؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۵۸ اگر قبرستانهایی را نبش کنند یا بدون نبش روی آن ها شن ریزی کنند در حالی که همه اجساد موجود در آن ها از بین نرفته و مؤسسات عالم المنفعه از قبیل: مدرسه، مخابرات، هلال احمر و غیره ساکنند یا شهرداری بفروشد و کسانی بخرند و خانه حتی حسینیه درست کنند نظر مبارک حضرت عالی درباره آن مؤسسات چه بوده و رفت آمد در آن ها چه صورت داشته ولو برای عزاداری امام حسین(علیه السلام) و نماز خواندن در آنها چگونه می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قبرستان وقف باشد و از حیّز انتفاع خارج نشده باشد آن کارهائی که اشاره نموده اید جایز نیست و در صورتی که وقف نباشد و از حیّز انتفاع خارج شده است همه آن کارها با اجازه مجتهد صحیح است.

س۱۵۹ اگر میتی در طبقه پائین باشد که او را حنوط یا کفن و یا غسل یا نماز نخوانده اند آیا می توانند او را بیرون آورده و وظیفه فراموش شده را انجام بدهند نبش قبر اولی قهری است

در این صورت چه حکمی مترتب است؟

ج باسمه تعالی; برای غیر نماز در صورتی که بوی بد نگرفته و اهانت نباشد جایز است. اما برای نماز جایز نیست. به همان قبر می شود نماز گذارد.

س ۱۶۰ نبش قبر تا چه مدت بعد از دفن حرام است؟

ج باسمه تعالی; تا موقعی که اسکلت میت از بین نرفته است.

احکام نماز

س ۱۶۱ اگر در حال نماز در خانه را بزنند یا تلفن زنگ بزند و در خانه کسی نباشد که جواب بدهد آیا می شود; برای جواب دادن نماز را قطع کرد؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی شود مگر آنکه باز نکردن موجب فوت منفعتی یا توجه ضرری شود در این دو صورت می تواند نماز را قطع کند.

س ۱۶۲ اگر کسی بی نماز باشد ولی روزه بگیرد آیا اگر بعد از مرگ وی نمازهایش را استیجار کنند سودی به حالش دارد؟ و چون روزه را گرفته استیجار روزه لازم هست یا نه؟ و تکلیف کسی که نه نماز خوانده و نه روزه گرفته چیست؟

ج باسمه تعالی; باید اجیر گرفته شود و در هردو مورد هم بحالش سود دارد.

س ۱۶۳ اگر شهادت ثالثه (اشهد انَّ علیّاً ولی الله) را در تشهد به عنوان استحباب بگویند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; خیر جایز نیست.

س ۱۶۴ آیا بیدار کردن کسی برای نماز جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز بلکه واجب است.

(جواب گنگ) س ۱۶۵ بیدار کردن اشخاص برای نماز و غیرنماز چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; برای نماز، در صورتی که اگر بیدار نکند فوت می شود; به نظر من لازم است و من رساله کوچکی درباه این

مسأله نوشته ام که در آخر این کتاب قرار گرفته است.

س۱۶۶ آیا میهمان را بدون رضایت او جایز است برای نماز صبح بیدار کرد در صورتی که ممکن است ناراحت شود اگر با صاحب منزل شرط کرده باشد آیا می تواند بیدار کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تالی فاسد مهمی از بیدار کردن پیدا نشود بیدار نمودن او مطلقاً واجب است اگرچه شرط نکرده باشد.

س۱۶۷ آیا ولایت معصومین(علیه السلام) شرط صحت نماز و سایر اعمال است یا شرط قبولی و یا هردو؟

ج باسمه تعالی; شرط صحت است.

س۱۶۸ رکوع به قصد تعظیم برای ائمه(علیه السلام) جایز است؟

ج باسمه تعالی; تعظیم جایز است، ولی رکوع به قصد رکوع جایز نیست.

س۱۶۹ بستن چشم ها در نماز جهت کسب حضور قلب کراهت دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۱۷۰ بودن اشیایی مانند تسبیح، دستمال، با توجه به کم ارزش بودن در نماز بدون اجازه صاحبش غصب محسوب می شود یا اصلا ارزش آن مطرح نیست؟

ج باسمه تعالی; کم ارزش بودن موجب جواز نمی شود. بلکه ممکن است; سبب شود که انسان به رضایت صاحبش اطمینان پیدا کند که در این صورت غصب نیست.

س۱۷۱ پوشاندن دست و صورت برای زن چه حکمی دارد در نماز و غیره؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که زینت نکند و موجب تحریک جوانان نباشد پوشاندن آن ها لازم نیست و فرقی بین نماز و غیر نماز نیست.

س۱۷۲ اگر کسی جاهل به مسئله بوده و نمازش را بدون سلام دادن تمام می کرد آیا نمازش صحیح و قاعده لاتعاد او را می گیرد اگرچه جاهل مقصر بوده است؟

ج باسمه

تعالی; قاعده لاتعاد جاهل مقصر را نمی گیرد.

س۱۷۳ این جانب اکنون ۵۰ سال دارم و نمی دانم چه مقداری نماز آیات از من قضاء شده است تکلیف من چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; مقداری که یقین دارید; قضاء کنید و زاید بر آن لازم نیست. ولی بهتر است قضاء زائد بر متیقن هم بنمایید.

س۱۷۴ آیا ترک نماز موجب کفر می شود و باید با تارک آن معامله نکرد؟

ج باسمه تعالی; نماز عمود دین است، اگر قبول شود سایر عبادات نیز قبول می شود و اگر رد شود و یا ترک شود هیچ عمل الهی قبول نمی شود، امام صادق(علیه السلام) می فرماید بعد از شناختن خدا هیچ عملی افضل از نماز نیست در روایت دیگر است که بین مسلمان و کافر شدن او چیزی غیر از ترک نماز نیست و آن آخر وصایای پیغمبران است. در روز قیامت چنانچه شخصی را برای سؤال حاضر کنند برای سؤال همین که معلوم شود نماز نخوانده بدون معطلی در جهنم می اندازند خلاصه در قیامت با تارک نماز معامله کافر می شود و در دنیا باید نهی از منکر نمود و تارک نماز اگر به نهی گوش نداد باید با او ترک مراوده کرد; ولی نجس نیست و ترک نماز هم موجب کفر نمی شود.

س۱۷۵ در ظهر عاشورا عزاداری امام حسین(علیه السلام) مقدم است یا نماز ظهر؟

ج باسمه تعالی; وجود حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه با آنکه ارزشش از تمام دنیا زیادتر است; خود را فدای دین کرد و برای اقامه نماز و احیاء دین از جان خود و یاران با وفایش گذشت.

بنـابراین نبایـد در نمـاز کوتاهی کرد و لـذا خود حضـرت در حال جنگ که اگر من و تمام نویسـندگان بخواهیم آن حال را با ارزشش بنویسیم؛ قادر نیستیم جنگ را رها نمود و اقامه نماز نمود لذا نماز مقدم است.

س۱۷۶ اگر مکلف در رکعت نماز احتیاط محدث شده باشد آیا اعاده یک رکعت واجب است یا باید نماز را اعاده کند؟

ج باسمه تعالی؛ اعاده همان یک رکعت کافی است.

س۱۷۷ تکبیر گفتن قبل و بعد از رکوع و سجده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ احتیاط واجب آن است که قبل از سجده ترک نشود ولی بعد از سجده مستحب است.

س۱۷۸ به دلیل ناراحتی اعصاب، بعضی اوقات حوصله ندارم نمازم را بخوانم در چنین صورتی تکلیف بنده چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در هیچ حالی حق ندارید نماز را نخوانید. حوصله داشتن یا نداشتن فرقی ندارد.

س۱۷۹ کسی عمداً نماز عشا را نخواند فردای آن آیا روزه گرفتن بر او واجب است؟

ج باسمه تعالی؛ خیر، در صورتی که نخواندن نماز منتسب به خواب بودن باشد، مستحب است فردایش را روزه بگیرد.

س۱۸۰ وظیفه کسی که نه آب برای غسل و وضو و نه خاک برای تیمم دارد در داخل وقت نسبت به نماز چیست؟

ج باسـمه تعالی؛ نماز ساقط است. ولی بهتر است که در وقت بـدون طهارت نماز را بخواند و بعد از وقت نیز نماز را با طهارت قضاء کند.

س۱۸۱ در تکبیره الاحرام اعاده لفظ اکبر وجوباً یا احتیاطاً لازم باشد با فاصله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بدون فاصله اشکال ندارد.

س۱۸۲ آیا تکرار نماز در صورت عدم حضور قلب از باب

امتثال امر الهی جایز می باشد یا خیر و توجه چگونه حاصل می شود؟

ج باسمه تعالی; تکرار نماز، در صورت عدم حضور قلب، با فرض اطمینان به صحت آنچه انجام داده است; دلیلی بر مشروعیت آن نیست. توجه با مقداری تفکر در عظمت الهی و ضعف حقارت خود و فقر بنده و امثال ذلک، حاصل می شود.

س۱۸۳ مصافحه کردن بعد از نماز آیا شرعی و مستحسن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مصافحه مطلقاً شرعی است. خصوصاً که بعد از نماز مطلوب هم هست.

س۱۸۴ آیا در حال نماز واجب می شود عدول به نماز مستحبی نمود تا این که دوباره با توجه کامل نماز را خواند؟

ج باسمه تعالی; عدول به نماز مستحب در موارد خاصی جایز است مانند درک جماعت ولی مطلقاً جایز نیست.

س۱۸۵ در نماز زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد نمازشان چگونه است و اگر شخصی مدتی این طور نماز خواند آیا باطل است؟

ج باسمه تعالی; نماز هر دو صحیح است و اگر فاصله بین آن ها نباشد مکروه است و نماز باطل نیست.

س۱۸۶ شخصی عاجز از ایستادن در حال نماز باشد باید چه کند؟

ج باسمه تعالی; نشسته نماز بخواند.

س۱۸۷ اگر کسی رکوع را فراموش کرد و به سجده رفت قبل از رسیدن به مهر یا بعد از آن چکار کند؟

ج باسمه تعالی; در هر دو صورت باید برگردد و رکوع را بجا آورد و دو مرتبه به سجده برود.

س۱۸۸ تکلیف زن در دعای بعد از نماز در ماه رجب که وارد شده جمله (حرم شیبتی علی النار) زن که ریش ندارد باید چه بگوید؟

ج باسمه

تعـالی; باب اسـتعاره در کلمات عرب، واسع است و این هم یکی از موارد آن باب است و مراد از شـبیه، شـخص است والّا هم درخواست حرمت خصوص شبیه را نمی کنند و در آن معنای کنائی، فرقی بین زن و مرد نیست.

قبله

س۱۸۹ اختلاف از قبله تا چه حدی جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; تا حدی که از قبله منحرف نشود.

س۱۹۰ منزل یکی از اقوام در کرج می باشـد حـدوداً شایـد یـک سـال هر هفته یـا هر ماه یک بار به آنجا به عنوان میهمان می رفتم و بعدها متوجه شدم جهت قبله اشتباه بوده حالا حکم نمازهای من چیست در حالی که صاحب خانه مطمئن از صحت قبله بوده است؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه در وقت خوانـدن نماز به قبله اطمینان پیـدا کرده بودید و نمازها را پشت به قبله نخوانده اید; بلکه بین مشرق و مغرب خوانده اید یعنی بین دست راست و چپ بوده، نمازها صحیح است و اعاده لازم نیست.

س۱۹۱ بچه ای متولد شده پس از ۸ ماه فوت نموده این بچه تمام اعضایش سالم بوده جز این که صورتش به طرف پشت بوده که اگر رو به قبله می ایستاد یا اگر سرپا نگه می داشتند مقادیم بدن این میت رو به قبله و سرش به طرف پشت می شد اگر این بچه زنـده می مانـد و بالغ می شد نماز را چگونه بایستی می خواند؟ دیگر آنکه اگر صورت کاملا به طرف مشـرق و یا مغرب بود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در موقع قیام باید مقادیم بدن رو به قبله باشد و اما در موقع

سجده، چون توانایی انجام از سجده ندارد; تکلیف مبدل به ایماء می شود; اگر صورت به طرف مشرق یا مغرب باشد واجب است چه در دفن و چه در صلوات چنان که ممکن است با حرکت رو به قبله شود و الا حکم صورت اول را دارد.

س۱۹۲ اگر کسی سر او به طرف عقب آفریده شده باشد یا بر اثر سکته یا غیره سر او به عقب برگشته این شخص نماز را به طرف قبله چطور بخواند؟

ج باسمه تعالی; باید مقادیم بدن رو به قبله باشد و رو به قبله بودن صورت لازم نیست.

اذان و اقامه

س۱۹۳ اضافه نمودن شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین علیه آلاف التحیه و الثناء و فرزندان گرامیش در تشهد نماز چیست آیا جایز است یا نه؟ در اذان و اقامه چطور؟

ج باسمه تعالی; شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علیه صلوات الله بعد از شهادت به رسالت در اذان و اقامه از مستحبات اکیده و از شعائر مذهبی است و شیعیان نباید آن را ترک نمایند.

س۱۹۴ اگر اذان و اقامه در نماز جماعت و یا فرادای هر یک به وسیله دو نفر گفته شود چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۹۵ اذان گفتن و قرآن خواندن از بلندگوی مسجد چنانچه موجب مرض یا شدت مرض کسی شود حرام است یا نه؟ دلیل را بفرمائید.

ج باسمه تعالی; واقعاً اگر در موردی سبب مرض یا شدت آن بشود جایز نیست چون عمل مستحب نمی تواند با عنوان محرّم منطبق بر آن، مزاحمت نماید.

س۱۹۶ اگر صبی ممیز برای نماز جماعت دیگران اذان و اقامه بگوید بنابر صحت عبادت صبی کافی است یا

خیر؟

ج باسمه تعالی; به نظر حقیر اشکال دارد.

س۱۹۷ اذان و اقامه در نماز جماعت قسمتی از یک نفر و بقیه از شخصی دیگر چه صورت دارد و کسی که در آن نماز شرکت می کند آیا این اذان و اقامه برای او کافیست یا نه؟

ج باسمه تعالی; اذان از یک نفر و اقامه از شخصی دیگر مانعی ندارد ولی بعضی از آن را کسی و بعضی را دیگری بگوید; محل اشکال است و کسی که در آن نماز با اذان از یک شخص و اقامه از دیگری شرکت کند اگر وارد مسجد شود و صفوف به هم نخورده است اذان و اقامه از او ساقط است.

س۱۹۸ آیا می توان به جای اشهد أنَّ محمداً رسول الله در اذان و اقامه به قصد ورود یا رجاء عبارت اشهد ان خاتم الانبیاء محمداً رسول الله یا عبارت أن سیدالانبیاء محمداً رسول الله گفت؟

ج باسمه تعالی; شهادت به رسالت در هرجا وارد شده است باید به همان الفاظ متعارف باشد. بعضی از اذکار دیگر در قبل یا بعد از آن مستحب است چنانچه در رساله نقل شده است.

س۱۹۹ شهادت ثالثه یعنی به ولایت امیرالمؤمنین در اذان و اقامه و تشهد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در اذان و اقامه شهادت به ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام)مستحب است و از شعائر مذهبی است و در این عصر نباید ترک شود.

لباس نمازگزار

س۲۰۰ نماز خواندن در لباسی که هدیه داده اند و اهل وجوه نیستند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۰۱ پوشیدن لباس سیاه در ماه محرم و صفر چه صورت دارد و نماز صحیح است؟

ج

باسمه تعالی; در مصیبت ائمه(علیه السلام) پوشیدن لباس سیاه از مستحبات است و بسیار کار خوبی است. خود من در تمام محرم و صفر سرتا پا سیاه می پوشم و در غیر آن مورد هم، اشکال ندارد و نماز هم صحیح است.

س۲۰۲ اگر کسی فراموش کرد یا نمی دانست و با لباس غصبی نماز خواند آیا در هر دو صورت نمازش صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۲۰۳ در مسوله ۷۰۴ از رساله عملیه آمده است; اگر در بین نماز بفهمد که لباس او غصبی است باید در صورتی که چیز دیگری عورت او را پوشانده است آن لباس غصبی را خارج کند. در حالی که در ابتدای شرط عدم غصب فرموده اید منظور لباس هایی است که عورت را پوشانده و غیر آن اشکالی ندارد. چگونه این دو مسئله با هم جمع می شود؟

ج باسمه تعالی; حرمت تکلیفی پوشیدن لباس غصبی نیز ساتر عورت، قابل انکار نیست.

س۲۰۴ خون بواسیری که به بدن و لباس می رسد برای نماز چه حکم دارد؟

ج باسمه تعالی; با خون بواسیری که دانه هایش بیرون است می شود نماز خواند; ولی احتیاط واجب آن است که در صورتی که دانه هایش بیرون نباشد و خون زاید بر درهم است نماز خوانده نشود.

مکان نمازگزار

س۲۰۵ در مکان های عمومی که انسان می داند غصبی است می شود آنجا نماز خواند؟

ج باسمه تعالی; خیر، در صورتی که احتمال برگشتن به مالک باشد; نمی شود والا مانعی ندارد.

س۲۰۶ زمین مرد مخالف و سنی را عده ای از شیعه های دوازده امامی خالص تصرف کرده منزل و مسجد

ساخته اند صاحب زمین رضایت ندارد نماز و سکونت در چنین منزل و مسجد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نماز خواندن در آن جایز نیست.

س۲۰۷ اگر شخصی نمازگزار غصب بودن محل نماز را نمی داند و یا جاهل به مسئله است و به این صورت نماز بخواند نمازش باطل است؟

ج باسمه تعالی; در جاهل بودن به غصب، نماز صحیح است. ولی در صورت جهل به حکم، چنانچه مقصر باشد; نماز باطل است.

س۲۰۸ نماز خواندن در منازل اشخاصی که خمس و زکات نمی دهند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۰۹ در مسافرت های بین شهری که ماشین ها برای صرف ناهار یا شام نگه می دارند، نماز خواندن در چنین غذاخوری ها برای کسانی که آنجا غذا نمی خورند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۱۰ بودن عروسک های پلاستیکی اعمّ از حیوان و انسان و مجسمه در مکان نمازگزار چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقابل نمازگزار مکروه است و در اطراف دیگر مانعی ندارد.

س۲۱۱ خواندن نماز در خانه کسی که تارک الصلاه است یا خمس نمی دهد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. ولی در صورت ممکن باید ارشاد نمود و نهی از منکر کرد ولو به نماز نخواندن.

س۲۱۲ نماز خواندن در اطاقی که تلویزیون هست چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; خود نماز صحیح است.

س۲۱۳ اگر کسی از طرف حاکم شرع اموال یتیم را به سرپرست آن ها اجاره بدهد در این صورت رفت و آمد در خانه و ملک یتیم یا خانه ملکی که یتیم در آن سهم دارد و غذا خوردن و نماز خواندن

در آنجا چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; همه جایز است.

س۲۱۴ اگر زمین کسی را که مالکیت دارد و ملك خودش می باشد غصب کرده و آنجا مدرسه درست کنند و مدرسه دو شیفته باشد و در فصل زمستان کسانی که شیفتشان بعد از ظهر می باشد قبل از ظهر به مدرسه رفته و غروب یا بعد از غروب از مدرسه خارج می شوند و مجبورند نماز ظهر و عصر را همان مدرسه بخوانند نماز آن ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نماز در ملك غصبی باطل است; مگر آنکه علم به رضایت تقدیری مالك داشته باشد که در این صورت صحیح است.

وقت نماز

س۲۱۵ اگر انسان خیال می کرده یا احتمال می داده که فقط برای نماز عصر وقت دارد ولی بعد از خواندن نماز عصر بفهمد که برای نماز ظهر نیز وقت داشته نماز عصرش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بله صحیح است.

س۲۱۶ کسی که در کشورهای عربی زندگی می کند، آیا وقت اذان شیعه و سنی فرق دارد؟

ج باسمه تعالی; سنی ها اول نماز صبح را طلوع فجر کاذب می دانند که یك سفیدی عمودی در افق پیدا می شود و آن تقریباً یك ربع ساعت به اول وقت در نزد شیعه است که یك سفیدی در عرض افق پیدا می شود و وقت نماز مغرب را غروب شمس می دانند که جماعتی از علماء شیعه هم همان را فتوی می دهند ولی بیش تر علماء اول وقت مغرب را زوال حمره می دانند.

س۲۱۷ اگر کسی در نماز صبح یك رکعت وقت برای او باقی بود ولی یك سوره طولانی در

نماز بخواند و به یک رکعت نرسید آیا نماز او باطل است یا معصیت کرده یا درست است؟

ج باسمه تعالی; معصیت کرده; ولی نماز او صحیح است.

قرائت

س۲۱۸ کشش در کلمه ولا الضالین چقدر است؟

ج باسمه تعالی; مختصر کشیدن کافی است.

س۲۱۹ اگر کسی در خواندن سوره حمد و نماز خود در موقع گفتن ایاک نعبد و ایاک نستعین قصد کسی کند و خطاب را با او اعم از ائمه و غیر ائمه نماید و صورت قطب را در نظر گرفته یا شکل او را در نظر حاضر کند و بگوید خطاب باید به خدا شود و چون خدا را نمی بینم تا مخاطب قرار دهیم باید طلعت احمد و حیدر را در نظر بگیریم و چون نمی توانیم صورت آن ها را تصور کنیم باید صورت مرشد را که ولی می باشد تصور نمائیم آیا نماز چنان شخصی درست است یا نه و اصلا این روش با اسلام و تشیع سازش دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; نماز چنین شخصی باطل است و خود عمل شرک است و با اسلام و تشیع منافات دارد.

س۲۲۰ شخصی از روی جهالت حدوداً پنج سال همیشه در نماز تسبیحات اربعه را با بسم الله الرحمن الرحیم خوانده به نظر این که بسم الله جزء تسبیحات است و چون بی سواد است قصد ورود و سایر مسائل را هم نمی داند تکلیف او چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۲۱ یکی از مقلدین حضرت عالی مدتی است بعد از قرائت سوره حمد سوره عصر را در نماز خوانده ولی کلمه الا الذین را، ان الذین خوانده بعداً فهمیده، آیا

نمازهای خوانده شده اش صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۲۲۲ آیا در قرائت حمد و یا سایر کلمات نماز و قرآن در بین حرف های مشابه (ض. ظ. ز. ذ. أ. ع. ص. ث. ه.) از نظر مخارج فرق گذاشتن لازم است یا نه؟ و اگر کسی عالماً و عامداً فرق نگذارد و یا این که یاد گرفتن محل و بیان مخارج ممکن نباشد و یاد نگیرد آیا نمازش و قرآنش اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; واجب است در نماز حروف را رعایت بنماید چنانچه (ض) به (ز و یا به ذ) تبدیل کند، نماز باطل است و در صورتی که نمی داند; باید یاد بگیرد و در صورت توانایی بر یاد گرفتن اگر یاد نگرفت نماز او باطل است.

س۲۲۳ آیا جایز است در سوره حمد در نماز (مالک یوم الدین) و (ملک یوم الدین) هر دو را قرائت نمود؟

ج باسمه تعالی; هر کدام را که بخواند جایز است، ولی اولی، اوفق به احتیاط است و جمع هم مانعی ندارد.

س۲۲۴ اگر در جایی که وقت برای نماز زن کم است شروع به نماز کرد و جلو بود آیا مرد می تواند پشت سر او شروع به نماز کند؟

ج باسمه تعالی; بله می تواند. در غیر این صورت مکروه است ولی در فرض سؤال، واجب است.

س۲۲۵ آیا ادغام در قرائت نماز واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر حرف مُماثل ساکن دو کلمه واحده جمع شود و یا دو حرف مُماثل متحرک مانند مدّ در آخر کلمه باشد واجب است والا ادغام واجب نیست.

س۲۲۶ بلند خواندن قرائت حمد

و سوره در نماز ظهر روز جمعه برای زن و مرد چه حکمی دارد آیا این حکم در سفر و حضر فرق می کند؟

ج باسمه تعالی; مقتضای احتیاط این است که بلند خوانده شود ولو اگر آهسته خوانده شود در همه موارد صحیح است.

س۲۲۷ شخصی در نماز تسبیحات اربعه را چهار بار تکرار کند نمازش اشکال دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; دفعه چهارم را به قصد ذکر مطلق نه جزئیت نماز بگوید اشکال ندارد.

س۲۲۸ آیا اگر نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند نخوانیم نماز باطل است؟ آیا اگر حمد و سوره را بلند بخوانیم کافی است؟

ج باسمه تعالی; نماز باطل نیست و فقط باید حمد و سوره بلند خوانده شود.

س۲۲۹ اگر حمد و سوره را در نماز فراموش کنیم نماز باطل است یا خیر اگر در داخل رکوع بفهمیم چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; نماز باطل نمی شود و باید بعد از دخول در رکوع نماز را ادامه داد.

قنوت

س۲۳۰ دیده شده عده ای در نماز (قنوت) نگین انگشتر را به طرف صورت می کنند آیا این عمل در اسلام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر مکروه است.

س۲۳۱ آیا جایز است قنوت نماز را به فارسی یا به زبان عربی خواند؟

ج باسمه تعالی; احتیاط واجب آن است که به غیر عربی خوانده نشود.

س۲۳۲ اگر کسی در قنوت نماز شک کند که حمد یا سوره را نخوانده یا این که هردو را نخوانده آیا دوباره بخواند و اگر علم اجمالی پیدا کرد که یکی را خوانده ولی نمی داند حمد یا سوره بوده است چه باید انجام دهد؟

ج

باسمه تعالی; در صورت شک نباید بخواند و در صورت علم اجمالی باید هر دو را بنابر وجوب سوره در نماز بخواند.

س۲۳۳ دعا کردن به زبان فارسی در قنوت نمازهای یومیه و مستحبی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; احوط ترک آن است.

سجده

س۲۳۴ سجده کردن بر قسمتی از مهر که نقش یا نوشته دارد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۲۳۵ کسی که از سجده کردن در نماز معذور است و روی صندلی نماز و سجده را بجا می آورد اگر کفش در پایش باشد و نماز بخواند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نماز خواندن با کفش اشکال ندارد اگر شرایط رعایت شود.

س۲۳۶ آیا اگر نمازگزار در سجده بعد از ذکر واجب در حالی که می خواهد ذکر مستحبّی را بگوید پا یا دست را بلند کند و دوباره بر زمین بگذارد اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۳۷ گذاشتن مهر زیر بینی در سجده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; احتیاط این است که ترک نشود.

س۲۳۸ سجده برطرف نوشته شده مهر چگونه است؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۲۳۹ سجده بر سیمان، موزائیک و سنگ مرمر چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۲۴۰ کسی بعد از ذکر واجل سجده و رکوع ذکر دیگری احتیاطاً یا استحباباً شروع کرده و قبل از اتمام آن ذکر عمداً و یا سهواً بلند شده حکمش را بیان فرمائید؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س ۲۴۱ استفاده از مهر امین چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س ۲۴۲ سجده سهوی که در نماز اتفاق می افتد بعد از انجام سجدتین سهو تشهد و سلام هم

دارد اگر دارد هر سه سلام باید باشد؟

ج باسمه تعالی; واجب است تشهد متعارف را بخواند و سلام دهد و در سلام فقط بگوید (السلام علیکم).

س۲۴۳ سجده بر شیشه جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۲۴۴ اگر سجدتین رکعت آخر را فراموش کنیم و بعد از دادن سلام به خاطر بیاوریم چه کنیم؟

ج باسمه تعالی; اگر منافی عمدی و سهوی به جا نیاورده; باید دو سجده را به جا آورد و بعد تشهد و سلام دهد. اگر منافی بجا آورده نماز باطل است.

س۲۴۵ سجده به مهری که شکل گنبد و بارگاه و غیره داشته باشد جایز است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. مرحوم آیه الله بروجردی، در بعضی موارد که عنوان پرستش غیر خدا پیدا می کرد از آن نهی می فرمودند.

نماز قضا

س۲۴۶ کسی که نماز و قضای روزه خود را نگرفته و بعد از فوت پدرش بخواهد قضای نمازهای پدرش را بجا بیاورد در این صورت آیا ترتیب لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; ترتیب لازم نیست و هر کدام را مایل باشد; می تواند مقدم بدارد.

س۲۴۷ اگر پسر بزرگ قبل از پدر فوت نماید و چند پسر دیگر غیر از او دارد آیا بعد از فوت پدر، بر پسر بزرگ فعلی قضای نماز و روزه های پدر واجب است یا نه؟ و اگر پسر بزرگ نماز قضای پدر را نخواند و به کسی هم اجازه ندهد آیا بعد از فوت پسر بزرگ واجب است که اجازه دهند از مال او برای قضای نماز اجیر بگیرند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی بر پسر بزرگ فعلی واجب و اگر نخواند، باید

از ترکه خود میت اجیر بگیرند نه از ترکه پسر.

س۲۴۸ اگر کسی مقداری از نمازهایش در حال عذر و مقداری بدون عذر از او فوت شده آیا می تواند همه آن ها را در حال عذر قضا نماید یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عذر دائمی باشد; می تواند در حال عذر قضاء نماید.

س۲۴۹ پسر بزرگ اگر لال باشد و پول هم نداشته باشد تا برای قضای نمازهای پدر اجیر بگیرد آیا وظیفه او ساقط می شود یا با اشاره نماز قضای پدرش را بخواند و آیا قضای نمازهای پدر هرچند سنّی هم باشد بر پسر شیعه او واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً وظیفه از پسر لال ساقط است و فرقی نیز بین شیعه و سنّی بودن پدر نیست.

س۲۵۰ شخصی از سن ۱۵ سالگی شروع به خواندن نماز و گرفتن روزه می کند حال قبل از ۱۵ سالگی بالغ بوده است ولی دو شرط دیگر بلوغ را نمی دانسته است و فکر می کرده است شرط بلوغ ۱۵ سال قمری است و دو شرط دیگر را در سن ۱۹ سالگی ملتفت و متوجه شده است آیا روزه هایش را که نگرفته است باید کفاره بدهد؟ (قبل از ۱۵ سالگی منظور است) قضای روزه و نماز لازم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه معتقد بوده است که بالغ نیست; یعنی احتمال نمی داده است که ممکن است بالغ باشد; کفاره لازم نیست; ولی به هر حال قضای نماز و روزه لازم است.

س۲۵۱ اگر کسی ندانسته گیاهی مست و بیهوش کنند را خورده و بعد از تمام شدن وقت بهوش آمده آیا نماز را قضا

کند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که تمام وقت مست و بیهوش بوده; قضا واجب نیست.

س۲۵۲ پدر و مادر نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند، آقایان می فرمایند اگر عمداً هم انجام ندهند بر پسر بزرگ لازم است قضا کند آیا این حکم موجب سوء استفاده آن ها نمی شود و اگر پسر بزرگ انجام داد آیا آن ها بری الذمه می شوند یا نه؟

ج باسمه تعالی; نماز و روزه قضاء، موجب برائت ذمه می شود ولی عقاب و تبعات ترک نماز از بین نمی رود.

احکام مسافر

س۲۵۳ کسی در تمام سال در هر هفته ای ۱ یا ۲ بار به بیش از مسافت شرعی سفر می کند آیا دائم السفر است؟ حکم نماز و روزه او چیست؟

ج باسمه تعالی; در آن محل باید نماز را شکسته بخواند و روزه نیز نگیرد.

س۲۵۴ منزل ما از سر کمربندی تهران هیچده کیلومتر فاصه است، نمازم در تهران چگونه است؟

ج باسمه تعالی; در صورتی باید نمازتان را شکسته بخوانید که از محل زندگی، تا اوّل شهر تهران، یعنی جایی که محل زندگی افراد و خانواده ها است ۲۲ کیلومتر باشد که چهار فرسخ شرعی است چنانچه کمتر باشد نماز را باید تمام بخوانید.

س۲۵۵ شخصی کثیر السفر در پانزده روز تعطیلات نوروزی برای این که کثرت سفر او قطع نشود یک سفر به صورت تفریح به محل کار خود می رود آیا کثرت سفر او باقی است یا قطع می شود؟

ج باسمه تعالی; از نظر ما کثیر السفر موضوعیّت ندارد.

س۲۵۶ اگر پدر و مادر از وطن خود به جایی مسافرت کنند و مدتی

در آنجا اقامت کنند و بچه های آنان بعد از بزرگ شدن به وطن پدر و مادر بروند آیا حکم وطن برای آن ها دارد یا نه؟ (در صورتی که بچه ها در وطن پدر و مادر متولد نشده اند)؟

ج باسمه تعالی; خیر وطن آنان نیست.

س۲۵۷ اگر کسی در سفر به حکم جاهل باشد یا حکم را فراموش کند و نماز را تمام بخواند، نمازش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; جاهل به حکم اگر اصل حکم را نمی داند; نمازش صحیح است و اگر حکم را می داند ولی خصوصیات را نمی داند; مثلا نمی داند که سفر چهار فرسخ همراه با قصد رجوع موجب قصر می شود، نمازش صحیح نیست اما اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است; چنانچه در وقت متذکر شود اعاده نماز واجب است و اگر بعد از وقت متذکر شود قضا واجب نیست.

س۲۵۸ شخصی است که منزل او در قم می باشد و برای تحصیل به تهران می رود تقریباً یک سال یا بیشتر در همین قم خواهد ماند و همه روزه رفت و آمد دارد نماز و روزه اش در اینجا و تهران چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در قم و تهران چنانچه قصد اقامت ده روز نشود نماز شکسته است و روزه هم نباید گرفت.

س۲۵۹ سربازی در تهران خدمت می کند و هر هفته پنج شنبه به قم می آید و جمعه بر می گردد حکم نماز و روزه او تا پایان خدمت سربازی چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر در تهران ده روز قصد اقامت نکند; مسافر است و نمی تواند روزه بگیرد، همچنین نماز

را باید شکسته بخواند.

س۲۶۰ اینجانب پیمانکار ساختمانی هستم که کارم در قم و شهرستان ها است و محل زندگیم در قم است. در حال حاضر دو ماه قبل از ماه رمضان در شهرستان ورامین و کاشان و شهریار کار می کنم که در هفته دو یا چند روز به کارها سر می زنم ولی مدت کارم در شهرستان چند ماه یا چند سال طول می کشد از محضر مبارک جنابعالی در مورد نماز و روزه ام سئوالی داشتم آیا می توانم نماز و روزه را تمام بگیرم؟

ج باسمه تعالی; در قم، نماز تمام است و روزه را باید بگیرید و در محل کار نماز شکسته است اما روزه، چنانچه بعد از ظهر از قم حرکت کردید روزه آن روز را بگیرید و از آن محل هم اگر صبح حرکت کردید می توانید بدون قصد روزه امساک کنید و به قم که رسیدید، قبل از ظهر قصد روزه کنید و اگر بعد از ظهر به قم رسیدید یا قبل از ظهر از قم حرکت کردید نمی توانید روزه بگیرید.

س۲۶۱ زن در مسافرت همراه شوهرش، درباره قصر و اتمام نمازهایش آیا تابع شوهر است یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر تابع نیست. مگر آنکه بداند که شوهرش قصد اقامه کرده و او هم چون از او جدا نمی شود در این صورت قهراً قصد اقامه می کند و نمازش را تمام می خواند.

س۲۶۲ در صورت متابعت اگر در مسافرت به خانه پدر زن برسند آنجا هم متابعت لازم است یا زن نمازش را تمام بخواند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه اعراض نکرده و آنجا متولد شده; باید

نماز را تمام بخواند.

س۲۶۳ در صورت متابعت که زن جاهل به مسئله، نمازهایش را تمام خوانده; آیا اعاده لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عالم به اصل حکم باشد; باید نمازها را اعاده کند.

س۲۶۴ آیا مسافر می تواند نماز قضای فوت شده خود را در سفر بخواند یا نه؟

ج باسمه تعالی; می تواند، ولی باید قضای نماز فوت شده در حضر را، اگر در سفر هم می خواند; تمام بخواند.

س۲۶۵ آیا برای طلاب مهاجری که از ممالک دیگر برای تحصیل به قم آمده اند، این شهر حکم وطن را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مدت اشتغال به تحصیل طولانی باشد مثلا ده سال، حکم وطن را پیدا می کند و اگر مدت کوتاه است مثلا دو سال در این صورت حکم وطن را ندارد.

س۲۶۶ حائر حسینی در کربلا از کجاست؟

ج باسمه تعالی; مراد از حائر حسینی که مسافر مختار است نمازش را شکسته یا تمام بخواند عبارت است از تمام حرم که ابتدای آن رواق های اطراف حرم می باشد.

س۲۶۷ نماز دانش آموز یا دانشجویی که برای تحصیل از شهر خود به شهر دیگری سفر کرده است و در رفت و آمد می باشد (هر ده روز یک بار) کامل است یا شکسته؟

ج باسمه تعالی; شکسته است. مگر آنکه در محل تحصیل ده روز قصد اقامت نماید.

س۲۶۸ من در تهران زندگی می کنم و کارم در قزوین است و کرج در بین راه این دو شهر است اگر موقتاً یک روز به کرج بروم احکام مسافر برقرار است اگر در بین راه به قزوین، یک کاری در کرج

انجام دهم یعنی توقف کنم و بعد به قزوین بروم حکم چیست؟

ج باسمه تعالی; در کرج مانند شهرهای دیگر شما مسافر هستید و نمازتان شکسته است. روزه هم نمی توانید بگیرید; مگر این که قصد ده روز را داشته باشید.

س۲۶۹ اگر کسی در عالم مکاشفه خود را در سفر دید مثلا در حرم امام رضا(علیه السلام) یا صورت حرم را در نزد خود می بیند یا این که خودش آنجا می رود روزه و نماز او شکسته می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; آنچه مسلم است نماز شکسته نمی شود و روزه را هم باید بگیرد بلی چنانچه با طی الارض برود مسافر است.

س۲۷۰ اگر کسی بیشتر سال یا همه سال هفته ای یک یا دو بار مسافرت نماید آیا شخص مذکور کثیر السفر هست یا نه نماز و روزه اش چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; کثیر السفر، میزان نماز تمام نیست; بلکه میزان آن است که شغل سفر باشد، مانند راننده ماشین، هواپیما و امثال این ها. پس در مورد سؤال نماز قصر است و روزه نمی تواند بگیرد.

س۲۷۱ آیا سفر برای شکار لهوی سفر معصیت می باشد و غیر از غنا و استعمال آلات لهو آیا مطلق کارهای لهوی حرام است؟

ج باسمه تعالی; سفر برای شکار به قصد لهو حرام نیست ولو نماز باید به واسطه دلیل مخصوص تمام خوانده شود هم چنین، کارهای دیگر لهوی هم حرام نیست; مگر غنا، که دلیل مخصوص بر حرمت دارد.

س۲۷۲ روحانی مسجد آماده نماز جماعت است اگر کسی به گفته دیگران در عدالت و سواد و غیره امام شک داشته باشد آیا

می تواند در همان وقت نمازش را فرادی بخواند؟

ج باسمه تعالی; فرادی خواندن به طوری که اهانت نباشد اشکال ندارد.

س۲۷۳ زمانی که در مسجد روحانی نیست آیا می شود به فردی که ظاهر الصلاح و باتقوی است اقتداء کرد؟

ج باسمه تعالی; بلی، بسیار کار خوب و پسندیده ای است.

نماز جماعت

س۲۷۴ اگر در نماز جماعت مأموم جهلا به حکم و یا اشتباهاً از صف جماعت فاصله داشته و یا بعداً ارتباط قطع شده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۷۵ آیا امام جماعت می تواند نماز خود را برای مأمومین به شکل بهتر و جذاب تر بخواند تا مردم نسبت به اسلام خوشبین باشند و آیا ریا کردن به نفع پیشبرد اسلام جایز است؟

ج باسمه تعالی; اگر نیت خوب شرعی دارد; ریا نیست و اشکال ندارد.

س۲۷۶ اگر امام جماعت در حال خم شدن به طرف رکوع است آیا می توان در آن حال اقتداء کرد؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند اقتداء کند.

س۲۷۷ در نماز جماعت بعد از نیت و تکبیره الاحرام می شود قصد فرادی کرد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۲۷۸ اقامه نماز جماعت ترسو و غیر روحانی که دارای شرائط دیگر باشد چگونه است؟

ج باسمه تعالی; در نماز جماعت شرط نیست که امام روحانی باشد و یا ترسو نباشد.

س۲۷۹ اگر امام جماعت فاسق و از بدعت گران تجلیل می کند نماز خواندن به صورت فرادی یا رفتن به این مسجد چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; با او نمی توان نماز خواند و فرادی خواندن بی اشکال است.

س۲۸۰ آیا در نماز جماعت شناختن امام جماعت لازم است یا خیر؟

باسمه تعالی; در صورت اطمینان به عدالت لازم نیست.

س۲۸۱ اقتداء کردن شیعه به سنی در حالت خارج از تقیه چگونه است؟

ج باسمه تعالی; اقتداء صحیح نیست، ولی صورت اقتداء خوب است.

س۲۸۲ امام جماعتی که مقلد مرجعی است که غسل جمعه را مکفی از جنابت می داند آیا دیگران که مجزی نمی دانند اجتهاداً یا تقلیداً می توانند به او اقتداء کنند؟

ج باسمه تعالی; در خصوص نمازی که با غسل جمعه می خواند خیر.

س۲۸۳ در مساجدی که امام جماعت از طرف دولت تعیین می شود نماز خواندن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عدالت او را احراز کنید; اشکال ندارد. میزان عدالت امام است.

س۲۸۴ در نماز جماعتی که در مسجد اقامه می شود بعد از نماز شعار می دهند آیا نماز خواندن در اینگونه مساجد جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شعار خلاف دستورات اسلام باشد شرکت نکنید.

س۲۸۵ اقامه نماز فرادی در هنگام تشکیل نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر تفسیق امام نباشد; اشکال ندارد.

س۲۸۶ امامت غیر روحانی در نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۸۷ اگر امام جماعتی گناه کبیره انجام داد آیا از امامت ساقط است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی ساقط است.

س۲۸۸ آیا عدم رضایت شخص واجد شرائط امامت جماعت در اقتداء کردن به او می تواند باعث عدم جواز در اقتداء به او شود؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۲۸۹ اگر کسی نماز خودش را با سختی می خواند و برای قیام و رکوع و سجود با مشکل روبه رو است با اقامه نماز به

صورت جماعت آیا می تواند انجام وظیفه کند

و نمازهای خودش را با اشاره انجام دهد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه قیام، رکوع و سجود را انجام بدهد هرچند با سختی باشد اشکال ندارد. اگر مشکلات به نحوی است که مثلا برای رکوع یا سجود، ایماء می کند و یا عوض قیام، قاعداً نماز می خواند؛ جماعت اشکال دارد و جایز نیست.

س۲۹۰ شخصی در منزل خود نمازهای یومیه را با جماعت انجام می دهد یعنی پدر که نماز می خواند همسر و فرزندانش به او اقتدا می کنند آیا این شخص و فرزندان او اگر اجیر شوند و نمازهای فوت شده را با اجرت انجام دهند می توانند با جماعت انجام دهند یا خیر با توجه به این که شرط نشده که حتماً فرادی نمازها را به جا آورند؟ و همچنین اگر هر کدام برای شخصی معین اجیر باشند مثلا پدر اجیر زید و فرزندش اجیر عمرو گردیده آیا می توانند با جماعت انجام وظیفه نمایند یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه نمازی که پدر می خواند نماز یومیه خودش باشد یا از طرف کسی که نماز قضاء می خواند؛ مسلماً به عهده او بوده است و نماز احتیاطی نباشد؛ اشکالی ندارد و الا جماعت صحیح نیست.

س۲۹۱ اگر در بین یکی از صف های نماز جماعت، بچه ممیزی که معلوم نیست نماز او صحیح است وجود داشته باشد نماز جماعت افراد صف مزبور چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اشکال ندارد.

س۲۹۲ در صلاه جماعت امام در رکعت آخر صلاه ظهر یک سجده به جا نمی آورد در حالی که یقین دارد که به جا آورده است و مأمومین هم بنا بر جهل به حکم

چیزی نگفته اند و به عمل امام عمل کرده اند در حالی که می دانستند یک سجده انجام نشده و بعداً به اطلاع امام رسانده اند، لطفاً حکم مورد نظر را عنایت فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ نماز امام صحیح است اگر بعد بفهمد باید قضای سجده را بعد از نماز به جا آورد. مأمومین نیز اگر به وظیفه خود عمل کنند و سجده به جا آورند؛ نماز آن ها نیز صحیح است.

س۲۹۳ اگر در بین یکی از صف های نماز جماعت، فرد نجسی یا فردی که نیّت فرادی کرده است نماز می خواند، نماز سایر افراد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بی اشکال است.

س۲۹۴ اگر در بین صف های نماز جماعت، یک متر یا بیش تر از یک متر فاصله افتاده باشد نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ نباید بیش تر از یک متر فاصله باشد.

س۲۹۵ آیا در امام جماعت نماز میت شرایط مسأله ۱۴۵۴ رساله عملیه شما معتبر است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ غیر از عدالت، بقیه شرایط معتبر است.

س۲۹۶ شخصی دو رکعت اول نماز خویش را به جماعت می خواند و بعد از اتمام نماز امام جماعت، دو رکعت باقی مانده را فرادی می خواند آیا دیگران می توانند به این شخص اقتدا کنند در حالی که خودش مباشر به خواندن حمد و سوره نبود؟

ج باسمه تعالی؛ بلی می توانند.

س۲۹۷ اگر امام و مأموم در قصر و اتمام اختلاف داشته باشند هر کدام به حسب فتوای مجتهد خود، آیا می توانند به یکدیگر اقتدا کنند؟

ج باسمه تعالی؛ بلی می توانند.

س۲۹۸ اگر کسی یک یا چند انگشت دست

او قطع شده جایز است امام جماعت شود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است ولی خلاف احتیاط است.

س۲۹۹ اگر امـام جماعت مقـداری از سوره را فراموش کرد و به رکوع رفت اگر مأموم بقیه سوره را بخوانـد فرادی می شود یا اگر مأموم هم فراموش کرده ولی سوره دیگری به عوض آن بخواند فرادی می شود یا نماز جماعت درست است؟

ج باسمه تعالی؛ جماعت درست است و خواندن بقیه سوره لازم نیست.

س۳۰۰ آیا آیه (فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله) از سنن صلاه است و یا از قرائت قرآن مجید است و اگر مأموم در نماز جماعت به امام اقتداء کند این مسئله از او ساقط می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهراً از سنن هردو است به هر تقدیر از مأموم ساقط است.

س۳۰۱ زمانی که روحانی مسجد نماز جماعت را اقامه می کند آیا اگر انسان به گفته دیگران در عدالت یا کم سوادی یا سایر مسائل امام جماعت شک کند می تواند در آن هنگام نمازش را فرادی بخواند؟

ج باسـمه تعالی؛ شرط صحت جماعت، عدالت امام است و سواد در آن دخیل نیست؛ ولی باید عدالت در اقتداء احراز بشود و در فرادی خواندن اگر اهانت نباشد اشکال ندارد.

س۳۰۲ آیا اقتدا کردن به امام حاضر بدون شناخت اسم و رؤیت چهره او جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ اگر می داند عادل است اشکال ندارد.

س۳۰۳ در موقع برگزاری نماز جماعت در مسـجد شـخص یا اشخاصی نمازشان را برای تضعیف یا تفسیق امام جماعت فرادی می خوانند این عمل چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اگر امام متجاهر به فسق

نیست حتی اگر بدانند که فاسق است، جایز نیست.

س۳۰۴ آیا گرفتن اجرت برای امام جماعت به عنوان ایاب و ذهاب یا حق الزحمه یا به عنوان نفس حضور در موقع معین در مکان نماز، جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز و حلال است ولی نباید برای امامت پول بگیرد.

س۳۰۵ در نماز جماعت کسی اقتدایش باطل بوده و ندانسته و قرائت حمد و سوره را ترک کرده حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; نماز صحیح است.

س۳۰۶ در جائی که چندین مسجد وجود دارد خواندن نماز جماعت در حسینیه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۳۰۷ مأموم جلوتر از امام به رکوع و یا سجود برود نماز جماعت او باطل می شود؟

ج باسمه تعالی; باطل نمی شود.

س۳۰۸ اگر زودتر از امام از سجده بلند شود و نتواند دوباره برگردد و با امام بلند شود می تواند تشهد بخواند؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۳۰۹ اگر امام جماعت یک وجب در حال نماز جای نمازش بلندتر از مأموم باشد نماز مأموم باطل است؟

ج باسمه تعالی; اگر بلندی انحداری نباشد; باطل است. بلندی باید کمتر از یک وجب باشد.

س۳۱۰ در جماعت افرادی با اتصال صفوف آن ها در صورتی که اذکار آن ها صحیح نیست و غلط دارند وجود دارند، آیا اقتدا با این صورت جایز است؟

ج باسمه تعالی; مادامی که به بطلان نماز آن ها یقین ندارید; اشکال ندارد و اقتداء جایز است.

س۳۱۱ مسجدی متولی شرعی دارد که تمام اختیارات مسجد حتی تعیین امام جماعت، به عهده اوست حال کسی بدون اجازه متولی نماز جماعت بخواند حکم نماز امام و مأموم چگونه

است؟

ج باسمه تعالی; به نهی متولی، احوط عدم تصدی است ولی با عدم نهی، اشکال ندارد.

نماز جمعه

س۳۱۲ خواندن خطبه های نماز جمعه قبل از زوال چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۳۱۳ آیا می توان به امام جمعه ای که نماز جمعه را مکفی از نماز ظهر می داند اقتدا کرد؟

ج باسمه تعالی; در غیر نماز عصر آن روز بلی.

س۳۱۴ در مسجدی نماز جمعه اقامه می شود و در فاصله کمتر از فرسخ مسجدی دیگر احداث کنند کدام نماز جمعه درست است. مسجد دوم راهی ۵/۴ فاصله و راهی ۱۵ کیلومتر فاصله با مسجد اولی دارد کدام راه ملاک است؟

ج باسمه تعالی; احداث مسجدی بعد از احداث مسجد دیگر، در این حکم فرقی ندارد.

س۳۱۵ آیا اگر خطبه های نماز جمعه را قبل از اذان شروع کنند اشکال دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خطبه های نماز جمعه را می توان قبل از زوال شمس و دخول وقت نماز به جا آورد; ولی چنانچه مقلد من هستید; در کفایت کردن نماز جمعه از نماز ظهر به مجتهد دیگری عدول نمایید; چون من احتیاط وجوبی را در اکتفا نکردن می دانم.

س۳۱۶ کسی که در نماز جمعه شرکت نمی کند آیا می تواند به محض دخول وقت نماز ظهر آن را اداء کند یا باید بعد از نماز جمعه نمازش را اقامه نماید؟

ج باسمه تعالی; بلی، چون واجب عینی نیست می تواند به مجرد دخول وقت، نماز ظهر را بخواند.

س۳۱۷ خواندن نماز جمعه در زمان غیبت امام(علیه السلام) در چه صورتی جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه کسی بخواند; احتیاطاً; نماز ظهر را

هم بخواند.

س۳۱۸ آیا امام جمعه علاوه بر شرط های امام جماعت شرط دیگری دارد؟

ج باسمه تعالی; به نظر حقیر شروطی دارد.

س۳۱۹ آیا می شود بر امام جمعه ای که نماز جمعه را مکفی از ظهر می داند اقتداء کنیم؟

ج باسمه تعالی; در غیر نماز عصر آن روز می شود.

س۳۲۰ آیا نماز جمعه مکفی از نماز ظهر است یا خیر و آیا قبل از ظهر می توان خطبه ها را شروع کرد؟

ج باسمه تعالی; نماز جمعه; بنابر احتیاط لزومی مکفی نیست.

س۳۲۱ ملاک عدالت در امام جمعه چیست؟ اگر یک گناه از او صادر شود می توان به او اقتداء کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر یک گناه عمدی باشد; موجب سقوط عدالت می شود و نمی توان اقتداء کرد.

نماز مستحبی

س۳۲۲ در نماز مستحبی که به وسیله نذر واجب شده زیان شدن رکن موجب بطلان است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر موجب بطلان نیست.

س۳۲۳ در نمازهای مستحبی مثل نماز غفیله که بعد از حمد به جای سوره آیه خوانده می شود آیا در اوّل آیه بسم الله گفتن جایز است یا نه؟ و اگر جایز نیست کسی که تا به حال از روی ندانستن مسئله بسم الله گفته نمازهایی که خوانده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بسم الله ندارد ولی چون خود بسم الله آیه قرآن است و به قصد قرآن بودن عیبی ندارد.

س۳۲۴ نافله صبح را چقدر قبل از طلوع فجر می توان خواند؟

ج باسمه تعالی; اگر نماز شب می خواند; بعد از تمام شدن نماز شب می تواند بخواند و اگر نمی خواند از اول سدس آخر شب

می تواند بخواند.

شک در نماز

س۳۲۵ اگر در شک در وضوء در وسط نماز عارض شود ادامه دهد بعد یقین حاصل شود که وضوء گرفته مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شک در اثناء نماز باشد مبنی بر این که وضو گرفته یا نه، نماز باطل است ولی اگر در وضوئی که گرفته شک کند که صحیح بوده یا نه، یا شک کند مبطل پیدا شده است یا نه، نماز صحیح است و نباید آن را باطل کند.

س۳۲۶ کسی که در نماز زیاد شک بکند آیا عمل را برای خدا به جا می آورد یا نه، چگونه وسوسه را علاج نماید؟

ج باسمه تعالی; باید به آن چه در روایت وارد شده که اعتناء نکردن به شک است عمل نماید.

س۳۲۷ در نماز بین دو و چهار در حال قیام شک کند بنابر چهار بگذارد یا نماز باطل است؟

ج باسمه تعالی; باطل است.

س۳۲۸ اگر در نماز چهار رکعتی در سجده دوم شک در سه رکعت و چهار رکعت باشد حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; باید بنا را بر چهار بگذارد و پس از سلام نماز احتیاطاً به دستوری که در توضیح المسائل آمده است عمل کند.

س۳۲۹ اگر کسی محدث بوده و غافل شد و بعد از نماز شک کرد که قبل از نماز وضو گرفته بود یا نه آیا قاعده فراغ جاری است. و اگر در حال نماز شک کرد آیا باز هم قاعده فراغ جاری است و حاکم بر استصحاب حدث می باشد؟

ج باسمه تعالی; در اثناء نماز، قاعده فراغ برای اجزاء باقی مانده و از اجزاء نماز به درد نمی

خورد. بنابراین جاری نیست و نماز باطل است. ولی در صورت شک بعد از فراغ جاری است و نماز صحیح است.

س ۳۳۰ کسی در میان نماز شک در داشتن وضو کند وظیفه اش چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر در اصل وضو گرفتن شک کند; نمازش باطل است و اگر در صحت آن شک کند; هم وضوی او صحیح است و هم نمازش صحیح است.

س ۳۳۱ اگر انسان در نماز شک کند ستر عورت کرده یا نه یا ستر عورت با چیزهایی که جایز است انجام داده یا نه چه وظیفه ای دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بعد از نماز یا در حال نماز ولو نسبت به اجزاء گذشته شک کند نماز صحیح است. ولی چنانچه در وسط نماز شک کند و حال فعلی او هم معلوم نباشد; نماز باطل است.

مبطلات نماز

س ۳۳۲ گریه کردن برای ائمه علیهم السلام یا به عشق آن بزرگواران، در نماز واجب و مستحب چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; گریه برای غیر امور دنیوی مبطل نماز نیست.

س ۳۳۳ اگر در بیرون از محل نماز گزار غنا استعمال شود و بشنود آیا مبطل نماز هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; نماز باطل نمی شود ولی اگر راهی برای عدم استماع ندارد; جایز است نماز را باطل کند و از آن محل دور شود.

اعتکاف

س ۳۳۴ در مسجد متروک که اقامه ی نماز جماعت نمی شود آیا اعتکاف برقرار می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س ۳۳۵ از شرایط اعتکاف روزه داشتن است آیا با روزه واجب اعتکاف صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; از شرایط اعتکاف روزه است; ولی می توان با روزه واجب

یا غیر واجب اعتکاف نمود.

س۳۳۶ اعتکاف برای زنان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

احکام مسجد

س۳۳۷ آیا جایز است حسینیه کوچک را به عنوان عدم استفاده و تبدیل به احسن بفروشند و در زمین و ساختمان حسینیه بزرگ خرج نمایند؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که از حالت انتفاع افتاده و به آن هدفی که تأسیس شده قابل استفاده نباشد می توانند بفروشند و پولش را خرج حسینیه بزرگ بنمایند.

س۳۳۸ مدتی قبل مقداری پول به نیت جشن و سرور و چراغانی در تولد آقا امام زمان عج الله فرجه جمع آوری شده است و وسائلی به همین جهت خریداری شده و استفاده شده با توجه به این که مسجد احتیاج مبرم به بازسازی دارد آیا می شود این وسائل را بفروش رساند و برای مسجد خرج کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مردم پول را برای چراغانی داده اند نمی توان در کار دیگر صرف نمود و اگر برای مطلق کار خیر داده باشند; مانعی ندارد در مورد سؤال شده صرف شود.

س۳۳۹ آیا از سهم مبارک امام(علیه السلام) می توان به تعمیر مسجد کمک نمود؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه مورد احتیاج باشد و متبرعی و زکات دهنده نباشد می توانند با اجازه مجتهد یا فرد مأذون از طرف او، کمک کنند.

س۳۴۰ مسجدی است که سالانه مردم به عنوان نذری وسایل و پول به این مسجد می دهند که گاهی وسایل اضافه از مصرف می ماند مثلا صدها دست استکان و نعلبکی هر ساله بلامصرف می مانند و یا فرشهایش که از پول ها خریداری می شود کهنه شده و مورد استفاده قرار

نمی گیرد آیا هیئت امنای مسجد می توانند وسایل و فرش های بلا استفاده و اضافی را فروخته، تبدیل به احسن کنند و یا وسایل دیگری که لازم هست برای مسجد بخرند؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س ۳۴۱ آیا زینت مساجد و حسینیه ها جایز است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست.

س ۳۴۲ مسجدی متروکه و قدیمی هست می خواهیم تعمیر و بزرگش کنیم اجازه می فرمایید از سهم امام(علیه السلام) خرج شود؟

ج باسمه تعالی; اهالی محترم منطقه و سایر آقایان حفظهم الله که ارتباط با آن منطقه دارند چنانچه از بابت سهم مبارک امام ارواحنافداه، برای مسجد فوق الذکر بپردازند مجازند و مأجور خواهند بود.

س ۳۴۳ در منطقه ما یک مسجد قدیمی هست برای تعمیر این مسجد نیاز به کمک مردم است لذا تقاضا می کنیم مال امام(علیه السلام) را اجازه بفرمایید غیر اهالی آن منطقه هم بپردازند؟

ج باسمه تعالی; اجازه می دهم هر مقدار مال لازم باشد از مال امام ارواحنافداه مصرف شود.

س ۳۴۴ شخصی از یک نفر دو شاخه تیرآهنی خریده برای ساختمان مصرف کرده بعد از یک سال کشف شد از یک غسالخانه خرابه دزدیده و دزد هم متواری است و خانه را هم نمی تواند خراب کند و زندگی کردن در آن خانه مشکل است و ضمناً یک مسجدی در آن روستا احتیاج به تعمیر دارد آیا می تواند قیمت آن را برای تعمیر مسجد بدهد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نمی شود از تیرها در آن غسالخانه استفاده نمود مجازید قیمت آن ها را در مسجد خرج کنید و زندگی کردن در آن خانه جایز است. در صورتی که آن غسالخانه لازم است

تجدید بناشود; خود پول را در تعمیر غسالخانه و نه مسجد صرف کنید باز هم تصرف در خانه جایز است.

س۳۴۵ اموالی که در حسینیه و مسجدها وجود دارد و این اموال به دست یک آدم عادی و غیر روحانی می باشد آیا این شخص حق تصرف و حق فروش این اموال را برای خود این حسینیه و مسجد دارد آیا این شخص متولی این اموال هست؟

ج باسمه تعالی; حق ندارد مگر با اجازه مجتهد جامع الشرایط.

س۳۴۶ اهل کتاب یهودی و یا مسیحی مسجدی ساخته نماز خواندن مسلمان در آن چطور است و آیا احکام مسجد در آن جاری می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; جایز است و احکام مسجد هم، مترتب می شود.

س۳۴۷ کتابی را به مسجد و یا شخصی جهت استفاده عموم و شخص اهدا می نماید (از هر کتابی چند عدد) آیا می توان این کتب را در صورت نیاز نبودن به نفع مخارج مسجد فروخت یا با کتب دیگری که نیاز می باشد عوض نمود؟

ج باسمه تعالی; بلی. در صورتی می توان فروخت که از حیّز انتفاع خارج شده باشد. والا خیر.

س۳۴۸ بعضی از مساجد پس از اقامه نماز جماعت درش بسته می شود آیا اشØ…Ġشرعی ندارد؟

ج باسمه تعالی; موقوفه تابع کیفیت وقف است. چنانچه وقف به این نحو است که در آن مسجد هم نماز جماعت و هم نماز فرادی در تمام وقت خوانده شود جایز نیست.

س۳۴۹ زمینی را که وقف مسجد کردند زمین مورد وقف واقع شده مسجد احتیاج به آشپزخانه دارد آیا از آن زمین آشپزخانه وتوالت می شود درست کرد؟

ج باسمه تعالی;

چنانچه زمین به عنوان مسجد بودن وقف نشده باشد و برای مصالح مسجد وقف شده باشد می شود آن توالت درست نمود والله العالم.

س ۳۵۰ شخصی رباخوار مسجدی ساخته است نماز و عبادت در آن چطور است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س ۳۵۱ آیا شرعاً فاضلاب و دستشویی های مسجد که از جاهای دیگر امکان تخلیه و انتقال ندارد برای آن که اصلا خاک مسجد به عنوان هتک حرمت متنجس نشود و به وسیله لوله های پولیکا و آهن از ته زیر خاک مسجد به جای دیگر انتقال داده شود جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز است و اشکال ندارد.

س ۳۵۲ در یک محله مسجدی می باشد و برای این مسجد مردم محله پول جمع می کنند و بعد برای مسجد بلندگو یا ظرف های لازم را می خرند و وقف آن مسجد می کنند و بعد مردم اختلاف می کنند آیا حق رجوع به آن اموال خریداری شده دارند یا نه؟ آیا می توانند این اموال را به فروش برسانند یا نه؟

ج باسمه تعالی; حق رجوع ندارند; مگر آن که اختلاف شدید باشد و موجب ضرر جامعه شود; در این صورت با اجازه حاکم شرع فروخته می شود.

س ۳۵۳ در جنب مسجد قطعه زمینی بود صاحب آن زمین را به مسجد وقف نموده و بعد از آن فوت کرده و از طرفی مسجد به آشپزخانه و وضوخانه احتیاج دارد آیا می شود از آن زمین که فعلا بلا مصرف مانده در این مورد استفاده نمود یا خیر لطفاً در این مورد ما را راهنمایی فرمایید.

ج باسمه تعالی; می توانید برای آشپزخانه و وضوخانه همان

مسجد از آن زمین استفاده نمایید و الله العالم.

س۳۵۴ شخصی زمینی را برای حسینیه وقف نموده است و زیر زمین آن را تا کف کوچه ساخته و سقف نزده است و چون ساختن حسینیه چند دستگی بین مردم ایجاد کرده و موجب آشوب و بلوا می شود و مردم گفته اند با وجود چهار مسجد ما احتیاجی به حسینیه نداریم که در مساجد بسته شود لذا واقف اجازه ساخت کتابخانه داد ولی باز مردم اقدام نکردند چون نظرشان این بوده که آنجا را بفروشند و خرج مسجد جامع کنند.

س۳۵۵ ۱: الان این زمین بدون تکلیف مانده است و در معرض فساد و خرابی می باشد آیا واقعاً می تواند آن را از وقف در بیاورد و مال شخصی مجدداً قرار دهد؟

س۳۵۶ ۲: آیا واقف می تواند آن را بفروشد یا اجازه فروش دهد تا در تعمیر مسجد جامع خرج شود؟

ج باسمه تعالی; با اجازه حاکم شرع می توانند آنجا را بفروشند و خرج تعمیر بنمایند. ولی نمی توانند آن را بفروشند و جزء اموال شخصی واقف قرار دهند.

س۳۵۷ در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ مسجد جامع روستای وادقان از نظر استحکام و وسعت دچار مشکل شده بود که پس از جلسات و بحث های زیاد بر آن شدیم که چند منزل اطرف مسجد قدیم را خریداری و پس از تخریب مسجد به آن اضافه نماییم در این میان بهایی بودن یکی از صاحب خانه ها و اضافه شدن یک کوچه به عرض یک و نیم متر که مابین مسجد قدیم و ساختمان های خریداری شده قرار داشت محل بحث گردیده است و ما با

اطلاع اهالی و رضایت آن ها، آن کوچه، را نیز به مسجد ملحق کردیم. حال پس از گذشت ۱۵ سال که مسجدی بزرگ و مناسب در شأن مسجد جامع ساخته ایم، عدّه ای که تعدادشان به تعداد انگشتان دست نمی رسد ایجاد شبهه کرده اند که این مسجد خانه بهایی دارد و کوچه عمومی و چون در زمان ساخت مسجد شخصی از بام آن افتاده و مرحوم شده می گویند نماز در این مسجد درست نیست، اضافه می کنیم که به دلیل استفاده از کوچه میانی مسجد که کروکی آن را به پیوست محضرتان ارائه می دهیم کوچه های اطراف مسجد را گسترش داده ایم و هیچ مشکلی برای رفت و آمد مردم ایجاد نشده است. در ضمن همان افراد یک مکان به نام مهدیه بنا کرده اند که شدیداً در روستا ایجاد اختلاف نموده، به طوری که برادر با برادر، خواهر با خواهر، زن با شوهر، پسر با پدر با هم اختلاف دارند. خواهشمندیم لطف فرموده حکم اسلامی را نسبت به این مسجد و نماز و مجالس در آن بذل عنایت نمایید.

ج باسمه تعالی; با این خصوصیات که نوشته شده است و مسجد، با این گونه که ساخته شده است; هیچ اشکالی ندارد. نماز در آن صحیح و تشکیل مجالس مذهبی بی اشکال است و متصدیان ساختن مسجد مأجور خواهند بود.

س۱۳۵۸اگر دو مسجد چسبیده به هم بنا کنند یکی تابستانی و دیگری زمستانی و مسجد زمستانی به علت کوچک بودن در مواقع ضروری از جمله ماه محرم جوابگوی مردم نباشد آیا می توانند از مسجد تابستانی داخل مسجد زمستانی کنند و دیوار

را عقب بکشند؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۳۵۹اگر مسجدی در مسیر خیابان واقع شود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; قرار دادن مسجد در مسیر خیابان جایز نیست. ولی اگر کسی این کار را کرد; رفتن از آنجا اشکال ندارد و تنجیس آن نیز حرام نیست.

س۱۳۶۰اگر مسجد دری داشته باشد که مردم از آن رفت و آمد می کنند و در مواقعی مثل ماه محرم که خانم ها نیز مسجد می روند نیاز به درب دیگری هم باشد آیا می توانند درب دیگری از یک طرف مسجد باز کنند تا در مواقع ضروری از آن استفاده کنند و بعد از رفع نیاز از همان درب اول رفت و آمد کنند؟ تغییر جای درب اول مسجد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۳۶۱اگر مسجد نیاز به آبدارخانه داشته باشد و آشپزخانه مسجد کوچک باشد آیا می توانند از خود مسجد آبدارخانه را جدا کرده و آشپزخانه را بزرگ کنند به شرطی که هیچ راهی از بیرون برای درست کردن آبدارخانه و آشپزخانه وجود نداشته باشد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که شرایط مسجد مانند ازاله نجاست، عدم دخول حائض و جنب و... را رعایت بنمایند و مزاحم نمازگزاران نباشد اشکال ندارد.

س۱۳۶۲اگر مسجدی چند متر بالاتر از زمین واقع شده باشد و زیرزمین هم نداشته باشد آیا می توانند زیر مسجد را مغازه درست کنند و بفروشند یا اجاره دهند و خرج مسجد کنند؟

ج باسمه تعالی; با مراعات شرایط مسجد اشکال ندارد.

س۱۳۶۳اگر مسجد فرش یا لوازم دیگری زیاد داشته باشد آیا در صورت نیاز داشتن مساجد دیگر می توانند به

مستحق بدهند؟

ج باسمه تعالی; آن اجناس را بفروشند و در درجه اول خرج خود آن مسجد کنند حتی به امام مسجد و خادم و غیره از آن پول بدهند و بعد از آن در مسجد دیگر مصرف کنند.

س۳۶۴ ایجاد شبستان در مسجدی که شبستان ندارد چه صورت دارد (مخصوصاً طرف قبله)؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

احکام روزه

س۳۶۵ روزه احتیاطی را بعد از ظهر خوردن جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه احتیاط واجبی است نه نیابتی و قضای روزه خودش می باشد، احتیاط واجب است که نخورد.

س۳۶۶ اگر کسی روزه گرفته باشد ولی بدون تصور وجوب آیا مجزی است؟

ج باسمه تعالی; مجزی است.

س۳۶۷ زن می تواند در ماه مبارک رمضان جهت جلوگیری از عادت ماهانه از قرص استفاده کند تا روزه بگیرد؟

ج باسمه تعالی; بلی، می تواند و مانعی ندارد.

س۳۶۸ تعیین شب لیله القدر جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه حجت شرعیه باشد جایز است. ولی من نتوانسته ام چنین حجتی بیابم.

س۳۶۹ طلوع فجر صادق را در ماه مبارک رمضان که لازم الامساک است و برای روزه و خواندن نماز صبح به چه طریق بشناسیم؟

ج باسمه تعالی; باید اطمینان پیدا شود و کافی است با اخبار اهل خبره باشد.

س۳۷۰ با توجه به این که بعضی از مراجع می گویند لازم است دختران قبل از ۱۳ سالگی روزه بگیرند نظر جنابعالی چیست؟

ج باسمه تعالی; دختر با تمام شدن ۹ سال مانند سایر مکلفین مکلف می شود و چنانچه بقیه شرایط موجود باشد باید روزه بگیرد.

س۳۷۱ اگر کسی نیت قضای روزه رمضان کرد و بعد از طلوع فجر بیدار شد و

خود را جنب یافت و معلوم شد که قبل از فجر محتلم شده آیا می تواند روزه بگیرد؟

ج باسمه تعالی; روزه آن روز باطل است.

س۳۷۲ آیا فاقد الطهورین (جنب و حائض و نفاس) در ماه رمضان روزه اش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۳۷۳ اگر مکلف به جای نیّت اداء واجب، نیّت قضا نماید این مطلب در ماه رمضان چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; قضا واقع نمی شود; بلکه اداء حساب می شود.

س۳۷۴ اگر کسی پانزده شعبان سفر کند و ۱۸ روز سفر او طول بکشد به قصد اقامت آیا سه روز اوّل ماه رمضان را که جزو هیجده روز است باید روزه بگیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی باید روزه بگیرد.

س۳۷۵ افطار روزه استیجاری قبل یا بعد از ظهر چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; افطار قبل از ظهر در صورت عدم تضییق وقت جایز است ولی بعد از ظهر جایز نیست.

س۳۷۶ اگر رویت ماه شوال مشکوک باشد روزه گرفتن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; واجب است روزه بگیرد زیرا امام(علیه السلام) می فرماید صم للرؤیه و افطر للرؤیه.

س۳۷۷ آیا اجیری که روزه می گیرد یک ماه را پی در پی بگیرد یا پی در پی نباشد اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; پی در پی بودن شرط نیست.

س۳۷۸ شخصی در شهری سربازی می کرد بعد از ترخیص، موعدی را که برای تحویل کارت پایان خدمت به مشارالیه داده بودند ماه رمضان بود و ایشان برای دریافت کارت به همان شهری که خدمت سربازی انجام می داد در ماه رمضان مجبوراً سفر کرد روزه وی چه حکمی دارد؟

ج باسمه

تعالی; باید افطار کند.

س۳۷۹ من ساکن تهرانم شرایط کاری طوری است که مجبورم اول هر هفته به قزوین بروم و هفته ای یک یا دو بار وسط یا آخر هفته به تهران می آیم حکم روزه من چیست آیا شرائط روزه مسافر بر من واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بنا دارید سال های متمادی، در طول هفته چند روز قزوین را محل زندگی قرار دهید; قزوین وطن دوم شماست. هم در آنجا و هم در تهران، مادامی که از تهران اعراض ننموده اید نماز را تمام بخوانید و روزه هم بگیرید.

مبطلات روزه

س۳۸۰ آیا اسپری برای تنگی نفس روزه را باطل می کند؟

ج باسمه تعالی; اسپری ظاهراً از راه تنفس داخل می شود و نه از راه معده، بنابراین مبطل روزه نیست.

س۳۸۱ اگر روزه داری در ماه رمضان به وسیله ظالمی به قهر و زور افطار کند، آیا روزه اش باطل می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; باطل نیست.

س۳۸۲ آیا تنقیه در قُبل زن در ماه رمضان برای مداوا مبطل روزه است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; موجب بطلان نیست و باطل نمی شود.

س۳۸۳ حکم ساعت شرعی برای افطار و سحری چیست؟

ج باسمه تعالی; آنچه تقویم ها نوشته اند و در روزنامه ها هر شب نوشته می شود و رادیو هم اعلام می کند به واقع نزدیک است. من خودم چند دقیقه قبل از اذان امساک می کنم و نماز صبح را یک ربع بعد از اذان می خوانم.

س۳۸۴ تزریق آمپول و غرغره کردن در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; تزریق آمپول غیر قوی و یا هر

آمپولی که به جای غذا به کار نمی رود؛ اشکال ندارد.

س۳۸۵ کسی که به سبب ضعف و یا مریضی منی یا بول از او خارج شود در ماه رمضان چه حکمی دارد و آیا روزه اش باطل است؟

ج باسمه تعالی؛ چون اختیاری نیست؛ روزه باطل نمی شود.

س۳۸۶ کسی که جاهل به مسئله در رمضان غسل انجام نداده آیا روزه اش باطل و کفاره هم دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ اگر جاهل مقصر نباشد؛ کفاره بر او نیست.

س۳۸۷ اگر جاهل مقصر یا قاصر غسل را ارتماسی انجام داد آیا در ماه رمضان روزه اش باطل است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ باطل نیست.

س۳۸۸ کسانی که مرض سینه تنگی دارند و دارویی به نام گاز سالبوتامول مصرف می کنند آیا گاز مذکور مبطل روزه هست یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ اگر از راه معده وارد شود روزه را باطل می کند.

س۳۸۹ بعضی مریض ها هستند که باید سر ساعت معیّن قرص مصرف نمایند آیا چنین مریض هایی می توانند بدون غذا و آب خوردن روزه ماه رمضان تنها قرص را سر ساعت میل نمایند یا برای روزه اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی؛ روزه با خوردن قرص باطل می شود.

س۳۹۰ خانم هایی که در ماه رمضان برای بعضی کارهای زنانه به دکتر مراجعه می کنند و دکتر وسیله ای برای معاینه داخل فرج خانم ها می کند آیا این عمل مبطل وضو و روزه هست یا نه؟ اگر دکتر مرد باشد چطور؟

ج باسمه تعالی؛ مبطل روزه نیست.

کفارات

س۳۹۱ بنده به مدت پنج ماه روزه قضا دارم و مدت ۶ ماه است به علت بیماری دارو

مصرف می کنم لذا نمی توانم قضای روزه هایم را بگیرم تکلیف بنده چیست؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مرضی که روزه را خورده اید تا سال بعد دوام داشته باشد؛ قضاء لازم نیست. فقط برای کفاره هر روز، یک چارک گندم یا نان به فقیر بدهید والا آن هم لازم نیست.

س۳۹۲ کسی که موی زهار او درآمده متوجه بلوغ خود نشود و روزه نگیرد آیا کفاره هم لازم است در صورتی که چند سال تأخیر انداخته؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که مقصر نباشد کفاره واجب نیست.

س۳۹۳ زنی که در ماه مبارک رمضان حیض شد بعد از آن قضای روزه را می گیرد کفاره هم دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ کفاره ندارد.

س۳۹۴ در کفاره روزه اطعام مسکین یکجا اگر مشکل باشد به سید یا به فقیر دو مرتبه اطعام جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، جایز است.

س۳۹۵ دختری که بالغ شده و جاهل به مسئله هست روزه بر او واجب شده بعد از علم به مسئله آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مقصر نباشد؛ کفاره بر او نیست.

س۳۹۶ نانی که برای کفاره به فقیر می دهند باید خشک باشد یا نان خشک را اگر آب بپاشند و نرم کنند و تا کرده به فقیر بدهند اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی؛ لازم نیست خشک باشد. نهایت این که اگر نان تازه و تر است یک مقدار زیادتر از یک مد بدهند.

س۳۹۷ کفاره روزه ای که عمداً خورده شده اگر در بین آن ۳۱ روز اول سفر ضروری پیش آید مثلا برای ملاقات پدر یا مادر مریضش به بیمارستان برود

و مسافر شده و روزه اش را بخورد آیا باید از اول بگیرد یا لازم نیست؟

ج باسمه تعالی; اگر مریض یا حیض باشد; مانع نیست و لازم نیست از اول گرفته شود ولی سفر مانع است و باید از اول بگیرد.

س۳۹۸ اگر زنی به خاطر مریض بودن نتواند روزه بگیرد و تا رمضان سال آینده مرضش خوب نشود آیا کفاره بر خود زن واجب است یا باید شوهرش کفاره را بپردازد؟

ج باسمه تعالی; کفاره غیر عمدی با شوهر است.

س۳۹۹ اگر کسی به خاطر مریض بودن نتواند ماه مبارک رمضان را روزه بگیرد و چند ماه بعد از ماه رمضان با همان مرض از دنیا برود آیا دادن کفاره بر ورّاث میت واجب است؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست.

س۴۰۰ اگر کسی با این که جوان یا نوجوان است به خاطر مرضی که دارد مثلا مرض صرع نمی تواند روزه بگیرد چند سال است که مرض مذکور ادامه دارد و معلوم نیست خوب بشود یا نه؟ آیا باز چنین شخصی باید کفاره بدهد؟

ج باسمه تعالی; باید روزی یک مدّ طعام کفاره بدهد نه کفاره شصت مسکین.

س۴۰۱ بنا به اختلافی که در دیدن ماه (آخر رمضان) شد; مسئله یوم الشک را نمی دانستم. وظیفه من چیست؟ اگر وظیفه کفاره دادن برای روزه های نگرفته باشد با توجه به این که ۳۰ روز متوالی نمی توانم روزه بگیرم و درآمدی هم ندارم به ۶۰ فقیر طعام بدهم چه کنم؟

ج باسمه تعالی; کفاره لازم نیست.

خمس و زکات

س۴۰۲ شخصی مبلغی سهم امام(علیه السلام) و سهم سادات بدهکار می باشد و می خواهد برای پسرش حیاط بخرد اگر

حیاط بخرد توان پرداخت خمس را ندارد در صورت تزاحم کدام مقدم است؟

ج باسمه تعالی; پرداخت خمس واجب است قهراً مقدم است ولی می تواند خمس را دستگردان کند و تدریجاً پرداخت نماید و خانه را بخرد.

س۴۰۳ اگر کسی مدتی از عمر خود را برای مردم سید معرّفی کرده و بعد از گذشتن سال ها که معروف به سید شده پشیمان می شود و از طرفی اگر سهم سادات گرفته باشد آیا ضامن است یا نه؟

ج باسمه تعالی; سهم سادات را گرفته است; در ذمه او می باشد و ضامن است.

س۴۰۴ چند نفر شرکتی تأسیس نموده واردات و صادرات دارند جهت تراکم اجناس یک ملکی به منظور انباری خریده اند آیا مبلغی که برای این ملک داده اند خمس واجب است یا مؤنه تحصیل ربح است در نتیجه خمس ندارد؟

ج باسمه تعالی; به هر تقدیر خمس آن واجب است چون تحصیل ربح هم خمس دارد.

س۴۰۵ کسی که به خانه احتیاج دارد در بین سال از منافع، وسایل ساختمانی خریده ولی اقدام به ساخت خانه ننموده و یا اقدام نموده و در اثنای ساخت حول (سال خمسی) او رسیده آیا به بقیه اجناس خمس لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی لازم است.

س۴۰۶ در صورت وجوب خمس استهلاک ابراز و وسایل شرکت را می توان از همین مبلغ کسر و حساب نمود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می توان کسر نمود.

س۴۰۷ شرکتی هر شش ماه یکبار یا هر سال یکبار سود می دهد آیا خمس این سود را بعد از کسر مؤونه سال بدهند کفایت می کند یا واجب است

هر سال تمامی اساس و اجناس و موجودی شرکت را حساب و تخمیس نمود؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه خمس اساس و اجناس موجودی شرکت را در سال اول داده باشند؛ خمس ندارد. مگر این که اجناس، زیاد شده و نسبت به آن ها خمس سود، کافی نیست.

س۴۰۸ در مسئله ۱۷۹۷ توضیح المسائل فرموده اید کسی که از اول تکلیف خمس نداده اگر از منافع، مالی بخرد و قیمت آن بالا رود خمس قیمت فعلی آن را بدهد آیا در این مسئله مابین آن هایی که عین آن ها باقی است با دیگر اشیاء می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ فرقی نیست.

س۴۰۹ شخصی در سالل ۵۴ ملکی خریده تا سال ۶۹ مقدار نامعینی خرج گذاشته و مقداری هم قیمتش افزایش یافته و به بهای روز آن را فروخته و از بهای آن، خانه لازم خریده که محتاج آن بود. حکمش را بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی؛ اگر در اثناء سال خانه را خریده، بر آن مقدار از پول یعنی مالیت که سال، گذشته؛ خمس تعلق می گیرد و به زاید خمس تعلق نمی گیرد و الا باید خمس همه مالی را که خمس نداده، بدهد.

س۴۱۰ زنان سیده و غیر سیده که از نظر مخارج زندگی تحت تکفل ازواجشان هستند، آیا می شود در مخارج شخصی شان به دسته اول سهم سادات و به دومی زکات داد؟

ج باسمه تعالی؛ نمی شود؛ چون فقیر بر آنان صدق نمی کند.

س۴۱۱ آیا مراد از سید در مسائل خمس سیدی است که منسوب به رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)باشد یا منسوب به هاشم بن عبدمناف باشد؟

ج

باسمه تعالی; میزان، نسبت به هاشم است. ولی در این زمان، اولاد هاشم فقط از طریق عبدالمطلب است.

س۴۱۲ افرادی که از نسل عباس بن عبدالمطلب می باشند جایز است خمس بگیرند؟

ج باسمه تعالی; اگر نسبت ثابت شود بلی جایز است.

س۴۱۳ اگر سادات اهل محل نیازمند باشند آیا می شود سهم سادات را به مراجع و یا جای دیگر داد؟ و ثانیاً با فرض مزبور می شود مقداری به سادات موصوف و مقداری جای دیگر داد؟

ج باسمه تعالی; بله، هیچ کدام اشکالی ندارد.

س۴۱۴ سیدی که سیادتش اشتهار دارد ولو ما از نحوه شجره اش اطلاع دقیق نداریم اگر احیاناً از شخصی در حق او جرمی شنیده شود تأدیه سهم سادات به ایشان جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است همان اشتهار کافی است.

س۴۱۵ اگر کسی از پول خمس نداده خانه مسکونی برای خود بخرد خمس دارد یا نه؟ در وسط سال بخرد چطور؟

ج باسمه تعالی; اگر در وسط سال باشد; خمس ندارد و اگر بعد از سال باشد; خمس آن پول را باید بدهد نه خانه را.

س۴۱۶ کسی که برای رفتن به محل کارش نیاز به ماشین شخصی دارد و با نبودن ماشین شخصی به زحمت می افتد آیا ماشین مذکور خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; چون برای آن کار است خمس دارد.

س۴۱۷ اگر کسی بدهکار باشد و طلبکارها به او مهلت بدهند آیا می تواند تدریجاً پول آنها را پرداخت نموده تا پول آنها را تمام نکرده خمس ندهد؟

ج باسمه تعالی; با اجازه حاکم بلی.

س۴۱۸ اگر کسی خمس یک جنس را از خود آن جنس پرداخت کند و باقیمانده

جنس قیمتش در وسط سال بالا برود آیا دوباره خمس به آن چیز (مثلا سکه طلا) تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی تعلق می گیرد.

س۴۱۹ اگر کسی سال خمس دادنش باشد آیا می توان مقداری به او تخفیف داد؟

ج باسمه تعالی؛ تشخیص دادن مورد تخفیف با مجتهد است.

س۴۲۰ خمس را که دستگردانی می کنند اگر تا سر سال همه خمس را بدهکار نتواند بپردازد آیا به عنوان بدهی باقیمانده خمس را باید از کل سرمایه کم کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی باید کم نمود.

س۴۲۱ اگر پدری به فرزندش حیاط مسکونی بذل کند و آن حیاط مسکونی زیاده از شأن نباشد آیا خمس به حیاط تعلق می گیرد یا نه؟ و اگر تعلق می گیرد کدام یک از پسر و یا پدر خمس را باید بپردازد؟ ضمناً اثاث منزل اگر زیاده از شأن نباشد اگر با پولی که خمس آن را نداده خریده باشد چطور؟

ج باسمه تعالی؛ حیاط و اثاث البیت خمس به آن تعلق نمی گیرد.

س۴۲۲ اگر کسی بدون اجازه مجتهد جامع الشرایط مبلغی از خمس را به بیمارستان یا جای دیگری کمک کند آیا ذمه وی در آن باره بری می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه به مجتهد بگوید و او امضاء کند؛ بری می شود.

س۴۲۳ اگر کسی در تنگی معیشت باشد آیا اجازه می فرمایید که سهم مبارک امام به ایشان کمک شود اگر اجازه می فرمایید چه مقدار می شود کمک کرد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه شخصی است خدمتگذار به دین و یا آن که قادر برکسب نیست؛ اجازه می دهم به

مقدار زندگی عادی، متناسب شأن او به او داده شود.

س۴۲۴ اگر کسی ملکی را با قرض بخرد و به علت داشتن قرض مذکور و قرضهای دیگر موقع سال خمس قیمت زمین مذکور را مطالبه نکند تا ادای قرض حکم وی چگونه است؟

ج باسمه تعالی; ملك قرضی خمس ندارد. اگر قرض ها ادا شود و ملك زاید بر مؤونه باشد به آن خمس تعلق می گیرد.

س۴۲۵ خرید زینت آلات زنانه در وسط سال یا با پول خمس نداده اگر وقت زینت کردن زن به آن ها نگذشته باشد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد، چون جزء مؤونه است خمس آن لازم نیست.

س۴۲۶ موقع دادن خمس آیا قیمت ابزار کار یا ملك (اعم از زمین، مغازه، ابزار کار) و آذوقه با قیمت آن روز که می خواهد خمس بدهد حساب می شود یا با قیمتی که خریده است؟

ج باسمه تعالی; با قیمت همان روز.

س۴۲۷ بچه ای موقع بلوغ از موقع صغیر بودنش سرمایه ای جمع کرده مثلا عیدی یا جایزه گرفته اگر با سرمایه مذکور موقع صغیری کاسبی نکند سرمایه اضافه نشود آیا خمس تعلق می گیرد و اگر موقع صغیری کسب کند و سرمایه هم اضافه شود چطور؟

ج باسمه تعالی; در هر دو صورت خمس تعلق می گیرد.

س۴۲۸ لوازم خانه از قبیل تلوزیون یخچال و سکه را با سند ازدواج می دهند اگر لایق به شأن باشد خمس تعلق می گیرد؟ لایق شأن نباشد چطور؟ (علت خرید اجناس مذکور به علت ارزان بودن قیمت آن است)؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که لایق به شأن یا کمتر باشد خمس ندارد.

س۴۲۹ کسی

که موقع دادن خمس (سر سال خمس) طلبکار است و نمی داند بدهکارها طلبش را می پردازند یانه در این صورت خمس طلبش نسبت به آن کسی که اطمینان دادن طلب را ندارد چیست و نسبت به کسی که اطمینان دارد طلبش را می دهد چطور؟ آیا می تواند طلب را در هر سالی که دریافت می کند از درآمد همان سال حساب کند؟

ج باسمه تعالی؛ در هر دو صورت حساب و دستگردان می کند. و دستگردانی را چنانچه دریافت شد؛ می دهد و الا چیزی بر عهده او نیست.

س ۴۳۰ اگر کسی یک سال ضرر بکند و سرمایه کم شود آیا می تواند از سود سال بعد جبران سال قبل را کند؟

ج باسمه تعالی؛ خیر نمی تواند.

س ۴۳۱ اگر کسی از اول کارش خمس ندهد و حالا بخواهد خمس بدهد چطور می شود مال او را مخمس کرد و اگر کسی مدتی خمس بدهد و بعد از مدتی قطع کند دوباره بخواهد خمس بدهد تکلیفش در موقعی که خمس نداده چیست و چطور باید پول او را مخمس کرد؟

ج باسمه تعالی؛ آن چه موجود دارد؛ خمس آن گرفته می شود و زیادی را به هر مقدار احتمال می دهد دستگردان بنماید و به حداقل محتمل مصالحه بنماید.

س ۴۳۲ نذری را که به امام(علیه السلام) یا امامزاده شده یا بعضی ها مبلغی را در نظر گرفته و خود را بیمه امام زمان(علیه السلام) می کنند آیا چنین پول هایی را می توان به سید مستحق داد؟ رد مظالم را چطور؟

ج باسمه تعالی؛ مال نذری را که در سؤال ذکر شده است نمی توان به

سید مستحق داد، ولی رد مظالم را می توان به سید داد.

س۴۳۳ اگر در وسط سال قناتی که متعلق به عده ای از کشاورزان می باشد نیاز به تعمیر داشته باشد و یکی از شرکاء مخارج تعمیر را داده و لذا سر سال از نظر سرمایه پیشرفت نکرده وضعیت خمسی او چطور می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مخارج تعمیر را مجاناً داده; خمس واجب نیست و اگر به عنوان قرض به بقیه شرکا باشد آنچه از سال قبل زیادی است باید خمسش را بدهد.

س۴۳۴ اگر کسی بدهکار باشد و در طول سال مبلغی را برای پرداخت بدهی کنار بگذارد تا جمع کرده به طلبکار بدهد آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خیر، تعلق نمی گیرد.

س۴۳۵ اگر کسی زمین را برای ساختن خانه مسکونی ضروری بخرد و چون قادر به درست کردن خانه نمی باشد یک سال از خرید آن زمین بگذرد آیا خمس به زمین مذکور تعلق می گیرد هم چنین مبلغی از پول زمین را گرو نگه می دارند تا موقع تنظیم سند به فروشنده بپردازند آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; بلی تعلق می گیرد.

س۴۳۶ بعضی از اجناس مانند نخود که قیمتشان به طور سرسام آور بالا و پایین می شود و اشخاصی که در چنین کاری هستند مثلا یک سال با پولی که دارند می توانند ۵ تن نخود بخرند و سال دیگر با همان پول ۲ تن نخود می توانند بخرند آیا موقع حساب سالیانه برای دادن خمس می توانند به نسبت جنس حساب کنند که سرمایه پایین آمده یا

نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، می توانند چون میزان، مالیت است.

س۴۳۷ اگر کسی سر سال خمسی آذوقه زیادی در خانه داشته باشد و خمس آن را پرداخت کند باقیمانده آذوقه که خمس آن را داده تا سر سال آینده خمسی تمام نشده باشد آیا به آذوقه مذکور دوباره خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی؛ خیر، تعلق نمی گیرد.

(ت) س۴۳۸ اگر کسی مغازه ای بخرد به این قصد که در آن جا کسب کند و قصدش بالا رفتن قیمت مغازه نباشد آیا موقع دادن خمس قیمتی را که داده برای مغازه حساب می کنند یا قیمت روز را؟

ج باسمه تعالی؛ میزان قیمت روز است.

س۴۳۹ اگر کسی نمی داند ملکی را که از پدرش به ارث رسیده خمس آن داده شده یا نه و حالا که می خواهد خمس بدهد ملک مذکور در دستش بوده و نفروخته است. آیا خمس به ملک مذکور تعلق می گیرد و اگر تعلق می گیرد آیا به قیمت روز می باشد؟ اگر خمس ملک مزبور داده نشده باشد چطور؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت ندانستن، خمس واجب نیست.

س۴۴۰ آیا برای کلیه مجالس وعظ و بیان احکام و تفسیر قرآن می شود سهم امام داد؟

ج باسمه تعالی؛ با نظر مجتهد اشکال ندارد.

س۴۴۱ اگر کسی از دنیا برود و بچه هایش صغیر باشند ارثی که به بچه ها رسیده آیا مادر بچه ها که سرپرست بچه ها می باشد باید خمس ارث را بدهد یا واجب نیست و درآمدی که از ارث به دستشان می آید خرج زندگیشان می شود در مسئله اگر میت اصلا خمس نمی داده و یا

معلوم نیست خمس می داده یا نه تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; میت اگر نمی دانند خمس می داده یا نه باصاله الصحه بنا را بر آن بگذارند که خمس داده و اگر می دانند خمس نداده، باید خمس بدهند، وارث خمس ندارد.

(ت) س۴۴۲ اگر کسی موتور آب را چند سال قبل به قیمت روز خریده است و از آن برای آبیاری زراعتش استفاده می کند حالا که می خواهد خمس بدهد قیمت روزی که خریده باید حساب کند یا به قیمت روز؟

ج باسمه تعالی; به قیمت روز.

س۴۴۳ التزام به دروس و تحصیل مراتب عالیه برای کسی که استعداد دارد و تأمین هم می شود وجوب عینی دارد یا نه و گرفتن سهم و شهریه به اذن حاکم شرع چه صورت دارد به عنوان این که محصل است؟

ج باسمه تعالی; واجب کفایی است و گرفتن شهریه و سهم اشکالی ندارد، چون سهم امام ارواحنافداه اختصاص به فقیر ندارد.

س۴۴۴ به شخص فقیر برای مخارج خود یا برای خرید جهاز دخترش یا برای ادای قرض یا مداوای مریضی جایز است سهم امام داده شود؟

ج باسمه تعالی; بلی، می توان پرداخت.

س۴۴۵ برای کارهای عمومی: اصلاح جاده ها، آسفالت خیابان، مخارج روشنایی معابر عمومی و خرید آبسردکن و امثال ذلک که نفع عمومی دارد آیا سهم امام داده می شود؟

ج باسمه تعالی; برای مصارف فوق، از وجوه بریه دیگر استفاده شود.

س۴۴۶ برای چیزهایی که در معاش زندگی: مغازه، اثاث، ماشین آلات که در طول چند سال تهیه می شود خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خمس بر مؤونه کسب، لازم است. و

بر مؤونه زندگی لازم نیست.

س۴۴۷ اگر کسی ماشینی داشته باشد که برای رفتن به کار از آن استفاده نمی کند آیا به ماشین مذکور خمس تعلق می گیرد واگر برای استفاده کند چطور؟

ج باسمه تعالی; اگر برای کار نباشد خمس ندارد و اگر برای کار باشد خمس تعلق می گیرد.

س۴۴۸ برای اهل علمی که مشغول تدریس و یا تحصیل علوم دینی هستند گفته می شود فقر شرط نیست برای گرفتن سهم امام(علیه السلام) همین که برای اسلام نفعی داشته جایز است سهم مبارك امام(علیه السلام) داد آیا این مطلب درست است؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۴۴۹ می توان مقداری از سهم امام یا سهم سادات را به فقیری جهت سرمایه کسب داد یا باید به مصرف خود برساند؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد به جهت کسب داده شود.

س۴۵۰ آیا سهم امام(علیه السلام) را می شود به تعمیر مساجد و خرید اثاث مسجد: کولر، فرش، سماور، و غیره خرج کرد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که لازم باشد و متبرعی نباشد و از زکات هم نتوان صرف نمود; مانعی ندارد، از سهم امام(علیه السلام) خرج کنند.

س۴۵۱ آیا برای تعمیر حسینیه و مقابر امامزادگان و علما که در شهر و روستا می باشند یا برای خرید زمینی یا بنای حسینیه سهم امام جایز است داده شود؟

ج باسمه تعالی; خیر، جایز نیست.

س۴۵۲ آیا به شاخه های درخت به عنوان مصرف روزمره برای گرم کردن بخاری و حمام و غیره و تیرهای چوبی که در ساختمان مصرف می شود خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه سال بگذرد و مصرف نکند.

س۴۵۳ برای

طعام دادن که در هیئت های مذهبی مرسوم است سهم امام می شود داد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر، مگر با اجازه مجتهد.

س۴۵۴ آیا جایز است برای تشویق کسانی که در مجالس مذهبی و احکام شرکت می کنند به عنوان جایزه نوار مذهبی یا کتب مذهبی و یا قرآن و تفسیر از سهم امام(علیه السلام) خریداری شود و به آنها داده شود؟

ج باسمه تعالی; در صورت تشخیص مجتهد جامع الشرایط در خصوص هر مورد، اشکال ندارد.

س۴۵۵ آیا اجازه می فرمایید از سهمین که در ذمه قرار می گیرد در رأس سال از طرف حضرت عالی قبض دریافت نموده در موارد ذیل مصرف شود سادات فقیر سید یتیم باشد یا سیدی که در سفر مانده باشد یا اهل علمی که مشغول تحصیل و تدریس علوم دینی است؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و هر سه مورد از موارد سهم سادات است.

س۴۵۶ آیا به سیدی فقیر که مخارج زن و بچه اش را نمی تواند برساند خمس داده می شود و یا نه و اجازه می خواهد؟

ج باسمه تعالی; سهم سادات اجازه نمی خواهد. و به مورد مذکور می شود داد.

س۴۵۷ کشاورزی که برای زندگی خود چند رأس گاو و گوسفند و الاغ برای لوازم زندگی نگهداری می کند بر این ها خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; تعلق نمی گیرد.

س۴۵۸ درختی که در زمین مرطوب خود به خود می روید و بعد از چند سال قطع می شود آیا خمس دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، خمس با شرایط آن تعلق می گیرد.

س۴۵۹ اگر زنی جهیزیه را خودش از

راه کار کردن فراهم کند و ازدواج نکند تا سال بگذرد خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر راه دیگری در تهیه جهیزیه نباشد; خمس ندارد.

س۴۶۰ کسی برابر شأن خود چیزی بخرد و تا یک سال استفاده نکند ولی عاریه به دیگری داد استفاده نموده خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; خمس ندارد.

س۴۶۱ دادن سهم سادات به سید صغیری که ولی ندارد جایز است؟ احتیاج به اذن حاکم شرع دارد؟

ج باسمه تعالی; با اجازه حاکم جایز است.

س۴۶۲ اشخاصی که سر سال (سال خمسی) دارند و چند روز قبل از سر سال منفعتی به دست آورند لازم است همه اموال را حساب نمایند یا می توانند برای منفعت فعلی سال قرار دهند؟

ج باسمه تعالی; باید همه را حساب نمایند.

س۴۶۳ فردی چند قطعه زمین را برای تجارت خریده بعد از مدتی قیمت آن چند برابر شده صاحب زمین نفروخته و بعداً قیمت زمین پایین آمده وقت تخمیس قیمت ترقی را هم حساب کند یا قیمت فعلی را حساب نماید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در وسط سال تنزل قیمت شده است; لازم نیست ترقی قیمت حساب شود و اگر بعد از سال است; باید حساب نماید.

س۴۶۴ آیا سهم سادات برای سادات فقیر یا سادات یتیمی که فقیر باشد یا سیدی که در سفر درمانده باشد تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; هر سه مورد، مورد سهم ساداتند.

س۴۶۵ آیا به وسایل مستعمل خانه: لباس، کتب، ماشین، وسایل آشپزخانه و خوردنی، صندلی، میز که مطابق شأن او باشد برای ساختن خانه در طول چند سال مقدمات بنایی از قبیل: آجر، آهن، و غیره خمس تعلق می

گیرد؟

ج باسمه تعالی; مؤونه فعلی خمس ندارد ولی به پول و مواردی که در ضمن چند سال فراهم شده، خمس تعلق می گیرد.

س۴۶۶ اگر کسی سر سال او رسید و قرض گرفت آیا این قرض خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; پول قرضی خمس ندارد.

س۴۶۷ اگر سیدی صغیر یا یتیم یا ابن السبیل از زنا به عمل آمده باشد آیا می توان از سهم سادات به او داد و ملحق به پدر و مادر است؟

ج باسمه تعالی; برحسب احتیاط لزومی نمی شود به او خمس داد.

س۴۶۸ اگر کسی بعد از سر سال خمس خود و حساب سال فهمید که مقداری پول به حساب او در بانک هبه یا واریز شده بود و خبر نداشته، آیا خمس آنها را باید حساب کرد یا این که در حساب سال آینده می شود؟

ج باسمه تعالی; بلی باید حساب کرد.

س۴۶۹ در مورد وجوهات شرعی سؤال می کنند که اگر امکان دادن به خود مجتهد نباشد به چه کسی داده می شود؟

ج باسمه تعالی; به وکیل مجتهد بدهند. خود جناب عالی می تونید آن را بگیرید و برسانید و سپس قبض گرفته و به صاحبان اموال بدهید.

س۴۷۰ آیا دیه ای که انسان می گیرد خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; بله خمس دارد.

س۴۷۱ در مورد مالیاتی که دولت به زور از مردم می گیرد خمس و زکات را ساقط می کند؟

ج بسمه تعالی; خیر، مالیات مسقط وجوه شرعیه نیست.

س۴۷۲ آیا به شهریه طلاب خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; بله، در صورتی که شرایط دیگر موجود باشد تعلق می گیرد.

س۴۷۳ آیا هدیه خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بله خمس دارد.

س۴۷۴ جهیزیه ی دختری که پدرش به او بخشیده خمس دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که زیادی بر مؤونه نباشد ندارد.

س۴۷۵ وسایل زندگی و تحصیل دختر که به واسطه پدر تأمین می شود خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; خیر ندارد.

س۴۷۶ از سهم مبارک امام(علیه السلام) برای فقراء آبرومند محل، بعضی شان برای خرید جهازیه دخترانشان احتیاج مبرم دارند با اجازه حضرات آیا می شود به مصرف رسانید؟

ج باسمه تعالی; به مقدار حاجت متعارف و مناسب می توان مصرف نمود.

س۴۷۷ آیا جایز است برای فرار از خمس دادن قبل از سال خمسی اموال خود را ببخشید و یا قرض بدهد یا جایز نیست؟

ج باسمه تعالی; قرض دادن، موجب خمس ندادن نیست ولی اگر ببخشید، خمس ندارد.

س۴۷۸ آیا مؤمن می تواند مال ناصبی را پس از دادن خمس آن برای خود بردارد؟

ج باسمه تعالی; ناصبی نجس است; اما نمی توان مال او را برداشت.

س۴۷۹ خمس به چند چیز تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; همه را با مسایل متعلق به آن در کتاب خمس توضیح المسایل نوشته ام.

س۴۸۰ جوانی هستم در سال چهارصد هزار تومان پس انداز دارم و پدری فقیر و خواهری دم بخت دارم آیا ممکن است وجوه متعلقه را برای خرید جهیزیه خواهر مصرف نمایم و خودم هم مجردم هنوز توان تأهل ندارم و ضمناً سودی را که بانک می دهد حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; هر سال خمس آن را حساب کنید و از طرف من وکیلید با دست راست قبول کنید و برای جهیزیه خواهرتان و پدر

و مادر خرج کنید. سود بانک نیز حلال است.

س۴۸۱ دختر مجردی که پدرش مخارج او را می دهد یا از دوستان هدیه به او می رسد خمس دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه در وسط سال مصرف نکنند و هدیه پول باشد نه لباس و اسباب زینت، خمس دارد.

س۴۸۲ آیا وجوهات شرعیه را به مرجع تقلید باید پرداخت کرد یا به حاکم اسلامی بعضی ها بر این عقیده هستند که برای تشکیل حکومت اسلامی بهتر است وجوهات را به حاکم اسلامی داد؟

ج باسمه تعالی; می توان به مجتهد جامع الشرایط پرداخت کرد و مرجع خصوصیتی ندارد.

س۴۸۳ اگر کسی زنش سیده است و زن کفارات روزه بدهکار است یا می خواهد چیزی مخصوص به خودش را بخرد شوهر می تواند از بابت سهم سادات کمک کند؟

ج باسمه تعالی; بلی، می تواند کمک کند.

س۴۸۴ برای پیش نماز مسجدی، از سهم مبارک می شود داد؟ در صورت توقع و احتیاج اجازه می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مجازید به او بپردازید.

س۴۸۵ آیا عشریه ای که نزد صوفیه مرسوم است دلیل روایی و ریشه اسلامی دارد و مکفی از خمس است؟

ج باسمه تعالی; دلیل روایی و ریشه اسلامی ندارد و مکفی از خمس هم نیست.

س۴۸۶ آیا به سید مخالف و زیدی مذهب و سنی می شود خمس داد یا نه؟

ج باسمه تعالی; احوط این است که به غیر اثنی عشری داده نشود.

س۴۸۷ اگر کسی مقداری از اموال خود را تخمیس نماید و به حج مشرف شود و بعد از مراجعت همه اموالش را تخمیس نماید چون تعلق خمس علی الاشاعه است آیا تصرف او

در همان مقدار خمس صحیح است یا نه ؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و اشکال ندارد.

س۴۸۸ کسی که آبرومند و عیالوار و عاجز از کسب و کار است اموالی که به فقراء اختصاص دارد اگر به وی کفایت ندهد آیا مخارج یا دیون آن را از سهم امام(علیه السلام)پرداخت کردن جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۴۸۹ جوانی هستم ۱۸ ساله در یک مغازه مشغول به کار هستم این مغازه مال ورثه است که پدرم یکی از وراث است و سهم هیچ یک از وراث معلوم نیست و کلیه کارهای مغازه از قبیل نظافت و فروشندگی به عهده من است ولی به اسم برادرم و در اختیار اوست و خرید از بازار، دادن چک، و کارهای اداری از قبیل دارائی و شهرداری... به عهده برادرم است و با این حال که کار معامله و فروش مغازه با من است آیا حقوقی به من تعلق می گیرد و سهمی دارم، اگر حقی تعلق گرفت هنوز که در منزل پدرم هستم خمس آن را باید بدهم، آیا زمانی که سهم هر کدام از وراث معلوم شد برای بنده هم حقی و سهمی شامل می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر مجانی، کار کرده ای حق ندارید; اگر مجانی نبوده، اجره المثل، مال شماست. به هر حال هر چه از آن جا بگیرید در صورت زیادی از مؤونه سال به آن خمس تعلق می گیرد و در صورتی که شما هم جزء ورثه هستید حق شما محفوظ است و باید سهم ببرید و به آن سهم الارث خمس تعلق نمی گیرد.

س۴۹۰ شخصی که

به روش احتیاط عمل می کند آیا می تواند سهم امام(علیه السلام) را صرف شهریه طلاب کند بدون این که زیر نظر مرجع تقلید خاصی باشد؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند; مگر آن که از یک مجتهد جامع الشرایط اجازه بگیرد.

س۴۹۱ در کتب فقهی مثل وسایل الشیعه و یا عروه الوثقی آمده است که سهم مبارک امام(علیه السلام) در زمان غیبت ولیعصر(عج) بر شیعیان مباح و حلال گردیده است و بعضی نیز احتیاط نموده اند و فرموده اند که سهم امام(علیه السلام) گرفته شده و معمولا به سادات نیز داده می شود؟ حکم مسئله چیست؟

ج باسمه تعالی; سهم امام ارواحنافداه در زمان غیبت حلال نشده و باید صرف ترویج دین اسلام گردد و چون اگر به نظر همه منوط باشد باعث هرج و مرج می شود باید مانند بقیه امور حسبیه با نظر مجتهد جامع الشرایط باشد و در عروه الوثقی خلاف این فتوی نیست.

س۴۹۲ شخصی سیزده سال پیش برای حج تمتع، ثبت نام کرده و پول داده است و همه آن ها، از درآمد همان سال می باشد آیا به این پول ها خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; آری تعلق می گیرد.

س۴۹۳ کسی از در آمد یک سالش زمین و از عایدات سال دومش مصالح و از درآمد سال سومش مخارج ساختمانش را تأمین می کند، آیا درآمدهای او، مشمول خمس می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; در دو سال اول باید خمس بدهد و همچنین در سال سوم اگر وسط سال، سکونت اختیار نکند.

س۴۹۴ اگر پارچه ای مثلا امسال خریداری شد مقداری از آن

استفاده نشد مثلا از پارچه ۲ متری، ۱ مترش امسال بریده شد و باقی تا یک سال یا چند سال بعد مورد استفاده قرار نگرفت آیا به باقی این پارچه خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; تعلق می گیرد.

س۴۹۵ در صورتی که خود شخص روحانی باشد و خمس را بگیرد و در مواردی به نفع مکتب اهل البیت علیهم السلام مصرف نماید و به مرجع ندهد آیا جایز است؟ ضمناً آیا سهمین مبارکین بایستی حتماً به مرجع داده شود یا خود شخص می تواند در مواردی خرج کند که بابت تبلیغ مذهب تشیع است؟

ج باسمه تعالی; می تواند با نظر مجتهد جامع الشرایط و اذن او مصرف نماید و اذن مرجع لازم نیست.

س۴۹۶ سیدی اظهار می کند من بیکار مریض تهیدست فقیر و نیازمندم برای حصول یقین و اطمینان کردن به گفته و استحقاق او شرعاً چه معیار و ملاکی لازم و کافی است؟

ج باسمه تعالی; معیار، حصول و اطمینان و یا شهادت شخص موثق است.

س۴۹۷ آیا مصرف کردن سهم امام(علیه السلام) برای ساخت مدارس و یا جاهایی که مورد نیاز می باشد جایز است؟

ج باسمه تعالی; در صورت نبودن تبرع و زکات و... جایز است.

س۴۹۸ سیدی که ۳ بار عمل جراحی شده از لحاظ جسمانی ناتوان و مریض است کسب و سرمایه ای هم ندارد تا از درآمد آن مخارج روزانه خود و عائله اش را تأمین کند اکنون این سید جهت بقاء و امرار معاش و ادامه زندگی خود و افراد تحت تکلفش دست نیاز خود را به سوی چه کسانی دراز کند؟

ج باسمه تعالی; اشخاصی

که قدرت مالی دارند، می توانند احتیاجات او را برطرف کنند و رجوع به غیر متمکن جایز نیست.

س۴۹۹ سیدی که برای سکونت خود و عائله اش فقط یک باب خانه ناقص و ناتمام دارد آیا داشتن این خانه شرعاً می تواند بر غنی و بی نیاز بودن این سید محسوب شود؟

ج باسمه تعالی; شخصی که خانه او بزرگ باشد و به مقدار زاید بر ضروریات باشد و یا تزئینات زیادی بنماید; فقیر نیست. ولی شخصی مورد سؤال فقیر است.

س۵۰۰ خداوند متعال خمس و سهم مبارک سادات را به چه کسانی اختصاص داده است؟

ج باسمه تعالی; سهم سادات برای رفع حاجت سید فقیری می باشد که هیچ راهی برای کسب و کار ندارد اما سیدی که می تواند کاسبی کند; ولی نمی کند; فقیر نیست و نمی شود به او خمس داد; مگر آن که درس بخواند و یا درس بگوید و یا تبلیغ بنماید که در این موارد می توان به او خمس داد.

س۵۰۱ کسی که پولی در بانک دارد و سال برای این پول تعیین کرده بعد از گذشت سال خمس این پول را می دهد و این پول به همان مقدار باز تا سال بعد می ماند آیا باز هم به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خمس بیش از یک مرتبه واجب نیست.

س۵۰۲ حقوق بازنشستگی و پول بیمه ای که پس از چند سال پرداخت می شود (بابت تصادف و یا کارافتادگی، موت و...) مشمول خمس می گردد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مشمول خمس است.

س۵۰۳ ۱ آیا اجازه می فرمایید از سهمین و رد

مظالم و زکات فطره و اموال مجهول المالک و هر آن چه تصرف در آن منوط به اجازه حاکم شرع می باشد برای رفع احتیاجات زندانیان سیاسی و خانواده های آنان و کسانی که به نحوی از انحاء در راه دشوار اصلاحات، گرفتار مصائب گوناگون می شوند استفاده شود؟

۲ آیا اجازه می فرمایید از وجوهات فوق الذکر برای کارهای فرهنگی در جهت افزایش دانش دینی، سیاسی و فرهنگی و حقوقی فردی و اجتماعی مردم به ویژه جوانان با تشخیص صاحب وجه و یا وکیل او استفاده شود؟

ج باسمه تعالی; مجازید نصف سهم امام ارواحنا فداه و تمام رد مظالم و زکاه فطره و اموال مجهول المالک را به هر دو مورد ذکر شده بپردازید.

س۵۰۴ اگر بخواهیم به روش احتیاط عمل کنیم و سهم امام(علیه السلام) را بین چند مرجع تقلید که شبهه اعلم بودن برای آن ها است تقسیم کنیم آیا جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد، ولی این احتیاط نیست.

س۵۰۵ آیا مصرف کردن سهم امام(علیه السلام) برای ساخت منازل مسکونی وقفی برای طلابی که مسکن ندارند جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; موارد و ازمنه مختلف است و به طور کلی نمی شود فتوی به جواز داد. بنابراین در هر مورد از این موارد از مجتهد مسلم کسب تکلیف شود.

س۵۰۶ آیا می توان سهمین سال خود را در یک امر اقتصادی که بسیار سودآور و همچنین اشتغال زا می باشد سرمایه گذاری کرد تا به صورت دائم بر امام(علیه السلام) و سادات درآمد زا باشد؟

ج باسمه تعالی; نمی شود مگر با اذن مجتهد در هر مورد.

س۵۰۷

شخصی کارمزد دولت بوده و در شهری غیر از وطن خود مشغول به کار می باشد و در وطن خود منزلش را اجاره داده و در شهر کار منزل اجاره گرفته آیا منزل او که در وطن است خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی، اگر خانه ارث نباشد خمس دارد.

س۵۰۸ اگر کسی خمس گوسفندان سرمایه ای را به عدد محاسبه و پرداخت نمود در سال بعد که گوسفندان به لحاظ وزن و قیمت سوقیه، افزایش پیدا کرده اند، در این صورت خمس آن ها چگونه است؟

ج باسمه تعالی; محاسبه قیمت سوقیه (بازار) معلوم است و زیادی وزن را از اهلش سؤال نموده و حساب می کنند.

س۵۰۹ لباسی که از خیاط گرفته ولی نپوشیده، هکذا سایر لوازم زندگی که در حال حاضر فرصت یا موقع استفاده اش نرسیده چگونگی خمسش را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه به مقدار متعارف باشد که عرفاً بگویند به آن احتیاج دارد; خمس ندارد.

س۵۱۰ کسی که از ابتدا سال مالی ندارد هر سال به حسابش نرسیده بعد از پانزده سال فوت کرده ششصدهزار تومان ثلث تعیین کرده آیا به آن ثلث خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه یقین دارند که خمس به اموالش تعلق گرفته است باید آن را قبل از تقسیم اموال از اصل مال بدهند و اگر یقین ندارند و یا آن که احتمال می دهند خود پرداخته است; چیزی واجب نیست.

س۵۱۱ شخصی تعدادی کاموا خریده به خاطر تهیه لباس ولی قبل از آن که لباس را کاملا ببافد یک سال بر آن ها گذشته آیا به این کامواها خمس تعلق

می گیرد یا بر لباس بعد از تمام شده آن ها خمس لازم می شود و آیا در صورت تعلق خمس الآن باید بپردازد یا بعداً هم می تواند پرداخت کند حال آن که کاموا یک قیمت دارد و لباس قیمت دیگری؟

ج باسمه تعالی; اگر سال دارید تنها کاموا را نباید حساب کنید. بلکه چنانچه زیادی بر مؤونه هست و از ناحیه ی دیگری ضرر کرده اید و در صورتی که زیادتر نباشد; خمس واجب نیست. اگر سال ندارید در صورتی که روی هم رفته زیادی، دارید خمس بدهید و الاّـ خمس، واجب نیست. به هر حال در صورتی که خمس تعلق بگیرد باید خمسش را الآن بدهید و آن هم خمس کاموا است و به لباس تعلق نمی گیرد خلاصه آن چه زیادی است، خمس قیمت آن، واجب است.

س۵۱۲ اگر کسی بعد از حساب سر سال خود فهمید که مقداری پول در بانک به حساب او وارد شده بود و خبر نداشت که خمس آنها را باید بدهد یا باید به خمس حساب سال آینده بگذارد؟

ج باسمه تعالی; باید حساب کند.

س۵۱۳ آیا به سیدی یتیم یا صغیر یا ابن سبیل که از زنا به عمل آمده باشد می توان سهم سادات و خمس داد؟

ج باسمه تعالی; برحسب احتیاط لزومی نمی شود به او خمس داد.

س۵۱۴ اگر کسی سر سال او رسیده و در همان روز قرض گرفت آیا این قرض خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; پول قرض خمس ندارد.

س۵۱۵ اگر کشاورزی زکات گندم را که واجب شده بود نداده و آن را تحویل سیلو بدهد و مبلغی که از

این راه می رسد آیا خمس تعلق می گیرد؟ بر فرض تعلق گرفتن خمس آیا هزینه هایی که مثل، بذر و تراکتور، و کود و... نمود چگونه حساب کند؟

ج باسمه تعالی؛ خمس تعلق می گیرد و این هزینه ها را از مجموع مال کم می شود.

س۵۱۶ کسی که تا به حال سال خمسی برای خود نداشته، ولی در هر سال یک رأس گوسفد یا بزغاله به سادات می داده آیا او می تواند آن ها را به عنوان خمس حساب کند و یا باید از مرجع تقلید اجازه بگیرد و بعد از این وظیفه اش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ با اجازه مرجع تقلید می تواند حساب کند و من اجازه می دهم.

س۵۱۷ کسی زمینی داشته دولت ۳۲ آن را از او گرفته و ۲۱ آن را از صاحب ملک خریداری نموده آیا زمین مذکور مشمول خمس می شود؟

ج باسمه تعالی؛ اگر زمین از ارث نرسیده و قبلا خمس آن داده نشده؛ باید الان خمس آن را پرداخت کند.

س۵۱۸ وامی را که شخصی دریافت کرده و قبل از صرف آن در مؤونه سال خمس اش فرا می رسد آیا مشمول خمس می گردد یا خیر؟ و اگر آن را صرف تهیه کالا (غیر مونه) کرده باشد حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ مشمول خمس نیست. چون به ازاء آن مدیون است و به آن فایده نمی گویند.

س۵۱۹ اگر شخصی برای ساختن خانه مسکونی تدریجاً اقدام نماید سال اول زمین تهیه کند و در سال های بعد با خرید مصالح هر ساله بخشی از ساختمان را تکمیل نماید و در سال پنجم مثلا در آن مستقر

گردد آیا پرداخت آنها لازم است؟

ج باسمه تعالی; لازم است. چون تا سال پنجم، جزء مؤونه نبوده است.

س۵۲۰ به کدامیک از وسایل زیر خمس تعلق می گیرد؟

مقداری اسکناس و سکه از زمان حکومت قبلی (شاه) و چند سکه خارجی به من سال های پیش داده شده؟

ج باسمه تعالی; خمس همه آنها را باید بدهید.

س۵۲۱ صندوقچه ای که مورد استفاده او قرار می گیرد و چند نوار خالی که استفاده نشده است؟

ج باسمه تعالی; خمس ندارد.

س۵۲۲ یک سری کتاب ها اعم از درسی و غیر درسی؟

ج باسمه تعالی; خمس ندارد.

س۵۲۳ لوازم التحریر؟

ج باسمه تعالی; خمس واجب نیست.

س۵۲۴ اگر پارچه ای را به شخصی هدیه دهند و بداند که خمس این پارچه داده نشده آیا شخصی که هدیه را گرفته باید خمسش را بدهد؟

ج باسمه تعالی; موظف نیست و به عهده خود هدیه دهنده است.

س۵۲۵ با توجه به این که در رساله های عملیه خمس و زکات، مالیات اسلامی به حساب آمده است و از طرفی در حکومت اسلامی وضع قوانین با شرع مطابقت داده می شود و در قوانین جاری مالیات به عنوان حکومت وضع گردیده است اگر قوانین ما با شرع مطابقت داده شده چرا یک فرد هم باید مالیات بپردازد و هم خمس و زکات بدهد؟

ج باسمه تعالی; تشریع خمس و زکات توام با بیان مصرف است که آن مصرف غیر از مصرف مالیات است.

س۵۲۶ سر سال خمس مکلف رسیده است و مقداری کوپن مواد اغذیه دارد ولی خریداری نکرده اما کوپن اعتبار سوقی دارد یعنی ما به ازای کوپن های موجود حدود ۵۰

کیلو برنج و ۳۰ کیلو قند و شکر و ۲۰ کیلو روغن اعتبارش است آیا کوپن های موجود و اعتبار آن ها متعلق به خمس می شود؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه در فروش کوپن ها از طرف دولت مجاز باشد دادن خمس به مقدار قیمت آن موقع لازم است.

س۵۲۷ زید خانه مسکونی خود را می فروشد و با همان پول خانه دیگری می خرد آیا خمس در این میان تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که خرید خانه در وسط سال باشد؛ خیر تعلق نمی گیرد و اگر سال بگذرد و خانه نخریده باشد باید خمس آن مال را بدهد.

س۵۲۸ شخصی مقداری کتاب برای مطالعه خریده یک سال می گذرد می بیند که بعضی از کتاب هایش را اصلا دست نزده است و استفاده ننموده است آیا در چنین موارد هم خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه کتاب ها زیاده از شئون نباشد تعلق نمی گیرد.

س۵۲۹ اموال مجهول المالک خمس بر آن ها تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ خیر تعلق نمی گیرد.

س۵۳۰ اگر کسی در وسط سال بمیرد آیا اموالی که موجود است خمس یا زکات را باید حساب کنند قبل از سر رسید سال خمسی یا زکات؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه زیادی آن سال زاید بر مؤونه حال حیاه باشد خمس دارد.

س۵۳۱ کسی که ساختمان و مغازه ندارد و ازدواج هم نکرده به درآمد آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، چنانچه زائد بر مؤونه داشته باشد.

س۵۳۲ اگر شخصی بدون تخمیس اموال حج انجام داده، بعد از مراجعت از

حج تخمیس اموال انجام شده حج این شخص چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تصمیم به ندادن خمس نداشته باشد اشکال ندارد.

س۵۳۳ آیا مازاد بر مؤونه از شهریه با گذشت سال خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی، خمس تعلق می گیرد.

س۵۳۴ مقدار طلا و جهیزیه همسرم تقریباً دوازه میلیون تومان می شود و اگر بفروشیم به نصف قیمت می خرند و در زندگی ما دخیل است آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که نوشته اید بعید است خمس تعلق بگیرد. ولی شما را از طرف خود وکیل می کنم که دستگردان نموده و به خودتان ببخشید.

س۵۳۵ آیا به جهیزیه زن در خانه شوهر یک سال استفاده نشده خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; مطلقاً خمس ندارد. مگر این که زیادی بر شأن او باشد.

س۵۳۶ آیا پدری که اهل خمس نبوده زمینی از او به ورثه رسیده خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه زمین را خریده خمس دارد ولی اگر به ارث به او منتقل شده خمس ندارد.

س۵۳۷ گاهی بعضی از دوستان و آشنایان هدایایی به ما می دهند و تخمیس اموال نکرده اند تصرف در این هدایا برای ما چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; برای شما و آنهایی که نفقه شان به عهده شما است حلال است و چون احتیاط می کنید به شما اجازه می دهم.

س۵۳۸ زمینی بایری که مرتع احشام و حیوانات بود دایر و احیاء کرده اند آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر در صورت تعلق خمس قیمت بایر و یا قیمت فعلی که دایر و احیاء شده

بپردازند؟

ج باسمه تعالی; در صورت احیاء و تملک، خمس به آن تعلق می گیرد و میزان، قیمت فعلی است.

س۵۳۹ اگر زیدی در وسط سال به رحمت خدا رفت و فصل دروکردن غلات است آیا این فصل هم از مؤونه محسوب است و آیا خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خیر، جزء مؤونه نیست و خمس تعلق می گیرد.

س۵۴۰ بعد از وفات آیت الله خویی(رحمهم الله) سهم مبارک را از مقلدین آن مرحوم گرفته به آقایان محترم حاضر در قم فرستاده ام اگر اجازه لازم بود گذشته ها را قبول و برای بعد از این هم اجازه بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; گذشته ها قبول است و بعداً نیز مجازید.

س۵۴۱ توضیح این که حضرت عالی اجازه صرف نصف سهم مبارک را به این جانب داده اید دعاگو یک ثلث کسر نموده و تفاوت آن را به بیمارستان آقای خوئی ره تحویل می دهم و باز منتظر دستور هستم چون وضع مالی در این شهر خوب نیست اگر صلاح دیده باشید مبلغی حواله فرمایید مخصوصاً در ماه رجب الخیر یا شعبان المعظم که موجب فضیلیت است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه لازم می دانید به بیمارستان بدهید; مانعی ندارد و الا با وجوه شرعیه دیگر، حتی سهم سادات و مقداری از سهم مبارک امام ارواحنا له الفداه برای حقیر می فرستید همه را صورت بدهید; قبض رسید می دهم که پول را نگه دارید و به طلّاب بدهید.

س۵۴۲ کسی پنجاه سال قبل وصیت کرده مبلغی معینی از بابت زکوه و خمس بدهند ورثه عمل نکرده است چه مبلغی باید بدهند؟

ج باسمه تعالی;

همان مبلغی که وصیت کرده است.

س۵۴۳ مبلغی است ناچیز و مورد مصرف او معلوم نشده حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; مجازید این مبلغ را به سید فقیر بدهید یا از طرف حقیر قبول کنید و به هر مصرف که می توانید; برسانید.

س۵۴۴ قبلا مقداری از سهم مبارک امام(علیه السلام) اجازه فرموده بودید و در مصرفش مجاز بودم اجازه می فرمایید برای فقرای غیر اهل علم و یا دختران بی بضاعت که ازدواج کرده اند و یا در حال ازدواج برای خرید جهاز مصرف شود؟

ج باسمه تعالی; شما در همه این تصرفات، مطلقاً مجاز هستید.

س۵۴۵ کسانی که کشاورز هستند برای فرار از زکات، خرما یا کشمش را که هنوز خشک نشده زود می فروشند و اگر در آن حال، تخمین بزنند خشک باشند با حد نصاب می رسد آیا کار آنان جایز است یا نه و زکات ساقط می شود؟

ج باسمه تعالی; فروش اجناس، قبل از تعلق زکات; موجب عدم تعلق زکات می شود.

س۵۴۶ آیا صدقه را اعم از واجب و مستحب به قصد خود و یا عوض میتی می دهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۵۴۷ آیا مخارج کشاورزی جزء مؤونه است و یا بعد از خارج کردن مصارف باید زکات را بدهیم؟

ج باسمه تعالی; مخارج کشاورزی به نسبت زکات آن کم می شود. مثلا اگر یکی از غلات اربعه به حد نصاب برسد و مخارج آن به مقداری باشد که اگر از آن خارج شود; بقیه از نصاب کمتر می شود لازم است از مابقی داده شود. نهایتاً نسبت زکات کمتر از بیست یک و یا ده یک

داده می شود.

س۵۴۸ پرداخت مظالم به خود مستحق چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۵۴۹ شخصی می تواند زکات و یا زکات فطره خود را به اولاد خود که در مدارس دولتی درس می خواند بدهند؟

ج باسمه تعالی; در زاید نفقه واجبه بلی.

س۵۵۰ کاه گندم موقع دادن زکات چطور حساب می شود؟

ج باسمه تعالی; قیمت کاه را از مخارج کم می کنند.

س۵۵۱ رفتن به منازل اشخاصی که خمس و زکات نمی دهند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

احکام حج

س۵۵۲ شخصی که به حج عمره مفرده رفته و در مسجد شجره محرم شد و در مکه طواف عمره فرموده را با چرخ طواف داده اند سپس نماز طواف خوانده و دیگری او را سعی داده بعد تقصیر کرده از لباس احرام بیرون آمده طواف نسا را هم دیگری بدون لباس احرام با لباس دوخته مجدداً با زحمت طواف و سعی را بدون چرخ انجام داده آیا این عمل از او صحیح می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; عمره و طواف و سعی اوّلی صحیح می باشد. اگر هم شبهه ای داشته; طواف و سعی دوم صحیح بوده و چون عمداً لباس احرام را ترک ننموده; چیزی از کفارات بر او نیست. به هرحال عمره اش صحیح است.

س۵۵۳ تراشیدن سر لازم است یا تقصیر کافی است اگر کسی نخواهد سرش را بتراشد آیا اشکالی دارد؟

ج باسمه تعالی; نتراشیدن اشکال ندارد و تقصیر مجزی است.

س۵۵۴ آیا زائر می تواند در کنار عمره و حج طواف مستحبی برای پدر و مادر خود بجا آورد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۵۵۵

آیا زائر در مکه و مدینه نماز را کامل بخواند یا شکسته؟

ج باسمه تعالی; مختار است به هر نحو بخواند مجزی و صحیح است.

س۵۵۶ اگر زائر در مکه و مدینه با آن ها نماز جماعت بخواند آیا اعاده لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی اعاده لازم است.

س۵۵۷ آیا زائر می تواند از ناحیه خودش در کنار عمره و حج عمره مستحبی هم به جا آورد؟

ج باسمه تعالی; به جا نیاوردن بهتر است.

س۵۵۸ افراد برای تشرف به مکه معظمه قبلا باید پول به حساب سازمان حج و زیارت واریز نمایند و برحسب قرعه کشی در سال های بعد مشرف می شوند، پرداخت خمس وجوه واریز شده به حساب مذکور در کدام یک از حالات زیر واجب است؟

الف: حج واجب و در همان سال اول مشرف می شود.

ب: حج واجب و در سال های بعد مشرف می شود.

ج: حج و یا عمره مستحبی است و در همان سال اول مشرف می شود.

د: حج یا عمره مستحبی است و در سال های بعد مشرف می گردد.

ج باسمه تعالی; در صورتی که در وسط سال خمس به حج واجب یا مستحب و یا عمره مشرف شود; خمس وجوه واریز شده واجب نیست و اگر بعد از سال اول باشد در جمیع فروض، خمس واجب است و چنانچه نوبت حج یا عمره خود را در سال های بعد بفروشد خمس قیمت دریافتی واجب است و این در صورتی است که شرایط دیگر خمس که یکی از آن ها زیادی بر مونه سال است موجود باشد. خلاصه حکم ارباح مکاسب را دارد.

س۵۵۹ راجع به

قربانی کردن چون چندین سال است که زائر خودش نمی تواند در ذبح قربانی شرکت بنماید و مدیران گروه اعلام می دارند از طرف زائران باید به قصابان نیابت بدهند تا قربانی بکند آیا اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نائب شیعه و مورد اطیمنان است اشکال ندارد.

س۵۶۰ فیشی که مردم برای رفتن حج می گیرند سازمان حج در حین صدرو فیش شرط می کند که هرکس فیش را بفروشد باید به خود سازمان حج بفروشد فروش به دیگری مجاز نیست. آیا چنین شرط سائق در صورتی که علقه و ربطی در بین صاحب فیش و سازمان نمانده؟

ج باسمه تعالی; چنین شرطی واجب الوفاء نیست. چون شرط ضمن عقد، لازم الوفاء است.

س۵۶۱ حجاج در دهم ذی حجه در مکه قربانی می کنند آیا می توانند این قربانی را در وطن خود انجام دهند؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی توانند.

س۵۶۲ کسی که به حج رفته و نماز طواف را از یاد برده و به وطن خود برگشت چه تکلیفی دارد؟

ج باسمه تعالی; مخیر است بین آنکه نائب بگیرد تا در مکه به جای آورده شود و یا این که در همان محلی که یادش آمده به جا آورد و یا خودش برگردد و در مقام به جا آورد.

س۵۶۳ آیا نماز طواف بر زن هم واجب است و اگر واجب است و به جا نیاورد شوهرش بر او حرام می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، واجب است و در خصوص طواف نساء، شوهر حلال نمی شود مگر بعد از نماز.

س۵۶۴ آیا حجاج باید حتماً در احرام لباس سفید بپوشند؟

ج باسمه

تعالی; خیر، لازم نیست; ولی بهتر است در لباس سیاه نباشد.

س۵۶۵ شخصی غسل جنابت را فراموش کرده پس از انجام حج تمتع و مراجعت به وطن به یادش می آید. نظر مبارک نسبت به اعمال این شخص چیست مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه برای احرام یا دخول حرم غسل نموده، صحیح است و اگر هیچ غسلی انجام نداده، طواف و نماز آن باطل است و باید در صورت امکان برگردد و خودش انجام دهد و الا نائب بگیرد و انجام دهد.

س۵۶۶ زنی نود ساله ام، هفتاد و پنج سال قبل ازدواج نموده و صداق من در آن زمان مبلغ سیصد و پنجاه تومان نقره که پول رایج آن وقت بوده بر ذمه شوهرم می باشد، ۱۵ سال بعد از ازدواج پدرم فوت نموده و مقدار ۱۰ هکتار زمین به من ارث رسیده و قریب ۱۰ سال است شوهرم فوت نموده و بعد از وفات ایشان پسرم از دنیا رفته و حدود چهار میلیون تومان پول نقد و ارزش زمین از پسرم به ارث برده ام و مدتی است به علت کهولت سن ناتوان گشته و راه رفتن برایم مشکل است آیا با این کیفیت، من مستطیع هستیم یا خیر؟ در صورت استطاعت مالی آیا استطاعت بدنی هم شرط است و من می توانم جهت اعمال حج نائب بگیرم یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که نوشته اید در صورتی که قدرت انجام حج نداشته باشید نائب گرفتن بر شما واجب است و اگر تمکن دارید جایز نیست.

س۵۶۷ شخصی با همسر و فرزند شیرخوارش برای اعمال حج و عمره عازم مکه مکرمه شده لذا

در طواف خانه کعبه اجباراً شوهر و همسر فرزند را با خود به طواف می برند بعد از اتمام طواف متوجه می گردند کودک جایش را خیس کرده البته رطوبت نجاست با بدن و لباس طواف کننده تماس پیدا نکرده این طواف چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; طواف صحیح است و اشکال ندارد.

س۵۶۸ کسی جهت رفتن به حج به بانک پول واریز می نماید و قبل از درآمدن نام او، فوت می نماید آیا حج نیابی بر آن میت لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; حج نیابی بر آن میت لازم نیست.

س۵۶۹ اگر کسی در حال احرام به علت شدت تابش آفتاب یا باد و باران شدید مضطر شده و سوار ماشین سقف دار بشود آیا کفاره تظلیل دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی کفاره تظلیل دارد.

س۵۷۰ آیا نماز طواف را می شود به جماعت خواند؟

ج باسمه تعالی; نمی شود.

س۵۷۱ اگر کسی مدیون است و طلبکار، دین را طلب می کند و متمکن از اداء دین هست ولی دین را اداء نمی کند برای حج به مکه تمتع می رود آیا حجش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; ادا نکردن دین خلاف شرع است و واجب است آن را اداء کند; ولی حج او صحیح است.

س۵۷۲ اگر کسی عمداً در حج قربانی نکشد حج وی چه صورت دارد؟ اشتباهاً نکشد چطور؟

ج باسمه تعالی; تا آخر ذی الحجه وقت باقی است و اگر عمداً از روز سیزدهم تأخیر بیندازد; معصیت کرده و اگر تا آن وقت هم ذبح نکرد; سال دیگر باید ذبح کند.

س۵۷۳ اگر کسی مستطیع باشد لکن فقرائی هم در

محل سکونتش زندگی می کنند آیا شخص مستطیع می تواند پول حج واجب را به فقراء بدهد و به حج نرود و اگر کسی برای تهیه جهیزیه فقیر پول حج را بدهد مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند; باید حج برود.

س۵۷۴ ثلث قربانی که در منی باید به فقرا برسد و در منی ممکن نیست و قبل از رفتن به مکه نسبت به سهم فقیر از فقیر اجازه گرفته می شود آیا بعد از برگشتن از مکه باید پول ثلث را به فقیر داد یا نه؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست از فقرا اجازه بگیرد ولی اگر این کار را کرد و در آنجا وکالتاً از فقیر قبض کرد و به ثلث قیمت معامله کرد باید پس از برگشتن یا قبل از آن پول را به همان فقیر بدهد.

(ت) س۵۷۵ اگر کسی را برای حج اجیر گرفته اند برای سال معین بعد از آن خود او استطاعت مالی پیدا کرده آیا حج آن سال را باید از ناحیه اجیر کننده برود یا از خود نایب و باید از طرف خود حج را انجام دهد؟

ج باسمه تعالی; در فرض سئوال باید از طرف خودش به مکه رود.

س۵۷۶ اگر زن استطاعت مالی پیدا کرده لکن محرم همراه ندارد که با او برود آیا حج از او ساقط می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; ساقط نمی شود.

س۵۷۷ اگر کسی نائب از حج برای میتی بود و خودش در همان سال مستطیع شد اما اجاره مطلق بود و این نائب می تواند فقط یک سال برود آیا حج خود یا حج نیابتی را انجام

بدهد؟

ج باسمه تعالی؛ در فرض سئوال، اجاره باطل می شود و باید از طرف خودش حج را انجام دهد.

س۵۷۸ آیا شخص مستطیع می تواند مال خود را به اولاد خود هبه کند به حدی که از استطاعت بیفتد در صورت جهل حکم مسئله چه می شود و اگر بعداً متوجه شد آیا می تواند مال هبه را پس بگیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در قبل از تمکن رفتن به حج و خروج به سوی آن و قبل از ماه حج هبه جایز است و در بقیه صور جایز نیست در مورد عدم جواز می تواند مال هبه شده را پس بگیرد.

س۵۷۹ آیا کسی که استطاعت مالی پیدا کرده لکن قبل از موسم حج در موارد مستحبی مال را مصرف نموده است چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اگر قبل از مال شوال مصرف کند و بعد از آن تمکن مالی برای سفر حج نداشته باشد؛ حج برایش واجب نیست والا واجب است.

س۵۸۰ شخصی به وسیله فیش بانکی پدرش برای نیابت از ایشان به حج می رود و در میقات خودش مستطیع می شود در صورتی که بدون این فیش نمی دانست برود حج نیابتی مقدم است یا خودش؟

ج باسمه تعالی؛ باید حج نیابتی را انجام دهد.

س۵۸۱ کسی برای حج واجب نام نویسی کرده و بعد مرده است، وراث برای رفتن به مکه اختلاف دارند آیا پسر بزرگ اولویت دارد یا نه اگر پسر بزرگ ادعا کند پدرم به من واگذار کرده و مدرک نداشته باشد چطور است؟

ج باسمه تعالی؛ خیر اولویت ندارد.

س۵۸۲ شخصی برای رفتن زیارت عتبات قرض می کند بعد

از اداء قرض حج واجب می شود یا نه و حال آنکه مخارج زیارت برابر مخارج حج یا زیاده شده باشد؟

ج باسمه تعالی; مخارج زیارت کم باشد یا زیاد، فرق نمی کند. چنانچه بعد از اداء دین استطاعت دارد; حج واجب می شود و نمی تواند به زیارت برود و اگر قبل از استطاعت رفته است; مجزی از حج نیست.

س۵۸۳ آیا می شود طواف را چه واجب چه مستحب برای ادای حاجت مؤمن قطع کرد؟

ج باسمه تعالی; در طواف مستحب مطلقاً جایز است و باقیمانده را بعد از قضای حاجت مؤمن تمام می کند و قطع طواف واجب، قبل از شوط چهار جایز نیست و اگر قطع کند باید از اول اعاده کند; ولی بعد از چهار شوط جایز است.

س۵۸۴ شخصی چند سال قبل برای حج ثبت نام کرده و امسال نوبتش شده فعلا پول رفت و آمد و واریزی به سازمان حج و سایر مخارج را ندارد و قبلا مستطیع بوده آیا واجب است به حج برود؟ یا می تواند فیش را بفروشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قبلا از هر جهت استطاعت داشته، به هر نحو که ممکن است باید به حج برود و اگر استطاعت نداشته، واجب نیست و می تواند فیش را بفروشد و اگر قبلا فقط استطاعت مالی داشته است، چون فعلا استطاعت ندارد; حج واجب نیست و می تواند فیش را بفروشد.

س۵۸۵ کسی مستطیع است ولی به حج نرود و وصیت هم برای حج نکند این شخص کافر می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; کسی در دنیا با ترک واجب کافر نمی شود و باید برای حج،

ولو وصیت نکرده باشد; نائب بگیرند و با عدم وصیت حج میقاتی کافی است و حج بلدی لازم نیست.

س۵۸۶ آیا نماز طواف را می شود به جماعت خواند؟

ج باسمه تعالی; نمی شود.

(ت) س۵۸۷ اگر کسی مستطیع باشد ولی پول حجش را به یک نفر مستحق بدهد که نیاز مبرم دارد آیا ذمه بری هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; بری نیست بلکه باید به حج برود.

س۵۸۸ حاجی برای اعمال حج عمره در خصوص سعی صفا و مروه را که باید هفت بار بپیماید اشتباهاً چهارده مرتبه پیموده به تصور این که رفت و برگشت را یک مرتبه حساب می کرده حکم چیست؟

ج باسمه تعالی; حج و عمره صحیح است.

س۵۸۹ آیا خنثی مشکل برای مناسک حج و همچنین بالنسبه به حجاب اعمال مرد و یا زن را انجام بدهد؟

ج باسمه تعالی; اگر علامات ظاهره مثل ریش، جماع، حیض، پستان و حمل و... مشاکل باشد; تکلیف روشن است والا سه علامت برای تشخیص مرد بودن یا زن بودن در اخبار ذکر شده که باید به آن ها رجوع کرد.

س۵۹۰ یک زن مشرف به حجه الاسلام شده است ده روز اول را حیض و ده روز دوم را محتلم و ده روز سوم را استحاضه دیده است از نظر احکام شرعی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چون ده روز اول حیض بوده است حج مبدل به افراد می شود و بعد از پاک شدن عمره مفرده به جا می آورد و محتلم، اگر آب ندارد; غسل واجب نیست بلکه تیمم می کند.

س۵۹۱ اگر کسی که به حج می رود در منا قربانی کند قربانی

معونه الظالمین بالظلم نمی شود؟

ج باسمه تعالی; باید قربانی کند; معونه الظالم نیست.

وکالت

س۵۹۲ اگر وکیلی، طبق متن وکالتنامه که از جانب موکل مشخص شده است پیش نرفته و ترتیب و مراحل و سلسله مراتب انجام وکالت را رعایت ننماید و صرفاً به دلخواه خود قسمتی از انجام آن را مدعی باشد در صورتی که آن قسمت مؤخر بر دیگر مقدمات باشد و موکل نیز به هیچ وجه راضی به این گونه عمل وکیل نبوده و نباشد انجام این گونه وکالت که متن آن مبنی بر طی سلسله مراتب فوق الذکر کاملا صریح و بدون ابهام باشد از جانب وکیل مورد شرعی را به دنبال داشته باشد نهایتاً آیا نتایج این امر شرعی که ادعا شده است وکیل انجام داده صحیح و شرعی می باشد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که وکالت مشروط به رعایت مراتب باشد; عمل، بدون مراعات شرط، ممضی نیست.

س۵۹۳ در وکالتنامه مذکور اینجانب به همسرم وکالت در مورد طلاق (که البته به صورت مستقل انشاء شده و عقد خارج لازمی نبوده است داده بودم، بر اساس مندرجات آن که کاملا واضح است (رونوشت به ضمیمه تقدیم می گردد) از ابتدا بایستی ترتیبات و مراحل آن را رعایت می نمود، یعنی با مراجعه به دادگاه خانواده و تقدیم دادخواست طلاق از طرف موکل، دریافت حکم طلاق اعم از رجعی یا خلعی، حضور در دفترخانه رسمی طلاق اقدام به ثبت آن و بذل مهریه یا اقرار به وصولش، با حضور شهود و معرفی نیابت و وکالت در اجرای صیغه طلاق را انجام بدهند. ایشان متأسفانه بدون رعایت ترتیب منطقی

تمامی موارد فوق (که عرف حاکم بر جامعه نیز موید آن است) علی رغم نص صریح وکالت و میل موکل، مدعی است آخرین قسمت آن را انجام داده است بدین ترتیب که فقط صیغه شرعی طلاق را (بدون انجام مراحل قبلی) انجام داده است و اقدام به جاری نمودن آن کرده است یعنی عدول از چارچوب تعیین شده در وکالت با عنایت به توضیحات فوق آیا شرعاً وی همسر این جناب می باشد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که نوشته اید طلاق جاری شده بدون رعایت مراتب ذکر شده می باشد و صحیح نیست; چون مورد وکالت نبوده است و او همسر شما است.

س۵۹۴ اگر در عقد وکالت شرط کند بلاعزل باشد با این که ماهیت وکالت از عقود جایزه است، این شرط نافذ می شود یا نه و آیا موکل حق تخلف شرط را دارد و آیا عزل نافذ خواهد بود یا نه و آیا عبارت «وکالت بلاعزل دارم» و عبارت «وکالت دادم شرط عدم عزل» فرق می کند؟

ج باسمه تعالی; عقد وکالت به مقتضای اخبار خاصه از طرف موکل خاصه جایز است والا مقتضای عمومات لزوم عقود، عدم جواز است، چون اگر عدم عزل را شرط کند اخبار خاصه آنجا را نمی گیرد; بنابراین وکالت لازم می شود. ولی چنانچه شرط نتیجه نماید و بگوید به شرط عدم الانعزال، شرطی است خلاف کتاب و سنت و باطل است و هم چنین است اگر بگوید وکالت بلاعزل دادم در صورتی که بلاعزل به عنوان شرط نباشد.

س۵۹۵ اگر عقد وکالت مطلق بود; به چه مقدار از زمان انصراف دارد آیا مدام العمر

خواهد بود به خصوص اگر قید بلاعزل را ذکر کرده باشد؟

ج باسمه تعالی; بلی، مادام عمر الموکل او الوکیل.

س۵۹۶ آیا زن می تواند در عقد نکاح شرط کند هر وقت شوهر بداخلاقی کرد و قابل تحمل نبود وکالت داشته باشد برای طلاق خود آیا این شرط و وکالت صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

احکام قضا

س۵۹۷ آیا زن می تواند در قضاوت و حکم بین متخاصمین، قاضی شود؟

ج باسمه تعالی; قضاوت، به معنی حکم لاحد المتخاصمین علی أنه حکم الله تعالی و به عنوان الولایه الثابته من قبل حجه الله(علیه السلام) مختص به رجال است و زن نمی تواند قاضی شود ولی در حکم به غیر این عنوان، مانند حکم قضاه منصوب از قبل سلاطین، جور مانعی ندارد زن قاضی شود. ولی باید رعایت کند که اگر حکم می کند بر او به علم یا بشهاده عدلین ثابت بشود.

س۵۹۸ چنانچه نزاعی بین دو نفر یکی شیعه و دیگری سنی باشد چگونه باید حکم نمود؟

ج باسمه تعالی; باید بر طبق حکم شرعی که همان حکم شیعه است حکم نمود.

س۵۹۹ آیا قضاوت غیر مجتهد مأذون از مجتهد در زمان غیبت جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; حکم کردن جایز نیست; ولی بازجویی مانعی ندارد.

س۶۰۰ در صورتی که قبل از اثبات زنا توسط ادله شرعیه قاضی اظهار علم به وقوع زنا بنماید و در جراید آن را رسماً اعلام نماید آیا مورد از موارد جرح قاضی به دلیل زوال صفات لازمه در قاضی از جمله عدالت می شود یا نه؟ در صورتی که چنین قاضی حکم صادر کند شرعاً حکم وی لازم

الاتباع است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه عدالت قاضی ثابت باشد و قاضی بتواند با علم خود اجراء حد نماید؛ چنین اظهاری موجب سقوط از عدالت نیست. بلی، چنانچه علم نداشته باشد یا علم او مجوز اجرای حد نباشد؛ اظهار در جراید موجب سقوط عدالت می شود و حکم او لازم الاتباع نیست.

س۶۰۱ در صورت خیانت و عدم صلاحیت ولی قهری به خاطر عدم پرداخت نفقه و خیانت در اموال صغار و... آیا ولی قهری قابل عزل می باشد یا نه؟ و در صورت قابل بودن آیا می توان مادر صغار را جانشین او کرد؟ یا به عنوان قیم انتخاب گردد و این در صورتی است که قانون مدنی در این گونه موارد ضم امین را در نظر گرفته و این در حالی است که در بحث حضانت در صورت انحطاط اخلاقی و عدم صلاحیت ولی قهری قانون اجازه گرفتن حضانت را از وی داد؟

ج باسمه تعالی؛ ولایت ولی قهری قابل عزل نیست ولی چون جواز تصرفاتش، مقید است به عدم المفسده، لذا تصرفات خائنانه او ممضی نیست. بنابراین بر حاکم شرع است که ضم امین نموده و تصرفات با نظر او باشد. اگر آن هم نشد حاکم او را از تصرفات منع می نماید و اجازه می دهد کس دیگر متصدی شود. در این دو مورد، مادر با تعیین حاکم متصدی می شود و نقض به حق حضانت نمی شود چون آن حق است و قابل سقوط و لذا با عدم صلاحیت می توان حق حضانت را از او گرفت.

س۶۰۲ فردی که دارای سه فرزند صغیر و کبیر و ۵۱ سال سن

می باشد و سه بار نزد قاضی صادر کننده حکم اقرار به زنای محصنه کرده باشد:

۱ آیا قاضـی صادر کننـده حکم می توانـد به اعتبار اقرار چهارم متهم نزد حاکم دیگر که دخالتی در صدور حکم ندارد وی را به حد شرعی زنای محصنه محکوم نماید یا خیر؟

۲ چنانچه اقرار متهم ناشی از رعب و وحشت انجام شده باشد آیا معتبر و نافذ خواهد بود؟

ج باسـمه تعالی؛ اولا: سه بار اقرار کافی نیست بایـد چهار بار باشـد. ثانیاً: بایـد اقرار متهم ناشـی از رعب و وحشت نباشد. ثالثاً: اقرار متهم باید نزد حاکم باشد و چون نزد حاکم سه اقرار بیشتر نکرده است حاکم نمی تواند حد زنای محصنه اجرا کند.

س۶۰۳ چـاه عمیق کشاورزی مربوط به روسـتای ۲۰۰ خـانواری که در سال ۷۱ وسائـل و تجهیزات برقی آن به سـرقت رفته در نتیجه صـدها هکتـار باغـات و زراعـات چنـدین سـاله اهـالی این روسـتا به آتش بی آبی سوخته و خسارات جبران ناپـذیری به مسـلمین وارد گردیـده و موجب کوچ جمعی به شـهرها شـده، نماینده اهالی علیه سارقین و حامیان او شـکایت و پیگیری کرده ولی تاکنون رسـیدگی نشـده و سارقین و قاضـی آزاد کننـده، مجازات نشده حال طبق مدارك پیوست که ملاحظه می فرمایید مجموعاً حدود ۲ میلیون تومان مالیات برای چاه به سـرقت رفته راکـد غیر فعال آمده، اهالی و صاحبان چاه و باغات و زراعات سوخته می گوینـد ما قدرت به پرداخت این مالیات ناحق را نداریم در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز آمده، در این صورت مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران

می شود و در قانون مجازات اسلامی ماده ۵۹۷ آمده به تأدیه خسارات وارده محکوم خواهد شد، به هرحال آیا دادن این مبلغ مذکور برای اهالی خسارات دیده لازم است یا خیر؟ و گرفتن این مبلغ برای مطالبه کنندگان نیز جایز و مشروع است یا خیر؟ خلاصه آیا قاضی متخلف هم ضامن خسارات است یا خیر؟ حکم چیست؟

ج باسمه تعالی; به طوری که راجع به آن قریه نوشته شده و با توجه به اصل ۱۷۱ اهالی ضامن نیستند و دولت باید جبران کند قاضی نیز کار خلافی انجام داده است و مقصر است. ولی وجهی بر ضمان او نمی دانم و ظاهراً مطالبه از اهالی بلا وجه است.

س۶۰۴ در مواردی که متداعیین غیر شیعه یا غیر مسلمان بوده و در باب یکی از احوال شخصیه (ارث، وصیت، نکاح و طلاق) با یکدیگر اختلاف داشته و به دادگاه اسلامی مراجعه کنند، آیا دادگاه مزبور صلاحیت و یا الزام به رسیدگی دارد یا خیر؟ و در صورت رسیدگی، مبنای حکم قاضی، احکام اسلامی خواهد بود یا مذهب یکی از اصحاب دعوی؟ در صورت اخیر اگر اصحاب دعوی دارای ادیان یا مذاهب مختلف باشند ملاک حکم قاضی، مذهب کدام یک از آنان خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; ظاهر آیه کریمه (فان جائوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم و ان تعرض عنهم فلن یضروک شیئا و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط) و صریح خبر ابی بصیر عن الامام الباقر(علیه السلام)ان الحاکم اذا اتاه اهل التواره و اهل الانجیل یتحاکمون الیه کان ذلک الیه ان شاء حکم فیهم و ان شاء ترکهم (وسائل باب ۲۷ من ابواب کیفیه الحکم)

و روایات دیگر قاضی مخیر است بین آنکه بر طبق احکام اسلامی حکم نماید یا به قضات خودشان ارجاع دهد که بر طبق مذاهب خودشان حکم کنند.

س۶۰۵ آیا حدیث (و اختلاف امتی رحمه) صحیح است یا خیر، تفسیر این حدیث چیست؟

ج باسمه تعالی؛ روایتی معتبر در (وسائل کتاب قضاء باب ۱۱ من ابواب صفات القاضی ج ۱۰) هست که امام صادق(علیه السلام) آن را به این نحو معنی می فرماید: (انما اراد اختلافهم من البلدان لا ـ الاختلاف فی دین الله) یعنی مراد پیغمبر از این عبارت این است که از شهرها کوچ کنند و به مرکز علم رفته، احکام الهی را یاد بگیرند.

س۶۰۶ شرایط قضاوت در اسلام چیست؟ آیا دانشجویانی که پس از اتمام دوران تحصیل دانشگاهی با مدرک کارشناسی حقوق در آزمون قضات شرکت نموده و بر مسند قضاوت می نشینند و بعضاً می توان گفت عده کثیری از آن ها شرایط قضاوت را دارا نیستند حال معظم له آیا قضاوت این گونه افراد را جایز می دانید؟ در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

ج باسمه تعالی؛ قاضی باید مجتهد و عادل باشد. کسی که واجد شرایط نیست نمی تواند قضاوت کند و راه حل شرعی آن این است که وقتی مقدمات انجام گرفت هنگام حکم به یک مجتهد رجوع کند و او حکم کند.

س۶۰۷ آیا قضات محاکم با توجه به پیشرفت های علمی پزشکی قانونی می توانند به استناد نظرات آنان از باب یکی از طرق اثبات صدور حکم نماید یا خیر.

ج باسمه تعالی؛ بلی، چنانچه علم پیدا کنند، می توانند.

س۶۰۸ آیا در منصب قضا غیر مجتهد می تواند

قرار بگیرد.

ج باسمه تعالی; خیر، نمی تواند.

حقوق

س۶۰۹ پدرم چند سال پیش فوت نموده، مادر و دو خواهرم در شهرستان زندگی می کنند. شوهرم ماهانه مبالغی را جهت خرجی به بنده می دهد و دیگر نمی پرسد که با آن پول چه چیزی خریده ام. آیا بدون این که به همسرم اطلاع دهم می توانم از آن پول هدیه ای برای مادر یا خواهرانم بخرم یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که بدانید شوهرتان راضی است; اشکال ندارد و گفتن هم لازم نیست.

س۶۱۰ بر روی نوارهای کاست و CDها نوشته شده است هرگونه کپی و تکثیر شرعاً حرام است حال اگر فرض کنیم کپی و تکثیر حرام باشد. در این مسئله ۲ صورت قابل تصور می باشد: ۱ کسی که به صورت غیر شرعی کپی و تکثیر می کند ۲ مشتری CDها را به صورت غیر شرعی تکثیر می کند آیا مشتری هم چیزی را ضامن می باشد (گناهکار به حساب می آید یا نه)؟

ج باسمه تعالی; آنچه جمع شده است مال فروشنده می باشد و می تواند از تکثیر آن نهی نماید و چنانچه نهی کرد; جایز نیست و مشتری مالک نمی شود. ولی وجهی بر عدم جواز گوش دادن دیگران به آن نمی دانم.

س۶۱۱ در شهرستان بابل فشار آب لوله کشی شده کم می باشد و به همین جهت بیش از نیمی از مردم از پمپ آب استفاده می کنند به طوری که اگر در منازل از پمپ آب استفاده نشود در طول روز ساعت های مدیدی(۹ ۱۰) ساعت آب یافت نمی شود حال در پشت قبض های آبی

که برای صورت حساب آب به منازل توسط اداره آب فرستاده می شود نوشته (استفاده از پمپ ممنوع است). با توجه به این که در صورت استفاده از پمپ آب پول را تمام و کمال پرداخت می نماییم؛ لطفاً بفرمایید آیا غسل و وضوی ما درست و صحیح است و به تبع آن نماز و روزه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه قانون به مضمون ذکر شده در سئوال از طرف کسانی که آب در اختیار آن ها است جعل شده است تخلف جایز نیست.

س۶۱۲ آیا همسایه حق دارد در مرز مشترک زمین زراعی یا مسکونی در روستا بدون فاصله درخت کاری کند؛ در صورتی که درخت با شاخه هایش مزاحم کشت و زرع یا رشد درخت همسایه شود؟

ج باسمه تعالی؛ حق ندارد.

س۶۱۳ آیا خوردن میوه های درختان سر راه عمومی جایز است؟

ج باسمه تعالی؛ اگر درخت میوه در معرض عمومی باشد و کسانی که از آنجا عبور می کنند برای خوردن همان جا از درخت بچینند؛ اشکال ندارد و جایز است.

س۶۱۴ در صورت عدم تمکین همسر عقدی نسبت به رفتن به منزل شوهر، اگر شوهر او را به اجبار به همراه خود ببرد آیا این عمل آدم ربایی محسوب می شود؟ در صورت صدق عنوان، آیا آدم ربایی مشمول احکام سرقت است یا حکم دیگری دارد؟

ج باسمه تعالی؛ حق شوهر است و آدم ربایی نیست و آدم ربایی حکم سرقت ندارد.

س۶۱۵ شخصی در کنار ساختمان شخصی دیگر، باغ درست کرده درخت های آن باغ شاخه انداخته به عمارت مزبور و خسارت وارد کرده است آیا جلو درخت ها را می شود گرفت و

خساراتی که وارد کرده می شود گرفت یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جلوی شاخه ها را می توان گرفت و خسارات وارده را هم می شود گرفت.

س۶۱۶ لطفاً فتوای خود را در مورد درخت میوه ای که شاخه های آن از دیوار باغ بیرون آمده و رضایت صاحب درخت محرز نیست که آیا می توان از میوه ها چید یا از میوه های ریخته شده روی زمین برداشت مرقوم بفرمایید. ضمناً حکم درخت های میوه ای که شاخه های آن ها بر سر شارع عموم و یا خصوص قرار دارد و عام و خاص عبور می کنند; نسبت به چیدن میوه ها از درخت و یا برداشتن میوه ها از روی زمین که توسط باد و امثال آن ریخته شده، چیست؟ آیا شخص عابر می تواند میوه ریخته شده را بردارد یا از درخت بچیند با این که رضایت صاحب درخت معلوم نیست؟

ج باسمه تعالی; کسی چه از شارع عام چه از شارع خاص عبود کند جایز است از میوه های شاخه های باغی که از دیوار آن بیرون آمده بچیند و بخورد ولو با کراهت مالک. البته با لحاظ شرایطی:

۱ عبور به آن محل برای چیدن میوه و خوردن آن نباشد بلکه برای مقصد دیگری باشد و راه منحصر باشد یا راه دیگر هم باشد مهم نیست ولی آن راه را اختیار کند برای خوردن میوه و الا اگر فقط برای خوردن میوه برود خوردن جایز نیست مگر با احراز رضایت صاحب ملک.

۲ چیزی از میوه ها را برندارد. مثلا ببرد در خانه بخورد.

۳ از میوه شاخه داخل باغ نباشد والله العالم.

س۶۱۷ حق

التألیف چه حکمی دارد و آیا می توان بدون اجازه مؤلّف کتاب را چاپ کرد؟

ج باسمه تعالی؛ حق التألیف ثابت است و چاپ کردن کتاب بدون نظر مؤلف آن جایز نیست.

س۶۱۸ اگر کسی بمیرد و دختر صغیره ای داشته باشد؛ با این که نمی توان قبل از تمام شدن هفت سال دختر، او را از مادرش جدا کرد؛ اگر زن بعد از عده وفات بخواهد شوهر بکند آیا می تواند دختر صغیره را تحویل جد پدری دختر بدهد و اگر جد پدری نداشته باشد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، می تواند از حق نگهداری بچه صرف نظر کند به دیگری واگذار کند.

س۶۱۹ رد مظالم با مجهول المالك چه فرقی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ مظالم آن است که مالی از باب تعدی به دیگران بر ذمه شخص می آید و اما مجهول المالك آن چیزی است که مالکش معلوم نیست.

س۶۲۰ صحبت کردن در جایی که کسی خواب است مزاحمت می شود در صورت حرمت، از باب ایذاء می باشد یا تصرف در حق و غصب حق خواب و تصرف در حق در این مورد موضوع پیدا می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ تصرف محرّم و یا غصب نیست و مزاحمت با خواب کسی، فی نفسه حرام نیست. مگر آن که عنوان ایذاء و اضرار بر آن منطبق شود که در آن صورت جایز نیست.

س۶۲۱ آیا حبس کردن شخص آزاد و حرّ حرمتش از باب ایذاء است یا تصرف در حدود؟ آیا ضامن مدت حبس می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ ضامن نیست. ولی سلب کردن آزادی کسی حتی بدون ایذاء او، حرام

است.

س۶۲۲ چشمه آبی است در روستایی که مردم آن روستا برای زندگی خود و باغات و مسجد و حمام و مدرسه استفاده می کنند بعضی ها از روستا کوچ کرده و سهم آب خود را فروخته اند و چون چند سالی است که خشک سالی است آب کم است برای حمام بعضی ها آب نمی دهند آیا رضایت آن ها شرط است یا خیر و بدون رضایت آن ها از آب می شود برای حمام استفاده کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نظر به این که سال های متمادی، آب این آبادی منحصر به این آب بوده و همه از حمام استفاده می کرده اند اگر چه صاحب بعضی از باغات صغیر یا مجنون بوده یا راضی نبوده، معلوم می شود; معاملات واقع بر آب به این شرط ضمنی بوده است که به حمام داده شود. بنابراین اشکال ندارد و آن ها هم باید آب بدهند و چه خوب است کسانی که مالک هستند توجه نمایند که این گونه آب دادن به حمام در پیش خدا ارزش بسیاری دارد و خیر دنیا و آخرت در آن است. فکر می کنم اگر برادران مسلمان به ارزش این عمل توجه کنند بدون تردید در آب دادن از دیگران پیشی می گیرند خداوند به همه آنان توفیق خدمت به مردم و رفع مشکلات آنان را بدهد.

س۶۲۳ اگر چنانچه شهیدی ضمانت کسی را کرده باشد باید رفع ضمان از او شود تا در قیامت گرفتار نشود یا آنکه برای شهید دیگر رفع ضمان شده است؟

ج باسمه تعالی; شهادت، رافع ضمان نیست. چنانچه پول دارد; باید رفع

ضمان بشود والا در آن دنیا خداوند تبارک و تعالی به نحوی تلافی می نماید. روایتی است که امام(علیه السلام)می فرماید: شهیدی برای سه درهم که به یک یهودی بدهکار بوده است را می شود در کنار درب بهشت نگاه داشت به هرحال برای سعادت ابدی شهادت، به تنهایی با فرض تمام گناهان انجام داده، کافی نیست.

س۶۲۴ اگر پول بلیط قطار و امثال آن را ندهد آیا فعل حرام انجام داده و ضامن است؟ در صورت ضمان رفع ضمان چگونه است؟

ج باسمه تعالی; مسلماً ضامن است. چون متعلق به دولت است و رفع ضمان آن، دادن پول به متصدیان امر است.

س۶۲۵ همسایه ای در مرز مشترک مزروعی همسایه اش درختکاری می کند که ساقه و شاخه های درخت او در فضای زمین همسایه سایه افکنده و مانع از رشد زراعت می شود آیا همسایه دیگر می تواند مانع و جلوگیری نماید؟ مثلا شاخه های درخت را بِبُرد یا خیر. فاصله درخت با مرز چه مقدار لازم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شاخه های درخت در فضای ملک این شخص باشد می تواند ممانعت کند و چنانچه او شاخه را برنگرداند خودش می تواند آن را برگرداند و چنانچه نتوانست برگرداند; می تواند شاخه را قطع کند البته احتیاطاً از حاکم شرع اجازه بگیرد و فاصله بین درخت و مرز، لازم نیست فقط باید ریشه و شاخه درخت در ملک غیر نرود.

س۶۲۶ اگر کسی پدر و مادرش بمیرند و جده پدری و جده مادری داشته باشند و عمو و دایی نیز داشته باشند کفالت طفل با چه کسی است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پدر و

مادر بمیرند; حضانت با خاله است. اگر نبود یا قبول نکرد; با جد است. اگر نبود با وصی والا با حاکم شرع و اگر آن هم نبود به حسب مراتب ارث با ارحام است.

س۶۲۷ اگر کسی خودش را بیمه کند بعد تصادف کند و بمیرد و با مردن شخص مذکور آیا پولی که بیمه به وارث شخص مذکور می پردازد حلال است یا نه؟ (میت در حال حیات هر سال مبلغی بلاعوض به عنوان حق بیمه به اداره بیمه پرداخت کرده است).

ج باسمه تعالی; حلال است.

س۶۲۸ کارخانه ای که سهمیه از دولت جهت مصرف در موارد تولیدی دارد و این سهمیه جهت مصرف در مواد ترکیبی تولیدات کارخانه است. آیا می تواند این سهمیه و یا مقداری از این سهمیه، یا اضافی سهمیه را به صورت آزاد به فروش برساند؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۶۲۹ لطفاً یک پندی در مورد دوستی و دوستداری بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; امام سجاد(علیه السلام)در رساله حقوق چنین می فرماید و اما حق الصاحب فان تصحبه بالتفضیل و الانصاف و تکرمه کما یکرمک و لا تدعه سبق الی مکرمه فان سبق کافأته و توده کما یودک و تزجره عما یهم به من معصیه الله و کن علیه رحمه. ترجمه: حقوق رفیق این است که اگر با او رفاقت می کنی; با احترام و انصاف با او رفتار کن; او را محترم بشمار همان طوی که دوست داری او تو را محترم بشمارد; از صمیم قلب به هم علاقه مند باشید و او را از کارهای معصیت باز دار و برای وی رحمت باش.

امام(علیه السلام)می فرماید: و اطلب مواخاه

الاتقیاء ولو فی ظلمات الارض و ان افنیت عمرک فی طلبهم... با پرهیزکاران دوست باش اگرچه در تاریکی زمین برای پیدا کردنشان تلاش کنی و یا همه عمر خود را در این راه از دست بدهی. دوستی با آنان بزرگ ترین نعمت خداوند بر توست.

حدود و تعزیرات

س ۶۳۰ آیا در معنی تعزیرات قائل به موارد خاصی هستید یا هر چیز و هر مؤسسه ای که حالت اصلاحی و بازدارندگی داشته باشد و در منع افراد از بزه اثر بخش باشد آن ها را مجری حکم تعزیر می دانید؟

ج باسمه تعالی; تعیین تعزیر با مجتهد جامع الشرایط است; ولی مؤسسات می توانند با اجازه او مجری تعزیر باشند.

س ۶۳۱ به غیر از حدود و تعزیرات که از طرف شارع بیان شده تعیین حکم دیگر مسائل توسط قاضی چگونه است؟

ج باسمه تعالی; برای هر محرّمی از محرّمات الهیه اگر حد تعیین نشده باشد تعزیر تعیین می شود و مقدار آن موکول به نظر حاکم شرع است.

س ۶۳۲ با توجه به این که در سنین کمتر از ۱۸ سال کودکان و نوجوانان به آنچنان رشد عقلی و فکری نرسیده باشند و به یک معنی مستحق توجه و کمک ویژه ای هستند تا بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند و با توجه به وضعیت زندان های فعلی که افراد در این سنین مسلماً در معرض آسیب و تأثیرات منفی زندانیان قرار می گیرند. و امروزه دنیا به این فکر افتاده با تهیه کنوانسیون حقوق کودک که مورد پذیرش بیش از ۱۸۶ کشور جهان نیز قرار گرفته و ایران نیز در سنوات اخیر با حق شرط به این قانون پیوسته

که نظام دادرسی ویژه ای را برای افراد کمتر از ۱۸ سال اعمال نماید و در آن سیستم عمدتاً از نظام جایگزینی استفاده می شود به نظر شما با توجه به وسعت اختیارات قضات در تعزیرات آیا می توان نظام دادرسی ویژه ای برای آنان ترتیب داد تا در مواردی تعزیری از یک نظام جایگزینی که در ترمیم شخصیت آسیب دیده آن ها مؤثر است استفاده نمود مثلاً: به توبیخ شفاهی اکتفا نمود یا متهم را به یک مؤسسه تخصصی با مربیان اجتماعی که برای این منظور هستند فرستاد یا به یک مؤسسه پزشکی تربیتی بر اساس توصیه یک پزشک واجد شرائط برای انجام تربیت صحیح فرستاد یا صرفاً به جریمه نقدی اکتفا کرد یا به کار اجباری بدون حقوق به نفع مؤسسات و انجمن های حقوقی عمومی زیر نظر قاضی محکوم کرد و یا به هر شیوه جدیدی که در ساختار شخصیتی آنان نقش مؤثری داشته باشد و حالت بازدارندگی خود را نیز حفظ کند حکم کرد؟

ج باسمه تعالی; در جرائمی که شارع مقدس جریمه خاصی تعیین نموده; نمی شود تصرف کرد; در موارد دیگر که فقهاء فتوا به تعزیرات داده اند و در روایات گاهی به تعزیرات و گاهی به تأدیب تعبیر شده است منوط به نظر مجتهد است.

س۶۳۳ اگر شخصی به عینه ببیند که کسی شراب می خورد آیا می تواند حد شرعی جاری کند اگر این کار را انجام ندهد آیا معصیت نموده است؟

ج باسمه تعالی; اجرای حد باید با نظر مجتهد جامع الشرایط باشد و کسی نمی تواند اجرای حد نماید زیرا حاکم باید شرایط را

رعایت بکند.

رشوه

س۶۳۴ رشوه در اصطلاح یعنی چه و اگر کسی برای رسیدن به حق رشوه و هدایا بدهد این کار جایز است؟

ج باسمه تعالی; رشوه عبارت است از پولی که به قاضی شرع داده شود تا برخلاف واقع، حکم کند.

س۶۳۵ نظر اسلام را در زمینه رشوه خواری بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; رشوه مختص به باب قضاوت است.

س۶۳۶ در بعضی از اداره ها کارمندانی هستند که تا رشوه نگیرند کاری انجام نمی دهند حالا اگر کسی مجبور باشد برای راه افتادن کارش پولی بپردازد شخص مزبور که رشوه را اکراهاً داده است تکلیفش چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

بیع

س۶۳۷ اگر جنسی را دو ماهه نسیه بفروشند و چک از آن بگیرند آیا جایز است؟

ج باسمه تعالی; درست است.

س۶۳۸ اگر کسی بگوید این جنس را نقداً به ۱۰۰ تومان و نسیه به ۱۲۰ تومان می دهم چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; دو معامله باشد اشکال ندارد ولی اگر یک معامله مردد باشد باطل است.

س۶۳۹ در صورتی که مال یا زمینی در حدود ۴۰ سال یا کمتر به فروش رسانده شده و بعد از گذشت مدت زمانی ابطال و فساد معامله به خاطر مستحق للغیر در آمدن مبیع محرز شود آیا خریدار می تواند ثمن مورد معامله را به روز از فروشنده بگیرد؟ و این در حالی است که قانون مدنی اجازه داده که خریدار ثمن و خسارات وارده را از فروشنده بگیرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه زمین به واسطه کارهایی که خریدار انجام داده است ترقی قیمت پیدا کرده است و یا خساراتی را متحمل شده و خریدار نمی دانسته زمین مال فروشنده

نیست; فروشـنده ضامن است و بایـد تمام آن ها را بپردازد و چنانچه قیمت زمین بـدون عملی، ترقی نموده و یا این که خریدار عالم بوده که زمین مال فروشنده نیست نمی تواند قیمت روز را بگیرد. فقط همان مبلغی که چهل سال قبل داده; باید بگیرد.

س ۶۴۰ خریـد و فروش برخی از روزنـامه هـا و مجلاـتی که با اسـتفاده از آزادی موجود در جمهوری اسـلامی برخی از احکام اسـلام را زیر سؤال برده و یـا به مقـدسات انقلاـب اسـلامی جسارت کرده و یا بی بنـد و باری و فساد را ترویـج می نماینـد چه صورت دارد؟

ج باسـمه تعـالی; روزنـامه ای که برخی از احکـام اسـلام را زیر سؤال ببرد و یـا فسـاد و بی بنـد بـاری را ترویـج نمایـد و یـا به حضرات معصومین(علیهم السلام)جسارت نماید; نشریه مضله است و ترویج و خرید آن جایز نیست.

س ۶۴۱ اگر فروشـنده جنس را به صورت نقد به خریدار بفروشد و خریدار هم در اثر سـهل انگاری پول فروشـنده را ندهد و تا مدت ده پانزده سال پول فروشـنده را نگه دارد و در این مدت قیمت جنس چند برابر شود آیا فروشنده می تواند خود جنس را از خریدار مطالبه کند؟

ج باسمه تعالی; در فرض سؤال، خیار فسخ دارد. می تواند فسخ کند و خود جنس را تحویل بگیرد.

س ۶۴۲ زیـد زمینی به عمرو با متر معینی فروخته است و پول آن را گرفته بعد از متراژ کردن معلوم شد که زمین کمتر از مقدار فروخته شده است و زید به عده ای بدهکار است خودش از نظر دین خیلی متدین نیست ولی خانواده اش اهل نماز

روزه می باشند آیا زیادی را که زید گرفته می تواند از سهم امام حساب کند؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند.

س۶۴۳ خرید و فروش با افرادی که کسبشان حلال مخلوط به حرام است; چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۴۴ اگر شرکتی وسایل نقلیه یا جنس دیگری را به این شرط بفروشد که مقداری از پول آن را اول بگیرد و باقی را موقع تحویل دادن جنس، آیا معامله به این صورت صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۶۴۵ تعویض زینت آلات زنانه طلا ـ که در قبال آن فروشنده بابت مرغوبیت پول می گیرد و هکذا در انگشترهایی که رکابشان نقره ای است موقع تعویض زیادی که می گیرند چه صورت دارد؟ و نیز استفاده از طلاجات و انگشترهای نقره ای آیا در این صورت جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۴۶ فروش گوسفند و گاو و مرغ به صورت زنده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۴۷ قولنامه بدون التزام در ضمن عقد لازم، آیا لازم الوفاء است؟

ج باسمه تعالی; لازم الوفاء نیست.

س۶۴۸ اگر مسلمان پیش کافری جهت خرید خوک سرمایه گذاری کند که به کفار بفروشد یا مو بکارد و انگور آن را جهت تهیه شراب بفروشد آیا این معامله حرام است؟

ج باسمه تعالی; معامله جایز است.

س۶۴۹ فروشندگان طلا، بدهی خود را مدتی بعد از خرید طلا (مثلا یک ماه) پس می دهند و با توجه به نوسانات زیاد در قیمت طلا، امکان معاملات مدت دار نیز وجود ندارد. بنابراین ناچارند طلب یا بدهی خود را برحسب طلا محاسبه کنند. علاوه بر این عیارهای

مختلف طلا قیمت های مختلف دارند; مثلا یک کیلو طلای خالص، تقریباً برابر قیمت یک و نیم کیلو طلای ۱۶ عیار است و با توجه به مطلبی که به عرض رسید مبنی بر این که به ناچار، طلب و بدهی را برحسب طلاـ محاسبه می کنند; آیا می توان مقداری طلا با عیار بالاتر را با مقداری بیش تر از طلا با عیار کمتر معاوضه کرد؟ چاره کار چیست؟

ج باسمه تعالی; برای فرار از ابتلاء به ربا بهترین راه این است که دو معامله کنند یکی این که، طلا را با پول بخرند و طلای خود را با پول مقایسه بکنند که زیاد و کم آن، هیچ اشکالی پیدا نمی کند.

س۶۵۰ کسی که ساکن شهر قم می باشد و در آذربایجان درختان زیادی دارد و فردی در آنجا ساکن است; چند اصله درخت از او خریده و پول آن ها را داده درخت ها را بریده و برده، ولی فروشنده از قیمت معمولی آگاهی نداشته; اما خریدار سابقه خرید و فروش را داشته و حالا همین شغل را داراست. پس از تحقیق متوجه شده که قیمت درختان بالاتر از دو برابر آن می باشد. آیا فروشنده می تواند از خریدار مطالبه قیمت عادلانه کند؟

ج باسمه تعالی; آن گونه که نوشته اید فروشنده، خیار غبن دارد و در صورتی که در حین معامله، خیار غبن را ساقط نکرده باشد می تواند معامله را بهم بزند و از خریدار بخواهد چنانچه مایل است معامله جدیدی با قیمت عادلانه بنماید.

س۶۵۱ خریدن برگه های ارمغان بهزیستی و همای رحمت که اکثر افراد به قصد خالص و قربت

خریداری نمی نمایند آیا جایز است و آیا فرقی با بلیط های سابق بخت آزمایی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست و فرقی با بلیط بخت آزمایی ندارد.

س۶۵۲ شخصی سکته شدید مغزی می نماید و در مشاعر و حواس اختلال پیش می آید به طوری که عملا سفیه شرعی و محجور می گردد و این شخص ۵۰۰ هزار تومان پول داشته. همسر و یکی از فرزندان او تصمیم می گیرند خانه ای با همان پول خریداری کنند و سند رسمی آن را به نام یکی از فرزندان دیگر ثبت کنند تا این فرزندی که در سن ازدواج بوده در آن سکونت نماید. با توجه به این که این شخص محجور، ولیّ خاص ندارد و همسر و فرزندان او نیز از طرف حاکم شرع یا به حکم قانون قیم او نیستند. و از طرف دیگر، از همسر و فرزندی که تصمیم بر خرید خانه گرفتند، و فرزندی که سند رسمی به نام او شده، هیچ کدام قصد تملك و خرید خانه برای خود نداشته و قصد قرض گرفتن پول را نیز داشته اند و مبهم گذاشته اند; و چه بسا این اندیشه بر این معامله حاکم بوده که این منزل مثل منزلی که قبلا شخص محجور قبل از حجر و سکته مغزی خانه ای را برای خود خریده و سند آن را به نام یکی از فرزندان به طور صوری، کرده بود. یعنی شرعاً و واقعاً پدر مالك بود و چه بسا این تصور و انصراف، بر این معامله حاکم بود و عقد مبنی بر آن بود که این خانه هم مثل خانه قبلی

است یعنی عملا و واقعاً مال پـدر است و صورتاً به نام فرزنـد; با این تفاوت که خانه قبلی را پدر در زمان رشد، خودش خریده و به نام یکی از فرزندانش کرده بود و خانه فعلی را همسر و یکی از فرزندان با پول پدر اقدام به این کار نموده اند. اکنون که پـدر محجور فوت کرده و حجرش متصل به فوت بوده و فرزنـدان صـغیر و کبیر دارد خـانه مال کیست؟ مال پـدر و نتیجتاً مال همه ورثه یا مال همسر و فرزندی که تصمیم به خرید منزل گرفته اند؟ یا مال فرزندی که سند به نام اوست یا مال...؟

ج باسـمه تعـالی; معـامله باطـل است و بعـد از فوت آن شـخص ورثه که مالـک پول می شونـد; می تواننـد آن معامله را تنفیذ نماینـد اجـازه نماینـد و می تواننـد آن را رد کننـد. به هرحـال مال، یعنی آن وجه، متعلق به همه ورثه است و چنانچه معامله رد شود، باید اجاره آن خانه در مدت استفاده از آن را به مالک بدهند.

س۶۵۳ فرزنـدی که در آن منزل سـکونت کرده و سـند به نـام اوست مخارجی در آن منزل نموده است، اکنون اگر قرار باشـد مخارج به او داده شود، باید همان مبلغی که آن زمان خرج نموده به او داده شود؟ یا با قدرت خرید و نرخ امروز محاسبه شود؟ یا نسبت سنجی شود و به نسبت مقدار خرج و ارزش خانه، محاسبه و به همان نسبت پرداخت شود؟ یا آنکه راه دیگری دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ما بازاء مبلغ چیزی به همان نسبت نیست مبلغی که خرج نموده، باید به

او داده شود و الا به مقدار نرخ روز محاسبه شود.

س۶۵۴ شخصی به موجب دو فقره مبایعه نامه عادی، دو قطعه زمین با حدود و مشخصات معینی از شخصی دیگری به بیع شرعی ابتیاع نموده و ثمن المعامله را نیز به بایع تسلیم داشته است؛ در فرض که مبیع مشخص و عقد البیع واجد جامع شرائط عامه تکلیف و حائز جمیع ارکان و عناصر اساسی صحت بوده و مبایعه نامه همچنان در ید خریدار موجود باشد و متبایعین قیمت آن را، قبل از انعقاد عقد بیع در خارج بر مبنای وجه نقد و چند تخته فرش و غیره تعیین نموده باشند و دیدگاه شرع انور لازم الاتباع اولا عقد و معامله منعقد، محکوم به صحت است یا باطل است ثانیاً ثمن المعامله با وصفی که فوقاً معروض افتاد معلوم است یا مبهم و مجهول و نامعلوم ثالثاً بایع در مفروض مسئله به امضاء بیع و اقباض و تسلیم مبیع است یا مجاز در فتح و انفتاح معامله می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه چند تخته فرش از جهت عدد و از حیث جنس و زرع معلوم باشد و غیره هم، چنین باشد؛ معامله صحیح و لازم است و هیچ کدام خیار فسخ هم ندارند و اگر معلوم نباشد معامله غرری و باطل است و احتیاج به فسخ هم نیست.

س۶۵۵ پدری عمارت خود را فروخته به پسرانش و در عقدنامه آن شرط کرده که مادام العمر خیار فسخ معامله با خودم باشد بعد از دو سال فسخ نکرده فوت نموده، آیا معامله صحیح است یا باطل است؟ در صورتی که عده ای از مراجع اسلامی کلمه

مادام العمر را مدت معین می دانند نه مدت مجهوله تا باطل گردد مثل آیت الله خوئی و... ولی فعلا نظر و فتوای شما لازم است؟

ج باسمه تعالی; همان گونه که مرحوم آیت الله العظمی خوئی مرقوم داشته اند و حقیر هم در منهاج و غیره نوشته ام شرط مادام العمر صحیح است و آن شرط مجهول و باطل نیست.

س۶۵۶ حدود دو سال به خرید و فروش فرش ماشینی از یک کارخانه در کاشان مشغول بوده و بعد از مدتی متوجه شدم; از طرف خریدارانم که تقلب در کسب و تجارت از طرف فروشنده فرش های خریداری شد می باشد و خیلی مغبون شده ام، رضایت خریدارانم را جلب نمودم و در مقام شکایت از کارخانه برآمدم و با دستور مقام ریاست بازرسی و نظارت کاشان از نمونه فرش ها توسط آزمایشگاه که مؤسسه ای است دولتی، آزمایش به عمل آمد و در نظریه کتبی چنین آمده: ۱ فرش ها به جای درجه ۱، درجه ۲ می باشد که در فاکتور درجه ۱ فروخته شده است.

۲ به جای صددرصد خالص، مخلوط از چند نوع دیگر است.

۳ به جای ۵۰۰ شانه مشخص شده ۴۷۰ شانه است.

و شکایت دیگر عدم صدور فاکتور و گران فروشی بوده و دادگاه بر اساس شکایت این جانب که خواستار تفاوت قیمت و ضرر که وارد شده، بر این اساس طرف مقابل به ۶ ماه زندان (قابل خرید) و حدود ۳ میلیون تومان در حق جریمه دولتی محکوم شده اند ولی درباره زیان و تفاوت قیمت (خیار عیب) را اعلام نموده اند در حالی که شکایت اصل و جریمه دولتی فرع

می باشد حکم را بیان کنید؟

ج باسمه تعالی; شما حق درخواست مابه التفاوت، مابین آنچه مورد معامله است و آنچه به شما تحویل داده شده است را دارید و عدم تمکن از رد معیب، موجب سقوط ارش نمی شود. همچنین مرور زمان هم تأثیر ندارد.

س۶۵۷ اگر کسی جنسی را بخرد به شرط آن که در زمان معینی پول جنس را داده و آن را تحویل بگیرد اگر آن شخص، (خریدار) هنگام معامله به اندازه خرید جنس پول نداشته باشد اما بداند که قبل از موعد تحویل گرفتن جنس، می تواند جنسی را که هنوز تحویل نگرفته و پولش را نداده، بفروشد; آیا این معامله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بله در صورتی صحیح است، که جنسی را که خریده، در خارج معین باشد یعنی کلی در ذمه نباشد.

س۶۵۸ اگر کسی جنسی را که هنوز نخریده، است اما تهیه کردن آن ساده است; بفروشد جایز است به عبارت دیگر آیا می توان جنسی را به شرط آنکه در موعدی معین تحویل دهد، بفروشد و بعد از فروش جنس تا قبل از فرا رسیدن موعد آن را خریده و به خریدار بدهد؟

ج باسمه تعالی; چنین جنسی را با پول در ذمه خریدن جایز نیست از این معامله به بیع کالی بکالی تعبیر می کنند. بلی اگر با پول نقد بخرد اشکال ندارد.

س۶۵۹ در یک معامله، شخص فروشنده ای، ۳ فروند کشتی را طبق شروط معین که همانا تحویل ثمن به واسطه خریدار در ضمن مراحلی در عرض چند ماه عقد قراردادی را می بندد; ولی مشتری پس از تحویل گرفتن کشتی ها به هیچ یک

از شـروط فیمـابین ملتزم نمی گردد و همه چـک هـای او به علت نبودن وجه در حساب برگشت می شود ولی پس از گذشـت این مـدت مشتری بار دیگر از بایع خواسـتار تمدیـد مـدت طبق شـروط گذشـته می گردد که باز در این مدت ثانیه کلیه چک هـای مشتری برگشت می خورد و هیـچ وجهی را بایع از مشتری قبض نمی نمایـد. از آن مرجع عالی قـدر اسـتدعا داریم فتوای خود را نسـبت به این عقـد مرقوم فرماییـد و ثانیاً در صورت بطلان این عقد، اگر مالک توانست به اثبات برساند که مشتری در ضمن این مـدت کشتی هـا را مورد بهره برداری و انتفـاع قرار داده باشـد آیـا بایـد مشتری به بایع اجره الامثال این کشتی ها را بدهـد؟ یا این که باید اجرتی را که در ضـمن این ایام از این کشتی ها به دست آورده که اجره المسـمی است به مالک مسترد نمایـد؟ و ثالثـاً در صورت فروختن مشتری یکی از این کشتی ها را به شـخص ثالثی آیا این عقـد از جمله عقود فضولیه خواهد بود که احتیاج به اجازه مالک خواهـد داشت; تا ثمن در صورت اجازه مالک از طرف مشتری به مالک باز پس داده شود و یا این که عقدی را که مشتری با شخص ثالث بسته است رأساً باطل خواهد بود؟

ج باسـمه تعـالی; بایع کشتی ها در مورد سؤال خیار فسـخ دارد و می توانـد معامله را فسـخ کنـد و در صورت فسـخ، می تواند اجره المثل کشتی ها را بگیرد نه اجره المسمی را، و چون مشتری در صورت خیار بایع می توانسته کشتی ها

را به ثالثی بفروشد بنابراین عقد صحیح است ولی ثمن را باید به مالك اول بدهد.

س ۶۶۰ شخصی به نام مسلم گوسفند مشرف به موت را به نصف قیمت از آقای جلال خرید و پولش را پرداخت و یک چاقو گرفته به راننده مورد اطمینان خود داد و گفت وقتی از روستای بالا برگشتی گوسفند را با ماشین خود بیاور و اگر مرد سرش را بریده; بیاور. گوسفند پیش فروشنده ماند تا راننده بعد از مدت ۲ الی ۳ ساعت برگشت. دید حیوان مرده است سرش را برید; ولی حرکت نکرد و میت شد. حالا مشتری می گوید تلف، به جهت خیار حیوان از مال بایع است و بایع می گوید اگر تو نخریده بودی، من خودم حیوان را سر می بریدم تلف از جیب مشتری است تلف از کدام است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه می دانسته، حیوان در حال مردن است و خریده است اقدام به خرید، با شرط ضمنی سقوط خیار حیوان است; بنابراین قهراً از مال مشتری است.

س ۶۶۱ در شرع مقدس اسلام استعمال طلاـ برای مرد حرام است پس حکم ساخت و فروش آن مثل انگشتر و غیره که مورد استفاده مردان است چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مختص به مرد باشد و منفعت دیگری نداشته باشد جایز نیست.

س ۶۶۲ قیمت بسیاری از اجناس مانند طلاـ نقره، پلاستیک و غیره در بازار ایران تابع قیمت بورس های بین المللی (ممالك کفر) می باشد، یعنی با کاهش یا افزایش قیمت بورس، پس از مدت کوتاهی قیمت این گونه اجناس نیز در ایران تغییر می نماید. حال اگر شخصی زودتر از بقیه متوجه تغییر قیمت بورس

جهانی گردد و یقین نسبی پیدا کند که تا مدتی کوتاه قیمت ایران نیز تغییر پیدا می کند و مبادرت به خرید یا فروش این گونه اجناس کند آیا اقسام این معاملات مغبون کردن محسوب می گردد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; این گونه معاملات صحیح است و غبن هم صدق نمی کند.

س۶۶۳ اگر صاحب مالی اعلان کند هرکس این مال را ببرد و تجارت کند نصف ربح و سود آن برای او می شود آیا این نحوه گفتن، جعاله می شود و بعد از عمل، مضاربه می باشد؟ اگر عامل، خسارت یا ضرر ببیند بر ذمّه او چیزی می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; جعاله است و بعد از عمل، مضاربه نمی شود اگر ضرر یا خسارت ببیند بر او چیزی نیست.

س۶۶۴ فردی مبلغی را به شخصی می دهد و او را وکیل مطلق می کند که با آن پول، تجارت کند و از منفعت آن مقداری به عنوان حق الزّحمه بردارد و مقداری هم به صاحب پول بدهد آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عمل فوق توکیل است. در تجارت و جعاله و هردو صحیح است در صورتی که حدود آنچه معین می کند معلوم باشد و اشکال ندارد والاّ جعاله باطل است; ولی عامل، استحقاق اجره المثل دارد و آن را می تواند با آنچه او تعیین می کنند مصالحه کند.

س۶۶۵ معامله مربوط به ساختمانی به علت خیار برای احدی از متبایعان فسخ و یا بر اساس تراضی آنان اقاله می شود. بایع طی چک وعده دار ثمن مأخوذه را به مشتری رد می نماید و مشتری

در وعـده مقرره جهت وصول وجه چـک به بانـک محال علیه مراجعه نموده که طبق گواهی نامه بانکی، چک به علت انسـداد حسـاب و یـا فقـدان موجودی غیر قابل وصول اعلام می شود حال در فرض مسـئله، مورد اسـتفتاء از محضـر حضـرت عالی آن است که:

اولا با وصف فوق بایع می تواند ادعا نماید که ثمن را به مشتری رد نموده است یا خیر به عبارت اخری قبض ثمن آن گونه که در شرع انور مقرر است تحقق یافته است یا نه؟

ثانیاً چنانچه جواب مسـئله منفی باشـد مشتری شـرعاً حق دارد مبیع (ساختمان مورد فسـخ یا اقاله) را مجـدداً تملک و تصـرف و تصاحب نماید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; قبض تحقق نیافته است چون مانند حواله است و تا وصول نشود چیزی نیست و چنین حقی هم ندارد.

س۶۶۶ خانه ای بوده شش دانگ، به مساحت ۲۹۳۰ متر مربع، در سال ۱۳۶۸ مورد معامله واقع شده به قیمت هر متر مربع شش هزار ریـال و حـال بوده مشـتری مقـداری از ثمن را، که مبلغ یـک میلیون تومـان بوده; پرداخت کرده و مقـداری را که حـدود هفتصد هزار تومان بوده به عنوان گروی نگاه داشته تا سند تنظیم شود فروشنده هم موضوع را قبول نموده ملک مورد معامله را بـایع به تصـرف مشتری درآورده است. خریـدار هم در آن ملک تصـرفات مالکانه کرده و خانه را خراب کرده است و مجـدداً ساختمان نموده است. چون این خانه از نظر قانونی مشـکل داشته تنظیم انتقال سند به تأخیر افتاده و خریدار پس از رفت و آمد و دوندگی زیاد پس از ده سال توانسته مشکل قانونی آن

را برطرف نمایـد الحال فروشـندگان ادعای فسـخ معامله را می کننـد مـدعی هسـتند به قیمت فعلی بایـد بخری آیا حق دارند یا خیر؟ تکلیف شرعی در این مورد چه می باشد؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه تأخیر ثمن در ضـمن معامله شـرط شـده باشد یا بعد از معامله، اجازه تأخیر در اداء را داده باشـند; حق فسـخ ندارنـد و معـامله اوّلی بـاقی است و کـافی است همان قیمت آن موقع را بدهـد و اگر نه در ضـمن معامله و نه بعـد از آن صحبت نشـده باشـد; قهراً خیار فسـخ دارنـد آن هم به مقـداری که در مقابل هفتصـد هزار تومان است و در مقابل یک میلیون تومان باز هم حق فسخ ندارند.

س۶۶۷ فروشـنده و خریـدار، شـغلی ضایعاتی دارنـد خریدار از همان شـخص، قدری جنسـی به مبلغ هر کیلویی هزار تومان می خرد. و فروشـنده به خیال این که این جنسی که می فروشد داخل این پنج درصد (۵٪) جنس مرغوب دارد. ولی مشتری بعد از معامله جنسـی که خریـده، آزمایش می کنـد; می بیند داخل این جنس چهل درصد (۴۰٪) جنس مرغوب وجود دارد فلـذا در بازار می برد هر کیلویی به قیمت چهار هزار تومان می فروشـد. آیا این معامله صـحیح است و منفعتی که خریـدار برده است بر او حلال است یا خیر لطفاً جواب مسئله را روشن فرمایید؟

ج باسمه تعالی; معلوم نیست این معامله صحیح باشد و اگر هم صحیح باشد; خیار غبن بر بایع ثابت است می تواند آن را فسخ کند.

س۶۶۸ در خصوص زمین هایی که در اختیار محلی ها می باشد و مورد ابتلاء است و از طرف مالکین

اظهار عدم رضایت دارند و در عین حال، خانه مسکونی شده وظیفه افراد در خصوص عبادات چگونه است؟

ج باسمه تعالی; آن گونه که معلوم است; زمین، مال شخص معینی است و در اجاره محلی ها نیست و عدواناً تصرف نموده اند بنابراین عبادات دیگران با عدم رضایت مالکین، جایز نیست.

س۶۶۹ در سال ۶۸ ساختمانی به موجب مبایعه نامه عادی به شخصی فروخته شده و ثمن معامله نیز وصول گردیده است. فروشنده متعهد می شود پس از رفع موانع قانونی ساختمان مورد معامله را رسماً به خریدار انتقال دهد. در سال ۱۳۷۲ که موانع مرتفع شده است فروشنده به جای انجام تعهد خود دایر بر انتقال رسمی مجدداً همان ساختمان را به وسیله بیع نامه شخص دیگری می فروشد. چون فروشنده با اعتراض خریدار اول، مواجه می شود پس از چندی بدون اطلاع و موافقت و رضایت خریدار اول دو قطعه چک به شخص ثالثی تسلیم می نماید که با وصول وجوه چک ها یکی از دو خریداران را به فسخ معامله راضی نماید. پس از مراجعه شخص ثالث به بانک به علت مسدود بودن حساب، به دریافت وجوه چک ها موفق نمی شود و چک ها را عیناً به خود فروشنده مسترد می نماید. حال مورد سؤال آن است که:

۱ از نظر شرع مقدس اسلام معامله ای که فروشنده با شخص دوم انجام داده است صحیح است؟

۲ ساختمان مورد معامله که به تصرف خریدار اول نیز داده شده شرعاً ملک کدام یک از خریداران است خریدار اول یا خریدار دوم؟

۳ با توجه به مراتب معروضه معامله خریدار اول شرعاً فسخ است یا کماکان بقوت

و اعتبار شرعی خود باقیست؟

ج باسمه تعالی; معامله فسخ نیست; ولی خریدار اول به واسطه خیار شرط می تواند معامله را فسخ کند و می تواند معامله را باقی بگذارد و مورد معامله را در اختیار بگیرد و بایع را مجبور کند که به تعهد خود عمل نماید و مورد معامله را رسماً به خریدار انتقال دهد.

س ۶۷۰ الف) شرکت از یکسو با خریداران کالا مواجه است و از سوی دیگر با فروشندگان، به خریداران کالا کارتی ارائه می کند که به آنان امکان خرید توأم با تخفیف از فروشگاه های خاصی را می دهد و در قبال این کارت که برای مدت شش ماه اعتبار دارد مبلغ نود هزار تومان دریافت می کند; در قبال فروشندگان نیز متعهد می شود که تخفیف داده شده به خریداران صاحب کارت را پرداخت نماید.

ب) شرکت با ارسال سه برگه بازاریابی برای خریداران کارت تخفیف این امکان را فراهم می کند که خود اقدام به بازاریابی و فروش این کارت ها بکنند. از این رو هر متقاضی می تواند مبلغ لازم برای خرید یک کارت را پرداخت کند.۳۱ از مبلغ مزبور به حساب شرکت واریز شده و ۳۱ دیگر به خود فروشنده تعلق گرفته و ۳۱ آخر به فردی تعلق می گیرد که فروشنده اولیه کارت به فروشنده فعلی بوده است که اصطلاحاً سرگروه نام دارد. اگر فروشنده فعلی در فروش سه برگه بازاریابی که به او تحویل شده تا دو ماه موفق نشود این برگه ها از اعتبار ساقط می شوند. نکته: کارت های تخفیف ارائه شده محدودیت در میزان خرید ندارند.

ج باسمه تعالی; هیچ کدام

از دو قرارداد مخالف با موازین شرعیه نیست و معامله ای است عقلائی و به مقتضای آیه کریمه صحیح و لازم الوفاء است.

س۶۷۱ زنبور عسل فراری صاحبش مجهول باشد حکمش را بفرمایید.

ج باسمه تعالی; در صورت یأس از پیدا شدن صاحبش، قیمت آن را با اجازه حاکم شرع صدقه بدهند.

س۶۷۲ تفاوت فوق العاده قیمت ها راجع به بدهی های سابق نقدی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت ترقی قیمت اجناس، همان نقد سابق میزان است، ولی اگر پول تنزل کرده، احتیاط به مصالحه بهترین راه است و ترقی و تنزل پول در مقایسه با طلا ظاهر می شود.

س۶۷۳ ۱. آیا جایز است کالایی که مالک آن کافر یا مشرک است و اکنون در ید مسلمان است تملک کرد؟ (کالا برای حمل از جایی به جایی دیگر در اختیار شخص مسلمان قرار گرفته است)

۲. آیا جایز است کالای فوق را فروخت و در صورت مراجعه آن شخص کافر یا مشرک، نسبت به ادای دین به صورت وجه نقد معادل همان مبلغ فروخته شده اقدام کرد؟

۳. چنانچه در صورت تحقق بند فوق، و یا پس از فروش کالا و تا قبل از مراجعه شخص کافر یا مشرک، با آن تجارتی صورت گیرد، که منتج به سود باشد، آیا تملک سود حاصله مباح است؟

۴. اساساً تکلیف کالایی به شرح فوق، در صورت عدم مراجعه و اقدام توسط مالک موصوف چیست؟

ج باسمه تعالی; تملک، بدون اجازه مسلمانی که مال تحت ید اوست در صورتی که آن مسلمان از طرف مالک وکالت دارد جایز نیست. چون مال کافر که ذمی است مانند مال مسلمان محترم است.

البته در صورتی که آن کافر شناخته شده باشد و الا حکم مال مجهول المالک دارد. و چنانچه به وجه شرعی تملک نمود؛ می تواند بفروشد و پول مالک را برحسب قرارداد، باید بپردازد و چنانچه تملک صحیح باشد؛ قهراً سود، هم مال او است و مالک اصلی، اگر مجهول است؛ مادامی که مراجعه نکرده است؛ مال با اجازه حاکم شرع باید به مصرف شرعی برسد و اگر مراجعه کرد باید به خود او برگردد.

س۶۷۴ چنانچه عقد بیع منعقد فیما بین متبایعین، بر اثر جعل خیار فسخ و یا بر اساس تراضی اقاله شود و بایع، ثمن مأخوذ را که نقداً قبض نموده، طی چک به مشتری مسترد نماید و با مراجعه مشتری به بانک محال علیه به علت مسدود بودن حساب بایع، موفق به دریافت ثمن نشود آیا در چنین فرضی، مشتری شرعاً می تواند به علت عدم توفیق در وصول ثمن، ملک مورد فسخ و یا اقاله را همچنان در تصرف خود باقی نگه بدارد یا آنکه علی رغم عدم دریافت ثمن موظف به رفع ید از ملک و تحویل آن به بایع خواهد بود؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه بایع جاحد و به عبارت دیگر منکر دین است یا اهمال می کند یا قصد اذیت دارد؛ قانون تقاص در مقام، جاری است. یعنی ملک را می تواند نگاه دارد و اگر نتوانست وجه را بگیرد به هر نحو که می تواند همان ملک را به قیمت روز بردارد البته تمام این امور مشروط است به مراجعه وی به طرقی که بتواند از آن طرق استیفاء حق کند و ممکن نشود.

س۶۷۵ بنده از طرف

اعضای خانواده، خواهران و برادران و برادر زادگان که در یک مغازه، به صورت کتابفروشی در خیابان ارم قم مالک هستیم؛ اخیراً طرح حرم مطهر ملک را از ما خریداری کرده و حق کسب، که در حدود پنجاه سال قبل بدون فسخ وجهی و پیش پرداختی اجاره کرده و اجاره اولیه حدود سی تومان و در سال های قبل چهل بود و در این اواخر چهار هزار تومان شده بود و در عرض این پنجاه سال یک میلیون تومان اجاره پرداخته، حال طرح توسعه حرم مطهر مبلغ پنجاه و سه میلیون تومان پرداخت کرده، که در عرف هنگام نقل و انتقال مغازه برای جلب رضایت مالک حدود ده تا سی درصد از این مبلغ به مالک تعلق می گیرد. حال مستأجر از این امر تخطی کرده و حاضر نیست مبلغ فوق را به مالک پرداخت کند آیا به نظر حضرت عالی این مقدار از این پول به مالک تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مستأجر سرقفلی نداشته باشد و حق اجاره دادن به او نداده باشید، و معاملات به این نحو مرسوم است که مشتری قطع نظر از ثمن، مبلغی را برای تخلیه ملک می دهد و در قرارداد کلی چنین است که مبلغ ۱۵ درصد یا بیشتر به مالک باید داده شود؛ مستأجر حق تخطی ندارد و شما باید آن مبلغ را از او بگیرید. البته در مقدار آن مبلغ، باید مصالحه و تراضی طرفین باشد.

س۶۷۶ خریداری ارز و پول خارجی و... به قیمت بالاتر از قیمت مصوب دولت جایز است؟ و آیا مشمول قانون ربا می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛

ربا نیست و اشکال ندارد.

س۶۷۷ شخصی مبلغی پول به مغازه داری می دهد تا با آن پول معامله کند و به سودش مشترک باشد ولی صاحب مغازه می گوید چون محاسبه دخل و خرج این پول برایم مشکل است لذا من با رضایت خودم، ماهیانه فلان مقدار به تو می دهم آیا این عمل شرعی است؟ و الا چه راه شرعی پیشنهاد می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مضاربه شرعی باشد و مصالحه کنند که هر ماه به مقدار معینی به صاحب پول بدهد اشکال ندارد.

س۶۷۸ چنانچه کسی وجهی به ربا بدهد به عنوان معامله، و زیادی را در قلب ببخشد اما اظهار نکند معامله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه معامله ربوی باشد; باطل است. ولی اگر قلباً می بخشد به اعتبار رضای به تصرف جایز است.

س۶۷۹ خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک چه صورت دارد؟ (چک برای دو ماه دیگر باشد)

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

قرض

س۶۸۰ طلبکار طلب خود را با زحمات و مخارجی وصول می کند در صورتی که بدهکار متمکن از پرداخت قرض خود می باشد آیا این مخارج ضروری را به عهده آن بدهکار می توان گذاشت یا نه؟

ج باسمه تعالی; در مؤسسات رسمی چون شرط ضمنی، در ضمن قرض است که چنانچه بدهکار بدهی خود را ندهد و یا اگر مخارجی انجام شود; بدهکار باید آن مخارج را بپردازد وی می تواند مخارج را به عهده او بگذارد.

س۶۸۱ اگر کسی بدهکار است و بعد از مدتی طولانی بدهی خود را پرداخت می کند با توجه به تنزل ارزش پول

آیا همان مبلغ را ادا نماید یا بیش تر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پول بی ارزش شده ظاهراً باید قیمت و مالیت آن زمان را بدهد. مع ذلک میزان، مقدار طلا است; بنابراین احتیاط لزومی مصالحه شود.

س۶۸۲ طلبه ای جهت خرید منزل مسکونی مبلغی را قرض می گیرد قرض دهنده پس از مدتی به طلبه می گوید ذمّه تو بری است چون قرض شما را نزد مرجع تقلیدم به عنوان سهم امام حساب کردم الآن بعد از وفات آن مرجع تقلید در نجف اشرف، وی برای مطالبه قرض خویش به طلبه مراجعه و اظهار می دارد که آن پول به عنوان قرض بوده و در آن زمان ادعای دروغ کرده ام که آن را از سهم امام حساب کردم چون مرجع تقلید بنده قبول نکرده است این در حالی است که مقروض، فقیر است حکم آن را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که به آنچه نوشته اید اقرار کرده است شما بدهکار نیستید.

س۶۸۳ شخصی بدهکار است و فردی ضامن بدهکار شده و یک فقره چک یا سفته به طلبکار داده است. حالا زمان آن چک یا سفته رسیده و شخص بدهکار حضور ندارد. آیا طلبکار می تواند طلب خود را از ضامن یعنی صاحب چک مطالبه کند یا باید تا آمدن بدهکار صبر کند؟

ج باسمه تعالی; بله می تواند مطالبه نماید.

س۶۸۴ شخصی اجناسی خریده به ثمن در ذمه به عبارت دیگر قیمت اجناس قرض است و فروشنده مدرک اجرایی می خواهد مثل چک. خریدار چک ندارد و از کس دیگر گرفته و صاحب چک ضامن نشده است بلکه خریدار گفته خودم به

موقع می پردازم. وقتی زمان چک رسیده بدهکار مالی ندارد بدهد و یا غایب است طلبکار از چه کسی مطالبه کند؟

ج باسمه تعالی; در فرض سؤال نمی شود دین را از کسی که چک داده مطالبه نمود. چنانچه بدهکار می تواند; باید بپردازد و اگر نمی تواند در صورتی که طلبکار، مدعی ضمان صاحب چک نباشد باید مهلت داده شود والاّ باید رعایت موازین باب قضاء بشود.

س۶۸۵ در تاریخ ۲۷/۱۲/۱۳۷۵ فردی بابت تضمین دریافت مطالبات خود از شریکش در مؤسسه ای خصوصی اقدام به اخذ یک وثیقه عینی (سند منزل مسکونی شریک مدیون) همراه با وکالت نامه ثبتی از مالکین منزل (شریک و زوجه اش) می نماید. مقرر بوده که این تضمین جهت ادای دیون توسط شریک عند المطالبه باشد. قریب چند ماه بعد دائن اقدام به تنظیم مبایعه صوری بر ملک مشارالیه فی الصدر می نماید که مالکین (شریک و زوجه اش) بایعین ملک و خود دائن مشتری در این مبایعه بوده اند. توجیه دائن از این عمل خوف از فوت مدیون و عدم نفوذ و بی اعتباری وکالتنامه مذکور بوده است که مدیون و زوجه او ابداً رضایت و قصد فروش و اعطای وکالت واقعی نداشته اند. بلکه صرفاً جهت تضمین دیون دائن و با خواست او به امضای ظاهری این عقد اقدام کرده است. اکنون دائن بدون اطلاع قبلی اقدام به ثبت ملک مذکور به نام دختر خویش نموده و منزل (وثیقه) را تملک واقعی نموده است. بعلاوه از حذف و قلم گرفتن دیونی که این ملک وثیقه آن بوده خودداری می نماید.

اولا: با نظر به خالی بودن عقود مذکوره (بیع

و وکالت) از عناصر قصد و رضا و یا علم به صوری بودن آن ها آیا عقود مذکوره صحیح و نافذ هستند یا خیر؟

ثانیاً: با نظر به عدم مطالبه قبلی دائن از مدیون حق تملک وثیقه توسط دائن وجود دارد یا خیر؟ با علم به این که دین مذکور نقدی نبوده و بین طرفین پرداخت عند المطالبه مقرر بوده است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه دائن معترف است به این که وکالتنامه صوری بوده وکالت صحیح نیست و بیع نیز نافذ نیست و اگر معترف نیست و مدعی است وکالت صحیح بوده و شرط شده است مورد وکالت قبل از مطالبه دین معامله نشود معامله باطل است و نافذ نیست. ولی اگر ادعای وکالت واقعی مطلق داشته باشد; باید محاکمه شود و قاضی شرع با رعایت موازین قضاء حکم کند. به هر حال در فرض سؤال معامله مذکور باطل است.

س۶۸۶ کسی مبلغی را از چهل، پنجاه سال قبل بدهکار بوده و طلبکار و ورثه او را نمی شناسد چه مقدار وجه باید پرداخت نماید آیا می شود به فقرای مسلمین بدهد. (مبلغ مختصر بوده است)؟

ج باسمه تعالی; قدر متیقن را باید به فقیر بدهد و نسبت به مازاد با اجازه مجتهد مصالحه نموده و به فقیر بدهد.

س۶۸۷ اگر واحد پول دولت از ارزش بیفتد بدهکار عین پول را که قبلاً به اعتبار او معامله انجام گرفته بدهکار آن است یا قیمت و معادل روز آن را بپردازد؟

ج باسمه تعالی; باید قیمت آن را بدهد.

س۶۸۸ اگر واحد پول دولت ارزشش کم شود بدهکار همان مبلغ را بدهد یا نسبت به ارزش پول امروزی باید بدهد؟

ج

باسمه تعالی; روایتی دلالت دارد بر این که همان عین داده شود کافی است و قیمت به ذمه نمی آید و جمعی از فقهاء هم به آن فتوی داده اند و فتوی همان است.

س۶۸۹ بنده قدری پول به فرزند خودم می دهم و سود می گیرم این حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; حلال است.

س۶۹۰ صد هزار تومان به یک نفر دادیم بعد از دو ماه صد و بیست هزار تومان می گیرم چطور است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شرط بکنید حرام است و اگر خودش بدهد حلال است.

س۶۹۱ در قرض شرط می کند در صورت تأخیر در ادای قرض در أجل معین فلان مبلغ دیرکرد ماهیانه بدهد آیا گرفتن این مبلغ به عنوان دیرکرد و غرامت صحیح است و یا ربا محسوب می شود و آیا از باب (قاعده نفی ضرر) تأمین ضرر صدق می کند؟

ج باسمه تعالی; اخذ زیاده به ازاء تاجیل دین مسأله ای طویل الذیل است و روایتی نیز دارد و به نظر حقیر تمام اقسام آن حرام است و قاعده نفی الضرر نافی حکم است نه مثبت آن فضلا از اثبات صحت عقد به آن.

بانک

س۶۹۲ الان سازمان های دولتی برای کارگران و کارمندان خود مسکن تهیه می کنند; به صورت اقساط و پول را به صورت اقساط از کارگران می گیرند و مقداری هم سود می گیرند آیا این سود که از طریق بانک مسکن گرفته می شود جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۹۳ گرفتن وام از بانک های خارجی که مستلزم پرداخت ربا است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقتضای اطلاق

خبر لا ربا بین مسلم و الذمی جواز پرداخت ربا به کفار است ولکن چون اصحاب رضوان الله تعالی علیهم ادعای اجماع بر عدم جواز ربا دادن به کفار نموده اند; لذا من احتیاط می نمایم.

س۶۹۴ جوائز بانکی به حساب قرض الحسنه آیا جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که شرط نشود جایز است و اشکالی ندارد.

س۶۹۵ سپردن پول به بانک تحت عنوان مضاربه و گرفتن سود برای آن چگونه است؟

ج باسمه تعالی; با رعایت موازین باب مضاربه اشکال ندارد.

س۶۹۶ آیا وام گرفتن از بانک های دولتی با توجه به این که مبلغی اضافه از اصل وام تحت عنوان کارمزد دریافت می نمایند جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۹۷ بعضی بانک ها اگر اشخاص پولی در آن بانک بگذارند بعد از مدتی به اندازه پول شخص وام می دهد یعنی هم پول خود شخص پرداخت کننده را داده و هم به اندازه پولش وام می دهد و به صورت قسطی می گیرد لکن بانک زیادتر از پولی که داده می گیرد اگر کسی نیاز به مسکن یا سرمایه داشته باشد آیا می تواند چنین وامی بگیرد؟

ج باسمه تعالی; گرفتن وام با بهره از بانک چنانچه تحت عنوان مضاربه با رعایت شرایط باشد اشکال ندارد و اگر قرض باشد چنانچه به بانک بگوید زیادتر را به عنوان ربح نمی دهم بلکه مزد کارگر می بخشم اشکال ندارد و به هر تقدیر تصرف در وامی که گرفته است جایز است.

س۶۹۸ اگر کسی پولی به عنوان وام از بانک بردارد و بانک هم زیادی از او می گیرد

آیا با پول مذکور معامله صحیح است اگر جنس بخرد یا ملک بخرد و بفروشد اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۹۹ در رابطه با رهن مرسوم است مبلغی را از پیش می گیرند و اجاره کمتر دریافت می کنند صحیح است یا خیر در صورت اشکال راه شرعی اش چگونه است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پول را قرض بدهد و در مقابل خانه را رهن بگیرد و شرط کند اجاره کمتری گرفته شود ربا است و جایز نیست. ولی چنانچه کمتر اجاره بگیرد و در ضمن اجاره رهن را در مقابل پول شرط کند اشکالی ندارد.

س۷۰۰ خرید سهام بانک ها و مؤسسات اعتباری پولی که در بعضی موارد مرتکب ربا می شوند چگونه است؟

ج باسمه تعالی; ربای محرم در بیع مشروط به مکیل و موزون بودن است و چون سهام بانک ها و مؤسسات اعتباری پولی مکیل و موزون نیست از این جهت اشکال ندارد و چون دولت و سایر عناوین اعتباریه دیگر را مالک می دانم از جهت عدم مالکیت بایع، در مورد سؤال محذوری متوجه نمی شود و وجه دیگری هم برای فساد معامله ذکر شده در ذهن خطور نمی کند. بنابر این تمام آن معاملات شرعی است.

س۷۰۱ بانک برای تهیه ماشین آلات و مواد اولیه وامی به صورت زیر در اختیار صاحب کارگاه قرار می دهد. جنس مورد نیاز را باید صاحب کارگاه انتخاب نماید و فروشنده را به بانک معرفی کند، بانک با خرید نقدی جنس مذکور از فروشنده، آن را به صورت اقساط به صاحب کارگاه به زیاده می فروشد. سؤال این است که اگر شخص نیاز به

جنس مـذکور ندارد و فقط برای گرفتن پول از بانک فاکتوری صوری از فروشـنده به بانک ارائه می دهد و پولی را که بانک به فروشـنده بابت فاکتور می پردازد از او می گیرد. ۱ در صورتی که مسؤولین بانک علم به صوری بودن فاکتور داشـته باشند پرداخت وجه چه صورتی دارد؟ ۲ در صورتی که مسؤولین بانک علم به صوری بودن فاکتور نداشـته باشند چه صورتی دارد؟ ۳ دادن فاکتور صوری توسط فروشنده و دریافت وجهی در مقابل آن جهت دریافت وام چگونه است؟ ۴ دریافت این گونه وام صوری و پرداخت زیاده در مقابل آن ربا محسوب می شود یا خیر؟

ج باسـمه تعالی; سؤال غیر منظم است. چون در مورد سؤال، اگر معامله حقیقی باشد; وامی در کار نیست. یا هر دو بیع است و یـا یکی بیع است و دیگری جعاله یا بیع است و مصالحه، بنابر این وام به معنای قرض در کار نیست. به هر حال با صوری بودن فاکتور رئیس بانک اختیار واگذاری پول را ندارد و همه معاملات باطل است ولی ربا نیست.

س۷۰۲ در وام هـای جعـاله که قانونـاً بانک موظف است مورد قرارداد را انجام دهـد، بانک فقط پول در اختیار جاعل قرار می دهـد و از او می خواهـد که به وکالت از طرف بانک کار خود را انجام دهـد و بعداً علاوه بر پول دریافتی مبلغی به عنوان حق الجعـاله به بانـک بپردازد که در حقیقت جاعـل شـخصاً مورد جعـاله را بـا پول بانـک به انجـام رسانـده و حق الجعاله را بانک دریافت می دارد. بفرمایید این گونه قرارداد صورت شرعی دارد یا خیر؟

ج

باسمه تعالی; اشکال ندارد. چون کار جاعل به عنوان وکالت از طرف بانک است و تعدد اعتباری در معاملات، که امور اعتباری است; بی اشکال است.

س۷۰۳ امناء مسجد و هیئت ها پولی را جمع می کنند برای مصارف هیئت و مسجد و اضافه اش را در بانک به حسابی که به همین منظور باز شده می سپارند بانک طبق روال بانکی سود یا بهره می دهد آیا این سودی که بانک داده است جزء پول هیئت و مسجد محسوب است و یا مجهول المالک است و باید به فقراء داده شود؟

ج باسمه تعالی; بهره ای که بانک داده است مجهول المالک نیست بلکه ملک همان کسی است که اصل مال، ملک او است و باید به همان مصرف برسد.

س۷۰۴ استخدام در بانک هایی که بعضاً کار ربوی دارند، برای کار ربوی و غیر ربوی، چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه استخدام به نحو اطلاق باشد اشکال ندارد، ولی چنانچه مقید کند به استخدام برای کار حرام، اجاره باطل است و اگر استخدام برای کار حرام و کار جایز باشد به مقدار مقابل حرام، باطل است.

س۷۰۵ خریداری ارز و پول خارجی و... از بانک به قیمت بالاتر از قیمت مصوب دولت آیا جایز است؟ و آیا مشمول قانون ربا می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ربا نیست و اشکال ندارد.

س۷۰۶ سودی که از بانک های جمهوری اسلامی به دست می آید حلال است یا حرام؟

ج باسمه تعالی; حلال است.

س۷۰۷ اگر شخصی به عنوان مضاربه به بانک دولتی پول واریز می کند یا به عنوان اوراق مشارکت حساب باز می کند و

سود می گیرد آیا جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موازین مضاربه رعایت بشود اشکال ندارد. دو راه دیگر هم به نظر حقیر جایز است:

۱: صاحب پول، پولش را به بانک اباحه کند ولو این که بانک آن را تملک کند و به دیگری بدهد و در عوض مبلغی اضافی به صاحب پول بپردازد. این نوع معامله را اباحه بعوض می نامند.

۲: صاحب پول، پول را به شکل امانت و ودیعه در بانک بگذارد و اجازه دهد در آن تصرف کند; نهایت این که اذن در تصرف ناقل، مجانی نیست بلکه در مقابل عوض است در این صورت مبلغ اضافی از باب شرط ضمنی یا صریح، حلال می باشد.

س۷۰۸ اخیراً متعارف شده مبلغی را به عنوان سپرده کوتاه مدت یا دراز مدت به بانک می سپارند در عوض، بانک سودی برای هر کدام معین می نماید و برای صاحب حساب پرداخت می نماید آیا گرفتن این سود جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۷۰۹ بانک ها برای فرار از ربا مسائلی از قبیل حق الزحمه حقوق و غیره را مطرح می کنند آیا وام مزبور حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی حلال است.

س۷۱۰ سپرده های بانکی برای کسانی که نمی توانند کسب کنند و یا کاسب مورد اطمینانی پیدا نمی کنند پول به وی بدهند کسب کند و درآمد پول را به صاحبش بدهند آیا جایز است پول را به بانک بگذارند و هر ماه سود آن را بگیرند و خرج کنند؟

ج باسمه تعالی; بلی، می توانند و اشکال ندارد.

س۷۱۱ گرفتن جوائز بانک ها در دو صورت (افتتاح

حساب مشروط به شرکت در قرعه کشی، و بدون شرط) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم شرط گرفتن جایزه بلا اشکال و حلال است اما در صورت شرط، چنانچه افتتاح حساب به عنوان قرض باشد گرفتن آن جایز نیست ولی چنانچه به عنوان اباحه به عوض یا به عنوان ودیعه ای باشد که در مسئله قبل به آن اشاره شد; حلال است و اشکال ندارد.

س۷۱۲ گذاشتن پول در بانک های خارجی و دریافت سود آن ها چه صورتی دارد؟ با فرض جواز دریافت سود از بانک های خارجی، از آنجا که پس انداز در بانک های خارجی موجب تقویت کفار و سلطه اقتصادی آنان و تضعیف اقتصاد کشورهای اسلامی می گردد حکم مسأله چگونه است؟

ج باسمه تعالی; از نظر ما گذاشتن پول در بانک های داخلی و دریافت سود، اشکال ندارد; چه رسد به بانک های خارجی که اخذ ربا از کفار جایز است، اما تقویت کفار و سلطه اقتصادی آن ها. اولا: با وضع فعلی آن ها در این زمان عرفاً تقویت نیست و یا در حکم عدم است ثانیاً: نفس پول گذاشتن در بانک و دریافت سود باعث تقویت نیست بلکه اگر چیزی باشد، کمک و اعانت به تقویت است و این گونه اعانه به اثم، حرام نیست.

س۷۱۳ تشکیل حساب های سپرده کوتاه مدت و بلند مدت، در بانک های ایران چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صاحب پول به بانک قرض بدهد و سودی بگیرد حرام و ربا است و نیز اگر پول خود را در عوض به مبلغ زیادتر به بانک بفروشد. اشکال دارد ولی از

دو راه می توان این کار را تصحیح نمود.

۱ صاحب پول، پولش را به بانک اباحه کند ولو این که بانک آن را تملک کند و به دیگری بدهد و در عوض، مبلغ اضافی به صاحب پول بپردازد که این نوع معامله را اباحه به عوض می گویند و ظاهراً هم اشکالی ندارد.

۲ صاحب پول، پول را به شکل امانت و ودیعه در بانک بگذارد و اجازه دهد در آن تصرف نماید; نهایت اذن در تصرف ناقل، مجانی نیست بلکه در مقابل عوض است در این صورت مبلغ اضافی از باب شرط ضمنی یا صریح، حلال می شود.

س۷۱۴ افتتاح حساب قرض الحسنه در بانک ها مشروط به شرکت در قرعه کشی، و بدون شرط چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بدون شرط اشکال ندارد و با شرط جایز نیست.

س۷۱۵ در وام مسکن، بانک نیمی از خانه مشتری را به مبلغی می خرد و بعد از پایان کار سهم خود را به صورت اقساط و به مبلغی زیادتر به او می فروشد. و بعضاً انتقال به صورت رسمی در دفاتر هم انجام می گیرد. لکن در مواردی دیده شده که مشتری متوجه این خرید و فروش نشده یا قصد جدی در معامله نداشته، بفرمایید در این صورت پرداخت زیادی به بانک جایز است یا خیر؟ و تصرف مشتری در پول دریافتی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شرایط صحت خرید و فروش رعایت شود هیچ اشکالی ندارد و قصد جدی بودن به معنای داعی بر انشاء خرید و فروش جدی که انتقال خانه باشد از شرایط صحت معامله نیست.

س۷۱۶ با توجه به این

که بانـک هـای جمهوری اسـلامی قانونـاً موظف هسـتند که تحت یکی از عناوین عقود اسـلامی پول در اختیار متقاضـیان قرار دهنـد، چنـانچه قرارداد به جهتی باطل باشـد تکلیف گیرنـده و کارمنـد بانک را تعیین فرماییـد که آیا کارمنـد و رؤسای بانک مجاز به پرداخت وام غیر مشروع هستند یا خیر؟ و گیرنده حق تصرف در پول دارد یا خیر؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه قرارداد باطل باشد کارمند و رئیس بانک مجاز به پرداخت وام نیسـتند مگر آن که رضای مافوق را به پول دادن احراز بنمایند و اما گیرنده چنانچه می داند پول دهنده، هر مقامی که باشد; راضـی به تصرف او هست; جایز است و به نظر من، همیشه احراز رضایت می شود والاّ جایز نیست همچنین زیادی که می دهید اشکال ندارد.

س۷۱۷ بانک ها وامی تحت عنوان مضاربه در اختیار مشتریان می گذارنـد بـدین ترتیب که مثلا یک میلیون تومان برای خرید یکصـد تخته فرش در اختیار مشتری قرار می دهنـد و در همان مجلس محاسـبه می کنند که سود مشتری از فروش این فرش ها چه قـدر است. سـپس برای دریافت اصل و سود مورد نظر بانک قسط بندی می کنند و بانک هیچ گونه مسؤولیتی را نسـبت به ضررهای احتمالی این معامله به عهـده نمی گیرد و فقط خود را موظف به دریافت اصل سود تضـمین شـده می دانـد. بفرمایید: اولاـ این نوع مضـاربه صورت شـرعی دارد یـا خیر؟ ثانیـاً اگر مشتری پول را در مورد دیگری مصـرف نمایـد و فقـط متعهـد به پرداخت وام و زیاده گردد چگونه است؟ ثالثاً تکلیف مسؤولین بانک در صورت علم به صوری بودن قرارداد

و عدم علم را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; این گونه معامله در بین تجار بازار هم شایع است و راه مشروعیت آن به این نحو ممکن است که رئیس بانک، معامله مضاربه را با رعایت تمام شرایط از جمله مشاع بودن حصه پول دهنده و توجه ضرر به او انجام دهد و بعد آن ربح مشاع را به مقداری که تعیین می کنند، مصالحه کند و در ضمن آن شرط کنند که اگر ضرری متوجه شود; گیرنده پول آن را به نحو شرط فعل جبران کند، نه به نحو شرط حکم که شرط، فاسد می شود و پول دهنده اجازه دهد که استفاده دیگری هم بتواند از آن پول بکند.

س۷۱۸ دریافت دیرکرد توسط صندوق قرض الحسنه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۷۱۹ آیا انواع وام گرفتن از بانک ها حرام است؟

ج باسمه تعالی; قرض با ربح و ربا حرام است.

س۷۲۰ باز کردن حساب پس انداز به عنوان گرفتن جایزه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است و ربحی که می دهد حلال است.

س۷۲۱ من از بانک مبلغ یک میلیون تومان می خواهم وام مضاربه ای بگیرم بانک این پول را به مدت شش ماه در اختیار من می گذارد یعنی در طی این شش ماه که پول را من تحویل گرفته ام چیزی از من در هر ماه نمی گیرد بعد از شش ماه پول را با صدوچهل هزار تومان سود از من می خواهد این بهره پول و گرفتن این پول از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; قرضی که از بانک می گیرید و پس می

دهید حرام است; معامله مضاربه ای در صورتی که شرایط رعایت شود حلال و جایز است.

س۷۲۲ با توجه به این که دولت ترکیه لائیک می باشد می توانیم سرمایه خود را در بانک های آن کشور گذاشته و سود دریافت نماییم؟

ج باسمه تعالی; سود بانک حلال است چه دولت مسلمان باشد یا لائیک ولی چنانچه دولت لائیک باشد; هیچ شبهه ای در حلیت سود نیست.

چک

س۷۲۳ کسی در مقابل چک بانکی به ۱۵ روز قرض گرفته و نصفش را داده بقیه در ۱۰ ماه است با تمکن از پرداخت نمی دهد. این چک را بی قید طلب به شخص دیگر فروختن چه صورت دارد و خریدار چک برای وجه چک اقدام رسمی خواهد کرد؟

ج باسمه تعالی; فروختن تمام چک، با فرض آن که بیش از نصف آن را مالک نیست; جایز نیست. امّا فروختن نصف آن مانعی ندارد و اقدام خریدار موجب جواز یا عدم جواز نمی شود.

س۷۲۴ فروختن چک های معمول و مرسوم در میان مردم، به کمتر از قیمت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه چک محل دارد یعنی صاحب چک مقابل آن در بانک پول دارد; اشکال ندارد.

س۷۲۵ در یک معامله ای از شخصی چک گرفته و بعد از مدتی همان چک را به خود او، به قیمت کمتر می فروشد آیا این معامله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست.

س۷۲۶ خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک چه صورت دارد؟ (مثلا چک برای دو ماه دیگر باشد)

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

ربا

س۷۲۷ گرفتن وام از بانک های خارجی که مستلزم پرداخت ربا است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقتضای اطلاق خبر لا ربا بین مسلم و الذمی جواز پرداخت ربا به کفار است ولکن چون اصحاب رضوان الله تعالی علیهم ادعای اجماع بر عدم جواز ربا دادن به کفار نموده اند; لذا من احتیاط می نمایم.

س۷۲۸ اگر شخصی مقداری پول به شخص دیگری بدهد تا با آن پول کار کند به شرط این که ماهیانه

مبلغی به عنوان سود کارکرد به او بدهد چه صورت دارد آیا ربا محسوب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با رعایت شرایط مضاربه حلال است ولی بدون آن ربا و حرام است.

س۷۲۹ شخصی (رباخوار) با پول ربوی که از دیگران می گیرد خانه ای تهیه می کند (خریدن یا ساختن). نماز خواندن در آن خانه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بی اشکال است.

س۷۳۰ رباخواری یک حرکت شومی است که توسط برخی از ثروتمندان بدان دامن زده می شود مستدعی است ما را در این خصوص راهنمایی فرمایید؟

ج باسمه تعالی; رباخواری از محرمات الهیه است. تکلیف، در برابر آن مانند تکلیف شما در برابر سایر محرمات الهیه است.

س۷۳۱ اگر کسی از بانک دول غیر اسلامی مثل ژاپن ربا بگیرد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۷۳۲ ربا بین فرزند و مادر چه حکمی دارد؟ (بین جد و جده و نوه چطور؟)

ج باسمه تعالی; ربا بین فرزند و مادر و همینطور جده حرام است ولی بین نوه و جد، مثل پدر و پسر حلال است.

س۷۳۳ شخصی با پول ربا فروشگاه لبنیاتی باز کرده است، آیا خرید از این فروشگاه حرام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۷۳۴ زنی هستم که هیچ کس را ندارم همسرم وفات نموده است از کمیته امداد امام خمینی(ره) خرجی خود را می گیرم آن خرجی کفایت زندگانی من را نمی کند. چون زندگانیم را به دشواری می گذرانم ۱۰۰۰۰۰۰ تومان به کسی داده ام بابت آن پول سودی می گیرم آیا آن سود حرام است یا نه، و اگر کسی را به

مهمانی دعوت کنم خوردن آن غذا برای او حرام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پول را به عنوان قرض داده اید و در موقع قرض دادن شرط کرده اید که به شما سود بدهد این ربا است و حرام است و اگر شرط نکنید و خودش سود بدهد یا به عنوان قرض نباشد; اشکال ندارد. به هر حال بر مهمان حرام نیست در منزل شما چیزی بخورد.

س۷۳۵ کسی به قصد بهره و سود پولی به بانک بگذارد ولی شرط نمی کند آیا حرام و ربا است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست ولو شرط کند.

س۷۳۶ کسی از بانک ربا می گیرد با پول های حلال دیگر مخلوط شده و خانه خریداری می کند نماز در آن خانه چگونه است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خانه را با آن پول مشخص شده نخرد; یعنی ثمن کلی باشد و از پول شخص آن را اداء بنماید تصرفات جایز است.

س۷۳۷ شرکت بیمه ایران با نظارت دولت اداره می شود اظهار می کند اگر مبلغ صدهزار تومان سرمایه گذاری شرکت نمایند ماهی مبلغ سه هزار تومان سود می دهد آیا گرفتن آن جایز است اگر غیر از مضاربه راه دیگری هست بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مسائل بیمه در آخر کتاب مفصلا نوشته ام به آن رجوع شود.

س۷۳۸ کسی مبلغی پول به حساب شرکتی ریخته بعداز دو سال ماشین تحویل بگیرد و در طول سال دوباره پول می ریزد شرکت موقع تحویل ماشین از قیمت روز کمتر حساب می کند آیا این ربا حساب می شود؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد، زیرا ربای محرم نیست.

رهن و اجاره

س۷۳۹ ساختمانی را به

یکصدهزار تومان به مدت یکسال بدون اجاره رهن می کنند جایز است یا خیر چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پولی که برای آن رهن می کند به عنوان قرض است و در ضمن قرض شرط استفاده مجانی از آن خانه نکند; اشکالی ندارد بلکه اگر شرط هم بکند اشکال ندارد ولی خلاف احتیاط است.

س ۷۴۰ برای فرار از ارتکاب به ربا و طرز صحیح از رهن خانه و منازل که امروزه متداول شده است در بنگاه های معاملاتی طریق استفاده صحیح چیست؟

ج باسمه تعالی; اول پول را به عنوان قرض داده و خانه را رهن بگیرند. بعداً همان خانه را اجاره کنند و یا این که اول خانه را به مبلغی اجاره کنند و شرط کنند که فلان مبلغ قرض داده شود و در مقابل خانه رهن باشد.

س ۷۴۱ اجاره ای که با اموال یتیم تعلق می گیرد (مال یتیم را تا بلوغ اجاره می دهند) چطور می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صلاح یتیم باشد حاکم شرع یا ولی او اشکال ندارد اجاره بدهد.

س ۷۴۲ آیا پول پیشی که بابت منزل از مستأجر گرفته می شود اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر مال الاجاره باشد که جلو گرفته می شود با رضای طرفین بی اشکال است همچنین اگر منزل را اجاره دهد به مبلغی در ضمن آن شرط شود که مبلغی را به عنوان قرض بدهد; بی اشکال است. بلکه اگر قرض بدهد و در ضمن آن شرط کند خانه را ارزانتر از اجره المثل بدهد نیز اشکال ندارد.

س ۷۴۳ چندین سال پیش مغازه ای را به شخصی اجاره داده ام که آن زمان سرقفلی

معمول نبوده و نـداده است. هم اکنون با انقضاء مدت اجاره نیاز مبرمی به مغازه ام دارم موضوع را با مسـتأجر در میان گذاشـته ایشـان از تحویـل دادن مغـازه خـودداری می نمایـد و اظهـار می دارد مبلغ هنگفـتی بایـد بدهیـد تـا مغـازه را تخلیـه کنـم. لـذا خواهشمندم نظر مبارک را در مورد سؤال ذیل مرقوم فرمایید.

۱ آیا مستأجر پس از انتقضاء مدت اجاره باید مغازه را تخلیه کند یا خیر؟

۲ در صورتی که مستأجر باقرار خودش «در اجاره نامه» هیچ گونه سرقفلی نداده، شرعاً حقی دارد یا نه؟

ج باسـمه تعالی؛ در صورتی که مستأجر به مالک سرقفلی نداده؛ حق ندارد برای تحویل دادن مغازه وجهی مطالبه نماید و باید پس از انقضاء مدت اجاره، با درخواست مالک، آن را بدون گرفتن وجهی تخلیه نماید.

س۷۴۴ این جانب مسـتأجر ملکی بوده ام که در طول مـدت اجاره به علت وقوع آفات ارضـی و سـماوی و این که به علت این آفات امکان انتفاع بنـده از عین مسـتأجر متصور نبوده به دادگاه مراجعه و پس از اخـذ نظریه کارشناسـی دادگاه حکم بر فسـخ اجـاره صـادر و این حکم قطعی شـده است از آن جایی که این جانب در طول این مـدت متحمل مخارج زیادی از جمله غرس درختان، آبیاری باغات و سمپاشـی و جابه جایی چاه و تلمبه و غیره بر روی ملک انجام داده ام خواهشـمند است فتوی مبارک را صادر فرمایند. که مطابه این مخارج از طرف بنده از موجر شرعی می باشد یا خیر؟ و دادگاه شرعاً می تواند این تقاضای من را مورد پذیرش و صدور حکم پس از تعیین کارشناس نماید یا

خیر؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال آن چه بر له شما ثابت است انفساخ اجاره است. ولی وجهی بر مطالبه شما از مؤجر که مخارج را بدهد نمی دانم.

س۷۴۵ واگذاری ملک تجاری به واقف (وقف کننده) موقوفه حق سرقفلی را برای خود محفوظ نگه داشته و واقف با لحاظ همین شرط آن را وقف نموده و مستأجر با اطلاع و پذیرش این که حق سرقفلی نخواهد داشت و در ازای آن وجهی هم نپرداخته است آیا شرعاً حق ادعای سرقفلی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که حق سرقفلی به مستأجر مطلقاً نداده باشد مستأجر حق ندارد.

س۷۴۶ متمنی است نظر مبارک خود را در خصوص حق سرقفلی مشاغلی مثل پزشکی و... که کسب و کار صرفاً متوقف و قائم بر شخص می باشد مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مشاغل سرقفلی ندارند.

س۷۴۷ حق سرقفلی (کسب و پیشه) کاسبی که نوعاً متوقف بر محل کسب است و مستلزم تبلیغات اگر چنانچه موجر ملکی پس از اجاره و واداشتن مستأجر بر صرف هزینه های معمول پشیمان شده و در صدد فسخ برآید آیا ضمان شرعی بر تأدیه هزینه های انجام شده دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که صرف هزینه به امر موجر باشد در امر به عوض ظهور داشته باشد بلی ضامن است والا ضامن نیست; مگر آن که شرط کرده باشد که مصارفی که می کند به ازاء ماندن در آن محل تا مدت مدیدی باشد در این صورت تا هزینه را نپردازد نمی تواند آن را فسخ کند همچنین فسخ هم باید با رعایت رضایت طرف باشد.

س۷۴۸ ملاک

بر تعین اجرت المثل محل هایی که نوعاً محل شبهه از لحاظ حدود اختیارات تفویضی متولیان امر وقف در صورت علقه صغار سادات و امثالهم بوده باشد چیست و آیا می تواند مبری ذمه بوده باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در ضمن رعایت عرف و مصالحه، با نظر حاکم شرع عمل شود.

س۷۴۹ یک قطعه زمین زراعی به مدت ۹۹ سال اجاره داده شده است در صورتی که ملک فوق الذکر وقف اولاد ذکور می باشد و موجر و مستأجر هر دو در قید حیات نیستند و زمین مورد نظر در اختیار برادر مستأجر می باشد آیا اجاره مذکور باطل می باشد یا خیر در صورت باطل نبودن اجاره درآمد حاصله چگونه تقسیم می شود در ضمن مؤجر دارای پنج فرزند پسر نیز می باشد که در قید حیات هستند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه طبقه اولی اجاره بدهند; به موت موجر اجاره باطل می شود، ولی اگر متولی با رعایت مصلحت طبقات بعد اجاره بدهد، یا حاکم شرع اذن دهد، در این دو مورد اجاره باطل نیست و درآمد حاصله به همان گونه که تقسیم شده است باید تقسیم شود.

س۷۵۰ ملک خودم را از اول بهار به یک نفر اجاره داده ام، موقع اجاره فقط جای خالی بود. چمن و یونجه آن موقع رشد نکرده بود. فعلا آن مستأجر از داده اجاره عدول کرده و می گوید به خاطر نباریدن باران چیزی نیست آیا شرعاً می تواند بعد از سه ماه اجاره نامه را فسخ کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه اجاره زمین برای استفاده از چمن و یونجه آن باشد و مستأجر

هم در انجام وظیفه کوتاهی ننموده است در فرض سؤال می توانـد فسخ کند، و اگر خود زمین را اجاره نموده و نظر به چمن و یونجه نداشته است; حق فسخ ندارد.

س۱۷۵۱اگر در وسـط سـال اجـاره منزل، منزل خراب شـد و قابل اسـتفاده نبود بعـد از فسـخ اجاره اگر نصف سال اجاره هر ماه معین بود همان را می دهد، و اگر سالی مقداری می داد بالنسبه حساب کند یا به نحو دیگر؟

ج باسمه تعالی; باید بالنسبه حساب شود.

س۱۷۵۲اگر کسی بگوید خانه ای برای من بساز این مقدار به تو می دهم آیا این جعاله است یا اجاره می باشد؟

ج باسمه تعالی; جعاله یا امر به عمل است که عقد مستقلی است.

س۱۷۵۳ در عصـر فعلی معمول است اشـخاص ساختمان خود را به کمتر از قیمت حقیقی اجاره می دهنـد و ضـمن عقد اجاره با مسـتأجر شـرط می کننـد که مثلاـ یـک میلیون تومان به موجر به عنوان قرض بدهنـد آیا وجه الاجاره که به جهت شـرط قرض کمتر از قیمت حقیقی پرداخت می شود، نفع و ربا محسوب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ربا نیست و اشکال ندارد.

س۱۷۵۴ در رابطه با رهن منزل مرسوم است وجه پولی را پیش می گیرد و بابت اجاره مبلغ کمتری را می گیرد آیا صحیح است در صورت اشکال راه حل شرعی را بیان کنید؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و اشکال ندارد.

س۱۷۵۵اگر مسـتأجر مـال الاجـاره را نـداد و یا کمتر از مقرر بدهـد موجر حق فسـخ دارد و همین طور در شـرایطی تخلف کند چطور؟

ج باسمه تعالی; بلی، می تواند

اجاره را فسخ کند.

س۷۵۶ آیا اخذ به شفعه در مورد سرقفلی صحیح است؟

ج باسمه تعالی; صحیح نیست.

ضمان

س۷۵۷ اگر آموزگاری در تصحیح اوراق امتحانی سهل انگاری نماید و یا مسؤلین مدرسه در انتقال نمرات سهل انگاری نمایند و بر اثر این سهل انگاری دانش آموزان مردود گردند آیا آموزگار یا مسئول مربوطه نسبت به خسارات مادی و معنوی دانش آموز در طول یک سال عقب ماندگی، ضمان دارد یا نه؟ در این موارد دیه ثابت می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; اضرار به غیر، و اهانت به او (و ایذاء) بر طبق آیات قرآن و احادیث زیاد و اجماع فقها حرام است و این عناوین بر موارد مورد سؤال صدق می کند، ولکن فعلا وجهی بر ضمان در نظرم نیست. چون دلیل ضمان، قاعده ید و قاعده اتلاف و قاعده استیفاء است و هیچ کدام از قواعد باب ضمان، شامل موارد فوق نیست و دلیل خاصی هم نداریم. بنابراین حکم به ضمان نمی کنیم و دلیلی بر ثبوت دیه نیست.

س۷۵۸ شخصی ضمان دین شخصی شناخته شده گشته و تاکسی او که خودرو عمومی و وسیله امرار معاش خانواده ضامن می باشد در ازای جریمه ضمانت در توقیف است و از قاضی درخواست ماشین در ازای توقیف نقل و انتقال سند خودرو را کرده است تا اجرای رأی صادره تمام شود و تصفیه گردد و سند مسترد شود قاضی مربوط دستور داده که چنانچه خودروی ذکر شده از مستثنیات دین است قبول کنید ولی واضح نگفته به همین جهت اجرای احکام سرگردان در این امر است و جهت ترخیص خودرو و دستوری

صادر نکرده است. شخص ضامن مالی به جز این خودرو ندارد و مستأجر هم می باشد و تاکسی هم وسیله عمومی و تأمین معاش ضامن خانواده وی است. بذل محبت شود نظر مبارک را اعلام فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه امرار معاش خود و خانواده اش منحصر به آن خودرو است و یا این که بدون آن نمی تواند امرار معاش کند; خودرو مذکور از مستثنیات دین است و باید آزاد شود.

س۷۵۹ طلبه ای بنا به مشکلاتی نمی تواند درس دینی را ادامه دهد آیا شهریه ای که تاکنون گرفته است لازم است پس بدهد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; پس دادن شهریه لازم نیست.

س۱۷۶۰ اگر از چاه عمیقی اضافه بر میزان مقرر بهره برداری آب نمایم که به دیگران ضرر داشته باشد مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که مردم روستا از ادامه بهره برداری متضرر بشوند و در مضیقه قرار گیرند و شما هم از ادامه ندادن ضرر نمی کنید جایز نیست و الا چنانچه شما احتیاج دارید و یا آن ها هم احتیاج مبرم ندارند جایز است.

س۱۷۶۱ اگر کسی ربوده شده و جانش در خطر مرگ باشد و برای گریز از آن راهی جز مقاتله نداشته باشد (مثل این که با ممانعت مسلحانه رباینده مواجه شده باشد) تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; مقاتله بلاکلام جایز است و چنانچه جنایتی واقع شود ضامن نیست.

س۱۷۶۲ اگر کسی جهت زمینه سازی بر ارتکاب جرمی، با خوراندن مسکرات و یا آنچه موجب زوال عقل می شود سبب بروز جنایتی بر غیر شود آیا ضامن است یا خیر؟ اگر در این

خصوص خودش قربانی شود آیا خونش هدر است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با خوراندن مسکرات اختیار از شارب سلب شود و بدون اختیار یا التفات جنایت از او صادر شود ضامن است و خونش هدر.

س۷۶۳ آیا مکر بر امر حرامی مثل لواط و زنا خونش هدر است یا نه؟ خصوصاً اگر راهی جز کشتن نداشته باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شخصی که مکرَه به لواط یا زنا می شود برای دفاع از خود مکرِه را بکشد و بدون کشتن راهی نداشته باشد، خونش هدر است.

س۷۶۴ اینجانب در اثر مشاجره لفظی کسی را هل دادم و او به زمین خورد، دستش شکست بدون این که کوچکترین عمدی برای شکستن دست وی داشته باشم. آیا از مصادیق شبه عمد است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه این عمل به حسب عادت موجب شکستن دست می شود مانند آن که از ارتفاعی او را هل دهید شبه عمد است والا اگر قصد شکستن دست را نداشته اید و عمل فی نفسه موجب آن نمی شود و تصادفاً چنین شده است; خطاء است. به هر تقدیر ضامن دیه هستید.

س۷۶۵ با توجه به این که فروش اموال مسروقه در قانون جرم تلقی شده است و از طرفی صدور فاکتور فروشی، به ویژه در مورد اجناس معمولی متعارف نیست آیا در این گونه موارد خریدار اموال مسروقه را می توان محکوم نمود؟

ج باسمه تعالی; اگر دزدی بودن اموال را می دانسته و می توان او را محکوم نمود.

س۷۶۶ آیا شروع به سرقت جرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تجرّی و جرم است.

س۷۶۷ خواهر زاده بنده در خصوص

یکی از مشتریان ما اطلاعاتی خواسته و بنده چون که قبلا و در حال مراجعه خواهرزاده ام با مشتری مورد نظر معامله داشتم و هیچ گونه موردی از وی ندیده بودم به ایشان گفتم ما به مشتری مورد نظر جنس داده ایم شما هم بدهید چیزی نمی شود پس از مدت چهار یا پنج ماه مشتری مورد نظر وضع مالی خوبی نداشته و چک هایش مسترد می گردد و خواهر زاده بنده با مستند قرار دادن گفته های من چک های مشتری مورد نظر را به من داده و در واقع طلب خود را از من مطالبه می نماید لذا خواهشمند است در این خصوص رأی شرعی را اعلام فرمایید که آیا با گفته بنده من بدهکار می شوم؟

ج باسمه تعالی; توثیق مزبور، موجب ضمان نمی شود و خواهرزاده شما نمی تواند وجهی از شما مطالبه بنماید.

س۷۶۸ شخصی مبلغی را که حدوداً یک هزار تومان می باشد از فردی به صورت قرض الحسنه گرفته است که در مدت یک ماه به وی پرداخت نماید ولی متأسفانه بدقولی کرده و بعد از مدت ده سال همان مبلغ را به شخص طلبکار می دهد ولی این شخص از دریافت پول ممانعت میورزد و می گوید مبلغ هزار تومانی را که به تو داده ام در زمان خود مبلغی هنگفت بوده و ارزش آن بیش از این ها بوده و باید به ارزش نسبی آن روز مبلغ را پرداخت نمایی. لطفاً بفرمایید آیا شخص بدهکار همان مبلغ را بدهد یا باید به مقدار ارزش پول که در آن زمان بوده پرداخت نماید در این خصوص چه حکمی

دارد؟

ج باسمه تعالی; بعید نیست که مقدار مالیت را ضامن باشد. مثلا یک هزار تومان در آن زمان هر چند مثقال طلا می دادند حالا قیمت آن مقدار طلا را باید بدهد. چون فتوی جزمی نیست; مصالحه بشود.

س۷۶۹ شخصی که دیون بسیار به اشخاص متفرقه داشته به محکمه تحویل می شود رئیس محکمه شخص مدیون را در اختیار سرباز مأمور مراقب قرار می دهد که مدیون با مراجعه به طلبکاران خود رضایت آنان را جلب نماید و مقرر داشته باشد برای انجام این امر مدیون به مدت ۸ ساعت تحت الحفظ سرباز مأمور مراقب قرار گیرد مدیون از ارفاق قانون سوء استفاده می نماید و متواری می شود حال سؤال آن است چنانچه رئیس محکمه به حکم وظیفه مقرر در قانون مصوب موظف بوده که مدیون را در مرجع انتظامی تحت الحفظ نگه بدارد نه آن که تحویل سرباز وظیفه نماید که در خیابان تحت الحفظ قرار گیرد و مدیون نیز متواری شود رئیس محکمه در قبال غفلت و تسامح و تساهل خود ضامن دین دائنین خواهد بود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ضمان رئیس محکمه بر طبق قانون باشد; قهراً در موقع استخدام چنین تعهدی نموده است و به مقتضای قاعده ضامن است.

س۷۷۰ من به یک نفر خیرات و نیکی می کنیم بعداً دیدم این بنده خدا هر چه کردم دروغ می گوید آیا برای اعمال خیر من پاداشی هست؟ و آیا او ضامن است؟

ج باسمه تعالی; شما اجر می برید; ولی او ضامن نیست.

مضاربه

س۱۷۷۱ اگر عاملی در مضاربه، به سفر تجارتی رود و مقداری از سرمایه بدون تفریط

تلف شود آیا می تواند از ربح حاصله، سرمایه تلف شده را جبران کند؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۷۷۲ هر گاه مالك و عامل در مقدار رأس المال و یا مقدار ربح حاصله اختلاف داشته باشند قول کدام یک مقدم است؟

ج باسمه تعالی; در نزاع درباره ی مقدار رأس المال، قول عامل مقدم است چون قهراً منکر زیادی است. مالك باید آن را اثبات کند و همچنین در مقدار ربح، قول عامل مقدم است; چون امین است.

س۷۷۳ آیا جایز است عامل مخارج خود را در سفرر و حضر از مال المضاربه صرف نماید؟

ج باسمه تعالی; نفقه سفر از رأس المال است و نفقه حضر به عهده خودش است.

س۷۷۴ آیا مضاربه از عقود لازمه است یا از عقود جایزه که بتوان بعداً فسح کرد؟

ج باسمه تعالی; از عقود جایزه است.

س۷۷۵ کسی که به قصد مضاربه به یک نفر یا به بنگاه پول می دهد و طرف مقابل هم با همان عنوان قبول می کند اما کیفیت عملش مشکوك یا غیر معلوم است حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; به حکم اصاله الصحه، محکوم به صحت است.

س۷۷۶ شخصی مبلغی پول به مغازه داری می دهد تا با آن پول معامله کند و به سودش مشترک باشد ولی صاحب مغازه می گوید چون محاسبه دخل و خرج این پول برایم مشکل است لذا من با رضایت خودم ماهیانه فلان مقدار به تو می دهم آیا این عمل شرعی است؟ و الا چه پیشنهاد می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مضاربه شرعی باشد و مصالحه کنند که سهم صاحب پول را به مقدار معینی هر

ماه بدهد اشکال ندارد.

احکام خیار و شرط

س۷۷۷ آیا خیاراتی که در بیع ثابت است و اجاره هم جریان دارد و در این جهت فرقی بین اجاره عقدیه و اجاره معاملاتی هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; بعضی خیارات، مانند خیار مجلس مختص به بیع است و بعضی مانند خیار تخلف، شرط عام است به هر حال فرقی بین عقدی و معاملاتی نیست.

س۷۷۸ آیا خیار مجلسی برای متبایعین متلاصقین هست یا نه اگر بعد از بیع قصد تفرق کنند کفایت بر سقوط خیار می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیار مجلس بر آن ثابت است و قصد تفرق موجب سقوط خیار نمی شود.

س۷۷۹ اگر فروشنده و خریدار در ضمن عقد بیع، شرط کنند که جنس را فروشنده در روز معین تحویل مشتری بدهد اگر تحویل نداد مبلغ معینی را مثلا (۱۰۰۰۰) تومان به مشتری غرامت بپردازد در صورت بروز خلف وعده آیا این شرط صحیح است و یا نه و گرفتن این وجه اکل مال به باطل نیست؟

ج باسمه تعالی; شرط صحیح است و به مقتضای المسلون عند شروطهم لازم الوفاء می باشد و به واسطه همان دلیل، اکل مال به باطل نیست.

س۷۸۰ بیعانه ای که فروشنده می گیرد و در ضمن بیع شرط کرده چنانچه مشتری منصرف از خرید شد حق استرداد بیعانه را ندارد. برای فروشنده تصرف و اکل این پول چه حکمی دارد تجارت عن تراض برای آن صادق است یا خیر و یا از باب المؤمنون عند شروطهم لازم الوفاء است؟

ج باسمه تعالی; شرط مذکور به مقتضای دلیل لزوم وفای به شرط صحیح است و به

همان دلیل، تجارت عن تراض نیز می باشد.

س۷۸۱ طرفین در ضمن عقد بیع شرط می کند هر گاه مبیع و یا ثمن مال کس دیگری باشد; آن مبلغ قید شده را به طرف دیگر به عنوان غرامت بدهند، آیا این شرط واجب الوفاء است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; معلوم نیست شرط مذکور لازم الوفاء باشد، زیرا در صورت تبیین این که، احدالعوضین مال غیر متبایعین است; قهراً معامله باطل می شود. بنابر این شرط در ضمن معامله نیست و شرط ابتدائی لازم الوفاء نمی باشد.

س۷۸۲ اگر در مواردی که شرط لازم الوفاء باشد و مشروط علیه، استنکاف از پرداخت دارد آیا مشروط له حق فسخ معامله را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم امکان اجبار مشروط علیه به عمل به شرط، خیار فسخ معامله بلا کلام ثابت است، و با امکان اجبار، محل کلام است. نظر حقیر این است که خیار ثابت است و مشروط له بین اجبار به عمل به شرط و فسخ معامله مخیر است.

س۷۸۳ در تأخیر خریدار، ثمن را از وقت مقرر، آیا فروشنده حق فسخ دارد یا خیر در صورت تصرف خریدار در مثمن، مصرف آب و برق و شوفاژ به عهده کدام است؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال، بایع، خیار تأخیر ثمن دارد، می تواند معامله را فسخ کند و آبونمان آب و برق و گازوئیل مشترک شوفاژ را، در صورت استفاده ضامن است.

س۷۸۴ اگر کسی یک کیلو قند را به صد هزار تومان بخرد و یا مصالحه نمایند به شرط این که فروشنده پانصدهزار تومان قرض شش ماهه بدهد آیا این فروش به

شرط صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ اشکالی ندارد.

س۷۸۵ اگر شخصی جنسی را نقداً بخرد بعد از مدتی به خود صاحب جنس به مبلغ زیادتر بفروشد و اگر همین موضوع در ضمن عقد بیع، شرط شود آیا لازم الوفاء است و در صورت عدم فروش خریدار آیا صاحب اول جنس، خیار فسخ دارد و در این گونه معاملات ثمن و مثمن باید موجود باشد و قبض و اقباض لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ فروش چیزی که نقداً خریده است به مبلغی زیادتر، اگر در بیع اول شرط نکنند صحیح است و با شرط باطل است و در فرض صحت، چنانچه قبض نشده باشد معامله صحیح است ولی مکروه است.

س۷۸۶ اگر سرمایه داری جنسی را در بازار به قصد ورشکستگی دیگری، ارزان بفروشد و در نتیجه جمع مال نموده و احتکار نماید این طور معامله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ کار خوبی نیست ولی احتکار نیست.

س۷۸۷ در قانون مدنی شرکت ها و تجارتخانه ها آمده است: اگر کارگری را اخراج کنند باید مبلغی نقداً به او بدهند اگر در اول استخدام به کار، با گارگر این شرط نشده باشد گرفتن این وجه چه صورت دارد اگر کارفرما طیب نفس ندارد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ چون قرارداد کلی مملکت است؛ پس در حین استخدام، این شرط ضمنی مبنی علیه العقد است و این حکم ذکر است. بنابراین اگر با طیب نفس هم ندهد گرفتن جایز است.

س۷۸۸ مقاطعه کاری، متعهد شده است که ساختمانی را طی شش ماه در برابر اجرت معینی بسازد بعد از گذشت چند روز از انعقاد قرارداد، قیمت مصالح ساختمانی

و اجرت کارگر به میزان فاحشی ترقی می کند آیا در این صورت مقاطعه کار مزبور موظف به وفای به قرارداد با قیمت تعیین شده می باشد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چون به حسب ظاهر حال متعاملین، قرارداد به شرط ضمنی عدم ترقی مصالح ساختمانی در مدت معینی مشروط است بنابر این مقاطعه کار حق فسخ را دارد.

س۷۸۹ بعضی از تجار به دلیل سود زیاد کشمش را به واسطه به کارخانه شرابسازی می فروشند. فروش ما باغداران به این تجار کشمش چه حکمی دارد؟ و حرام است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و گناه درست کردن شراب به گردن آنهاست.

س۷۹۰ ریسمان فروشی تمامی امکانات لازم را در اختیار بافنده می گذارد. به صورت نسیه هم مدت و زمان پرداخت را نیز معین می کند و شرط کنند اگر قالی به فروش نرفت و در زمان تأخیر شد; با هم مصالحه نمایند، پولی که بافنده فرش می گیرد به عنوان مضاربه قرار دهند ولی ریسمان فروش سهم خود را با او مصالحه به مبلغ معینی نماید که هر ماه آن مبلغ را بگیرد و در ضمن بین خودشان چند شرط کنند ۱ بافنده قالی مورد نظر را به دیگری نفروشد ۲ کمتر از قیمت بازار به ریسمان فروش بفروشد. ۳ تحت عنوان حق کمیسیون درصد معینی را در کل مبلغ فروخته شده ریسمان فروش ببرد آیا این معامله صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مطالب ذکر شده در فوق، مطابق فتوای این جانب نوشته شده است و عمل بر طبق آنها مجزی است.

س۷۹۱ ما بین زید و بکر بیعی

به این صورت واقع شده که زید، عبارت بیع را به بکر نوشته; داد ولی زباناً چیزی نگفت و تمام آن چه که در بیع لازم است به بکر نوشته ولی زید حالا منکر بیع است می گوید نفروخته ام به خاطر مصلحتی این بیع را نوشته ام آیا این بیع درست است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با آن نوشته، قصد بیع کرده باشد و طرف هم با گرفتن، قبول نموده; بیع صحیح است و الاّ مجرد نوشته، کافی نیست.

س۷۹۲ متعاملین در ضمن قرارداد بیع شرط نموده اند اگر یکی از طرفین معامله پشیمان شود مبلغی به طرف دیگر بلاعوض بپردازند آیا این شرط مفسد قرار داد بین متعاملین است و اثر دارد یا نه و اگر خریدار مبیع را به دیگری بفروشد صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; قرارداد مذکور چون شرط در ضمن عقد است و خلاف کتاب و سنت نیست صحیح و لازم است و عقد صحیح است.

س۷۹۳ زید فرشی را به صورت امانت نزد عمرو گذاشته که بفروشد. قیمت فرش را گران گفته، عمرو قبول نمی کرده; ولی قول داده فرش را ببرد حالا در بردن فرش تسامح می کند. در این بین اثاث داخل مغازه عمرو با همان فرش زید به سرقت می رود و در صورت عدم تفریط آیا عمرو و ضامن فرش زید است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم تفریط در حفظ امانت، عمرو که صاحب مغازه است ضامن نیست.

حیض و نفاس

س۷۹۴ اگر زن خواب بوده و بعد از آفتاب بیدار شده و خود را حایض دید اما نمی داند که این

حیض قبل از آفتاب بوده تا نماز نخواند و اگر بعد از آفتاب بوده نماز را قضاء کند؟

ج باسمه تعالی; باید قضاء کند.

س۷۹۵ آیا زن حائض برای تمرین و تعلیم دیگران می تواند نماز بخواند؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۷۹۶ اگر زن به مقدار خواندن چهار رکعت نماز ظهر عادت شود یا از عادت به مقدار خواندن نماز چهاررکعتی در آخر وقت پاک شود و می توانست نماز بخواند آیا واجب است نماز ظهر را در صورت اول و نماز عصر را در صورت دوم قضا نماید؟

ج باسمه تعالی; بلی، در صورت اول فقط نماز ظهر و در صورت دوم نماز عصر را باید قضا نماید.

س۷۹۷ مطلقه ای که تخمدان او را بیرون آورده اند اگر در ایام عادت خون ببیند حیض است؟ آیا عدّه لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر با علائم حیض خون ببیند حیض است و عده هم دارد; چون در حکم به حیض شرعاً قید نشده است که دم از رحم خارج شود.

س۷۹۸ زنی که حملش را از بغل با عمل جراحی بیرون می آورند اگر از محل متعارف خون ببیند خون نفاس است یا نه؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً صدق نفاس نمی کند چون شرط است که خون بعد از ولادت باشد. چنانچه خون قبل از ولادت خارج شود حکم به نفاس نمی شود.

س۷۹۹ اگر زنی صاحب عددیه و وقتیه بود ولی بعد از عادت خود، خونی را ببیند به صفات حیض و بیش از سه روز باشد آیا حکم حیض را دارد یا استحاضه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بعد از ده روز باشد;

استحاضه است و اگر قبل از ده روز قطع شود؛ حیض است.

س۸۰۰ شخصی به مدت یک ماه یا دو ماه در مسافرت می باشد و موقعی که از مسافرت مراجعه می کند همسرش حایض می باشد آیا استمتاع جایز است یا خیر؟ این شخص از چه راه غریزه جنسی خود را ارضاء کند؟

ج باسمه تعالی؛ استمتاعات به غیر جماع جایز است و از آن طریق غریزه را ارضاء کند.

س۸۰۱ زنانی که موقع عادت ماهیانه ایشان می باشد شرط ورودشان به حرم های مطهر امامان علیهم السلام و امام زاده ها چه می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ رفتن به حرم امام زاده ها اشکال ندارد و اما حرم امامان مقتضای احتیاط لزومی آن است که در حرم توقف نکنند ولی مرور مانعی ندارد.

س۸۰۲ خانمی که در ایام حیض آمپول هایی جهت تأخیر افتادن حیض تزریق می کنند تا روزه ماه رمضان را بگیرند لکن بعد از تزریق آمپول باز لکّه های مزبور این لکه ها را می بینند. حکم چه خونی را دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه علامت حیض دارد حیض است و الا استحاضه.

س۸۰۳ کسانی که برای گرفتن روزه یا اعمال حج قرص می خورند تا عادت ماهیانه ایشان به تأخیر بیفتد ولی باز هم بعد از خوردن قرص خون مرتّب خارج می شود خون مذکور چه بوده و وظیفه زن چیست؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه در ایام عادت خون ببیند یا شرایط خون حیض داشته باشد؛ آن زن به حائض بودن محکوم است و قرص خوردن تأثیر ندارد.

س۸۰۴ اگر زن دارو بخورد و در غیر ایام عادت خون ببیند حکم استحاضه دارد

یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی.

نکاح

س۸۰۵ ایجاد مانع برای حاملکی و بچه دار شدن، در زن یا مرد، چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جلوگیری از بچه دار شدن به هر نحوی جایز است مگر آن که رحم زن را در صورت سالم بودن بیرون بیاورند یا مرد را به کلی اخته نمایند بدون آن که باردار شدن زن و بچه به دنیا آوردن ضرر یا مشقت داشته باشد که در این صورت جایز نیست و تعزیز دارد.

س۸۰۶ مردی ۴ زن دائمی داشته و شوهر زنان فوت کرده و یک زن بعد از فوت شوهر آمده با اثبات ادله و بینه و می گوید با مدارک قانونی من زن دائمی این مرحوم هستم در این حال ایشان ۵ زن دارد و حرام است که همه آنها دائمی باشند. مال به چه نحوی تقسیم شود و شارع مقدس چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر ثابت شود که این زن اوست و معلوم نباشد پنجمی کدام است. با قرعه یکی را حکم به بطلان نموده; بقیه مهر و ارث می برند.

س۸۰۷ اگر پدر باعث مهریّه زیاد برای پسر شود آیا پسر که نمی تواند روی حرف پدر حرف بزند مقصّر است یا نه؟

ج باسمه تعالی; مقصر نیست.

س۸۰۸ با عنایت به این که موی زنان که از عوامل زیبایی آنان محسوب می شود بفرمایید (تدلیس در امر ازدواج) این که پنهان نمودن نقص مثل (کچلی کلی) (یا موضعی) (کم پشتی) (و خالی بودن قسمتی از موی سر) آیا موجب ایجاد حق فسخ بر مرد می شود؟

ج باسمه تعالی; تدلیس به طور مطلق

موجب خیار فسخ نمی شود; هفت عیب است که موجب فسخ می شود جنون، جرس، قرن، افضاء و عمی و در غیر این ها تدلیس موجب خیار نمی شود.

س۸۰۹ اگر کسی زنی را عقد کند بعد از آن معلوم شود، عیب و نقصی داشته مانند کچل بودن، فلج بودن دست، مصنوعی بودن یکی از چشم هایش و... در این صورت آیا مهر او مهر المثل است، یا مهر المسمی تعیین می شود؟

ج باسمه تعالی; با مهر المسمی حساب می شود.

س۸۱۰ زنی با مردی ازدواج کرد و سپس طلاق گرفت و بعد از تمام شدن عده، با مرد دیگری ازدواج نمود و از شوهر دوم دختری به دنیا آورد آیا شوهر اول این زن می تواند با دختر شوهر دومش ازدواج کند، یا این که دختر نسبت به او حکم ربیبه را دارد؟

ج باسمه تعالی; حکم ربیبه را دارد و نمی تواند ازدواج کند.

س۸۱۱ شخصی قبل از فوت یک دانگ منزل را، برای همسر خود، اقرار به خرید و فروش کرده و همچنین یک میلیون و نیم به خانواده این شخص حق دید دادند و حق مهر همسر او نیز به همان مقدار است آیا پرداخت مهر متوفی لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; حق مهر لازم است، مهر مانند دیون دیگر است که بر ارث مقدم است اول باید مهر را بدهند اگر چیزی باقی ماند به ورثه بدهند.

س۸۱۲ زن و شوهر اختلاف دارند که غیرقابل حل است و زوجه در اذیت کامل است و مدت ۱۴ سال است که هر روز در جنگ و جدال هستند زوجه تقاضای طلاق خلع می

کنـد و می گویـد به هیـچ وجه قـدرت تحمل اخلاق بد این مرد را ندارد و به هیچ صـراطی مسـتقیم نیست ولی زوج حاضـر به طلاق نیست و هیچ شـرطی را قبول نمی کند و زیر بار وظیفه شـرعی و عرفی نمی رود و می گوید باید با همین وضع موجود و اخلاـق کثیف با من زنـدگی کنی زوجه می گویـد دیگر قادر نیسـتم و در خود توان زنـدگی با اخلاق او را نـدارم و برای من عسر و حرج کامل وجود دارد و برای درخواست طلاق به دادگاه مراجعه کرده است و زوج از روی لجاجت و اذیت می گوید من طلاق نمی دهم لطفاً نظر مبارك و حکم شرعی را به طور واضح مرقوم فرمایید؟

ج باسـمه تعالی; در صورتی که نفقه نمی دهد و اگر حاکم شـرع نتواند او را مجبور به نفقه دادن بنماید حاکم شـرع می تواند بـدون رضایت زوج او را طلاق دهـد. در غیر این مورد، با فرض ایـذاء و ظلم و تعـدی می تواند او را تعزیر کند و بر زوجه هم زندگی با او چون توأم با عسر و حرج است واجب نیست و حاکم شرع در این فرض هم می تواند او را طلاق دهد.

س۸۱۳ خانمی بالغه، عاقله، رشیده که ۱۹ سال سن دارد می خواهد با آقایی ازدواج نماید با توجه با این که زوجین از مقلدین آن بزرگوار می باشند آیا اذن پدر زوجه را شرط می دانید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که دختر بالغه و رشیده باشد یعنی صلاح و فساد را تشخیص بدهد و زوج هم مناسب او

باشد اذن پدر زوجه را، شرط نمی دانم خصوصاً اگر پدر غایب باشد.

س۸۱۴ چنانچه دختری باشد رشیده، بالغه و باکره و نیاز به شوهر و ازدواج داشته باشد ولی به علل اقتصادی و فرهنگی نتواند ازدواج کند و در معرض گناه های کبیره باشد و از طرفی پسر هم با همین شرایط نتواند ازدواج کند و در معرض گناه نیز قرار دارد و پدر دختر زنده و حاضر باشد ولی حرج وجود داشته باشد تا بتوانند از پدر دختر اجازه بگیرند با این تفاسیر آیا چنین پسر و دختری می توانند با هم ازدواج موقت انجام دهند مشروط بر این که باکره بودن دختر چه از جهت جسمی و چه از جهت عرفی حفظ شود و آبروی طرفین محفوظ بماند؟

ج باسمه تعالی; با رعایت شرط مذکور مجازند. بلکه بدون آن هم مجازند.

س۸۱۵ دختری در حدود شش سال است در خانه شوهر زندگی می کند و شوهر قبلا از هر جهت مریض بوده ولی پدر و مادر دختر نمی دانسته اند حالا دختر آمده خانه پدر و مادر، و می گوید شوهرش مریض است اگر دختر بخواهد برای این که شوهر قبل از عقد مریض بوده است و او نمی دانسته است طلاق بگیرد مهریه به دختر تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مرد مریض به معنی عنین باشد و نتوانسته است از اول عقد با دختر نزدیکی کند و دختر هم نمی دانسته که مریض است; دختر حق فسخ دارد و می تواند عقد را به هم بزند و احتیاج به طلاق نیست و مرد هم باید نصف مهر را بدهد.

س۸۱۶

دخترها به سن ۲۵ سال و ۳۰ سال رسیده اند و تن به اوامر پدر هم نمی دهند و پنج سال است که از هم جدا هستند و با عیال ناشزه من زندگی می کنند و یکی از دخترها هم مشغول کار است آیا واجب النفقه من هستند یا نه آیا از حیث مسکن مسئولیّت آن ها به عهده من است یا نه؟

ج باسمه تعالی; آنکه مشغول کار است; نفقه او واجب نیست و آن دیگری در صورتی که می تواند کار کند و یا به شوهر مناسب برود تا خرج او را بدهد و کار نمی کند و شوهر نمی رود; نفقه او هم واجب نیست و نیز اگر پدر فقیر است; نفقه فرزند بر او واجب نیست و در این موارد، مسکن هم به عهده ی پدر نیست، البته چنانچه پدر غنی باشد و پسر یا دختر فقیر باشند و توانایی کار کردن ندارند و برای دختر شوهر مناسبی پیدا نشود; نفقه آن ها واجب است.

س۸۱۷ چه نوع زن هایی ذاتاً بر مرد حرام می باشد؟

ج باسمه تعالی; آن ها را در توضیح المسایل ص ۴۱۱ به بعد مفصلا نوشته ام; مراجعه شود.

س۸۱۸ با فرض این که اگر دوشیزه ای به سن قانونی رشد نرسیده باشد آیا شکایت و ادعای اظهار این دوشیزه می تواند مستند رأی قاضی قرار گیرد و آیا والدین این دوشیزه می توانند به وکالت از او و حسب اظهار آن ها طرح دعوی نمایند؟

ج باسمه تعالی; ادعای او در خصوص دعاوی که منتهی به تصرف مال شود; مسموع نیست و در غیر آن ها مسموع

است که باید برای اثبات آن بینه اقامه کند. به هر تقدیر، مجرد دعوی نمی تواند مستند قاضی قرار گیرد.

س۸۱۹ اگر چنانچه منافی عفت به صورت مشهود انجام نشود تحقیق پیرامون آن چگونه است؟ آیا می شود در این گونه موارد تحقیق نمود؟

ج باسمه تعالی; خیر، نمی شود. حتی خود او هم نمی تواند اظهار بنماید.

س۸۲۰ دختری که ازدواج می کند آیا بعد از عقد، اختیارش دست پدر است یا با شوهرش؟ در دوران نامزدی که دختر در خانه پدرش می باشد مسئله چگونه می باشد؟

ج باسمه تعالی; دختر، بعد از اجرای عقد چه در خانه پدر باشد یا خانه شوهر، باید از شوهر اطاعت کند. البته شوهر هم نباید زاید بر موازین شرعی به زن تحمیل کند.

س۸۲۱ دختر جوانی که تازه ازدواج کرده آیا لازم است که بدنش را بپوشاند یا نه؟ این مسئله در رابطه با بیرون از خانه و در کوچه چگونه می باشد؟

ج باسمه تعالی; دختر بعد از بلوغ چه شوهر کرده باشد یا نکرده باشد; باید بدن را از نامحرم در خانه یا کوچه و بازار بپوشاند.

س۸۲۲ آیا دختر جوانی که ازدواج کرده می تواند آرایش ساده ای کرده و به اصطلاح عامیانه دخترانه آرایش کند و بیرون از خانه و به کوچه برود؟

ج باسمه تعالی; زن باید تزیینی که موجب تهییج جوانان می شود; انجام ندهد. ولی برعکس، باید برای شوهر خود تزیین بنماید و نسبت به زنان دیگر مختار است تزیین بنماید یا نه.

س۸۲۳ زنی دختر شیرخواره دارد هم زمان، پسر بیگانه شیر داده آیا برادر این پسر می تواند با این دختر یا

با خواهر این دختر ازدواج نماید؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۸۲۴ اخیراً مرسوم شـده مهریه چند سال قبل (مثلا پنجاه سال قبل) را که یک مبلغ کمتر می باشد به نرخ روز حساب کرده و یک تومان را چند هزار تومان محاسبه می نمایند آیا شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج باسـمه تعالی; به این گونه که مرسوم شـده است من قبول نـدارم. ولی بایـد به یک مقـداری مصالحه کنند مثلا طلا را میزان بگیرنـد و اگر بر فرض پنجاه تومـان بوده است; حسـاب کننـد چنـد مثقـال طلاـ می شود، به همان حساب طلا یا معادل آن را بدهند.

س۸۲۵ دختر باکره ای به دلیل علاقه پسـری بالغ و وعده ازدواج آن پسر، از راه نامشروع ازاله بکارت و سپس حامله گردیده و در زمـانی که دارای حمـل سه مـاهه بوده بـا حضور والـد آن دو صـیغه عقـد ازدواج دائم جـاری گردیـده و مهریه زن به دلیل اضـطرابش ف[مهر السنه تعیین گردیده و مرد بلافاصله با تولد نوزاد برای او شناسنامه اخذ نموده و اکنون که نوزاد پسر به سن چهـار سالگی رسـیده پـدرش به واسـطه اعتیاد به مواد مخـدر ترک انفاق کرده و، زوجه اش در عسـر و حرج است و متقاضـی طلاق می باشد.

۱ آیا عقد ازدواج بین آن دو، در زمانی که دارای حمل سه ماهه بوده است صحیح بوده یا خیر؟

۲ بـا توجه به این که زن دارای تحصـیلات دانشـگاهی است، اضـطراراً بـا مهر السـنه به عقـد ازدواج دائم رضـایت داده است و اکنون که عسر و حرج وی ثابت گردیده آیا مستحق مهر المثل می باشد یا خیر؟

۳ نفقه طفل

نوزاد بر عهده چه کسی بوده و می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ عقد ازدواج با مهر السنه صحیح است و اعتیاد و عسر و حرج بعدی در آن تأثیر ندارد، نفقه بچه با پدر است و اگر زن متقاضی طلاق است؛ چنانچه مرد طلاق دهد؛ باید همان مهر السنه را بدهد و اگر طلاق ندهد چنانچه نفقه زن را بدهد یا مالی داشته باشد که حاکم شرع از آن مال نفقه زن را بدهد؛ مشکل حل می شود و الا حاکم شرع ولایه او را طلاق می دهد ولی مهر، همان مهر السنه است و چنانچه مرد نتواند نفقه بچه را بدهد و پدر او هم نتواند، نفقه به عهده مادر است.

س۸۲۶ متعلقه اینجانب که مدتی متعه بوده است بعد از شکایت ایشان به عقد دائم بنده درآمده اما هم اکنون که مدت چهار روز است که از عقد دائم می گذرد هر وقت به خانه او می روم او را پیدا می کنم و او هم مرا تمکین نمی کند. خواهشمند است حکم مسئله را از بابت نفقه و سایر احکام بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که با تقاضای شما تمکین نکند و با نهی شما از منزل بیرون برود؛ ناشزه است و نفقه ناشزه مادامی که در حال نشوز است و به تمکین برنگردد واجب نیست.

س۸۲۷ اگر مردی در عقد نکاح به زن وکالت بدهد در طلاق دادن خود و مدت وکالت را تعیین نکند و یا تصریح کند مادام الحیاه آیا این وکالت صحیح است؟ و عدم ذکر مدت وکالت ضرر به صحت وکالت می زند یا نه؟

ج باسمه

تعالی; توکیل زن در طلاق خودش، بین فقهاء محل خلاف است ولی به نظر حقیر جایز است و توکیل در مدت معین یا مادام الحیاه فرق ندارد و در جمیع موارد صحیح است.

س۸۲۸ معظم له چه سنی را برای ازدواج جوانان پیشنهاد می نمایید، برای طلاب علوم دینی چطور؟

ج باسمه تعالی; سن مخصوص ندارد. غیربالغ را باید ولی عقد کند یا اجازه دهد; اما بالغ رشید، می تواند خود را عقد کند و اجازه شخص خاصی لازم نیست، بین طلاب و غیره هم فرقی نیست.

س۸۲۹ اگر زن قبول زوجیت کند به شرط آنکه وکیل باشد در تطلیق خود و شرط کند مرد حق عزل او را از وکالت نداشته باشد و چنین شرطی هم نافذ باشد آیا مرد پس از چند سال می تواند بگوید من وکالت به زن داده ام و لذا به شرط عمل کردم و اگر عزل کند تخلف شرط نشده است؟ یعنی ادعا کند همین چند سال مشمول وکالت بلاعزل بوده آیا حق چنین ادعایی را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ظاهر عقد شرط، وکالت بلاعزل مادام العمر باشد مرد هیچ ادعایی نمی تواند بکند و وکالت به شرط عدم عزل لازم است و قابل تخلف نیست.

س۸۳۰ ازدواج با فرقه ضاله بهائیت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۸۳۱ اخیراً شایع شده که دختر و پسر می توانند صیغه خواهر و برادری با هم بخوانند و در نتیجه مثل خواهر و برادر به یکدیگر محرم گردند آیا چنین صیغه ای در شرع داریم؟

ج باسمه تعالی; صیغه خواهر و برادری بی اساس است و در شرع مقدس

اسلام چنین صیغه ای مشروع نشده است. خداوند اسلام را از شر بدعت گذاران در دین حفظ بنماید.

س۸۳۲ ازدواج دائم یا موقت با اهل کتاب، حکمش چیست آیا در این دو مورد نیز اذن ولی شرط است؟

ج باسمه تعالی; ازدواج با اهل کتاب به گرفتن دختر از آن ها جایز است و اذن ولی هم شرط نیست.

س۸۳۳ ما را در زندگی زناشوئی مان نصیحت بفرمایید تا این که تا آخر عمر آویزه گوش قرار دهیم؟

ج باسمه تعالی; هر دو موازین شرعی را رعایت بنمایید زن را شوهر اطاعت کند و مرد هم زاید بر موازین شرعی بر زن تحمیل نکند; زن برای شوهر تزیین کند و با نامحرمان شوخی بی جا نکند، خصوصاً اگر شوهر ناراحت شود; در این صورت لذت زناشویی را خواهید چشید.

س۸۳۴ زن و شوهری بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک و مرد بعد از جلب اعتماد همسرش کلیه وسایل زندگی و خانه مسکونی را که ۲ سال پیش به نام زن کرده و هیچ گونه وجهی از همسرش دریافت ننموده و زن با تحریک خانواده اش ۲ فرزند را مدت یک و نیم سال پیش رها کرده و به خانه پدرش رفته است و شوهرش هم عدم رضایتش را از این عمل زشت زنش، اعلام نموده است نظرتان را در مورد وسایل زندگی و منزل مسکونی و همچنین نماز و روزه زن که مرد هیچ گونه رضایتی ندارد بیان نموده و آیا زن می تواند به زور طلاق بگیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال، زن عمل خلاف شرع انجام داده و در تمام ساعات این مدت

مرتکب خلاف شرع شده است و چنانچه سفر کند; باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد و نفقه او هم ساقط است و خانواده اش نیز عمل خلاف شرع انجام می دهند. ولی این ها تأثیری در خانه و وسایل زندگی که مرد به او بخشیده است ندارد; چون بخشش (هبه) به زوجه لازم است و زن نمی تواند به زور طلاق بگیرد.

س۸۳۵ آیا اذن پدر یا جد پدری در ازدواج و عقد دختر واجب و الزام است یا نه، و حتی اگر دختر رشیده باشد و مصلحت خود را بهتر از پدر بداند و در صورت عدم رضایت پدر و جد پدری عقد باطل است یا نه نظر حضرت عالی مورد نیاز است؟

ج باسمه تعالی; اذن پدر، شرط صحت نکاح نیست. در مورد سؤال، دختر می تواند بدون اجازه پدر ازدواج نماید.

س۸۳۶ ازدواج شیعه با اهل حق چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; زن گرفتن از آن ها جایز است.

س۸۳۷ آیا برای حلال شدن زن و شوهرهای آن منطقه در صورتی که شرعی نباشد راهی وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; راه شرعی بدون خواسته آنان نیست و با خواسته خودشان صیغه خوانده شود.

س۸۳۸ بنده بچه ای شیرخواره دارم که توسط مادرزن بنده به او شیر داده شده است لطفاً حکم همسر من با حقیر را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; همسرتان، به شما حرام می شود.

س۸۳۹ حکم اولاد آن ها از جهت طهارت مولد چیست؟

ج باسمه تعالی; حلال زاده اند.

س۸۴۰ جوانی با دختری ازدواج نموده ولی قبل از دخول همین دختر فوت کرده نهایت آن جوان به هر وسیله ممکن پس

از فوت دختر با آن مقاربت نموده لذا در بین وراث راجع به مهریه اختلاف به وجود آمده خواهشمند است نظر مبارک را بیان کنید به مهریه آن که آیا نصف است یا تمامی آن؟

ج باسمه تعالی؛ لازم نیست بیش تر از نصف مهریه بدهد.

س۸۴۱ اگر مردی برای هم صحبتی خودش با دختری نامحرم که هر دوی آن ها مجرد هم هستند رابطه دوستانه برقرار سازد و هدفش فقط صحبت کردن و درد دل باشد و قصد لذت هم با آن دختر نداشته باشد حکم آن چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ با اطمینان به این که مبتلا به معصیت نشود؛ اشکال ندارد.

س۸۴۲ دختری به مدت سه سال عقد شده است و در این مدت نامزد این دختر ارتباطش را قطع کرده و هیچ کمک خرجی و کمک مالی نداشته است آیا در موقع طلاق که از طرف مرد صورت بگیرد نفقه تعلق می گیرد برای این مدت سه سال، در ضمن قطع رابطه صددرصد نبوده است؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، چنانچه دختر، حاضر به زندگی بوده و شوهر او امتناع کرده و دختر تمکین هم می نموده است نفقه او را مرد باید بدهد. یعنی نفقه تمام مدت را باید بپردازد.

س۸۴۳ آیا نفقه زوجه حاملی که زوجش فوت کرده و یا در عده وفات است از مال زوج پرداخت می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ از مال زوج نیست؛ بلکه از مال ولد است.

س۸۴۴ در صورتی که زوج از پرداخت نفقه امتناع کند و یا برای مدت طولانی غائب شود و یا این که به درجه ای از سفاهت برسد که تصرف او

در اموال و دارایی خود غیر عقلایی باشد، یا این که مجنون شود، تکلیف نفقه زوجه چه می شود و مسئول پرداخت آن کیست؟

ج باسمه تعالی; اگر مرد از پرداخت نفقه امتناع کند; چنانچه مالی دارد حاکم شرع باید از مال او پرداخت نماید و اگر ندارد و راهی هم نیست بر مجبور کردن او بانفاق، حاکم شرع می تواند زن را طلاق دهد.

س۸۴۵ آیا نفقه به محض ایجاد علقه زوجیت واجب می شود یا شرایط دیگری را قائلید و آیا وسائل تنظیف و آرایش و مخارج مداوا ولو در بیماری صعب العلاج، هزینه زایمان، هزینه تجهیز و غیره را نیز جزه نفقه می دانید یا خیر؟ به طور کلی نفقه چیست؟

ج باسمه تعالی; نفقه به مجرد عقد، واجب مشروط به تمکین است و تمام ما یحتاج الیه المرئه در معاش و زندگی مناسب با مقام او، حتی مهمانی دادن و سفرهای تابستانی رفتن و امثال این ها و هزینه زایمان جزء نفقه واجب است.

س۸۴۶ به نظر جناب عالی ضابطه اصلی در اجزاء نفقه چیست؟ آیا نفقه ملاک خاصی دارد یا یک مسئله عرفی است؟

ج باسمه تعالی; با آنچه در مسأله قبل اشاره شد; معلوم شد که ملاک نفقه یک مسأله عرفی است و ملاک خاصی ندارد.

س۸۴۷ میزان نفقه باتوجه به وضعیت زن تعیین می شود یا رعایت حال شوهر معیار و ملاک است و آیا زن مالک نفقه می شود یا فقط حق انتفاع دارد؟

ج باسمه تعالی; با وضعیت زن تعیین می شود و زن مالک نفقه می شود. در غیر مسکن و خادم، حتی در لباس هم زن مالک

می شود و لذا لباس زن، جزء ما ترک محسوب نمی شود.

س۸۴۸ شما در رساله فرموده اید که دختر اگر به حد بلوغ رسیده باشد و رشیده باشد و مصلحت خود را تشخیص دهد باکره باشد یا نباشد عقد موقت باشد یا دائم احتیاج به اجازه پدر و جد پدری ندارد لذا تقاضا دارم مرقوم نمایید منظور از بلوغ و رشیده سن تکلیف است یا چیز دیگر؟

ج باسمه تعالی; مراد از بلوغ سن تکلیف است که ۹ سال تمام است و مراد از رشیده، این است که صلاح و فساد را تشخیص دهد که بعید است دختر در اوائل سن بلوغ بتواند آن را تشخیص دهد; ولی در سنین بالا امکان دارد.

س۸۴۹ بیان فرمایید آیا جایز است زوجه بدون اجازه زوج در موارد زیر از خانه خارج شود (خواه عقد دائم باشد یا موقت)

ج باسمه تعالی; در عقد موقت، خروج از منزل در صورتی که مزاحم با آنچه حق زوج است نباشد هیچ اشکال ندارد و اما در عقد دائم که چند سئوال نمودید به این شرح:

س۸۵۰ ۱ خروج از منزل برای کسب معارف اعتقادی به مقدار لازم و ضروری و همچنین برای فراگیری وظایف شرعی.

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۱ ۲ خروج از منزل برای معالجه بیماری چنانچه امکان درمان در منزل نباشد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۲ ۳ خروج از منزل برای فرار از ضررهای جانی و مالی؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۳ خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است مانند سفر به حج و نجات نفس محترمه؟

ج باسمه تعالی; این

گونه خروج ها، متوقف بر اجازه شوهر نیست.

س۸۵۴ ۵ چنانچه ماندن در منزل توأم با عسر و حرج غیرقابل تحمل باشد؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است.

س۸۵۵ ۶ چنانچه در ضمن عقد نکاح انتخاب مسکن و اشتغال به مشاغل اداری به زوجه محول شده باشد و به عنوان شرط در ضمن عقد برای خود سلب محدودیت کرده باشد؟

ج باسمه تعالی؛ زوج حق جلوگیری ندارد.

س۸۵۶ ۷ خروج برای تأمین معاش چنانچه شوهر او قادر به آن نباشد یا از انفاق سرپیچی کند؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است.

س۸۵۷ ۸ خروج از منزل برای تظلم و دادخواهی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بی اشکال است.

س۸۵۸ آیا پسر شیرخوار با مادر همسر محرم است یا خیر؟(یه جوریه سوال انگار ناقصه)

ج باسمه تعالی؛ محرم نمی شود.

س۸۵۹ آیا پسر با دختر زوجه اش که در واقع دختر خوانده او می شود محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، محرم است.

س۸۶۰ آیا در صورت فوت زوجه برای پسر شیرخوار محرمیت ها باقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، باقی است.

س۸۶۱ ازدواجی واقعی شده، بعد از مدتی مشخص شده که خانم ناراحتی هورمونی دارد و از ناحیه بدن به پایین پوست بدنش به مانند مردان است و موهای او بیش از حد مردان می باشد عروسی هم انجام نشده است و مرد از خانه زده شده و معترض است که چرا به من نگفته ای آیا عقد منعقد است یا نه؟ آیا مهریه به این زن تعلق می گیرد یا نه؟ آیا نفقه به این خانم تعلق می گیرد یا نه؟ بذل محبت شود تکلیف شرعی

را روشن نمایید.

ج باسمه تعالی؛ چون عیبی که نوشته اید از عیوبی نیست که موجب فسخ می شود بنابراین نمی توانید فسخ کنید و عقد صحیح است ولی می توانید طلاق دهید و چون قبل از دخول طلاق می دهید نصف مهریه را باید پرداخت کنید. اما اگر زن در اختیار شما بوده است نفقه او واجب است.

س۸۶۲ آیا زنی که در عده وفات است می تواند از خانه خارج شود؟

ج باسمه تعالی؛ بله، می تواند؛ ولی مکروه است و زینت کردن جایز نیست.

س۸۶۳ رقص زوج برای زوجه و بالعکس چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است بلکه در بعضی موارد مستحسن است.

س۸۶۴ اگر کسی زنی را گرفت و بعد از عقد معلوم شد که زن کچل است یا یک چشم مصنوعی دارد یا عقیم است آیا مهر المثل دارد یا مهر المسمی؟

ج باسمه تعالی؛ مهر المسمی.

س۸۶۵ اگر مرد یا زن هر دو را جادو کنند تا راضی بشوند و رضایت برای ازدواج حاصل می شود؟ آیا عقدی که واقع می شود عقد مکروه حساب می شود چون اگر جادو نبود رضایت هم نبود؟

ج باسمه تعالی؛ خیر عقد مکروه نیست و عقد صحیح است.

س۸۶۶ با توجه به این که هر زن بعد از طلاق می باید عده نگاه دارد ولی سؤال به این صورت شده است که زنی بعد از طلاق از همسرش، بعد از ۴۷ روز با شوهر دوم ازدواج می کند در حالی که مسئله را نمی دانسته است و الآن چهار فرزند دارد و مطلب را، الآن به شوهرش گفته و شوهرش هم مسئله را نمی دانسته

است، تکلیف آن ها چه خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در ۴۷ روز بعد از پاکی که در آن طلاق داده شده; دو مرتبه حیض ببیند و پاک شود; حیض سوم که دید; عده تمام می شود و عقد دوم صحیح است و هیچ اشکالی ندارد; اگر در آن مدت ۳ بار حیض نشده; قهراً در عده بوده و ازدواج دوم باطل است و آن زن بر شوهر دوم حرام ابدی است و چون جاهل بوده اند بچه ها حلال زاده اند و ملحق به پدر و مادرشان می باشند.

س۸۶۷ شرائطی که در سند ازدواج نوشته شده منجمله اگر شوهر بدون جهت زن را طلاق داد باید نصف دارایی خود را که بعد از ازدواج به دست آورده به زن بدهد و امثال این شرایط وجود دارد و زوجین از روی حیاء و یا اکراه امضاء نمایند که قصد جدی نداشته باشند آیا صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شرط را در ضمن عقد بنماید و اکراهی، هم نباشد; باید عمل کنند و الا صحیح نیست.

س۸۶۸ اگر کسی با دختری ازدواج کند به شرط باکره بودن به مهر المسمی و اگر باکره نبود به مهر کمتری که خود شوهر معین می کند به دلیل (المؤمنون عند شروطهم) این شرط صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مهر باید معین باشد و مهر با تردید باطل است و عقد صحیح است ولی مهر المثل به عهده مرد است.

س۸۶۹ آیا به نظر جناب عالی فرد شیعه می تواند با سنی و یا کافر ازدواج کند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ازدواج با سنی اشکال

ندارد. زن کافر گرفتن هم جایز است; ولی دادن زن مسلمان به مرد کافر جایز نیست.

س۸۷۰ حق هم خوابگی زن دائمی در چه شبی ثابت و در چه شبی ساقط است؟

ج باسمه تعالی; هم خوابی هیچ وقت لازم نیست و به معنای بیتوته در نزد او، واجب است و آن حد ندارد و قابل اسقاط است.

س۸۷۱ اگر زوج به شرط باکره بودن زوجه به مهر المسمی عقد را خواند و اگر باکره نباشد به مهر کمتر از مهر المسمی باشد این شرط چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; صحیح نیست; ولی شرط بکارت اشکال ندارد و اگر خلاف آن ثابت شود; عقد صحیح است ولی مهر ثیب ثابت می شود.

س۸۷۲ کسی در سال ۱۳۶۸ فوت نموده آیا می شود بعد از چند سال به او وکالت بدهند پیش روحانی دیگری صیغه عقد دختر باکره را بدون اجازه پدر و جد پدری به وکالت انجام دهند و پایین ورقه را امضاء نماید و این دختر را به ۲ مرتبه صیغه بخوانند صیغه عقدی در تهران بدون شرط و شروط و صیغه عقدی در قم با شرائط مندرج در عقد نامه های جدید عاقد دومی هم فوت کرده؟

ج باسمه تعالی; نمی توان به مرده وکالت داد یک دختر هم برای دو نفر عقد نمی شود.

س۸۷۳ آیا ربیبه مرد برای ازدواج او اذن مرد لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در ربیبه اذن لازم نیست.

س۸۷۴ اگر بچه ای قبل از بلوغ با زنی جماع کند و مهر المثل بدهد آیا غسل کند صحیح است یا باید بعد از بلوغ غسل کند؟

ج باسمه تعالی; باید

بعد از بلوغ غسل نماید.

س۸۷۵ دختر باکره بودن بدون اجازه پدر از راه متعه با کسی محرم شده به شرط حفظ بکارت و احتیاج به این محرمیت داشته آن جوان در غیاب پدر دختر، مخفیانه به منزل دختر آمده و از خوردنی و آشامیدنی استفاده کرده آمدن جوان جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; عقد صحیح است و چنانچه خانه مال پدر است در ورود به خانه و خوردن چیزی باید رضایت پدر احراز شود.

س۸۷۶ اجراء عقد دائم یا منقطع مثلا از فردا الخ چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و اتصال مدت، به عقد لازم نیست.

س۸۷۷ اگر زن و شوهر در ضمن عقد شرط کنند که مرد همسر دیگری اختیار نکند و یا این زن را طلاق ندهد اگر تخلف شرط نمود فلان مبلغ به طرف مقابل بپردازد این چه حکمی دارد؟ خلاف سنت و کتاب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مسأله را در فقه الصادق مفصلا نوشته ام و روایتی که توهم شده دال بر بطلان شرط می باشد مربوط به این مسئله نیست و ماحصل تحقیق حقیر این است که اگر شرط فعل یا ترک، کند; شرط صحیح و لازم است و اگر شرط کند که حق طلاق یا ازدواج دیگر نداشته باشد شرطی است باطل و خلاف کتاب و سنت می باشد.

س۸۷۸ مراسم ازدواج و عقد و عروسی در اسلام چگونه باید برقرار باشد که ممدوح و مطابق با شرع مقدس باشد؟

ج باسمه تعالی; بدون ساز و آواز و اختلاط زن و مرد باشد و مجلس را ساده برقرار کنند.

س۸۷۹ با توجه به این که سنگین

بودن مهریه باعث ناموفق بودن ازدواج و به فساد کشیدن دختران و پسران شده آیا شرع مقدس اسلام در این باره دستور تعیین مهریه را صادر نکرده است تا جلوگیری از فساد بشود؟

ج باسمه تعالی; شارع مقدس، مهر السنه را تعیین فرموده و هرچه کمتر باشد، بهتر است.

س ۸۸۰ آیا خواندن عقد دختر باکره بدون اذن پدر و جد پدری برای دو نفر در یک روز صحیح است و کدام یکی اثر دارد و یا هر دو باطل است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه دختر اذن داده باشد عقد اول صحیح است.

س ۸۸۱ اگر دختری با جوانی ازدواج نماید که معتاد به تریاک و سیگار و مشروبات الکلی باشد چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; ازدواج نمودن با چنین شخصی که می دانسته چنین است کاشف از عدم رشد است.

س ۸۸۲ خانم بنده حرف مرا قبول نمی کند و بدون اجازه من به بیرون می رود آیا نماز واجب و مستحب ایشان مقبول می شود در حالی که حرف شوهر خود را قبول نمی کند؟

ج باسمه تعالی; قبول نکردن حرف شوهر و بیرون رفتن بدون اجازه او حرام و معصیت است، ولی نمازش صحیح است.

س ۸۸۳ دختر باکره را می شود با اذن خودش بدون اطلاع پدر متعه کرد یا نه؟ و به عبارت دیگر آیا در متعه هم مثل عقد دائم اذن پدر شرط نیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه رشیده باشد; اذن پدر در ازدواج دائم و متعه شرط نیست و رضایت خودش کافی است.

س ۸۸۴ اگر کسی به هیچ نحو قادر به ازدواج نباشد یعنی همیشه در امور زندگیش با شکست مواجه بوده و حتی قادر به

سبک ترین نوع ازدواج نباشد و ازدواج نکردن اختلالاتی در بدنش به وجود آورد که چه بسا منجر به افتادن در حرام باشد آیا می تواند به وسیله خوردن دارو با عمل جراحی رجولیت خود را از بین ببرد؟

ج باسمه تعالی; به کلی از بین بردن آن اشکال دارد ولی به صورت موقت می تواند از قندهائی که کافور در آنهاست بخورد تا مدتی راحت شود که در آن صورت اشکال ندارد.

س۸۸۵ جهیزیه ای که پدر به فرزند می دهد آیا مالك او می شود یا فقط جواز تصرف در آن ها را دارد؟

ج باسمه تعالی; شاید بلاد، مختلف باشد در این اقطار، ظاهراً که تملیک است.

س۸۸۶ در پرونده اختلاف زن و شوهر قاضی تحقیق از زوج پرسیده اقدام به ازدواج کرده اید؟ زوج گفته بلی اقدام کرده ام زوج منکر ازدواج مجدد هست و می گوید کلمه اقدام به ازدواج را هم جهت ترغیب و تشویق همسرم گفته ام که به خانه برگردد. آیا از نظر شرعی جمله اقدام به ازدواج، اقرار به ازدواج می باشد یا نه؟ و حکم ازدواج مجدد به کلمه اقدام به ازدواج جاری می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه جمله اقدام به ازدواج کرده ام; مجرد از قرائن باشد; اقرار به ازدواج نیست و نمی شود آثار شرعی و قانونی ازدواج را به آن مترتب نمود.

س۸۸۷ در چه مواردی نفقه ساقط می شود منظور از تمکین، تمکین خاص است یا انجام وظائف زوجیت از قبیل حسن معاشرت، معاضدت با یکدیگر در تشیید مبانی خانواده، احترام نظر شوهر و... را نیز شامل می شود و آیا

مواردی که با وجود رابطه زوجیت نزدیکی با زوجه حرام است نیز نفقه واجب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در موردی که زن از استمتاع با عدم مانع عقلی و یا شرعی تمکین ننماید نفقه ساقط می شود و این به شرطی است که تمکین واجب باشد. پس اگر زن از وطی دبر ولو جایز باشد تمکین نکند; نفقه ساقط نمی شود و نیز انجام ندادن وظایف غیر زناشویی موجب سقوط نفقه نمی شود و به طریق اولی، اگر در موردی که نزدیکی با زوجه حرام است; زن تمکین ننمود; نفقه ساقط نمی شود.

س۸۸۸ شخصی دو یا سه سال پیش قبل از فوت خانه مسکونی خود را طی نامه ای به نسبت یکدانگ برای همسر، دو دانگ برای یک دختر و سه دانگ برای پسر خود، اقرار به فروش و دریافت وجه کرده است. نامبرده پس از مرگ نزدیک یک میلیون تومان وجه نقد داشته که از این مبلغ حدود ششصد هزار تومان آن را بدهکار بوده است. همچنین مبلغ یک و نیم میلیون تومان دیه فوت به این خانواده داده شده است و مهر همسر متوفی نیز یک میلیون و نیم تومان بوده است آیا پرداخت مهر همسر متوفی لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، لازم است. مهر مانند دیون دیگر بر ارث مقدم است اول باید مهر را بدهند اگر چیزی باقی ماند به ورثه بدهند.

س۸۸۹ شخصی ۴ زن دارد اولی یائسه است و اولاد ندارد، دومی دو اولاد دارد، سومی حامله است و چهارمی نامعلوم است اموال این شخص چطور باید تقسیم گردد؟ مهریه عیال های او چگونه

است؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که هر چهار زن عقد دائم باشند یک هشتم اموال مخصوص آن ها است و بقیه اموال برای حمل سهم دو پسر را کنار بگذارند تا اگر زنده متولد شد به او بدهند و اگر نه، آن مقدار هم بین وراث تقسیم می شود. بقیه اموال مال اولاد است للذکر مثل حظ الاثنین.

س ۸۹۰ آیا دختر رضاعی که با شرائط مربوطه از سینه زنی شیر می خورد به شوهر زن محرم می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، به همان شوهری محرم است؛ که از همسر او شیر به رضیع داده شده است.

س ۸۹۱ اخیراً مرسوم است که با اعمال جراحی کوچک لوله های جنسی مرد یا زن را می بندند و به صورت موقت عقیم می شوند و بعداً در صورت خواستن، لوله ها را باز می کنند آیا جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ با رضایت زن و شوهر مانعی ندارد.

س ۸۹۲ زن و شوهری که دارای قرابت فامیلی بوده اند پس از مدت چندین سال زندگانی دارای فرزند نشده اند لذا پسر شیرخواری را به فرزندی قبول کرده اند و مادرشوهر را بر او عقد کردند چند سؤال پیش می آید؟

س ۱ آیا اگر این پسر را که به عقد و نکاح مادرشوهر درآورند این فرزند به همسر این شوهر که در واقع عروس خوانده این پسر خواهد شد محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهراً محرم نمی شود.

س ۲ آیا این پسر شیرخوار با مادر همسر محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ محرم نمی شود.

س ۳ آیا این پسر با دختر زوجه اش که

در واقع دختر خوانده او می شود محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، محرم است.

س ۴ آیا در صورت فوت زوجه پسر شیرخوار محرمیت ها باقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، باقی است.

س۸۹۳ آیا جایز است داستان عقد و ازدواج حضرت قاسم بن حسن در واقعه کربلا را نقل کنیم و آیا این جریان صحت دارد؟

ج باسمه تعالی; بسیار بعید است و بنده سند معتبری برای آن ندیدم.

س۸۹۴ اگر کسی زنش بمیرد و با زن دیگری ازدواج کند آیا داماد و نوه های زن اول به زن دوم محرم هستند یا نه؟ همچنین زن انسان به ناپدری هم محرم است یا نه؟ اولادش چطور؟

ج باسمه تعالی; داماد به او محرم نیست; ولی نوه ها محرم اند و زن به ناپدری محرم نیست; ولی اولاد محرم اند.

س۸۹۵ اولاد خواهر و برادر هرچه پایین روند آیا به انسان محرم هستند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی محرم اند.

س۸۹۶ اگر کسی زنش بمیرد و مادر زنش هم با مرد دیگری ازدواج کند و شخص مذکور نیز زن دیگری اختیار کند آیا باز هم مادرزن محرم است یا نه در صورت طلاق دادن زن چطور و همچنین اگر پسر کسی بمیرد و عروس آن شخص با شخص دیگری ازدواج کند یا پسرش زنش را که عروس شخص مزبور می باشد طلاق بدهد و عروس با شخص دیگری ازدواج بکند یا نکند آیا باز هم عروس به پدرشوهر قبلی محرم هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; در هر دو مورد در جمیع صور محرم اند.

س۸۹۷ وطی دبر چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بدون

رضایت زن جایز نیست و با رضایت او، مکروه است همچنین در حال حیض، کراهت شدید دارد. امام معصوم(علیه السلام) در این باره می فرماید: کار خوبی نیست و ما چنین عملی را انجام نخواهیم داد.

س۸۹۸ اگر بین جملات عقد ازدواج عاقد حرف بزند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; به مقداری که به اتصال ضرر نرساند اشکال ندارد.

س۸۹۹ اگر پدر و پسر با دو خواهر ازدواج کنند یا پدر قبلا و پسر بعداً ازدواج بکنند آیا چنین ازدواجی بلامانع است یا نه؟

ج باسمه تعالی; به هر نحو که ازدواج انجام شود، بلامانع است.

س۹۰۰ بنابر عقیده بعضی دختر قبل از ۱۳ سالگی بالغ نمی شود آیا دلیلی بر این مطلب وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; حرفی است غیرصحیح، یک روایت بر آن دلالت دارد; ولی چند روایت معتبر برخلاف آن وجود دارد.

س۹۰۱ آیا زن در عده وفات حق نفقه دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که حامله نباشد، نفقه ندارد و اگر حامله باشد از مال بچه اش به او نفقه می دهند.

س۹۰۲ چنانچه مهریه زنی را سفر حج قرار بدهند و قبل از رفتن به حج زن فوت نماید آیا ورثه حق مطالبه را دارند یا نه؟ بر فرض ثبوت حق چند سؤال می شود.

ج باسمه تعالی; لابد قیمت سفر حج که مهر قرار داده شده است معلوم است و اگر خانم فوت شده باشد در استیفاء حق کوتاهی نکرده است و قهراً ضامن قیمت مهریه که مالکیت دارد مرد می باشد و آن دین مثل سایر اموال به ورثه می رسد و اگر قیمت آن معلوم نباشد; مشهور بین

فقهاء آن است که مهریه به مهرالمثل مبدل می شود و باز همین حکم جاری است.

س۱ در صورت مطالبه ورثه، نحوه تقسیم سفر حج بین ورثه چطور خواهد شد اگر شوهر راضی به پرداخت به قیمت نشد؟

ج باسمه تعالی؛ شوهر باید قیمت آن را بدهد و رضایت او شرط نیست.

س۲ در صورت اختلاف نظر فقهاء در مسئله فوق چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی؛ باید نظر مرجع تقلید شوهر رعایت بشود و احتیاطاً مصالحه هم بشود و چنانچه مصالحه نشد و تزاحم حقوق پیش آمد به قاعده عدل و انصاف مراجعه شود.

س۳ در صورت لزوم پرداخت، قیمت روز و یا قیمت زمان قرار مهریه محاسبه می شود؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت اختلاف قیمت، فقهاء فرموده اند مهرالمثل میزان است. بنابر این مهرالمثل همان زمان عقد میزان است.

س۴ در فرض مذکور اگر شوهر مهریه خانم را در بودن خودش به سفر حج قرار بدهد اکنون موضوع منتفی شده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه شوهر کوتاهی نموده، ضامن قیمت آن در هنگام موت است.

س۵ در مسئله فوق اگر مرد فوت کند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ حکم سایر دیون را دارد.

س۹۰۳ آقایی بچه دار نمی شده است و حالا یک دختر بچه ۴۰ روزه گرفته اند این دختر از طریق شیردادن به فامیل شوهر این خانم محرم شده ولی به فامیل دختر (یعنی مادرخوانده) محرم نیست اگر این دختر بچه را صیغه پدر این مادر خوانده شود آیا به دایی هایش محرم می شود (یعنی به برادرهای این مادر خوانده) یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، محرم می شود.

س۹۰۴ آیا پسری که

قصـد ازدواج دارد امـا شـرایط ازدواج از نظر مالی یا خانوادگی، هنوز مهیا برایش نیست; می توانـد به دختری که مورد نظرش است نظرش را جهت ازدواج با او اعلام بدارد و نیز در این مدت که شرایط ازدواج برایش مقدور نیست جهت آشنایی بیشتر با او رابطه پنهانی برقرار نماید؟

ج باسـمه تعالی; اعلام نظر ازدواج به او، هیـچ اشـکالی ندارد ولی روابط پنهانی به معنی اسـتمتاع و... جایز نیست; مگر آن که دختر بالغه و رشیده باشد که در آن صورت با عقد موقت، بی اشکال است.

س۹۰۵ پسـری که به قصد ازدواج به خواسـتگاری دختری رفته است آیا می تواند از نظر شرع مقدس اسلام به بدن دختر بدون واسـطه نگاه بکند تا اگر عیب و ایرادی نداشت یا پسـندید با او ازدواج نماید؟ در صورت جایز بودن با ذکر حدود نگاه را بیان نمایید؟

ج باسـمه تعالی; در فرضـی که بنای ازدواج دارد می توانـد به تمام بـدن او عاریا (بدون هیچ پوششـی) نگاه کند و مدرک آن روایات است.

س۹۰۶ اگر با زنی عقـد کنـد که در داخل بدن، مریضـی داشـته و ایشان نمی دانست و بعد از ازدواج فهمید آیا مداوای زن به عهده مرد است؟

ج باسمه تعالی; خیر، به عهده مرد نیست.

س۹۰۷ جهازیه ای که دختر به خانه شوهر می برد از شوهر قبض رسید گرفتن لزومی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; لزومی ندارد.

س۹۰۸ بدهی زن مانند کفاره روزه و کفاره حج و عمره بر شوهر واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; واجب نیست.

س۹۰۹ در غیر موارد نشوز موارد لزوم اطاعت از شوهر را بیان

فرمایید؟

ج باسمه تعالی; زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود یا مسافرت کند برای زناشویی باید فرمان شوهر را اطاعت کند همچنین بدون اذن او نذر ننماید و هکذا...

س۹۱۰ اگر مهریه ۱۰۰۰ عدد سکه بهار آزادی باشد طرف قدرت پرداخت نخواهد داشت می گویند که مهریه چه کسی گرفته و چه کسی داده آیا عقد صحیح است؟ و آیا دختر مستطیع می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عقد صحیح است و دختر خانم در صورتی که بتواند مهر را به مقدار سفر حج از شوهر بگیرد مستطیع می شود و اگر شوهر قدرت ندارد; زن در تأخیر حج معذور است.

س۹۱۱ زنی در حال حیض به عقد مردی در می آید و با آن حال با شوهر همبستر می شود و زن به شوهر نگفته آیا در عقد اشکالی پیش می آید و کفاره برای زن هست یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عقد صحیح است و حکم کفاره در رساله توضیح المسائل توضیح داده شده است. به هر حال بر زن کفاره نیست.

عقد موقت

س۹۱۲ زنی به عقد موقت پسر شخصی در می آید بعد از اتمام مدت به پدر پسر صیغه می شود و بعد از اتمام مدت می خواهد به عقد دائم پسر در بیاید می تواند یا خیر؟ و عقد آن با پدر پسر صحیح بوده است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عقد آن دختر بر پدر باطل است ولی عقد اولی و دومی برای پسر صحیح است.

س۹۱۳ اگر کسی با زنی به عقد موقت ازدواج کند و قبل از اتمام مدت عقد بخواهد دائمی کند آیا بذل مدت

باقی مانده لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست. ولی چنانچه مدت را ببخشد; بهتر است.

س۹۱۴ با توجه به این که روز به روز فاصله بین بلوغ جنسی و سن ازدواج رو به افزایش است و به دلایل و مشکلات متعدد، جوانان از ازدواج خودداری می نمایند این مسئله باعث شده روابط نامشروع دختران و پسران از مشکلات اصلی جامعه و جوانان به حساب آید و این عمل علاوه بر حرمت شرعی گاهاً آثار و تبعات اجتماعی و روانی نیز به دنبال دارد آیا دعوت دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع هستند و بر ادامه آن اصرار می ورزند با حفظ میزان رابطه، به ازدواج غیر دائم با اذن و یا بدون اذن ولی صحیح است؟ آیا این عمل خروج از حرام به حلال است که در برخی روایات به آن اشاره شده است؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال عقد موقت حتی بدون اذن ولی، صحیح است. ولی باید شرایط رعایت شود مثلا اگر دو نفر ازدواج نمودند و دخول انجام شده، پس از جدایی باید دختر عده نگه دارد و پس از انقضای عده با جوان دیگری ازدواج کند و نیز بر دختر لازم است آبروی خود و فامیلش را ملاحظه کند. با تمام این ملاحظات عملی بسیار خوب و مستحسن است.

س۹۱۵ متعه فی نفسها مباح است یا مستحب؟

ج باسمه تعالی; مستحب است.

س۹۱۶ آیا اجازه ولی را در عقد موقت دختران بالغ شرط می دانید؟

ج باسمه تعالی; اجازه ولی در عقد موقت و دائم دختران بالغ و رشید شرط نیست و عقد بدون اذن ولی صحیح است.

س۹۱۷ در

مورد صیغه لطفاً بفرمایید با چه کسانی می توان صیغه موقت را جاری کرد؟

ج باسمه تعالی; صیغه نمودن دختری که می توان با او عقد دائم اجراء نمود جایز است و شرط مخصوصی ندارد. ولی بعد از یک مرتبه صیغه شدن با مقاربت، باید برای مرتبه بعد عده نگه دارد. بنابراین در یک شب یک دختر در صورتی که دخول شود نمی تواند با دو پسر صیغه شود و چنانچه دخول در کار نباشد و فقط استمتاعات دیگر باشد; عده ندارد والله العالم.

س۹۱۸ در خصوص ازدواج مجدد با زنی که عقد موقت بوده و هنوز عده او تمام نشده آیا با شوهر قبلی می تواند ازدواج کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند ازدواج نماید.

س۹۱۹ خواهشمندم بیان فرمایید در چه موارد شرط جزایی، صحیح و موجب صحت فعل مشروط می شود و در چه مواردی باطل است؟

ج باسمه تعالی; هر شرطی که خلاف کتاب و سنت نباشد و در ضمن عقد باشد; صحیح است و در شرط جزایی و غیره فرقی ندارد.

س۹۲۰ آیا می توان دختر بالغ یا نابالغ را به عقد موقت پسر نابالغ در آورد؟

ج باسمه تعالی; پدر در صورتی که مصلحتی در صیغه باشد می تواند ولی غیر او نمی تواند; مگر در صورتی که ضرورت شدیدی باشد همچنین در صورت آشنا نبودن پدر حاکم شرع می تواند.

س۹۲۱ بعضی از مراجع ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز می دانند به نظر شما آیا جایز است یا نه؟ اگر زن مشرک باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; ازدواج موقت و دائمِ مرد با زنِ اهل کتاب مانعی ندارد

ولی با مشرک جایز نیست.

زنا

س۹۲۲ اگر دوشیزه (باکره) به خانه مردی که فاقد شرایط احصان باشد برود و چندین ساعت در آن جا بماند و به قرار طرفین وطی به دبر صورت گرفته باشد آیا صرف ادعای دختر که همچنان دوشیزه است به این که وطی به عنف بوده (احتمالاً به دلیل وجود مسایل خانوادگی و اجتماعی) بدون این که وطی به عنف توسط پزشک تأیید شده باشد یا شاهدی بر این مدعا وجود داشته باشد و یا مرد اقرار شرعی وطی به عنف نموده باشد آیا ادعای چنین دوشیزه زنای به عنف را اثبات می نماید یا خیر، و آیا علم قاضی در این مورد بدون ادله شرعیه می تواند زنای به عنف را که موجب قتل زانی است اثبات کند؟

ج باسمه تعالی؛ ادعای عنف و اکراه، با احتمال درست گفتن موجب سقوط حد از آن دوشیزه می شود ولی اثبات آن درحق مرد احتیاج به دلیل دارد، اگر مرد اقرار نکند حد زنای با عنف بر او اجرا نمی شود؛ ولی با علم قاضی زنای به عنف ثابت می شود.

س۹۲۳ اگر در مسئله فوق تعداد دوشیزگان که به آن ها وطی صورت گرفته بیش از یک نفر یا بیست نفر باشد و وطی به طور جداگانه و در زمان های متفاوت صورت گرفته باشد آیا تعدد دوشیزگان در حکم زنای به عنف به شرح مسئله اول تأثیری دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ تأثیر ندارد مگر آن که بعد از وطی اجرای حد شود و در مرتبه چهارم او را می کشند. البته این حکم مربوط به عنف نیست. در عنف

بین یک دوشیزه و بیست نفر فرقی نیست.

س۹۲۴ چنانچه مرد از دوشیزگان فوق، قبل از یا بعد از زنا در فرض تحقق، عکس بدون حجاب ولی با لباس نسبتاً پوشیده و یا مواردی ندرتاً نیمه عریان تهیه کند که (حسب الاظهار) استفاده از عکس ها رضایت دوشیزگان را می رساند آیا صرف احتمال استفاده از این عکس ها، به ضرر حیثیت اجتماعی آن ها می تواند دلیلی بر اکراهی بودن وطی های احتمالی قبل و یا بعد از گرفتن عکس ها باشد؟

ج باسمه تعالی; اکراهی بودن با این امور اثبات نمی شود; ولی برای سقوط حد نسبت به دوشیزگان ادعای آنها با احتمال اکراه کافی است. بنابر این حد قتل بر زانی نیست و بر دوشیزه ها نیز مطلقاً حد اجراء نمی شود.

س۹۲۵ اگر اعمال فوق را دو نقر با این تعداد از دوشیزگان منفرداً یا مجتمعاً در حضور هم یا عدم حضور و در زمان های متفاوت انجام داده باشند. آیا مورد فساد روی زمین تلقی می شود؟

ج باسمه تعالی; در شرع مراد از فساد فی الأرض غیر از این امور است، در این مورد فساد در روی زمین تلقی نمی شود.

س۹۲۶ تحقق زنای به عنف چیست؟

ج باسمه تعالی; عنف به معنای اکراه است، و در تحقق آن امور زیر معتبر است:

۱ شخصی او را مجبور به زنا بنماید، یعنی چنانچه برای رضایت خاطر او که عاشق او است تن به زنا دهد، اکراه صدق نمی کند.

۲ آن که باید شخصی که اکراه می کند; او را از نظر مالی یا جانی یا حیثیتی بترساند و در صورت

عدم تسلیم به او خسارت بزند و اگر وعده پولی یا مقامی بدهد بر این عمل، اکراه صدق نمی کند.

۳ ضروری که با آن او را می ترساند مورد حق او نباشد مثلا از آن دوشیزه پول طلب دارد و بگوید اگر حاضر به زنا نشوی آن پول را مطالبه می نمایم.

۴ آن که عنف، به خود عمل باشد.

س۹۲۷ آیا در زنای به محارم فقط حد کشتن است؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که زنای به محارم نسبی مانند مادر، خواهر، عمه و خاله و مانند آن ها باشد حد آن کشتن است و اگر محرمات رضاعی باشند حد آن کشتن نیست و اگر محرمات سببی باشد در خصوص مادرزن حد آن کشتن است و در غیر این مورد مانند دختر زن حد او کشتن نیست.

س۹۲۸ انکار بعد از اقرار چگونه است و در چه مواردی در مورد زنا مسموع است؟

ج باسمه تعالی; اگر اقرار به زنای موجب کشتن بنماید و بعد انکار کند; حد ساقط می شود ولی اگر اقرار به چیزی کند که حد آن تازیانه زدن است; حد ساقط نمی شود.

س۹۲۹ در زنای به عنف بیش تر جنبه حق الله بودن مطرح است یا حق الناس بودن آن، چنانچه در فرض زنای به عنف شاکیان گذشت نمایند آیا باز اشد مجازات را باید اعمال نمود و یا این گذشت می تواند موجب تخفیف مجازات در جرایم باشد؟

ج باسمه تعالی; حق الله است و با گذشت آنان تخفیف محقق نمی شود.

س۹۳۰ کسی با زنی زنا کرده است بعداً با دختر مزنی بها ازدواج کرده و دارای اولاد

می باشد احکام اولاد در صورت جهل به حکم و موضوع و در صورت علم به موضوع و حکم چیست؟

ج باسمه تعالی; عقد در جمیع صور صحیح است و اولاد حلال زاده اند.

س۹۳۱ بنده شوهری داشتم که به علت اعتیاد در زندان به سر می برد خودم را به عقد و صیغه مرد دیگری درآوردم و با او نزدیکی کردم با این حال که می دانستم این کار حرام است، بعد از این که از شوهرم طلاق گرفتم با آن شخص که نزدیکی کردم رسماً عقد نمودم آیا این عقد صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مردی در وقت شوهر داشت زنی او را صیغه کند و می دانسته که این زن شوهر دارد این زن بر او حرام ابدی است و راهی برای ادامه زندگی زناشویی نیست. بلی، چنانچه نمی دانسته; عقد دومی که رسمی است و بعد از عده بوده است; صحیح است.

س۹۳۲ فقهاء می فرمایند زنا با زن شوهردار موجب حرمت ابدی است آیا اگر فرزند به دنیا بیاید حلال زاده است و ارث و محرمیت می آورد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; حرام ابدی می شود و چنانچه بداند که زنا با زن شوهردار موجب حرمت می شود در این صورت بچه حرام زاده است و ارث نمی برد و اگر بداند و به خیال خودشان عقد بعد از جدا شدن از شوهر اول، موجب حلیت می شود بچه حلال زاده است و ارث می برد. در غیر این دو صورت ارث نمی برد و حرام زاده است.

س۹۳۳ آیا زنا حق الله است و یا حق الناس محسوب می باشد

لطفاً بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مراد از حق الله تکالیف شرعی محض است اما حق الناس تکلیفی است که برای رعایت حال دیگران، چه مالی یا عرضی جعل می شود. بنابر این زنا حق الله است و اگر اکراه باشد که زنی را مجبور کند و بدون رضایت او باشد; حق الناس نیز می باشد.

س۹۳۴ اگر کسی دسترسی به زنش نداشت (دوری محل و...) و زنا کرد آیا محصن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر محصن نیست.

س۹۳۵ اشخاص به علت قطع نخاع و یا علل دیگر قادر به نزدیکی با همسر نیستند زوجه مرتکب زنا شود محصنه است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; محصنه نیست.

طلاق

س۹۳۶ اگر زوج صغیر باشد و زوجه در عسر و حرج ناشی از ازدواج، حاکم حق اجبار ولی به طلاق را دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۹۳۷ طلاق ناشی از اکراه یا فضولی غیر، نافذ است یا باطل؟

ج باسمه تعالی; غیر نافذ.

س۹۳۸ زنی هستم که شوهرم در افغانستان به لشکر طالبان پیوسته و برای من مکرر نامه نوشته است که تو به افغانستان بیا تا تو را پیش طالبان برده و طلاقت را بدهم و چون رفتن من به آنجا خطرات جانی دارد و ثانیاً بودن من در اینجا بدون سرپرست مشکل می باشد آیا می توانم اینجا طلاق بگیرم؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نفقه نمی دهد و کسی نیست که از طرف او نفقه بدهد; حاکم شرع می تواند طلاق بدهد.

س۹۳۹ در صورت مثبت بودن جواب سؤال بالا نوع طلاق را بنویسید؟

ج باسمه تعالی; مانند سایر موارد است و نوع خاصی ندارد.

س۹۴۰ چون این جدایی مدت

چند سال است که اتفاق افتاده آیا باید عده بگیرم یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه یائسه نشده اید; باید عده نگه دارید.

لواط

س۹۴۱ آیا در اجراء حد لاطی که قتل است احصان شرط است یا نه؟

ج باسمه تعالی; احصان شرط نیست; محصن و غیر محصن فرق ندارند.

س۹۴۲ آیا می توان شخصی که به اتهام لواط محکوم به قتل شده با چوبه دار یا اسلحه گرم اعدام نمود؟

ج باسمه تعالی; در صورت ایجاب مصلحت، مانعی ندارد.

س۹۴۳ مادر و خواهر پسری که لواط داده آیا در صورتی که بالغ باشد حرام می شوند یا نه؟

ج باسمه تعالی; حرام نمی شود زیرا در حکم به حرمت مادر و خواهر لواط دهنده; شرط است که لواط کننده بالغ باشد و لواط دهنده غیر بالغ باشد.

حجاب

س۹۴۴ پوشیدن کلاه لبه دار اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال دارد.

س۹۴۵ پوشیدن جوراب نازك و بدن نما برای خانم ها، در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورت دارد و بیرون گذاشتن موی سر از چادر و مقنعه توسط خانم ها در دید نامحرمان چگونه است؟

ج باسمه تعالی; حرام است و باید جلوگیری نمود.

س۹۴۶ آرایش زنان در خیابان ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباس های محرك چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است و باید نهی کرد. خداوند متعال جوانان ما را از شر این زن ها نگاه دارد.

س۹۴۷ حد حجاب خانم ها در نماز و غیر آن را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در نماز بر خانم ها لازم است که موها و تمام بدن، مگر دست ها تا مچ و پاها تا ساق را بپوشانند و همچنین پوشاندن ظاهر تمام صورت و باطن آن مانند دندان ها لازم نیست

و فرقی نیست بین آن که نامحرم باشد یا نباشد. اما در غیر نماز باید خانم ها از نامحرم بالغ بدن و موی خود را بپوشانند ولی پوشاندن صورت و دست ها تا مچ لازم نیست.

س۹۴۸ حد گفت و گوی مجاز نامحرمان را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; حد گفت و گوی نامحرمان عبارت است از آنچه منجر به فساد و خلاف شرع نشود و قبل از آن مطلقاً جایز است.

س۹۴۹ آیا دیده شدن کف پا در حالت سجده اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; دیده شدن کف پا در حالت سجده اشکال ندارد.

س۹۵۰ گفت و گوی دانشجویان دختر و پسر در مورد مسائل درسی و رفع اشکال آن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است و اشکال ندارد.

س۹۵۱ گفت و گوی تلفنی با نامحرم در چه مواردی جایز است؟

ج باسمه تعالی; در همه موارد.

س۹۵۲ یکی از مشکلات تحصیل برای دختران در کشورهای غیر اسلامی حضور با حجاب اسلامی در کلاس درس می باشد به خصوص در بعضی از دروس عملی همچون تربیت بدنی که گذراندن دوره آن برای تمامی محصلین لازم می باشد باید با لباس ورزشی و بدون رعایت حجاب و در جمع هم کلاسی های مرد صورت گیرد باتوجه به ضروری بودن تحصیل برای دختر مذکور به خصوص در جهت امرار معاش و با علم به این که هیچ گونه فساد از این بی حجابی حاصل نمی شود ممکن است که بدون حجاب اسلامی در کلاس های درس حاضر شود؟

ج باسمه تعالی; در فرض سؤال، عدم رعایت حجاب اسلامی، جایز نیست.

س۹۵۳ نظر حضرت عالی درباره نگاه کردن طلبه ها به

تلویزیون چیست؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به زنان مسلمان بی حجاب یا بد حجاب در تلویزیون حرام است، هم چنین گوش دادن به موسیقی و آلات لهوی که نواخته می شود حرام است، اما بقیه اش اشکال ندارد و فرقی بین طلبه و غیر طلبه نیست.

س۹۵۴ نظر حضرت عالی درباره سینه زدن به صورت لخت (برهنه) چیست و برای طلبه ها چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; سینه زدن به هر نحو خوب است و اشکال ندارد. ولی خانم ها نمی توانند به بدن لخت طلبه و غیر طلبه نگاه کنند.

س۹۵۵ پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چگونه است؟ و آیا نسبت به افراد جوان و مسن تفاوتی هست؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان جوان و مسن جایز است و نگاه کردن زن ها به دستان لخت مردان تا ذراع، اگر به قصد ریبه نباشد; اشکال ندارد.

س۹۵۶ پوشیدن لباس زنانه توسط مردان و بالعکس، در مجامع عمومی و نیز در موارد خاصی مثل تعزیه و نمایش چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس زنانه توسط مرد و بالعکس، در مجامع عمومی و غیر آن ها مطلقاً جایز است خصوصاً، در مورد تعزیه و شبیه.

س۹۵۷ نظر شما درباره پوشیدن لباس هایی که عکس های مبتذل و یا علامات غربی دارند چیست آیا پوشیدن این گونه لباس ها اشکالی ندارد؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس فی نفسه، حرام نیست ولی در صورتی جایز نیست که عنوانی ثانوی بر آن مترتب شود که حرام باشد مانند اشاعه فحشاء، تقویت کفر و بی دینی.

س۹۵۸ امروز یک حرکت خزنده ای علیه چادر که یک

حجاب ملی و سنتی است آغاز گردیده است، خواهشمند است نظر مبارک را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; کسانی که این حرکت را ایجاد کرده اند یا تأیید می کنند یقیناً نظر اصلاحی ندارند و این گونه حرکات مقدمه مخالفت با حجاب شرعی است که نظیرش را در زمان رضاخان دیده ایم. خداوند شر این افراد را از سر مسلمانان رفع نماید.

س۹۵۹ اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباس هایی از آن ها مد شده است که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد نظر به این که پوشیدن این لباس ها و خود این گونه آرایش کردن، عرفاً از مصادیق تشبه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج باسمه تعالی; با وضع زمان ما که کفار و مسلمانان، در لباس مانند یکدیگرند این گونه تشبه اشکال ندارد; ولی فی نفسه کار خوبی نیست.

س۹۶۰ آیا پوشیدن مانتو که امروز مد شده حجاب اسلامی حساب می شود یا چادر لازم است که تمام بدن پوشیده شود؟

ج باسمه تعالی; مانتو چنانچه گشاد باشد و تمام بدن را بپوشاند تا پستی و بلندی بدن پیدا نشود; کافی است.

س۹۶۱ زنی موی سرش بیرون و معلوم باشد آیا می توان به این مقدار موی زن نگاه کرد؟ مخصوصاً هنگامی که فامیل باشد؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی شود، فامیل و غیر فامیل فرق ندارد.

س۹۶۲ آیا پوشیدن صورت و دست های زنان واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; نپوشاندن صورت و دست تا مچ در صورتی که مهیج نباشد جایز است.

س۹۶۳ سوار شدن زن بر موتور یا دوچرخه که مهیج شهوت

دیگران بشود چه صورت دارد آیا این افعال از علائم ظهور است؟

ج باسمه تعالی؛ زن مسلمان چنین کاری با فرض این که مهیج شهوت باشد؛ نمی کند و نباید بکند و انشاءالله تعالی ظهور آن بزرگوار نزدیک باشد.

(ت) س۹۶۴ آیا پوشیدن مانتو اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی؛ خیر.

س۹۶۵ در مورد حجاب خانم ها وجه و کفین را توضیح دهید؟

ج باسمه تعالی؛ خانمی که خیلی زیبا نباشد و زینت هم نکند و لباس مناسب بپوشد اگر گردی صورت را نپوشاند و از مچ دست تا انگشتان را نپوشاند؛ اشکال ندارد.

س۹۶۶ اگر خانمی به خاطر شوهرش مجبور شد در خارج از ایران زندگی کند حجاب او به غیر از چادر چگونه باید باشد؟

ج باسمه تعالی؛ کافی است لباسی باشد که تمام بدن را بپوشاند و گشاد باشد تا پستی و بلندی بدن معلوم نباشد و رنگ آن هم جلب توجه نکند ولی زن مسلمان چنانچه هویت اسلامی خود را حفظ کند و با چادر به مجامع برود؛ خیلی بهتر است و هیچ محذوری ندارد.

س۹۶۷ در عوض چادر مشکی که می گویند برای خانم ها مکروه است لباس های متنوع جایگزین چادر مشکی باشد، آیا چنین حرفی صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چادر مشکی برای خانم ها مکروه نیست؛ بلکه مستحسن است. ولی پوشش جدید در صورتی که مهیج جوان ها نباشد اشکال ندارد. هدف اصلی مستور بودن زن است به هر کیفیت که باشد.

س۹۶۸ مردان و زنان نامحرم در یک ماشین از روستا به شهر رفت و آمد دارند در اثر کثرت جمعیت بدن آن ها به همدیگر می خورد غیر از

آن هم راه دیگری برای رفت و آمد ندارند و بعضی ها کار ضروری در شهر دارند آیا رفت و آمد با این حال جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قصد لذت نباشد و بدن ها هم عریان نباشد; اشکالی ندارد.

س۹۶۹ اگر زوج با زوجه در ضمن نکاح شرط کند که پوشیه داشته باشد; لکن زوجه مقلد کسی است که ستر وجه را واجب نمی داند آیا شرط مقدم و لازم الوفاء است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی در صورتی که ذکر شده باشد باید پوشیه بزند.

س۹۷۰ آیا مخالطت زن ها با مردان و حرف زدن با آن ها حرام است؟ پس چرا امام حسین(علیه السلام) زن ها را همراه خود بردند؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست بلکه مقدس ترین و عالی مقام ترین زن عالم، حضرت زهرا(س) آن خطبه دشمن شکن را در مسجد خواند و خطبه حضرت زینب(س) در کوفه و شام بنی امیه را نابود کرد.

س۹۷۱ حجاب چه تعریفی دارد؟

ج باسمه تعالی; حجاب عبارت است از پوشاندن سر و بدن با لباس و چادر از نامحرم به گونه ای که پستی و بلندی بدن نمایان نباشد و البته بدون زینت و کارهای مهیج باشد.

س۹۷۲ برخی از مادران دختران خود را که به حد بلوغ نرسیده اند با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور نامحرمان می آورند وظیفه والدین چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موجب هیجان و تحریک جوانان و یا ترویج بی بند و باری و فساد شود حرام است.

س۹۷۳ حدود حجاب اسلامی برای بانوان چه مقدار است و چه مقدار باید خود

را مستور و بدن را بپوشاند؟

ج باسمه تعالی; حد حجاب اسلامی، مستور بودن بدن و موی زن است و بقیه خصوصیات در رساله عملیه آمده است.

س۹۷۴ آیا حجاب از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنائی کنند چیست؟

ج باسمه تعالی; بلی، از ضروریات دین است و بی اعتنائی یعنی حجاب شرعی را رعایت ننمودن، موجب فسق است.

سخنرانی زن

س۹۷۵ سخنرانی برخی خانم ها برای تبلیغات در زمان انتخابات یا غیره چه صورت دارد اگر مردان صدای آن زن را بفهمند و بعضاً باعث تحریک جوانان شود چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; سخنرانی فی نفسه جایز است و شنیدن مرد نامحرم اشکال ندارد. ولی چنانچه خود سخنرانی و یا چیزی که تؤام با آن است; موجب تحریک قوه شهوانی شود جایز نیست.

تشبه به کفار

س۹۷۶ تشبه به کفار یعنی چه آیا در این زمان که مسلمانان قدرت پیدا کرده اند می شود از این قاعده استفاده کرد؟

ج باسمه تعالی; تشبه به کفار مصداقش پوشیدن لباسی است که مختص به کافر بما هو کافر است و تصور می کنیم در این زمان مصداق ندارد یا کاری که از مختصات کافر است انجام دهد که شاید تراشیدن ریش، در زمان سابق از این امور بوده است و فعلا نیست. به هر حال قوه مسلمین و ضعف آنان در این حکم، مدخلیت ندارد. نظیر این مسئله که البته مربوط به آن نیست این است که در روایات از پوشیدن لباس سیاه مگر در مواردی نهی شده و سرّ آن این است که بنی العباس که دولت های فاسد و باطل بوده اند لباس سیاه شعار خود قرار داده بودند را و هر کسی می پوشید معلوم بود که از محبین آنان است و چون حالا موضوع از بین رفته است، پوشیدن لباس سیاه به نظر من کراهت ندارد.

س۹۷۷ اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباس هایی از آن ها مد شده است که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد

نظر به این که پوشیدن این لباس ها خود این گونه آرایش کردن، عرفاً از مصادیق تشبه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج باسمه تعالی; با وضع زمان که کفار و مسلمانان در لباس مانند یکدیگرند; این گونه تشبه اشکال ندارد ولی فی نفسه کار خوبی نیست.

س۹۷۸ استفاده از کراوات در محافل و مجالس داخل کشور و خارج از کشور چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; استفاده از کراوات فی نفسه جایز است ولی چنانچه مجتهد عادلی به مصالح و عناوین ثانویه نهی کند باید متابعت نمایند.

س۹۷۹ پوشیدن لباس و آرایش به نحوی که شبیه یکی از گروه های منحرف غیر مسلمان باشد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; تشبه در لباس به گروه منحرف بی اشکال است مگر در صورتی که پوشیدن لباس سبب تقویت آنان و تضعیف مسلمانان گردد که فرضی است بسیار بعید به هر حال حکم الله جواز است.

س۹۸۰ تشبث به کفار یعنی چه؟ آیا باری معروف فوتبال از موارد آن می باشد که در سنن مؤمنین سابق نبوده است؟

ج باسمه تعالی; مراد از تشبث را نفهمیدم; شاید اشتباه لفظی باشد و مراد تشبه باشد به هر حال شامل لعب به فوتبال نمی شود.

ریش تراشی

س۹۸۱ ریش تراشیدن چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; ریش تراشیدن حرام است.

س۹۸۲ نظرتان را در مورد تراشیدن صورت به استثناء چانه که در عرف جامعه به ریش پرفسوری معروف است بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۹۸۳ اگر شغل کسی آرایشگری باشد، تیغ انداختن به صورت مشتریان توسط آرایشگر چه حکمی دارد؟ درآمد حاصل از آن حلال است یا حرام؟

ج

باسمه تعالی; ریش تراشیدن حرام است و اجرت آن نیز حرام است.

س۹۸۴ نظر مبارک را در مورد کوتاه کردن ریش با ماشین یا وسیله دیگری به نحوی که مثل تراشیدن باشد مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; ماشین کردن صورت و کوتاه کردن مثل تراشیدن حرام است; ولی کوتاه کردن تا حدی که صدق ریش بکند جایز است.

س۹۸۵ اگر در بعضی موارد که انسان به خاطر اذیت و آزار دشمنان دین و مذهب، از باب تقیه ریش را بتراشد جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه واقعاً در مضیقه قرار گرفته باشد و خطراتی متوجه او شود; مانعی ندارد. ولی مجرد استهزاء و امثال آن، مجوز تراشیدن ریش نمی شود.

س۹۸۶ کسانی هستند که ریش را تمام نمی گذارند و قسمتی از آن را با ماشین یا تیغ می تراشند آیا مقدار تراشیده شده فعل حرام است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، حرام است.

س۹۸۷ تراشیدن موی سر و صورت دیگری با تیغ دیه دارد یا خیر؟ و فرقی بین زن و مرد می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در تراشیدن لحیه مرد با زور و به عنوان جنایت، در صورتی که ریش بعد از آن نروید; دیه ثابت است و اگر بروید ثلث دیه است و مقدار دیه تراشیدن سر مرد منوط به نظر حاکم شرع است و اما تراشیدن سر زن، چنانچه نروید دیه کامل ثابت است و اگر بروید مهر المثل دیه آن است و تراشیدن لحیه زن چیز منصوصی ندارد.

س۹۸۸ اگر عده ای از پزشکان حاذق و متخصصین با توجه به تحقیقات همه جانبه اعلام کنند که زدن ریش با تیغ یا

ماشین از نظر بهداشتی مضر نیست بلکه مفید است آیا در این صورت وجهی برای جواز پیدا می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر، به مقتضای اطلاق و عموم ادله جایز نیست.

س۹۸۹ می گویند سبیل به اندازه ای بلند باشد که داخل دهن شود حرام است این مطلب صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شعار انتماء به فرقه باطله نباشد; اشکال ندارد و حرام نیست، ولی بلا اشکال، مطلقاً مرجوح است.

س۹۹۰ اگر برای تراشیدن ریش ناچار باشد و در ضرر و عسر و حرج واقع شود جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; این ها بهانه است; ریش تراشیدن حرام است. ولی چنانچه واقعاً دکتر تشخیص دهد که ریش برای فردی ضرر معتنابه دارد; به مقدار ضرورت می توان تراشید.

غصب

س۹۹۱ شخصی خانه ای داشته، با شناختی که از او دارم غصبی بوده; آن را فروخته و هم زمان با دو نفر به صورت مشاع خانه ای قدیمی خریداری کرده و خراب نموده و یک آپارتمان چهار طبقه ای ساخته اند. سپس سه واحد آن را به مشتری فروخته اند و یک واحد باقیمانده آن، هم اکنون در تصرف شخصی فرد مذکور می باشد. حالا یک واحد از آن آپارتمان را از آن سه نفر که قبلاً خریده اند قولنامه نموده ام که بخرم. آیا این آپارتمان از نظر مالکیت برای من اشکال شرعی دارد یا نه و نماز خواندن در آن چطور؟

ج باسمه تعالی; چون نمی دانید که چهار طبقه آن خانه را با عین آن پول خریده است; اشکال ندارد و نمازتان در آن محل صحیح است.

س۹۹۲ اگر زراعت و

باغات با آب غصبی مشروب شود محصول او چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; کار حرام است و غاصب ضامن قیمت است ولی محصولات و میوه اشکال ندارد.

س۹۹۳ در کتاب غصب مسأله ۲۵۴۵ توضیح المسائل آمده کسی که خانه را غصب کرده اگر چه استفاده هم نکند باید اجاره بپردازد; در این صورت اگر لباس و غیره غصب شود برگرداندن آن کافی است یا باید اجاره بدهد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که آن لباس برای اجاره مثل لباس عروس معین شده باشد، ظاهراً باید اجاره بدهد.

س۹۹۴ چنانچه رد عین غصب مستلزم تخریب و ضرر باشد مثلا لابلای سقف عین موجود است رد آن هم واجب است؟

ج باسمه تعالی; الغاصب یؤخذ باشدّ الأحوال، بلی، واجب است.

احکام حیوانات

س۹۹۵ خوردن گوشت خرگوش چگونه است؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۹۹۶ آیا اذیت حیوانات جایز است و یا برعکس مراعات حال آن ها را باید نمود و نفقه آن ها واجب است مستدعی است احکام آن ها را مفصلا بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چند حکم در روایات و کتب فقهی راجع به حیوانات هست که ذیلا به آن ها اشاره می شود:

۱ نفقه آن ها، حتی زنبورعسل و کرم در صورتی که آن ها را رها ننموده اید; واجب است و مراد از نفقه، آن چیزهایی است که برای ادامه زندگی به آن ها احتیاج دارد یا این که مقداری از عسل در کندو بماند و برگ بعضی درخت هایی که لازم دارند تهیه کنید.

۲ شیر دوشیدن اگر به واسطه کمی علف، به حال حیوان مضر باشد; جایز نیست و نسبت به حیوان شیرده، چنانچه دوشیدن، زیادتر

از مقدار متعارف و به حال آن حیوان مضر باشد; جایز نیست.

۳ چنانچه مالک از نفقه دادن امتناع بنماید حاکم شرع او را به بیع یا نفقه یا ذبح مجبور می نماید، البته اگر قابل تذکیه باشد و اگر قبول نکرد خود حاکم متصدی آن خواهد شد.

۴ اذیت حیوان و کتک زدن زیاد و حمل باری که قادر به حمل آن نیست و به صورت سواری کتک زدن جایز نیست.

۵ کشتن حیوانی که ماکول اللحم نیست و قابل تذکیه نیست; چنانچه اذیت می کند و نمی شود اذیت آن حیوان را رفع نمود جایز است و الا جایز نیست.

س۹۹۷ خوردن ماهی اوزون برون چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; خوردن ماهی فلس دار جایز است و خوردن ماهی بدون فلس جایز نیست.

س۹۹۸ کبوتر بازی چه حکمی دارد و اگر بر اثر کبوتر بازی خانه کسی را دید بزنند آیا می توان با کبوترباز برخورد کرد؟

ج باسمه تعالی; کبوتر بازی حرام نیست. ولی دید زدن به منزل دیگران جایز نیست و باید برخورد شود.

س۹۹۹ آیا حشر برای حیوانات می باشد اگر کسی به حیوانی ظلم کرد و یا حیوانی ظالم بود کیفر داده می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; حشر حیوانات از واضحات و بدیهیات است و آیات متعدد مانند «اذا الوحوش حشرت» یا «مامن دابه فی الأرض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ثم الی ربهم یحشرون» و روایات مستفیضه دلالت بر آن دارد کیفر هم می بینند ولی عاقبت چه می شوند آیا معدوم می شوند یا آنکه مانند انسان متنعم یا معذب دائمی هستند; روشن نیست.

س۱۰۰۰ آیا خوردن

خرچنگ شرعاً حلال است یا حرام؟

ج باسمه تعالی; نخورند. چون هر حیوانی که چنگال دارد خوردن آن حرام است.

س۱۰۰۱ گوشت کلاغ از نوع زاغ که اکثراً داخل شهرها می باشند حرام است؟ گوشت پرنده کلاغ سیاه که در مزارع می باشد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در نظر من گوشت تمام کلاغ ها حلال است و مکروه.

قسم و عهد و نذر

س۱۰۰۲ شخصی نذر می کند اگر یک ماه محتلم نشد مبلغ صد تومان صدقه بدهد نذرش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خروج منی به حال او مضر است، نذر صحیح است. اما اگر خروج و عدم خروج از جهت دینی و دنیوی فرقی به حال او ندارد نذر منعقد نیست.

(جواب گنگ) س۱۰۰۳ آیا در قسم و عهد و نذر چند مرتبه مخالفت کند کفاره تعدد پیدا می کند و یا با ادای کفاره مرتبه اول عهد و نذر و قسم منحل می شود؟

ج باسمه تعالی; با کیفیت نذر و عهد و قسم فرق می کند.

س۱۰۰۴ مریضه ای بدون نام خدا جلت عظمته طلا آلات خود را برای فرستادن به کربلای معلی نذر کرده; آیا فرستادن به آنجا واجب است یا می توان در راه آن بزرگواران به فقرای محل بدهد و اگر فرستادن لازم باشد عین آن ها را یا قیمت آن ها را بفرستد؟

ج باسمه تعالی; اگر در نیت او بوده است که برای خدا نذر کرده; کافی است در تحقق نذر و باید به همان نحو که نذر کرده است; عمل کند و بفرستد کربلا و حتی الامکان عین آن را بفرستد.

س۱۰۰۵ نذر کرده بودم که اگر خداوند متعال خانه بزرگی

به من عنایت فرماید، در ماه محرم الحرام به هیئت عزاداری به عنوان احسان، شام بدهم یک سال بعد طبقه دوم خانه ام را ساختم ولی آن طوری که باید بزرگ نیست آیا باید به هیئت عزاداری شام بدهم یا نه؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست. چون بر آنچه نذر کرده اید; تحقق نیافته است.

(ت) س۱۰۰۶ نذر کردن برای توپ بازی شرعی است یا خلاف شرع و در توپ بازی رجحان شرعی یا عرفی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; توپ بازی چنانچه هیچ عنوان ثانوی راجح شرعی بر آن منطبق نباشد خلاف شرع نیست و خود توپ بازی راجح شرعی نیست پس نذر آن نیز لازم الوفاء نیست.

س۱۰۰۷ شخصی در حال حیات، نذر شرعی نموده است که اگر حاجت او برآورده شود در حق یکی از چهارده معصوم(علیه السلام) عمل خیری انجام دهد نذرش مستجاب شده ولی قبل از ادای نذر از دنیا رفته. وارث از نذر او و اجابت آن مطلع بوده اند آیا از مال عمومی او ادای نذر لازم می باشد یا بایستی مال معینی را تعیین می کرد؟

ج باسمه تعالی; باید از مال او قبل از تقسیم بین ورثه، نذر را عمل نمایند.

س۱۰۰۸ روی عقیده عامیانه در عاشورای حسینی برای قضای حاجتی نذر می کنند اگر فلان حاجتم برآورده شد شمع روشن می کنم آیا به حساب شعار حسینی محسوب می شود و رجحان دارد یا خیر، لازم العمل است یا نه، در مسجد و حسینیه شمع روشن نماییم یا نه؟

ج باسمه تعالی; شمع روشن کردن فی نفسه راجح است; ولی برق ارجح است. بنابر این نذر منعقد

است و باید به نذر عمل شود ولو در گوشه مسجد روشن نمایند.

س۱۰۰۹ کسی درختی را نذر حضرت ابوالفضل(علیه السلام) کرده و در صورت امکان مقید کرده به کربلا بفرستد، حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ به کربلا بفرستید تا در خیرات برای آن حضرت، مصرف شود.

س۱۰۱۰ کسی نذر می کند که هفت ماشین بار بزنم پنجاه تومان می دهم و چهارده ماشین بار می زند، می گوید اگر پول به دستم رسید، می دهم، پول می رسد ولی سهل انگاری می کند، یکسال است که عمل نمی کند آیا کفاره دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه به آن گونه که نذر کرده، عمل نکند؛ کفاره لازم می شود و کفاره آن مانند کفاره افطار شهر رمضان عتق رقبه یا روزه دو ماه پیاپی یا اطعام شصت مسکین است.

س۱۰۱۱ شخصی با شریک خود مشغول کسب می شوند در بین معامله مبلغ زیادی از سرمایه را که غیر قابل وصول (در توقیف) بوده است یکی از شرکا می گوید به احتمال ۹۰٪ این وجه وصول نمی شود و بنابر این نصف کل مبلغ نذر آقا امام حسین(علیه السلام) و آقا ابوالفضل العباس(علیه السلام) نمودم که اگر وصول شود عده ای را به زیارت کربلا ببرم و شریک هم این پیشنهاد و نذر را می پذیرد که در صورت وصول نذر کننده به نذرش عمل کند. پس از مدت کمی نذر مستجاب می شود آیا شریک می تواند از انجام این نذر توسط شریک جلوگیری کند؟

ج باسمه تعالی؛ نمی تواند جلوگیری کند؛ چون پذیرش پیشنهاد، اجازه نذری است که شریک کرده است.

س۱۰۱۲ اگر انسان

عهد کند که کار واجبی را یا مستحبی را به جا آورد یا کار حرام یا مکروهی را ترک کند عهد یا قسم او صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۱۰۱۳ اگر کسی پدر یا مادرش نذر او را حل کنند آیا ذمه نذر کننده بری می شود، بعد از مرگ فرزند چطور؟

ج باسمه تعالی; بلی، مطلقاً بری می شود.

س۱۰۱۴ اگر کسی نذر کرده هر سال ماه محرم قربانی بکشد و به مسجد معینی بدهد لکن حالا احساس می کند متولیان مسجد گوشت های خوب را به مردم نمی دهند حالا نذر کننده می تواند گوشت قربانی را به فقرا تقسیم کند؟

ج باسمه تعالی; تا حد امکان باید به مسجد بدهد; اگر ممکن نشد به فقرا بدهند.

س۱۰۱۵ کسی گوسفند و یا گوسفندان را بدون ذکر نام خدا نذر کرده در کربلای معلی بکشد فعلا که رفتن ممکن نیست و نگهداری حیوانات به سبب کهولت سن آن ها در خطر است فلذا فروخته است محل مصرف آن ها را بیان کنید که به غیر سادات نیز می توان داد یا نه و در شهر خود مصرف کردنش چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; مصرف آن مطلق وجوه بِرّ می باشد و در مصرف سیادت شرط نیست.

وقف

س۱۰۱۶ اگر کسی ملکی را بر خانواده وقف نماید که همه نسل های بعدی را هم شامل شود و بعد از مدتی آن را، از اختیار آن ها خارج کنند و مدت زمانی، این ملک موقوفه در میان دیگران مورد استفاده واقع شود با وصف این که واقف به طور کامل به استفاده موقوف علیهم و نسل

های بعدی، تصریح نموده و به دیگران تحریم کرده باشد در این صورت کسانی که در این ملک تصرف کرده و به نام خود اسناد درست کرده و مورد معامله قرار می دهند آیا جواز شرعی بر آن می توانند پیدا کنند و آیا با تقسیم اراضی که در رژیم گذشته، صورت گرفته، این موقوفه در حال وقف باقیست یا نه؟

ج باسمه تعالی; با این خصوصیات وقف مذکور صحیح است و قابل ابطال و تبدیل نمی باشد و اگر ظالمی در برهه ای از زمان، مانع از عمل به وقف شده است; این دلیل باطل شدن وقف نمی شود و بعد از رفع ظلم باز باید به آن عمل نمود.

س۱۰۱۷ مجتمع تجاری است که به صورت مشاع در میان دو نفر می باشد ولی یکی دو دانگ، و دیگری چهار دانگ آن را مالک هستند صاحب چهار دانگ تصمیم به وقف دارد ولی نمی دانند با وجود شریک، وقف صورت می گیرد، آیا بدون رضایت شریک، چنین وقفی صورت شرعی پیدا می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; وقف مشاع صحیح است و متوقف بر اجازه شریک نیست.

س۱۰۱۸ امام جماعت یکی از مساجد محل که فرد باتقوا و باسواد و مورد احترام مردم بود و مدت بیست سال در آن جا اقامه نماز جماعت می کرد، ایشان وصیت نموده که در حیاط همان مسجد دفنش کنند و بر طبق وصیت عمل شده است آیا مسئله صورت شرعی دارد و چنین عمل برخلاف حکم وقف نمی باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صحن مسجد به عنوان مسجد بودن وقف نباشد و برای مصالح اهل مسجد وقف

گردیده باشد؛ این وصیت هیچ اشکالی ندارد و باید به آن عمل شود ولی اگر حیاط داخل عنوان مسجد، وقف شود؛ دفن در آنجا جایز نمی باشد و وصیت ایشان غیر نافذ است ولی چون او، مردی با تقوی و اهل علم بوده است بدون تردید از موضوع آگاهی داشته و لذا چنین وصیت کرده است. در این صورت وصیتش لازم الوفاء است و بودن قبر ایشان در صحن مسجد بلا اشکال است.

س۱۰۱۹ شخصی با امکانات خود مسجدی ساخته و در وقف آن گفته، که باید امام جماعت فقط از سادات باشد و در غیر این صورت من راضی نیستم آیا امام جماعت غیر سادات می تواند در این مسجد اقامه نماز کند؟

ج باسمه تعالی؛ نمی تواند، چون عمل به وقف باید بر طبق شرایط وقف انجام شود.

س۱۰۲۰ کسی تمام مایملك خود را به فردی مصالحه صحیحه صریحه شرعیه نمود خیار و قرارداد برای عده ای از معتمدین مدت دو عام کامل، مع تعین الاستقلال که از هریک از معظم الیهم استدعای فسخ نموده اعیان به ملکیت مصالح مسترد شود شارطا علی زمه المصطلح آن که هرگاه برای مصالح فوت در رسد باذن فرد معینی که احد من ذوی الخیاراست اقدام به امور مفصله الذیل نماید... منطقه یا دهی با دو رشته قنات جاریه سیل باکل متعلقات آن و یک قطعه باغ بزرگ که چهار جریب است، به حدوهامش، و کل یکدرب دکان واقع در قرب دروازه عراق معروف به دروازه خرابه، محدود به حدوهامش، وقف نماید بر محال مفصله بتولیت امام راتب مسجد که متولی اعیان مرقومه همه ساله منافع آن را بعد

از وضع مخارج لازمه، جهت تعزیه صدیقه طاهره و... و صرف نمایند حال چند مسأله باید بیان شود.

س۱۰۲۱ مسئله اول: نمی دانیم و شک داریم اصحاب خیار مصالحه را فسخ کرده اند یا نه حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ باید بنا گذارده شود بر این که فسخ نکرده اند.

س۱۰۲۲ مسئله دوم: شک داریم مصطلح اموال مزبور طبق الشرط وقف نموده است یا نه؟ حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ اگر شرط به نحو شرط، نتیجه باشد؛ به خودی خود وقف می شود والاـ مقتضی اصل تحقق وقف است به علاوه حاکم او را مجبور به وقف می کند و اگر اجبار ممکن نباشد؛ خود حاکم شرع وقف می کند.

س۱۰۲۳ مسئله سوم: نمی دانیم مصطلح قبل از مصالح فوت کرده یا بعد از او؟ حکم مسئله مع هذا الشک چیست؟

ج باسمه تعالی؛ فوت مصطلح مانع از وقف نیست.

س۱۰۲۴ مسئله چهارم: لو سلم که مصطلح قبل از مصالح فوت کرده باشد عمل به این شرط بر عهده ورثه خواهد بود یا حکم دیگر دارد؟

ج باسمه تعالی؛ شرط از حقوق است و چنانچه کسانی که خیار داشته اند مصالحه را فسخ ننموده باشند به ورثه منتقل می شود.

س۱۰۲۵ مسئله پنجم: مع فرض وقف، نمی دانم مصطلح، تولیت موقوفه را با همان متولی منصوص در شرط قرار داده است یا برای دیگری قرار داده؟

ج باسمه تعالی؛ تولیت با همان متولی منصوص می باشد.

س۱۰۲۶ مسئله ششم: آیا مصطلح حق دارد تولیت را با دیگری قرار دهد و یا خود به خود همان فرد منصوص متولی خواهد شد ولو مصطلح آن را قرار ندهد و تعین نکند؟

ج باسمه

تعالی; حق ندارد.

س۱۰۲۷ مسئله هفتم: حکم تخلف از شرط در مسئله مزبور چیست آیا منجر به بطلان مصالحه می شود و اموال ارث وارث مالك اول می شود یا مصطلح مرتکب عمل حرام شده و صلح به صحت و قوّت خود باقی خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; عمل به شرط، واجب است و چنانچه عمل نشود اولا حاکم اجبار می کند و در صورت عدم عمل، خود حاکم به شرط عمل می کند.

س۱۰۲۸ مسئله هشتم: در فرض سؤال و مورد ابتلاء، وارثین منکر وقف هستند و سند مالکیت برای رقبات مزبور دارند حکم مسئله با فرض انکار وارثین و باتوجه به وجود متن مصحح و تأیید شده صلحنامه یاد شده چیست؟

ج باسمه تعالی; با وجود سند قطعی، انکار ورثه بی اثر است. بلی، اگر سند قطعی نباشد; داخل در مورد دعوای بر میت می شود.

س۱۰۲۹ مسئله نهم: در فرض مزبور و مشکوك موجود آیا امام راتب (متولی منصوص) شرعاً وظیفه دارد تصدی و مباشرت اداره موقوفه مفروضه، و تحقیق درباره کشف حقیقت را بکند یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورت علم بلی والا خیر.

س۱۰۳۰ مسئله دهم: در فرض مزبور اداره اوقاف و دادگاه جمهوری اسلامی حکم به وقفیت ملك مزبور داده است، آیا همین اندازه موجب تکلیف شرعی برای تصدی موقوفه مفروضه می شود یا باید علم و یقین به وقفیت حاصل شود تا تصدی بر متولی واجب شود؟

ج باسمه تعالی; میزان، علم وجدانی یا حکم حاکم شرع است.

س۱۰۳۱ ما سه برادر هستیم که اموالی در هندوستان از جمله کتابخانه به عنوان وقف بر ذریه به ما به ارث رسیده است و

چون این اموال در معرض تلف شدن قرار گرفته و موجب نزاع گردیده است تصمیم گرفته ایم آن اموال را تقسیم نماییم. آیا فردی از ورثه به جهت این که از نظر سنی بزرگ تر است و یا دارای قدرتی می باشد که بقیه عاجز از مقابله با او هستند، می تواند بدون اجازه دیگر وارثان در اموال تصرف نماید، و یا بیش از سهمیه خود تصاحب کند؟ سؤال دیگر این که این اموال چگونه بایستی تقسیم شود؟

ج باسمه تعالی; ذریه باید منفعت موقوفه را به آن گونه که وقف شده است تقسیم نمایند که آن هم متوقف بر تقسیم عین موقوفه است که در مورد سؤال کتابخانه است و به هر کدام هرچه برسد باید عین را حفظ کنند و از آن انتفاع ببرند و فرقی بین کوچک و بزرگ نیست، مگر آن که واقف در وقف، سهم بیش تری برای بزرگ تر قرار دهد یا اختیار بیش تری به او بدهد والا باید تقسیم به طور مساوی باشد والله العالم.

س۱۰۳۲ در سال ۹۱۴ هجری قمری قریه سوهان طالقان وقف شده بر سید علاءالدین این قاضی امیر نجم الدین محمود الطالقانی و نسل از اولاد ذکور سادات نسلا بعد نسل الی أن یتناسلو و أن یتعاقفوا اصل وقفنامه وجود دارد اجاره نامه ها وجود دارد در خصوص عمل به وقف اکنون بعضی ها تشکیک می کنند در صحت وقف که ممکن است در آن زمان واقف مشروعیت مالی نداشته باشد و از راه زور و سرنیزه غصب کرده باشد سپس وقف کرده و امثال این گونه ایرادات نظر معظم له در مورد

صحت شرعی این گونه موقوفات چیست؟

ج باسمه تعالی؛ وقف موقوفه مذکور با خصوصیاتی که نوشته اید صحیح است و هیچ اشکال ندارد و احتمالات ذکر شده، قابل اعتنا نیست.

س۱۰۳۳ مدرسه ای که مقداری از زمین آن از قبرستان ساخته شده آیا نماز خواندن و زندگی کردن در همچو مدرسه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اشکال ندارد، من اجازه می دهم؛ تصرف نمایید.

س۱۰۳۴ بخش صوفیان از توابع شبستر با وسعت تقریبی هشتصد کیلومتر مربع با پنجاه هزار نفر جمعیت مورد ادعای وقفیت بوده و از زمان طرح وقفیت مورد اعتراض اهل محل قرار گرفته و تنها مستمسک مدعیان وقف کپی وقف نامه است که اصل آن هم ارائه نشده و سند مالکیت قبل از وقف هم ندارد (بر اساس قاعده لاوقف الافی ملك) و از طرف دیگر علاوه بر این که اهالی ذو الید هستند و سند مالکیت بر بیوتات و باغات مزارع خود، بیش از پنجاه سال قبل از تاریخ وقف ادعائی هم در دست دارند و حتی با همان منوال خرید و فروش می نمایند بدون مراجعه به کسی و بدون ذکر عرصه و اعیان آیا با وجود مدارک مردم و اماره ید و نبودن سند مالکیت قبل از وقف واقف یا واقفین آیا با ادعای آن ها وقفیت ثابت می گردد یا خیر.

ج باسمه تعالی؛ با خصوصیاتی که مرقوم شده است؛ ادعای وقف بودن مسموع نیست و برحسب قواعد شرعی، معامله ملکیت، باید در موردی که یدی بر آن هست انجام شود.

س۱۰۳۵ شخص خیّری زمینی را برای ساختن حسینیه داده و ساختمان را به نام حسینیه ساختند بعد دو دستگی

و اختلاف بین آن ها به وجود آمده دسته ای حسینیه دیگر احداث کردند و حسینیه اولی را می خواهند تعمیر نمایند. افراد حسینیه جدید مانع این کار هستند و آنان زمین حسینیه که وقف بر حسینیه کرده است اصرار دارند که حسینیه تعمیر شود و مورد استفاده قرار بگیرد آیا ورثه می توانند تبدیل به مدرسه بنمایند یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها. ورثه هیچ گونه حقی ندارند و تصرف آن ها برخلاف وقف است و جایز نیست.

س۱۰۳۶ زمینی که برای مسجد وقف شده در زیر مسجد و یا پشت بام مسجد انباری و دستشویی و تفریحگاهی برای نوجوانان درست می کنند این نوع تصرفات چه صورت دارد و شرعاً صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ این گونه تصرفات در صورتی که منافی انتفاع به منافع آن چیزهایی که در وقف است نباشد مانعی ندارد؛ ولی مکروه است. چون چنین کارهایی در روایات کثیره محموله علی الکراهه نهی شده است، امّا خصوص انباری، برای مصالح مسجد کراهت ندارد.

س۱۰۳۷ اگر انسانی مالی را قرض کند و با آن مال بنائی کند بعد معلوم شود آن مال وقف بوده آیا به همان مقدار که او داده، ضمان و اثر وضعی تصرف در مال وقف از بین می رود؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، چون جاهل غیر مقصر بوده و ضمان آن بر قرض دهنده است.

س۱۰۳۸ برای تعمیر مسجد کمک مالی از طرف مردم جمع آوری شده تا مسجد محل را تعمیر نمایند و یک نفر مانع این کار شده، بعضی می گویند بدون اجازه او تعمیر ممکن نیست حکم مسئله را

بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; بعد از آن که پول را فی سبیل الله داده اند; اذن او لازم نیست.

س۱۰۳۹ چنانچه در وقف آمده باشد: موقوفه مذکور بین محصلین و مدرسین تقسیم شود چگونه توزیع شود؟

ج باسمه تعالی; به نحوی که معمول است که لابد به مدرسین سهم بیش تری داده می شود و در تعیین مقدار آن نظر متولی و اگر متولی نیست; نظر حاکم شرع، متبع است.

س۱۰۴۰ در مدرسه وقفی برای زیاد نبودن مصرف برق متولی از آن جلوگیری می کند برنامه ای مقرر می کند که باعث محدودیت روشن کردن برق می شود آیا اطاعت از عمل او واجب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، اگر چنین نباشد در نظم مدرسه اختلال پیش می آید.

س۱۰۴۱ شخصی قطعه زمینی برای حسینیه داده و کمک مالی هم به همین منظور جمع آوری شده است حالا می خواهند این حسینیه را تبدیل به مسجد کنند آیا صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه وقف محقق شده است، نمی شود چون الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها والا مانعی ندارد.

س۱۰۴۲ عده ای از مؤمنین پولی به نام حسینیه جمع نموده اند و زمینی را خریده اند و بعداً به نام مسجد ساختمان کرده اند آیا حکم مسجد به آن باراست و دخول جنب و حائض جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; به هر حال اقامه نماز و مجالس در آنجا جایز است و چنانچه زمین را برای حسینیه خریده اند به همان معامله وقف محقق می شود و اگر بعد بدون تعقل و ملاحظه آن را به نام مسجد نموده اند این مکان حکم

مسجد که جنب و حائض داخل نشوند ندارد.

س۱۰۴۳ شخصی زمینی را برای قبرستان اهل همان روستا وقف کرده و اهالی ده به شهر کوچ کرده اند آیا زمین موقوفه به واقف بر می گردد یا نه؟

ج باسمه تعالی; باید در مطلق وجوه خیر مصرف شود و به صاحبش بر نمی گردد.

س۱۰۴۴ در موقوفات اختصاصی مثل مسجد و مدارس و حسینیه تصرفات آب و غیره چه صورت دارد و اگر مأذون از متولی باشد صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; هر تصرفی با اذن متولی جایز می شود; چون اذن او محمول بر صحت است.

س۱۰۴۵ به طوری که مستحضر هستید ملک خانقاه ها مانند سایر اماکن مذهبی از مردمان خیر و مولی دوست وقف شده و به وسیله افراد خیّر ساخته شده و تولیت آن را به شیخ وقت سپرده اند و مشایخ دیگر می تواند او را عزل نماید و در صورت عزل تولیت او وجه شرعی دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موقوفه به عنوانی وقف شده باشد که آن وقف واجد شرایط صحت باشد و آن عنوان زمانی منطبق بر شخصی بوده است و موقوفه دست او بوده و آن شخص فوت کند یا عنوان به صورت غیر اختیاری از او سلب شود; مانند این که نسیان عارض او شود و لیاقت آن مقام را نداشته باشد یا کسانی که چنین لیاقتی داشته باشند آن عنوان را از او سلب کنند که بقاء یا ارتفاع آن عنوان به دست آن ها باشد; باید از آن شخص گرفته شود و به کسی که بعد از او، آن عنوان را پیدا می

کند بدهند. چنانچه آن عنوان بر کسی منطبق نشود; اختیار آن وقف با مجتهد جامع الشرایط است.

س۱۰۴۶ این جانب با یکی از دوستان حدوداً سی سال قبل بیست دقیقه آب برای آب انبار روستایی وقف کرده ایم اخیراً لوله کشی بهداشتی شده و قهراً آب انبار خراب شده و این آب بلا استفاده مانده است چون آب انبار و مسجد مورد استفاده عموم بوده است آیا می شود این آب را باری درختان گردو و غیره که مال همه است استفاده کرد؟

ج باسمه تعالی; چون آب وقف مسجد شده است و قید شده است که زیادی آن به حمام و آب انبار دیگر داده شود بنابر این اول برای مسجد لوله کشی بشود و در صورت زیاد آمدن برای حمام و آب انبارهای دیگر صرف شود.

س۱۰۴۷ اگر در وقف یادآور شود بر مسلمین و متصوفه وقف صحیح باشد ساختن مسجد در این زمین چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; متصوفه فرق مختلف دارند. بعضی از این ها بیّن الفسادند و وقف بر آن ها صحیح نیست بنابر این آن مال بر ملک واقف باقی است و با اجازه او یا ورثه او همه نوع تصرف می توان کرد. در صورت معلوم نبودن، حکم مجهول المالک دارد.

س۱۰۴۸ در ضرر زدن به اشیاء موقوفه اگر با متولی مصالحه شود چگونه است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۰۴۹ ضرر بر اجزاء وقف هم ضمان دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۱۰۵۰ میهمان گرفتن بر طلبه در موقوفه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقدار متعارف مانعی ندارد.

س۱۰۵۱ دادن وجه موقوفه به خادم به عنوان این که از لوازم وقف است

چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی: در صورتی که مصرف معینی نشده باشد که بر او تطبیق ننماید، اشکال ندارد.

س۱۰۵۲ باغ انگوری است که وقف سیدالشهداء(علیه السلام) است و درآمدی ندارد و مخارج آبیاری و آباد کردن آن بیش تر از عایدات آن است آیا می شود فروخت و تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی: در فرض مسئله، تبدیل نمودن به ملکی که آن هم به همین مصرف برسد مانعی ندارد و اگر امکان نداشته باشد در مطلق وجود خیر صرف شود.

س۱۰۵۳ اگر احیاناً واقف شرایطی را برای موضوع موقوفه عنوان نماید مراعات شرایط در جهت اعمال انتفاعات مشروعه الزامی است یا نه؟ و آیا مطابقت شرایط مطروحه با ملاکات عرفی متداول لازم است یا نه؟ یعنی آیا ملاکات معمول عرفی می تواند موجباتی را برای ضیق و سعه در جهت انتفاع مشروطه من باب ورود و حکومت داشته باشد؟ یا نه؟

ج باسمه تعالی: آنچه واقف شرط می کند در صورتی که مخالف شرع نباشد لازم است و ملاکات عرفی موجب ضیق آن نخواهد شد.

س۱۰۵۴ احتراماً با ابلاغ سلام و تحیات فراوان خاطر عالی را مستحضر می دارند این جانبان حسین ربانی به شماره شناسنامه ۴۱۶ متولد ۱۳۲۱ معروف به محمدحسین ربانی و محمدصادق ربانی به شماره شناسنامه ۴۳۲۰۰ متولد ۱۳۳۱ دو برادر متولیان نیم دانگ موقوفه از شش دانگ علی آباد آقا مجیب انار رفسنجان به موجب رأی بدوی شعبه چهار دادگاه رفسنجان و ابرام دیوان عالی کشور طبق رأی دادنامه ۱۶/۲۲/۱۵۹۹ مبنی بر این که هر ساله درآمد موقوفه نیم دانگ مذکور را از قدیم الایام صرف آشپزی و

اطعام حضـرت سیدالشـهدا(علیه السـلام) در ایام عاشورا و دیگر ایام دو ماهه محرم و صفر می شده است سینه به سینه از پدران نیز نقل شـده و جریان داشـته و با آمدن طاغوت اول رضاخان قلدر و سوزاندن وقف نامه ها در اداره اوقاف رفسـنجان و خارج شـدن موقوفه از مسـیر اصـلی خود با تصـرف دولت غاصب وقت بودجه آن به مصـرف غیر از آش و برنج می رسـیده به همان علت که وقـف نـامه مـدون در دست نبـوده است هم اکنون که مجـدداً به سـیره طبـخ آش و پلو درآمـده و در محلاـت یزد به مصرف می رسد به موجب رأی دادگاه و استشهادیه محلی متولی برای آن معیین گردیده است متمنی است اگر اجازه فرمایید:

اولاـ: وقف نـامه ای بر اسـاس استشـهادیه محلی و قول پـدران و پیشـینیانمان صـادر شود تـا تکلیف شـرعی و عرفی هر یـک از متولیان غیر از مقررات اداری و ناظر یا ناظرین روشن گردد.

ثانیـاً: نظر به این که اطعـام یـک وعـده یـا یـک روز کفـاف و کـارایی زیادی در کمک به محرومین نـدارد با توجه به این که بودجه آن اسـتفاده بیش تر و شایسـته تر از قبیل قرض الحسـنه و دسـتگیری آبرومندان یا ازدواج جوانان کم درآمد و امور عام المنفعه دیگر را می توان نمود.

خواهشـمند است حضـرت عالی نظر مبارک شرعی و اجتماعی خود را حاکم بر مقدرات قانونی مرقوم فرمایید تا از سرگردانی خارج و امور موقوفه حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) به نحو احسن انجام پذیرد که مزید تشکر است.

ج باسمه تعالی; چنانچه استشهادیه محلی و قول ریش سفیدان معارضی نداشته باشد مجازید وقف نامه

ای تهیه نمایید که بر طبق آن عمل شود و تغییر دادن مصرف، با فرض این که همه می گویند: در وقف سابق مصرف تعیین شده بوده است مورد ندارد. ولی چنانچه در سابق در وقفنامه اصلی، وجوه بر امور عام المنفعه بوده است و آن مصارف به لحاظ انطباق آن عنوان، عام بوده است می توانید در مواردی که ذکر شده است؛ مصرف نمایید.

وصیت

س۱۰۵۵ در جواز رفت و آمد وصی در خانه یتیم آیا نفس عدم مفسده کافی است یا مصلحت لازم است و آیا اذن قیم لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ رفت و آمد؛ باید با اذن ولی یتیم باشد. رعایت مصلحت و یا عدم مفسده به متصرف مربوط نیست بلکه ولی باید مراعات کند.

س۱۰۵۶ آیا در قبرستان عمومی تصرفات شخصی جایز است مثلاً گوشه از قبرستان را برای خود و فامیل و بستگان خود حفاظت نماید و وصیت کند مانع از دفن کردن اموات دیگران بشوند؟

ج باسمه تعالی؛ تصرفات به این وسعت که نوشته اید جایز نیست اما اگر شخصی قبری درست کند و به ازاء آن، از کسانی که میت را در آنجا دفن می کنند پولی بگیرد؛ مانعی ندارد. به هر حال در صورتی که جای دیگر نباشد نمی تواند مانع از دفن در آنجا شود و وصیت نافذ نیست.

س۱۰۵۷ شخصی وصیت کرده در صورت امکان ولو در آینده جنازه مرابه قم انتقال دهید حال بعد از چهل سال جهت انتقال به قم نبش قبر جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی جایز است.

س۱۰۵۸ حدود هفت سال است که حقوقم را در زندگی پدر و مادر صرف کرده

با این که مجرد بودم و خانه مسکونی پدر را در روستا به کمک مالی و همکاری بنده ساختیم و پس از هفت سال چون معلم بودم به شهر منتقل شدم پدرم در وصیت نامه خود خانه و زمین محدود به آن را به من وصیت کرده است ورثه همه مایملک پدر را اعم از منقول و غیر منقول غصب کرده اند و پدرم هیچ وقت از وصیت خود اعراض نکرده و به من چیزی نگفته آیا این وصیت پدر نافذ است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; آن خانه و زمین به ضمیمه سایر مواردی که وصیت کرده است; اگر غیر از واجبات زاید بر ثلث نباشد و ندانید پدر از وصیت برگشته است مال شما است و مانند سایر اموالتان می باشد و در صورت قدرت، به هر طریق ممکن می توانید بگیرد.

س۱۰۵۹ شخصی وصیت کرده که بعد از فوت مرا در قبر پدر و مادر دفن کنید در صورتی که پدر و مادر چهل سال قبل فوت شده اند آیا این وصیت لازم الاجراء است و نبش قبر و دفن مرد در قبر زن و برعکس جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۰۶۰ بنده وصی پدرم هستم برای انجام وصیتنامه از وراث پدرم امضاء گرفته و رضایت داده اند به جز یک دختر اکنون دو نفر از فرزندان که برادر همان دختر هستند اعتراض بر توافق نامه و امضای خودشان نموده و مانع از عمل به وصیت شده اند وظیفه بنده در این باره چیست؟

ج باسمه تعالی; حق اعتراض ندارند در صورت قدرت ولو با زور به وصیت عمل کنید.

س۱۰۶۱

شخصی وصیت کرده یک سال نماز و روزه و مبلغ سی هزار تومان کفاره و پنجاه هزار تومان خمس و برای مخارج بعد از فوت چیزی تعیین نکرده است این وصیت نافذ است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; وصیت مزبور صحیح و نافذ است و وصیت به مخارج و مصارف لازم نیست، چه رسد به آنکه مانع از نفوذ وصیت شود و وصیت ذکر شده نافذ است ولو زیادتر از ثلث باشد.

س۱۰۶۲ شخصی وصیت کرده یک ثلث از اموال او را به مصرف معینی برسانند ولی سفارش او عملی نشده و فقط یکی از وراث نسبت به سهم خود ثلث را افراز و خرج کرده آیا می تواند در کل مال تصرفاتی انجام دهد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند تصرف کند.

س۱۰۶۳ اگر شخصی وصیت کند و یکی از فرزندان خود را از ارث محروم نماید بعد از فوت او این وصیت قابل عمل است و آیا آن فرزند هم مثل دیگر ورثه ها ارث می برد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; وصیت مذکور نافذ نیست و پسر ارث می برد.

س۱۰۶۴ شخصی فرزند ارشد خود را با در نظر گرفتن فرزندان صغارش قیم و هم وصی قرار داده حالا زنش مخالفت می کند می گوید باید خودم قیم باشم و تمام امورات فرزندان صغار در دست من باشد آیا مخالفت زن می تواند مانع قیم بودن فرزند ارشد موصی شود؟ ضمناً وقت صیانت هم گذشته یعنی فرزند کوچکش که دختر است نه ساله است.

ج باسمه تعالی; با تعیین وصی و قیم از طرف پدر، مادر نمی تواند مانع قیم بودن او شود.

س۱۰۶۵

کسی وصیت کند تمام اموالش را به فلانی، فلانی مثلا بدهند آیا این وصیت کلا باطل است یا به مقدار ثلث نافذ است؟

ج باسمه تعالی؛ به مقدار ثلث نافذ است و در مازاد متوقف بر اجازه ورثه است. اگر اجازه دهند نافذ است والّا نافذ نیست.

س۱۰۶۶ کسی مقدار معینی از مال خود را وصیت کرده به موصی له بدهند ولی بعد از فوتش ارتقاء قیمت پیدا کرده و زیادتر شده آیا اضافه را باید به موصی له بدهند یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مال معینی مثل خانه را وصیت کرده است و آن مال ترقی کرده است و زاید بر ثلث نیست همان را باید بدهند و اگر زاید بر ثلث است؛ زیادی متوقف بر اجازه ورثه است.

س۱۰۶۷ کسی برای ثلث ماترک وصیت کرده و قبل از مردن ثلث را معین کرد بعد از مردن فقط همین ثلث را داشته باشد آیا وصیت در ثلث این ثلث نافذ و یا همه این ثلث مال موصی است؟

ج باسمه تعالی؛ میزان، ثلث ماترک است. بنابر این وصیت فوق الذکر در ثلث ثلث نافذ است.

س۱۰۶۸ طبق وصیت پدرم که در وصیت نامه آمده است مرا در قم دفن کنید قبری خریداری کردم ولیکن دوستان و فامیل به دلیل حوادث و دوری راه و هزینه بیش تر مانع از انتقال جنازه پدرم شدند در بهشت زهرای تهران مدفون شد و حالا بعد از ۱۴ روز متوجه اشتباهات خود شده ام تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که جنازه متعفن و متلاشی نشده باشد به وصیت عمل کنید و جنازه را بیرون آورده؛ به قم منتقل

نمایید.

س۱۰۶۹ کسی که ملك یا مال خود را به شرط عمر به کسی می دهد آیا زیاده از ثلث هم باشد می تواند چنین اقدام بکند؟

ج باسمه تعالی; زیاده از ثلث بر کاری که در زمان حیات خود می کند اشکال ندارد ولی (به شرط عمر) نفهمیدم یعنی چه.

س۱۰۷۰ اگر کسی وصیت بکند که بعد از عمل به وصایای موصی بقیه ثلث را در مخارج مسجد معین خرج بکنند و موقع وصیت موصی متولی مسجد مذکور افراد لایق بودند و حالا که می خواهند به وصیت عمل کنند متولیان مسجد افرادی نالایق می باشند که تقویت آن ها به هیچ نحو جایز نیست و زوجه متوفی راهی برای امرار معاش ندارد آیا می توانند به جای مسجد مذکور پول را به زوجه متوفی بدهند یا باید به مساجد دیگر پرداخت کنند؟

ج باسمه تعالی; در صورت امکان، خرج همان مسجد بکنند ولو به تشکیل مجلس و روضه خوانی باشد با عدم امکان (البته منظور از عدم امکان صرف نالایق بودن متولی نیست تا نشود خرج مسجد کرد) می توانند در مطلق وجود بِرّ که از جمله آن ها خرج زوجه متوفی است مصرف کنند.

س۱۰۷۱ اگر کسی وصیت کرده باشد بعد از مصارفی که از ثلث مالش معین کرده بقیه ثلث را نماز استیجار کنند و وراث پول نقد نداشته باشند و اگر سرمایه را هم صرف نماز استیجار بکنند درمانده می شوند (سرمایه مال خود وراث می باشد) آیا می توانند به تدریج نماز استیجار کنند؟

ج باسمه تعالی; بله می توانند.

س۱۰۷۲ اگر کسی مخارج عروسی بعضی از اولادش را در حال حیات خودش

بپردازد می تواند وصیت کند مخارج عروسی اولادی را که ازدواج نکردند بعد از فوتش از اصل بدهند یا باید از ثلث مال وصیت کند؟

ج باسمه تعالی; باید از ثلث وصیت کند.

س۱۰۷۳ اگر کسی وصیت کند که بعد از فوتش اعمالی از طرف او انجام دهند مثلا نماز و رزه استیجار کنند چنانچه وصی به وصیت عمل نکند آیا ضرری به حال موصی در برزخ و قیامت دارد؟ یا وصی مسؤول است؟

ج باسمه تعالی; بلی، ضرر دارد ولی خدا بزرگ است و امید رحمت می رود ولی وصی هم مسؤول است.

س۱۰۷۴ اگر شخصی وصیت کند که هرکس در خانه من سکونت کرد اعم از اولاد یا همسر و یا دیگران همه، سالیانه ۵ شب برای من روضه خوانی سیدالشهداء(علیه السلام)کند آیا این وصیت نافذ است و انصراف دارد به وقف یا حبس کردن خانه، چون اگر هیچ کدام نباشد قهراً خانه ملك ورثه می شود و می توانند خانه را بفروشند و مالك چنین استحقاقی بر ساکن ندارد و یا این که از ثلث ترکه باید عمل به وصیت شود؟ ولی بعد از فروش خانه و سکونت غیر وارث تکلیف چیست؟ زیرا وصیت بر غیر ورثه نفوذ ندارد. و اگر خانه فروخته شده ولکن ساکن ندارد، حکم وصیت چیست؟

ج باسمه تعالی; وصیت مذکور وقف یا حبس نیست و مانع از فروش خانه هم نمی شود و بعد از مردن چنانچه آن وصیت به مقدار ثلث یا کمتر از تمام اموال او باشد; حقی به آن پیدا می کند و چنانچه ورثه بخواهند آن را بفروشند باید به قید این حق باشد و

در این صورت تا ابد باید به این وصیت عمل شود مگر آن که وصیت مدت داشته باشد که در مدت مخصوص یا مادامی که در دست ورثه است باید انجام شود که در این صورت اگر بفروشد و یا آن مدت بگذرد؛ حقی نیست که در آن جا مد نظر واقع شود.

س۱۰۷۵ شخصی وصیت کرده که پنج سال اجاره منزلی را برای او کار خیر انجام دهند، الان ورثه قصد فروش خانه را دارند؛ آیا جایز است منزل را بفروشند و منافع (اجاره) پنج سال را حساب کرده کار خیر انجام دهند یا این که باید بعد از گذشت پنج سال خانه را به فروش برسانند؟

ج باسمه تعالی؛ می توانند الان خانه را به کسی که می خواهند بفروشند؛ پنج سال اجاره دهند و بعد به همان شخص به این شرط بفروشند که تا پنج سال مسلوب المنفعه باشد و سپس مقدار مال الاجاره را از قیمت خانه کم کنند. در نتیجه خریدار همان قیمت منزل را داده و مالک عین مال و منافع می شود و به وصیت هم عمل شده است. البته چنانچه وصیت کرده تا پنج سال خانه را نفروشند؛ خانه را به خریدار اجاره می دهند و شرط می کنند بعد از پنج سال خانه را به قیمت امروز به او بفروشند.

س۱۰۷۶ شخصی در وصیت نامه اش چنین آورده: «آقای حاجی سید ابوالقاسم... فرزندش سید محمد را وصی شرعی و قائم مقام قانونی بعد الفوت خود قرار داد که با نظارت دو فرزند دیگرش آقایان سید اسماعیل و سید علی به خواسته های مشارالیه به شرح زیر جامعه عمل

پوشیده و به وظایف وصایت قیام و اقدام نمایند...»

۱ آیا عبارت مذکور در خصوص ناظر، ظهور در نظارت استطلاعی دارد یا استصوابی؟

۲ آیا قبول ناظر، در زمان حیات موصی یا بعد از مرگ او، شرط صحت نظارت است یا خیر؟

۳ با فرض عدم اشتراط قبول و یا در صورت قبول ناظر، آیا نظارت فقط حق است تا قابل بازگشت باشد یا آنکه تکلیف نیز هست تا قابل بازگشت نباشد؟

۴ یکی از دو ناظر از اعمال نظارت خوف فتنه خانوادگی دارد و در صورت مداخله احتمال اختلاف و نزاع می رود. در این صورت آیا تکلیف به نظارت همچنان باقی است؟

ج باسمه تعالی; نظر به این که، به حسب غالب، تعیین ناظر برای حصول اطمینان به وقوع ما اوصی به است; نظارت استطلاعی است و از جهت عدم اطمینان به کیفیت عمل وصی و تعیین ناظر، برای آنکه عمل بر طبق نظر او باشد; نیست تا در نتیجه نظارت استصوابی باشد. پس ظاهر آن است که نظارت استطلاعی است و قبول ناظر شرط صحت نظارت نیست بلی اگر موصی در زمان حیات او را رد کند نظارت ندارد و علی تقدیر صحت، نظارت بعد از موت موصی قابل بازگشت نیست.

چنانچه در صورت فوت، فتنه به پا شود تکلیف به نظارت ساقط می شود.

ارث

س۱۰۷۷ مالی است به جا مانده از فردی که مرده و همسرش در قید حیات است و عمده مال مربوط به او است، چون در هنگام تقسیم ترکه مرحوم، کلیه دارایی زن نیز بین اولاد ایشان مصالحه شده است و سهم هریک از دارایی مشخص گردیده است اخیراً یکی از وراث ادعا

نموده است که از این بـابت ضـرر نموده است آیا با توجه به این که نزدیک به یک سال است از این مصالحه می گـذرد و هر کدام از ورثه سهم خود را دریافت نموده اند آیا می شود مصالحه مربوط را فسخ نموده یا شرعاً اشکال دارد؟

ج باسـمه تعالی؛ چون مصالحه عقـد لازم است و آنچه مصالحه شـده است ابهامی نـدارد؛ لـذا هیـچ گونه حقی بر مادر و ورثه فوق الذکر، برای فسخ مصالحه نیست.

س۱۰۷۸ آیا ناظر و ورثه می تواننـد بدون نظر و اطلاع وصـی ثلث مال میت را به مصـرف برسانند و در صورت مصـرف بدون اجازه وصی ضامن خواهند بود یا نه؟

ج باسـمه تعالی؛ به مصـرف رساندن ثلث مال موصی بدون نظر و اطلاع وصی جایز نیست. وصی حکم مالک را دارد و او می تواند اعمال ناظر و ورثه را اجازه نماید و در صورت عدم اجازه او، آن ها ضامن خواهند بود.

س۱۰۷۹ این جناب ۲۲ سال پیش تشـکیل خانواده داده ام و حدود چند ماهی می باشد که همسرم مرحوم گردیده ضمناً از آن مرحومه فرزند ندارم بعد از فوت ایشان ازدواج کرده ام و خانواده مرحومه تمامی وسایل باقی مانده ایشان را از من پس گرفتند و می گوینـد الباقی وسایلی که ۲۲ سال پیش صورت شـده را باید به نرخ امروز بپردازی ضـمناً با اجازه پدر آن مرحومه جهت کفن کردن مبلغ پانصد هزار تومان از اموال آن مرحومه فروخته و خرج کردیم حالا نصف این مبلغ که سهم خانواده ایشان می باشد را از من طلب می کنند. از آن بزرگوار خواهشمندم که تکلیف

من را مشخص بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; نصف ماترک آن مرحومه مال شما است و نصف دیگر مال ورثه دیگر است، خرج کفن و دفن البته به مقدار لازم با شما است لکن هرکس زیادتر از آن مقدار خرج کند با خود او است.

س۱۰۸۰ اگر پدرم در وصیت کتبی خانه مسکونی را با زمین مورد نظر به این جانب سفارش کرده باشد غصب کردن ورثه این خانه مسکونی را یا اموال منقول و غیر منقول آن چه حکمی دارد در صورتی که پدرم در پشیمان شدن از وصیت به من چیزی نگفته است حکم این مسئله را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; آن خانه و زمین به ضمیمه سایر مواردی که وصیت کرده است اگر غیر از واجبات زاید بر ثلث نباشد و ندانید پدر از وصیت برگشته است مال شماست و مانند سایر اموالتان می باشد در صورت قدرت، به هر طریق ممکن می توانید بگیرید.

س۱۰۸۱ شخصی از دنیا رفته و از او فقط یک خواهر مادری باقی مانده و یک جده ابی و یک جده و جد امی، لطفاً مرحمت فرموده نحوه تقسیم ارث این میت را میان وارثین بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; ثلث مال به خواهر مادری و جد و جده مادری داده می شود و در میانشان به طور مساوی تقسیم می شود و دو سوم دیگر به جد پدری داده می شود.

س۱۰۸۲ من وصی پدرم با سفارش شفاهی هستم هیچ یک از ورثه ها حاضر به عمل به وصیت نیستند این جانب اضافه بر وصی بودن مقداری از ملک پدرم به من وصیت شده است. حال با توجه به

این که مدرک قانونی ندارم و قدرت دفاعی برای دریافت حق و حقوق خود و بدهی های پدرم ندارم در صورتی که یک نفر معلم بازنشسته و عائله مند هستم و ورثه تعدادشان زیاد و پشتیبان یکدیگر، جهت ضایع کردن حق پدر و من هستند تقاضا دارم راهنمایی فرمایید؟

ج باسمه تعالی; باید تا به حد عسر و حرج نرسیده به وصیت عمل نمایید پس از آن شما معذورید; ولی وصیت را توزیع نموده و به مقداری که به شما می رسد به وصیت عمل بنمایید.

س۱۰۸۳ خانمی از دنیا رفته و وارث ایشان عبارتند از: ۱ همسر ۲ مادر ۳ سه پسر ۴ دختر مستدعی است نحوه تقسیم ترکه را مشروحاً بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی; همسر یک چهارم و مادر یک ششم مجموع اموال را می برند از بقیه اموال پسرها دو برابر دخترها می برند. یعنی بقیه ده قسمت می شود; هر پسر دو قسمت و هر دختر یکی می برد.

س۱۰۸۴ آیا وصی میت می تواند مطالبه دیه نماید در صورتی که اولیا میت صغیر باشند یا این که حق مطالبه ندارد و اگر حق مطالبه دارد آیا تمام دیه را حق مطالبه دارد یا این که سهم میت را حق مطالبه دارد مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; وصی حق مطالبه دیه ندارد مگر در صورتی که میت در زمان حیات خود به ولایت وصی بر اطفال وصیت نموده باشد که آن هم در بعضی موارد وصیت، صحیح است و وصی در صورتی می تواند دیه مطالبه نماید که صلاح صغیر باشد.

س۱۰۸۵ شخصی دارای دو فرزند پسر است که یکی از آن ها

ازدواج کرده است و از دنیا رفته است. حالا وی از این زن شوهر مرده ارثیه می خواهد ارثیه او چقدر است آیا می توان مهریه و جهیزیه را از ارث شوهر حساب کرد و ضمناً این شوهر مرده یک پسر غیر بالغ دارد آیا ارثیه او را می تواند الان بگیرد و به پدربزرگش بدهد یا نه؟

ج باسمه تعالی; زن شوهر مرده، مهریه خود را از ماترک شوهر می گیرد و غیر از مهریه ارث او یک هشتم تمام اموال شوهر می باشد البته غیر از زمین که نمی تواند آن را بگیرد و اما پسر، چون جد بر او ولایت دارد مادامی که مکلف نشده است بدون اذن جد نمی تواند اموال او را بگیرد.

س۱۰۸۶ در ارث سواری و انگشتر پدر به پسر بزرگ تر می رسد در عصر جدید آیا خودروی سواری پدر مانند مرکب به پسر بزرگ تر می رسد؟

ج باسمه تعالی; آن اشیایی که به پسر بزرگ تر می رسد چهار چیز است و مرکب جزء آن ها نیست. آن چهار چیز عبارت است از: ۱ قرآن ۲ شمشیر ۳ لباس پوشیده ۴ انگشتر.

س۱۰۸۷ شخصی در زمان حیات خود ۴ دانگ مشاع از ۶ دانگ، یکی از منازل مسکونی خود را به ۲ عروس خود، و به هر کدام ۲دانگ صداق تعیین نموده و تحویل آنها داده است از آن جا که آن شخص مرحوم شده است و این صدق به صورت مطلق در سند ازدواج مکتوب و مهمور شده است و به جز نشانی آن منزل و مقدار دانگ هیچ کدام از مشخصات و امتیاز انشعاب آب

و برق و گـاز و تلفن در سـند ازدواج قیـد نشـده است در بین وراث اختلاـف پیش آمـده است که آیا این دو عروس به مقـدار دانگ خود از همه امتیازات سـهم می برنـد یا خیر؟ با توجه به این که ۴ دانگ به صورت مشاع، صداق تعیین گشـته است و ۲ دانگ باقی مانده از مال میت می باشد؟

ج باسـمه تعالی; آن چه به حسب ظاهر از این صداق مسـتفاد می شود آن است که فقط از منزل مهریه می برند و در خصوص آب و برق خوب است احتیاط نموده و مصالحه انجام شود و اما از گاز و تلفن، ظاهراً عروس ها چیزی نمی برند.

س۱۰۸۸ شـخص که دارای ده اولاد و یک زوجه می باشد جهت رفع تنش و اختلاف با پسـر ارشد خود مقداری از اموال خود را به او بـذل نموده و یادداشتی با این مضـمون بین آن دو با اقرار و امضا منعقـد می گردد که پسـر ارشـد علاوه بر ختم تنش و اختلاـف موجود متعهـد می شود بـا دریافت این اموال، دیگر پس از وفات پـدر سـهم ارثی مطالبه نخواهـد نمود و متعاقب این قضایـا والـد مکرم بـا نظـارت همین پسـر ارشـد خـود، و دیگر نـاظران و شـهود وصـیت نـامه ای تنظیم می کنـد که در آن بقیه مایملک خود را در سه ثلث به زوجه دائمی خود، و دو پسـر کوچکترش بـذل می کنـد و به تأیید و امضا تمام افراد مذکور می رسد اما پس از وفات پدر، پسر ارشد مذکور، متعرض به وصیت نامه پدر می شود. از محضر حضرت عالی استدعا داریم چند

حکم شرعی را در این مورد بیان نمایید؟

س۱ آیا وصیت نامه والد مکرم با مفاد مذکور شرعاً نافذ است؟

ج باسمه تعالی; نافذ است.

س۲ با توجه به تعهد قبلی پسر ارشد و اقرار و امضاء او از یک طرف و تمایل کامل بقیه وارث در احترام و اجرای وصیت پدر از سوی دیگر، آیا پسر ارشد علیرغم تعهد خویش می تواند در مقام مطالبه سهم ارثی برآید؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی تواند.

س۱۳گر قوانین مدنی راه مفرّی برای او واگذارد و مجدداً برخلاف قول اخلاقی که به پدر داده بود; سهم ارثی دریافت کند; حکم شرعی آن اموال چگونه است؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند چون تعهد قبلی، امضاء وصیت است و چون بقیه ورثه هم امضا کرده اند هیچ حقی در مال ندارد.

س۱۰۸۹ پدر حدود ۴۰ سال پیش فوت نموده و زمین با پولی از خود به جا گذاشته که این جانب آن را به باغ تبدیل کرده و آباد نموده ام و هزینه زیادی هم متحمل گشته ام حال پس از گذشت سال ها خواهرم مدعی ملك و حتی درختان را نیز هست. نظر خویش را در این مورد بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; خواهرتان حق مطالبه زمین به مقداری که به او می رسد و اجرت آن و پولی که از ما ترک پدر خرج آن جا شده دارد ولی از درخت ها چیزی به خواهرتان نمی رسد.

س۱۰۹۰ از اموال مردی که فوت نموده چه چیزهایی به عنوان حق الارث به زن تعلق می گیرد آیا از قنات و زمین سهمی به عنوان ارث می برد یا

نه؟

ج باسمه تعالی; زن او از زمین ارث نمی برد و از قیمت بناء و درخت ارث می برد همچنین از خود قنات ارث نمی برد ولی از آلات و آبی که قبل از موت جاری بوده، ارث می برد.

س۱۰۹۱ پدری در حال حیات خود مقداری از دارائیش را به پسرش منتقل نموده و وصیت نموده که سهم الارث پسرش را داده است. آیا بعد از فوت پدر آن پسر می تواند مدعی ارث پدری باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در حال حیات به طور قطعی به پسر خود بخشیده و به عنوان امانت نبوده است; پسر بعد از فوت پدر ارث می برد.

س۱۰۹۲ میراث مرگ های دست جمعی (تصادف، زلزه و غیره) به چه نحوی بایستی تقسیم شود؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که تقدم و تأخر مرگ هیچ کدام معلوم نباشد; مانند مهدوم علیه هر کدام از دیگری ارث می برند در رساله ها تفصیل آن بیان شده است.

س۱۰۹۳ اگر کسی بمیرد و ورثه هایش پدر و مادر و دختر صغیره و زنش باشد و میت بدهکار باشد آیا می توان خانه مسکونی وی را فروخته و بابت بدهی پرداخت نمود و وجهی هم برای پرداخت همه بدهکاری هایش ندارد؟

ج باسمه تعالی; بلی، چون خانه مسکونی را می توان در حال حیات برای دین نفروخت البته فروش آن جایز است اما بعد از مردن حرفی نیست که باید فروخت و اداء دین نمود.

س۱۰۹۴ زمینی است با مساحت ۴۵۰۰ متر مربع پدرم سهم عمه ها را هم متصرف بود بنده در حیات پدرم از عمه ها رضایت گرفتم و بعد

از فوت پدر عمه هایم خواهان سهم خود هستند حکم مسئله را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; اگر عمه ها فقط اجازه ی تصرف داده اند; می توانند پس از فوت پدر شما، ارث مطالبه نمایند ولی اگر واگذار و هبه نموده اند; نمی توانند مطالبه نمایند.

س۱۰۹۵ آیا زن از آب قنات و چشمه شوهر که در زمان حیات و بعد از ممات شوهرش جاری است ارث می برد یا نه؟

ج باسمه تعالی; زن از آبی که بعد از موت شوهر جاری شده است ارث نمی برد.

س۱۰۹۶ اگر کسی در اثر تصادف از دنیا برود و ماترک میت کافی بر مهریه زوجه اش نباشد آیا از دیه ای که وراث میت می گیرند می شود مهریه زوجه اش را پرداخت نمود و همچنین وراث میت یک بچه شیرخوار و مادر و زوجه بوده و میت دو تا برادر نیز دارد کفالت بچه با چه کسی است و اگر مادرش بخواهد بچه را نگهدارد مخارج بچه به عهده چه کسی می باشد و آیا از دیه یک هشتم به زوجه میت می رسد یا نه؟

ج باسمه تعالی; مهریه را باید از دیه بپردازند و زن هم زاید بر ارث از دیه سهم می برد و کفالت بچه نیز با مادر است و مخارج بچه با پولی است که از پدر به او می رسد.

س۱۰۹۷ بعد از فوت مادر یکی از فرزندانش فوت کرد و از او فرزندانی وجود دارد که نوه های مادر می شوند آیا از اموال جده خودشان با عموها و عمه ها ارث می برند یا نه؟

ج باسمه تعالی; فرزندان

متوفی با وجود برادران متوفی از پدر و مادر او ارث نمی برند; ولی از اموال خود او، که ارث مادر هم جز آن است ارث می برند. یعنی سهم فرزند فوت شده که از مادرش ارث رسیده، مال فرزندان او است.

س۱۰۹۸ اموال متوفی بر اساس وصیت میت بین ورّاث تقسیم شده و پس از مدتی شخصی می گوید من به این میت بدهکارم بدهی خود را به یکی از ورثه می دهد آیا این وارث می تواند بدهکار را برئی ذمه کند؟

ج باسمه تعالی; مبلغ فوق الذکر متعلق به همه وراث است البته هر کدام به مقدار سهم شان، و هر کدام از سهم خود می توانند بدهکار را بری نمایند.

س۱۰۹۹ کسی در سانحه ماشین کشته می شود آیا همسر و پدر و مادر از دیه ارث می برند و آیا برای دیه خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; دیه خمس ندارد چون در حکم بقیه اموال میت است، پدر و پسر ارث می برند مادر نمی برد.

دیات

س۱۱۰۰ مجنّی علیه از زنده ماندن خود مأیوس می باشد آیا می تواند در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه یا مصالحه و عفو، وصیت نماید؟

ج باسمه تعالی; تبدیل قصاص به دیه یا عفو، از حقوق اولیاء میت است.

س۱۱۰۱ اگر زن حامله برای سقط جنین به پزشک یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عاملا عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید دیه به عهده کیست؟

ج باسمه تعالی; چون سقط جنین، مستند به هر دو است و یکی با عمل و دیگر با تسلیم آن را انجام داده اند لذا

دیه دو نصف می شود و هر کدام باید نصف دیه را بدهند.

س۱۱۰۲ در مسأله فوق الذکر اگر طبیب به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند باز هم طبیب ضامن دیه است؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً هیچ وجهی بر ضمان طبیب نیست.

س۱۱۰۳ در باره ماهیت دیات بفرمایید:

الف) آیا جعل دیه از طرف شارع مقدس به عنوان مجازات بوده یا نوعی جبران خسارت تلقی شده است؟

ب) آیا عمد، شبه عمد یا خطای محض بودن جنایت در پاسخ به سؤال فوق تأثیری دارد؟

ج باسمه تعالی; اثر مترتب بر این سؤال را نفهمیدم. به هر حال فرقی در احکام آن نیست; ولی ظاهراً مجازات نیست چون در قتل خطا، که موجب عقوبت و مجازات باشد; سر نزده است. به علاوه در بعضی موارد دیه بر امام(علیه السلام) یا بیت المال است; بلکه دیه، از قبیل ضمان است و همان گونه که اتلاف مال غیر اگر چه از روی خطا باشد، ضمان ثابت است، در اتلاف نفس، یا عضوی از اعضاء اگر خطائی باشد باز هم دیه ثابت است و اما مسئله خسارات، به حسب ظاهر ادله به مقداری که لازم اتلاف آن عضو است; چیزی بر جانی نیست و در زاید بر آن به مقتضای قاعده; ضمان بر جانی ثابت می شود چون او سبب این خسارت شده است.

س۱۱۰۴ برای شمول حکم قصاص آیا احراز قصد ارتکاب به عمل قتل (مبتنی بر قتل) شرط است؟ اگر احراز نشود دیه واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; یکی از دو امر شرط است، احراز قصد کشتن یا احراز قصد عملی که به حسب طبیعی و غالب می کشد

ولو آن شخص قصد کشتن نداشته باشد.

س۱۱۰۵ عده ای از جوان ها که دوره نظامی دیده اند عازم منطقه ای می شوند در بین راه گلوله ای از اسلحه یکی خارج می شود و به یکی از همراهان اصابت می کند و به قتل می رسد و ضارت اقرار دارد که سهواً انجام شده این چه نوع قتلی است و اولیاء دم چه حقی دارند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مدعی است قصد شلیک نداشته، قتل خطایی است و دیه باید داده شود ولی اگر مدعی است قصد شلیک به چیز دیگری داشته; قتل، غیر عمد است که باز دیه واجب است.

س۱۱۰۶ در یک حادثه رانندگی در اثر تصادف یک دستگاه اتوبوس با موتور سیکلت دو نفر فوت شده و اکنون علم اجمالی بر ارتکاب قتل غیر عمد یک نفر از دو نفر توسط راننده اتوبوس داریم (زیرا مسلم شده که یکی از آن دو قبل از برخورد با اتوبوس، به زمین می افتد و می میرد) لکن معلوم نیست دیه ای که راننده اتوبوس باید در قبال یک نفر پرداخت نماید به کدام طائفه و کدام ورثه باید بدهد؟

ج باسمه تعالی; دیه بین دو طائفه مردد است و در چنین مواردی به قائده عدل و انصاف رجوع می شود که یک مسئله اجتماعی و مستفاد از روایات خاصه می باشد و حکم به تنصیف دیه شده و به هر طائفه نصف داده می شود.

س۱۱۰۷ آیا سرقت از جرایم قابل گذشت است؟ آیا از این جهت بین سرقت حدّی و تعزیری تفاوتی وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم مطالبه صاحب حق و

عدم مراجعه به حاکم شرع، ولو سرقت با علم و بيّنه ثابت شود قطع يد نمی شود و همچنين است اگر مال دزديده شده را به دزد ببخشد يا سارق را قبل از مرافعه عفو کند. ولی چنانچه بعد از مرافعه نزد حاکم باشد; قابل بخشش و گذشت نيست.

س۱۱۰۸ راننده ماشين اولی شخصی را زده و دومی هم زده و او را کشته است آيا اولی مقصر و جانی است يا دومی قاتل است؟

ج باسمه تعالی; بعد از زدن ماشين اول چنانچه حيات مستقره ندارد اولی قاتل است و دومی حکم جرح به ميت را دارد امام چنانچه حيات مستقره دارد; دومی قاتل است و اولی حکم جرح کسی را دارد.

س۱۱۰۹ ديه اقساط جنين در حالت نطفه، علقه، مضغه و استخوان به ترتيب در روايتی ۲۰ دينار ۴۰ دينار ۶۰ دينار در استخوان ۸۰ دنيار و هنگامی که استخوان از گوشت پوشيده شود ديه آن ۱۰۰ دنيار است تا اين که جنين متولد شود در اين صورت ديه کامل خواهد بود به نظر جانب عالی امروزه چگونه بايد محاسبه شود؟

ج باسمه تعالی; دينار يک مثقال شرعی طلا است و هر مثقال ۱۸ نخود است.

س۱۱۱۰ اگر مسلمانی، کافر ذمی را به قتل برساند چه مقدار ديه بر عهده مسلمان است؟

ج باسمه تعالی; هشتصد درهم، که هر درهمی ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار است.

س۱۱۱۱ درمورد تغليظ ديه در ماه های حرام; آيا تغليظ برای کفار ذمی نيز در نظر گرفته می شود يا خير؟

ج باسمه تعالی; تغليظ ديه، يعنی اضافه ثلث، اختصاص به مسلم ندارد و در ديه کفار ذمی نيز جاری است.

س۱۱۱۲ بفرماييد

دیه به عنوان خسارت است یا مجازات مالی؟

ج باسمه تعالی; در احکام شرعی فرقی نمی کند.

س۱۱۱۳ پسر بچه پانزده ساله که شب هنگام پس از بیدار شدن از خواب فرد اجنبی را به صورت برهنه با مادرش در اتاق خواب می بیند به اعتقاد این که او فرد خائن و متجاوز به ناموس است و باید کشته شود فرد مزبور را که در حال فرار بوده به قتل می رسانند قتل ارتکابی توسط نامبرده مشمول کدامیک از عناوین قتل محسوب است قتل عمد یا شبه عمد است؟

ج باسمه تعالی; شبه عمد است; چون قتل از حدود است و حدود تدرأ بالشبهات.

س۱۱۱۴ با توجه به ادعای زن مبنی بر این که از روی تهدید، مجبور به برقراری رابطه با اجنبی شده است آیا عمل ارتکابی از سوی فرزند تازه بالغ وی، می تواند مشمول عنوان دفاع از ناموس و در نتیجه عدم مشمول ادله قتل عمد در مورد وی باشد؟

ج باسمه تعالی; خیر مشمول آن عنوان نیست و مع ذلک، قتل عمد نیست.

س۱۱۱۵ با توجه به این اطلاعات فقهی نوجوان، در احکام شرعی کم بوده آیا جهل وی به مسأله می تواند رافع مسئولیت باشد؟

ج باسمه تعالی; رافع مسئولیت نسبت به قصاص است; ولی نسبت به دیه خیر.

س۱۱۱۶ آیا در واجب شدن دیه بر عاقله، در صورت صدور جنایت از غیر بالغ، برای ممیز و غیر ممیز بودن کودکان سن خاصی قائل هستید یا تشخیص آن معیار دیگری دارد و آیا برای بچه های ممیز احکام جزایی مثل بالغ اجرا می شود یا فرق می کند؟

ج باسمه تعالی; ممیز

بودن کودکـان سن خاصـی نـدارد و تـا به حـد بلوغ نرسـند احکـام جزایی افراد بـالغ بر آن هـا مـترتب نمی شود. در خصوص قصـاص روایات مختلفی وارد شـده و در بعضـی روایات ده سال و در بعضـی دیگر ۸ سـال و در روایات دیگر ضوابط دیگری ذکر شده است ولی به نظر من تا به سن بلوغ نرسند; قصاص ثابت نیست; بلکه دیه ثابت است آن هم بر عاقله. در مورد حدود تا بالغ نشوند; حد آن عمل جاری نمی شود و غیر بالغ در هر موردی حکم خاصی دارد.

س۱۱۱۷ کسـی که طبق تشـخیص دکتر مرگش حتمی است آیا قبل از مردن جایز است بعضی از اعضاء را قطع کرده و به افراد سالم نیازمند بدهند؟ این عمل دیه دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; با اجازه خودش جایز است و دیه ندارد.

س۱۱۱۸ آیا تغلیظ دیه شامل حرم مکه می شود یا فقط شامل ماه های حرام (رجب، ذیعقده، ذیحجه و محرم) می گردد؟

ج باسمه تعالی; فقط مختص به ماه های حرام است.

س۱۱۱۹ هنگام مشاجره، درگیری و نزاع ممکن است یکی از طرفین با علت استرس ناشـی از مشاجره سکته قلبی نموده و فوت نمایـد. این موارد، نسـبتاً شایع و همواره تعـدادی پرونده در محاکم قضایی مطرح بوده و اولیاء دم تقاضای پیگرد قانونی دارند. چنانچه جسد، مورد معاینه دقیق قرار گرفته و کالبد شـکافی شود; ممکن است علائمی به نفع بیماری قلبی عروقی و سکته های جدید یا قدیم قلبی مشاهده شود، قاضـی معمولا پرونده را به کمیسیون کارشناسی پزشکی ارجاع و نظر آنان را در مورد میزان تأثیر استرس و هیجان ناشی

از منـازعه و تشدیـد بیمـاری زمینه ای و تسـریع مرگ جویـا می شود. مثلا ممکن است تأثیر هیجانات ناشـی از منازعه طبق نظر پزشـکی قـانونی به عنـوان نظر خـبره، ده درصـد ذکر شـود و ممکن است متـوفی خـود شـروع کننـده مشـاجره بـوده و مـوجب عصبانیت خود بوده و یا این که عامل مشاجره موجب عصبانیت و سکته ذکر شود. پاسخ فرمایید:

اولا: آیا کسـی را که به سبب استرس ناشی از مشاجره فوت نموده؛ در صورت تشیخص خبره (پزشکی قانونی) می توان طرف مقابلش را به دیه محکوم نمود یا خیر؟

ثانیـاً: آیـا عامـل مشـاجره که موجب عصـبانیت و سـکته گردیـده مباشـر در قتل است یا این که میزان تأثیر عمل (به اسـتناد نظر پزشکی قانونی) شرط است؟

ج باسـمه تعـالی؛ در ثبوت دیه، اسـتناد مرگ به جانی معتبر است بلکه آن چه از روایات وارده در حفر چاه و غیره مسـتفاد می گردد آن است که دوران ضمان دیه، مدار اضرار و تفریط می باشد. بنابر این اگر متوفی، خود شروع کننده مشاجره بوده است بر طرف مقابل هیچ وجهی بر ثبوت دیه، نیست و اگر طرف شـروع کننده بوده است؛ چنانچه ذی حق بوده است؛ باز وجهی بر ضمـان نیست و اگر ذی حق نبوده است؛ چون حادثه با عمل هر دو پیش آمـده است اگر چیزی ثابت شود؛ نصف آن برعهـده طرف است و چـون فرض این است که مشـاجره تنهـا سـبب فـوت نبـوده است و در چنین مـواردی چون روایت خاصـی وجود ندارد؛ تعبیر به حکومت و ارش می کنند و مقدار آن مربوط به حاکم شرع است.

س۱۱۲۰ با این که نظرات فقهی

فقهاء عظیم الشأن (رض) دیه مجموع چهار پلک دو چشم، دیه کامل ذکر شده و بین پلک های بالا و پلک های پایین فرق قائل اند; به این صورت که ثلث دیه کامل را برای پلک های بالا و برای پلک های پایین نصف دیه کامل را قرار دادند; پاسخ فرمایید:

اولا: با توجه به امکانات جراحی امروزی در چشم پزشکی و جراحی ترمیمی، می توان گفت که تقریباً همیشه امکان ترمیم پلک ها وجود دارد آیا با این وجود نیز دیه کامل دارد یا درصد تعیینی خبره در ترمیم و عدم ترمیم در تعیین دیه مؤثر است تکلیف چیست؟

ثانیاً: از نظر ارزش عضوی و نحوه درمان، بین پلکهای بالا و پایین اختلاف محسوسی با توجه به پیشرفت علم پزشکی مشاهده نمی شود; آیا اختلاف دیه منصوص است، باید اطاعت کنیم یا امکان تغییر بر مبنای نظریه پزشکی و خبرگان وجود دارد؟

ثالثاً: در صورتی که پلک های بالا ثلث دیه داشته باشند و پلک های پایین نصف دیه کامل، تکلیف ثلث باقی مانده چه می شود؟

ج باسمه تعالی; اول: درباره حراجی ترمیمی در فقه در بخش دیات اعضاء مفصلا بحث شده است که عضو اگر به کلی از بین برود چه مقدار دیه دارد و اگر ترمیم شود چه مقدار و چنانچه در مورد عضو مخصوصی این تفصیل حکم نشده باشد; حکمش از موارد دیگر با تعیین متخصصین معلوم می شود.

ج دوم: چنانچه قائل به اختلاف دیه بشویم که هستیم ولو نظر فقها یکی نیست بلکه سه قول به واسطه روایات وجود دارد باز هم نص میزان است که بدون تعلل

مورد قبول است.

ج سوم: تکلیف ثلث دیه ی باقیمانده نیز تعیین شده است و آن سقوط است. یعنی جانی نباید تمام دیه را بدهد; بلکه دو ثلث بدهد.

س۱۱۲۱ شخصی با مراجعه به دادگاه مدعی است که بر اثر تصادف استخوان های صورتم شکسته و دادگاه دیه لازم را صادر نموده و لیکن زیبایی صورتم به کلی آسیب دیده، به طوری ک در مجامع عمومی با خجالت حضور پیدا می کنم و به خاطر نقص زیبایی حاصله تقاضای خسارات نموده است. آیا زیبایی مستقلا یک عنوان خاص است و دارای ارزش و یا دیه ی خاصی است. آیا نظریه ی کارشناسان فن از جمله پزشکی قانونی در زمینه خسارت وارده وجاهت شرعی دارد یا خیر لطفاً راهنمایی فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در معیوب شدن دماغ و لب، در روایات دلیل خاص وارد شده که اگر دماغ شکسته شود یا لب شکافته شود و بعد از معالجه باز هم دماغ یا لب معیوب باشد دیه زیادتر از موردی است که معالجه شود. از این روایات و روایات دیگر، معلوم می شود که معیوب شدن، عنوان مستقلی است. بنابر این اگر استخوان صورت، شکسته شود و دیه ی آن داده شود; ولی بعد از معالجه معیوب شده باشد; برای صورت، یک ضمانی هست و چون دیه ی آن معین نشده است به عنوان ارش و حکومت چیزی باید داده شود.

س۱۱۲۲ در نظر فقهاء بزرگوار شیعه در بخش دیات که به استناد آن ماده ۳۸۲ قانون مجازات تدوین گردیده آمده است که اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی کسی فاسد شود موجب دیه کامل است.

س

اولا: منظور از فساد چست؟

ج باسمه تعالی; منظور از فساد، از کار افتادن بینی است که تمام منافع آن برای انسان از بین برود.

س ثانیاً: با توجه به پیشرفت علم پزشکی امروز شکستگی بینی به سادگی و با هزینه کم قابل درمان است و معمولا با شکستن، بینی فاسد نمی شود آیا باز هم دیه کامل باید پرداخت و اگر بدون عیب ترمیم شد یکصد دنیار را باید داد یا این که با نظر خبرگان پزشکی دست قاضی در کم و یا زیاد دیه باز است؟

ج باسمه تعالی; اجماع علما بر یک صد دینار است و از روایتی که در شکستن پشت وارد شده است یک کبرای کلی استفاده کرده اند و آن این است که در شکستن آن چه، دیه کامل باشد; اگر بدون عیب ترمیم شود، یک صد دینار ثابت است و حقیر هم در فقه الصادق همین گونه فتوا داده ام.

س۱۱۲۳ در کتب دیات برای از بین بردن هر یک از سوراخ های بینی ثلث دیه کامل و سوراخ کردن بینی به طوری که هردو سوراخ و پرده ی فاصل میان آن دو پاره شود یا این که آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد.

پاسخ فرمایید

س اولا: منظور از سوراخ کردن بینی چیست آیا منظور بسته شدن بینی است یا قطع شدن و یا تغییر شکل آن است؟

ج باسمه تعالی; مراد از بین رفتن منخرین است که مورد استفاده واقع می شود.

س ثانیاً: سوراخ کردن دیواره بین

مجاری بینی از عوارض عمل های جراحی داخل بینی نیز منظور هست یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س ثالثاً: با توجه به معالجات ترمیمی امروز تکلیف چیست همان دیه منظور است یا می توان کم یا زیاد نمود؟

ج باسمه تعالی; قطعاً مراد سوراخی نیست که لازمه عملی باشد که بینی به حالت اولیه برگردد و در صورت ترمیم قطعاً دیه، کمتر می شود.

س۱۱۲۴ در مورد طفل متولد از زنا بفرمایید:

الف) طفل ناشی از زنا که والدین طبیعی او مسلمان می باشند، به تعبیّت از پدر یا مادر تکوینی، حکم مسلمان را دارد؟

ب) مجازات قتل چنین کودکی چیست؟ (قصاص، دیه، تعزیر یا هیچ کدام).

ج) چنانچه حسب مورد، قصاص یا دیه به او تعلق می گیرد، ولی دم وی چه کسی است؟

د) میزان دیه و مورد مصرف آن چگونه است؟

ج باسمه تعالی; الف) مقتضای اطلاق دلیل مانند خبر حفص تبعیت ولد لوالده در اسلام است و محکومیت به مسلمانی است و دلیل نفی ولدیت ولدالزنا، فقط به ارث مختص است و شامل بقیه احکام نیست.

ب) اگر بالغ طفل را بکشد; قصاص نمی شود. بلکه باید دیه بدهد و دیه ی ولدالزنا (۸۰۰) درهم است که کمتر از یک دهم دیه ی مسلمان می باشد و تعزیر هم اضافه بر دیه مجازات او است.

ج) ولی دم او مانند ولی دم حلال زاده است زیرا نفی فرزندی مختص به ارث است.

د) میزان دیه ۸۰۰ درهم است و مصرف آن اگر دینی دارد; ادای دین شود والا متعلق به امام است.

عیدالزهرا

س۱۱۲۵ نظر مبارکتان را راجع به جلسات عیدالزهرا(س) بیان فرمایید و بگویید آیا این جلسات، جلسات

لهو و لعب حساب می شود یا نه؟ و دست زدن در آن چطور است؟

ج باسمه تعالی؛ تشکیل جلسات عیدالزهرا(س)، در صورت خالی بودن از محرمات، از بهترین قربات است و اما دست زدن در صورتی که توام با کارهای خلاف شئون اسلامی و خلاف تقوی نباشد؛ اشکال ندارد.

کف زدن

س۱۱۲۶ کف زدن در جشن مولودی های ائمه(علیه السلام) توسط هیئت های مذهبی چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ اگر فقط کف زدن باشد و کارهای خلاف در آن نباشد؛ اشکالی ندارد.

(ت) س۱۱۲۷ کف زدن در عروسی ها و عیدالزهرا چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اشکالی ندارد.

س۱۱۲۸ بعضی می گویند مجرد کف زدن همراه با مدیحه سرایی مداحان اهل بیت(علیه السلام) در اعیاد مذهبی ولو بدون استعمال آلات لهو و لعب حرام است این حکم چطور است؟

ج باسمه تعالی؛ حکم به حرمت چیزی، بدون دلیل از محرمات اکیده است. کف زدن به عنوان اولی حرام نیست. در منزلتان برای بچه ی کوچک کف بزنید هیچ اشکالی ندارد ولی در حال نماز خواندن، زیاد کف بزنید؛ چون نماز باطل می شود حرام است و در اعیاد مذهبی چنانچه برحسب موازین عرفی و عادی به مقامات معنوی ائمه اطهار اهانت بشود حرام است والا جایز است.

عزاداری

عزاداری

احتراماً، با عرض اعتذار به جهت تصدیع اوقات شریف، به استحضار می رساند تعداد استفتاء در مورد برپایی تعظیم شعائر مراسم عزاداری خامس آل عبار حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) می باشد که مستلزم نظر مبارک حضرت عالی است لذا خواهشمنداست نظر مبارک را بفرمایید.

۱ سینه زنی و زنجیر زنی

س۱۱۲۹ دلیل سینه زنی برای ائمه(علیهم السلام) چه می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ تعظیم شعائر مذهبی.

س۱۱۳۰ آیا سینه زنی و زنجیر زدن در عزاداری که منجر به کبود و حتی جاری شدن خون می شود جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۱۳۱ برهنه شدن مردان در حال سینه زدن و زنجیر زدن در منظر زنان چگونه است؟

ج باسمه تعالی; بر مرد جایز است ولی زن ها نگاه نکنند.

س۱۱۳۲ آیا سینه زدن و زنجیر زدن ریایی جایز است؟

ج باسمه تعالی; همانند نماز ریایی است.

۲ تعزیه و شبیه خوانی

س۱۱۳۳ در عزاداری حضرت سید الشهداء هر گونه عزاداری از قبیل زدن قمه و طبل و سنج چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۱۳۴ آیا بهتر است به جای شبیه خوانی، روضه خوانی برپاکنند; روضه خوانی مگر همان تغزیه و شبیه خوانی روی منبر نمی باشد؟

ج باسمه تعالی; تمامش خوب است.

س۱۱۳۵ آیا تعزیه خوانی در مراسم عزاداری جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۱۳۶ آیا تشبیه به اهل بیت(علیهم السلام) درنمایش و تعزیه و غیر آن جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۱۳۷ آیا تعزیه خوانی که مشتمل بر تشکل مرد و زن و کوچک کردن حضرت زینب(س) و معرفی امام سجاد(علیه السلام) به یک فرد بیمار و پاشیدن نقل و نبات و زدن ساز و نقاره و امثال آن هاست جایز است؟ و شرکت در آن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; تشکل مرد به زن اشکالی ندارد; ولی باید مراعات مقام رفیع صدیقه ی صغری زینب کبری(س) و امام سجاد(علیه السلام) بشود که هیچ گونه اهانت به آن ها نشود.

۳ استفاده از لباس سیاه

س۱۱۳۸ آیا پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین(علیه السلام) و دیگر ائمه(علیه السلام) چنانکه مرحوم صاحب حدایق فرموده رجحان شرعی دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است و مستحب، من مقید به این کار هستم.

۴ استفاده از علم و علامت

س۱۱۳۹ حکم علم هـایی که در مراسم عزاداری امـام حسـین(علیه السـلام) از آن ها اسـتفاده می شود و بعضـی دارای نقش و نگارهایی نیز هستند چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

۵ استفاده از طبل و دهل و آلات موسیقی

س۱۱۴۰ آیا در عزاداری سیدالشهدا استفاده از طبل و دهل جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۱۴۱ چنـد سـالی است که اسـتفاده از ابزار موسـیقی به شـیوه رقـابت در برخی از هیأتهـای عزاداری مرسـوم شـده حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطلقاً حرام است.

۶ مسائل متفرقه ی عزاداری

س۱۱۴۲ در ایام سوگواری اباعبدالله الحسین(علیه السلام) نماز مقدم است یا عزاداری ؟

ج باسمه تعالی; نماز مقدم است.

س۱۱۴۳ آیا پول دادن به مرثیه سرایانی که در لابه لای اشعار خود بعضـی از مطالب بی مدرك یا ضعیف السند را مطرح می کنند یا با غنا می خوانند صحیح است؟ و آیا اصل عزاداری در اثر این کار خلاف، حرام می شود؟

ج باسمه تعالی; غنا خواندن حرام است; ولی اصل کارها خوب است.

س۱۱۴۴ آیـا جـایز اسـت پـارچه و دسـتمالهایی را که ایـام محرم بر سـر علم می بندنـد بفروش برساننـد و در عزاداری و تعمیر حسینیه و یا مسجد مصرف نمایند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه وقف آن کار به خصوص نشده باشد; اشکالی ندارد.

س۱۱۴۵ آیـا برپا کردن جشن میلاد ائمه(علیه السـلام) یامجلس عزاداری و یا میهمانی کردن بـدون اذن شوهر و بی رضایت او جایز است؟

ج باسمه تعالی; نباید عدم رضایت و یا نهی او عمل شود.

س۱۱۴۶ در مجالس زنانه ی عزاداری; زنان مداحی و سخنرانی می کنند و صدای آن ها با بلندگو به گوش مردان رهگذر می رسد آیا این عمل جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صدای آن ها موجب تهییج شهوت نشود اشکالی ندارد.

س۱۱۴۷ اگر قمه زدن باعث وهن مذهب شیعه شود آیا در این صورت قمه زدن جایز است؟

ج باسمه تعالی; اصلا

موجب وهن نمی شود; بلکه عکس آن مشهود است.

س۱۱۴۸ نظر مبارک در مورد سینه زنی های ضربتی و زنجیر زنی های ضربتی و قمه زنی ضربتی و قمه زنی حتی در غیر محرم و صفر چیست؟

ج باسمه تعالی; همه آنها از شعائر مذهبی است و کار بسیار خوبی است ولی باید رعایت نمود که ضرر جانی منجر به تلف نفس نشود.

س۱۱۴۹ پوشیدن لباس سیاه در غیر ایام محرم و صفر چگونه است؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس سیاه در ایام مصیبت های وارده بر اهل بیت(علیه السلام) خوب است و در غیر آن موارد هم اشکال ندارد.

س۱۱۵۰ خواندن قرآن و نوحه و عزاداری به صورت موسیقی و به سبک و آهنگ موسیقی باشد چگونه است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۱۵۱ این که در اخبار وارد است اقامه ی مجلسی برای سیدالشهداء(علیه السلام) و گریه برای آن حضرت ثواب دارد؟ هدف از آن چیست؟

ج باسمه تعالی; هدف احیای نام و روش آن حضرت است تا برای مسلمانان سرمشق باشد و در راه ترویج دین و سعادت بشر، همه گونه فداکاری بنمایند.

س۱۱۵۲ استعمال طبل و شیپور مخصوصاً در عزاداری سیدالشهداء(علیه السلام) چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; طبل ساده که از آلات لهو نباشد; مانعی ندارد.

س۱۱۵۳ روز عاشورا برای اظهار همدردی با معصومین(علیه السلام) صورت خیمه گاه درست کردن و آتش زدن جایز است و اسراف محسوب نمی شود؟

ج باسمه تعالی; نه تنها اسراف نیست; بلکه عملی مستحسن است. البته رعایت شود تا موجب اهانت به خاندان رسالت نباشد.

س۱۱۵۴ با توجه به این که امام حسین(علیه السلام) به شهادت رسید و

غلبه ی ظاهری نداشت و یزید هم مدتی ظلم و حکومت خود را ادامه داد در این صورت حکمت قیام و هتک حرمت اسراء چیست؟

ج باسمه تعالی; حکمت آن، توقف داشتن بقای دین بر شهادت و آن اعمال است و معصوم فرموده است: الاسلام حسینی البقاء.

س۱۱۵۵ آیا حدیثی که دلالت بر جواز استفاده از طبل و سنج و شیپور در عزای حضرت سیدالشهداء(علیه السلام)دارید؟ راهنمایی بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; روایات زیادی درباره ی عزاداری آن حضرت وارد شده است و از این امور نهی نشده است و مقتضای اطلاق روایات، جواز آن ها است.

س۱۱۵۶ آیا حدیث معتبری درباره چرخاندن صدا در گلو که بی اشکال باشد سراغ دارید یا نه بغیر از حدیث امام رضا(علیه السلام) در اصول کافی؟ خبر واحد که مطابق با کلام خدا نباشد دلیل صحت نیست؟

ج باسمه تعالی; اگر مراد غنا است روایات متعددی در حرمت آن است. خبر واحد اگر مخالف صریح یا ظاهر قرآن نباشد; حجت است و لازم نیست موافق باشد. به علاوه آیاتی وارد شده که دلالت بر حرمت غنا می کند و من در کتاب فقه الصادق نوشته ام.

س۱۱۵۷ در هیئت های حسینی(علیه السلام) در اثر شور عزاداری گاهی به سر و صورت خود می زنند و بدن را مجروح می کنند آیا این مورد اشکالی دارد یا نه؟ ج باسمه تعالی; بی اشکال است.

س۱۱۵۸ در دستجات عزاداری حسینی(علیه السلام) که به خیابان و بازار می روند و باعث بسته شدن راه عبور می شوند آیا سدّ معبر حساب می شود؟ البته کسانی که از آن مسیر عبور می کنند اکثراً

برای تماشای عزاداری می آیند.

ج باسمه تعالی; این گونه سدّ معبر جایز و بی اشکال است.

س۱۱۵۹ مرثیه خواندن خانم ها با بلندگو و سینه زنی در مجلس زنانه چه صورت دارد؟ پختن جو پوست کنده به صورت سوپ اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; مرثیه خوانی از عبادات بسیار با اهمیت است و باید حتی المقدور از امور غیر شرعیه دور باشد البته، خواندن خانم ها بدون شنیدن اجانب هیچ اشکالی ندارد. سینه زدن خانم ها نیز در مجلس خانم ها هیچ اشکالی ندارد، پختن جو نیز اشکالی ندارد.

س۱۱۶۰ عده ای برای اظهار محبت به حضرت رضا(علیه السلام) نزدیک حرم مطهر سینه خیز و با کشیدن صورت به زمین به حرم می روند; حتی صورت زخم و خونی می شود جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که باعث نقص عضو نشود جایز است.

س۱۱۶۱ ذاکران و مداحان که بعضی روضه ها را با آهنگ های موسیقی یا قریب به آن می خوانند، وجه شرعی آن چیست؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطلقاً حرام است ولو در روضه خوانی باشد.

س۱۱۶۲ مزد گرفتن بابت مداحی اهلبیت و سخنرانی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۱۶۳ بعضی از مداحان اهل بیت از عبارت های (من مستم، از همه خوشگلتری) استفاده می کنند آیا این الفاظ اهانت به ساحت مقدس ائمه حساب می شود؟

ج باسمه تعالی; مداحی شغل بسیار شریفی است و اجر جزیل دارد و حیف است که این عمل با اهانت به مقام اهل بیت(علیه السلام) مبدل به خلاف شرع شود.

س۱۱۶۴ در عزاداری امام حسین(علیه السلام) به صورت لطمه زدن و خود را مجروح

کردن و قمه زدن، احیاناً هلاک می شوند و استفاده از طبل چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; تمام آن چه ذکر کرده اید جایز و متسحسن است; مگر کاری که موجب هلاکت شود.

آرزوی دیدن امام زمان(علیه السلام)

س۱۱۶۵ اگر روزی قرار باشد خداوند آرزوی شما را برآورده کند; مهمترین خواسته و آرزوی شما از خداوند چیست؟

ج باسمه تعالی; در مرتبه ی اول، ظهور حضرت بقیه الله ارواحنافداه و بودن من در خدمت آن حضرت و در مرتبه ثانیه تشرف به خدمت آن حضرت در حال غیبت.

انبیاء و ائمه

س۱۱۶۶ آیا عصمت مراتب دارد و در انبیاء سلف مراتب نازله بوده است؟

ج باسمه تعالی; یقیناً مراتب دارد; چون خود علم مراتب دارد.

س۱۱۶۷ بردن نام امام زمان چه صورت دارد با وجود این که در زیارت جامعه اسم آن حضرت برده شده است؟

ج باسمه تعالی; در این زمان جایز است. ولی نبردن اسم مبارک بهتر است.

س۱۱۶۸ چرا حضرت یونس(علیه السلام) فرمود (سبحانک انی کنت من الظالمین) این چه ظلمی بود؟

ج باسمه تعالی; معنی ظالم بودن او ظاهراً این است که عمل او شبیه به ظلم بوده است و آن خروج یونس از محل سکونتش بود که یونس از این عمل هم تبری می کند تفصیل در محل دیگر ملاحظه کنید.

س۱۱۶۹ راجع به شعیب صالح بفرمایید آیا شباهت هایی به حضرت امام زمان(علیه السلام)دارد؟ و از کجا می شود تشخیص داد که منظور از شعیب صالحی که قبل از امام زمان(علیه السلام) ظهور خواهد کرد کیست؟

ج باسمه تعالی; شعیب بن صالح رسول یا شعیب نبی، سومین رسول عرب است که در قرآن اسم او برده شده است و به سوی قومش برای ارشاد فرستاده شد ولی قوم او، او را کشتند و جنازه اش را به جوی انداختند و شعیب بن صالح که قبل از ظهور امام

زمان(علیه السلام) قیام می کند اهل سمرقند است و از آن جا قیام می کند و بعد فرماندهی یک مقدار از قشون امام زمان(علیه السلام) به او واگذار می شود تفصیل آن را در محل دیگر ملاحظه کنید.

س۱۱۷۰ آیا قتل قبطی به دست حضرت موسی(علیه السلام) منافات با عصمت ندارد؟

ج باسمه تعالی; آن چه از روایات استفاده می شود آن که حضرت موسی مأمور به قتل او بود. آن چه هست شاید مختصر عجله ی در آن کرده است. به هر حال شیخ طوسی می فرماید:

چنانکه کسی بگوید که حرام بوده خلاف ضروری گفته است.

س۱۱۷۱ آیا ترک اولی برای ائمه معصومین امکان داشته است؟ آیا عدم معصیت با توجه به عصمت کمال می باشد؟

ج باسمه تعالی; امکان داشته ولی نکرده اند، مسلماً کمال است زیرا عصمت موجب سلب اختیار نمی شود تا آن که اختیاری، نباشد و قائل به جبر شویم.

س۱۱۷۲ معاشرت با افرادی که شش امامی یا چهار امامی هستند شرعاً چگونه است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۱۷۳ آیا صحیح است که ام کلثوم را امیرالمؤمنین(علیه السلام) به عقد عمربن خطاب در آوردند ولی از او بچه دار نشد و می گویند اگر حضرت به او نمی داد عمر تهمت دزدی به حضرت می زد؟

ج باسمه تعالی; دروغ است.

س۱۱۷۴ چرا امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حیات حضرت زهرا(س) تزویج دیگری نکرد و عدم تزویج آن حضرت برای چه بود آیا حق تزویج نداشت؟

ج باسمه تعالی; حق نداشتن اکراماً و تعظیماً للزهراء(س) بود.

س۱۱۷۵ خداوند در قرآن می فرماید: یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً معنی آیه چیست؟

ج باسمه

تعالی; معنی «صلوا علیه» گفتن «اللهم صلی علی محمد و آل محمد» است.

س۱۱۷۶ چرا در چهار سوره ی قرآن قل، که خطاب به پیغمبر است تکرار شده است؟

ج باسمه تعالی; تکرار نیست. چند مورد است که در هر مورد کفّار سؤال هایی می کردند و خداوند به پیغمبر خطاب می کند به آن ها بگو.

س۱۱۷۷ آیا عدم تقبل توبه از قتله ی ائمه(علیه السلام) از عمومات و اطلاقات تقبل توبه خارج می باشد؟

ج باسمه تعالی; قاتلین ائمه طاهرین(علیهم السلام) هیچ کدام موفق به توبه نشدند بنابراین این بحث اثری ندارد و به عقیده من توبه ی آن ها قبول نیست.

س۱۱۷۸ قیام سیدالشهداء با توجه به علم به شهادت، چگونه موضوع برای القاء نفس بر تهلکه ی منهیه نمی باشد و عزم رفتن حضرت علی(علیه السلام) به مسجد با علم به شهادت چگونه باید عنوان شود؟

ج باسمه تعالی; قیام حضرت سیدالشهداء (صلوات الله علیه) با علم به شهادت چون سبب بقای دین شد در حالی که دین در شرف اضمحلال بود امری لازم بود. به عبارت دیگر حسین بن علی(علیه السلام) خود را فدای دین کرد. کاری که نظیرش را البته با مرتبه ی نازله، انبیاء و ائمه موظف به انجام آن بودند; اگر این شرایط برای خود حضرت امیر(علیه السلام) هم بود; چنین می کرد، و امّا مسجد رفتن حضرت امیر(صلوات الله علیه) به واسطه ی آن بود که آن ها موظف بودند در عمل، به طریق متعارف عمل کنند نه از راه علم غیب. مسئله محتاج تفصیل است.

س۱۱۷۹ تاریخ شهادت سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی(علیه السلام) هفتم صفرالمظفر

سنه ۴۹ق و ۲۸ صفرالمظفر ۴۹ ق نوشته اند کدام صحیح است؟

ج باسمه تعالی; آن چه من در ذهنم است ۴ روایت است سومی ۲۵ ربیع الاول و چهارمی ۵ ربیع الاول. ولی عمده همان دو روایت است که ذکر کرده اند و چه خوب است شیعیان هر دو روز را ارج نهند اگر روز هفتم را بیشتر اهمیت نهند بهتر است چون روایتش اقوی است.

س۱۱۸۰ آیا این روایت صحیح است (کذب الوقاتون) تعیین وقت ظهور برای حضرت جایز نیست؟

ج باسمه تعالی; چون وقت ظهور، بیان نشده است هرکس تعیین کند دروغ گفته است و حدیث قطع نظر از سند، مطابق قواعد هم می باشد.

س۱۱۸۱ آیا امام زمان(علیه السلام) فقط معاندین را به قتل می رساند؟ در صورتی که یاران امام(علیه السلام) منحصر به ۳۱۳ نفر باشد چگونه بر مستکبرین جهان با این قدرتشان غلبه خواهد کرد؟

ج باسمه تعالی; در این که حضرت(علیه السلام) با ظهور خود دنیا را پر از عدل می کند تردیدی نیست. همچنین تعداد اصحاب (۳۱۳) بیش از این است و مدتی هم جنگ می کند که در آن تردیدی نیست. ظاهراً رجال دولت و اولین گروه همراه آن حضرت به این تعداد است.

س۱۱۸۲ منظور از انتظار فرج چیست؟

ج باسمه تعالی; کسی که منتظر مهمان بزرگی باشد لابد تمام وسایل پذیرایی را فراهم نموده و کاری که موجب ناراحتی مهمان شود انجام نمی دهد. بنابر این کسی که انتظار فرج و ظهور امام(علیه السلام) را دارد قهراً باید به وظایف شرعیه، خوب عمل کند; چون انتظار فرج افضل اعمال است.

س۱۱۸۳ آیا اعتقاد به غیبت

حضرت(علیه السلام) از ضروریات دین است؟ یا از ضروریات مذهب یا هیچ کدام؟

ج باسمه تعالی; از ضروریات مذهب نیست و ظاهراً از ضروریات دین، بلکه ادیان آسمانی می باشد.

س۱۱۸۴ آیا رجعت از ضروریات مذهب است و حکمت آن چیست و آیا همه ی ائمه تشریف می آورند بعد قیامت می شود؟

ج باسمه تعالی; اصل رجعت به نظر من ضروری است شاید بیش از ۲۰۰ روایت بر آن دلالت دارد و رجعت حضرت امیر(علیه السلام) و حسین بن علی(علیه السلام)از مسلمات است. رجعت بقیه به این واضحی نیست و اما حکمت رجعت چه هست مقام گنجایش بیان آن را ندارد.

س۱۱۸۵ آیا شفاعت از ضروریات دین است و حکمت آن چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; شفاعت از ضروریات است و آیات و روایات دال بر آن است.

س۱۱۸۶ مراد از عصمت وارده درباره ی حضرت زینب(علیه السلام) و حضرت ابوالفضل چه مرتبه ای است؟

ج باسمه تعالی; عصمت به معنای علم است. معصومین(علیه السلام) به کنه معاصی علم پیدا می کنند و آن مانع صدور معصیت است. کما این که خود ما اگر علم به خباثت چیزی داشته باشیم; مانند خوردن کثافات، ممکن نیست آن عمل را انجام بدهیم. ائمه اطهار(علیه السلام) به همه ی معاصی چنین علمی دارند. مرحوم مامقانی راجع به حضرت زینب(س) معتقد است معصوم بوده است و من معصومین را چهارده تن می دانم ولی نمی توانم راجع به آن مخدّره قضاوت کنم و فقط آن را می گویم که آیت الله خوئی فرموده است: هی لا تخشی غیر الله سبحانه، تقول حقاً و صدقا، لا تحرکها العواصف و لا تزیلها

القواصف، فحقاً هی اخت الحسین(علیه السلام) و شریکه.

س۱۱۸۷ ایام شهادت ائمه(علیه السلام) مثل عاشورا و شهادت های دیگر عروسی کنند جایز است یا خیر؟ اگر قصد بی اعتنایی کنند چطور؟

ج باسمه تعالی; شخص شیعه ی محب اهل بیت، ممکن نیست چنین کاری بکند. اگر کسی مرتکب شود لابد شیعه ی خالص نیست.

س۱۱۸۸ آیا عصمت درجاتی دارد که چهارده معصوم(علیه السلام) در درجات عالیه واقع شده باشند؟

ج باسمه تعالی; مسلماً درجاتی دارد و ائمه(علیه السلام) درجات عالیه را دارا بودند.

س۱۱۸۹ آیا جایز است اسم مبارک پیامبر(صلی الله علیه وآله) با کنیه ی حضرت با هم به بچه نامگذاری شود؟

ج باسمه تعالی; حرمت ندارد ولی مستحسن نیست.

س۱۱۹۰ چه اعمالی موجب رضایت و یا دیدن امام زمان(عج) فراهم می شود؟

ج باسمه تعالی; انجام واجبات، ترک محرمات، کمک به بیچارگان و دستگیری از مستمندان و اعمال مستحبه و...

س۱۱۹۱ پولی که توسط هیئت عزاداری ائمه اطهار(علیه السلام) جمع آوری شده آیا می شود بدون اجازه ی بزرگان هیئت در جای دیگر خرج کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اختیار آن پول های جمع شده، با کسی است ک هیئت او را متصدی قرار داده است و بدون اجازه ی او نمی توان خرج کرد.

س۱۱۹۲ آیا در احادیث و روایات از معصومین درباره صلوات، بیان شده است که آل محمد، شامل فقط حضرت زهرا، امامان معصوم است و یا شامل سادات نیز می شود؟

ج باسمه تعالی; آل محمد(صلی الله علیه وآله) حضرت زهرا(س) و ائمه معصومین(علیه السلام)می باشند و شامل سادات نیست.

س۱۱۹۳ آیا لعنت و فحش نسبت به بنی امیه و آل سفیان جایز

است یا به خاطر این که بنی امیه و بنی هاشم از یک پدرند لعنت نسبت به آن ها بازگشت به پیامبر می کند؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است بلکه از بهترین عبادات است.

س۱۱۹۴ چرا به حضرت مهدی(عج) کنیه اباصالح داده اند؟

ج باسمه تعالی؛ ابو بصیر می گوید: حضرت به او فرمودند چنانچه در بیابان گرفتار شدی؛ بگو «یا صالح» و یا بگو «یا اباصالح» غیر از این ظاهراً مدرک دیگری نیست.

س۱۱۹۵ وقتی می گوییم امام حسین(علیه السلام) برای حفظ اسلام کشته شده به دین خدا اهانت کرده ایم و یا در حقیقت پذیرفته ایم نابودی و بقاء اسلام منوط به بود و نبود یک انسان است؟

ج باسمه تعالی؛ دنیا دار تکلیف و اختیار است؛ یعنی امام برای حفظ اسلام کشته شد. چون بر حسب موازین دنیوی وضع اسلام به جایی رسیده بود که به جز اسم، چیزی از آن نبود و وسیله ای جز قیام و کشته شدن امام برای رساندن حقایق به مردم نبود، امام دست به این کار زد که پس از کشته شدن امام قیام ها شروع و مردم به اسلام هدایت شدند.

س۱۱۹۶ به چه علت امیرالمؤمنین با ابوبکر بیعت کردند؟ با توجه به این که بیعت با وی تأیید خلافت و دلیل به حق بودن او شمرده می شود؟

ج باسمه تعالی؛ به خطبه های نهج البلاغه و به خصوص خطبه شقشقیه رجوع کنید.

س۱۱۹۷ در صورت امکان، اسامی علمایی را که اجازه می فرمایید از کتب ایشان نقل روایت شود مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ در این زمان اجازه ی نقل روایت از کتب لازم نیست

و همه می توانند از هر کتاب چاپی نقل کنند.

س۱۱۹۸ اگر سیدی به معصومین(علیه السلام) فحش دهد، آیا از اهل جهنم است و ضمناً کشتن او واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ در هر دو سؤال بلی.

س۱۱۹۹ اگر کسی اهانت به انبیاء سلف کند آیا واجب القتل است؟ و عصمت در حق آن ها ضروری است؟

ج باسمه تعالی؛ سبّ موضوع حکم است نه اهانت و در آن دو قول است؛ اقوی و جوب قتل است؛ للنبوی الخاصی: من سبّ نبیاً قتل و من سبّ صاحب نبیّ جلد (وسائل باب ۲۵ من ابواب حد القذف) و عصمت انبیاء ضروری است.

س۱۲۰۰ در روایتی هست که در مسجد کوفه هزار وصی پیغمبر نماز خوانده است و در روایت دیگر گوید که کوفه را عمر بنا کرده است لطفاً توضیح را به طور اجمالی بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ مسجد کوفه از اوائل خلقت بشر موجود بوده، جای قبول توبه ی آدم و استقرار کشتی نوح در آن جا است. بعضی از حضرات معصومین علیهم السلام از مدینه مسافرت نموده در آن جا نماز خوانده اند. بنابر این هیچ مانعی تصور نیست از صحه روایت ذکر شده اولا و روایت دوم مجعول است قطعاً.

س۱۲۰۱ سؤال می کنند که چرا خداوند حضرت آدم(علیه السلام) را از درخت منهیه نهی فرمود و چرا حضرت آدم(علیه السلام) از درخت مذکور خورد؟

ج باسمه تعالی؛ «عصی آدم ربه ففوی» به معنی نسی امرر به لغوایه الشیطان وارد شده است. حضرت رضا(علیه السلام) در روایتی می فرماید: ان الله عزّوجلّ آدم حجه فی ارضه و خلیفه فی

بلاده لم یخلقه للجنه و کانت المعصیه من آدم فی الجنه لا فی الارض.

س۱۲۰۲ با این که هجرت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در اول ماه ربیع الاول اتفاق افتاده چرا اول سال قمری، اول ماه محرم است؟

ج باسمه تعالی; چون اول محرم در نزد عامه مردم اول سال بوده است; نخواستند این عادت را به هم بزنند. ولی مبدأ تاریخ چون مختلف فیه بوده است هجرت پیغمبر(صلی الله علیه وآله)گرفته اند که عموم مسلمین با این امر موافق می باشند.

س۱۲۰۳ با این که خارج کردن تیر از پای مبارک امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حال نماز و متوجه نشدن حضرت به آن، در عروه الوثقی و رساله های آیات عظام و جامع السادات علامه نراقی(ره) ج ۳ ص ۳۲۸ چ قم، مذکور است یکی از علمای متأخر نوشته خبر مذکور را به علت اشتهارش نقل کرده اند و تا به حال کسی سندی معتبر ارائه نکرده است؟ نظر حضرت عالی چیست؟

ج باسمه تعالی; بزرگانی که اسم برده اید اجل از آن هستند که خبر نادیده نقل کنند.

س۱۲۰۴ چنانچه کسی به حضرت عباس(علیه السلام) و حضرت زینب(علیه السلام) سبّ و اهانت کند آیا واجب القتل است و آن بزرگواران در چه درجه قرار داشته اند؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که سبّ آن ها، بالالتزام سبّ امام باشد; بلی و بعض فقهاء در سبّ مادر و دختر پیغمبر(صلی الله علیه وآله)البته غیر از حضرت زهرا(علیه السلام)، ملتزم شده اند و در خصوص حضرت زینب(علیه السلام) من فتوای صریح نمی دهم.

س۱۲۰۵ روایتی که می گوید زینب(علیه السلام) بالای سر نعش برادرش امام حسین(علیه السلام)رسید; عرض کرد

آیا تو برادر منی آیا تو فرزند مادر من هستی; می شود نسبت به حضرت زینب(س) داد؟

ج باسمه تعالی; بلی، اشکال ندارد. وعاظ آن را به حضرت زینب سلام الله علیها نسبت بدهند.

س۱۲۰۶ روایتی که می گوید حضرت زینب(علیه السلام) در قتلگاه این جمله را به خدا عرض کرد (الهی تقبل منا هذا القربان)؟

ج باسمه تعالی; از جواب مسأله قبل جواب این مسأله و سه مسأله بعد معلوم می شود.

س۱۲۰۷ روایتی که می گوید وقتی حضرت زینب(علیه السلام) بر سر نعش مطهر امام حسین(علیه السلام) رسید عرض کرد: السلام علیك یا ذبیحاً من القفا اختك لك الفدا یابن محمد المصطفی و یا قره عین فاطمه الزهراء)؟ در کجا نقل شده است؟

ج باسمه تعالی; اللهوف فی قتلی الطفوف ص ۱۳۰، المناقب ج ۴ ص ۱۱۳، بحارالانوار ج ۴۵ ص ۵۹.

س۱۲۰۸ روایتی که می گوید حضرت زینب(علیه السلام) در قتلگاه خطاب به بدن امام حسین(علیه السلام) کرده و عرض کرده: اگر تمام مصیبت های تو را فراموش کنم این مصیبت تو از یاد نمی رود، تو را میان دو نهر آب با لب تشنه شهید کرده و هرچه آب خواستی ندادند. و روضه ای که نقل شده امام زمان ارواحنا فداه موقع ظهور می خواند: «الا یا اهل العالم جدی الحسین(علیه السلام) قتلوه عطشاناً» در کجاست؟

ج باسمه تعالی; شجره طوبی ج ۲ الحائری ص ۳۹۷.

س۱۲۰۹ روایتی که می گوید «و مثل من خرج منا اهل البیت قبل قیام القائم(علیه السلام) مثل فرخ طار و وقع من و کره فتلاعبت به الصبیان» در کجاست؟

ج باسمه تعالی; این روایت از

امـام باقر(علیه السـلام) است در غیبه نعمانی ص ۱۹۹، مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۷ و قریب به این مضـمون روایتی از امام سجاد(علیه السلام) نقل شده است در کافی ج ۸ ص ۲۶۴ و وسائل ج ۱۵ ص ۵۱.

س۱۲۱۰ با این که محـدث نوری در لؤلؤ مرجان از شـیخ مفید و شـیخ طوسـی و شـیخ کفعمی و علامه حلی رضوان الله علیهم اجمعین روایت فرموده که اهـل بیت پیامبر روز اربعین از شام به طرف مـدینه حرکت کردنـد و ورود اهل بیت(علیه السـلام) به کربلا را در روز اربعین علمائی مانند علامه مجلسی(ره) در زاد المعاد; فاضل بیرجندی(ره) در وقایع الشهور; محدث قمی(ره) در منتهی الامال; دکتر آیتی(ره) در بررسی تاریخ عاشورا آن را رد فرموده اند نظر حضرت عالی چیست؟

ج باسمه تعالی; این امر مورد اختلاف است. ولی به نظر من ورود به کربلا همان اربعین اول بوده است.

س۱۲۱۱ این که مشهور است شریح قاضی فتوا به قتل امام حسین(علیه السلام) داد; آیا سند مشهور دارد؟

ج باسمه تعالی; ظاهر این است که چنین نیست و لذا مختار تعرض شدید به او نکرد. فرد دیگری به نام شریح بوده است که او فتوا داده است.

س۱۲۱۲ حـدیثی از امـام کـاظم(علیـه السـلام) مروی اسـت کـه می فرمایـد: «مـن اخـذ دینـه من افـواه الرجـال رده الرجـال» در کجاست؟

ج باسـمه تعالی; در الفصول المهمه شیخ حر عاملی ص ۱۲۵ و شـیخ صدوق روایت را از امیرالمؤمنین(علیه السلام) نقل نموده است.

س۱۲۱۳ آیا عکس در حال جوانی پیامبر که در دست مردم است صحت دارد؟

ج باسمه تعالی; نمی دانم. ولی خود من به احتمال

درست بودن نگه داشته و به آن تبرک می جویم.

س۱۲۱۴ آیا ملاقات با حضرت ولی عصر(عج) را در زمان غیبت کبری قبول دارید؟

ج باسمه تعالی; کسانی که مشرّف به لقاء آن حضرت شده اند خیلی زیاد هستند. مرحوم مجلسی در بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱ تا ۷۷ جماعت زیادی را نقل می فرماید که مشرف شده اند، حاجی نوری در النجم الثاقب صد قصه را نقل می کند و کتب زیادی در این موضوع یعنی کسانی که به لقاء آن حضرت مشرف شده اند تألیف شده است. مانند «تبصره الولی فی من رای القائم المهدی» لسید هاشم البحرانی و «البهجه فی من فاز بلقاء الحجه» لسلماسی الاصفهانی و «العبقری الحسان فی تاریخ صاحب الزمان» للنهاوندی و «تذکره الطالب فی من رأی الامام الغائب» و «دارالسلام فی من فاز بلقاء الامام» و تشرف سید بحرالعلوم و شیخ انصاری و غیرهما من الاساطین از مسلمات است. بنابر این مراد از روایتی که اشاره فرمودید ظاهراً این است که کسی به عنوان نائب خاص ادعا کند مانند سیدعلی محمد باب باید او را تکذیب کرد.

س۱۲۱۵ حکمت عدم جواز تصریح اسم مبارک امام زمان چیست؟

ج باسمه تعالی; در روایات متعدد منع ذکر نام آن حضرت است و فقهای بزرگ آن ها را حمل بر تقیه در زمان های سابق نموده اند که آن حضرت متولد شده بود و چون شیعه و سنی روایت کرده اند که آن حضرت خواهد آمد و اسم او موافق اسم پیامبر است و چون آن حضرت را مخفی کردند; جبابره آن عصر در تفحص حال حضرت بر می آمدند لهذا منع شده

که اسم آن حضرت برده شود.

س۱۲۱۶ می گویند که روز عاشورا امام حسین(علیه السلام) به حضرت عباس(علیه السلام) پناه برد؛ آیا صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ عیالات بلی، ولی خود امام حسین(علیه السلام) خیر.

س۱۲۱۷ با توجه به این که پایبند بودن به دین در فطرت بشر است؛ پیامبر قبل از نبوتش به چه دینی عمل می کردند؟

ج باسمه تعالی؛ اقوال مختلفی است. به نظر من، به دین خودشان عمل می کردند که بعد از سال ها مأمور به ابلاغ، مردم شدند.

س۱۲۱۸ نظر جناب عالی درباره کسی که غصب فدک را منکر شده چیست؟

ج باسمه تعالی؛ این شخص یا بی سواد و بی اطلاع است یا معاند و مخالف.

س۱۲۱۹ حکمت در رجعت ائمه(علیه السلام) چیست؟

ج باسمه تعالی؛ مسئله محتاج به تفصیل است. آنچه بر ما لازم است اعتقاد به رجعت است چون از طریق حضرات معصومین علیهم السلام بیان شده است.

س۱۲۲۰ اگر شب لیله القدر تمام مقدرات خداوند متعال بر امام زمان(علیه السلام) نازل می شود ولی در روایت می فرماید در هر شب جمعه به علم ما افزوده می شود آن چه علمی است؟

ج باسمه تعالی؛ علم ائمه(علیه السلام) مخصوص به مقدرات نیست تا زیاد نشود.

س۱۲۲۱ نوشتن اسماء جلاله و یا اسامی معصومین و القابشان جهت تبرک روی لباس ورزشی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ فی نفسه اشکال ندارد.

دعا و زیارت

س۱۲۲۲ آیا خواندن دعاها و زیارات کتاب مفاتیح الجنان به قصد ورود یا رجاء، مستحب است؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، مستحب است.

س۱۲۲۳ آیا خواندن زیارت عاشورا در ایام غیر از روز عاشورا، مثلا در ماه مبارک رمضان یا روز

جمعه به قصد ورود یا رجاء مستحب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، مستحب است.

س۱۲۲۴ درجه وثوق دعای معروف به علوی مصری و صنمی قریش در چه حد است؟

ج باسمه تعالی; به هر تقدیر مستحب است.

س۱۲۲۵ آیا در زیارت عاشورا گفتن یک بار سلام به جای صد بار سلام و گفتن یک بار لعن به جای صد بار لعنت به قصد ورود یا رجاء جایز و مستحب است؟

ج باسمه تعالی; خیر، جایز نیست زیارت عاشورا که بسیار فضیلت دارد به این نحو خوانده شود بلی فی نفسه اگر به قصد ورود نباشد خوب است.

س۱۲۲۶ بعضی می گویند در زیارت عاشورا تمام لعن و سلام صد مرتبه گفتن لازم نیست بلکه همان جمله اخیر در لعن (اللهم العنهم جمیعا و در سلام (السلام علی الحسین تا آخر) صد مرتبه گفته شود کافی است؟

ج باسمه تعالی; این کیفیت هم کافی نیست; بلکه باید تمام لعن و سلام را صد مرتبه گفت.

س۱۲۲۷ آیا زیارت عاشورا را به نحوی که اخیراً متداول شده است که لعن و سلام را هر کدام یک مرتبه می گویند و بعد از هر کدام می گویند مأه مره، قبول دارید یا نه؟

ج باسمه تعالی; زیارت عاشورا که آن ثواب های محیر العقول برای آن ذکر شده است به این نحو نیست. بلکه باید هر کدام از لعن و سلام صد مرتبه تکرا شود.

قرآن

س۱۲۲۸ چرا بعضی آیات قرآن نسخ شده و به پیغمبر(صلی الله علیه وآله) امر نمی شده است که حکم واقعی گفته شود؟

ج باسمه تعالی; آیه الله خوئی منکر نسخ می باشند. ولی اگر قائل شویم; می

توان گفت چون در اول امر، یا در بیان آن حکم مصلحت نبوده است یا مفسده بر آن مترتب می شده است.

س۱۲۲۹ اولین نویسنده وحی که بوده است؟

ج باسمه تعالی؛ حضرت امیر(علیه السلام).

س۱۲۳۰ آیا قرآن به خصوص در دست حضرت امیر(علیه السلام) بوده غیر از قرآن هایی که خلیفه غاصب وقت جمع آوری کرده است و این قرآن موجود از آن ها است؟

ج باسمه تعالی؛ امتیاز قرآن حضرت، به اشتمال آن در تفسیر و تأویل و شأن نزول می باشد که همه را خود پیغمبر بیان کرده بوده اند والا خود آن قرآن، همین قرآن ما است بدون زیاده و کم.

س۱۲۳۱ تفسیر قرآن برای غیر مجتهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ تفسیر قرآن برای مجتهد و غیر مجتهد حرام است. ولی بیان معنی ظاهری قرآن، تفسیر نیست و اشکال ندارد.

س۱۲۳۲ پا دراز کردن در مقابل قرآن حرام است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ دراز کردن پا مقابل قرآن چون اهانت تلقی می شود؛ نباید انجام گیرد. چنانچه اهانت نباشد؛ اشکال ندارد.

س۱۲۳۳ در قرآن کدام یک (سلام علی ال یاسین یا آل یاسین) درست است؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهراً اولی درست است.

استخاره

س۱۲۳۴ آیا در قرآن استخاره ثابت است؟

ج باسمه تعالی؛ چند کتاب در این موضوع نوشته شده است یکی از آن ها که اخیراً چاپ شده است؛ به نام فتح الابواب تألیف سید بن طاووس کتاب خوبی است به آن مراجعه کنید. من معتقد به استخاره هستم و زیاد هم استخاره می کنم و اثرات محیر العقولی هم دیده ام.

س۱۲۳۵ آیا در استخاره، تعیین مصلحت واقعی می شود؟

ج باسمه تعالی؛

حتماً.

س۱۲۳۶ کسی نسبت به استخاره آگاهی نداشته باشد و در اثر استخاره ایشان به کسی ضرر وارد شود آیا ضامن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر، ضامن نیست ولی کار شرعی انجام نداده است.

لعن

س۱۲۳۷ در اثر ناراحتی و عصبانیت لعن مؤمن جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; لعن مؤمن جایز نیست ولی اگر عصبانیت سلب قدرت نماید حرام نیست. آنچه حرام است لعن مؤمن به ماهو مؤمن است والا لعن او به واسطه کار خلافی که انجام می دهد نمی دانم جایز نباشد در قرآن به کاذب لعن شده و در روایات به تعداد زیادی از مرتکبین معاصی لعن شده است.

س۱۲۳۸ لعن و ناسزا گفتن بر فرزندان ائمه مانند جعفر کذاب و امثال او چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۲۳۹ در بعضی از اخبار وارد شده که آتش بر فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها حرام شده است، حتی اگر آن ها از مخالفین باشند. البته بعضی که ادعای امامت کاذب کنند از این حکم مستثنی شده اند; آیا مسئله همین طور است؟ چرا؟ لعن آنان چطور است؟

ج باسمه تعالی; خیر روایت صحیح نیست و روایات کثیره و ادعیه وارده از ائمه(علیهم السلام) دلالت دارد بر این که سادات عاصی و یا کافر مانند غیر ساداتند و فرقی بین آن ها نیست. لعن آنان نیز جائز است.

س۱۲۴۰ آیا لعن و نفرین و اظهار عداوت با غاصبین حق حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) و فاطمه زهرا سلام الله علیها علناً جایز است؟

ج باسمه تعالی; در مجتمع شیعه، بلی جایز و راجح است و در جایی که خوف

فتنه و تشتت و اذیت شیعه بشود؛ باید مراعات نمود.

توبه

س۱۲۴۱ مراد از فوریت توبه چیست و اگر کسی هنگام انجام معصیت قصد توبه داشته باشد آیا به توبه ضرر می رساند یا خیر، آیا وجوب توبه تعبدی است یا ارشادی؟

ج باسمه تعالی؛ فوریت معنایش آن است که در اول وقت ممکن، باید توبه را انجام دهد و چون واجب است؛ باید فرمان بردار باشد و عاصی نباشد و فوراً توبه کند و قصد توبه حقیقی، با انجام معصیت سازگار نیست.

س۱۲۴۲ آیا انجام فعل متجری به، مثل سفر برای کشتن فردی که ظاهر شود کشته، شده حرام است؟ برای رفع اثر آن احتیاج به توبه است؟

ج باسمه تعالی؛ تجری حرام است ولی به حکم عقل قبیح است و از مواردی است که قاعده ملازمه، در آن جاری نیست.

س۱۲۴۳ در توبه انشاء صیغه و عزم بر ترک شرط است؟

ج باسمه تعالی؛ انشاء لازم نیست. عزم بر ترک و پشیمانی از گذشته شرط است.

س۱۲۴۴ کسی که به ظلم، عده زیادی را به قتل رسانده باشد و تمکن از ادای دیه ندارد؛ چگونه توبه در حق او محقق می شود؟

ج باسمه تعالی؛ از رحمت الهی نباید مأیوس شد.

س۱۲۴۵ اگر یک شیعه مذهب که معتقد به ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) است و از اصول دین خود می داند از این عقیده برگردد کافر می شود یا محکوم به اسلام است؟

ج باسمه تعالی؛ خیر، کافر نمی شود. منکر توحید و رسالت و یا ضروری دین کافر است.

س۱۲۴۶ در مثل قضیه حمید بن قحطبه که ۶۰ سید را کشت بعداً هم نماز و روزه انجام نمی داد

و هر ظالمی عده ای را با ظلم بکشد و سپس اگر نادم شد راه تحقق توبه چگونه است؟

ج باسمه تعالی; توبه ظالم به رد حقوق مردم و تصمیم قطعی بر ترک گناه و پشیمانی از آن گناه و گذشته خویش می باشد و هیچ کسی نباید از رحمت حق مأیوس باشد.

س۱۲۴۷ کافر بودن شخص به چه وسیله است؟ آیا با خبث باطنی یا بی عقیده بودن اوست؟

ج باسمه تعالی; کافر بودن یک مرحله ظاهری و یک مرحله واقعی دارد. مرحله ظاهر با هر دو سازش دارد. چون با گفتن شهادتین حکم به اسلام او می شود هرچند او خبث باطنی داشته باشد یا بی عقیده باشد.

محرمات

س۱۲۴۸ در مورد استفاده از گوشت و مرغ و خرید آن ها از مغازه در ایران و کشورهای غربی چگونه است؟

ج باسمه تعالی; آنچه در ممالک اسلامی است و در بازار مسلمانان است و یا در دست مسلمان است و فروشنده می گوید ذبح شرعی شده است و شما هم احتمال بدهید درست می گوید حلال است و اگر از کافر در بلاد کفر گرفته حرام است.

س۱۲۴۹ نفس جدل کردن آیا حرمت شرعیه دارد.

ج باسمه تعالی; خیر ندارد.

س۱۲۵۰ نفس ملامت و سرزنش حرمت دارد؟

ج باسمه تعالی; ندارد.

س۱۲۵۱ غضب کردن و کینه توزی حرمت دارد؟

ج باسمه تعالی; غضب حرام نیست عمل بر طبق آن گاهی حرام است.

س۱۲۵۲ قهر کردن از برادران دینی حرمت دارد و مراد از روایتی که در ارشاد القلوب و کتب دیگر است که می فهماند کسی که سه روز با برادر دینی هجرت کند از دایره اسلام خارج است

چیست؟

ج باسمه تعالی; روایت سند معتبری ندارد و فقهاء هم فتوا نداده اند.

س۱۲۵۳ آیـا لعن مؤمن به اطلاق کریمه (یوم ینادی المنادی الا لعنه الله علی القوم الظالمین و یا المحتکر ملعون و شارب الخمر ملعون) و غیره جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

فیلم، عکس، رادیو و تلویزیون

س۱۲۵۴ بدن زن کافر با تصاویر مونتاژ شود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۲۵۵ به تصویر کشیدن تخیلات و داستان هایی که دستمایه آن ها تخیل و اوهام می باشد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۵۶ نمایش محرمات بدون این که در واقع حرامی انجام شود (مثل نمایش شـرب خمر به وسـیله آب یا نمایش قمار بدون شرط بندی و قصد بازی) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که موجب موهون شدن محرم شود و یا مانند اشاعه فحشاء شود; جایز نیست.

س۱۲۵۷ نمـایش رقص بر فرض این که اصـل را حرام بـدانیم در فیلم چه حکمی دارد و آیـا بین رقص های آیینی و غیر آیینی تفاوتی هست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و فرقی بین آن دو نیست. هر دو جایز است.

س۱۲۵۸ ساخت فیلم های ترسناک برای سرگرمی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد.

س۱۲۵۹ نمایش صـحنه های ترسـناک یا صحنه های فجیع کشتار و شکنجه، در فیلم، به عنوان بخشی از داستان و ماجرای یک فیلم چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه بی مانع است.

س ۱۲۶۰ نمایش مجامعت حیوانات در فیلم های مستند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر موجب فوران شهوت نشود جایز است.

س ۱۲۶۱ گوش دادن به صدای زن خواننده

برای مردان چه حکمی دارد؟ (در صورتی که آواز از باب غنای حرام نباشد) مونتاژ این گونه تصنیفات بر روی فیلم یا تصویر خود خواننده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۲۶۲ آیا دیدن برخی فیلم ها که در آن شئونات اسلامی رعایت نشده و مدتی است با اجازه از وزارت ارشاد در سینماها پخش می شود جایز است در صورت اشکال راه حل شرعی را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; اجازه وزارت ارشاد، حرام را حلال نمی کند. باید موازین شرعی در دیدن و شنیدن رعایت شود.

س۱۲۶۳ نگاه کردن به فیلم های خارجی و ایرانی بدون قصد لذت چگونه است، لطفاً بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به فیلم های ایرانی که زن بی حجاب را نشان می دهد و فیلم های خارجی که بدن عریان زن را نشان دهد; حرام است و نیز گوش دادن به آواز موسیقی در ضمن آن جایز نیست.

س۱۲۶۴ در صورتی که سوژه یا قالب اقتضاء نماید که کارگردان یا بازیگران مؤنث (مسلمان یا غیر مسلمان) حجاب کامل یا اصلا حجاب را رعایت نکنند ساخت و نمایش و تماشای چنین فیلم ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; از بازیگر غیر مسلمان اشکال ندارد.

س۱۲۶۵ برای آن که مقام معنوی و شئون ائمه و پیامبران محفوظ بماند، در ساختن فیلم زندگی آنان چه نکات و ضوابطی لازم است رعایت شود؟

ج باسمه تعالی; مقامات معنوی آنان قابل درک نیست و با ساختن فیلم نمی توان آن را ارائه کرد ولی اگر بنا باشد فیلمی ساخته شود; باید فیلمی باشد که مظهر مقام عبودیت و تسلیم آن ها در

برابر حق و صبر در برابر مشکلات و استقامت و مبارزه با ظالمین و جنایت کاران و حکام جور و دستگیری از مستمندان و طرفداری از حق و مستضعفین و یا مشابه آن باشد، همچنین در مورد زندگی خصوصی آن ها نباشد (و در این صورت چند سؤال پیش می آید).

س۱۲۶۶ اول: در صورتی که نمایش زندگی و چهره معصومین(علیه السلام) در فیلم مستلزم هیچ گونه اهانتی به ساحت مقدس آن حضرات نباشد و مردم را به تأسی و الگو پذیری از روش ها، منش ها و اخلاقیات آن بزرگواران ترغیب نماید؟ اولا: بازی هنرپیشگان در نقش معصومین(علیه السلام) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چون معصومین(علیه السلام) مجسمه روحانیت و معنویت می باشند; بازی هنرپیشگان نمی تواند کاشف از مقام آنان باشد.

س۱۲۶۷ ثانی: نشان دادن چهره هنرپیشه به جای چهره معصوم(علیه السلام) و نمایش حرکات و سکنات معصوم(علیه السلام) مثل راه رفتن، نشستن و برخاستن و غذا خوردن و خوابیدن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست. چون نشان داده نمی شود.

س۱۲۶۸ ثالث: آیا می توان به منظور آب و تاب دادن و جذابیت بخشیدن به داستان سخنانی را که از معصومین(علیه السلام) صادر شده از زبان معصوم(علیه السلام) دیگری بیان کرد؟

ج باسمه تعالی; چون دروغ است جایز نیست.

س۱۲۶۹ رابع: آیا می توان برای به تصویر کشیدن مواضع فکری معصوم(علیه السلام)، واقعه ای را به تصویر کشید که اتفاق نیفتاده; مثلا می دانیم که همه معصومین(علیه السلام) در مقابل ستمگران محکم و استوار بوده اند، حال اگر فرض کنیم در زندگی یکی از معصومین(علیه السلام) اتفاقی نیفتاده که حضرت معصوم(علیه السلام) در

مقابل ستمگری ایستادگی کند یا تاریخ آن را برای ما نقل نکرده باشد آیا می توان داستانی را ساخت و تصویر کرد تا روحیه ظلم ستیزی معصوم(علیه السلام) نمایش داده شود؟

ج باسمه تعالی; نمی شود و شرعاً حرام است.

س۱۲۷۰ به منظور تنبیه و توجه تماشاچی به نتیجه اعمال، آیا می توان صحنه های روز قیامت را به تصویر کشید و از آنجا که نمایش این صحنه مستلزم نمایش چهره فرشتگان عذاب و رحمت است; بازی هنرپیشگان در نقش فرشتگان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه به آن نحوی باشد که با سند صحیح باشد جایز است.

س۱۲۷۱ نگاه کردن به فیلم زنان بی حجاب چه حکمی دارد، و آیا در این مسأله بین مسلمان و کافر و بین فیلم مستقیم و غیر مستقیم تفاوتی هست؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به فیلم زن بی حجاب مسلمان جایز نیست و به فیلم زن غیر مسلمان جایز است البته به مقداری که به خود زن کافر می شود نگاه کرد.

س۱۲۷۲ در صورتی که زنان غیر مسلمان بدون مراعات حجاب اسلامی به ایفای نقش بپردازند؟

اولا: نگاه کردن عوامل تولید به این زنان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; به مقداری که در رساله ها نوشته شده است; جایز است.

س۱۲۷۳ ثانیاً: نگاه کردن تماشاچیان به فیلم آن ها چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فرقی بین تماشاچیان و عوامل تولید نیست.

س۱۲۷۴ ثالثاً: در صورت جواز تا چه حدی از بدن ایشان را می توان نمایش داد، آیا جواز منحصر به موی سر است یا شامل سایر اعضای بدن مثل پا و دست و بازو نیز می شود و

در صورت دوم آیا عورتین را نیز شامل می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; کشف آن به مقداری که متعارف است جایز می باشد ولی کشف عورتین آن ها جایز نیست.

س۱۲۷۵ آیا زن و مرد محرم مثل زن و شوهر می توانند در فیلم همدیگر را لمس کنند، ببوسند یا در آغوش بگیرند؟ آیا حکم این مسأله در صورتی که زن و مرد محرم، نقش دو محرم یا دو نامحرم را بازی کنند متفاوت است؟ دیدن این گونه روابط برای بیننده فیلم چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی جایز است که موجب تهییج شهوت نشود.

س۱۲۷۶ رعایت حجاب بر دختران نابالغ در فیلم و غیر فیلم تا چه حدی لازم است؟

ج باسمه تعالی; حد ندارد نمی توان به عورت آن ها نگاه کرد. س۱۲۷۷ لمس کردن دختران نابالغی که در نقش زنان بالغ بازی می کنند برای مردان نامحرم و لمس پسران نابالغی که در نقش مردان بالغ بازی می کنند برای زنان نامحرم چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; لمس دختر غیربالغ توسط مرد نامحرم در صورتی جایز نیست که مرد در معرض طغیان شهوت باشد و در غیر این صورت جایز است.

س۱۲۷۸ ساختن فیلم در ارتباط با آموزش مسائل جنسی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۷۹ بازی کردن مرد در نقش زن و زن در نقش مرد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۲۸۰ نمایش زنان بی حجاب با هنرپیشه های مصنوعی (نقاشی متحرک و تصاویر کامپیوتری) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد; مگر آنکه موجب طغیان شهوت باشد.

س۱۲۸۱ مونتاژ بدن

برهنه زنـان کـافر بـا چهره هنرپیشه هـای مسـلمان به وسـیله کامپیوتر به طوری که خیال شود همان زن است که برهنه شـده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۸۲ دیـدن زن های بی حجاب آرایش کرده در فیلم ها، در صورتی که بازیگر مسـلمان یا غیر مسـلمان باشـد چه صورت دارد؟

ج باسـمه تعالی; به قصـد ریبه و تلـذذ مطلقاً حرام است و اما بـدون ریبه دیدن زن غیر مسـلمان جایز است و دیدن زن مسـلمان چنانچه بدن و موی او پوشیده باشد ولو صورتش باز باشد; جایز است و در غیر این صورت جایز نیست.

س۱۲۸۳ دیدن عکس نامحرم بدون ریبه و با وجود آن چه صورت دارد و فرقی بین آشنا و ناشناس وجود دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به عکس زن نامحرم با قصد لذت حرام است و بدون قصد لذت جایز است در این صورت نیز بهتر است به عکس زن نامحرمی که می شناسد; نگاه نکند.

س۱۲۸۴ دختران می پرسند آیا می توانند در حرفه بازیگری یا کارگردانی فعالیت داشته باشند چه صورت دارد؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه مسـتلزم تماس غیر مشروع با مرد نامحرم باشد یا او را بدون حجاب شرعی در سینما یا تلویزیون نشان دهند; جایز نیست.

س۱۲۸۵ گرفتن عکس برای زن چه حکمی دارد؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه عکس گیرنـده زن باشـد; اشـکال نـدارد و همچنین است اگر عکس گیرنـده مرد باشـد و زن حجاب شرعی را رعایت بنماید.

س۱۲۸۶ آیا دیدن فیلم های سکس و مبتذل حرام است؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۱۲۸۷ آیا استماع تمام برنامه های صدا و سیما جایز است یا خیر؟

ج

باسمه تعالی; خیر، ساز و آواز موسیقی، نظر به زن های مسلمان بدحجاب و... جایز نیست.

س۱۲۸۸ آیات یا اسماء حسنی که در صفحه تلویزیون به نمایش در می آید آیا مس آن ها بدون طهارت جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر هتک نباشد; جایز است زیرا خط مس نمی شود و شیشه مانع است.

س۱۲۸۹ نظر مبارکتان درباره فرموده آیت الله بروجردی که گوش دادن به قرآن از رادیو و تلویزیون حرام است; چیست؟

ج باسمه تعالی; خیر، حرام نیست و خیال نمی کنم که ایشان فرموده باشند.

س۱۲۹۰ اگر در مجلسی که حضور داریم رادیو یا تلویزیون را روشن کنند وظیفه ما چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موسیقی پخش کند; باید نهی نمود و اگر نتواند نهی کند باید از مجلس خارج شود.

س۱۲۹۱ نظر مبارکتان در مورد ویدئو و ماهواره چیست؟

ج باسمه تعالی; بلاشک منشأ فساد است. ولی اگر می توانید فقط از برنامه های غیر فاسد آن استفاده نمایید و خانواده هایتان از این برنامه ها استفاده نکنند; اشکال ندارد.

س۱۲۹۲ نگاه کردن به فیلم های کاراته یا مذهبی و فیلم های آموزنده جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد البته در صورتی که زن بی حجاب و ساز و آواز در آن نباشد.

س۱۲۹۳ آهنگ های پخش شده در صدا و سیما چه حکمی دارد؟ دیدن زن مسلمان بی حجاب در تلویزیون حکمش چیست؟ نگهداری تلویزیون در منزل چطور است؟

ج باسمه تعالی; آهنگ هایی که در تلویزیون و رادیو پخش می شود چون موسیقی و غنا با آلات لهو و لعب است مطلقاً حرام است و دیدن نامحرم

در تلویزیون، مانند دیدن در کوچه و بازار است و حرام است و نگهداری تلویزیون در منزل، چنانچه سبب شود که خودتان یا خانواده تان مرتکب حرام بشوید; نباید نگه دارید ولی استفاده برای قرآن و سخنرانی و مدح اهل بیت و نوحه خوانی جایز است و نگهداری برای این امور جایز است و مانعی ندارد.

اشاعه فحشاء

س۱۲۹۴ آیا نقل عمل زشت و جنایات، بدون تعیین شخصی، از موارد اشاعه فحشا می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اظهار معصیت خود انسان یا دیگران، فی نفسه قبیح است; ولی اشاعه فحشاء که در آیه کریمه از آن نهی شده است مربوط به نسبت زنا به کسی دادن است که حد هم دارد.

س۱۲۹۵ مجلات سکسی که به طور قاچاق وارد شده و پخش می گردد و بسیار موجب فساد و فحشاء است; اگر راه جلوگیری از آن منحصر باشد که آن ها را بخرند و از بین ببرند آیا از سهم امام(علیه السلام) جایز است بخرند یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۲۹۶ حکم پخش و نشر و خرید و فروش و نگاه و نگهداری عکس های رنگی زن های هنرپیشه که با چهره ای جذاب و چشمگیر و در بعضی موارد موهای نمایان چاپ و تکثیر شده چیست؟ با توجه به این که افراد نامبرده معروف و سرشناس هستند و راضی هستند که مردم به عکس آن ها نگاه کنند آیا باز هم نگاه کردن به آن ها حرام است؟

ج باسمه تعالی; نظر به این که نشر و تکثیر چنین عکس هایی موجب تحریک جوانان می شود; قبیح است و جایز نیست. راضی بودن و

نبودن آنان دخیل در حکم نیست.

موسیقی

س۱۲۹۷ رفتن به مجالس عروسی که ساز و آواز و موسیقی استفاده می شود چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۹۸ نوارهای موسیقی که ارشاد اسلامی اجازه داده است; چطور است؟

ج باسمه تعالی; اجازه ارشاد موجب جواز محرم نمی شود.

س۱۲۹۹ مراد از آلات مختصه به لهو چه می باشد و طبل چگونه است؟

ج باسمه تعالی; مراد از آلات مختصه به لهو آن است که منفعت مهمه آن آلت، لهو باشد و اگر چیزی مانند رادیو دو قسم منفعت دارد آلت لهو نیست. بنابر این طبل از آلات لهو نیست.

س۱۳۰۰ معروض می دارد با گسترش فساد و فحشاء در جامعه و ترویج غنا و موسیقی، عده ای از افراد مغرض و منحرف دامنه این کار را به محافل و مجالس مذهبی کشانده اند و در صدد به ابتذال در آوردن این گونه مجالس هستند، خصوصاً در اعیاد و موالید ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین که به طرز خیلی عجیب، سرود و مولودی خوانده می شود که گاهی از خود مردم شنیده شده که می گویند: خواندن این ها به سبک ترانه های عاشقانه خواننده های غیر مذهبی می باشد که هیچ تناسبی با شئون مجالس مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین ندارد; بلکه خود نوعی اهانت به ساحت مقدس آن ها محسوب می شود، مخصوصاً که همراه با چنین نغمه هایی، به شکل خیلی زننده دست زده می شود; به طوری که مجلس از هر جهت شبیه به مجالس لهو و لعب می شود و گاهی هم

از مـداح هـا شـنیده شـده که می گوینـد دست زدن بـا سـینه زدن هیـچ فرقی نـدارد و کسانی که دست نمی زننـد مخالف اهل بیت(علیهم السـلام) هسـتند حال با توجه به روایات وارده در حرمت غنا و آیه شـریفه «و ما کان صـلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه» (سوره انفال آیه ۳۵) که در تفسـیر برهان و تفسـیر نور الثقلین و سایر تفاسیر معتبر شیعه در ذیل این آیه شریفه، روایت وارد شده که عبادت کفار در زمان جاهلیت دست زدن در کنار خانه خدا بوده است آیا حضـرت عالی غنا را در موقع خواندن اشـعار و سـرود و مولودی و همچنین دست زدن به همراه آن را جـایز می دانیـد یا خیر؟ مسـتدعی است که نظر مبارکتان را در این زمینه به طور صریح مرقوم فرمایید؟

ج باسـمه تعـالی; غنـا حتی در روضه خوانی و قرآن خوانـدن مطلقـاً حرام است و کسـی که بگویـد سـینه زدن در مصائب اهل بیت(علیهم السـلام) که از شـعائر مذهبی و از جمله اموری است که بقاء مذهب و دین به واسـطه این اعمال است با دست زدن در اعیاد مذهبی فرقی نمی کند بسـیار حرف غیر مربوطی زده است خداوند همه را از شرور و آفات حفظ نماید ولی کف زدن فی نفسه حرام نیست و روایتی که به آن اشـاره کرده ایـد معنایش همان است که از ظاهر آیه صـدراً و ذیلا اسـتفاده می شود و آن وعـده عـذاب به مشـرکین می دهـد زیرا آنـان بـا بازی کردن و کف زدن و سوت کشـیدن به جای نماز خوانـدن و عبادت کردن مانع از ورود مؤمنین به

مسجدالحرام می شدند. روایات دیگری هم در تفسیر آیه شریفه وارد است که مقام، گنجایش تعرض به آن ها را ندارد.

س۱۳۰۱ اگر شغل کسی مطربی باشد; درآمد حاصله از خوانندگی یا مطربی وی که شامل (زدن کلیه آلات موسیقی از قبیل نی، تار، ضرب) می شود چه حکمی دارد؟ آیا درآمد حاصل حلال است یا حرام؟

ج باسمه تعالی; درآمد موسیقی و خوانندگی غنائی حرام است.

س۱۳۰۲ اگر کسی به قصد تفریح و سرگرمی، از آلت موسیقی استفاده کند مثلا (نی یا تار) بزند حکم عمل وی چیست؟

ج باسمه تعالی; حرام الهی، با قصد تفریح و سرگرمی حلال نمی شود.

س۱۳۰۳ آیا تمام نوارهایی را که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (خصوصاً مداحی و موسیقی) مجوز تکثیر و پخش می دهد از نظر شرعی مجاز می باشد؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطلقاً حرام است و با مجوز وزارت ارشاد حلال نمی شود.

س۱۳۰۴ گوش نمودن به سرودها و موسیقی های شرعی، در روزهای عزا و اندوه ائمه(علیه السلام) در محرم و رحلت نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) و حضرت معصومه(س) و غیره جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه آوازی، غنا و موسیقی باشد; گوش دادن جایز نیست والا جایز است.

س۱۳۰۵ اخیراً در شهرها رسم شده است کنسرت موسیقی برگزار می کنند; توسط گروهی خواننده و با وسایل نوازندگی مانند پیانو، ویولون، ارگ، گیتار، تار، سه تار، اجرا می شود. اخیراً در شهر شاهرود نیز در چند مکان برگزار شده است و در بعضی مراسم زن و مرد به طور مشترک خوانندگی می کنند و می گویند ما مجوز داریم و از نظر قانون مجاز شده است

و این موسیقی عرفانی است. جمع کثیری نیز به خیال این که شرعاً بلا ـ اشکال است; بلیط تهیه کرده و در مجلس یاد شده شرکت کرده و استماع می نمایند. ضمناً مستمعین زن و مرد مشترکاً می باشند. لطفاً حکم اجرای موسیقی مزبور و حکم شرکت در آن مجلس و خرید و فروش بلیط آن و حکم پول تهیه شده از این را و پولی که خواننده ها می گیرند به عنوان اجرت چیست؟ آیا چیزی در اسلام به نام موسیقی عرفانی وجود دارد که شرعاً مجاز باشد؟

ج باسمه تعالی; موسیقی عرفانی که در اسلام جایز باشد; نداریم. این اصطلاح از صوفیه است و مسلماً مانند بقیه موسیقی ها حرام است; خصوصاً که با وسایل نوازندگی باشد. عجیب است که مصادر امر هم شنیده ام که تصریح می کنند به جواز، و مجریان امر چنین می کنند. خداوند تعالی هدایت شان کند.

س۱۳۰۶ شنیدن هر گونه آلات موسیقی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۱۳۰۷ نظر حضرت عالی در مورد به کارگیری آلات و ادوات موسیقی و معامله بر آن ها چیست؟

ج باسمه تعالی; چون موسیقی را حرام می دانم; چنانچه آن آلات، منفعت دیگری نداشته باشد معامله بر آن باطل است و اگر منفعت دیگر دارد; معامله صحیح است و استفاده در آن منفعت نیز، جایز است.

س۱۳۰۸ با توجه به کثرت علاقه مندان زن برای فراگیری انواع سازها در سطح کشور، چگونه می توان با حفظ موازین فقهی امکان ارائه این هنر، را توسط ایشان فراهم کرد؟

ج باسمه تعالی; مراد از این هنر، اگر موسیقی است با هیچ میزان فقهی، و

اگر هنر جایز است; خانم شوهردار باید رضایت شوهر را جلب کند و یا در حین عقد، شرط شود که شوهر باید اجازه دهد و اگر بی شوهر است محدودیتی غیر از رعایت موازین عام شرعی ندارد.

س۱۳۰۹ خلاقیت و تحول در موسیقی در گروه تربیت متخصص (نوازنده، آهنگساز، خواننده و...) است و نظر به این که امروزه موسیقی از مقوله علم و هنر و فرهنگ به شمار می آید; چگونه می توان با حفظ معیار فقهی به این مهم پرداخت؟

ج باسمه تعالی; راهی به ذهن من خطور نمی کند.

س۱۳۱۰ با توجه به این که ایران یکی از پنج تمدن بزرگ موسیقی بشری به شمار می آید و به دلیل مشکلات فقهی در بخش آموزش و اجرا، هم اکنون اغلب سازها و دستگاه های موسیقی و اجرای آن با معضل مواجه است آیا فقه اسلام در این زمینه رهنمودی دارد که در عین استفاده از این پدیده، ممنوعیت های فقهی را به دنبال نداشته باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه از موسیقی، همان غناء ارائه شده باشد که فعلا ظاهراً مراد همان است; فقه اسلامی رهنمودی ندارد و چنانچه مراد اعم از آن باشد که برای آن مقاماتی، مانند حسینی و منصوری و بقیه مقامات ذکر نموده اند و آن مقامات تباین با غناء دارد در فقه اسلامی منعی از آن نیست.

س۱۳۱۱ نظر مبارک راجع به موسیقی سنتی و غیر سنتی چیست؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطرب حرام است; سنتی و غیر سنتی ندارد.

س۱۳۱۲ معنی غنا و حکم آن را بیان کنید؟

ج باسمه تعالی; غناء صوت لهوی است.

س۱۳۱۳ نگاه کردن به فیلم های تلویزیون که

گاهی زن های بی حجاب نیز دارد و گوش دادن به صدای تاری که نواخته می شود چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۱۳۱۴ صاحب عروسی خواننده هایی می آورد و با آنان شرط می کند در جلو مردم ساز و سرنا و دایره بزنند و هر قدر پول از مردم گرفتند; مثلا یک صد هزار تومانش مال خواننده ها و بقیه مال صاحب عروسی باشد. آیا این پول به خواننده ها و صاحب جشن حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر حلال نیست.

س۱۳۱۵ با توجه به ترویج موسیقی از طرف برخی مراکز فرهنگی، بعضی ها می گویند غنا حرام است و موسیقی اشکال ندارد اولا ـ فرق بین غنا و موسیقی را بیان فرمایید و ثانیاً برخی می گویند موسیقی سنتی و اصیل اشکالی ندارد لطفاً نظرتان را بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; صوت مطرب و نواختن آلات مناسب با آن حرام است، اسم آن هرچه باشد فرق نمی کند. دعوی آن که موسیقی سنتی حرام نیست; ادعای عامیانه است و همه نوع موسیقی حرام است.

س۱۳۱۶ موسیقی چیست و به چه چیزی اطلاق می شود آیا می توان تعریف جامعی از آن داشت یا خیر؟

ج باسمه تعالی; موضوع علم موسیقس، صوت به ما هو صوت است و در عرف این زمان همان غنا است که عبارت از صوت لهوی مطرب است که موجب خفت در بدن می شود البته اگر مانعی نباشد.

س۱۳۱۷ ملاک در حرمت و حلیت هر کدام از غنا و موسیقی چیست؟ و اگر ملاک لهوی بودن آن است ملاک تشخیص لهو چیست؟ به عبارت دیگر تشخیص لهو به عهده خود

مکلف است یا این که باید به عرف مردم رجوع کند؟ و اگر ملاک عرف مردم است در زمان که عرف مردم اکثر موسیقی ها را لهو محسوب نمی کنند آیا وظیفه مکلف تغییر می کند؟

ج باسمه تعالی; معنای لهوی و مطرب بودن معنای واضحی است و چیزی نیست که با قرار دادن مردم عوض شود.

س۱۳۱۸ نظر شما در مورد موسیقی غنا مواردی که جایز است حکم تولید و تعلیم و تعلم و اجراء برای زن یا مرد، صرف نظر از محرمات قطعیه اختلاط زن مرد چیست؟

ج باسمه تعالی; غنا، بر زن در عروسی جایز است و لذا اجرت آن حلال است، و مستثنایات دیگری نیز دارد که تعلیم و تعلم آن، از نظر ما اشکال ندارد. نها......باید تعلیم و تعلم به تغنی و استماع نباشد.

س۱۳۱۹ آیا برای اعتلای هنر موسیقی ایرانی در سطح جهان می توان کنسرت های مستمر و مرتب برگزار کرد؟

ج باسمه تعالی; کنسرت ها با تغنی خیر، بدون آن اشکال ندارد.

س۱۳۲۰ با توجه به کثرت علاقمندان موسیقی، اعم از خواننده و نوازنده و آهنگساز با حفظ حدود فقهی چگونه می توان تولیدات موسیقی را توسعه داد و در عین حال اصول موسیقی را در تولیدات رعایت کرد؟

ج باسمه تعالی; با تغنی محرّم، فعلا چیزی به ذهن نمی رسد و به غیر آن مانعی ندارد.

س۱۳۲۱ آیا آواز خوانی زن حرام است؟ حتی اگر رقص آور هم نباشد؟

ج باسمه تعالی; در حرمت غنا، بین زن و مرد فرقی نیست. بلی، در شب زفاف غنا جایز است که آن هم شرایطی دارد و آواز خوانی زن، به غیر نحو

غنا جایز است.

س۱۳۲۲ جدیداً خانه های موسیقی در قلب هنرستان، در بعضی از شهرستان ها تأسیس شده است که متأسفانه مسئولین امر چندان توجهی به این امر نداشته اند آیا به نظر حضرت عالی تأسیس این خانه های موسیقی جایز است؟ یادگیری و تعلیم موسیقی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۳۲۳ شرکت کردن در برنامه های جشن و عروسی که با موسیقی همراه است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است، مگر در موقعی که موسیقی نواخته نمی شود.

س۱۳۲۴ اخیراً برخی مراسم جشن تکلیف با موسیقی و رقص همراه می شود; آیا اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; شنیدن موسیقی مطلقاً حرام است و رقص مرد برای زن نامحرم و زن برای مرد نامحرم جایز نیست ولی رقص مرد برای مرد و زن برای زن، حرام نیست.

س۱۳۲۵ آیا آلات لهو از قبیل طبل و دف و تار و... مالیت دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه منفعت حلال نداشته باشد; مالیت ندارد.

س۱۳۲۶ در زمان فعلی که مبتلا به اکثر می باشد در وسائل صوتی و تصویری، برنامه های علمی و اخبار با موسیقی پخش می شود و موسیقی جزء لاینفک رادیو و تلویزیون شده، وظیفه ما مکلفین چیست؟ می توانیم بگوییم برنامه های رادیو و تلویزیون تحت اشراف دولت اسلامی است مشکلی ایجاد نمی کند سماع و استماع حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; تحت اشراف حکومت اسلامی بودن، موجب حلیت محرمات الهی نمی شود.

س۱۳۲۷ در مورد جشن عروسی در منطقه ما مرسوم است در این عروسی برای شادی، از نوازندگان سنتی محلی دعوت می کنند و برای تشویق آن ها، میهمان

ها مقداری پول برای درخواست سرود یا ترانه خود و یا برای سلامتی یکی از اقوام خود می دهند و بعد از آن شیرینی خورانی هرکس دعوت شده است مقداری پول به عنوان کمک برای عروس و داماد می دهند در این مورد لطفاً جواب حلال و حرام و شرایط آن را مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; غنا و موسیقی مطلقاً حرام است و پول دادن به آن ها، به هر شکل که تشویق بشوند یا نشوند جایز نیست. ولی کسانی که عروسی می روند به هر نحو که به عروس و داماد کمک بکنند خوب است.

قمار و شطرنج

س۱۳۲۸ بازی با شطرنج چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۱۳۲۹ اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده شود; بازی با آن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بازی با شطرنج مطلقاً حرام است و آلات قمار بودن آن هم از بین نرفته است; دنیا را ملاحظه کنید.

س۱۳۳۰ احتراماً با عرض اعتذار به جهت تصدیع اوقات شریف. لطفاً نظر فقهی شریف در زمینه بازی بیلیارد چیست؟

ج باسمه تعالی; آن گونه که در تمام دنیا مرسوم است از آلات و بازی قمار است و بلا اشکال حرام است ولی چنانچه برخلاف متعارف بازی باشد یعنی در آن برد و باخت و پول و یا امثال آن نباشد و فقط برای سرگرمی اشکال ندارد. خلاصه، این بازی، مانند بازی شطرنج نیست که حتی بدون برد و باخت حرام باشد.

س۱۳۳۱ بازی کردن با آلات قمار به هر شکل از آن، مخصوصاً نرد و

شطرنج از نظر مبارک شما چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ با برد و باخت حرام است و بدون برد و باخت، بازی کردن با شطرنج از محرمات مسلم فقه است و با نرد نیز حرام است و بقیه آلات قمار، محل خلاف است مقتضای احتیاط لزومی، عدم بازی با آن ها است.

س۱۳۳۲ به نظر شما شطرنج با چه معیاری حلال و با چه معیاری حرام است؟

ج باسمه تعالی؛ برحسب روایت معتبر با هیچ معیاری حلال نخواهد بود.

س۱۳۳۳ نگاه کردن به افرادی که بازی با شطرنج می کنند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ در دو روایات وارد شده است به کسی که به بازی شطرنج نگاه می کند؛ سلام نکنید.

س۱۳۳۴ شطرنج بازی بدون پول حرام است یا نه و اگر حرام است چرا؟

ج باسمه تعالی؛ از محرمات اکیده است. دلیل آن هم روایات معتبر است، متجاوز از ۳۰ روایت متضمن نهی از بازی با شطرنج است.

س۱۳۳۵ بازی های انفرادی مثل ورق بازی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ ورق بازی بدون برد و باخت نیز، بی اشکال نیست.

س۱۳۳۶ در میان مردم شایع است که نگاه کردن و دست زدن به شطرنج موجب بطلان وضو است؟

ج باسمه تعالی؛ نشستن در محلی که با شطرنج بازی می کنند جایز نیست. ولی دست زدن به آن موجب بطلان وضو نیست.

مسائل پزشکی

س۱۳۳۷ اگر طبیب زن نباشد و دکتر مرد برای اختبار حال زن مریض که چرا حامله نمی شود و چرا خون ریزی زیاد در حال حیض دارد مجبور است به عورت زن نگاه کند آیا این نگاه کردن برای طبیب جایز است؟

ج باسمه

تعالی; نگاه نامحرم در صورت ضرورت و عدم وجود جانشین، جایز است.

س۱۳۳۸ پیوند عضو بدن انسان به دیگری چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; عضوی را که از مرده و یا زنده; جدا نموده اند پیوند آن به دیگری جایز است; ولی چنانچه زنده است باید با اجازه او باشد و در مرده یا باید وصیت کرده باشد و یا ولی او اجازه دهد.

س۱۳۳۹ آیا تشریح بدن میت جایز است؟

ج باسمه تعالی; تشریح بدن میت و قطعه قطعه کردن آن حرام است و دیه هم دارد ولی در چند مورد جایز است و دیه ندارد یکی از آن موارد در صورتی که پیشرفت علم پزشکی و معالجه بیماران بر آن توقف داشته باشد که در این صورت جایز خواهد بود. زیرا هر امری که مقدمه یک امر مهم تر باشد; مانند تشریحی که مقدمه پیشرفت علم طب و نجات دادن مردم و حفظ حیات آن هاست; چنین امری جایز خواهد بود.

س۱۳۴۰ به استحضار می رساند در علم پزشکی جدید امروزی عمل تلقیح مرد و زن صورت می پذیرد ولی اسپرم مردی را نگهداری نموده تا عمل تلقیح صورت گیرد که مرد یعنی صاحب اسپرم فوت می کند که بعد از تمام شدن عده زن اسپرم مرد متوفی را به این زن تلقیح می نمایند در این خصوص چه حکمی دارد؟ و در هر صورت در مورد ارث این فرزند چه حکمی دارد؟ لطفاً نظر مبارک را هم بفرمایید.

ج باسمه تعالی; تلقیح اشکال نداشته و بچه هم منتسب به صاحب نطفه و آن زن می باشد و از پدر ارث نمی برد ولی از

مادر ارث می برد و تمام احکام اولاد به غیر از ارث از پدر مترتب می شود. والله العالم.

س۱۳۴۱ آیا اصول تلقیح مصنوعی شرعاً عملی مباح و مجاز است یا اقدامی حرام خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; تلقیح مصنوعی جایز است تفصیل در ذیل مسائل بعد می آید.

س۱۳۴۲ تلقیح نطفه یا اسپرم زوج در رحم زوجه از طریق شوهر یا پزشک معالج جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; تلقیح نطفه از طریق شوهر اشکالی ندارد و از طریق پزشک نیز، اگر مستلزم نظر و یا لمس عورت و بدن زن نباشد جایز است و اگر مستلزم موارد فوق الذکر باشد حرام است.

س۱۳۴۳ تلقیح نطفه با اسپرم بیگانه (غیر از زوج) در رحم زن شوهردار شرعاً مجاز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; زن شوهردار و غیر شوهردار، اگر اجنبی باشد; فرقی ندارد و هر مورد به حسب ادله جایز است و آنچه بعضی خیال کرده اند که روایات دلالت بر حرمت ادخال منی در رحم اجنبی می کند، اشتباه است. قرائنی در روایات هست که دلالت دارد بر این که حرام آن است که این عمل به واسطه جماع باشد; ولی به مقتضای اصاله الاحتیاط، در فروج انجام داده نشود و اگر این احتیاط لازم نباشد قطعاً حرام نیست.

س۱۳۴۴ کودکانی که در دستگاه مصنوعی یا دستگاه آزمایشگاهی به وجود آیند از نظر شرع چه رابطه ای با صاحبان نطفه و تخمک دارند (صاحب نطفه و تخمک زن و شوهر باشند یا نباشند)؟

ج باسمه تعالی; کودکان، فرزند صاحب نطفه یعنی مرد می باشند ولی به زن ملحق نمی شوند یعنی بچه ای است که

مادر ندارد.

س۱۳۴۵ اگر نطفه مردی (زوج) با تخمک زوجه اش بعد از ترکیب در رحم اجاره یا عاریه ای (زن دیگری غیر از صاحب تخمک) پیوند شود و جنین در رحم اجاره ای یا عاریه ای رشد پیدا کند و متولد شود شرعاً جایز است یا خیر و چه رابطه ای از نظر نسب و آثار حقوقی و شرعی با صاحب اسپرم و تخمک و صاحب رحم اجاره ای یا عاریه ای و فرزندان وی و یا شوهرش پیدا می کنند؟

ج باسمه تعالی; شرعاً با رعایت جهات دیگر جایز است و بچه به صاحب نطفه ملحق می شود یعنی پدر او صاحب نطفه است و اما مادر ظاهراً آن زن دیگری است که اجیر شده است چون (ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم).

س۱۳۴۶ آیا کاشتن نطفه مرد توسط طبیب به رحم زن تا حامله شود و راه دیگری برای آن نیست، جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست مگر آن که نه نگاه کند و نه لمس نماید.

کالبد شکافی

س۱۳۴۷ از آن جایی که امروزه نظریه پزشکی قانونی به عنوان یکی از طرق مطمئن در امورات و مسائل قضایی به شمار می رود و عمدتاً تشخیص و تعیین علت تامه مرگ یکی از وظایف آن هاست و در اکثر موارد تشخیص و تعیین دقت علت فوت با کالبد شکافی مقدور است و با انجام این عمل حقیقت کشف و حق اولیاء دم احقاق می گردد لطفاً نظر مبارک را پیرامون کالبد شکافی و تشریح جسد حتی عند اللزوم جدا کردن بعضی از اعضاء بدن از همدیگر را بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی; کالبد شکافی

و تشریح و جدا کردن بعضی از اعضای بدن میت فی نفسها حرام است ولی چنانچه حیات یک انسان متوقف بر آن باشد یا تعلم طب موجب حفظ حیات مسلمین و نجات آنان از امراض باشد و یا کشف جریمه موجب نجات متهمین به قتل یا معرفت قاتل شود تا آن که حکم الله اجرا شود یا غیر این امور از اغراض ضروری بر این امر توقف داشته باشد همه این امور جایز می باشد و دیه هم ثابت نمی شود.

س۱۳۴۸ در صورتی که قاضی پرونده تشخیص دهد تشریح جهت کشف حقیقت لازم و ضروری است ولی اولیای دم راضی به تشریح نباشند یا بعضی راضی باشند و بعضی دیگر راضی نباشند و یا میت بر عدم تشریح وصیت کرده باشد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; در موارد جواز تشریح و لزوم آن که در مسأله قبل گفته شد; عدم رضایت اولیای دم، مانع نیست و وصیت هم وصیت غیر مشروع است.

س۱۳۴۹ تشریح کالبد شکافی امروزه، یکی از رشته های پزشکی است که در دنیا دارای اهمیت فراوانی است و مراکز مهم علمی و پژوهشی در این زمینه مشغول فعالیت هستند که عمدتاً به اثبات نسب، به قصد کشف جرم و هر هدف عقلایی دیگر یا صرفاً به قصد آموزش های پزشکی اجسادی را کالبد شکافی می نمایند لطفاً نظر مبارک را در جواز و عدم جواز توضیحاً مرحمت فرمایید.

ج باسمه تعالی; در تمام مواردی که اشاره نموده اید; تشریح جایز است و در رساله مسائل مستحدثه آن را مفصلا نوشته ام.

س۱۳۵۰ از آن جایی که احترام میت مسلمان لازم است در صحنه قتل

و یا در سالن تشریح عمدتاً این مسئله مورد توجه قرار نمی گیرد و از طرفی در جهت ارتقاء دانش پزشکی و کشف علمی جرم و بررسی صحنه قتل و احقاق حق ضرورت تشریح مشخص می شود که به نظر می رسد تشریح و احترام در تزاحم با هم هستند در این صورت تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; در صورت امکان، جمع بین حقین متیعن است و در صورت تزاحم تشریح مقدم واهم است.

حجامت

حکم حجامت در حال احرام را در موارد زیر بیان فرمایید.

س۱۳۵۱ صرفاً جهت اجرای سنت و بهداشت باشد؟

ج باسمه تعالی; حجامت بر محرم مطلقاً حرام نیست ولی مکروه است.

س۱۳۵۲ اگر طبیب معالج برای درمان و یا جلوگیری از مرض لازم می داند؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و مکروه هم نیست.

س۱۳۵۳ حکم تراشیدن محل حجامت در صورت ضرورت چیست؟

ج باسمه تعالی; در حال احرام، تراشیدن مو جایز نیست و کفاره هم دارد که در مناسک بیان شده و اگر بودن مو باعث زحمت و یا بیماری دیگری شود در صورت ضروری بودن مطلقاً جایز است.

س۱۳۵۴ آیا جایز است حجامت کننده و یا حجامت شونده شرط اجرت کنند؟

ج باسمه تعالی; بعضی از فقهاء حکم به کراهت کرده اند. بعید نیست که فقط بر حجّام مکروه باشد.

س۱۳۵۵ فرد حجامت شونده اجرت متعارف بدون شرط بدهد چطور است؟

ج باسمه تعالی; هیچ گونه اشکال ندارد.

س۱۳۵۶ اگر حجام طبیب نباشد ضرری بر حجامت شونده وارد آمد در صورتی که مقصر نباشد بلکه قاصر باشد حکم طبیب دارد در ضمانت یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خطاء و ضرر از حجام باشد ضامن

است ولی اگر منشأ ضرر در خود حجامت شونده باشد; ضامن نیست.

س۱۳۵۷ در محل حجامت اثر خون باقی است برای نماز عنوان جرح بر محل صدق می کند؟

ج باسمه تعالی; بلی صدق می کند.

س۱۳۵۸ آیا تطهیر موضع جرح با احتمال ضرر جایز و لازم است؟

ج باسمه تعالی; اگر احتمال ضرر معتد به نباشد لازم نیست; ولی جایز است.

س۱۳۵۹ اگر نداند که آیا تطهیر مضر است یا خیر و جرح باقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تطهیر لازم نیست.

س ۱۳۶۰ اگر حجامت موجب ضعف به حد بطلان روزه نباشد آیا تأخیر حجامت به شب یا بعد از ماه رمضان لازم است؟

ج باسمه تعالی; بلی، اگر حجامت در ایام روزه موجب ضعف شدید بشود; مکروه است.

س ۱۳۶۱ اگر طبیب معالج، حجامت را در روزه رمضان لازم بداند به طوری که تأخیر آن موجب مرض یا شدت آن و یا تأخیر آن شود؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست; مگر این که مرض شدید را نوید دهد.

سیگار و مواد مخدر

س۱۳۶۲ امروزه سیگار کشیدن علاوه بر ضرر به جان موجب اذیت دیگران نیز می شود. اولا: آیا ضرر داشتن سیگار دلیل حرمت آن نیست؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۱۳۶۳ آیا سیگار کشیدن (ابتداءاً) از باب اضرار به نفس حرام است یا از باب اسراف مال و اگر ضرر جزیی باشد استفاده از سیگار جایز است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست. اسراف هم نیست و مضر به نفس نیست تا حرام باشد.

س۱۳۶۴ حکم دود با توجه به آیات قرآن چیست؟

ج باسمه تعالی; مراد از دود اگر سیگار و قلیان باشد جایز است.

س۱۳۶۵ نظر کلی جناب عالی در مورد مصرف دخانیات سیگار

و خرید و فروش آن را بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; سیگار کشیدن دو جنبه دارد; اصل کشیدن نسبت به کسانی که ضرر معتنی به نداشته باشد; جایز است و چنانچه به آن مرحله از ضرر برسد جایز نیست; ولی چنانچه سیگار موجب مفاسدی در مجتمع بشود در چنین موردی، یکی از حکام شرع باید حکم به ترک آن و عدم جواز بکند و پس از حکم او کشیدن حرام است بالتبع خرید و فروش آن هم جایز نیست.

س۱۳۶۶ فتوای حضرت عالی در مورد استعمال و یا خرید و فروش حشیش و یا بنگ و یا گراس چیست؟

ج باسمه تعالی; هر چیزی که موجب هلاکت یا فلج شدن عضوی از اعضا شود و یا مجتمع را به فساد بکشاند جایز نیست.

س۱۳۶۷ فتوای حضرت عالی در مورد استفاده جوانان و یا افراد مسن از تریاک، برای درمان یا خوشی چیست؟

ج باسمه تعالی; تریاک کشیدن برای درمان جایز است.

س۱۳۶۸ برای نجات از وضعیتی که امروز مانند مفاسد و اعتیاد دامنگیر کشور اسلامی گردیده چه توصیه ای دارید؟

ج باسمه تعالی; با وضعی که در مملکت از فساد و تباهی و مفاسد عظیمی که از رواج مواد مخدر (تریاک، هروئین) رسیده است و با اهمیتی که اسلام به اجتماع امت اسلامی و سلامت افراد می دهد من به عنوان حاکم شرع استعمال مواد مخدر را مطلقاً حرام می کنم و لازم می دانم بر افرادی که مبتلای به این بلای اجتماعی هستند; حتی المقدور آن را ترک نمایند و اگر امکان ترک نیست; کم کنند و بر دولت لازم است به هر نحو ممکن برای جلوگیری و

ترک اعتیاد اقدامات لازم را انجام دهد. و چنانچه بودجه مملکت وافی نباشد من اجازه می دهم از سهم مبارک امام ارواحنا فداه و سایر وجوه شرعی از مؤمنین گرفته و مصرف نمایند همچنین از ارشاد و راهنمایی دریغ ننمایید خداوند تبارک و تعالی به همه توفیق عنایت فرماید.

اسراف

س۱۳۶۹ روشن کردن شمع در جایی که چراغ باشد، مثل حرم ائمه(علیه السلام) جایز است؟

ج باسمه تعالی; روایتی در مورد عدم اسراف در چراغ و روشنایی وجود دارد ولی اگر هیچ اثری ندارد; روشن نکردن آن بهتر است.

س۱۳۷۰ مراد از تبذیر که حرام است چیست آیا آب را به صورت فواره ای در آوردن، یا روشن گذاشتن چراغ درب منزل، که غرض عقلائی ممکن است داشته باشد; اسراف است و اساس اغراض عقلائی که از موضوع اسراف خارج می کند بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی; اغراض عقلایی عبارت است از هر اثر و ثمره ای که انسان بالطبع میل به آن دارد و عنوان حرام بر آن منطبق نیست. چنانچه فواره موجب لذت بردن باشد و طراوت به زندگی بدهد و ضرر به دیگران هم نزند جایز است و اشکالی ندارد و چراغ درب منزل هم اشکال ندارد.

س۱۳۷۱ آیا پوشیدن لباسی که در زیّ انسان است و برای حفظ آبرو می باشد و متعدد بودن لباس اسراف محسوب می شود یا نه؟ روشن گذاشتن چراغ و باز کردن فواره آب بیش از حد اسراف است یا عنوان عقلائی دارد؟

ج باسمه تعالی; در مورد چراغ، به خصوص روایت ضعیفی دال بر عدم اسراف است و درباره لباس نیز روایاتی هست که اجازه داده شده

و تعداد و حسن لباس اشکال ندارد.

س۱۳۷۲ استفاده از مواد مخدر اعم از تریاک، هروئین، حشیش، بنگ، ماری جوانا، ال اس دی، کوکائین، مرفین به صورت خوردن و آشامیدن، دود کردن تزریق و استنشاق چگونه است؟

ج باسمه تعالی; استعمال هر چیزی که موجب هلاکت یا قطع و فلج شدن عضوی از اعضاء شود یا موجب ضرر مالی شود و عنوان تبذیر و اسراف بر آن صدق کند و یا موجب بیماری صعب العلاج و مسری باشد که جمله این امور ذکر شده از این قبیل است حرام است.

اراضی موات

س۱۳۷۳ بنده چند سال قبل مقداری زمین را از آن زمین های موات که مردم قریه می خواستند بین خود تقسیم نمایند با همکاری مردم آنجا برای مدرسه علمیه آنجا احیا کردم و حتی از یک سال کشت زراعت صرف نظر کردیم بعد از مدتی مسافرت کرده و سپس آمدم دیدم آن زمین را بعضی ها تصاحب کرده اند آیا جایز است یا خلاف شرع است؟

ج باسمه تعالی; زمین مذکور متعلق به شماست و برای آن مصرف ذکر شده است و تصاحب آن خلاف شرع است; باید تحویل دهند.

س۱۳۷۴ چاه عمیق و زمین را آباد کردیم باغ و چاه و درختان و همه چیز را درست کردیم این ها را در معرض تجارت و خرید و فروش قرار می دهیم این ها زکات سهم امام(علیه السلام) و سهم سادات دارند یا ندارند؟

ج باسمه تعالی; مانند اموال می باشد شرایط زکات در محصول آن و شرایط خمس، اگر محقق شود; واجب است.

س۱۳۷۵ این زمین ها بایر بود ما آباد کردیم شرعاً برای نماز اشکال دارد

یا ندارد و برای تجارت حلال است یا حلال نیست؟

ج باسمه تعالی; زمین بایری که مالک ندارد هرکس از شیعیان آن را احیاء کند; مالک می شود و برای نماز و تجارت و زندگی حلال است.

ادعای مالکیت

س۱۳۷۶ زید ادعا می کند این ملک مال من است و عمرو هم مدعی است اگر هر دو اقامه بیّنه نمایند قول کدام مقدم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مال، تحت ید یکی از آن دو نفر باشد; بیّنه آن کسی که مال دست او نیست مقدم است و اگر دست هر دو است مال بین آن دو نفر تقسیم می شود و اگر مال تحت ید هیچ کدام نیست به مرجّحات رجوع می شود.

س۱۳۷۷ آب رودخانه ای، از قدیم الایام بین اهالی دو قریه بنا به اظهار اهالی و طبق دلالت اسناد دولتی و رسمی، مشترک بوده و طرفین سال های متمادی از این آب استفاده نموده اند. اهالی یکی از روستاها چندین سال به دلیل مکفی نبودن آب که در اثر لوله کشی و وسایل انتقال به قریه نمی رسید از آب استفاده نکرده اند آیا مالکیت و حق آب روستای فوق، محفوظ است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که مرقوم شده است و با فرض آن که، اهالی آن قریه حق خود را منتقل نکرده اند; مالکیت آن ها محفوظ است و نمی شود از استفاده آن ها جلوگیری نمود.

س۱۳۷۸ املاک و زمین های زراعی که با دستور حکومت طاغوتی برای کشاورزان تقسیم شده و تحت تصرف آنهاست شرعاً چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه زمینی را صاحب آن دو سال معطل

گذاشته و با وجود توانایی زراعت، در آن زراعت ننموده و چنین زمینی به دست کشاورزان رسیده باشد و زراعت کرده باشند; مالک می شوند و اشکالی ندارد و اگر زمینی مزروعی بوده و دو سال معطل نشده است; دستور حاکم جور، موجب ملکیت کشاورزان نمی شود. چنانچه صاحبان آن زمین ها و یا ورثه آنان می شناسند باید رضایت آن ها جلب شود والا حکم مجهول المالک دارد.

بیت المال

س۱۳۷۹ آیا پول جزء بیت المال است، سوزاندنش چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بیت المال محل اجتماع اموال مربوط به جمیع مردم است و پول جزء آن نیست; ولی آتش زدن پول اسراف است و لذا جایز نیست.

مالکیت دولت

س۱۳۸۰ با توجه به این که حضرت عالی دولت را مالک می دانید، آیا اگر حق کارمند دولتی به نحوی ضایع شود و مطالبه اش پرداخت نشود آیا می تواند به همان اندازه در دارائی دولت به نحوی که در اختیار اوست تصرف کند؟

ج باسمه تعالی; به عنوان تقاص جایز است ولی باید شرائط آن رعایت شود.

س۱۳۸۱ شما دولت را مالک می دانید یا آن که مالک نیست پس بیمه اموال دولتی مجهول المالک است؟

ج باسمه تعالی; به همان نحو که افراد مالکند دولت نیز مالک است.

س۱۳۸۲ آیا استفاده کردن از وسایل بیت المال به صورت شخصی مثل اتومبیل اداره و... جایز است؟ و آیا استفاده کننده مسؤول است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست و استفاده کننده هم مسؤل است.

س۱۳۸۳ منطقه ما در کشور هندوستان است کارمندان، معلم مهندسی، پیمانکار جهت تعمیر مدارس و غیره از دولت که دولت کفر است پول می گیرند. آیا

اجازه حاکم شرع در تصرف حقوق لازم است؟ اگر لازم است اجازه عمومی مرحمت فرمایید.

ج باسمه تعالی; اجازه لازم نیست. ولی احتیاط خوب است; لذا اجازه می دهم.

س۱۳۸۴ در کشور هندوستان از طرف دولت دفترچه خواربار و کوپن داده می شود. از روی آن به مردم اشیاء خوردنی، برنج، نمک، شکر، نفت و... می دهند آیا تحویل گرفتن این اشیاء اجازه حاکم شرع لازم است؟ اگر لازم باشد اجازه عمومی مرحمت کنید.

ج باسمه تعالی; اجازه لازم نیست. مع ذلک اجازه عمومی داده می شود.

س۱۳۸۵ آیا دولت سنی یا کافر هم مثل دولت شیعه است؟ یا معامله با آن ها به صورت مجهول المالک و با اذن حاکم شرع باید باشد؟

ج باسمه تعالی; دولت اگرچه کافر باشد مالک است و نمی توان با اموال او معامله مجهول المالک نمود.

س۱۳۸۶ با توجه با این که دولت شخصی نیست و عنوان است آن را مالک دانسته اید دلیل آن چیست؟

ج باسمه تعالی; مالکیت امری اعتباری است و اعتبار، حفیف المؤن است; در صورت مصلحت، اعتبار بر عنوان، مانعی ندارد. کما این که عقلای عالم عمل می کنند شارع مقدس هم در زکات و ما شاکل، ملتزم شده است.

اطاعت پدر و مادر

س۱۳۸۷ اطاعت از امر والدین، کدام یک از آن ها حائز اهمیت و مقدم است و در صورتی که هر دو امری داشته باشند که نمی توان هر دو را عمل کرد، چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; مخیر است، هیچ کدام تقدم ندارد.

س۱۳۸۸ این جانب فرزندی دارم متولد ۱۳۴۲ است; ولی ایشان نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد و معتاد هم هست هرچه نصیحت

کردم فائده ای نداشت آیا می توانم با پسرم رفت و آمد کنم؟

ج باسمه تعالی; نمی توانید.

س۱۳۸۹ آیا اولاد می توانند پدر و مادر خود را عاق کنند آیا موارد خاصی هست؟

ج باسمه تعالی; نخیر، نمی توانند عاق کند.

س۱۳۹۰ آیا احسان به والدین واجب است؟ مراد از آن چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; احسان خوب است. ولی تمام مراتب آن را نمی توان گفت واجب است.

س۱۳۹۱ با توجه به آیه شریفه (ولا تقل لهما افّ) و (قل لهما قولا کریماً) آیا این امور مختص به ایذاء است یا دلیل تعبدی مطلق است؟

ج باسمه تعالی; ایذاء، ولو به این حد که افّ گفته شود حرام است. قهراً با چنین شخصی باید با قول کریم صحبت نمود. البته آیه مربوط به معاشرت با آن ها در حال کبر سنّ است و ذیل آیه و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه.

س۱۳۹۲ مراد از معاشرت معروف و قول کریم چه می باشد؟ وقتی فرزند غضبناک شود در غیر این مورد چطور؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً مراد آن است که آن ها را با اقوال لغو و قبیح خطاب نکنید و خطاب با آن ها به نحوی باشد که شما آن ها را بزرگ و کریم می پندارید. روایاتی هم دال بر این معنی هست.

س۱۳۹۳ اگر پدر و مادر اولاد را از نکاح منع کنند و یا امر به طلاق همسرش کنند اطاعت واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که نکاح واجب و طلاق غیر جایز باشد به مقتضای آیه کریمه «و ان جاهداک» الی آخر حق ندارند منع کنند و اطاعتشان واجب

نیست. همچنین اگر با ترک نکاح تالی فاسد مهمی مترتّب شود و فعل طلاق موجب ضرر و حرج شود; اطاعت از آن ها واجب نیست. در غیر این موارد اگر از عمل نکردن به قولشان اذیت بشوند واجب است عمل شود; والا واجب نیست.

تأدیب فرزند

س۱۳۹۴ حد و مرز تأدیب فرزند کدام است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه فعل حرام انجام دهد حکم خاصی دارد که در کتب فتاوی ذکر شده است والا به مقداری که عرفا استحقاق آن تأدیب را دارد.

س۱۳۹۵ آیا زدن طفل به خاطر تأدیب، برای معلم و والدین جایز است؟ البته معاصی کبیره مرتکب نباشد موضوع تأدیب چگونه است؟

ج باسمه تعالی; پدر موظف به تربیت فرزند است و هر مقدار که متوقف بر زدن است جایز است.

صله رحم

س۱۳۹۶ صله رحم واجب و مراد از آن چیست؟

ج باسمه تعالی; صله حرم واجب است و مراد از آن یک مفهوم عرفی است که همه می دانند و نسبت به افراد مختلف است.

س۱۳۹۷ اگر شخصی متدین و مذهبی صله رحم نماید و مورد مسخره و یا اذیت و آزار و ظلم قرار بگیرد با این حال صله رحم کند یا نه گرچه پدر و مادرش باشند؟

ج باسمه تعالی; ترک صله رحم از غیر پدر و مادر، در موارد فوق اشکال ندارد.

علوم غریبه

س۱۳۹۸ خواندن رمل و جفر و فلسفه چه صورت دارد؟ حکمت عدم حجیت علوم غریبه چیست؟

ج باسمه تعالی; خواندن فلسفه، و همچنین رمل و جفر فی نفسه حرام نیست ولی عمل کردن به آنچه از رمل و جفر استخراج می شود; صحیح نیست. چون در آن ها مخالفت با واقع زیاد است. البته اگر کسی به آنچه استخراج کرده یقین پیدا کند می تواند عمل نماید.

جادوگری

س۱۳۹۹ آیا کشتن ساحر (جادوگر) که میان مردم تفرقه و جنگ می اندازد و همچنین کشتن بهائی که منکر معاد هستند اگر محذوری در بین نباشد جایز است یا خیر؟

باسمه تعالی; قتل ساحر جایز نیست و منکر معاد کافر است ولی قتل او برای آحاد ملت جایز نیست.

س۱۴۰۰ تسخیر روح و اخراج روح از بدن زنده و فرستادن آن به کربلا و عتبات عالیات چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۱۴۰۱ آیا کشتن جادوگر (ساحر) که میان خانواده ها افتراق ایجاد می کند جایز است یا خیر؟ و هم چنین کشتن بهائی که منکر معاد شده است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بدون اجازه مجتهد جامع الشرایط جایز نیست. چنانچه به او مراجعه شود شرایط جواز قتل را بیان می کند.

س۱۴۰۲ سحر و جادو را به چه وسیله می توان باطل کرد؟

ج باسمه تعالی; با ادعیه و توسل به اهل بیت(علیهم السلام).

شعبده بازی

س۱۴۰۳ احضار ملائکه جایز است و امکان دارد؟

ج باسمه تعالی; شهیدین و شیخ انصاری و جماعتی از فقهاء تسخیرات را از اقسام سحر محرّم می دانند و من مسئله را در جلد ۱۴ فقه الصادق که اخیراً چاپ شده است نوشته ام و آن ها را از اقسام سحر نمی دانم و عنوان تسخیر هم از محرمات نیست. ادعای نفی خلاف و حرمت شده است ولی من حرام نمی دانم. به همان کتاب رجوع شود.

س۱۴۰۴ نظر حضرت عالی در مورد شعبده بازی و دعوت از این افراد و صرف هزینه این امور چگونه است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست.

احضار و تسخیر ارواح

س۱۴۰۵ تسخیر ارواح چه با اذن صاحب روح یا بدون اذن او برای امور خیریه از قبیل (زیارت عتبات و غیر آن باشد) چگونه است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تسخیر روح موجب اذیت و اهانت یا اضرار به مؤمن بشود حرام است. والاّ جایز است.

س۱۴۰۶ تسخیر ارواح چه صورت دارد در صورت بطلان علت و دلیل آن چیست؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد. علت را حقیر در کتب فقهیه مفصلا نوشته ام.

س۱۴۰۷ هیپنوتیزم و احضار جن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۴۰۸ احضار ارواح چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر موجب ضرر به کسی نباشد که اضرار به او حرام است جایز می باشد.

مجسمه سازی

س۱۴۰۹ ساختن مجسمه ذی روح و آموزش و نصب آن در میادین و مراکز عمومی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; ساختن مجسمه ذی روح جایز نیست.

س۱۴۱۰ اگر مجسمه سازی، حرام است خرید و فروش مجسمه و نقاشی چه حکمی دارند؟

ج باسمه تعالی; نقاشی مانعی ندارد و چون نگاه داری آن مانعی ندارد خرید و فروش هم جایز است.

س۱۴۱۱ اگر حرام است ساختن مجسمه ذی روح آموزش و نصب آن در میادین و مراکز عمومی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۴۱۲ در حال حاضر نقاشی و مجسمه سازی چه حکمی دارد؟ خصوصاً ساختن مجسمه و کشیدن شمایل معصومین، نگه داری آن ها در موزه ها (به عنوان آثار هنری) و منازل (به این عنوان) چگونه است؟

ج باسمه تعالی; نقاشی جایز و مجسمه سازی حرام است و اما کشیدن شمایل معصومین(علیه السلام) البته به غیر مجسمه چنانچه از روی روایات معتبر

وارد شده از ائمه اطهار باشد و اعلام شود که من حدس می زنم شمائل چنین بوده است; جایز می باشد والا کذب عملی است و غیر جایز است.

س۱۴۱۳ آیا کشیدن عکس ذی روح جایز است؟

ج باسمه تعالی; جائز است.

سیاستی و حکومتی

س۱۴۱۴ با توجه به حوادث جاری در کشور افغانستان و حملات وحشیانه آمریکا و حامیان آن بر مردم بی دفاع و بی پناه آن سرزمین، حکم شرعی این اقدام آمریکا را از نظر حضرت عالی در ضمن سؤالات ذیل خواستاریم امیداریم ما را در این امر مهم ارشاد فرمایید.

۱ حکم شرعی این حملات وحشیانه چیست؟

۲ حمایت از آمریکا برای حمله به کشورهای مسلمان چگونه است؟

۳ حمایت از مردم بی دفاع افغانستان چگونه است؟

۴ وظیفه شرعی یک مسلمان در حال حاضر چیست؟

۵ وظیفه مردم مسلمان و شیعیان پاکستان چیست؟

ج باسمه تعالی; (اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا ان الله علی نصرهم لقدیر) عفریت خون خوار استبداد و استکبار و بی دینی، پنجه کثیف و زهرآلود خود را تا مرفق به قلب مبارک رسول الله علیه الالف التحیه و الثناء فرو می برد و به بهانه های واهی به افغانستان حملات وحشیانه می نماید و دولت بی بند و بار آمریکا، علی رغم تمام اصول قانونی و انسانی، با حملات خود آن مملکت را نابود نموده و مسلمانان بی دفاع را می کشند و بهانه این است که با تروریسم مبارزه می کند و جنگ خود و افغانستان را جنگ میان مخالفین تروریسم با طرفداران تروریسم می داند در حالی که واقعیت، کاملا مغایر این ادعاها است به هر حال بر هر مسلمانی

لازم است که از ملت افغان حمایت کند و با هر کشوری که از آمریکا حمایت می کند باید مبارزه نماید و به خصوص مردم پاکستان که شیعه و سنی در این موقعیت باید به یکدیگر بگوید (تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم) و به دستور اسلام، دولت خود را با تظاهرات آرام مجبور نمایند تا این که از حمایت آمریکا منصرف شود همان گونه که مردم اندونزی دولت خود را مجبور نمودند از حمایت آن دولت کثیف خونخوار، دست بکشد و اگر مسلمانان متحد شوند؛ مطمئن باشند که پیروزی از آنان است ان تنصروا الله ینصرکم و السلام علی من اتبع المهدی.

س۱۴۱۵ رابطه حکم حکومتی بـا احکام اولیه و ثانویه چیست؟ و آیا احکامی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین(علیه السلام) در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی زمان خود و همچنین نصب افراد به مناصب مختلف حکومتی صادر می کردند از مصادیق احکام حکومتی می باشد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ احکام حکومتی، منهای احکام ثابته به عنوان ثانوی، معنی ندارد و احکامی که از سوی حضرات معصومین(علیه السلام) در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی صادر می شده است همه از این باب است؛ چون حفظ نظام از واجبات مهم است و آن احکام همه در این باب صادر می شده است به هر حال اگر حاکم اسلامی قطع نظر از حفظ نظام، به میل شخصی خود حکمی صادر کند لازم الاتباع نیست.

خلع لباس

س۱۴۱۶ خلع لباس روحانیت به خاطر جرمی که مرتکب شده و محکومیت جرم را کشیده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که حاکم

اسلامی مصلحت روحانیت را در این امر بداند جایز است در غیر آن صورت جایز نیست و باید توجه شود که حاکم شرع جامع الشرایط این کار را می تواند انجام دهد.

س۱۴۱۷ خلع لباس روحانیت اگر به علت بی سواد بودن آن روحانی باشد آیا اثبات این با یک سؤال از متن دروس حوزوی با آن جوّ مناسب دادگاه ممکن است یا باید از طریق دیگری ثابت شود؟

ج باسمه تعالی; میزان، اطمینان اهل فن است.

س۱۴۱۸ بازجویی با ایجاد رعب و وحشت و یا کتک زدن در غیر مورد مسائل اتهامی، چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

تفتیش منزل

س۱۴۱۹ بدون داشتن یقین به جرم و فساد در منزل کسی، آیا می توان منزل او را بدون اجازه به خاطر به دست آوردن مدارک احتمالی تفتیش کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خطری متوجه حکومت اسلامی یا شخص معینی از مسلمانان نباشد; تفتیش جایز نیست و اگر خطری متوجه باشد جایز است.

س۱۴۲۰ آیا تحقیق در مورد کسی که در بین مردم محترم است و جرمی و اتهامی ندارد به منظور کشف فساد به طوری که مردم به وی بدبین باشند جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

سرقت اطلاعات

س۱۴۲۱ سرقت اطلاعات سری کد شده و رمزدار، از شبکه های کامپیوتری و یا رایانه های شخصی، و کشف رمز آن ها چه حکمی دارد؟ همین طور است سرقت و فروش غیرمجاز شماره های موبایل توسط آشنایان به وسیله رمز الکترونی مرکز آن؟ آیا با وجود سایر شرایط، امکان اجراء حد سرقت وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی سرقت است و حد هم دارد. مراد سرقت از حکومت است و شاید حکم آن از سرقت از فرد شدیدتر باشد.

س۱۴۲۲ اگر دلیل اثبات در جرم سرقت، نظریه کارشناس انگشت نگاری; باشد بفرمایید که آیا با استناد به چنین دلیل می توان دست سارق را قطع نمود؟

ج باسمه تعالی; اجراء حد با نظریه کارشناس نمی شود.

غیبت

س۱۴۲۳ اگر شخصی یا اشخاصی پشت سر شخصی صحبت کنند در صورتی که او آن عمل را انجام داده است و کسی راضی نباشد که پشت سرش بگویید آیا غیبت محسوب می شود (با ذکر معنی غیبت)؟

ج باسمه تعالی; غیبت عبارت است از آن که: عمل بدی را که شخصی مخفیانه انجام داده و راضی به افشاء آن نیست; شما افشاء کنید و در غیاب او به دیگران بگویید.

س۱۴۲۴ اگر در مورد استادی نظرخواهی شود، مثلاـ گفته شود: کیفیت تدریس ایشان چگونه است؟ حکم جوابی که درباره استاد داده می شود با فرض منفی بودن، چیست؟ آیا غیبت محسوب می شود؟

ج باسمه تعالی; غیبت نیست و در صورتی که عرفاً اهانت نباشد; اشکال ندارد.

س۱۴۲۵ در تعریف غیبت آمده عند العقلاء و متشرعه غیبت شمرده شود و مذموم باشد ولو مغتاب متأثر نباشد، آیا این تعریف درست است؟

ج

باسـمه تعالی; غیبت عبارت است از این که عیب شـرعی یا عرفی کسـی را بازگو کنند به شرط آن که عیب مخفی باشد و آن شخص هم از اظهار آن ناراحت بشود. پس اگر او ناراحت نشود غیبت نیست.

س۱۴۲۶ غیبت رشوه خوار و رباخوار جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه متجاهر باشند جایز است.

س۱۴۲۷ شخصی می گوید راضی هستم که غیبت مرا کنید در فرض مذکور غیبت او چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۴۲۸ آیـا غیبت ظـالم، برای مظلـوم درست است و در ذی رحم و غیر ذی رحم فرق دارد؟ در چه مـواردی می تـوان غیبت کرد؟

ج باسـمه تعالی; کسـی که به او ظلم شده است می تواند غیبت ظالم کند. ولو موردی که نمی تواند حق خود را بگیرد و رحم و غیر رحم فرقی ندارد.

س۱۴۲۹ اگر کسی بگوید: هرکس از من غیبت کند راضی هستم; این جا غیبت جایز است یا نه؟

ج باسـمه تعالی; بلی جایز است. چون غیبت عبارت است از: ذکرک اخاک بما یسوؤه، برادر دینی را به بـدی یاد کردن که به گونه ای او را ناراحت کند.

س۱۴۳۰ نسبت عیب به اکثر اهل بلد که عیب ظاهر هم نباشد عنوان غیبت را دارد؟

ج باسمه تعالی; عیبی که اکثر اهل بلد دارند; قاعدتاً هرکس با آن ها محشور شود، متوجه می شود بنابر این جایز است.

س۱۴۳۱ نقل عیب عرفی و شرعی بدون تعیین مورد خاص در عدد محصور حرام است؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۱۴۳۲ موارد جواز غیبت را مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; جایز است: غیبت متجاهر به فسق، کسی که عیب ظاهر دارد، کسی

که از ذکر عیب ناراحت نشود، کسی که مظلوم واقع شود، کسی که بدعت در دین بگذارد، برای دفع ضرر از مغتاب، مورد جرح شهود به قصد ردّ مغتاب از منکری که مرتکب شود، غیبتی که در مورد تقیه بر متکلم است و غیرذلک من الموارد.

س۱۴۳۳ غیبت پشت سر مرده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۴۳۴ مراد از عیب شرعی و عرفی در عنوان غیبت یعنی چه؟

ج باسمه تعالی; عیب شرعی، انجام محرمات و ترک واجبات و بر بعضی افراد ادامه ترک مستحبات و اصرار بر فعل مکروه است و عیب عرفی هر چیزی که زیاده بر خلقت اصلی یا نقص از آن باشد. البته در هر دو شرط است که آن عیب ظاهر نباشد و انسان هم از اظهار آن ناراحت شود.

کذب

س۱۴۳۵ آیا قصد، مقوم کذب می باشد یا قدرت بر کذب و همان اعتقاد، مقوم می باشد یا خلاف کذب واقع است؟

ج باسمه تعالی; کذب حرام عبارت است از گفتن خبری که به آن اطمینان ندارد و طریق شرعی بر آن نیست. حتی به طریق جزم گفتن خبری که نمی داند موافق با واقع است یا نه جایز نیست.

س۱۴۳۶ محامل حمل قول مسلم برای صدق و نتیجه آن چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر شنونده بتواند قولی را که از کسی صادر می شود در مقابل احتمال فاسد یا نه فاسد و نه صحیح بودن حمل بر صحت کند در این صورت باید حمل بر آن نماید.

س۱۴۳۷ با کلام صدق تعریف کردن، بدون رضایت از مؤمن با نیت غیبت اکثر اهل بلاد، چه صورت دارد؟ با کذب چطور؟

ج

باسمه تعالی; تعریف کردن بدون رضایت، اگر منجر به ایذاء مؤمن شود و یا باعث گرفتاری او شود جایز نیست به خصوص اگر به دروغ باشد، نیت غیبت اکثر اهل بلاد، در صورتی که عیبی است ظاهر و هرکس به آن بلاد برود با مختصری معاشرت متوجه می شود; مانعی ندارد.

س۱۴۳۸ آیا دروغ گفتن بر پیغمبران سلف و بر فاطمه زهرا(علیه السلام) مبطل روزه است؟

ج باسمه تعالی; مبطل نیست ولی خلاف شرع است.

س۱۴۳۹ در آیه شریفه (ان جاءکم فاسق...) مراد از تبیّن چه می باشد آیا واجب است و صحت فعل مسلم در صورت نسبت به فسق چگونه ممکن است؟

ج باسمه تعالی; تفحص از صدق و کذب، مأمور به است و أمر آن هم ارشادی است. مراد از آیه، آنچه از ظاهر فهمیده می شود آن است که: اگر خبری راجع به احکام به شما رسید; چنانچه آورنده خبر عادل است آن خبر حجت است و اگر فاسق است حجت نیست مگر بعد از آن که تفحص شود و اطمینان به صدق آن حاصل شود.

س۱۴۴۰ مواردی که می توان قول و عمل مؤمن را حمل بر صحت کرد بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; هر موردی که بشود عمل مؤمن را حمل بر صحت کرد، باید بر آن حمل نمود و اگر راهی ندارد و بیّن الفساد است; جای حمل بر صحت نیست.

س۱۴۴۱ کسی قصد جدی دروغ گفتن ندارد ولی مثل کاسب که نمی خواهد جنس را به مشتری بدهد اگر بگوید که ندارم که دروغ است، آیا دروغ جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; کذب حرام است. جدی یا غیر جدی، شوخی

یا غیر آن، در حرمت مساوی است.

س۱۴۴۲ موارد جذب کذب را بفرمایید و توریه یعنی چه؟

ج باسمه تعالی; دروغ گفتن در موارد اکراه، اضطرار، اصلاح ذات البین، تقیه و هر موردی که مصلحت مترتب بر آن اهم از مفسده کذب باشد; جایز است. و نیز وعده دادن به زن و بچه، با این که بنا دارد انجام ندهد از موارد جواز کذب است.

توریه عبارت است از آن که لفظ را در معنایی استعمال کنند که آن معنا و مراد مطابق با واقع باشد ولی مخاطب معنای دیگری از آن می فهمد و آن معنی خلاف ظاهر است.

امر به معروف و نهی از منکر

س۱۴۴۳ آیا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حکومت است یا آحاد مردم؟ توصیه حضرت عالی در این زمینه چیست؟

ج باسمه تعالی; امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمان واجب است ولی در بعضی موارد، نهی از منکر مختص حکومت است; مانند منکر اجتماعی که فرد نمی تواند نهی کند ولی حکومت می تواند، در بعضی موارد نهی مختص به علماء است مانند ظهور بدعت در دین.

س۱۴۴۴ شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; اولین شرط، احتمال تأثیر است و این شرط لازم نیست. چنانچه در دین بدعت گذاشته شود و سکوت عالم موجب هتك دین و ضعف عقاید مسلمین شود در این صورت نهی از منکر واجب است ولو یقین به عدم تأثیر داشته باشد. ولی اگر منکر چنین نباشد و فردی باشد; اولین شرط، احتمال تأثیر است. شرط دوم معرفت به منکر است و شرط دیگر این که ضرری مترتب بر نهی

از منکر نشود و شرایط دیگری هم دارد که در ذیل بیان می شود.

س۱۴۴۵ طریقه صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج باسمه تعالی; رعایت مراتب نمودن با خصوصیات آن ها.

س۱۴۴۶ مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; اول: انکار به قلب، دوم: انکار به لسان، سوم: انکار به ید به ضرب و مانند آن و هر مرتبه، مراتبی از حیث شدت و خفت دارد.

س۱۴۴۷ در مدارسی که به اسلام و مقدسات و یا مراجع عظام اهانت گشته وظیفه ما نسبت به اهانت کنندگان چیست؟

ج باسمه تعالی; وظیفه شما نهی از منکر است و اگر توانایی ندارید قطع معاشرت است.

س۱۴۴۸ آیا در جایی که نهی از منکر، تأثیر در عاصی نداشت و منکر هم اهم نیست خاموش کردن اصل ماده منکر، مثل رادیو و گرامافون بدون رضایت آنان، واجب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، واجب است. ولی نهی از منکر مورد سؤال به غیر این طریق لازم نیست.

س۱۴۴۹ خاموش کردن برق، بدون رضایت صاحب آن در صورت عدم تأثیر نهی، در مورد اسراف و غیره لازم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مفسده آن منکر، اقوی نباشد لازم نیست.

س۱۴۵۰ چنانچه واعظی حدیث نقل می کند که حکم وجوب فهمیده شود، در صورتی که حکم شرعی آن حدیث، وجوب نیست آیا لازم است به آن واعظ تذکر داده شود و نهی از منکر نمود؟

ج باسمه تعالی; بلی، باید تذکر دهید والّا امضاء بیان حکم، برخلاف واقع می شود; که جایز نیست.

س۱۴۵۱ اگر کسی نخواهد صدای مشتبه بشنود یعنی احتمال غیبت بدهد، می تواند بگوید این

صدا را خاموش کنید یا جایز نیست؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست. در صورتی که مفسده مترتب نشود، می تواند بگوید.

س۱۴۵۲ اگر کسی صحبت مشتبهی کند و شخص محترمی است اگر نهی او بی احترامی و هتک حرمت باشد چگونه از آن صحبت پرهیز کند؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که یقین به غیبت بودن ندارد; نهی کردن جایز نیست خصوصاً اگر موجب هتک حرمت شود.

س۱۴۵۳ اگر به کسی نسبت حسد و بخل و خسیس بودن و امثال این ها را بدهند جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نسبت دادن صفات رذلیه به شخصی در صورتی که امر مخفی باشد و آن شخص راضی نباشد غیبت و حرام است.

س۱۴۵۴ آیا امر به معروف و نهی از منکر در جائی که اثری مترتب نباشد واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با علم به عدم تأثیر، حتی به مقدار اظهار حق، واجب نیست مگر در مورد بدعت گذاشتن در دین، که بر علما واجب است حتّی با علم به عدم تأثیر، از آن نهی کنند.

س۱۴۵۵ آیا وظیفه داریم افرادی که از علمای نالایق تقلید می کنند راهنمایی و ارشاد بنماییم یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، ارشاد جاهل و جلوگیری از عَلَمْ شدن افراد نالایق واجب است.

مرتد

س۱۴۵۶ آیا مرتد توبه اش قبول می شود یا نه؟ آیا حد از او ساقط می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بین او و بین الله قبول است و در آخرت رستگار است; ولی حد ساقط نمی شود.

س۱۴۵۷ آیا به مجرد فهمیدن زن که شوهرش منکر پیغمبر(صلی الله علیه وآله) شده، باید کناره بگیرد و عده

نگه دارد یا این که به حکم شرع باید موضوع اثبات گردد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه انکار قبل از دخول باشد و یا بعد از دخول و مرتد فطری باشد; بلافاصله از یکدیگر جدا می شوند و اگر مرتد ملی باشد; جدا شدن، متوقف است بر این که در وسط عده برنگردد.

س۱۴۵۸ آیا کسی که منکر ولایت فقیه است می شود آن را مرتد خواند یا نه؟ وظیفه ما در مقابل این افراد چگونه است؟

ج باسمه تعالی; خیر، ولایت فقیه از ضروریات دین نیست.

س۱۴۵۹ مجری حکم مرتد فطری چه کسی است؟

ج باسمه تعالی; هر کسی می تواند مجری باشد نیازی به اذن حاکم شرط نیست.

س۱۴۶۰ آیا توبه مرتد فطری مانع از اجرای حکم او می شود؟

ج باسمه تعالی; خیر.

هبه

س۱۴۶۱ شخصی در محضر، خانه خود را به اسم زن ثبت کند ولی صیغه هبه نخواند و منزل هم تحویل نداده و فعلا هم اختیار منزل با شوهر است خود او، و اولاد و همسرش در آن خانه می نشینند تا این که زن فوت می کند آیا ملك مال زن حساب می شود یا مال شوهر است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در موقع امضاء دفتر، قصد انشاء ملکیت زن را بنماید و همسرش به قصد قبول، امضاء نماید، منزل، مال همسر است و اگر موقع امضاء به این امر توجه نداشته است (که ظاهراً چنین است) در فرض این که صیغه هبه خوانده نشده و اقباض به قصد هبه هم نبوده، خانه مال شوهر است.

س۱۴۶۲ در مورد سؤال قبل در صورتی که مالك خانه، که خانه را به همسرش بخشیده چند سال

خانه نشین شد و در معیشت زندگی محتاج به همسر و فرزندان باشد در این صورت منزل مال زن است یا مال شوهر می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که صیغه هبه خوانده نشده است عملی که هبه به آن محقق می شود انجام نگرفته است و مجرد خانه نشین شدن مرد موجب نمی شود خانه مال زن بشود؛ بلکه مال شوهر است.

س۱۴۶۳ زید مقداری از مزرعه ی خود را به عمرو هبه نمود ولی عقد و قبض واقع نشده و قبلاً هم در دست عمرو بوده و مقدار باقی مانده از هبه را به عمرو فروخته؛ حالا بین آن ها نزاع است. عمرو می گوید همه را فروخته ولی زید منکر است اگر اثبات نشود هبه و بیع هر دو باطل است یا بیع صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ عمرو باید هبه را اثبات کند والّا به حسب ظاهر حق با زید است ولی معامله و بیعی که بر بقیه واقع شده است به همان مقدار، صحیح است.

س۱۴۶۴ تقریباً بیست و پنج سال قبل از چند نفر که ذی حق بودند برای شخصی، هبه عمری نموده اند تا این که موهوب له، نما و ثمره منفصل را برای مخارج احیای موهوب فیه صرف کند و موهوبه را زنده نگه دارد و عمل طبق نوشته انجام شده و بعد از فوت واهب، برادرزادگان واهب، مال الموهوبه را غصباً و قهراً گرفته اند و عمل به نوشته و هبه نامه که فی سبیل الله بود ترک کردند حکم مسأله را بیان فرمایند؟

ج باسمه تعالی؛ هبه مذکور چون فی سبیل الله بوده، لازم است و

ورثه حق گرفتن مال موهوب را ندارند.

س۱۴۶۵ دائی بنده مبلغی وجه نقد، برای ساخت منزل قدیمی، برای رفاه حال خواهرش داده است آیا هبه صدق می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; ظاهر حال، به خصوص به قرینه سؤال بعد، این است که هبه نکرده است.

س۱۴۶۶ دائی بنده بعداً گفته است: چون خواهر زاده ام برای خواهرم زحمت زیاد متحمل شده، پول مرا به او بدهید قول او نافذ هست و هبه است و همه ورثه ها حاضر شدند و قبول کردند که سهم مادرم را به خواهرم بدهیم و حالا نمی دهند؟

ج باسمه تعالی; قول او نافذ است البته به مقداری که مصرف کرده چنانچه صیغه ولو به فارسی خوانده شده است; هبه، صدق می کند والا مجرد رضایت خصوصی و راضی شدن به این که بعداً هبه نمایند; هبه صدق نمی کند.

س۱۴۶۷ خواهرم در اثر حادثه ای فوت شده و سهم الارث که از مال او به پدرم می رسد به دختر دیگرش که به جای متوفی رفته، بخشیده است. شاید یک ملیون می شد; آیا حج برای پدرم واجب شده یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر این پول میراثی، تا ماه شوال همان سال فوت در اختیار پدر بوده; بلی، مستطیع است، و در غیر این صورت نیست.

س۱۴۶۸ اگر استطاعت محرز شود، هبه و بخشش صحیح است یا نه و بعد از هبه، حج از او ساقط می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بخشیدن صحیح است; ولی حج ساقط نمی شود. باید ولو به گدایی کردن باشد حج انجام دهد.

س۱۴۶۹ در فرض وجوب حج، قدرت انجام حج را ندارد و

می تواند نایب بگیرد؟

ج باسمه تعالی; در فرض استطاعت مالی، بلی باید نایب بگیرد.

س۱۴۷۰ اگر کسی یکصد هزار تومان به دیگری هبه کرد به شرط این که یک سال بعد دویست هزار تومان بدهد آیا این شرط درست است؟

ج باسمه تعالی; این شرط لازم الوفاء است و اشکالی ندارد.

س۱۴۷۱ شخصی دو دانگ از زمینی به زوجه اش بخشیده و به شرط این که اگر خواست زمین را بفروشد زوجه مانع نشود و اجازه فروش بدهد و در ضمن شرط دیگر بعد از فروش، پول سهم زوجه مدتی پیش او باشد. آیا با فروش زمین، برای زوجه اش حج واجب می شود یا نه، هبه قبض و اقباض هم لازم دارد یا خیر؟ اگر نوشته های عادی به زوجه بدهد قبض صدق می کند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; هبه صحیح است. ولی زن با آن واجب الحج نمی شود و شرط صحت هبه، قبض است; ولی قبض زمین به این است که زمین در اختیار او باشد و مجرد نوشته عادی، کافی نیست.

س۱۴۷۲ مادری خانه مسکونی دارد. خودش با دو دخترش فقیر می باشند و پسرش به آن ها رسیدگی نمی کند; مثلا ماهی هزار تومان کمک خرجی می دهد و مادر و دختران مذکور صدقه می خورند و یک دخترش شوهر کرده است. اگر دختر شوهردار از مال خود صرف نظر کند و چون پسر، به مادر و خواهرهایش رسیدگی نمی کند آیا مادر می تواند خانه را به نام دو دختر مذکور که پیش خود هستند به ثبت برساند تا بعد از مرگش خانه مذکور مال مطلق دو دختر باشد یا

مدیون پسر می شود؟

ج باسمه تعالی; بلی می توانـد در زمان حیات خود به آن ها ببخشـد یا مصالحه کنـد; در این صورت هیچ اشکالی پیش نمی آید و بعد از مرگش به پسرش نمی رسد.

عقاید انحرافی

س۱۴۷۳ تعدادی از دراویش از مردم پولی تحت عنوان عشریه اخذ می نمایند (به جای خمس آل محمد(صلی الله علیه وآله) اولاـ آیا اخذ عشریه، به این کیفیت بدعت محسوب می شود یا خیر؟ و ثانیاً فعل حرام محسوب می شود یا نه؟ لطفاً ارشاد فرمایید.

ج باسمه تعالی; و اما عشریه ای که دراویش می گیرند; چنانچه به عنوان سهم مبارک امام ارواحنا فداه باشد و با اجازه مجتهد باشد حلال است، والا حرام و بدعت است.

س۱۴۷۴ یکی از اهداف دشمن ایجاد مکتب های انحرافی است; اخیراً فرقه های مختلف صوفیه مراکزی را به عنوان پایگاه جهت فعالیت خود می سازند. ایجاد بنا و مراکز تبلیغی و شرکت در مجالس آنان چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; با تصریح شما به این که انحرافی است; قطعاً، شرکت حرام است مگر این که کسی برای اطلاع از حرف های آن ها به جلسات برود و شرکت کند تا این که حق را تشخیص دهد. در این صورت اشکال ندارد.

س۱۴۷۵ در شمال پاکستان مذهبی به نام شیعه اسماعیلیه وجود دارد که رهبرشان یونس کریم آغاخان است، در دفتر آن ها ثبت نام کردن و برای آن ها کار کردن و از امتیازات این گروه استفاده نمودن چه صورت دارد؟ چون اهالی منطقه فقیرنشین هستند در ادارات و مؤسسه آن ها مشغول به کار می شوند و از

خود آغاخان تاکنون برخلاف اسلام و مسلمانان حرفی شنیده نشده است. کمک گرفتن کشاورزان و مردم فقیر از همچو مؤسسه و مذهب چه صورت دارد و شنیده شده است که پول ها را مردمان ثروتمند از کشورهای دیگر می دهند اگر برای اهالی مفسده و رسوخ در عقیده شان نباشد و به انحراف کشیده نشوند گرفتن این پول ها جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; فرقه اسماعیلیه فرقه ای است ضاله و امام آن ها امام جائر است و هر گونه کمک به آن فرقه، خلاف شرع است. ولی دخول در مؤسسات آن ها، مانند دخول در خدمات دولت ظالم است و در صورت استخدام برای خدمت به مسلمین و رفع حوائج آن ها و دستگیری از مستضعفین، با رعایت عدم تقویت آن فرقه جایز است و اشکال ندارد. خصوصاً چون اصل پول مال دیگران است و آن هائی که استخدام می شوند آماده اند که هیچ گونه کمک هایی به آن فرقه نکنند و در صورت تقاضای کمک از آن ها دوری نمایند.

س۱۴۷۶ حکم برخورد مسلمین با اعضای فرقه شیخیه که مؤسس آن شیخ احمد احسائی است و همچنین برخورد با اعضای فرقه صوفیه فرق نعمت اللهی و سلطانعلی شاهی نابادی را بیان فرمایید و تقلید از قطب آن ها چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; تقلید از آن ها جایز نیست و در برخورد با آن ها از شیوه «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه» استفاده کنید و مباحثات و برخورد ائمه طاهرین(علیه السلام)با فرق ضاله و روایات متضمنه را متابعت بنمائید.

س۱۴۷۷ شرکت در مجالس و معاشرت با اهل تصوف

چه صورتی دارد و مرام آن ها چیست؟

ج باسمه تعالی; مرام اهل تصوف بسیار متفاوت است کتاب هایی که اخیراً چاپ شده است مانند «کتاب خیراتیه علامه بهبهانی و تحفه الأخیار ملاطاهر قمی» و یا به کتبی که قبلا چاپ شده است مانند «عارف و صوفی چه می گویند مرحوم میرزا جواد آقاتهرانی» مراجعه شود.

س۱۴۷۸ آیا داشتن عقیده راسخ (بما جاء به النبی) کافی است و یا تحقیق بیش تر لازم است؟

ج باسمه تعالی; کافی است.

س۱۴۷۹ نظر مبارکتان درباره فرقه بهائیت و معاشرت با آن ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; فرقه بهائیت ضاله است و معاشرت با آنان جایز نیست و از یهود و نصاری بدترند.

س۱۴۸۰ شرکت در مجالس و محافل صوفیه و انجام اعمال آن ها در خانقاه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مجرد حضور در مجالس آنان، اشکال ندارد و انجام اعمال و گفتار آنان، اگر مخالف شرع است جایز نیست.

س۱۴۸۱ خداوند متعال که تکلم ندارد به چه وسیله وحی به پیامبران می رساند، با کلمه (کن) ایجاد کلام می کند؟ یا وسیله دیگر؟ کسی که معتقد است خدا بدون واسطه تکلم می کند عقیده اش چطور است؟

ج باسمه تعالی; خداوند، گاهی با ایجاد کلام در یک جسم و گاهی به وسیله جبرائیل با مخلوقات تکلم می کند و مراد از کلمه کن اراده است و اتصاف خدا به تکلم که حادث است غیرمعقول است.

س۱۴۸۲ نظر مبارکتان درباره قیام جناب زید(علیه السلام) چیست و قیامش طبق دستور امام، بود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; برحسب روایات معتبره قطعاً به امر امام(علیه السلام) بوده است.

س۱۴۸۳ آیا

عقاید مردم نسبت به چهارشنبه سوی و یا نحس بودن روز ۱۳ منشأیی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; همه از اوهام است.

س۱۴۸۴ کسانی که خود را اهل نیاز می دانند به این عقیده هستند: در سال ۳ روز یا ۶ روز روزه، آن هم در غیر ماه رمضان می گیرند و نماز هم نمی خوانند و می گویند علی(علیه السلام) دو جنبه دارد; اول، مظهر الله است و جنبه دوم، بشر است پس ذات او ازلی و ابدی است و علی(علیه السلام) عین ذات خدا بوده در عصر خود بهیکل بشر با مردم تماس داشته و می گویند که خدا در هفت جسد حلول می کند و این حلول به منزله لباس پوشیدن انسان است و هر بار که حلول می کند چهار یا پنج ملک نیز با او ظاهر می شوند این دسته از یاران ملک هستند. می گویند علی(علیه السلام) در جامه سلطان اسحاق ظاهر شده و ذات سلطان اسحاق تکمیل تر از جامه علی(علیه السلام) است و در امام حسین(علیه السلام) و بابا یادگار و عالی قلندر فرقی ندارند و می گویند علی(علیه السلام) شهید نشده و اگر علی(علیه السلام) را بپرستند اهل نجاتند صدها مورد از این خرافات را دارند ارتباط با این جور افراد چه صورت دارد؟ مأکولات و مشروبات و لبنیات که دست آن ها در کار است و زن گرفتن و زن دادن به آن ها و کار کردن برای آن ها که تقویت بنیه مالی آن ها شود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; دسته اول فاسقند امّا کافر نیستند مگر آن که بدانند پیغمبر(صلی الله

علیه وآله)غیر از این فرموده و آن را قبول نداشته باشند دسته دوم مشرک، دسته سوم کافر و دسته چهارم نیز از اسلام به دور هستند.

س۱۴۸۵ نظر مبارکتان درباره ئ منصور حلاج چیست؟

ج باسمه تعالی؛ منصور حلاج مرد فاسد و بسیار ضال و مضلّ بوده و توقیع شریف در لعن او وارد شده است.

س۱۴۸۶ در منطقه کرند و اسلام آباد که مرکز اهل حق است حدود ۱۵۰ هزار نفر پیرو این مذهب در آنجا زندگی می کنند معروف به علی اللهی هستند ولی از آن ها شنیده نشده که بگویند علی خداست. جلسه ای با رهبرانشان داشتم؛ می گفت علی(علیه السلام)نزدیک ترین فرد است به خدا، قرآن و نهج البلاغه را قبول داشتند و عمل به آن ها را سفارش می کردند مردم منطقه اعتقاد به خدا و پیغمبر و امام دارند؛ ولی نماز نمی خوانند به جای نماز نیاز می دهند. انجام دادن نذری با آداب مخصوص، سالی یک مرتبه روزه می گیرند آن هم سه روز در فصل زمستان، اعتقاد به تناسخ و حلول دارند و طهارت و نجاست را رعایت نمی کنند و غسل های واجب را انجام نمی دهند و ذبیحه های آن ها شرعی نیست آیا با این وصف پاکند یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ ذاتاً پاک هستند و چنانچه نجاست عرضی، مانند خوردن میته، ملاقات با بول پیدا شود، با آب کشیدن می شوند.

س۱۴۸۷ خرید و فروش این گونه کتب و مطالعه آن ها چه حکمی دارد؟ عنوان کتاب این طور است «وصیت معنی ندارد، من مخالفم که می گویند پیغمبران معصومند، الکل خوردن بهتر از مال موقوفه

خوردن است، پست ترین مرد را کسی می دانم که دو زن دارد، در زمانی که زن و شوهر اختلاف دارند اگر دارای اولاد شوند به منزله حرام زاده است، زندگانی خود را با علی(علیه السلام) یکی می داند شریعت را محمد(صلی الله علیه وآله) و علی(علیه السلام) ولایت را کامل کرد و سلطان اسحاق هم آمد حقیقت را تمام کرد. ما کاری با کسی نداریم علی(علیه السلام) به من فرمود: دین تو ابداعی است ولی نیک ابداعی است تا قیامت دین همان است».!؟

ج باسمه تعالی; این حرف ها به هذیان شبیه است. چنانچه گوینده و نویسنده به هوش باشد و چنین جملاتی بگوید منحرف است و بی دین. به هر حال، کتاب از کتب ضلال است و خرید و فروش آن حرام است.

س۱۴۸۸ وظیفه طلابی که برای تبلیغ به مناطق می روند و با آن ها معاشرت دارند اگرچه مجبور نباشند می توانند از تبلیغ منصرف شوند؟

ج باسمه تعالی; وظیفه طلاب آن است که به آنجا بروند و با بحث به نحو احسن آن ها را ارشاد کنند. اگر یک نفر هم هدایت شود و یا اقلا حق ظاهر شود; ارزش زیادی دارد. به گونه ای که بیان من، از اظهارش قاصر است.

س۱۴۸۹ اگر کسی را دیدیم اهل نماز و روزه و ظاهر دین را مراعات می کند ولی خود را پیرو اهل حق می داند با او چطور رفتار شود؟

ج باسمه تعالی; معادل یک مسلمان منحرف و باید ارشاد شود.

س۱۴۹۰ رفتن به مجالس دراویش چه حکمی دارد؟ در صورتی که این افراد چهارده معصوم(علیه السلام) را قبول دارند؟

ج باسمه

تعالی; دراویش فرق مختلفی دارند; همه را نمی توان در تحت یک قاعده بیان کرد.

س۱۴۹۱ رفتن به خانقاه و اعمال خاصی که در آنجا صورت می گیرد چه حکمی دارد و برای حصول زهد، از نظر شارع مقدس چگونه زهد و علم و عدم رغبت به دنیا می شود؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که با ترویج باطل منطبق نشود; رفتن اشکال ندارد و کارها هم اگر از شرع رسیده است جایز می باشد والا به قصد مطلق ذکر باشد نه به عنوان ورود، اشکال ندارد.

س۱۴۹۲ این که عده ای معروف به مرتاض اعمال شاقه ای انجام می دهند; آیا انسان می تواند برای تزکیه نفس چنین اعمالی انجام دهد و یا عنوان حرام دارد و از نظر شرع مقدس تزکیه نفس چگونه حاصل می شود؟

ج باسمه تعالی; تزکیه نفس از راه عباداتی که دستور داده اند متعین است و به کتب اخلاق مراجعه کنید.

ذبح

س۱۴۹۳ آیا کشتن حیوان حلال گوشت با ضربت شمشیر و قطع رگ های اربعه با شرایط، حلال می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، حلال می شود.

س۱۴۹۴ ذبح حیوان با چاقوی غیرآهنی مثل استیل و غیره جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورت امکان، با غیرآهن جایز نیست ولی ظاهراً استیل از همان معدن محسوب است و در این صورت جایز است.

س۱۴۹۵ آیا گوسفند کفاره را می توان در شهر خود ذبح کرد؟ آیا خود حاجی می تواند از آن بخورد یا منحصر است به فقرا؟

ج باسمه تعالی; کفاره را می توان در شهر خود ذبح نمود و خود شخص، می تواند مقدار کمی از

آن بخورد; به شرط آنکه قیمت آن را به فقیر بدهد و احتیاط آن است که در غیر حال ضرورت، نخورد. ولی قربانی را باید در محل مخصوص، در مکه ذبح نمود.

س۱۴۹۶ ذبح حیوانات روزمره، در ترکیه به وسیله دستگاه مخصوص انجام می شود. اطلاعی هم از کیفیت و شرعی بودن و نبودن آن نداریم وظیفه ما مسلمانان در استفاده و خرید و خوردن این گونه گوشت ها از بازار چیست آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ذبح با دستگاه مخصوص، اشکال ندارد و چنانچه شرایط از قبیل تسمیه و استقبال رعایت بشود; ذبیحه حلال است و چنانچه متصدی ذبح، مسلمان یا مؤسسه منتسب به مسلمین باشد; ذبیحه حلال است، ولو ندانند که شرائط رعایت می شود یا نه. همچنین است اگر متصدی دولت شد در صورتی که اسلامی باشد.

س۱۴۹۷ اگر یکی از اهل حق بگوید این گوسفند ذبح شرعی شده، می شود اطمینان به حرف او کرد و استفاده از آن جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، در صورتی که بگوید ذبح شرعی مسلمانان شده نه ذبح شرعی اهل حق، جایز است.

س۱۴۹۸ اگر گوسفند یا گاو را اشتباهاً بالاتر یا پایین تر از محل تعیین شده ذبح کنند آیا حیوان حرام می شود؟ عمدی باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; حرام نمی شود. بلکه تا زنده است اگر از محل شرعی ذبح کنند حلال است.

اذیت

س۱۴۹۹ کسی که در مکان های عمومی مثل ماشین و غیره سیگار بکشد و عده ای ناراضی و ناراحت شوند جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تا حدی که به ایذاء مؤمن منجر نشود اشکال

ندارد.

س۱۵۰۰ آیا اگر معلم در میان شاگردان فرق بگذارد و تبعیض قائل شود جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. مگر آنکه موجب اذیت دیگران شود.

س۱۵۰۱ دو نفر طلبه در حجره ای زندگی می کنند. یکی باعث ناراحتی دیگری می شود; مثل گوش دادن به صداهای مشکوک آیا رفیق او می تواند در جایی که رضایت ندارد جلوگیری کند؟ معیار کلی بین دو نفر هم حجره در صورت تضاد چیست؟

ج باسمه تعالی; به صورت تقاضا اشکال ندارد. ولی با تحکم و زور حرف خود را بقبولاند صحیح نیست.

اعسار

س۱۵۰۲ آیا اعسار یک عنوان کلی قابل انطباق بر مجموعه فقه است یا فقط حاکم بر امورات مالی و محدود به مسائل مالی است؟

ج باسمه تعالی; به این عنوان خاص، مختص به امور مالی است. تحت عنوان اعم، در موارد دیگر غیرقابل انطباق است.

س۱۵۰۳ راه های اثبات اعسار چیست آیا فقط راه تشخیص منحصر به طرق بینه و قسم است یا استظهار و کشف و علم و امثال آن را نیز در ثبوت آن می توان استفاده کرد؟

ج باسمه تعالی; اطمینان و علم هم راه تشخیص است.

س۱۵۰۴ آیا حجر معسر مطلق است یا محدود به تصرفات مالی است و آیا سایر اقدامات غیرمالی; مثل ازدواج، قبول هدایا، استیفای قصاص،... و عفو نافذ است یا خیر و آیا حاکم می تواند اضافه بر حجر مالی او را از جمیع تصرفات منع نماید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مختص به امور مالی است آن هم به تصرف مخرج مال از ملک.

س۱۵۰۵ آیا برای صدور حکم اعسار شرائطی از قبیل:

۱ ثبوت دین نزد حاکم ۲

عدم کفاف دارائی جهت اداء دین ۳ حال بودن دین ۴ درخواست غرماء مبنی بر صدور حکم حجر مدیون را شرط می دانید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; هر چهار امر شرط است.

س۱۵۰۶ با توجه به این که احکام ظاهری در شبهات موضوعی احتیاج به فحص و کشف ندارد; در ثبوت اعسار اشخاص، محض تحقیق، بنای شرعی دارد یا خیر؟ آیا این مورد نیز فقط باید از قاعده البینه للمدعی و الیمین علی من انکر استفاده نمود یا راه های دیگری از قبیل علم قاضی، استظهار از حال معسر و تحقیق از افراد و توجه به مستندات و ادله ارائه شده نیز، طرق شرعی هستند؟

ج باسمه تعالی; سؤال غیرمنظم است. حجر از احکام ظاهری نیست و علم قاضی هم کافی است.

س۱۵۰۷ آیا معسر و مفلس دارای یک حکم اند؟ آیا جمیع تصرفات معسر حین الاعسار حتی در مستثنیات دین نافذ و صحیح است یا خیر؟ در این مورد بین قبل و بعد حکم حاکم به اعسار، فرقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بین دو عنوان فرقی نیست و منع از تصرفات موقوف بر حکم حاکم شرع است.

س۱۵۰۸ شخص معسری که معامله، هبه و صلح معوض و غیر معوضی را قبل از صدور حکم اعسار انجام داده و مشخص نیست که به قصد فرار از پرداخت دین بوده است یا قصد تبرع و خیرخواهانه و بیع حقیقی و غیره داشته که نهایتاً این معاملات در حال حاضر ضرر طلبکاران را به دنبال داشته است; حکم آن معاملات از نظر نفوذ و عدم نفوذ و صحت و عدم صحت چگونه است؟

ج باسمه تعالی; قبل

از حجر حاکم، تصرفاتش مطلقاً نافذ است.

س۱۵۰۹ کسی طی درخواستی از دادگاه تقاضای گرفتن طلب خود را از فردی نموده و ایشان با مراجعه به دادگاه ادعای اعسار نموده:

۱ آیا دادگاه می تواند مدعی اعسار را حبس کند؟ چه مدت و آیا این حبس تعزیری است؟

۲ اگر اعسار او بر حاکم ثابت شد تکلیف دادگاه نسبت به مطالبات وی چیست و نسبت به تقاضای او چگونه باید عمل نماید؟

۳ محدوده تحقیق دادگاه در اصل دعوی اعسار چقدر است؟ آیا صرفاً دارائی و عدم دارائی وی را بررسی می کند یا این که حق فحص در نحوه صرف اموال و غیره را نیز دارد؟

ج باسمه تعالی; ۱ مجرد درخواست، مجوز حبس نیست.

ج باسمه تعالی; ۲ دادگاه موظف است به آنچه حاکم شرع دستور داده; عمل کند و مستقل در عمل نیست.

ج باسمه تعالی; ۳ شرایط اربعه گذشته، ملاک حجر حاکم است.

س۱۵۱۰ معسر به چه کسی می گویند؟ آیا به صرف نداشتن مال به کسی معسر گفته می شود یا این که باید امکان تحصیل مال نیز نداشته باشد تا به او معسر اطلاق شود؟

ج باسمه تعالی; به کسی که مال ندارد معسر می گویند; ولو توانایی تحصیل مال داشته باشد. ولی حاکم شرع می تواند او را ملزم به تکسب بر اداء دین کند.

خودکشی

س۱۵۱۱ کسی می خواهد خودکشی کند آیا جلوگیری از خودکشی او واجب است؟

ج باسمه تعالی; بله، واجب است. مگر آن که متوقف بر بذل مال معتنابه باشد و کسی هم آن وجه را نمی دهد یا آنکه آن شخص که خیال خودکشی دارد; کافر حربی باشد و یا

آن که بازداشتن او از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی شخص نجات دهنده باشد که در این سه مورد، جلوگیری واجب نیست.

س۱۵۱۲ وعده دروغ دادن، به شخصی که می خواهد خودکشی کند برای جلوگیری جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بله جایز، بلکه واجب است.

س۱۵۱۳ آیا در روایات و آیات بیان شده کسی که خودکشی کرده همیشه در آتش جهنم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بله زیاد. به وسائل الشیعه ج ۲۹، ص ۲۴، مراجعه کنید.

سؤالات گوناگون

س۱۵۱۴ به دنبال ترویج طرح های «ارمغان بهزیستی» و «همای رحمت» توسط رسانه های جمعی، در بسیاری از شهرها و مراکز استان ها نیز طرح های مشابهی به اجرا درآمده است که مجریان آن ها جمع آوری وجوه خیریه مردم، رای برای تأسیس مراکز قرآنی و خیریه تبلیغ می کنند لطفاً حکم شرعی آن را به طور روشن بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست. این همان بخت آزمایی است که همه گفته اند حرام است.

س۱۵۱۵ شوخی نمودن با حرف هایی که گفتن این گونه حرف ها از نظر اخلاقی و ادبی خوب نباشد آیا جایز است؟

ج باسمه تعالی; گفتن بعضی الفاظ رکیک حرام است مانند ذکر عورت مگر بین زن و شوهر.

س۱۵۱۶ آیا پوشش لباس موقت، برای طلاب مبتدی اشکال ندارد، به طور کلی معظم له چه مقطعی را برای ملبس شدن کافی می دانید؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و مقطع معینی برای ملبس شدن وجود ندارد.

س۱۵۱۷ مردم پول یا چیزهای دیگر برای ریختن در ضریح امامزاده ای می دهند و یا وقف می کنند و آن امامزاده نیاز ندارد آیا می شود

مصرف امامزاده دیگر کرد برای تعمیر یا توسعه آن؟

ج باسمه تعالی؛ بلی می شود.

س۱۵۱۸ معاشرت با افرادی که با ما هم مذهب نیستند و رادیو تلویزیون متناسب با عقاید خودشان را دارند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت امکان باید نهی از منکر نمود والا ترک مراوده کرد.

س۱۵۱۹ رفتن دانشگاه، با وجود فساد برای دختران و پسران، چه حکمی بار می شود؟

ج باسمه تعالی؛ بر فرض سؤال، چنانچه رفتن دختران و پسران به دانشگاه باعث فساد آنان گردد، رفتن به دانشگاه حرام است.

س۱۵۲۰ تحصیل علوم دینی برای زن در خانه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بسیار خوب است.

س۱۵۲۱ خواندن فلسفه و کلام چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ برای افراد فرق می کند و آن ها مختلف اند. بعضی از افراد چون ممکن است موجب انحراف آن ها شود باید آن را ترک کنند.

س۱۵۲۲ اگر اهل علم و طلاب مرتکب معصیت شوند کیفر و عذاب شان مضاعف می شود؟

ج باسمه تعالی؛ عالم علی اختلاف مراتبه، قهراً موأخذه اش بیش تر و شدیدتر است.

س۱۵۲۳ آیا برای سادات انجام واجبات و یا ارتکاب معاصی، ثواب و کیفر در حق آن ها مضاعف می شود؟

ج باسمه تعالی؛ خیر، در این مورد، سید و غیرسید فرقی ندارند.

س۱۵۲۴ چرا خداوند برای عده ای سیادت داده و سهم سادات را به آن ها اختصاص داده آیا این تبعیض نیست؟

ج باسمه تعالی؛ برای مستمندان غیر سید زکات تعیین شده است یعنی خداوند دو صندوق دارد که برای هر گروه مصرف معینی مشخص کرده است. لذا هیچ گونه تبعیض نیست.

س۱۵۲۵ آیا رد مظالم را می

شود در امور خیریه مصرف کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; رد مظالم را باید به فقیر بدهند و او می تواند در امور خیریه صرف کند.

س۱۵۲۶ اگر کسی استمناء کند یا از خواب بیدار شود و متوجه شود که می خواهد منی خارج شود و جلو خارج شدن منی را بگیرد بعد با فاصله کمی رطوبتی خارج شود که هیچ کدام از نشانه های خروج منی را ندارد تکلیف شخص مزبور چیست؟

ج باسمه تعالی; جنب نیست وضو بگیرد و نماز بخواند.

س۱۵۲۷ یکی از دوستان این جناب را اعتقاد بر این است که تمام بندگان خداوند اعم از کافر و مسلمان وارد بهشت می شوند منتها رتبه زمانی دارد و یک عده زودتر و عده ای بعد از چند سال، شمر و معاویه بعد از هزار سال، استدلال به عطوفت و مهربانی و گذشت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) می نماید که اضافه شیر را به قاتل می دهد پس فضل و رحمت پروردگار بالاتر از این است. همه را مورد عفو قرار می دهد همه بنده او هستند و آیات قرآن که خلاف این مطلب را می گوید قبول ندارند و می گوید قابل توجیه است. باید آیات توجیه و تفسیر شود آیا چنین اعتقادی به عدالت شخصی خدشه ای وارد می کند و آیا می شود در نماز به او اقتداء کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; این اعتقاد، به عدالت ضرر نمی رساند ولو موافق با موازین شرعی نباشد; چون به هر حال از ضروریات دین نیست.

س۱۵۲۸ لباسی را که دولت به سربازان می دهد اگر بعد از اتمام دوره سربازی تحویل

نگیرد آیا لباس مزبور به شخص مذکور حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر دولت وقت به دادن لباس، تملیک بکند; حلال است.

س۱۵۲۹ دارویی که برای ضدعفونی به آب می ریزند و رنگ آب سفید می شود آیا آب مذکور حکم آب مضاف را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; حکم مضاف ندارد.

س۱۵۳۰ شخصی می گوید راضی نیستم از من تعریف کنید در فرض مذکور تعریف از خوبی های او چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۳۱ آیا سرمه کشیدن مرد، بلند گذاشتن موی سر و روغن زدن به مو، برای مرد در این زمان هم، مستحب است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تشبه به زن نباشد و موجب اهانت به خودش نباشد بلی جایز است.

س۱۵۳۲ اگر کسی بدهکار باشد یا برای کسب سرمایه نداشته باشد آیا می تواند با فروختن بعضی از اعضای بدنش مانند کلیه و... بدهی را پرداخته یا برای کسب سرمایه درست کند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خطر هلاکت نباشد; جایز است.

س۱۵۳۳ آیا حقوقی که کارمندان می گیرند و دولت مالیات هم از آن کم می کند آیا اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۳۴ بلند کردن شارب و موی سر برای مردان چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست ولی زدن شارب مستحب است.

س۱۵۳۵ اجناسی مانند آبلیمو و کمپوت و... که تاریخ انقضا دارند; اگر شخصی جنس تاریخ گذشته بفروشد آیا مأموران بهداشت می توانند اجناس مذکور را از شخص مزبور گرفته و دور بریزند یا چنین حقّی ندارند؟

ج باسمه تعالی; اگر راهی برای جلوگیری نباشد و اجناس منقضی شده، مضرّ به حال اجتماع باشد;

بلی، می توانند.

س۱۵۳۶ اگر دامداران یا چوپان ها گوسفندان را بدون اجازه داخل ملك مردم بکنند و زراعت مردم را پایمال بکنند و جلوگیری از آن ها به هیچ نحو ممکن نباشد و حرف کسی را گوش نکنند آیا در این صورت برای از بین بردن گوسفندان آن ها می توان در زراعت سمّ گذاشت؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، البته با اعلام به صاحبان گوسفندان.

س۱۵۳۷ خانم هایی که برای دیگران قرآن ختم می کنند آیا در ایّام عادت می توانند سوره های بعد از سوره های سجده دار را بخوانند و بعد از پاك شدن و غسل نمودن سوره های سجده دار را بخوانند؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، بی اشکال است.

س۱۵۳۸ آیا جواب سلام منافق واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی واجب است.

س۱۵۳۹ اگر کسی نزد دکتری برود و پول نسخه را بدهد به گمان این که دارویی به او بدهد که دکتر اولی نداده باشد و بعد از دادن نسخه بفهمد مانند اولی داده؛ آیا می تواند پول نسخه را پس بگیرد؟

ج باسمه تعالی؛ خیر نمی تواند.

س۱۵۴۰ آیا اگر کسی قرآن مجید را قبول دارد ولی در مقام عمل قبول ندارد کافر است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه بگوید قرآن از طرف خداست؛ ولی من عمل نمی کنم مانند همه فساق است و کافر نیست و اگر بگوید از طرف خدا نیست؛ کافر است.

س۱۵۴۱ اگر یکی از علماء چیزی را حلال بداند و مردم نمی دانند و در واقع حرام است؛ آیا می توان به مردم گفت که او چنین نگفته و او اهل این حرف ها نیست تا مردم به واقع

عمل کنند و از حرام اجتناب کنند؟

ج باسمه تعالی; خیر، نمی شود گفت.

س۱۵۴۲ اگر کسی به طوری در تنگی معاش باشد که نتواند زندگی خود را اداره بکند و به هر امری بزند با شکست مواجه شود آیا می تواند برای غیرمسلمان کار بکند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه کافر ذمی باشد; مانعی ندارد. ولی برای بهائی، کافر حربی و کمونیست، خیر نمی تواند.

س۱۵۴۳ حد و مرز و شادی در میلاد ائمه چیست؟

ج باسمه تعالی; هر شادی که حرام نباشد و اهانت به آن بزرگواران نباشد جایز است.

س۱۵۴۴ صحبت کردن مردان با صدای تقلیدی زنان و بالعکس چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۴۵ یکی از کفارات مقرر در شرع مقدس اسلام بنده آزاد کردن است و در حال حاضر این امر معمول نیست، از طرفی عده ای ناخواسته، نظیر تصادف یا بدهی و یا دیه و امثال آن، در زندان ها به سر می برند و خانواده هایشان پریشان و مستأصل می باشند آیا اجازه می فرمایید به جای آزاد کردن افرادی که کفاره به ذمه دارند یک یا چند نفر از زندانیان بی گناه را آزاد نمایند؟

ج باسمه تعالی; در مطلق واجبات تخییریه که بنده آزاد کردن در کفارات، یکی از مصادیق آن است; اگر یک فرد ممتنع شد باید آن فرد دیگر اختیار شود و اگر همه افراد ممتنع شدند; اگر در شرع، بدل تعیین شده است آن را باید اختیار نمود. که به هر تقدیر، صرف در مورد مذکور، وجهی ندارد.

س۱۵۴۶ فرق بین تزکیه نفس و تکبر حرام چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; وجه اشتراک بین آن

ها نمی بینم تا محتاج به بیان فرق باشد.

س۱۵۴۷ آیا دوست داشتن و عشق ورزیدن به کسی، بدون قصد لذت و شهوت، که نمی دانیم ازدواج نموده و یا حتی می دانیم ازدواج ننموده است جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۵۴۸ کتبی مانند «جامع الاخبار» که مؤلفش دقیقاً معلوم نیست چگونه معتبر می باشد؟

ج باسمه تعالی; در مستحبات اکتفاء به روایات آن می شود در احکام لزومیه خیر.

س۱۵۴۹ توضیح مختصری درباره تسامح در ادله سنن که آیا چه اخباری را می توان با استفاده از قاعده تسامح نقل کرد; بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; این مسأله، مبحث مفصلی دارد و مختار این است که اگر یک روایت ضعیفی از حدیث سند، از معصوم(علیه السلام) برسد و بر مطلوبیت یک امری دلالت کند مانند غسل شب مخصوصی یا نماز خاصی یا یک عمل دیگری، استحباب آن عمل، با همین روایت ثابت می شود.

س۱۵۵۰ آیا عدم مفسده در خوردن مال یتیم به نظر مبارک جایز است یا مصلحت لازم دارد؟

ج باسمه تعالی; عدم مفسده کافی است.

س۱۵۵۱ مرد یا زنی حواس پرتی پیدا کرده، حتی بچه های خود را به طور کامل نمی شناسد چنانچه در خیابان، بدون همراه باشد سردرگم است و خانه را تشخیص نمی دهد و نماز را به طور منظم از جهت عدد رکعات نمی فهمد آیا چنین فردی می تواند مال خود را به یکی از وراث بی اذن ورثه دیگر بدهد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنین کسی نمی تواند در اموال خود، تصرف به نحو نقل و انتقال یا بخشش و امثال آن بنماید.

س۱۵۵۲ اگر کسی جنسی را

عاریه بگیرد; بدون تضمین قولی و آن چیز از بین برود و عاریه گیرنده، بدون آنکه عاریه دهنده عوض جنس را طلب کند خودش عوض جنس را بدهد آیا عاریه گیرنده عوض مزبور را می تواند قبول کند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عاریه گیرنده با علم به این که عاریه دهنده استحقاق ندارد پول را می دهد; می تواند بگیرد و اگر خیال می کند ضامن است; نمی تواند بگیرد.

س۱۵۵۳ درباره روایت عشره (ابوبکر، عمر و عثمان جزو ده نفری هستند که در قرآن به آن ها بشارت بهشت داده شده و عمر از بیعت کنندگان زیر درخت است که خدا از آن ها اعلام رضایت کرده) نظر خود را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; روایت عشره از مجعولات عامه است. مرحوم مجلسی(ره) در بحارالانوار حتی جاعل را تصریح کرده است. محدث قمی هم در سفینه البحار اشاره نموده و محل آن را ذکر کرده است و مأمون عباسی تصریح نموده به جعلی بودن آن. مراجعه کنید به منابع.

س۱۵۵۴ تعریفی از عارف و عرفان اگرچه به طور اختصار هم بوده مرقوم فرمایید و روشن نمایید که آیا مقام عرفان چون مقام اجتهاد است که شامل عده ای شود و عده دیگری از آن بی بهره باشند یا هر شیعی اعم از ضعیف و قوی، عالم و جاهل به اندازه دریافت خود از عرفان بهره دارند. پیرزن گفت خدا را به گردش کردن این چرخ می شناسم تا آن را نگردانم نمی گردد به این مقدار، دانشمندی که عمرش را در کسب معرفت و تفکر و اندیشه گذرانده و به مقدار دریافت خود و امام علی(علیه

السلام) که می فرماید: «لو کشف الغطاء مازدت یقیناً» همه از عرفان بهره ورند منتهی شدت و ضعف دارد؟

ج باسمه تعالی; عرفان حقیقی، اختصاص به کسی و جمعیتی ندارد مقول به تشکیک است و اساس آن، عرفان به حق تعالی است و اما به اصطلاح متأخرین، اطلاق بر جمعیت خاصی می شود که اصیل آن دو قسم است: عرفان عملی و عرفان علمی و این دو قسم، شعب مختلف دارد و باید در محل خاص بحث شود.

س۱۵۵۵ علت این که عمامه آقایان سادات مشگی و آقایان شیوخ سفید می باشد چیست؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن عمامه فی الصلاه بلکه مطلقاً مستحب است و اما پوشیدن عمامه سیاه و سفید یک امر عرفی است برای تمیز سادات از غیر سادات.

س۱۵۵۶ با این که علامه حلی(ره) و شهید ثالث(ره) به فقیه بودن شیخ صدوق تصریح کرده اند چرا بعضی ها می گویند شیخ صدوق اول فقیه و پسر (شیخ صدوق(ره)) محدّث می باشد؟

ج باسمه تعالی; صدوقان و به خصوص پسر از مفاخر علماء اسلام و از فقهاء بزرگند و محدث بودن، منافی فقیه بودن نیست هم محدّثند هم فقیه.

س۱۵۵۷ مأخذ معتبری برای حدیث قدسی معروفی (عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی) می دانید؟

ج باسمه تعالی; الجواهر السنیه شیخ حر عاملی ص ۳۶۰. شجره طوبی ج ۱ ص ۳۳.

س۱۵۵۸ آیا در نقل احادیث غیر معلوم الصدور که قصد جدی اسناد را ندارد و مجملا بگوید روایت در کافی می باشد و خواندن زبان حال جایز است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۵۹ چسباندن اعلامیه ها بر در و دیوار منزل مردم که در آن ها نام

خدا و معصومین(علیه السلام) نوشته شده که قهراً زیر پا می افتد آیا جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه اهانت باشد جایز نیست و در غیر این صورت جایز است.

س۱۵۶۰ تماشا کردن به دو نفر که مشغول دعوا و منازعه هستند آیا حرام است؟ و وظیفه چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست. وظیفه، اصلاح ذات البین است.

س۱۵۶۱ در حال حاضر که جامعه اسلامی با تهاجم فرهنگی روبه رو است برای جوانان چه توصیه ای دارید؟

ج باسمه تعالی; اولین وظیفه جوانان درس خواندن، محکم نمودن عقاید مذهبی و انجام وظایف شرعی و نهی از منکر فردی است و چنانچه وظیفه یک مسئله اجتماعی باشد که مراجع تقلید دستور داده اند باید شرکت کنند.

س۱۵۶۲ مدتی است که من نماز درستی نمی خوانم و همیشه سردر گم هستم. فکر می کنم که دنیا به آخر رسیده و بهترین راه را برای خودم خودکشی می دانم که باید انجام دهم و مشکل مالی هم ندارم لطفاً راهنمایی و نصیحتی بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; خودکشی از معاصی کبیره است و در آن دنیا، مبتلا به عذاب الیم خواهید شد. بنابر این بدترین راه است و بهترین راه آن است که نماز را درست کنید و مردانه در مقابل مشکلات استقامت کنید و این گونه ضعف از خود نشان ندهید.

س۱۵۶۳ در آشپزخانه چند حبه برنج به فاضلاب برود حرام است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عمدی نباشد حرام نیست و عمداً این کار را نکنند.

س۱۵۶۴ نظر شما در مورد نگاه کردن به فوتبال چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. البته خانم ها به بدن برهنه آقایان نگاه نکنند.

س۱۵۶۵ شرط

بستن در فوتبال و دیگر ورزش ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; شرط بستن به گرفتن مال، جایز نیست و آن مال حرام است.

س۱۵۶۶ بهترین راه خودسازی برای انسان چیست؟

ج باسمه تعالی; انجام واجبات و ترک محرمات و همچنین اخلاق حسنه را در خود ایجاد کردن.

س۱۵۶۷ یکی از اقرباء معتقد به خداوند است و روزه می گیرد ولی نماز نمی خوند و بعضی از اعمال دین را سبک می شمارد حکم معاشرت جهت صله رحم چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با معاشرت می توانید او را از این کار برگردانید این کار را بنمائید والا اگر مفسده ای پیش نیاید با او قطع ارتباط کنید.

س۱۵۶۸ آیا کینه توزی به منظور بخل حرام است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عمل کردن بر طبق آن صفت نفسانی جایز نیست و خود آن صفت مذموم است ولی حرام نیست و باید با دستورات شرعی، آن صفت را نابود کرد.

س۱۵۶۹ به نظر شارع مقدس اسلام درباره تفأل به نحو کلی در کتاب های شعر و غیر آن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; تفأل فی نفسه اشکال ندارد.

س۱۵۷۰ مراد از یقین و اطمینان در رساله عملیه چه می باشد؟ آیا اطمینان در حکم یقین است؟

ج باسمه تعالی; بلی، اطمینان در حکم یقین است.

س۱۵۷۱ در آیه (۱۰۰) سوره یونس «و ما کان لنفس ان تؤمن الاّـ باذن الله» بنابر این ایمان آوردن و مؤمن شدن طبق آیه غیر اختیاری است؟

ج باسمه تعالی; اجمال معنی آیه ولو به قرینه ی قبل از آن، این است که ایمان به خدا از روی اختیار، امری است که تحقق آن

احتیاج به سبب خاص دارد و آن سبب، مؤثر نیست مگر به اذن الهی. تفصیل بحث را در محل دیگر ملاحظه کنید.

س۱۵۷۲ اگر ولایت معصومین(علیهم السلام) از اصول دین می باشد پس در احادیث، نماز عمود دین معرفی شده در حالی که عمود کل اعمال مکلفین ولایت معصومین(علیه السلام)است نه نماز؟

ج باسمه تعالی؛ تنافی در بین نیست، چه منافاتی دارد نماز نیز عمود دین باشد.

س۱۵۷۳ برای شخصی ختنه شدن میسور نیست وظیفه آن نسبت تکالیف شرعی مثل حج، ازدواج چیست؟

ج باسمه تعالی؛ اگر قدرت ندارد و یا میسور نیست؛ مانع تکالیف شرعی نمی باشد.

س۱۵۷۴ خوردن خاک تربت چهارده معصوم غیر از سیدالشهدا چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه در غذا و آب ریخته و مستهلک شود؛ اشکال ندارد.

س۱۵۷۵ در مورد ناد علیاً مظهر العجائب و ۱۴ هزار و ۸۰ هزار صلوات برای برآمدن حاجات از معصوم روایتی وجود دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چنین منقول است.

س۱۵۷۶ آیا اقرار به ولایت بر مؤمن واجب است؟

ج باسمه تعالی؛ چیزی زاید بر اعتقاد به امامت ائمه اثناعشر(علیه السلام) واجب نیست.

س۱۵۷۷ غذا خوردن در منزل کسی که تارک الصلاه و اهل خمس نیست چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اشکال ندارد.

س۱۵۷۸ آیا ریا که در عبادت حرام است؛ در غیر عبادات هم حرام است؟

ج باسمه تعالی؛ ریاء حرام، مختص به عبادات است.

س۱۵۷۹ دقت زیاد در غیر عبادت که (صورت وسواس پیدا کند حرام می شود و تابع شیطان است) علاج آن چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حرمت معلوم نیست؛ ولی کار درستی نیست و علاج آن بی اعتنائی است.

س۱۵۸۰ خال کوبی بدن چه حکمی دارد؟

ج

باسمه تعالی; خال کوبی روی بدن، به غیر از آیه قرآن اشکال ندارد و چنانچه بعد از خال کوبی روی پوست بدن چیزی مانع از رسیدن آب به پوست بدن شود باید برای وضوء یا غسل آن را محو کرد وگرنه اشکال ندارد.

س۱۵۸۱ طلابی که شاغل هستند از شهریه استفاده کنند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی. می توانند در صورتی که درس می خوانند و یا تبلیغ می کنند می توانند از شهریه استفاده کنند.

س۱۵۸۲ در بعضی از دهات اماکن مخروبه ای به نام امامزاده مشهور و معروف است اما آثاری از قبر و نام و نشانی مشهود نیست آیا احیاء و تجدید بنای چنین اماکن به عنوان امامزاده اصیل جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; با عدم علم و عدم دلیل، به عنوان امام زاده اصیل جایز نیست ولی به عنوان احتمال مانعی ندارد; بلکه خوب است.

س۱۵۸۳ مراد از تجسس که شرعاً حرام است چیست؟

ج باسمه تعالی; مراد، تفحص از اسرار مردم است; یعنی کاری که در خفا می کنند و آن کار موجب نقص شرعی یا عرفی است.

س۱۵۸۴ خواندن شعر در روز یا شب جمعه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. آنچه در روایت وارد شده، مراد شعر مصطلح نیست بلکه مراد، کلام شعری است.

س۱۵۸۵ فرق بین فعل غضب و مقت چیست بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; اگر غضب به خدا نسبت داده شود مراد عقاب است و اگر به خلق باشد; مراد جوشش خون انتقام است و اما مقت عبارت است از بغض و نفرت قوی.

س۱۵۸۶ آیا اغماض از رحمی که در مقابل خوبی و احسان، بدی

و ظلم روا دارد مستحسن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، همان گونه که ائمه طاهرین(علیه السلام) عمل می کردند.

س۱۵۸۷ آیا عشق ورزیدن به خدا حرام است؟ (مراد محبت به خداست).

ج باسمه تعالی; ولو در روایت تعبیر به عشق به خدا نیست; ولی دلیلی بر حرمت نیست.

س۱۵۸۸ خلقت انسان چگونه بوده و چه طور به وجود آمده است؟

ج باسمه تعالی; خلقت انسان فعلی به نحوی که ظاهر قرآن کریم بیان کرده; از گل بوده است و هیکل آدم از آن ریخته شده و بعد خداوند به آن روح دمیده است و این مطلب به بحث مفصل محتاج است.

س۱۵۸۹ با توجه به این که بنده طلبه هستم و مشغول تحصیل می باشم; اگر بخواهم معمم شوم رضایت والدینم شرط است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; سعی کنید بدون رضایت آن ها معمم نشوید چون اذیت آن ها حرام است.

س۱۵۹۰ عرف در اصطلاح فقهاء به چه معنی می باشد؟

ج باسمه تعالی; مراد از عرف معنایی است که در بین اهل لسان رایج است مثلا غناء که حرام است مراد از آن چیزی است که در بین اهل لسان به آن غنا می گویند; یعنی صوت لهوی آوازی که مناسب با رقص و آواز و آلات لهو است.

س۱۵۹۱ کسی که معلول جسمی است آیا طهارت چرخ و زیرانداز وی برای نماز شرط است یا نه؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست.

س۱۵۹۲ اول نامه ها (باسمه تعالی) نوشته می شود آیا حکم نام خداوند را دارد و آیا می توان بدون طهارت به آن دست زد؟

ج باسمه تعالی; حکم نام خدا را ندارد و دست

زدن به آن بدون طهارت حرام نیست.

احکام تقلید

مسئله ۱ بر هر مکلفی که مجتهد نباشد واجب است در احکام دین تقلید کند یا عمل به احتیاط نماید.

مسئله ۲ عمل شخص عامی بدون تقلید و احتیاط باطل است مگر آنکه با واقع یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد، و اگر عبادت است با قصد قربت هم به جا آورده باشد.

مسئله ۳ تقلید در احکام عمل کردن به دستور مجتهد است.

مسئله ۴ تقلید میّت جایز نیست اگر مجتهدی که از او تقلید می کند از دنیا برود باید از مجتهد زنده تقلید کند.

مسئله ۵ باید از مجتهد اعلم تقلید نمود.

مسئله ۶ مجتهد اعلم کسی است که در به دست آوردن حکم شرعی از قواعد و مدارک آن از سایرمجتهدین استادتر باشد.

مسئله ۷ اجتهاد مجتهد و اعلم بودن او را از سه راه می شود به دست آورد:

اول آنکه خود مقلد علم پیدا کند مثل اینکه خودش از اهل خبره باشد و بتواند اجتهاد و اعلمیت را تشخیص دهد.

دوم از شهادت یک نفر موثق از اهل خبره که بتواند اعلم بودن و اجتهاد را تشخیص دهد مگر آنکه یک نفر ثقه دیگر از اهل خبره بگوید دیگری اعلم است.

سوم از راه شیاع و شهرتی که علم یا اطمینان به آن حاصل گردد.

مسئله ۸ مجتهدی که از او تقلید می شود باید دارای این چند شرط باشد: اول - بالغ باشد. دوم - عاقل باشد. سوم - شیعه اثنی عشری باشد. چهارم - عادل باشد. پنجم - مرد باشد. ششم - ولدالزنا نباشد. هفتم - اعلم باشد. هشتم - زنده باشد.

احکام آبها

مسئله ۹ آب بر دو قسم است:

مطلق و مضاف. آب مضاف آبی است که به واسطه ممزوج شدن چیز دیگر به آن، آن را آب نگویند. و یا از چیزی مثل سیب و انار به فشردن بگیرند. آب مطلق آبی است که این طور نباشد و عرف بگویند آب است و آن بر چند قسم است:

۱ آب کر

۲ آب قلیل

۳ آب باران

۴ آب چاه

۵ آب جاری

مسئله ۱۰ آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب است بریزند آن ظرف پُر شود به عبارت دیگر مساحت آن بیست و هفت وجب باشد و وزن آن از صدو بیست و هشت من تبریز بیست مثقال کمتر که تقریباً ۳۷۷ کیلو گرم باشد.

مسئله ۱۱ آب مطلق اگر کر یا جاری باشد نجس نمی شود، مگر آنکه به سبب ملاقات با نجاست رنگ یا بو یا مزه آن تغییر کند به رنگ یا بو یا مزه نجس نه متنجس.

مسئله ۱۲ آبی که از شیر یا دوش متصل به کر بیرون می آید در حکم کر است که به ملاقات با نجس، نجس نمی شود مگر به تغییر یکی از اوصاف سه گانه که در مسئله قبل ذکر شد.

مسئله ۱۳ آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه محکوم به کر بودن است و آبی که کمتر از کر بوده اگر انسان شک کند که به مقدار کر شده یا نه محکوم است به کر نبودن.

مسئله ۱۴ آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.

مسئله ۱۵

اگر آب قلیل ملاقات با نجس کند نجس می شود مگر آنکه از بالا ـ روی نجس ریخته شود که در این صورت مقداری که ملاقات با نجس می کند نجس است و بالاتر از آن پاک است.

مسئله ۱۶ آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مثل آب قنات و چشمه.

مسئله ۱۷ آب جاری به ملاقات با نجاست نجس نمی شود هر چند کمتر از کر باشد مگر آنکه بو یا رنگ یا مزه آن به بو یا رنگ یا مزه نجاست تغییر کند.

مسئله ۱۸ آب باران در موقع باریدن حکم آب جاری را دارد.

مسئله ۱۹ لباس و فرش که نجس شده و عین نجاست در آن نباشد اگر باران بر آن ببارد به مقداری که به همه آن برسد پاک می شود و فشار دادن لازم نیست و اگر باران به قسمتی از آن برسد به قسمتی نرسد آن قسمت که باران به آن رسیده پاک است.

مسئله ۲۰ زمینی که نجس شده به محض رسیدن باران از آسمان بر آن تا مقداری که باران در آن نفوذ کرده پاک می شود به شرط آنکه عین نجاست در آن نباشد.

مسئله ۲۱ هرگاه آب باران در جایی جمع شود اگر چه کمتر از کر باشد موقعی که باران می بارد چیز نجس را اگر در آن بشویند و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد آن چیز نجس پاک می شود.

مسئله ۲۲ آب چاه که از زمین می جوشد حکم آب جاری را دارد که به ملاقات با نجس، نجس نمی شود مگر آنکه رنگ یا بو یا مزه آن به

نجاست تغییر پیدا کند و تا جوشش دارد اگر تغییر آن به خودی خود برطرف شود پاک می شود به شرط امتزاج با آنچه به جوشش بیرون آمده و متغیر نشده و حاجتی به کشیدن مقداری از آب آن نیست.

مسئله ۲۳ آب مضاف که با نجاست ملاقات نکرده پاک است ولی نجس را پاک نمی کند هرچند کثیر یا جاری باشد و وضوء، و غسل هم با آن باطل است.

مسئله ۲۴ آب مضاف مثل آب قلیل به محض ملاقات با نجس، نجس می شود هرچند کثیر باشد یا جاری مگر آنکه از بالا به پایین جاری باشد که در این صورت بالا نجس نمی شود به واسطه ملاقات پایین با نجس و همچنین اگر از محلی به قوت بالا رود مثل فوّاره که پایین آن به سبب ملاقات بالا با نجس، نجس نمی شود.

مسئله ۲۵ آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف و حالت سابقه آن هم معلوم نیست نجاست را پاک نمی کند و وضوء و غسل هم با آن باطل است و اگر نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن می شود ولو به اندازه کر یا بیشتر باشد و اگر حالت سابقه آن معلوم باشد محکوم به حکم سابق است.

مسئله ۲۶ آبی که به سبب ملاقات با نجاست رنگ یا بو یا مزه آن عوض شده باشد هرگاه به حال خود برگردد پاک نمی شود، مگر آنکه آن آب جاری باشد، یا از زمین بجوشد، و یا متصل به آب باران باشد در حال باریدن، و یا باران در آن ببارد، و یا متصل باشد به آب کر طاهر

که در این پنج صورت همین که تغییرش برطرف شد و به حال اول برگشت و با آب پاکی که به آن متصل است ممزوج گشت پاک می شود.

مسئله ۲۷ آب غیر جاری مثل آب حوض که به مقدار کر نباشد و با نجس ملاقات کند نجس می شود و با اتصال به کر یا جاری به شرط امتزاج پاک می گردد همچنین اگر باران از آسمان یا از سوراخ سقفی بر آن ببارد و آن آب با آب باران در حال باریدن ممزوج شود پاک می شود.

و شرط امتزاج که در مسائل مذکوره گفته شد بنا بر احتیاط لازم است و بعضی از علماء مجرد اتصال را کافی می دانند.

مسئله ۲۸ آبی که نجس بودن آن معلوم نیست محکوم به پاک بودن است مگر آنکه معلوم باشد که سابق نجس بوده که در این صورت محکوم به نجاست است تا وقتی که علم به تطهیر آن حاصل شود.

مسئله ۲۹ آشامیدن آب نجس حرام است مگر در حال ضرورت و همچنین است هر چیز نجسی.

اقسام نجاسات

مسئله ۳۰ نجاسات یازده چیز است: اول و دوم بول و غایط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد. اصلی باشد مثل درندگان یا عارضی مانند حیوان نجاست خوار، و حیوانی که انسان آن را وطی کرده باشد و گوسفندی که شیر خنزیر خورده تا گوشت در آن روییده باشد و استخوانش محکم شده باشد، و اما فضله پرندگان حرام گوشت بنا بر اقوی پاک است و بهتر اجتناب از آن است خصوصاً از بول و فضله خفاش.

مسئله ۳۱ سوم منی هر حیوانی که خون جهنده دارد.

مسئله

۳۲ چهارم مردار هر انسان و حیوانی است که خون جهنده دارد خودش مرده باشد یا به غیر دستور شرعی ذبح شده باشد مگر اجزایی که روح در آنها حلول نمی کند مثل پشم وکرک و مو و پر و دندان و استخوان که نجس نیستند و لازم است تطهیر هر کدام از آنها که با رطوبت میته ملاقات کرده باشد.

مسئله ۱۳۳اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است.

مسئله ۱۳۴اگر پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن را بکنند پاک است.

مسئله ۳۵ خرید و فروش مردار و چرم و پیه و گوشت آن جایز نیست.

مسئله ۳۶ پنجم خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد.

مسئله ۳۷ حیوان حلال گوشت که به طور شرعی ذبح شده و به مقدار متعارف خون آن خارج شده خون باقیمانده در بدنش پاک است ولی اگر به سبب آنکه سر حیوان در بلندی بوده یا به سبب نفس کشیدن حیوان خون خارج شده به بدن حیوان بر گردد آن خون نجس است.

مسئله ۱۳۸اگر خونی در بدن یا لباس یا چیز دیگر ببیند و شک داشته باشد که آن خون از حیوان است یا نه یا آنکه شک داشته باشد که از حیوانی است که خون جهنده دارد یا از غیر آن، آن خون پاک اند.

مسئله ۳۹ ششم و هفتم سگ و خوک صحرایی است که حتی مو و استخوان و همه اجزاء آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی پاک اند.

مسئله ۴۰ هشتم از نجاسات کافر

است، و مشهور بین فقهاء آن است که فرقی بین اهل کتاب و غیر آنها نیست.

ولکن اظهر به حسب روایات آن است که اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس پاکند.

و اما منکر ضروری دین اظهر طهارت او است و همچنین مجسمه و مجبره و امثالهم.

مسئله ۴۱ کسی که دشمن یکی از چهارده معصوم(ع) باشد یا ناسزا به یکی از آنها بگوید نجس است هر چند اظهار مسلمانی کند.

مسئله ۴۲ نهم از نجاسات شراب است بلکه هر مست کننده ای که به خودی خود روان باشد نجس است.

مسئله ۴۳ اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید حرام و نجس است و اگر به واسطه پختن جوش بیاید خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.

مسئله ۴۴ خرما و مویز و کشمش و آب آنها به جوش آمدن نجس نمی شوند و خوردن آنها حلال است.

مسئله ۴۵ دهم از نجاسات فقّاع است که آن را آبجو می گویند و مسکر و حرام است و در اخبار تأکید در اجتناب از آن شده.

مسئله ۴۶ ماءالشعیری که اطباء آن را به جهت معالجه دستور می دهند فقّاع نیست و پاک و حلال است.

مسئله ۴۷ یازدهم از نجاسات عرق شتر نجاست خوار است.

بلکه بنا بر احتیاط واجب باید از عرق هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده اجتناب کرد.

مسئله ۴۸ عرق جنب از حرام پاک است، ولی نماز خواندن در آن مکروه است چه در موقع جماع بیرون آید و چه بعد از آن و چه از زن باشد و چه از مرد و چه از زنا جنابت حاصل شده باشد یا

از لواط یا با وطی حیوانات و یا به واسطه استمناء یا جماع با حلیله. خود در حال حیض ولی اگر در روز روزه واجب معین مثل ماه رمضان با زن خود جماع کند با عرق خود مکروه نیست نماز بخواند.

مسئله ۱۴۹ اگر انسان اول با حلال خود نزدیکی کند بعد از حرام جنب شود نماز با عرق خود خواندن مکروه نیست.

و همچنین اگر محتلم شود بعد حرام مرتکب شود.

مسئله ۱۵۰ اگر انسان از حرام جنب شود بعد با حلال خود نزدیکی کند با عرق خود مکروه است نماز بخواند.

مسائل مربوط به نجاسات

مسئله ۵۱ نجس بودن یا نجس شدن چیزی ثابت می شود به چند چیز:

اول – علم پیدا کردن شخص به نجاست.

دوم – آنکه خبر بدهد به نجاست آن کسی که آن چیز در دست او است.

سوم – به شهادت یک مرد عادل بلکه ثقه.

مسئله ۵۲ وسواسی در ثابت شدن نجاست باید رجوع به متعارف کند و به علمی که برایش حاصل می شود نباید حکم به نجاست کند، و در طهارت هم لازم نیست علم به طهارت چیزی پیدا کند که سابق نجاست آن را می دانسته بلکه باید رجوع به متعارف کند هر چند علم برایش حاصل نشود.

مسئله ۵۳ واجب است ازاله نجاست از مسجد و تأخیر در آن جایز نیست و نجس کردن مسجد حرام است.

مسئله ۵۴ مشاهد مشرفه حکم مسجد را دارد که نجس کردن آنها حرام و تطهیر آنها واجب است در صورتی که نجس کردن موجب اهانت شود.

مسئله ۵۵ نجس کردن ورق و خط قرآن مجید بلکه جلد آن جایز نیست در صورتی که بی احترامی به

قرآن باشد و هر یک از آنها نجس شود تطهیر آن واجب است.

مسئله ۵۶ اگر تربتی که از قبر حضرت سید الشهداء(ع) یا از قبر مطهر حضرت رسول(ص) یا سایر ائمه(ع) برداشه شده باشد نجس شود واجب است آن را تطهیر نمایند. در صورتی که تطهیر نکردن بی احترامی به آن باشد.

مسئله ۵۷ اگر شخص چیزی را که می خواهد بخورد نجس شده باشد باید آن را تطهیر نماید و همچنین ظرف غذا را اگر طوری باشد که غذا را نجس نماید.

مطهرات چند چیز است

مسئله ۵۸ اول آب و آن پاک کننده هر چیز است که نجس شده باشد غیر از مایعات با شرایطی که ذکر می شود و اگر آب نجس شود به اتصال پیدا کردن با آب کر یا پاک جاری می شود، و همچنین اگر باران در آن ببارد، و بنابر احتیاط واجب معتبر است در هر سه قسم اختلاط و امتزاج حاصل شود. و غیر از آب مایعات دیگر به آب پاک نمی شود، مگر آنکه در آب کر یا جاری مستهلک و نابود شود.

مسئله ۵۹ در تطهیر به آب چند چیز شرط است:

اول - پاک باشد.

دوم - مطلق باشد و به رسیدن به محل نجس مضاف نشود.

سوم - عین نجاست حتی اجزاء ریزه و کوچک آن از محل برطرف شود، بلی برطرف شدن رنگ یا بو یا طعم لازم نیست.

چهارم - آنکه در بین استعمال رنگ یا بو یا مزه آن تغییر پیدا نکند به نجاست.

مسئله ۶۰ اگر لباس یا بدن یا چیز دیگر غیر از ظروف به بول نجس شده باشد. در تطهیر به آب قلیل باید

آن را دو مرتبه آب بکشند، مگر از بول پسر شیرخوار که هنوز غذاخور نشده باشد و شیردهنده آن مسلمان باشد که در این صورت یک مرتبه آب بر آن بریزند بس است. و در تطهیر به آب کر یا جاری یک مرتبه شستن کافی است.

مسئله ۶۱ ظرف نجس را با آب قلیل بنا بر احتیاط سه مرتبه بشویند و در کر و جاری یک مرتبه کفایت می کند ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن آب یا چیز روان دیگر خورده اول باید با خاک با ریختن مقداری آب خاک مال کرد بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا سه مرتبه بنا بر احتیاط با آب قلیل شست، و ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط لازم باید پیش از شستن خاک مال کرد به همان نحو که بیان شد.

مسئله ۶۲ در پاک شدن به آب قلیل شرط است جدا شدن غساله از محل نجس به طور متعارف: پس در مثل بدن و چیزهایی که آب در آن فرو نمی رود کفایت می کند ریختن آب بر آن و جدا شدن بیشتر آب از محل نجس: و مثل لباس و فرش که آب در آن فرو می رود باید آب بر آن بریزند و آن را فشار دهند و یا کاری مانند آن از مالیدن و لگد کردن انجام دهند.

مسئله ۶۳ دوم از مطهرات زمین است، و آن پاک می کند کف پا و ته کفش را به راه رفتن بر روی آن، یا مالیدن پا بر زمین.

به شرط آنکه زمینی که بر روی آن راه

می رود یا پا بر آن می مالد پاک و خشک باشد.

و شرط دیگر آنکه نجاست در پا یا کفش حاصل شده باشد از راه رفتن بر زمین نجس، و اما آنچه حاصل شود از نجاست خارج باید تطهیر شود با آب.

و فرق نیست در زمین بین آنکه خاک باشد یا سنگ یا ریگ یا سنگ فرش و آجرفرش بلی با راه رفتن روی آسفالت و چوبی که زمین به آن فرش شده باشد کف پا و ته کفش پاک نمی شود.

مسئله ۶۴ بهتر آن است که احتیاطاً برای پاک شدن کف پا و ته کفش پانزده قدم بر روی زمین راه برود، ولی کمتر از این مقدار هم کفایت می کند در صورتی که صدق راه رفتن بر زمین و یا بر زمین مالیدن بنماید.

مسئله ۶۵ سوم از مطهرات آفتاب است که زمین و چیزهای دیگر را که منقول نیستند پاک می کند مثل بنا و دیوار و هر چه به آنها متصل است از در و چوب و میخ و گچ یا چیزی را که به ساختمان مالیده باشند و ظرفهایی که در بنا یا در زمین قرار داده باشند و همچنین درخت و نباتات که قطع نشده و به زمین متصل هستند.

مسئله ۶۶ در تطهیر به آفتاب چند شرط باید رعایت شود:

اول – آنکه محل نجس باید دارای تری و رطوبت سرایت کننده باشد تا آفتاب آن تری را خشک کند.

دوم – آنکه اگر در آن عین نجاست غیر از رطوبت باشد باید قبل از تابیدن آفتاب آن را برطرف نمایند.

سوم – آن چیز به واسطه تابیدن

آفتاب بر آن خشک شود.

چهارم – آفتاب در موقع تابیدن در زیر ابر یا مانع دیگری نباشد.

پنجم – آفتاب به خود چیزی که نجس شده بتابد پس اگر مانعی بر آن باشد باید برطرف نمایند; و اگر از پشت شیشه بر محلّ نجس بتابد در پاک شدن آن اشکال است، و همچنین در منعکس شدن نور در وقت تابیدن به شیشه.

مسئله ۶۷ آفتاب باطن چیز نجس را هم پاک می نماید، ولی به سه شرط:

اول – آنکه باطن و درون آن چیز نچس به ظاهر و برونش متصل باشد.

دوم – در آن رطوبتی باشد که آفتاب آن را بخشکاند.

سوم – آفتاب باطن و ظاهر را در یک زمان بخشکاند.

مسئله ۶۸ چهارم از مطهرات استحاله یعنی مبدل شدن حقیقت چیزی به حقیقت چیز دیگر است مثلاً اگر عذره خاک شود، یا چوب خاکستر شود; یا بول یا آب نجس بخار شود استحاله حاصل شده; و استحاله پاک می کند عین نجاست و هر چیزی که نجس شده باشد.

مسئله ۶۹ عین نجس یا متنجس که بخار می شود اگر بعد از بالا رفتن مبدل به عرق و آب شود لازم نیست اجتناب از آن آب و عرق مگر آنکه بر خود آن عنوان نجس صدق کند مثل عرق خمر که مسکر است.

مسئله ۷۰ عرق حمام که معلوم نیست از آب نجس است محکوم به طهارت است. بلکه عرق معلوم از آب نجس هم پاک است.

مسئله ۷۱ هر گاه اوصاف نجس یا چیزی که نجس شده عوض شود استحاله نیست مثلا اگر گندم نجس آرد شود یا خمیر گردد یا نان شود پاک نمی شود و

یا شیر نجس را پنیر نمایند پاک نمی گردد.

مسئله ۷۲ پنجم از مطهرات انقلاب است مثل آنکه شراب سرکه شود چه به خودی خود سرکه شود یا به علاج مثل آنکه کمی نمک یا سرکه در آن بریزند تا سرکه شود.

مسئله ۷۳ آب انگوری که به آتش جوش آمده پاک است ولی حرام و اگر آنقدر بجوشد که دوثلث آن کم شود به آتش حلال می شود و اگر به آفتاب یا به خودی خود یا به هوا جوش آید حلال نمی شود، مگر اینکه سرکه شود.

مسئله ۷۴ خوردن کشمش و مویز و خرما که در بعض غذاها مثل پلو و آش می گذارند جایز است هرچند به جوش بیاید.

مسئله ۷۵ آب کشمش و خرما به جوش آمدن نجس نمی شود و حرام نیست بنا بر اقوی.

مسئله ۷۶ هفتم از مطهرات انتقال است مثلاً اگر خون انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد منتقل شود به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد; به طوری که خون آن حیوان حساب شود پاک می شود.

مسئله ۷۷ هشتم از مطهرات اسلام است که پاک می کند بدن کافر و آب دهان و بینی و عرق و چرکی که در بدن او است.

مسئله ۷۸ همین که شخص کافر شهادتین را بگوید: یعنی اشهد ان لااله الاالله و اشهد ان محمداً رسول الله(ع) کافی است در حکم نمودن به مسلمانی او: مگر اینکه ضد این شهادت را هم بگوید. و مرتد ملی و فطری در صورتی که توبه کنند بدن آنها پاک می شود بنا بر اقوی و عبادات آنها نیز قبول می شود.

مسئله ۷۹ نهم از مطهرات تبعیت است

یعنی پاک می شود بعض چیزهای نجس به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر مثل آب دهان و بینی و عرق و چرک بدن کافر غیر کتابی که وقتی مسلمان شود پاک می شود.

و فرزند صغیر کافری که یکی از ابوین او یا هر دو اسلام آورده باشند بالتبع پاک می شود.

و ظرف شراب که به تبع سرکه شدن آن پاک می شود.

مسئله ۸۰ دهم از مطهرات از بین رفتن عین نجاست است از بدن حیوان نه انسان چه به خودی خود از بدن برود یا به سببی زائل شود پس منقار مرغ و دهان گربه اگر آلوده به نجاست شود به واسطه از بین رفتن عین آن و خشکیدن رطوبت آن پاک می شود.

و همچنین پاک می شود به واسطه برطرف شدن عین نجس از باطن انسان بنا بر قول به نجاست آن مثل باطن دهان و بینی و گوش پس اگر دوا یا غذای نجس بخورد همین که آن را از دهان فرو برد دهان پاک می شود و حاجت به شستن دندان و دهان نیست مگر اینکه دندان مصنوعی باشد و آن دوا یا غذا به آن رسیده باشد که باید آن را تطهیر نمایند.

و همچنین حاجت به شستن دهان نیست اگر در بُن دندان و ریشه آن یا جای دیگر از دهان خونی پیدا شود و برطرف شود.

مسئله ۸۱ یازدهم از مطهرات استبراء حیوان نجاست خوار است یعنی جلوگیری حیوان حلال گوشتی که عادت به نجاست خوردن کرده به واسطه دادن علف پاک به آن به قدری که دیگر او را حیوان نجاست خوار نگویند بلکه او

را علف خوار بگویند.

و بایـد شتر را چهـل روز و گـاو را سـی روز و گوسـفند را ده روز و مرغابی را پنـج روز و مرغ خانگی را سه روز منع کننـد از خوردن نجاست و در حیوانات دیگر زوال اسم کافی است.

مسئله ۸۲ دوازدهم سنگ استنجا است به شرحی که ذکر می شود.

مسئله ۸۳ سیزدهم بیرون آمـدن خون است به مقـدار متعارف از حیوانی که آن را ذبـح نموده انـد که بیرون آمـدن این مقدار خون پاک کننده بقیه خونی است که در اجزاء و اعضای حلال حیوان ذبح شده باقی می ماند.

مسئله ۸۴ چهاردهم غایب شدن مسلمان است چنانچه احتمال دهد آن مسلمان آن چیز را تطهیر نموده است.

احکام ظرفها

مسئله ۸۵ جـائز نیست اسـتعمال ظرفی که از پوست نجس العین مثـل سـگ و خوک و پوست مردار سـاخته شـده در خوردن و آشامیدن در صورتی که ظرف یا غذا رطوبت داشته باشد، و نباید آن ظرف را در وضوء و غسل استعمال کنند.

مسئله ۸۶ حرام است از ظرف طلا یا نقره خوردن و آشامیـدن بلکه حرام است هرگونه انتفاعی مثل آنکه آن را زینت اتاق قرار دهند و بلکه نگهداری آنها جایز نیست.

احکام تخلی

مسئله ۸۷ در حالی تخلی بلکه در هر حال واجب است پوشانیدن عورت از شـخص نگاه کننده محترم حتّی پدر و مادر و اولاد، بلکه واجب است پوشانیدن آن از دیوانه و طفل ممیز، و حرام است بر هر مکلفی نظر نمودن به عورت دیگران در هر حال مگر زن و شـوهر کـه نظر کردن آنهـا بـه عـورت یکـدیگر جـایز است و کنیز مملـو که هم حکم زوجه را دارد، و از طفـل غیر ممیز پوشانیدن عورت لازم نیست.

مسئله ۸۸ حرام است در حال تخلی رو به قبله یا پشت به قبله باشـد هرچنـد عورت خود را از قبله بگرداند و هرگاه بدنش رو به قبله یا پشت به قبله نباشد عورت خود را نیز نمی تواند رو به قبله نماید ولی پشت به قبله مانعی ندارد.

مسئله ۸۹ واجب است مخرج بول را دومرتبه بـا آب قلیـل بشوینـد و افضل سه مرتبه شسـتن است و در کُر و جاری اگر بعـد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است و تطهیر آن به غیر آب کفایت نمی کند.

مسئله ۹۰ مخرج غایط را به دو جور می شود تطهیر کرد:

اول

با سنگ یا کلوخ یا پارچه و امثال آنها که پاک کننده محل باشند غیر از استخوان و سرگین، و شرط است در تطهیر به آنها اینکه پاک باشند و رطوبت سرایت کننده نداشته باشند، و باید کمتر از سه مرتبه نباشد هرچند به یک مرتبه یا دومرتبه عین نجاست از محل برود و اگر با سه دفعه برطرف نشد باید بر عدد سنگ یا کلوخ یا کهنه آنقدر علاوه نماید که محل به خوبی نظیف شود ولی باقی بودن ذرات کوچک نجاست که پیدا نیستند ضرر ندارد.

دوم با آب.

مسئله ۹۱ چنانچه غایط اطراف مخرج را به طور غیر متعارف آلوده کرده باشد باید آن را با آب تطهیر نمود و باید نجاستی هم از خارج به مخرج غایط نرسیده باشد یا خونی از او خارج نشده باشد که در این دو صورت هم باید با آب تطهیر نماید.

مسئله ۹۲ تطهیر مخرج با آب بهتر از سنگ و کلوخ و پارچه است و در شستن مخرج چند دفعه بودن شرط نیست بلکه باید به قدری آن را شست که اثری از نجاست باقی نماند حتّی ذرات کوچک هم برطرف شود.

استبراء

مسئله ۹۳ مستحب است بر مردها که پس از بول کردن استبراء نمایند و بهترین اقسام آن این است که پس از قطع شدن بول انگشت وسطی دست چپ را به مخرج غایط گذارد و سه مرتبه تا بیخ آلت بکشد و بعد انگشت سبابه را زیر آلت و انگشت ابهام را روی آن گذارده و سه مرتبه با قوّت تا سر آلت بکشد و پس از آن سر آلت را سه بار فشار دهد.

مسئله

۹۴ فایده استبراء این است که اگر رطوبتی بعد از آن خارج شود و شک داشته باشد که بول است یا رطوبت های دیگر غیر از منی است حکم به طهارت آن می شود. و وضویی هم که بعد از استبراء گرفته باطل نمی شود، و بر زن استبراء نیست.

موجبات وضوء و نواقض آن

مسئله ۹۵ موجبات وضوء چند چیز است:

اول و دوم – بول و غایط. سوم – باد معده و روده هرگاه از مخرج غایط خارج شود. چهارم – خواب به طوری که گوش نشود و چشم نبیند. پنجم – حیض. ششم – نفاس. هفتم – استحاضه. هشتم – جنابت.

و چیزهایی که عقل را از بین می برد مانند دیوانگی و مستی و بی هوشی بنا بر احتیاط واجب وضوء را باطل می کند و باید برای اعمال مشروط به وضوء، وضوء گرفته شود.

مسئله ۹۶ وضوء برای چند چیز لازم است:

اول برای نماز و قضای تشهد و سجده فراموش شده و امّا نماز میّت وضوء لازم ندارد.

مسئله ۹۷ واجب می شود وضوء گرفتن به نذر و عهد و قسم اگرچه غایتی غیر از با طهارت بودن در نظر نباشد.

مسئله ۹۸ برای مس اسماء ائمه اطهار و فاطمه زهرا(س) در صورت آنکه بدون وضوء اهانت باشد، وضوء واجب است.

مسئله ۹۹ برای طواف مستحب وضوء واجب نیست، هر چند بهتر است با وضوء باشد.

واجبات وضوء

مسئله ۱۰۰ واجب است در وضوء چند چیز:

اول – نیت و باید قصدش قربت باشد و وضوء را به سه نحو می توان انجام داد: ۱ وضوء به قصد استحباب نفسی. ۲ قصد کند یکی از غایات وضوء را مثل نماز یا

مس کتابت قرآن. ۳ قصد کند طهارت از حدث را.

دوم - شستن صورت از بالا به پایین به حسب طول از محل روییدن موی سر تا زیر چانه و به حسب عرض آنچه بین انگشت بزرگ شصت و انگشت وسط قرار گیرد و شستن پوست زیر ریش و شارب و ابرو واجب نیست بلکه واجب است فقط شستن ظاهر آنها به شرط آنکه مو محل را پُر نکرده باشد وگرنه باید آن مقدار از پوست که نمایان است بشوید.

سوم - شستن دست ها به این گونه اول دست راست را از آرنج تا سر انگشتان سپس دست چپ را به همین طریق بشوید.

چهارم - مسح جلو سر که بالای پیشانی است هرچند بر روی مو باشد به شرط آنکه از محل تجاوز نکرده باشد با تری کف دست و افضل آن است که سه انگشت خود را بر محل بگذارد و به مقدار یک انگشت به پایین بکشد و باید با دست راست سر را مسح کند.

پنجم - مسح پا از سر انگشتان تا مفصل را مسح کند، و مسح با یک انگشت کفایت می کند اگر چه احوط مسح با سه انگشت است و افضل مسح تمام روی پاها است، و باید پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند و می توان هر دو پا را با هم مسح نمود.

مسئله ۱۰۱ در شستن صورت و دست ها باید آب را بر آنها جاری سازد ولو به کمک دست و مسح آنها کافی نیست.

مسئله ۱۰۲ هرگاه از صورت یا دست ها چیزی هرچند به مقدار سر سوزنی

شسته نشود وضوء صحیح نسیت. پس باید رعایت کند که چیزی از مقدار واجب نشسته نماند.

مسئله ۱۰۳ اثر مسح در محل آن باید نمایان شود پس اگر محل مسح تر باشد به نحوی که تری دست در آن ظاهر نشود باید آن را خشک کند، و باید دست بر سر و روی پاها کشیده شود، و چنانچه سر یا روی پاها را به کف دست بکشد وضوء باطل است.

شرایط وضوء

مسئله ۱۰۴ شرایط وضوء چند چیز است:

اول و دوم - پاک و مطلق بودن آب وضوء.

سوم - پاک بودن محل شستن و مسح، بنا بر احتیاط و کفایت می کند تطهیر نمودن هر عضوی قبل از شستن یا مسح نمودن آن و نجس بودن جاهای دیگر بدن ضرر ندارد.

چهارم - آنکه مانعی از رسیدن آب به محل وضوء نباشد و اگر شک کند در بودن مانع باید جستجو کند تا اطمینان به نبودن آن حاصل نماید و چرک محل اگر جرم دار نباشد برطرف نمودنش واجب نیست.

پنجم - مباح بودن آب وضوء و ظرف آن در صورت انحصار و همچنین محل ریختن آب وضوء چنانچه در غیر آنجا نتواند وضوء بگیرد. پس اگر هر یک از اینها غصبی باشد وضوء باطل است بلکه با شک در رضایت مالک هم وضوء باطل است.

مسئله ۱۰۵ اخلال به هر یک از شرایط وضوء موجب بطلان است هرچند جاهل به حکم باشد.

مسئله ۱۰۶ وضوء از نهرهای بزرگ جایز است هرچند علم به رضایت مالکین نداشته باشد بلکه اگر مالک نهی کند وضوء صحیح است.

ششم - آنکه ظرف آب وضوء طلا یا نقره نباشد.

هفتم - آنکه آب وضوء آب استنجاء نباشد

اگر چه آب استنجاء پاک است.

هشتم – آنکه مانعی از استعمال آب مثل مرض یا خوف عطش نباشد والا باید تیمّم کند.

نهم – آنکه وقت برای وضوء و تمام اجزاء واجب نماز وسعت داشته باشد والا باید تیمّم کند.

دهم – آنکه خودش افعال وضوء را انجام دهد پس اگر دیگری در شستن و مسح کشیدن او را کمک کند وضوء باطل است.

یازدهم – ترتیب.

دوازدهم – موالات، یعنی پی درپی به جا آوردن افعال وضوء به طوری که وقت شروع به عضو بعدی اعضاء قبل خشک نشده باشد.

سیزدهم – آنکه نیّت او خالص باشد چنانچه گذشت پس اگر ریا ضمیمه آن شود هر چند در اثناء عمل باشد وضوء باطل است.

و بعید نیست که اگر در اثناء عمل قصد ریا کرد بطلان اختصاص به همان جزئی داشته باشد که از روی ریا به جا آورده است پس اگر از قصد ریا عدول کرد و قبل از فوت موالات آن جزء را اعاده نمود وضوء صحیح است.

مسئله ۱۰۷ اگر شک کند که وضوء او باطل شده است بنا می گذارد که باطل نشده است، و اگر شک کند که وضوء گرفته است یا نه باید وضوء بگیرد.

مسئله ۱۰۸ اگر بعد از وضوء یقین کرد که جزئی یا شرطی از وضوء را ترک کرده تا موالات فوت نشده برگردد و اجزاء بعد از آن را به جا آورد.

و اگر موالات فوت شده وضوء را از سر بگیرد.

مسئله ۱۰۹ هرگاه بعد از نماز شک کند که وضوء داشته یا نه بنا بر صحت نماز گذارد و برای نمازهای بعد وضوء بگیرد، مگر آنکه قبل از شک

یقین به وضوء داشته باشد و شک کند وضوء باطل شده یا نه که در این صورت وضوء لازم نیست و اگر در اثناء نماز شک کند نماز باطل است و باید وضوء بگیرد و نماز را از سر بخواند.

مسئله ۱۱۰ اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد یا نمی تواند از بیرون آمدن غایط خودداری کند چنانچه به مقدار اقل واجب از وضوء و نماز مهلت پیدا می کند که بول و غایط از او خارج نشود باید نماز را در آن موقع بخواند و اگر چنین مهلتی ندارد چنانچه در اثناء نماز وضوء گرفتن مشقت نداشته باشد باید آب را در کنار خود بگذارد و مشغول نماز شود و هر وقت حدث خارج شد وضوء بگیرد و باقیمانده نماز را از همانجا به جا آورد.

ولی احتیاط لازم این است که اگر وضوء در اثناء نماز مستلزم فعل کثیر شد پس از اتمام نماز آن را با یک وضوء اعاده کند.

و اگر حدث در اثناء به مقداری است که وضوء گرفتن برای هر دفعه حرجی است اکتفاء نماید به یک وضوء برای هر نماز.

احکام جبیره

مسئله ۱۱۱ چوب و پارچه ای که به آن زخم و دمل و شکسته را می بندند و دواهایی که روی زخم و دمل و مانند آن می گذارند جبیره می گویند.

مسئله ۱۱۲ چنانچه یکی از اعضای وضوء جبیره داشته باشد واجب است اطراف آن را بشوید و روی جبیره را اگر پاک است دست تر بکشد والّا پس از تطهیر دست تر بکشد و احتیاط لازم آن است که اگر ممکن است با

کشیدن دست بر روی جبیره آب را بر آن جاری سازد ولی قصد مسح و شستن ننماید و اگر تطهیر ممکن نشد پارچه پاکی بر روی آن گذارد و روی آن را مسح کند.

مسئله ۱۱۳ هرگاه رسیدن آب به زخم و شکستگی ضرر و مشقتی نداشته باشد باید مثل وقتی که اعضاء سالم است وضوء بگیرد و اگر جای مسح زخم باشد و مسح نمودن ممکن نباشد باید تیمّم نماید.

مسئله ۱۱۴ حکم جبیره در غسل و تیمّم مثل حکم جبیره است در وضوء.

مسئله ۱۱۵ غسل های واجب هفت است: ۱ غسل جنابت ۲ غسل حیض ۳ غسل نفاس ۴ غسل استحاضه ۵ غسل مس میّت ۶ غسل میّت ۷ غسلی که به نذر و عهد و قسم واجب می شود.

جنابت

مسئله ۱۱۶ به دو چیز انسان جنب می شود:

اول - جماع.

دوم - بیرون آمدن منی چه در حال خواب یا بیداری، کم یا زیاد، با اختیار یا به غیر اختیار، با شهوت باشد یا بدون شهوت.

مسئله ۱۱۷ اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا چیز دیگر چنانچه با شهوت و جستن خارج شود و پس از بیرون آمدن بدن سست گردد آن رطوبت حکم منی را دارد. و در شخص مریض فقط شهوت کافی است اگر چه جستن نداشته باشد.

مسئله ۱۱۸ بعد از بیرون آمدن منی بول کردن مستحب است و اگر پس از بول کردن غسل نمود و رطوبتی خارج شد که نمی داند منی است یا آب های دیگر غیر از بول حکم منی ندارد و غسل لازم نیست.

مسئله ۱۱۹ اگر پس از بیرون آمدن منی بول نکرده

غسل کند و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود که مردد بین منی و غیر آن باشد آن رطوبت در حکم منی است و باید غسل جنابت کند.

و اگر پس از بول و غسل رطوبت مردّد بین بول و منی خارج شود چنانچه استبراء از بول ننموده باید وضوء بگیرد و غسل لازم نیست.

و اگر استبراء از بول نموده، چنانچه قبل از خروج رطوبت متطهر از دو حدث بوده واجب است بر او هم غسل کند و هم وضوء بگیرد و اگر محدث به حدث اصغر بوده واجب است فقط وضوء بگیرد.

چیزهایی که جنب باید برای آنها غسل کند

مسئله ۱۲۰ جنب برای چند چیز باید غسل کند:

اول - به جهت نمازهای واجب و مستحب و اجزاء فراموش شده نماز و نماز احتیاط، ولی برای نماز میّت و سجده تلاوت (آیه سجده) واجب نیست.

دوم - برای طواف واجب.

سوم - برای روزه ماه رمضان و قضای آن که اگر پیش از طلوع صبح جنب باشد واجب است غسل کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی غسل نکرد روزه اش باطل است.

و در روزه های دیگر اگر به جنابت صبح کند باطل نمی شود اگر چه روزه واجب باشد، و بهتر آن است که احتیاطاً در روزه های واجب به جنابت تا صبح عمداً باقی نماند.

و اگر کسی در روز خود را جنب سازد روزه او باطل است اگر چه مستحبی باشد و اگر به غیر عمد در روز جنب شود روزه اش صحیح است اگر چه ماه رمضان باشد.

مسئله ۱۲۱ پنج چیز بر جنب حرام است:

اول - رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسماء خدا

به نحوی که در وضوء گذشت.

دوم - داخل شدن در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر(ص) هرچند به نحو عبور باشد.

سوم - توقف در مساجد دیگر و دخول در آنها برای برداشتن چیزی از آنها ولی عبور جنب از مسجد که از دری وارد و از در دیگر خارج شود جایز است، و حرم های ائمه(ع) در حکم مساجد است در حکم مذکور بنا بر احتیاط لازم.

چهارم - داخل شدن در مسجد به قصد گذاردن چیزی در آن، بلکه گذاردن چیز در مسجد از خارج نیز بر جنب حرام است و همچنین در حال عبور از مسجد.

پنجم - خواندن سوره هایی که در آنها سجده واجب هست (الم تنزیل، حم سجده، والنجم، اقراءباسم) هرچند یک کلمه از آنها باشد.

مسئله ۱۲۲ لازم نیست در غسل قصد وجوب یا استحباب، بلکه اتیان به قصد قربت کافی است.

مسئله ۱۲۳ غسل را به دو قسم می توان به جا آورد، ترتیبی و ارتماسی.

مسئله ۱۲۴ در غسل ترتیبی واجب است، اول سر و گردن بعد هر کدام از طرف راست یا چپ را بشوید و بعد طرف دیگر را و لازم نیست اول طرف راست بدن بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر کسی عمداً یا از روی فراموشی به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است، ولی موالات و پی درپی به جا آوردن در غسل شرط نیست.

مسئله ۱۲۵ در غسل ارتماسی باید آب تمام بدن را در یک آن فرا گیرد پس اگر به نیت غسل ارتماسی زیر آب فرو رود پایش را باید از زمین بلند کند و در غسل ارتماسی باید موقعی نیت کند که مقداری

از بدن بیرون آب باشد.

مسئله ۱۲۶ تمام اغسال را به دو قسم می توان به جا آورد مگر غسل میّت که باید ترتیبی به جا آورد. و طرف راست را مقدّم بر طرف چپ نمود.

مسئله ۱۲۷ در غسل جنابت وضوء واجب نیست بلکه بدعت و حرام است، و اظهر آن است که با هر غسلی غیر از غسل استحاضه می توان نماز خواند و سایر اعمال مشروط به طهارت را انجام داد.

مسئله ۱۲۸ هر عضوی باید قبل از غسل دادن پاک باشد، و باید یقین کند که آب به تمام بدن رسیده.

حیض

مسئله ۱۲۹ حیض خونی است که از رحم زن بعد از بلوغ و قبل از رسیدن به سن یأس و غالباً با کمی سوزش و فشار خارج می شود سیاه یا سرخ و غلیظ و گرم است.

مسئله ۱۳۰ زن به تمام شدن نه سال بالغ می شود و به تمام شدن شصت سال در قرشیه و پنجاه سال در غیر آن یائسه می شود، خونی که قبل از بلوغ و بعد از سن یأس ببیند حیض نیست.

مسئله ۱۳۱ اگر زن خونی ببیند که نداند حیض است یا خون بکارت، واجب است مقداری پنبه داخل نماید و کمی صبر کند پس آن را بیرون آورد چنانچه اطرافش را خون گرفته باشد از بکارت است و اگر خون در او فرو رفته باشد حیض است، کما اینکه اگر شک کند حیض است یا استحاضه اگر در ایام عادت باشد و یا آنکه دارای علائم حیض باشد باید آن خون را حیض قرار دهد.

مسئله ۱۳۲ مدّت حیض از سه روز متوالی کمتر و از ده روز

بیشتر نمی شود، و در مـابین سه روز و ده روز زن ها بر حسب عادت مختلفنـد، و در سه روز اول لازم نیست متوالی باشـد پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض است.

مسئله ۱۳۳ مـدّت پاک بودن زن از حیض کمتر از ده روز نمی شود و آن را یک طهر گوینـد و فاصـله میان دو حیض کمتر از یک طهر نیست پس اگر بعد از حیض سابق روز نهم و دهم خون ببیند آن خون حیض نیست و اگر بعد از ده روز دید محکوم به حیض است چنانچه شرایط آن موجود باشد.

مسئله ۱۳۴ زنی که شک دارد در بلوغ اگر خون ببینـد به صـفات حیض آن خون محکوم است به حیض بودن و همین علامت بلوغ است.

مسئله ۱۳۵ خون حیض با شیر دادن بچّه جمع می شود و منافات ندارد بلکه با حمل هم جمع می شود بنا بر اقوی.

مسئله ۱۳۶ خون حیض اگر با خون اسـتحاضه مشـتبه شد به صـفات و عادت شـناخته می شود، و اگر با خون قرحه مشـتبه شود چنانچه خون از سمت چپ خارج شود حیض است والّا حیض نیست.

مسئله ۱۳۷ خـونی کـه معلـوم شـود حیض اسـت، اگر در ده روز قطع شـود تمـام آن حیض است هرچنـد زائـد بر ایـام عـادت همیشـگی باشـد و اگر از ده روز تجاوز کنـد، صاحب عادت ایام عادت را حیض قرار می دهـد و باقی ایام را اسـتحاضه، و غیر صاحب عادت به صفات رجوع می کند، و اگر در صفات هم همه ایام مثل هم باشند رجوع

کنـد به عادت خویشان چنانچه عادت خویشان او هفت روز باشـد هفت روز را حیض قرار می دهد بقیه را اسـتحاضه و چنانچه عـادت خویشـان کمتر است مثلاً ـ پنـج روز است در تفـاوت بین عـادت آنـان و هفت روز جمع بین تروک حـائض و کارهـای مستحاضه بنماید بنا بر احتیاط واجب و همچنین اگر عادت خویشان زیاده از هفت روز باشد. و اگر اهل ندارد، یا اهلش عادت ندارنـد مخیر است که در هر مـاه سه روز یـا شـش روز یـا هفت روز را حیض قرار دهـد، و اگر صاحب عادت بوده و فراموش کرده رجوع به اهـل نکنـد، بلکه به صـفات ایـام حیض را تشـخیص دهـد، و اگر در صـفات تفاوت نباشـد بنا بر احتیاط لزومی اختیار هفت روز بنماید.

مسئله ۱۳۸ عادت محقق می شود به اینکه زن در دو ماه پی درپی مثل هم خون ببینـد مثل اینکه هر دو ماه اول ماه خون ببیند و تا پنجم قطع شود پس این زن صاحب عادت وقتیه و عـددیه است و اگر هر دو ماه اول ماه ببیند لکن یک ماه پنجم قطع شود و یک ماه هفتم صاحب عادت وقتیه است نه عددیه و اگر هر دو ماه هفت روز ببیند لکن یک ماه اول ماه و یک ماه از دهم پس این زن صاحب عادت عددیه است نه وقتیه.

و صاحب عادت وقتیه و عددیه در مورد اشتباه شدن حیض با استحاضه از حیث وقت و عدد در هر دو رجوع به عادت خود می کند و صاحب عادت وقتیه فقط در وقت و عددیه در عدد تنها رجوع به عادت می

کند.

احکام حائض

و آن چند چیز است:

اول – حرام است بر حائض عبادت هایی که شرط صحت آنها طهارت است مثل نماز و روزه و طواف و اعتکاف.

دوم – حرام است بر او تمام کارهایی که بر جنب حرام است.

سوم – حرام است بر زوج و زوجه جماع کردن در قُبل حال حائض بودن زن اما سایر استمتاعات جایز است.

و جماع کردن در دبر هم جایز است، ولی کراهت شدید دارد.

چهارم – باطل است طلاق حائض به تفصیلی که در کتاب طلاق ذکر می شود.

پنجم – واجب است بر حائض بعد از انقطاع حیض غسل برای کارهایی که شرط آنها طهارت است.

ششم – واجب است بر زن حائض که قضا کند روزه ماه مبارک رمضان و روزه های واجب دیگر را که در حال حیض از او فوت شده و قضا دارد.

اما نمازهای روزانه که در حال حیض فوت شده قضای آنها واجب نیست.

مسئله ۱۳۹ اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاك شود و به اندازه غسل و وضوء و مقدمات دیگر نماز و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر وقت باقی باشد واجب است نماز را بخواند.

و چنانچه نخواند واجب است آن را قضا کند.

کما اینکه اگر از اول وقت به مقدار خواندن نماز با اکتفاء به واجبات آن با تحصیل هر یك از شرایط آن به حسب حالش بگذرد و حائض شود و نماز نخوانده باشد باید آن را قضا کند بلکه لازم است اگر از اول وقت به مقدار نماز گذشت و حائض شد و نماز نخواند آن را قضا کند هرچند وقت به مقدار تحصیل شرایط دیگر

نداشته باشد.

مسئله ۱۴۰ جایز است جماع با زن پس از آنکه از حیض پاک شد هرچند غسل نکرده باشد.

احکام استحاضه

مسئله ۱۴۱ یکی از خون هایی که از زن ها خارج می شود خون استحاضه است و موجب غسل و وضوئ می گردد به تفصیلی که بیان خواهد شد.

مسئله ۱۴۲ خون استحاضه اگر از فرج خارج شود حکم آن باقی است تا وقتی که از داخل فرج نیز قطع شود و به کلی پاک گردد.

مسئله ۱۴۳ خون استحاضه بیشتر اوقات زردرنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش خارج می شود برخلاف خون حیض و گاهی ممکن است به صفت خون حیض باشد.

مسئله ۱۴۴ استحاضه بر سه قسم است: قلیله، متوسطه، کثیره.

مسئله ۱۴۵ اگر خون استحاضه پنبه ای را که زن در فرج می گذارد آلوده سازد و در آن فرو نرود استحاضه قلیله است و باید برای هر نماز چه واجب باشد و چه مستحب یک وضوء بگیرد و خارج فرج را اگر خون به آن رسیده تطهیر نماید.

و اگر خون در همه پنبه یا قسمتی از آن فرو رود ولی به پارچه که برای جلوگیری از خون می بندد نرسد استحاضه متوسطه است و در آن باید علاوه بر وظائف قلیله یک غسل نیز پیش از نماز صبح بنماید و برای هر نماز پنبه و پارچه را عوض کند یا آب بکشد.

و اگر خون از پنبه به پارچه برسد استحاضه کثیره است و باید آن پنبه و پارچه را عوض کند یا تطهیر نماید و خارج فرج را اگر خون به آن رسیده بشوید و یک غسل برای

نماز صبح و یک غسل دیگر برای نماز ظهر و عصر و غسل سومی برای نماز مغرب و عشاء بنماید به شرط آنکه بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء جمع نماید و اگر جمع بین آنها ننماید و هر یک را جداگانه و به فاصله بخواند باید برای هر نماز یک غسل به جا آورد مگر آنکه بین دو نماز خون ندیده باشد.

مسئله ۱۴۶ اگر بعد از نماز صبح استحاضه قلیله متوسطه شود باید برای نماز ظهر یک غسل به جا آورد، و اگر بعد از نماز ظهر متوسطه شود باید برای نماز عصر غسل کند، و اگر بعد از نماز عصر متوسطه شد باید برای نماز مغرب، و اگر بعد از مغرب متوسطه شد برای نماز عشاء باید غسل کند.

مسئله ۱۴۷ اگر پیش از طلوع صبح استحاضه قلیله متوسطه یا کثیره شود باید مقارن طلوع صبح یا بعد از طلوع غسل کند و نماز صبح را بدون فاصله بعد از غسل بخواند.

مسئله ۱۴۸ واجب است بر زنی که مستحاضه است امتحان نماید که استحاضه او از چه قسم است و امتحان آن به این است که پنبه را داخل فرج نموده کمی صبر کند و آن را بیرون آورد و ملاحظه کند که استحاضه او از کدام قسم است.

مسئله ۱۴۹ بر زن مستحاضه در صورتی واجب است به احکام آن عمل نماید که خون قطع نشود، اما اگر خون قطع شود عمل به احکام استحاضه واجب نیست پس اگر پیش از ظهر مثلاً خون قطع شد فقط برای نماز ظهر باید غسل نماید و برای نمازهای قبل مطابق معمول رفتار

نماید.

مسئله ۱۵۰ واجب است که بعد از غسل جلوگیری از خارج شدن خون نماید به گذاردن قدری پنبه در داخل فرج و بستن آن با پارچه.

مسئله ۱۵۱ شرط است در صحّت روزه زن مستحاضه به استحاضه کثیره که غسل هایی را که در روز بر او واجب است به جا آورد و در استحاضه متوسطه غسل شرط صحت روزه نیست.

مسئله ۱۵۲ اگر مستحاضه در اوّل وقت بداند که در قسمتی از وقت نماز به مقدار اقل واجب نماز خون قطع می شود به کلی یا موقتاً واجب است که نماز را تأخیر انداخته در آن قسمت از وقت که خون قطع می شود بخواند.

مسئله ۱۵۳ مستحاضه کثیره اگر غسل های خود را به جا آورد در حکم طاهره است و اگر غسل های نمازها را به جا نیاورده باشد تروک حائض را ترک نماید بنا بر احتیاط لازم، و اگر بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند باید وضوء بگیرد.

نفاس

مسئله ۱۵۴ نفاس خونی است که خارج می شود با متولّد شدن اولین جزء طفل از مادر بعد از ولادت پیش از گذشتن ده روز از موقع ولادت چه مولود خلقتش تمام شده باشد یا نه مثل سقط، و چه روح در آن دمیده شده باشد یا نه بلکه خون بعد از سقوط مضغه یا علقه نیز نفاس است.

مسئله ۱۵۵ در نفاس ممکن است که یک لحظه بیشتر خون دیده نشود و اگر بعد از ده روز خون ببیند نفاس نیست.

مسئله ۱۵۶ اگر نفساء یعنی زنی که خون نفاس دیده خونش از ده روز تجاوز نکرد تمام خونی که دیده نفاس

است چه در تمام ده روز خون دیـده باشـد یا در چند روز آن و چه پی درپی خون دیده باشد یا به فاصـله مثل آنکه سه روز از اول دیده باشد و دو روز از وسط و سه روز از آخر، یا آنکه یک روز خون دیده باشد و یک روز پاک باشد ولی در روزهایی که پاک است احتیاط مستحب آن است که آنچه بر زن حائض حرام است ترک کنـد و عباداتی که در حال پاکی از حیض و نفاس بر او واجب است به جا آورد و در این مسئله میان صاحب عادت و کسی که عادت ندارد فرق نیست.

مسئله ۱۵۷ نفساء اگر اصلاً خونی نبیند نفاس ندارد.

مسئله ۱۵۸ اگر زنی که زائیده پیش از گذشتن ده روز از وقت ولادت خون ببیند و از ده روز تجاوز کند.

پس اگر در حیض صاحب عادت است در عادت خود مثل زن حائض عمل می کنـد و بعـد عمل به وظیفه مستحاضه می کند اگر بداند خون تجاوز از ده روز می کند.

و اگر ندانـد پس از زمـان گذشـتن عـادت و پیش از گذشـتن ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کنـد و اعمال مستحاضه را به جا آورد چنانچه از ده روز بگـذرد بایـد عبادت هایی که در روزهای بعـد از عادت ترک کرده قضاء نمایـد و اگر صاحب عادت نیست و خون از ده روز گذشت تا ده روز را نفاس قرار دهد و در بقیه عمل به وظایف مستحاضه نماید.

مسئله ۱۵۹ هرگاه خون قطع شود و علم به پاک شدن باطن از خون نداشته باشد

بایـد رسـیدگی کنـد یعنی مقـداری پنبه داخل در فرج کنـد و کمی صبر نماید و آن را بیرون آورد پس اگر آلوده نشده غسـل کند و نماز به جا آورد و اگر آلوده شده هرچند به آب زردرنگ باشد به دستوری که در احکام حیض گفته شد عمل کند.

مسئله ۱۶۰ زن نفساء مثل حائض است در احکامی که بیان شد، مثل وجوب قضای روزه، حرمت مجامعت و حرام بودن نماز بر او در مدّت نفاس و محرمات دیگری که در حائض بیان شد و همچنین فرقی میان آنها نیست در مستحبات و مکروهات.

غسل مس میّت

مسئله ۱۶۱ اگر جایی از بدن کسی به جزیی از بدن مرده انسان که سرد شده و غسلش نداده اند برسد واجب است غسل کند.

مسئله ۱۶۲ واجب است غسل مس میّت برای چیزی که مشروط به طهارت از حدث اصغر است مثل نماز.

مسئله ۱۶۳ غسل مس میّت را مثل غسل جنابت باید به جا آورد و کسی که غسل مس میّت کرده اگر بخواهد نماز بخواند لازم نیست وضوء بگیرد، ولی وضوء گرفتن قبل از غسل مستحب است.

آداب مریض

مسئله ۱۶۴ مسـتحب است که مریض صبر کنـد و شـکر خـدای را به جا آورد و تجدیـد توبه کنـد و وصـیّت به خیرات در حقّ خویشان نمایـد و صـدقه دهـد و در حضور مؤمنین اقرار به توحیـد، و نبوّت، و امامت، و معاد، و عقایـد حقّه نماید و اگر دارا و متمکن است به ثلث مال خود وصیّت به خیرات کند و حُسن ظن به خداوند متعال داشته باشد.

مسئله ۱۶۵ یکی از مستحبات بزرگ عیادت مریض است و مستحب است نزد مریض بنشیند ولی

نباید طول بدهد مگر آنکه خود مریض طالب باشد.

احکام محتضر

مسئله ۱۶۶ واجب است که انسان در موقعی که علامات مرگ بر او ظاهر شد حقوق واجبه ای که بر اوست از دیون و خمس و زکات اداء کند و امانت ها و ودیعه هایی که در پیش او است به صاحبانش برساند و اگر ممکن نباشد که خودش به این وظائف عمل کند واجب است وصیّت کند.

مسئله ۱۶۷ واجب است پاهای محتضر را رو به قبله بکشند به طوری که اگر بنشیند صورت او به طرف قبله باشد و بر خود محتضر لازم است که رو به قبله بخوابد، و اگر ممکن نشد باید به اندازه ممکن به این دستور عمل کنند والّا باید او را به پهلوی راست یا به پهلوی چپ رو به قبله بخوابانند.

مسئله ۱۶۸ بعد از مرگ مستحب است چشم ها و دهان و چانه میّت را ببندند، و دست و پای او را دراز کنند، و پارچه ای روی آن بیاندازند.

و اگر شب مرده در جایی که مرده است چراغ روشن کنند و مؤمنین را برای تشییع جنازه او خبر کنند، و او را فوراً دفن کنند، مگر آنکه در مرگ او شک داشته باشند.

و اگر فرزند زنده در شکم اوست باید پهلوی چپ او را بشکافند و بچه را بیرون آورند و پهلوی او را دوخته و دفن نمایند.

مسائل غسل و کفن و نماز و دفن میّت

مسئله ۱۶۹ واجب است بر هر مسلمانی غسل دادن و کفن نمودن و دفن کردن و نماز خواندن بر میّت مسلمان، و اگر بعضی به جا آورند از دیگران ساقط می شود. و اگر هیچ کس انجام ندهد همه گناه کرده اند.

مسئله ۱۷۰ از ولی میّت بنا

بر احتیاط باید برای غسل و کفن و نماز و دفن میّت اذن گرفت.

و اگر ولی از انجام آنها خودداری کرد و به غیر هم اذن نداد اذن از او لازم نیست.

مسئله ۱۷۱ ولیّ میّت غیر از زن شوهردار به ترتیب طبقات ارث است اول پدر و مادر و اولاد می باشند. و اگر ندارد اجداد و برادر و خواهر میّت است، و اگر ندارد عمو و دایی و عمه و خاله است.

و ولیّ زن شوهردار شوهر او است چه پدر و مادر و اولاد داشته باشد و چه نداشته باشد.

و در هر طبقه مرد بر زن مقدّم است، و اگر مرد بالغ در طبقه ای نباشد ولیّ میّت زن ها هستند و بهتر است احتیاطاً از حاکم شرع هم در این صورت اذن بگیرند.

غسل میّت

مسئله ۱۷۲ واجب است غسل دادن هر میّت مسلمان و اطفال مسلمین، و بچه سقط شده را که چهارماه او تمام شده باید غسل دهند و کفن کنند و دفن نمایند، ولی نماز بر او واجب نیست.

و اگر چهارماه تمام نشده است اگر خلقت او کامل شده واجب است غسل و کفن و دفن او.

و اگر خلقت او کامل نشده است، او را در پارچه ای بپیچند و دفن نمایند، و قصد قربت در غسل میّت واجب است مثل سایر غسل ها.

مسئله ۱۷۳ جایز نیست که مرد زن را غسل دهد و زن مرد را، مگر در صورتی که میّت طفلی باشد که سه سالش بیشتر نباشد و سزاوار است مرد دختر بچه را غسل ندهد مگر آنکه زن نباشد و همچنین زن پسر بچه

را غسل ندهد مگر آنکه مرد نباشد، و زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و مرد هم می تواند زن خود را غسل دهد اگر چه برهنه باشد.

مسئله ۱۷۴ غسل دهنده باید مسلمان و بالغ و اثنی عشری باشد و عالم به مسائل غسل باشد.

مسئله ۱۷۵ میّت را باید سه غسل داد به ترتیب: اول به آب سدر، دوم به آب کافور، سوم به آب خالص; و برخلاف این ترتیب باطل است.

مسئله ۱۷۶ غسل میّت را باید ترتیبی انجام داد و تا ممکن است نباید او را غسل ارتماسی دهند بلی در غسل ترتیبی فرو بردن هر یک از اعضاء در آب جایز است با لحاظ ترتیب.

مسئله ۱۷۷ سدر و کافور نباید به قدری زیاد باشد که آب را مضاف سازد، و اگر سدر یا کافور فراهم نشد به جای هر کدام که فراهم نشده لازم نیست با آب خالص غسل دهند. پس اگر هیچ کدام نبود یک غسل کافی است.

مسئله ۱۷۸ اگر آب برای غسل میّت پیدا نشد، یا بدنش مجروح باشد که نشود غسل داد باید او را یک تیمّم بدهند و بهتر است او را سه تیمّم بدهند: اول - بدل از غسل به آب سدر. دوم - بدل از غسل به آب کافور. سوم - بدل از غسل به آب خالص و احتیاط مستحب آن است که یک تیمّم دیگر بدل از هر سه غسل بدهند و اگر تیمّم سوم را به قصد تیمّمی که به ذمه او است که یا تیمّم بدل از هر سه غسل و یا بدل از غسل به آب خالص است بنمایند به احتیاط

رفتار نموده اند.

مسئله ۱۷۹ واجب است که میّت به دست خودش تیمّم داده شود و اگر ممکن نباشـد به دست زنـده تیمّم داده شود به این نحو که دست هـای خود را به زمین زنـد و به صورت میّت و پشت دست هـایش بکشـد و بهتر آن است که دو مرتبه دست ها را به زمین بزند و در مرتبه اول به صورت میّت و مرتبه دوم به پشت دست هایش بکشد.

مسئله ۱۸۰ اگر میّت با حال جنابت یا حیض مرده باشد غسل میّت برای او کافی است.

کفن میّت

مسئله ۱۸۱ هر میّت مسـلمانی را واجب است کفن کردن به سه پـارچه، یعنی لنـگ و پیراهن و سرتاسـری، و لنگ بایـد اطراف بدن را از ناف تا زانو بپوشاند و بهتر است که از سینه تا قدم را بگیرد. و پیراهن باید از سرشانه تا نصف ساق را از هر دو طرف بپوشانـد و بهتر آن است که تا روی پا برسـد، و سرتاسـری بایـد تمام بـدن را بپوشاند و بهتر آن است که آن قدر بلند باشد که بشود از طرف سر و پاها آن را بست و به قدری پهن باشد که یک طرف آن را روی طرف دیگر بیاندازند، و احتیاط آن است که زیادتر از مقدار واجب را از سهم وارث صغیر بر ندارند.

مسئله ۱۸۲ کفن زوجه بر زوج است بـا شـرایطی که بر کتب مفصـله مـذکور است و کفن واجب النفقه بر منفق نیست، مگر در وقتی که مال نداشته باشد که احتیاط غیر لازم آن است که منفق کفن او را بدهد و نگذارد برهنه دفن شود.

حنوط

مسئله ۱۸۳ واجب است گـذاردن مقـداری از کـافور پـاک و مبـاح در پیشانی و کف دست ها و سـر زانوها و سـر دو انگشـت بزرگ پاهای میّت بعـد از آنکه او را غسل دادنـد و پیش از آنکه کفن کنند یا بعد از کفن کردن و این عمل را حنوط گویند، و لازم است که کـافور سائیـده و تـازه باشـد، و بهتر آن است که قـدری از کافور را روی بینی میّت بگذارنـد و نیز کافور را با دست بر جاهایی که گفته شد بگذارند; و اگر میّت محرم باشد و

پیش از تمام کردن طواف مرده باشد جایز نیست او را حنوط نمایند.

مسئله ۱۸۴ در مالیدن کافور به مواضع ذکر شده ترتیب لازم نیست، و مستحب است گذاردن دو چوب تر و تازه در قبر همراه میّت.

نماز میّت

مسئله ۱۸۵ واجب است خواندن نماز بر میّت هر مسلمانی و بر اطفال مسلمین اگر شش سال داشته باشند، و مستحب است نماز بر بچه مسلمان اگر از شش سال کمتر داشته باشد هرچند در موقع تولد بمیرد به شرط آنکه زنده متولّد شود.

مسئله ۱۸۶ در صحّت نماز شرط است که از ولی اجازه بگیرند و آن را بعد از غسل و کفن و حنوط به جا آورند، و هرگاه غسل یا تیمّم یا کفن یا حنوط ممکن نباشد نماز ساقط نمی شود.

مسئله ۱۸۷ نماز میّت پنج تکبیر دارد و کفایت می کند که بعد از نیّت و معیّن کردن، میّت بگوید: ۱ – الله اکبر «اشهد ان لااله الاالله و ان محمداً رسول الله» ۲ – الله اکبر «الهم صلی علی محمد و آل محمد» ۳ – الله اکبر «الهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات» ۴ – الله اکبر «الهم اغفر لهذا المیّت» و اگز زن باشد «لهذه المیّت» بگوید. ۵ – الله اکبر.

مسئله ۱۸۸ در نماز میّت وضوء و غسل لازم نیست و همچنین مباح بودن لباس نمازگذار و ستر عورت نمازگذار لازم نیست.

دفن میّت

مسئله ۱۸۹ دفن میّت عبارت است از پنهان ساختن او در زمین به طوری که جسدش محفوظ باشد از درندگان که نتوانند آسیب و ضرری به او برسانند و بوی او باعث اذیت مردم نشود.

مسئله ۱۹۰ واجب است میّت را رو به قبله دفن کنند به طوری که پهلوی راست او بر زمین باشد.

مسئله ۱۹۱ مکروه است دفن دو میّت در یک قبر، و فرش کردن قبر به آجر و سنگ و مانند آنها مگر آنکه رطوبت داشته باشد، و مکروه

است پدر در قبر فرزند وارد شود.

نبش قبر

مسئله ۱۹۲ حرام است که قبر مسلمان را اگر چه طفل یا دیوانه باشد نبش نمایند یعنی بشکافند مگر آنکه بدانند بدنش پوسیده و خاک شده است و نیز حرام است که قبر شهداء و علماء و امامزادگان و صلحا را نبش نمایند اگر چه مدّت ها و سال های بسیار بر آن گذشته باشد.

مسئله ۱۹۳ شکافتن قبر در چند مورد حرام نیست:

اول - اگر میّت در مکان غصبی یا با کفن غصبی دفن شده باشد و مالک راضی به باقی ماندن نباشد و یا با او چیز غصبی دفن شده باشد که در این صورت نبش واجب است.

دوم - واجب است نبش قبر اگر میّت را بدون غسل و کفن دفن کنند یا معلوم شود که غسل او باطل بوده و یا کفن او به طور شرعی نبوده، یا اگر میّت را رو به قبله در قبر نگذاشته باشند. مگر آنکه به نبش قبر هتک و بی احترامی میّت شود.

و اگر میّت بدون نماز دفن شود نبش قبر جایز نیست بلکه باید نماز را به قبرش بخوانند.

سوم - آنکه اثبات حقی از حقوق ممکن نباشد مگر به دیدن میّت که در آن صورت نبش جایز است بلکه در بعض صورت ها واجب است.

چهارم - واجب است نبش اگر میّت را در محلی دفن کرده باشند که بی احترامی به او باشد مثل قبرستان کفار.

پنجم - برای نقل میّت به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن معظمه اگر وصیت کرده باشد به نقل که در این صورت نیز واجب است و اگر وصیّت نکرده باشد جایز است

ولی بهتر آن است که احتیاط کنند.

ششم – آنکه مطلب مهمی که شرعاً اهمیت آن از نبش قبر بیشتر باشد بر آن متوقف باشد مثل آنکه بخواهند بچه زنده را از شکم مادرش که دفنش کرده اند بیرون آورند که در این صورت هم واجب است.

هفتم – آنکه بترسند بدن میّت را درنده بیرون آورد یا سیل یا دشمنی ببرد.

هشتم – آنکه قسمتی از بدن میّت که از او جدا شده دفن نشده باشد ولی احتیاط لازم آن است که آن را طوری دفن کنند که بدن میّت ظاهر نشود.

غسل های مستحبی

مسئله ۱۹۴ غسل های مستحبی بسیار است. یکی از آنها غسل جمعه است و درباره آن تأکید و تشویق بسیار شده است و وقت آن از طلوع صبح جمعه است تا ظهر و بعدازظهر قصد اداء و قضاء ننماید و به قصد قربت به جا آورد و اگر غسل جمعه از او فوت شود در روز شنبه از صبح تا غروب قضای آن را می توان به جا آورد.

مسئله ۱۹۵ مستحب است غسل عید فطر و اضحی و عرفه و غدیر و اول رجب و مبعث و غسل شب های طاق ماه مبارک رمضان و شب های دهه آخر آن و غسل زیارت و غسل دخول حرم و دخول مکه و دخول خانه و غیر آنها که در کتب مفصله ذکر شده.

مسئله ۱۹۶ انسان می تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضوء لازم دارد انجام دهد به شرطی که استحباب آن ثابت باشد مثل غسل جمعه.

احکام تیمّم

مسئله ۱۹۷ کسی که قادر بر استعمال آب نیست برای وضوء یا غسل باید تیمّم نماید و آن بر چند قسم است:

اول – آنکه به قدر کافی از برای وضوء و غسل آب نیابد.

دوم – آنکه آب باشد و از جهت مانعی دسترسی به آن نداشته باشد.

سوم – آنکه استعمال آب ضرر داشته باشد بر جان یا صحت او ولو به اینکه علاج مرضش دشوار شود و به احتمال ضرر اگر ترس برای او پیدا شود باید تیمّم کند، و اگر آب گرم برای او ضرر ندارد باید با آن وضوء یا غسل به جا آورد و تیمّم او صحیح نیست.

چهارم – آنکه تهیه آب یا استعمال

آن حرج و مشقّت داشته باشد.

پنجم - آنکه بترسد بر خود و یا یکی از بستگانش از تشنگی و تلف یا مریض شدن یا حرج و مشقتی را که عادتاً تحمل آن نمی شود، همچنین است خوف بر هلاکت نفس محترمه و خوف بر تلف حیوانی که مال خود او است.

ششم - موردی که صرف آب در واجبی مهمتر از وضوء و غسل پیش آید که در این صورت باید تیمّم کند مثل آنکه بدن یا لباس او نجس باشد و آب به قدری کم دارد که نمی تواند وضوء یا غسل را به جا آورد و هم لباس و بدن را بشوید پس در این صورت باید لباس یا بدن را بشوید و تیمّم کند مگر آنکه چیزی که بر آن تیمّم جایز باشد نداشته باشد که در این فرض باید با آن آب وضوء یا غسل به جا آورد.

هفتم - آنکه وقت تنگ باشد که غسل یا وضوء موجب فوت تمام وقت نماز یا بعض آن بشود.

مسئله ۱۹۸ کسی که تکلیف او برای تنگی وقت تیمّم است اگر وضوء یا غسل به جا آورد و نماز را خارج وقت بخواند صحیح است.

هشتم - آنکه استعمال آب برای وجود مانع شرعی ممکن نباشد مثل آنکه آب در ظرف طلا یا نقره یا در ظرف غصبی باشد.

چیزهایی که تیمّم به آنها صحیح است

مسئله ۱۹۹ تیمّم بر روی زمین جایز است، چه خاک باشد، چه ریگ و چه کلوخ و چه سنگ و چه غیر اینها اگرچه سنگ گچ یا آهک باشد پیش از پختن و یا بعد از پختن.

چنانچه جایز است تیمّم بر گل پخته شده مثل آجر

و کوزه.

و جایز نیست تیمّم بر معادن مثل معدن طلا و نقره و نمک و عقیق.

مسئله ۲۰۰ در تیمّم چهار چیز واجب است:

۱ - نیّت. ۲ - زدن کف هر دو دست را با هم به چیزی که تیمّم بر آن جایز است. ۳ - کف هر دو دست را به تمام پیشانی از محل روئیدن موی سر تا ابروها و بالای بینی بکشد و احتیاط واجب آن است که به ابروها هم بکشد. ۴ - کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

و در تیمّم بدل از غسل بهتر آن است که احتیاطاً یک مرتبه دیگر دست ها را بر زمین بزنند و پشت دست ها را مسح کند بلکه در بدل از وضوء هم این احتیاط خوب است.

نماز

نمازهای واجب یومیه پنج است:

اول - نماز ظهر چهار رکعت.

دوم - نماز عصر چهار رکعت.

سوم - نماز مغرب سه رکعت.

چهارم - نماز عشاء چهار رکعت.

پنجم - نماز صبح دو رکعت، ولی در سفر نمازهای چهار رکعتی یعنی ظهر و عصر و عشاء را باید با شرایطی که ان شاءالله گفته خواهد شد دو رکعت خواند.

مسئله ۲۰۱ نماز جمعه از نمازهای یومیه و دو رکعت است و در عصر پیغمبر(ص) و حضور ائمه(ع) با اجتماع شرایطی واجب عینی است که با ادای آن نماز ظهر جمعه ساقط می شود.

ولی در عصر غیبت امام(ع) که زمان ما است اگر شرایط آن فراهم شد به عنوان رجاء و احتیاط به جا آورد نیکو است ولی نمی

توان به آن اکتفا کرد و باید نماز ظهر را هم بخواند که یقین به برائت ذمه حاصل شود.

اوقات نماز

مسئله ۲۰۲ وقت نماز ظهر و عصر از اول ظهر است تا غروب آفتاب و ظهر در بیشتر شهرها شناخته می شود به زیاد شدن سایه شاخص بعد از آنکه به واسطه بالا آمدن آفتاب سایه به آخرین درجه کمی برسد، و در بعض شهرها مثل مکه در بعضی روزها شناخته می شود به سایه افکندن شاخص بعد از آنکه تمام سایه شاخص از میان برود.

مسئله ۲۰۳ وقت نماز مغرب و عشاء از اول غروب آفتاب است تا نصف شب ولی برای کسی که به واسطه اضطرار تا نصف شب این دو نماز را نخواند مثل آنکه او را، خواب ربوده باشد، یا فراموش کرده باشد، یا آنکه زن حائض بعد از نصف شب پاک شود وقت آنها تا طلوع صبح طولانی است.

و کسی که عمداً نماز مغرب و عشاء را تأخیر بیاندازد و تا نصف شب نخواند معصیت کرده و باید نیّت قضاء کند ولو قبل از طلوع صبح بخواند.

مسئله ۲۰۴ مغرب موقعی است که خورشید غروب کند و نصف شب موقعی است که ستاره هایی که در اول غروب طلوع می نماید از دائره نصف النهار به طرف مغرب میل کنند که بنابراین نصف شب نصف از اول غروب آفتاب تا طلوع فجر است نه تا طلوع صبح.

مسئله ۲۰۵ اول وقت نماز صبح موقعی است که فجر صادق طلوع کند و آخر آن موقع طلوع آفتاب است.

نزدیک طلوع صبح در طرف مشرق سفیدی ظاهر می شود و به بالا مثل دم گرگ

و آن را فجر کاذب می نامند وقتی آن سفیدی در افق پهن و گسترده شد صبح است و آن را فجر صادق گویند.

مسئله ۲۰۶ نماز پیش از وقت جایز نیست و باید در موقع شروع به نماز یا علم به داخل شدن وقت داشته باشد و یا یک نفر شخص مورد اطمینان و وقت شناس به آن شهادت دهد و یا کسی که موثق و وقت شناس است اذان بگوید و اگر با شک در وقت بدون شاهد یا اذان موثق عارف به وقت نماز بخواند باطل است مگر آنکه معلوم شود تمام آن در وقت واقع شده و قصد قربت هم از او به جا آمده باشد.

مسئله ۲۰۷ اگر نتواند به واسطه مانعی مثل ابر یا گرد و غبار و یا کوری و یا در زندان بودن وقت را احراز کند لازم است که صبر کند تا یقین به وقت پیدا کند.

قبله

خانه کعبه معظمه و زمینی که خانه کعبه در آن قرار دارد تا تخوم ارض و فضای بالای خانه کعبه تا عنان آسمان قبله است.

مسئله ۲۰۸ باید نماز را رو به قبله بخوانند و اگر از خانه کعبه دور هستند باید به طوری بایستند که بگویند رو به قبله نماز می خوانند و باید نمازگذار پیش از شروع به نماز اگر ممکن است علم پیدا کند به قبله و اگر یک نفر موثق هم شهادت دهد و مستند شهادت او امور حسیه باشد کافی است اگرچه یقین پیدا نکند و شهادت از روی حدس کافی نیست.

و چنانچه هیچ یک ممکن نشد باید به مظنه و گمانی که از، محراب مساجد

مسلمانان و قبرهایشان، یا از قول اهل خبره و قواعد هیئت یا از راه های دیگر حاصل می شود عمل کند.

مسئله ۲۰۹ اگر تحصیل ظن به قبله ممکن نشد و یک نماز به هر طرفی که می خواهد بخواند، کافی است.

ستر و ساتر

واجب است بر مرد که در حال نماز چه نگاه کننده باشد و چه نباشد عورتین خود را بپوشاند، و واجب است طوری آن را بپوشاند که رنگ آن دیده نشود، و پوشانیدن حجم آن واجب نیست.

مسئله ۲۱۰ واجب است بر زن که در حال نماز تمام بدن خود را بپوشاند حتی سر و موی خود هرچند که نامحرمی نباشد.

مگر صورت و کف دست ها تا بند و پاها تا بند متصل به ساق که لازم نیست پوشانیدن آنها به جهت نماز، ولی برای آنکه یقین کند مقدار لازم را پوشانیده باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از بند دست و پاها را هم بپوشاند.

لباس نمازگذار

لباس نمازگذار چند شرط دارد:

اول - باید پاک باشد چه لباسی که با آن عورتش را پوشانیده و چه لباس دیگر.

مسئله ۲۱۱ هرگاه نمازگذار لباس یا بدنش نجس شده باشد و نفهمیده با آن نماز خواند و بعد از نماز فهمید، نمازش صحیح است، لکن اگر با علم به نجاست فراموش کرد و با آن نماز خواند نمازش باطل است.

مسئله ۲۱۲ اگر غیر از لباس نجس لباس دیگر نداشته باشد و بیرون آوردن آن از بدن به واسطه سرما یا جهت دیگر ممکن نباشد باید با همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است، و اگر بیرون آوردنش ممکن باشد باید لباس را بیرون آورده برهنه نماز بخواند.

دوم - از شرایط لباس نمازگذار این است که لباسی که عورت را با آن می پوشاند مباح باشد یعنی غصبی نباشد و اما لباسی که عورت را با آن نپوشانده ولو پوشیده باشد. مباح بودن آن شرط

صحّت نماز نیست.

مسئله ۲۱۳ اگر لباس را به عین مالی که خمس یا زکات به آن تعلّق گرفته خریده باشد و خمس و زکات آن را نداده نماز خواندن در آن باطل است. مگر آنکه بنا داشته باشد خمس یا زکات را از اموال دیگرش بدهد و با قصد منتقل نموده باشد او را بذمه که در این صورت نماز صحیح است.

سوم - از شرایط لباس نمازگذار این است که از اجزاء مردار یعنی حیوان مرده نباشد چه آنکه مردار حیوان حلال گوشت یا حرام گوشت باشد.

مسئله ۲۱۴ اگر در لباسی شک داشته باشد که اجزاء حیوان مرده است یا نه می تواند با آن نماز بخواند.

چهارم - از شرایط لباس نمازگذار این است که از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. اگرچه آن را تزکیه کرده باشند یا از زنده باشد، پس نماز خواندن در پوست و گوشت و استخوان و مو و پشم و پر و کرک حیوان حرام گوشت جایز نیست حتی اگر یک تار موی حیوان حرام گوشت به لباس و بدن نمازگذار باشد نمازش باطل است، و فرقی نیست میان حیوان حرام گوشت که خون جهنده داشته باشد یا نداشته باشد.

مسئله ۲۱۵ اگر شک داشته باشد که لباسی مثل ماهوت از اجزاء حلال گوشت یا حرام گوشت است یا از اجزاء حیوان حرام گوشت یا غیر حیوان است نماز خواندن در آن لباس صحیح است.

پنجم - از شرایط لباس نمازگذار این است که اگر نمازگذار مرد است لباس او طلاباف نباشد چه همه آن را از طلا بافته باشند یا آنکه مخلوط باشد.

و پوشیدن لباس طلاباف و انگشتر طلا به

دست کردن یا زنجیر طلا به سینه آویختن اگرچه در حال نماز هم نباشد بر مرد حرام است.

ششم - از شرایط لباس نمازگذار این است که اگر نمازگذار مرد است لباس او ابریشم خالص نباشد چه آنکه ساتر عورت او باشد یا نباشد و چه آنکه لباس دیگر غیر آن داشته باشد یا نداشته باشد.

ولی نماز در چیزهایی که ساتر نیست مثل بند شلوار یا عرقچین و کلاهی که ابریشم خالص باشد مانعی ندارد.

مسئله ۲۱۶ در چند مورد نمازگذار می تواند با بدن و لباس نجس نماز بخواند: اول - آنکه زخم و جراحت یا دمل داشته باشد که با خون آنها نماز صحیح است و همچنین با خون بواسیر و خون زخم و جراحت باطنی به شرط آنکه عوض کردن لباس یا تطهیر آن مشقّت داشته باشد، و در خون زخم و جراحت ظاهری مشقّت مذکور معتبر نیست.

دوم - آنکه خون کمتر از درهم باشد به شرط آنکه خون حیض و خون نجس العین مثل سگ و خوک یا خون میته یا خون حیوان حرام گوشت نباشد و بنا بر احتیاط لازم خون نفاس و استحاضه نباشد.

سوم - نماز خواندن در مثل کلاه و عرقچین و جوراب نجس و هر چه به تنهایی ساتر عورت نباشد و همچنین انگشتر و گوشواره و مانند آنها اگر نجس باشد صحیح است.

چهارم - لباس زنی است که مادر و پرستار طفل کوچکی باشد و لباس به پول بچه نجس شده باشد و به غیر از یک لباس نداشته باشد یا اگر بیشتر دارد ناچار به پوشیدن لباس نجس باشد به شرط آنکه هر روز یک مرتبه

آن را بشوید، و بهتر این است که در اواخر روز بشوید که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را پس از شستن لباس بخواند.

مکان نمازگذار

مشهور است در مکان نمازگذار چند چیز شرط است:

اول - اینکه مباح باشد.

مسئله ۲۱۷ کسی که در مکان غصبی نماز بخواند چنانچه موضع سجود غصبی باشد، و بنا بر احتیاط واجب یا بقیه مواضع هفت گانه، یا جای پا در حال ایستادن غصبی باشد نماز او باطل است، اگر از روی علم و عمد باشد.

و اگر غفلت داشت یا نمی دانست یا از روی فراموشی نماز خواند نمازش صحیح است.

مسئله ۲۱۸ کسی که حکم شرعی غصب را که حرمت است نمی داند و در یادگرفتن حکم تقصیر نموده باشد نمازش باطل است.

دوم - آنکه مکان نمازگذار قرار داشته باشد و متحرک نباشد.

مسئله ۲۱۹ در حال اختیار نماز بر پشت اسب و در اتومبیل و قطار و کشتی در حال حرکت باطل است اگر موجب فوت استقرار نمازگذار باشد.

و اگر کسی ناچار باشد که از جهت تنگی وقت یا جهت دیگر در یکی از اینها نماز بخواند باید به قدر ممکن رو به قبله نماز بخواند و اگر ماشین به غیر جانب قبله حرکت می کند او فوراً رو به جانب قبله کند و به قدری که ممکن است باید در حال آرامی بدن اذکار و قرائت را بخواند.

سوم - آنکه در مکانی نماز بخواند که اطمینان نداشته باشد که نمی تواند در آن مکان نماز را تمام کند.

ولی در مکانی که به واسطه کثرت جمعیت و ازدحام مردم و یا باد و باران شدید

اطمینان نیست که بتوان نماز را تمام کرد و لکن اطمینان به خلاف ندارد نماز صحیح است.

چهارم - در جایی که ماندن در آنجا حرام است چون در معرض هلاکت است مثل زیر سقف یا کنار دیواری که مشرف به خراب باشد و جاهای دیگری که برای نمازگذار خطر دارد، نماز نخواند، ولی اقوی آن است که اگر بخواند نماز صحیح است.

پنجم - آنکه روی چیز محترمی که ایستادن بر آن بی احترامی و حرام است نایستد مثل ایستادن روی ورق قرآن یا قبر معصوم(ع) و روی نوشته قرآن و اسم خدا و اسماء مقدسه، و اقوی این است که اگر بخواند ولو کار حرام کرده ولی نماز صحیح است.

ششم - آنکه مکانی باشد که افعال نماز را بتوان به نحو صحیح انجام داد پس در حال اختیار نماز در اتاقی که سقف آن به قدری کوتاه است که نمی تواند در آن راست بایستد یا نمی تواند رکوع یا سجود به جا آورد باطل است.

هفتم - مقدّم بر قبر معصوم نباشد در صورتی که موجب هتك حرمت شود - والّا حرام نیست ولی مکروه است - و اگر حائلی مثل دیوار میان او و قبر باشد مانعی ندارد و صندوق شریف و ضریح و پارچه هایی که روی آن می اندازند کفایت نمی کند.

هشتم - آنکه نجس نباشد به نجاستی که به لباس یا بدن سرایت کند و اگر سرایت نکند ضرر ندارد لکن محل سجده باید پاك باشد.

نهم - آنکه جای قدم نمازگذار بیشتر از چهار انگشت متصل بلندتر یا کوتاه تر از جای پیشانی او در موقع سجده نباشد.

مسئله ۲۲۰ مکروه است

که زن با مرد نماز بخوانند به طوری که زن محاذی با مرد یا جلوتر از مرد ایستاده باشد بلکه باید برای رفع کراهت یا زن عقب مرد بایستد و یا آنکه ده ذراع میان آنها فاصله باشد یا حائلی مثل پرده و یا دیوار میان آنها فاصله باشد.

مسئله ۲۲۱ مستحب است نماز خواندن در مساجد و بهترین آنها مسجدالحرام است که ثواب نماز در آن برابر با هزار هزار نماز است بعد از آن مسجد پیغمبر(ص) که نماز در آن ثواب ده هزار نماز دارد و بعد مسجد کوفه و مسجد اقصی و در این دو مسجد نماز خواندن ثواب هزار نماز دارد و بعد از اینها مسجد جامع که نماز در آن برابر با صد نماز است و بعد مسجد قبیله که نماز در آن برابر با بیست و پنج نماز و بعد مسجد بازار که ثواب نماز در آن برابر دوازده نماز است.

بهترین مکان ها برای نماز زن، خانه اوست و بهتر از آن صندوقخانه اوست.

احکام مسجد

مسئله ۲۲۲ زینت نمودن مسجد به طلا و نقش صورت صاحب روح بر آن کشیدن حرام نیست ولی بهتر است ترک شود.

مسئله ۲۲۳ مسجدی را که غصب کنند و داخل ملک خود یا ضمیمه خیابان و کوچه و غیره سازند نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب نیست.

مسئله ۲۲۴ نجس کردن مسجد حرام است و اگر نجس شود واجب است فوراً آن را تطهیر نمایند.

مسئله ۲۲۵ هرگاه در وقت نماز ملتفت شد که مسجد نجس شده و وقت وسعت دارد باید اول مسجد را تطهیر کند و بعد نماز بخواند ولی اگر وقت تنگ است

باید اول نماز را بخواند.

مسئله ۲۲۶ اگر با وسعت وقت مسجد را تطهیر نکرده نماز بخواند نمازش صحیح است و برای تأخیر انداختن تطهیر مسجد معصیت کرده است.

مسئله ۲۲۷ مستحب است روشن نمودن چراغ در مسجد و تنظیف آن و در وقت ورود در آن اول پای راست را و وقت بیرون آمدن اول پای چپ را گذاشتن و همچنین مستحب است مراقبت کند به کفش نجاستی که سبب نجس شدن مسجد است بلکه مطلق نجاست نباشد.

مسئله ۲۲۸ مکروه است انداختن آب دهان و آب بینی در مسجد و خواب رفتن در آن مگر در مورد ضرورت و همچنین بلند کردن صدا در مسجد مگر برای اذان یا موعظه و نیز مکروه است در مسجد خواندن شعر مگر شعر موعظه یا حمد و ستایش خدا و یا مدح و مصیبت نبی اکرم(ص) و اهل بیت طاهرین آن حضرت و مکروه است داخل شدن کسی که سیر یا پیاز یا چیز بدبو خورده باشد و همچنین است راه دادن اطفال و دیوانگان.

اذان و اقامه

یکی از مستحبات قبل از نماز اذان و اقامه است و استحباب اقامه برای نمازهای یومیه مؤکد است. خصوص برای مردها. پس سزاوار نیست ترک شود.

مسئله ۲۲۹ اذان و اقامه مخصوص نمازهای پنج گانه است و در نماز عید فطر و عید قربان به جای اذان و اقامه سه مرتبه مستحب است گفتن الصلوه و در سایر نمازهای واجب مثل نماز آیات و نماز میّت استحباب آن معلوم نیست ولی گفتن به قصد رجاء مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۰ اذان هیجده فصل است الله اکبر چهار مرتبه، اشهد ان لااله الاالله دو مرتبه، اشهد ان محمداً

رسول الله دو مرتبه، حی علی الصلاه دو مرتبه، حی علی الفلاح دو مرتبه، حی علی خیر العمل دو مرتبه، الله اکبر دو مرتبه، لااله الاالله دو مرتبه و اقامه هفده فصل است الله اکبر دو مرتبه، اشهد ان لااله الاالله دو مرتبه، اشهد ان محمداً رسول الله دو مرتبه، حی علی الصلاه دو مرتبه، حی علی الفلاح دو مرتبه، حی علی خیر العمل دو مرتبه، قد قامت الصلاه دو مرتبه، الله اکبر دو مرتبه، لااله الاالله یک مرتبه.

مسئله ۲۳۱ مستحب است اشهد ان علیاً امیرالمؤمنین ولی الله را بعد از اشهد ان محمداً رسول الله بگوید و چون در این ازمنه این جمله جزء شعائر مذهب تشیّع می باشد بعضی فقهاء احتمال وجوب آن را داده اند.

و بهتر است به قصد قربت مطلقه اضافه شود به آن شهادت به ولایت اولیاء معصومین مثلاً بگوید اشهد ان علیا و اولاده المعصومین حجج الله – او اولیاءالله –

کما اینکه مستحب است بعد از شهادت به رسالت صلوات بر پیغمبر(ص) و آل او فرستاده شود.

واجبات نماز

مسئله ۲۳۲ واجبات نماز یازده چیز است:

اول – نیّت. دوم – قیام. سوم – گفتن تکبیره الاحرام «الله اکبر». چهارم – رکوع. پنجم – سجود. ششم – قرائت. هفتم – ذکر. هشتم – تشهد. نهم – سلام. دهم – ترتیب. یازدهم – موالات یعنی پی درپی بودن اجزاء نماز.

مسئله ۲۳۳ نیّت و قیام در بعضی اجزاء و تکبیره الاحرام و رکوع و دو سجده رکن هستند که اگر آنها را عمداً یا از روی فراموشی زیاد یا کم کند به شرحی که گفته می شود نمازش باطل می شود ولی

نیّت زیاده بردار نیست.

و واجبات دیگر رکن نیستند پس کم کردن یا زیاد کردن آنها فقط در صورت عمد نماز را باطل می کند به جز ترتیب و موالات که خواهد آمد در بعض موارد که ترک آنها سبب بطلان نماز می شود اگر چه سهواً باشد.

مسئله ۲۳۴ نیّت نماز و روزه و عبادت های دیگر معنایش این است که انسان قصد کند به جا آوردن آن کار را برای تقرب به درگاه خدا، یا برای اطاعت امر و فرمان او، یا برای شکر نعمت، یا تحصیل رضای او، و لازم نیست که آن را به زبان بگوید یا در خاطر خود خطور دهد بلکه همین قدر که محرک و وادار کننده او به خواندن نماز یا گرفتن روزه یا عبادت دیگر امر و فرمان خدا و یا تحصیل قربت باشد کافی است.

مسئله ۲۳۵ واجب است در اول هر نمازی گفتن «الله اکبر» به قصد شروع در نماز و افتتاح آن و آن را تکبیره الاحرام گویند و آن اولین جزء نماز است که بعد از گفتن آن قطع کردن نماز حرام است و تکبیره الاحرام رکن است پس اگر کسی آن را نگوید نماز او باطل است چه عمداً و چه فراموش کند و اگر آن را زیادتر از یک مرتبه بگوید نمازش باطل است. در صورت عمد ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود.

مسئله ۲۳۶ واجب است تکبیره الاحرام را صحیح بخواند و گفتن جمله دیگر به جای تکبیره الاحرام جایز نیست مثل اینکه بگوید «الله تعالی اکبر» و ترجمه آن هم کافی نیست.

مسئله ۲۳۷ واجب است تکبیره الاحرام را در

حالی که ایستاده و بدنش قرار و آرام دارد بگوید.

مسئله ۲۳۸ قیام در حال گفتن تکبیره الاحرام واجب و رکن است و قیام متصل به رکوع نیز رکن است و واجب است. پس اگر کسی قبل از رکوع سهواً یا عمداً نشست واجب است برای رکوع راست بایستد و از ایستاده به رکوع برود. و اگر از همان حال نشسته به طور خمیده بلند شود تا حدّ رکوع که قیام متصل به رکوع ترک شود نماز او باطل است چه عمداً باشد و چه فراموش کرده باشد.

مسئله ۲۳۹ ایستادن در حال قرائت حمد و سوره در رکعت اول و دوم و ایستادن در حال قرائت حمد یا گفتن «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» در رکعت سوم و چهارم واجب است و همچنین ایستادن بعد از رکوع واجب است ولی این دو قیام رکن نیست.

مسئله ۲۴۰ واجب است در قیام واجب مستقیم ایستادن و قرار و آرام داشتن بدن و بنا بر احتیاط به چیزی مثل عصا و دیوار و غیر اینها تکیه و اعتماد نداشتن پس اگر کمی خم باشد یا بدن او آرام نباشد یا به چیزی تکیه داشته باشد نماز او صحیح نیست و در حال اضطرار و ناچاری هیچ یک از این امور به نماز ضرر نمی رساند.

مسئله ۲۴۱ اگر به هیچ قسم نتواند بایستد باید نماز را نشسته به جا آورد و شرایطی که در قیام لازم بود باید در حال جلوس رعایت کند پس تا ممکن است در حال جلوس واجب هم نباید به چیزی تکیه کند و نباید بدنش را خم کند یا حرکت دهد مگر آنکه

ناچار و مضطر باشد.

مسئله ۲۴۲ کسی که نمی تواند نمازش را نشسته بخواند باید بخوابد به طرف راست مثل میّت در حالی که او را در قبر می گذارند و نمازش را بخواند و اگر ممکن نشد به طرف چپ رو به قبله بخوابد و اگر ممکن نشد مثل محتضر به پشت بخوابد و نماز بخواند.

مسئله ۲۴۳ واجب است در نماز صبح و دو رکعت اول از سایر نمازهای واجب پیش از رکوع، خواندن سوره حمد.

و بعد از آن بنا بر احتیاط یک سوره دیگر از سوره های قرآن غیر از چهار سوره ای که آیه سجده واجب دارند (الم تنزیل، و حم سجده، والنجم، و اقراءباسم)

و یا بعض از سوره بخواند و قول به عدم وجوب سوره قریب است.

مسئله ۲۴۴ واجب است بر مردها که حمد و سوره را در صبح و دو رکعت اول مغرب و عشاء بلند بخوانند و زن مختار است در بلند خواندن و آهسته خواندن و بر مردها و زنها واجب است که قرائت را در دو رکعت اول ظهر و عصر آهسته بخوانند مگر در نماز جمعه و نماز ظهر جمعه که مستحب است بر مردها بلند خواندن قرائت.

مسئله ۲۴۵ مستحب است بسم الله را در نماز ظهر و عصر بلند بگوید.

مسئله ۲۴۶ در جایی که باید قرائت را آهسته بخواند اگر عمداً بلند بخواند یا در جایی که باید بلند بخواند عمداً آهسته بخواند نماز او باطل است.

و اگر این کار را از روی فراموشی یا جهل به حکم هرچند از روی تقصیر باشد به جا آورد نماز او صحیح است.

مسئله ۲۴۷ باید کلمات

و حروف حمد و سوره را صحیح بخواند پس اگر غلط بگوید اگرچه حرفی عوض حرف دیگر بگوید مثل آنکه به جای (ض) (ظ) بگوید آن کلمه باطل و اگر صحیح او را نیاورد نماز باطل می شود.

و همچنین اگر زیر و زبر کلمات را رعایت نکند یا مدّی را که صحّت کلمه بر آن توقف دارد مراعات ننماید مثل مدّ ولاالضّآلین.

و وقف به حرکت و وصل به سکون اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۸ در رکعت سوم مغرب و سوم و چهارم عشاء و ظهر و عصر واجب است که آهسته حمد بخواند یا یک مرتبه تسبیحات اربعه آهسته بخواند یعنی بگوید «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» و بهتر آن است که احتیاطاً تسبیحات را سه مرتبه بخواند و اگر عمداً بلند بخواند نمازش باطل است.

مسئله ۲۴۹ مستحب است گفتن (اعوذبالله من الشیطان الرجیم) پیش از شروع به قرائت در رکعت اول و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز اخفاتیه و بعد از خواندن سوره «قول هوالله احد» یک مرتبه یا دو مرتبه یا سه مرتبه «کذلک الله ربی» بگوید یا «کذلک الله ربنا» سه مرتبه.

مسئله ۲۵۰ در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب باید یک رکوع به جا آورد مگر در نماز آیات که در هر رکعت آن پنج رکوع واجب است.

و رکوع رکن است که به زیاد و کم شدن آن عمداً یا سهواً نماز واجب باطل می شود.

و واجب است در رکوع چند چیز:

اول – خم شدن به قدری که دست ها به سر زانوها برسد.

دوم – گفتن ذکر رکوع است و بهتر آن است

که احتیاطاً سه مرتبه «سبحان الله» با یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید اگرچه سه مرتبه ذکرهای دیگر هم مثل «الحمدلله» یا «الله اکبر» کفایت می کند.

سوم - آنکه در حال گفتن ذکر واجب است طمأنینه داشته باشد.

و در ذکر مستحب آرام بودن بدن لازم نیست.

چهارم - بلند کردن سر از رکوع و راست ایستادن.

پنجم - آنکه وقتی سر از رکوع برداشت بایستد و بنا بر احتیاط بعد از آنکه بدن او آرام بگیرد به سجده برود.

مسئله ۲۵۱ اگر کسی به واسطه مرض یا عذر دیگر نتواند در حال ذکر بدن خود را آرام نگاه دارد باید به مقدار رکوع خم شود و به همان حال ذکر رکوع را بخواند.

مسئله ۲۵۲ اگر در حال خواندن ذکر واجب بی اختیار بدنش حرکت کرده بنا بر احتیاط واجب است آن را بعد از قرار گرفتن بدن دوباره بگوبد.

مسئله ۲۵۳ در حال ناچاری که تکلیف انسان نشسته رکوع کردن باشد باید به قدری برای رکوع خم شود که صورتش مقابل زانوهایش قرار گیرد و بهتر آن است که به قدری خم شود که صورتش مقابل محل سجده اش قرار گیرد.

مسئله ۲۵۴ مستحب است گفتن سمع الله لمن حمده بعد از سر برداشتن از رکوع.

مسئله ۲۵۵ در هر رکعتی از نماز خواه نماز واجب باشد یا مستحب دو سجده لازم است و حقیقت آن گذاشتن پیشانی است بر زمین به قصد تعظیم و این دو سجده با هم رکن هستند و واجب است در آن چند چیز:

۱ - گذاشتن مساجد هفت گانه بر زمین یعنی، پیشانی و کف هر دو دست و سر زانوها و سر

دو انگشت بزرگ پاها. و بنا بر احتیاط بینی را به مهر و یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

۲ – خواندن ذکر و آن ذکر آن است که احتیاطاً یا سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی وبحمده»بگوید اگر چه خواندن ذکرهای دیگر هم مثل سه مرتبه الحمدلله به طوری که در رکوع گفته شد کافی است.

۳ – آنکه در حال گفتن ذکر واجب بدنش قرار و آرام داشته باشد.

۴ – سر بلند کردن از سجده.

۵ – بعد از سر بلند کردن نشستن به مقداری که بدن آرام بگیرد و بعد به سجده دوم برود.

۶ – آنکه مساجد هفت گانه که گفته شد همه را در حال ذکر بر زمین گذارده باشد.

۷ – آنکه جای پیشانی بیش از یک خشت یا چهار انگشت بسته بلندتر از جای دو زانو و دو ابهام نباشد و اگر در زمینی که کمی سراشیب باشد به طوری که معلوم نباشد از مقداری که گفته شد کمی بلندتر باشد ضرر ندارد.

۸ – آنکه پیشانی را بگذارد بر زمین یا چیزهایی که از زمین می روید و خوراکی و پوشاکی و از معادن نباشد و سجده به کاه و علف که مأکول انسان نباشد جایز است و افضل آن است که پیشانی را بر تربت قبر حضرت سیدالشهداء(ع) گذارد.

۹ – آنکه جای پیشانی پاک باشد.

۱۰ – آنکه ذکر سجده را به عربی صحیح و پی درپی بگوید.

مسئله ۲۵۶ اگر در وسط نماز مهر خود را گم کرد و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد در وسعت وقت باید نماز را قطع

کند و تحصیل چیزی که سجده بر آن صحیح است بنماید.

والّا بر لباسش اگر از کتان یا پنبه است سجده کند و اگر لباس از پنبه و کتان ندارد بر لباس های دیگر و اگر ممکن نیست بر پشت دست و اگر نمی شود به چیزی که از معدن باشد سجده کند.

مسئله ۲۵۷ واجب است در حال سجده کف دست ها را بر زمین بگذارد مگر در حال ناچاری که پشت آنها را بر زمین گذارد.

مسئله ۲۵۸ اگر پیشانی را بر جایی گذارد که از جای پا بلندتر باشد به طوری که آن را سجده نگویند پیشانی را بردارد و بر جایی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

مسئله ۲۵۹ اگر نتواند سجده کند و قادر بر خم شدن نیست به سر اشاره کند و اگر به سر هم نمی تواند با چشم ها اشاره کند.

مسئله ۲۶۰ مستحب است گفتن «استغفرالله ربّی واتوب الیه» در حال نشستن میان دو سجده، و در حال برخاستن گفتن بحول الله و قوته اقوم واقعد.

مسئله ۲۶۱ در تشهد چند چیز واجب است. ۱و۲ - شهادتین و صلوات یعنی بگوید «اشهد ان لااله الاالله وحده لاشریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله الهم صل علی محمد و آل محمد». ۳ - اینکه ذکر تشهد را نشسته بخواند. ۴ - در حالی که بدنش قرار و آرام داشته باشد بخواند. ۵ - اینکه ذکر تشهد را به همین ترتیبی که گفته شد بخواند. ۶ - آنکه کلمات و حرف های آن را به طور معمول و پی درپی بگوید. ۷ - به عربی صحیح و بی غلط بخواند.

مسئله

۲۶۲ سلام دو جمله دارد: ۱ - «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» ۲ - «السلام علیکم بهتر است ضم نماید به آن و رحمه الله و برکاته» و احتیاط غیر واجب آن است که اگر جمله اول را خواند جمله دوم را هم بخواند ولی گفتن جمله دوم به تنهایی کافی است و امّا «السلام علیك ایهاالنبی و رحمه الله وبرکاته» سلام نماز نیست بلکه جزء تشهد رکعت آخر است ومستحب است.

ترتیب و موالات

واجب است نمازگذار کارهای نماز را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد به این گونه که اول تکبیره الاحرام را بگوید و بعد حمد و بعد سوره را بخواند و بعد رکوع به جا آورد و همین طور سایر اجزاء و کارهای نماز را به جا آورد.

مسئله ۲۶۳ اگر کسی عمداً یکی از کارهای نماز را برخلاف ترتیب به جا آورد نماز او باطل است.

مسئله ۲۶۴ واجب است موالات یعنی افعال نماز مثل تکبیره الاحرام و حمد و سوره و رکوع و سجود و تشهد و سلام را پی درپی به جا آورد و اگر کسی عمداً یا سهواً بین آنها فاصله قرار دهد به مقداری که موجب محو اسم نماز شود (یعنی نگویند نماز می خواند) نمازش باطل است.

مسئله ۲۶۵ واجب است کلمات و آیات قرائت نماز را نیز پی درپی به جا آورد و همچنین کلمات اذکار را و اگر عمداً به قدری فاصله بین آنها قرار دهد که نگویند حمد یا سوره یا تشهد می خواند مثلاً و به همین نحو نماز را تمام کند نمازش باطل است.

قنوت نماز

در تمام نمازهای واجب و مستحب، مستحب است قنوت بخواند.

مسئله ۲۶۶ محل قنوت پیش از رکوع رکعت دوم در هر نماز است، ولی در نماز وتر که یك رکعت است پیش از رکوع همان رکعت و در نماز عید قربان و عید فطر در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد و در نماز آیات پنج قنوت دارد.

مسئله ۲۶۷ در قنوت خواندن ذکر و صلوات کافی است و بهتر این است که بخواند «لااله الاالله الحلیم الکریم

لااله الاالله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمدلله رب العالمین».

تعقیب نماز

مستحب مؤکد است که نمازگذار بعد از نماز قدری بنشیند و مشغول دعا و ذکر و تلاوت قرآن و اعمال حسنه دیگر باشد و از جمله تعقیباتی که خیلی فضیلت دارد تسبیح حضرت زهرا(س) است و آن گفتن سیوچهار مرتبه «الله اکبر» و بعد سیوسه مرتبه «الحمدلله» و بعد سیوسه مرتبه «سبحان الله» است.

مبطلات نماز

مبطلات نماز دوازده چیز است:

اول - آنکه در بین نماز با وسعت وقت یکی از شرط های نماز مثل ساتر و اباحه مکان و لباس از بین برود.

دوم - آنکه در بین نماز حدث اکبر یا اصغر از او صادر شود عمداً یا سهواً اختیاراً. یا به غیر اختیار مگر در مسلوس و مبطون که حکم آن گذشت.

سوم - تکفیر است و معنی آن گذاردن دست ها روی هم است به طوری که غیرشیعه می گذارد پس اگر کسی عمداً دست ها را به این نحو روی هم گذارد نمازش باطل می شود ولی از روی فراموشی و در حال تقیه و ناچاری مانعی ندارد.

چهارم - عمداً پشت به قبله کردن، یا به طرف راست و چپ قبله برگشتن، بلکه اگر از قبله برگردد به طوری که از رو به قبله بودن خارج شود نماز او باطل است هرچند به طرف راست و چپ نرسد.

بلکه اگر تنها صورت خود را هم از قبله برگرداند به طرف پشت سر و بدن از قبله منحرف شود نماز او باطل می شود.

و اگر کمی صورت خود را به طرف راست و چپ بگرداند به طوری که بدن او رو به قبله باشد نمازش باطل نمی شود، ولی احتیاط مستحب ترك این

کار است.

و همچنین باطل می شود نماز اگر از روی فراموشی پشت به قبله نماید یا به سوی راست و چپ قبله برگردد یا صورت خود را به پشت قبله برگرداند.

ولی اگر از روی فراموشی به قدر کمی از قبله برگردد که به طرف راست یا چپ قبله متوجّه نگشته باشد نماز او صحیح است.

پنجم - کلام عمدی است اگرچه دو حرف مهمل و بی معنی باشد یا یک حرف معنی دار و بنا بر احتیاط لازم فرق نمی کند در باطل شدن نماز به یک حرف معنی دار که قصد معنی آن را داشته باشد یا نداشته باشد ولی اگر یک حرف معنی دار بگوید و ملتفت معنی آن نباشد نمازش باطل نمی شود.

مسئله ۲۶۸ کلام آدمی عمداً موجب بطلان نماز است اگرچه از روی اضطرار و ناچاری باشد.

مسئله ۲۶۹ جایز نیست که نمازگذار در حال نماز به کسی سلام یا تحیت های دیگر بگوید.

و جواب سلام در حال نماز مثل سایر حالات واجب است. و باید به یکی از چهار صیغه (سلام علیکم - سلام علیك - السلام علیك - السلام علیکم) در جواب بگوید ولو سلام کننده به غیر این صیغه ها سلام کرده باشد.

مسئله ۲۷۰ اگر کسی به نمازگذار غلط سلام کند اگر به طوری باشد که بگویند سلام کرده بنا بر احتیاط باید سلام او را جواب بدهد صحیحاً.

ششم - از مبطلات نماز خنده صدادار است که عمداً نماز را باطل می کند و اما سهواً مبطل نیست، و تبسم ضرر ندارد.

هفتم - گریه برای مطلبی از مطالب دنیایی است که اگر عمداً با صدا باشد;

باعث بطلان نماز است.

و گریه برای ترس از خدا ضرر ندارد بلکه از اعمال فاضله است.

مسئله ۲۷۱ اگر برای طلب حاجت های دنیایی از روی تـذلل از برای خـدا گریه کند تا حاجتش را بر آورد ضـرر ندارد مگر به حدی که از صورت نمازگذار خارج شود.

نهم - خوردن و آشامیـدن است به مقـداری که صورت نماز به هم بخورد، بلکه بنا بر احتیاط خوردن و آشامیدن در نماز جایز نیست اگرچه فقط موالات نماز به واسطه آن به هم خورد، ولی فرو دادن باقیمانده غذا که در دهان یا بُن دندان ها مانده و زیاد نباشد ضرر ندارد.

دهم - گفتن آمین بعد از خواندن حمد.

ولی اگر از روی فراموشی یا از جهت تقیه بگوید ضرر ندارد.

یازدهم - شک در رکعت های نماز دو رکعتی و سه رکعتی و شک در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی است.

دوازدهم - زیـاد یـا کم کردن جزیی از اجزاء نمـاز است که، اگر رکن نباشـد و عمـداً آن را کم و زیاد کنـد نمازش باطل می شود و اگر رکن باشد چه عمداً و چه سهواً کم یا زیاد کند نمازش باطل می شود.

مسئله ۲۷۲ قطع نماز واجب و شکستن آن حرام و برای حفظ مال یا دفع ضرر جایز است.

مسئله ۲۷۳ واجب است شکسـتن نمـاز برای حفـظ جـان انسان یا مال آن که حفظش واجب باشـد و موقوف باشـد حفظ آن به شکستن نماز.

مسئله ۲۷۴ اگر در وسعت وقت طلبکار طلب خود را مطالبه کند و پرداخت آن موقوف به شکستن نماز باشد واجب است نماز را بشکند و طلب او را بپردازد لکن

اگر معصیت کرد و نماز را تمام کرد نماز باطل نیست.

نماز آیات

مسئله ۲۷۵ واجب است خواندن نماز آیات به واسطه یکی از چهار چیز:

اول و دوم - کسوف (گرفتن آفتاب) و Θəṣ`(گرفتن ماه).

سوم - زمین لرزه اگر چه باعث ترس کسی نشود.

چهارم - وزش بادهای سیاه و سرخ و زرد و تاریکی های شدید و صاعقه و مانند آنها از چیزهای آسمانی که موجب ترس بیشتر مردم می شود.

و اما چیزهای زمینی وجوب نماز برای آنها مبنی بر احتیاط است.

وقت نماز آیات

وقت نماز آیات در گرفتن آفتاب و گرفتن ماه در موقعی است که شروع به گرفتن می کند تا زمانی که تمام قرص باز شود و بهتر آن است که احتیاطاً قرص شروع به باز شدن نکرده نماز را بخواند.

و امّا در مثل زمین لرزه و صاعقه و تاریکی های شدید و مانند آنها باید فوراً نماز را بخواند و اگر فوراً نخواند معصیت کرده و باز هم باید فوراً بخواند و تا آخر عمر هر وقت بخواند اداء است.

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت باید پنج رکوع و دو سجده بعد از برداشتن سر از رکوع پنجم به جا آورد.

و آن را به چند نحو می توان به جا آورد و ما در اینجا دو قسم آن را ذکر می کنیم:

اول - اینکه پس از نیّت نماز آیات تکبیره الاحرام بگوید و حمد و سوره را تا آخر بخواند و به رکوع برود و بعد از ذکر رکوع سر بردارد و بعد از هر رکوع حمد و سوره را تماماً بخواند و بعد از ذکر رکوع پنجم سر از رکوع بردارد و برود به سجده دو سجده را به

جا آورد و برخیزد بایستد و مثل رکعت اول پنج رکوع به جا آورد پیش از هر رکوع یک حمد و سوره تمام بخواند و بعد از رکوع پنجم برود به سجده و بعد از سجده دوم بنشیند و تشهد و سلام بگوید.

دوم - اینکه اگر کسی بخواهد آن را مختصر بخواند می تواند پیش از رکوع رکعت اول حمد را تا آخر بخواند و یک سوره را پنج قسمت کند و قبل از هر رکوع یک قسمت آن را بدون حمد بخواند که قبل از رکوع پنجم سوره تمام شود و همینطور در رکعت دوم.

مسئله ۲۷۶ تمام آنچه در نمازهای یومیه لازم است در نماز آیات نیز معتبر است.

مسئله ۲۷۷ مستحب است که پیش از رفتن به هر یک از رکوع ها و بعد از سر برداشتن از رکوع الله اکبر بگوید. ولی بعد از رکوع پنجم و دهم گفتن تکبیر مستحب نیست.

و مستحب است در هر رکعت بعد از برداشتن سر از رکوع پنجم سمع الله لمن حمده بگوید.

مسئله ۲۷۸ اگر علم حاصل کند به گرفتن ماه یا آفتاب و نماز نخواند تا وقت بگذرد معصیت کرده و باید قضای آن را به جا آورد، و نیز اگر علم پیدا کرد به خسوف یا کسوف و فراموش کرد تا وقت گذشت باید قضای نماز را به جا آورد.

مسئله ۲۷۹ اگر در وقت خسوف یا کسوف علم به آن حاصل نکرد تا وقت گذشت و بعد ملتفت شد، پس اگر تمام قرص گرفته باشد واجب است نماز آن را قضاء کند و اگر تمام قرص نگرفته باشد واجب نیست.

مسئله ۲۸۰ اگر غیر از

خسوف و کسوف یکی از آیات دیگر مثل زمین لرزه و امثال آن اتفاق افتد و علم به آن پیدا نکند تا بعد از وقوع آن واجب است نماز آن را بعد از علم فوراً به جا آورد.

مسئله ۲۸۱ نماز آیات بر کسی واجب می شود که در شهری باشد که در آن سبب وجوب نماز آیات اتفاق افتاده، و بر کسی که در شهرهای دیگر باشد واجب نیست مگر آنکه به طوری متصل به آن باشد که هر دو را یک مکان بگویند.

مسئله ۲۸۲ اگر موقعی که ماه یا خورشید می گیرد زن حائض یا در نفاس باشد نباید در آن حال نماز آیات به جا آورد ولی بعد از آنکه پاک شد بنا بر احتیاط لازم باید آن را به جا آورد و قصد اداء و قضاء ننماید و اگر زلزله یا رعد و برق و مانند اینها اتفاق بیافتد واجب است که بعد از پاک شدن نماز آیات را بخواند.

نماز قضاء

اگر کسی نمازی از نمازهای پنج گانه یومیه را عمداً، یا از روی فراموشی یا نادانی یا به واسطه ای مثل مرض یا خواب نخواند تا وقت بگذرد واجب است قضای آن را به جا آورد.

و همچنین اگر به واسطه ترک جزئی مثل رکوع یا فقدان شرطی مثل طهارت نمازش باطل باشد و در وقت آن را اعاده نکرده باشد واجب است آن را قضاء کند.

مسئله ۲۸۳ بر کسی که در تمام وقت نماز دیوانه یا بی هوش بوده قضای آن نماز واجب نیست.

مسئله ۲۸۴ مستحب است که اطفال ممیز را تمرین و عادت دهند بر قضای نمازهایی که از آنها

فوت شده چنانکه مستحب است تمرین و عادت دادن آنها را بر ادای همه نمازهای واجب و نوافل، بلکه مستحب است تمرین و عادت دادن آنها بر هر عبادت و عمل صالح و خلق و روش نیکی.

و واجب است بر اولیای اطفال که آنها را از هر کاری که باعث ضرر بر خودشان و دیگران باشد جلوگیری کنند، چنانچه حرام است آنها را در مدارس در تحت تعلیم معلمین فاسق و بی ایمان که سبب فساد اخلاق و عقیده طفل می شوند بگذارند بلکه باید مخصوصاً در عصر ما کمال مراقبت و مواظبت را مسلمانان بنمایند و تا کاملاً از وضع کودکستان و دبستان و دبیرستان از هر جهت مطمئن نشده اند از فرستادن فرزندان معصوم خود به اینگونه جاها خودداری کنند و وزر وبال فساد عقیده اولاد بلکه اولاد اولاد خود را تا روز قیامت به گردن نگیرند.

نماز جماعت

نماز جماعت از مستحبات مؤکده است در تمام نمازهای فرایض یومیه و تأکید آن در نماز صبح و مغرب و عشاء، نسبت به همسایگان مسجد و کسانی که صدای مؤذن را می شنوند بیشتر است و به قدری اخبار در فضیلت نماز جماعت و مذمت کسانی که آن را ترک می نمایند رسیده که آن را نزدیک به واجبات می سازد.

در حدیث است که اگر جماعت از دو نفر تشکیل شود برای هر یک به هر رکعتی ثواب یکصدوپنجاه رکعت نماز است و اگر سه نفر شوند به هر رکعتی ثواب ششصد نماز و اگر چهار نفر شوند به هر رکعتی ثواب هزارودویست نماز و اگر پنج نفر باشند به هر رکعتی ثواب دوهزار و

چهارصد نماز و اگر شش نفر باشند ثواب چهارهزار و هشتصد نماز و اگر هفت نفر باشند ثواب نه هزار و ششصد نماز و اگر هشت نفر باشند به هر رکعت ثواب نوزده هزار و دویست نماز و اگر نه نفر شوند به هر رکعت ثواب سیوشش هزار و چهارصد نماز و اگر ده نفر شدند به هر رکعت ثواب هفتاد و دوهزار و هشتصد نماز خواهد داشت و اگر زیاده بر ده نفر شدند اگر آسمان ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت ها قلم و جن و انس و ملایک نویسنده شوند ثواب یک رکعت آن را نتوانند بنویسند و در همین حدیث است که آن الله اکبر که با امام جماعت می گوید بهتر از شصت هزار حج و عمره و بهتر از دنیا و مافیها است هفتادهزار مرتبه و رکعتی که مؤمن از نماز جماعت درک می کند بهتر است از صدهزار دینار که صدقه بدهد به فقراء و سجده آن بهتر است از آزاد کردن صد بنده و شاید هیچ مستحبی اینهمه فایده و نتیجه را نداشته باشد، و از اخبار استفاده می شود که با کسی که تارک نماز جماعت باشد معاشرت نباید کرد و طرف شور و اعتماد نباید واقع شود و به او زن ندهند تا آنکه حاضر به نماز جماعت شود پس مقتضای ایمان این است که بدون عذر انسان نماز جماعت را ترک نکند و مراقبت و مداومت نسبت به آن داشته باشد، زیرا در اخبار است که شیطان از هیچ عبادتی مانند نماز جماعت مردم را مانع نمی شود پس نباید به وسوسه های

شیطانی که از جهت عدالت امام و جهات دیگر می کند ترک جماعت نمود.

مسئله ۲۸۵ لازم است بر کسی که قادر بر تعلم قرائت است و از روی مسامحه و تقصیر تعلم نکرده نمازهای خود را به جماعت بخواند اگر ممکن باشد.

مسئله ۲۸۶ جایز است هر یک از نمازهای فرایض یومیه را به نماز دیگر اقتداء کند و همچنین جایز است کسی که نماز اداء می خواند به کسی که نماز قضاء می خواند و کسی که نماز او به واسطه سفر شکسته (قصر است) به کسی که نماز تمام می خواند اقتدا کند چنانچه به عکس هم جایز است.

مسئله ۲۸۷ مأموم باید در نماز جماعت علاوه بر نیّت اصل نماز نیّت اقتداء نیز داشته باشد و باید مأموم در نیّت خود پیش نمازی را که به او اقتداء می کند معیّن کند.

مسئله ۲۸۸ در هر جای نماز مأموم می تواند قصد فرادی کند.

مسئله ۲۸۹ اگر مأموم وقتی رسید که امام جماعت در رکوع است می تواند اقتداء کند و پس از ادراک رکوع امام قصد فرادی کند.

مسئله ۲۹۰ اگر در نماز ظهر مثلاً با عذر قصد فرادی کند و نماز را تمام کند و هنوز امام مشغول همان نماز باشد می تواند نماز عصر را به آن نماز اقتدا کند.

مسئله ۲۹۱ اگر وقتی برسد که امام جماعت در رکوع باشد یا آنکه از اول رکعت برسد ولی داخل نماز نشود تا امام به رکوع برود جایز است در همان حالی که امام به رکوع است نیّت کند و تکبیره الاحرام را بگوید و برود به رکوع پس اگر قبل از سر برداشتن امام از

رکوع به رکوع برسد جماعت او صحیح است اگرچه به ذکر رکوع امام نرسد.

و اگر پیش از آنکه به حدّ رکوع برسد امام سر از رکوع برداشت کافی نیست، و همچنین اگر امام شروع به سر برداشتن نموده باشد هرچند از حدّ رکوع خارج نشده باشد بنا بر احوط.

مسئله ۲۹۲ اگر اطمینان به رسیدن به رکوع امام ندارد می تواند اقتدا کند چنانچه درک رکوع امام را نموده نماز و جماعت هر دو صحیح است.

مسئله ۲۹۳ اگر در حالی که پیش نماز در رکوع است به نیّت اقتدا تکبیره الاحرام گفت ولی پیش از رفتن به رکوع پیش نماز سر از رکوع برداشت مخیر است بین آنکه همانطور ایستاده صبر کند تا وقتی که پیش نماز برای رکعت بعد برخاست آن را رکعت اول خود قرار دهد و نماز را تمام کند، یا نیت فرادی نماید، یا متابعت امام را در سجده بنماید و آن سجده را حساب نکند.

شرایط نماز جماعت

در نماز جماعت علاوه بر آنچه گفته شد چند شرط را باید رعایت کرد:

اول - آنکه باید میان مأموم و امام چیزی که مانع دیدن است حائل نباشد و همچنین باید میان مأموم و مأمومین دیگر که واسطه اتصال او به امام هستند چیزی که مانع از دیدن آنها است ولو در بعض حالات حائل نباشد وگرنه جماعت باطل می شود، ولی اگر مأموم زن باشد و امام مرد بود وجود مانع میان او و امام و میان او و مردهایی که مأمومند ضرر ندارد.

دوم - آنکه جای امام از جای مأموم به قدر یک وجب بیشتر بلندتر نباشد.

سوم - آنکه بین مأموم و امام

در صورتی که پهلوی هم ایستاده باشند و بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام در صورتی که مأموم پشت سر امام ایستاده باشد بیشتر از یک قدم غیر معمولی که تقریباً یک متر می باشد فاصله نباشد و همچنین است محل ایستادن صف جلو و محل سجده صف عقب و احتیاط مستحب در قدم آن است که از معمولی بیشتر نباشد بلکه بهتر آن است که احتیاطاً میان جای ایستادن امام با جای ایستادن مأموم به مقدار جسد انسان وقتی به حال سجده است فاصله بیشتر نباشد و همچنین میان دو صف.

چهارم - اینکه مأموم جلوتر از امام نایستد. بلکه لازم است مختصری مأموم عقب تر از امام بایستد در تمام حالات نماز.

مسئله ۲۹۴ اگر مأمومین صف اول هنوز داخل نماز نشده باشند ولی آماده و مهیای داخل شدن باشند حائل بودن و فاصله شدن آنها ضرر ندارد.

مسئله ۲۹۵ اگر جمعی از کسانی که در صف اول هستند به واسطه بلند بودن صف یا به واسطه آنکه امام داخل محراب است نتوانند امام را ببینند ضرر ندارد.

مسئله ۲۹۶ اگر قبل از امام سر از رکوع برداشت از روی فراموشی، باید دوباره برای متابعت به رکوع برود، و اگر به رکوع رفت و پیش از آنکه به حد رکوع برسد امام سر از رکوع برداشت نماز او باطل است. و اگر در یک سجده پیش از امام سر بردارد و برای متابعت به سجده رفت ولی معلوم شود پیش از آنکه سر به مهر گذارد امام سر برداشته نمازش صحیح است.

و اگر پیش از امام عمداً به سجده یا به رکوع برود جایز

نیست برگردد و نماز صحیح است لکن در ترک متابعت معصیت کرده.

مسئله ۱۲۹۷ اگر از روی فراموشی پیش از امام به رکوع و یا به سجده رفت لازم نیست که برگردد بایستد و یا بنشیند و با او به رکوع یا به سجده برود بلکه می تواند به همان حالت بماند تا امام به رکوع یا سجده رود نماز و جماعت او هر دو صحیح است و می تواند برگردد و متابعت امام را بنماید.

مسئله ۱۲۹۸ اگر مأموم در حالی که امام مشغول قرائت است عمداً به رکوع برود نماز او باطل می شود و اگر از روی فراموشی به رکوع برود می تواند برگردد به قیام و با امام به رکوع برود و اگر برنگردد و صبر کند تا امام به رکوع رود نماز صحیح است.

مسئله ۱۲۹۹ اگر مأموم پیش از امام عمداً ذکر واجب را نگفته سر از رکوع یا سجده بردارد نمازش باطل است.

مسئله ۱۳۰۰اگر مأموم در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کرده باید حمد و احتیاطاً سوره یا بعض آن را بخواند و اگر فرصت خواندن سوره را نیافت به واسطه رفتن امام به رکوع سوره را ترک کند و به حمد تنها اکتفا نماید و خود را به رکوع امام برساند و اگر به خواندن حمد تنها هم نمی رسد لازم است که حمد را تمام کند و خود را در سجده به امام برساند و نمازش صحیح است و می تواند قصد فرادی نماید.

مسئله ۱۳۰۱اگر در رکعت سوم یا چهارم رسید می تواند صبر کند تا وقتی امام به رکوع رفت اقتدا کند ولی اگر پیش

از رفتن او به رکوع اقتدا کند باید به طوری که در مسئله پیش گفته شد عمل کند و اگر بداند مهلت ندارد حمد بخواند احوط استحبابی آن است که اقتدا نکند تا امام به رکوع برود و مستقر شود.

شرایط امام جماعت

امام جماعت باید دارای چند صفت باشد:

۱ - بالغ باشد. ۲ - عاقل باشد. ۳ - مؤمن یعنی شیعه اثنی عشری باشد. ۴ - عادل باشد. ۵ - ولدالزنا نباشد. ۶ - اگر تمام یا بعضی مأمومین او مرد هستند مرد باشد و اقتدا به زن برای زن جایز است. ۷ - نماز امام نشسته یا خوابیده نباشد که در این صورت ایستاده به نشسته و خوابیده و نیز نشسته به خوابیده نمی تواند اقتدا کند. ۸ - امام قرائتش صحیح باشد. پس اگر حمد و سوره را غلط بخواند مثل آنکه حرفی را از مخارج اداء نکند یا حرفی را نگوید یا اعراب کلمه ای را غلط بگوید هرچند قدرت صحیح خواندن نداشته باشد اقتدا به او جایز نیست.

مسئله ۳۰۲ وثوق و اطمینان به عدالت امام جماعت کافی است در جواز اقتدا به او هرچند از اقتدا یک نفر یا جمعی به او حاصل شود.

مسئله ۳۰۳ مستحب است وقتی «قد قامت الصلوه» گفته شد مأمومین برخیزند و نیز مأموم وقتی امام از خواندن حمد در رکعت اول و دوم فراغت یافت بگوید «الحمدلله رب العالمین».

شکیّات نماز

مسئله ۱۳۰۴اگر کسی بعد از وقت شک کند که نمازش را خوانده یا نه اعتنا نکند و بنا گذارد بر آنکه نماز را خوانده است.

و اگر در وقت شک کند که نماز را خوانده یا نه باید بخواند.

مسئله ۱۳۰۵اگر در وسط نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه اگر وقت مختص به عصر است بنا گذارد بر آنکه نماز ظهر را خوانده، ولی اگر در وقت مشترک بین ظهر و عصر است

عدول به ظهر کند و بقیه نماز را به قصد ظهر به جا آورد و بعد نماز عصر را بخواند.

مسئله ۱۳۰۶اگر در وسط نماز در بعض اجزاء نماز شک کند که به جا آورده یا نه و هنوز داخل جزء بعد نشده باشد باید آن جزء را به جا آورد مثلاً اگر شک کند در خواندن حمد پیش از داخل شدن در سوره باید آن را به جا آورد.

مسئله ۱۳۰۷اگر در جزئی از اجزاء نماز شک کند بعد از داخل شدن در جزء دیگر به آن شک اعتنا نکند، مثلاً اگر شک کرد در خواندن حمد بعد از شروع به خواندن سوره به آن شک اعتنا نکند، بلکه اگر شک کرد در خواندن آیه ای بعد از شروع در آیه بعد یا شک کرد در خواندن اول آیه بعد از شروع به خواندن آخر آیه به شکش اعتنا نکند.

مسئله ۱۳۰۸اگر بعد از داخل شدن در جزء بعد شک کند در چیزی از اجزاء قبل مثل رکوع یا سجود یا قرائت یا ذکر رکوع و سجود که آن را صحیح به جا آورده یا نه بنا بر صحّت آن گذارد و نمازش صحیح است.

شک در عدد رکعت های نماز

مسئله ۳۰۹ شک هایی که سبب بطلان نماز می شود هشت شکند:

اول - شک در عددهای دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر.

دوم - شک در سه رکعتی (مغرب).

سوم - شک میان یک و زیادتر.

چهارم - شک میان دو و زیادتر پیش از سر بلند کردن از دو سجده.

پنجم - شک میان چهار و شش یا زیادتر.

هشتم - شک در همه رکعت ها به طوری که نداند چند

رکعت به جا آورده.

مسئله ۳۱۰ شک های صحیح در نماز چهار رکعتی نه قسمند:

اول - شک میان دو و سه بعد از تمام کردن هر دو سجده و سر برداشتن از سجده دوم که در این صورت باید بنا را بر سه گذارد و رکعت چهارم را به جا آورد و بعد از سلام یک رکعت ایستاده به جا آورد.

دوم - شک میان سه و چهار در هر موقع که اتفاق افتاد بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و دو رکعت نشسته یا یک رکعت ایستاده به جا آورد.

سوم - شک میان دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند بعد از سلام نماز دو رکعت ایستاده به جا آورد.

چهارم - شک میان دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و اول دو رکعت ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد.

پنجم - شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد دو سجده سهو به جا آورد.

ششم - شک میان چهار و پنج در حال قیام که باید بنشیند و بنا را بر چهار بگذارد و تشهد و سلام بگوید و بعد دو رکعت نشسته یا یک رکعت ایستاده به جا آورد.

هفتم - شک میان سه و پنج است در حال قیام که باید بنشیند و شک او راجع

می شود به اینکه دو رکعت به جا آورده یا چهار رکعت و باید بنا را بر چهار گذارد و تشهد و سلام بگوید و دو رکعت ایستاده به جا آورد.

هشتم - شک میان سه و چهار و پنج است در حالی که ایستاده است باید بنشیند و شک او میان دو و سه و چهار می شود پس بنا را بر چهار گذارد و تشهد و سلام بگوید و بعد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته به جا آورد.

نهم - شک میان پنج و شش در حال قیام است که باید بنشیند و برگشت شک او به این است که چهار رکعت به جا آورده یا پنج رکعت پس بنا بر چهار گذارد و تشهد و سلام بگوید و دو سجده سهو برای شک چهار و پنج به جا آورد.

مسئله ۳۱۱ تمامیّت و اکمال هر دو سجده به سر برداشتن از سجده دوم است اگرچه بهتر آن است که احتیاطاً در شک میان دو و سه و شک دو و چهار و شک دو و سه و چهار اگر بعد از تمام کردن ذکر واجب سجده دوم و پیش از برداشتن سر از سجده شک کرد به طوری که گفته شد بنا گذارد و نماز را تمام کند و بعداً آن را اعاده نماید.

مسئله ۳۱۲ عمل به احکام شک یعنی بناگذاری در شکوک صحیحه یا حکم به بطلان نماز در شکوک باطله جایز نیست، مگر بعد از تأمل و فکر تا آنکه شک مستقر شود پس اگر به تأمل و فکر علم یا مظنه به یکی از دو طرف شک پیدا کرد به

علم یا مظنه خود عمل کند و اگر در شکش باقی ماند عمل شک را به جا آورد.

نماز احتیاط

مسئله ۳۱۳ دستور خواندن نماز احتیاط این است، که بعد از نمازی که شک در آن واقع شده بایستد و نیّت نماز احتیاط کند و تکبیره الاحرام بگوید و حمد تنها را آهسته بخواند و رکوع و دو سجده به جا آورد و تشهد و سلام بگوید و اگر نماز احتیاط واجب بر او دو رکعت است بعد از سجده دوم برخیزد و رکعت دوم را به جا آورد و بعد از سجده، تشهد و سلام بگوید.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۳۱۴اگر یک سجده یا تشهد اول را فراموش کند و بعد از رفتن به رکوع رکعت بعد ملتفت شود باید بعد از نماز قضای تشهد یا سجده فراموش شده را با رعایت تمام شرایط نماز به جا آورد.

موجبات سجده سهو

واجب است به جا آوردن دو سجده سهو برای چند چیز:

اول - آنکه در میان نماز سهواً تکلم کند به کلام آدمی.

دوم - برای فراموش کردن تشهد.

سوم - برای شک میان چهار و پنج.

مسئله ۳۱۵ طریق به جا آوردن سجده سهو آن است که بعد از سلام فوراً به نیّت سجده پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح باشد بگذارد و بگوید «بسم الله و بالله السلام علیک ایهاالنبی و رحمه الله و برکاته» و بنا بر احتیاط السلام علیک را دو مرتبه بگوید بدون واو و با کلمه واو، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر مذکور را دوباره بگوید و بنشیند و بنا بر احتیاط تشهد را به نحو معمول بخواند و سلام دهد.

نماز مسافر

واجب است بر مسافر قصر (یعنی نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت خواندن) با داشتن چند شرط:

اول - آنکه سفر او هشت فرسخ شرعی باشد (و فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر و نیم است)

اگرچه مجموع رفتن و برگشتن او هشت فرسخ باشد به شرط آنکه هر یک از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد.

پس اگر کمتر از هشت فرسخ شود به نحوی که ذکر شد باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۱۶اگر سفر او چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشتن باشد و در بین قصد اقامه عشره نداشته باشد باید نماز را قصر کند اگرچه بخواهد بعد از نه روز مراجعت کند.

دوم - آنکه از اول سفر قصد هشت فرسخ داشته باشد پس اگر از اول مثلاً قصد شش فرسخ داشت و بعد از رسیدن به مقصد قصد دو

فرسخ دیگر نمود باید نماز را تمام کند، مگر آنکه بعد از رسیدن به مقصد قصد چهار فرسخ دیگر یا بیشتر بنماید و عازم برگشتن هم باشد که قصد هشت فرسخ تمام داشته باشد پس باید نماز را قصر کند.

مسئله ۳۱۷ در قصد هشت فرسخ لازم نیست که انسان مستقل در قصد باشد بلکه اگر به متابعت از دیگری هم قصد داشته باشد مثل زن که به متابعت از شوهر یا کلفت و نوکر که به متابعت از ارباب خود قصد هشت فرسخ داشته باشند باید قصر کنند.

سوم – آنکه به قصد هشت فرسخ باقی باشد پس اگر در بین راه پیش از آنکه به چهار فرسخ برسد از قصد خود برگردد یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند.

چهارم – اینکه از اول سفر قصدش این نباشد که پیش از رفتن هشت فرسخ در جایی ده روز یا زیادتر بماند یا آنکه از وطنش عبور کند والا باید نماز را تمام بخواند بلکه اگر مردد هم باشد در آنچه گفته شد باید نماز را تمام بخواند.

پنجم – آنکه سفر حرام نباشد پس اگر حرام باشد باید نماز را تمام بخواند، چه آنکه خود سفر حرام باشد مثل فرار کردن از جهاد یا سفر کردن زن بی اجازه شوهر در صورتی که ناشزه بر او صدق کند و سفر فرزند با نهی پدر اگر اذیت شود و چه آنکه برای کار حرام سفر بکند مثل سفر برای کشتن نفس محترمه یا برای سرقت یا یاری ظالم در ظلمش.

ششم – آنکه از بادیه نشینان که خانه به دوش هستند و مسکن معین ندارند و در صحراها

و بیابان ها هر کجا سبزه و آب باشد منزل می کنند نباشد.

هفتم - آنکه سـفر کار و شـغل او نباشد مثل مکاری و راننده و ناخدا و خلبان و چوپان و ساربان پس اگر از این اشخاص باشد باید در سفری که شغل او است نماز را تمام به جا آورد و روزه اش را بگیرد.

مسئله ۳۱۸ همین مقدار که کسی را بگویند شغلش مسافرت است باید در سفری که شغل او است نماز را تمام به جا آورد.

و شغل گردیدن سفر برای شخص محقق می شود به سفرهای زیاد (سه یا بیشتر) چه از وطن حرکت کند و چه از غیر وطن و یا به طولانی شدن سفر واحد به طوری که بگویند سفر کار او است.

هشتم - رسیدن به حدّ ترخص است یعنی از وطنش به قدری دور شود که صدای اذان را نشنود و اهل آن محل از نظر او پنهان شوند.

مسئله ۱۳۱۹گر اهل محل را نبیند ولی صدای اذان را بشـنود یا صدای اذان را نشـنود ولی اهالی را ببیند، احتیاط لازم این اسـت که صبر کند تا هر دو علامت حاصل شود نماز را بخواند یا آنکه جمع بین قصر و اتمام نماید.

مسئله ۱۳۲۰گر مسـافر در موقع مراجعت به وطن به جـایی برسـد که صـدای اذان وطنش را بشـنود و دیوارهـایش را ببینـد باید نمازش را تمام بخواند.

مسئله ۳۲۱ وطن محلی است که انسان آن را مسکن خود قرار دهد به طوری که او را ساکن و مقیم آن محل بدانند و چه وطن اصلی او یعنی مسکن پدر و مادر و محل ولادت او باشد

و چه آنکه محلی دیگر باشد که آنجا را مسکن خود قرار داده باشد ولی باید در محلی که وطن اصلی او نیست به قدری بماند که آنجا را عرفاً وطن و مسکن او بگویند.

مسئله ۱۳۲۲ ممکن است انسان دو وطن یا بیشتر داشته باشد مثل آنکه در دو شهر یا دو ده منزل و عائله داشته باشد و هر دو را مسکن خود قرار دهد.

مسئله ۱۳۲۳ وطن پدر و مادر برای فرزندی که تابع آنها است تا موقعی که از آن اعراض ننموده وطن محسوب می شود.

مسئله ۱۳۲۴ اگر نیّت اقامه ده روز بنماید که یک نماز چهار رکعتی یا بیشتر بخواند و بعد از نیّت خود برگردد باید تا موقعی که در آن مکان است نمازهایش را تمام بخواند و اگر پیش از تمام شدن نماز چهار رکعتی از نیّت خود برگشت باید نمازش را قصر نماید.

مسئله ۱۳۲۵ اگر کسی قصد ماندن ده روز بنماید و بعد از ده روز قصد کند به مکانی برود و برگردد که مجموع رفتن و برگشتن او هشت فرسخ نباشد و قصد داشته باشد که در مراجعت در همان مکان اول ده روز بماند، باید نمازهای خود را در رفتن و برگشتن به مقصد و محل اقامه تمام بخواند، و همچنین اگر نمی داند که بعد از مراجعت ده روز می ماند یا نه، و اگر یقین دارد بعد از برگشتن در محل اقامه ده روز نمی ماند و برگشتن به محل اقامت فقط بدان جهت است که واقع در مسیر مسافرت است در رفتن و در مقصد تمام بخواند و در برگشتن و محل اقامه قصر

بخواند، به شرط آنکه قصد هشت فرسخ داشته باشد بدون قصد اقامه در طریق.

مسئله ۳۲۶ اگر مسافر بعد از طی کردن هشت فرسخ در مکانی سی روز بماند و در تمام آن سی روز در ماندن و رفتن یا ماندن و برگشتن تردید داشته باشد یعنی هیچوقت نداند که ده روز می ماند باید بعد از سی روز در آن مکان هر مقدار بماند نمازش را تمام بخواند، ولی پیش از آنکه سی روز تمام شود باید نمازش را قصر کند.

روزه

روزه عبارت است از امساک و خودداری از چیزهایی که بیان آن می آید از طلوع فجر تا مغرب به قصد قربت.

مسئله ۳۲۷ در ماه رمضان می تواند شب اول نیّت کند روزه تمام ماه را و باقی بماند بر آن نیّت تا آخر و یا برای هر روز تجدید نیّت کند و می تواند برای هر روز علیحده نیّت کند.

و در روزه واجب معین غیر رمضان باید برای هر روز جداگانه نیّت کند کم باشد یا زیاد.

مفطرات روزه

مسئله ۳۲۸ مفطرات روزه که لازم است خودداری از آنها چند چیز است، و بعضی را علما فرموده اند که باید خودداری نمود و ظاهراً آنها به کمال روزه ضرر می زنند نه به صحت آن.

مجموع آنها نه چیز است:

اول و دوم - خوردن و آشامیدن از روی عمد و فرقی نیست بین آنکه چیزی که می خورد یا می آشامد معمولاً- خوردنی و آشامیدنی باشد مثل نان و آب، یا غیر خوردنی مثل خاک و ریگ هرچند کم باشد حتی آنکه اگر نخ خیاطی و یا مسواک که با آب دهان تر شود و

بیرون آورد و دو مرتبه آن را به دهان بگذارد و رطوبت آن را فرو ببرد روزه اش باطل می شود.

سوم – جماع و آن مبطل روزه مرد و زن است اگرچه منی هم خارج نشود و جماع محقق می شود به داخل شدن آلت تا ختنه گاه.

چهارم – استمناء است یعنی عمداً کاری بکند که منی از او بیرون بیاید.

مسئله ۳۲۹ هرگاه با خود کاری کند بدون قصد بیرون آمدن منی لکن عادت او باشد که با این کار منی از او بیرون می آید روزه او باطل است هرچند بیرون نیاید، بلکه اگر ایمن از بیرون آمدن منی هم به این کار نباشد و بیرون آید باطل است.

مسئله ۳۳۰ دروغ بستن به خدا یا پیغمبر(ص) یا یکی از ائمه معصومین(ع) یا فاطمه زهرا(س) حرام مؤکد است، ولی روزه را باطل نمی کند.

پنجم – رساندن غبار غلیظ به حلق چه غبار حلال باشد مثل آرد چه حرام مثل خاک و چه خودش کاری بکند که غبار شود یا دیگری بلکه اگر به سبب باد غبار شود و خود را حفظ نکند تا غبار داخل حلق شود روزه او باطل می شود.

مسئله ۳۳۱ سر فرو بردن در آب بعضی از مفطرات دانسته اند ولی، اقوی این است روزه را باطل نمی کند و حرام هم نیست، ولی مکروه است.

مسئله ۳۳۲ فرو بردن تمام سر یک مرتبه در آب مکروه است اگرچه سایر بدن بیرون باشد اما اگر هر دفعه یک طرف سر را فرو برد و طرف دیگر بیرون باشد کراهت ندارد.

مسئله ۳۳۳ اگر سر را فرو ببرد در غیر آب مثل شیر و امثال

آن از مایعات، کراهت ندارد.

مسئله ۱۳۳۴ اگر سهواً یا قهراً سر در آب فرو برد یا بی اختیار در آب بیافتد عمل مکروهی انجام نداده.

ششم – باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس عمداً تا صبح در روزه ماه رمضان و قضای آن.

مسئله ۳۳۵ هرگاه جنب نتواند غسل کند به جهت نبودن آب و امثال آن واجب است قبل از فجر تیمّم کند و واجب نیست تا صبح بیدار بماند، پس اگر تیمّم نکند روزه او باطل است.

و اگر ممکن باشد غسل کردن و غسل نکند تا وقت ضیق شود بنا بر احتیاط واجب باید تیمّم کند و روزه بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد.

مسئله ۳۳۶ هرگاه جنب در شب ماه رمضان با علم به جنابت بخوابد با عادت به بیدار شدن یا اطمینان به آن و بنا بر غسل کردن داشته باشد و از خواب بیدار نشود تا طلوع صبح روزه او صحیح است.

و اگر بیدار بشود و دو مرتبه بخوابد با همان عادت به بیدار شدن یا اطمینان به آن و بنا بر غسل کردن و اتفاقاً بیدار نشود روزه او قضاء دارد.

و همچنین اگر باز بیدار شود و مرتبه سوم بخوابد و بیدار نشود تا صبح روزه اش قضا دارد با کفاره بنا بر احتیاط.

مسئله ۳۳۷ زنی که خون استحاضه متوسطه یا کثیره ببیند اگر غسل واجب برای نمازهای روز مثل صبح یا ظهر و عصر را ترک کند روزه او باطل است.

اما اگر بعد از خواندن نماز ظهر و عصر خون ببیند و تا غروب غسل نکند روزه اش صحیح است.

و غسل شب

آینده شرط صحت روزه امروز نیست اگرچه احتیاطاً به جا آورد بهتر است.

و همچنین غسل های شب پیش که برای نماز مغرب و عشا باید بنماید شرط صحت روزه نیست.

و اما وضوء مستحاضه و یا بستن پنبه و کهنه شرط صحت روزه نیست.

هفتم - اماله کردن است به چیز مایع اگرچه در حال ضرورت باشد اما شیاف ضرر ندارد.

هشتم - قی کردن است عمداً اگر چه برای ضرورت باشد، اما اگر سهواً یا بدون اختیار عارض شود ضرر ندارد، و میزان صدق قی کردن است پس بیرون آمدن هسته یا کرم ضرر ندارد.

مسئله ۳۳۸ اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی بالا- بیاورد و بی اختیار برگردد مبطل روزه نیست، و اگر به فضای دهان برسد و آن را به اختیار فرو ببرد روزه او باطل است هم قضا دارد و هم کفاره.

بلکه اگر فرو بردن آن حرام باشد از جهت خباثت کفاره جمع واجب است.

کفاره و قضاء

مسئله ۳۳۹ مفطراتی که روزه را باطل می کند و باعث قضاء می شود باعث کفاره نیز می شود اگر از روی عمد و اختیار و بدون اکراه و اجبار واقع شود و فرق بین آنها نیست.

بلی اقوی واجب نبودن کفاره است در خواب دوم جنب بعد از بیداری.

و در خواب سوم احتیاطاً کفاره بدهد.

مسئله ۳۴۰ کفاره روزه ماه رمضان یکی از سه چیز است بنا بر اقوی ۱ - بنده آزاد کردن ۲ - دو ماه پی درپی روزه گرفتن ۳ - شصت نفر مسکین را سیر کند یا به هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا

جو و مانند اینها بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد باید هرچند مد که می تواند بدهد، و شخص مخیر است بین آنها بدون رعایت ترتیب اگر چه بهتر است احتیاطاً ترتیب را رعایت نماید.

و اگر روزه را به حرام افطار کرده باشد هر سه کفاره واجب است مثل زنا، یا جماع در حال حیض، یا خوردن شراب، یا مال غصبی و امثال آنها.

مسئله **۳۴۱** در چند جا واجب است قضای بدون کفاره:

اول – در خواب دوم جنب

دوم – آنکه روزه را باطل کند به نیّت نکردن و یا به ریا و یا به قصد افطار یا مفطر به شرط آنکه در هیچ یک مفطر دیگری به جا نیاورده باشد تا مغرب والّا کفاره هم واجب می شود.

سوم – آنکه مراعات فجر را نکرده چیزی بخورد و بعد معلوم شود که صبح بوده چه آنکه قدرت بر مراعات داشته باشد یا نه مثل نابینا یا محبوس یا کسی که طلوع را نمی شناسد.

چهارم – آنکه چیزی بعد از طلوع فجر بخورد به اعتماد به قول شخصی که خبر دهد که طلوع نشده.

پنجم – آنکه بخورد بعد از طلوع در صورتی که یک نفر خبر می دهد به طلوع به خیال آنکه او مزاح می کند یا دروغ می گوید.

ششم – آنکه افطار کند قبل از مغرب به قبول قول کسی که خبر می دهد که مغرب شده اگر چه قبول کردن قول او برایش جایز باشد، مثل افطار شخص کور و امثال او، و همچنین وقتی یک عادل بلکه دو عادل خبر دهند لکن بعد معلوم شود که مغرب نشده بود.

و اگر

قبول کند قول کسی را که قبول قول او جایز نیست کفاره نیز واجب است بنا بر اقوی.

هفتم - وقتی که هوا تاریک شود و قطع پیدا کند به داخل شدن شب و افطار کند بعد معلوم شود که خطا کرده است در صورتی که در آسمان مانعی نباشد از دیدن و اگر شک یا ظن داشته باشد در داخل شدن شب و افطار کند کفاره نیز واجب است.

مسئله ۳۴۲ هرگاه در آسمان مانعی باشد مثل ابر و به گمان آنکه مغرب شده افطار کند و معلوم شود که خطا کرده است قضاء لازم است بدون کفاره.

هشتم - آنکه آب به دهان کند برای خنک شدن یا بی جهت مضمضه کردن و آب بی اختیار فرو رود و اگر برای وضوء مضمضه کند و بی اختیار آب فرو رود قضا هم بر او واجب نیست.

مسئله ۳۴۳ کسی که بعد از ظهر سفر کند روزه او صحیح است.

مسئله ۳۴۴ مسافری که قبل از ظهر به وطن یا محل اقامه خود برسد و مفطری به جا نیاورده باشد واجب است قصد روزه نماید و روزه اش صحیح است.

احکام زکات

وجوب زکات یکی از ضروریات دین است و منکر آن با علم به آن کافر است بلکه در بعضی اخبار است که مانع زکات کافر است و فوائد و مصالح آن بسیار و مانع از مفاسد بی شمار است و سبب بقاء جامعه و انتظام امور و موجب الفت و اعمال خیریه و باعث آسایش و رفاهیت عامه و حفظ و نگاهداری اموال است و درباره آن در شرع مقدس اسلام تأکید و ترغیب شده و بر ترک آن

تهدیدات عظیمه و وعید بر عقاب شدید وارد شده است.

اجناسی که زکات به آنها تعلق می گیرد

در نُه چیز زکات واجب است:

۱ – شتر. ۲ – گاو. ۳ – گوسفند. ۴ – طلا. ۵ – نقره. ۶ – گندم. ۷ – جو. ۸ – خرما. ۹ – کشمش.

نصاب

یکی از شرایط وجوب زکات در امور نُه گانه نصاب است.

مسئله ۳۴۵ در گوسفند پنج نصاب است:

اول – چهل گوسفند و زکات آن یک گوسفند است.

دوم – یکصدوبیستویک گوسفند و زکات آن دو گوسفند است.

سوم – دویستویک گوسفند و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم – سیصدویک گوسفند و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم – چهارصد و بالاتر که باید صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تا یک گوسفند زکات بدهد.

مسئله ۳۴۶ در گاو دو نصاب است: اول – سی گاو و زکات آن یک گوساله نر یا ماده است که داخل در سال دوم شده باشد. دوم – چهل گاو و زکات آن یک گوساله ماده است که داخل سال سوم شده باشد و در زیاده بر چهل باید چهل تا چهل تا و یا سی تا سی تا حساب کند به طوری که موافق شود یا مقدار عفوش کمتر شود.

مسئله ۳۴۷ در مال مشترک اگر سهم هر یک از شرکاء به قدر نصاب باشد زکات بر آنها واجب است و اگر سهم بعضی به قدر نصاب باشد و بعضی نباشد بر آنکه سهمش به مقدار نصاب هست زکات واجب است.

مسئله ۳۴۸ هرگاه یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد هرچند از هم دور باشند باید همه را با

هم ملاحظه نماید، اگر به حد نصاب رسیده باشد زکات بر آن واجب است.

مسئله **۳۴۹** شـرط است در زکات گاو و گوسـفند و شتر که در تمام سال در بیابان بچرند پس اگر در بین سال یک ماه یا یک هفته یا کمتر علف به او بدهنـد و یا او را در زمینی که زراعت در آن شـده بچراننـد زکات نـدارد، بلی اگر دو روز یا کمتر در بین سال علف خورده باشد واجب است که زکات آن را بدهند.

و شرط دیگر آنکه حیوان در تمام سال بیکار باشد.

و شـرط سون آنکه یک سال تمام در ملک مالک باقی بماند و کفایت می کند در وجوب زکات داخل شدن در ماه دوازدهم و تمام شدن آن معتبر نیست.

زکات طلا و نقره

در زکات طلا و نقره علاوه بر شرایط عمومی (که تفصیلش در کتب مفصله ذکر شده) چند چیز شرط است:

اول – نصاب و در طلا دو نصاب است:

اول – بیست مثقال شـرعی است که هر مثقال آن هیجده نخود است و مطابق است با پانزده مثقال صـیرفی معمولی که هر مثقال آن بیست و چهـار نخود است و زکـات آن نیم مثقـال شـرعی طلاـ است پس وقتی طلا به بیست مثقال شـرعی که پانزده مثقال متـداول و معمولی است برسد، باید نُه نخود آن را که چهل یک آن است زکات بدهند و کمتر از پانزده مثقال معمولی زکات ندارد.

دوم – چهـار مثقال شـرعی است که مطابق سه مثقال معمولی است و زکات آن چهل یک آن است پس اگر سه مثقال معمولی طلا بر پانزده مثقال معمولی علاوه شد، باید چهل یک آن

را زکـات بدهـد و اگر کمتر از سه مثقال معمولی اضافه شود آن اضافه زکات نـدارد و بعـد از این هم هر چه بالا رود یعنی هر سه مثقال معمولی اضافه شود باید چهل یک آن را بدهد.

نقره

در نقره دو نصاب است:

اول – دویست درهم است که یکصدوپنـج مثقـال معمولی است و زکـات آن چهـل یـک آن است که دو مثقال و پانزده نخود باشد و کمتر از این مقدار زکات ندارد.

دوم – چهل درهم است که مطابق بیسـتویک مثقال معمولی است پس اگر بیسـتویک مثقال به صدوپنـج علاوه شـد بایـد چهل یک آن را بدهـد و اگر کمتر از بیسـتویک مثقال اضافه شود آن اضافه زکات نـدارد فقط زکات یکصدوپنـج مثقال را بدهد و بعد از این هر چه بالا رود چهل یک هر بیستویک مثقال را زکات بدهد.

و به طور کلی در طلاـ و نقره وقتی به نصـاب برسـد هر چه بالاـ رود اگر چهـل یک آن را بدهـد زکات آن را داده و در بعض موارد کمی هم زیادتر داده است.

شرط دوم – آنکه طلا و نقره سکه دار باشد و با آن معامله رایج باشد.

سوم – آنکه شخص یازده ماه مالک مقدار نصاب طلا و نقره باشد و وقتی داخل ماه دوازدهم شد زکات بر او واجب می شود.

زکات در غلات اربع

زکات در گندم، و جو، و خرما، و کشمش واجب است به دو شرط غیر از شرایط عامه:

اول – بلوغ نصاب که باید هر یک از آنها به مقدار یکصدوچهلوچهار من به وزن شاهی الّا چهلوپنج مثقال باشد.

که من شاهی عبارت است از هزارودویستوهشتاد مثقال صیرفی.

و به من تبریز دویستوهشتادوهشت من الّا چهلوپنج مثقال.

و یک من تبریز ششصدوچهل مثقال ۲۴ نخودی است که مقداری کمتر از ۲۰۷/۸۴۷ کیلو گرم می شود.

دوم – آنکه قبل از وقت تعلق زکات ملک انسان باشد، یا به زراعت کردن

خودش، یا به انتقال زراعت به انسان به یکی از اسباب انتقال.

مسئله ۳۵۰ بنا بر آنچه به مشهور نسبت داده اند.

وقت تعلق زکات به گندم و جو وقت دانه بستن یا محکم شدن دانه آنها است.

و وقت تعلق آن به خرما وقت زرد یا سرخ شدن آن است.

و در کشمش وقت دانه بستن غوره است.

ولکن اظهر آن است که وقت تعلق زکات به هر یک از آنها وقت محقق شدن اسم آنها است.

پس در گندم و جو و خرما وقتی است که آنها را گندم و جو و خرما بگویند و در کشمش وقتی است که آن را انگور گویند.

مسئله ۳۵۱ مقدار زکات در کشمش و خرما و جو و گندم اگر از آب جاری یا باران مشروب شوند یا آنکه از رطوبت زمین استفاده کنند ده یک آنها است، و اگر با دلو و وسائل دیگر مشروب شوند زکات آنها بیست یک است و اگر به هر دو قسم مشروب شوند به طوری که بگویند با هر دو مشروب می شوند باید نصف آن را ده یک و نصف آن را بیست یک بدهند.

مسئله ۳۵۲ اگر یکی از غلات اربع به حد نصاب رسیده و مخارج آن به مقداری باشد که اگر از آن خارج شود بقیه از نصاب کمتر است لازم است اخراج زکات از مابقی.

به عبارت دیگر مخارج به نسبت زکات از آن کم شود. چه آن مخارج قبل از وقت وجوب باشد یا بعد از آن.

بلی در مخارجی که معمول است از عین آنها می دهند مثل آنکه در بعض از محل ها متعارف است که

اجرت باغبان را از انگور و کشمش یا اجرت خرمن کوبی یا مال الاجاره را از خرمن می دهند اگر بعد از این گونه مخارج از نصاب کمتر باشد زکات واجب نیست.

مصرف زکات

زکات را باید در هشت مورد مصرف نمود:

اول - فقیر و آن شخصی است که مخارج سال خود و عائله اش را نداشته باشد پس اگر شغل و کسب و کار یا سرمایه ای دارد که مخارج سالیانه او را می گذاراند مستحق زکات نیست.

دوم - مسکین و آن کسی است که فقر و تنگدستی او از فقیر بیشتر است.

مسئله **۳۵۳** کسی که تحصیل علوم دینیه می نماید و به واسطه اشتغال به تحصیل علم وقت کسب و کار ندارد جایز است به او زکات بدهند.

مسئله **۳۵۴** کسی که ادعای فقر نماید اگر از قول او ظن به صدق حاصل شود قولش معتبر است و می شود زکات به او داد.

سوم - از مصارف زکات کسانی هستند که از طرف امام(ع) یا نایب خاص او در زمان حضور، یا نایب عام او در زمان غیبت که فقیه جامع الشرایط است منصوب و معین شده اند برای گرفتن زکات و نگهداری و حسابداری آن و رساندن به فقرا یا امام(ع) و فقیه.

چهارم - کسانی هستند از مسلمین که مسلمان شده و ضعیف الاعتقاد می باشند و خوف آن است که اگر زکات به آنها ندهند از دین اسلام خارج گردند.

پنجم - از مصارف زکات بنده آزاد کردن است.

ششم - اداء قرض بدهکاری است که عاجز از اداء قرض خود باشد هرچند مالک قوت مخارج سال خود باشد به شرط آنکه قرض را در معصیت

صرف نکرده باشد.

هفتم - از مصارف زکات سبیل الله است یعنی هر کار خیر و عمل نیکی که از شارع مقدس نسبت به آن ترغیب و تشویق شده باشد، مثل ساختن پُل و منزلگاه برای مسافرین و زوار و مسجد و مدرسه علوم دینیه و دارالایتام و تعظیم شعائر و اعانت حجاج و زوار و خلاص کردن مؤمن از دست ظالم و اصلاح ذات البین و جلوگیری از وقوع شر و فتنه میان مسلمانان و اعانت طلاب و نشر احکام و معارف اسلامی و انتشار کتاب های نافعه مذهبی.

بلکه جایز است صرف این سهم در هر محل و هر کاری که موجب تقرب به خدا باشد.

هشتم - ابن السبیل است یعنی مسافری که در سفر خرجی او تمام شده و نمی تواند بدون خرجی به وطن برگردد و تهیه خرجی هم با قرض کردن یا فروختن چیزی برایش ممکن نگردد.

مسئله ۳۵۵ زکات را باید به نیت زکات و با قصد قربت یعنی برای حصول تقرب به درگاه خدا، یا برای اطاعت امر و فرمان او اداء نماید.

زکات فطره

مسئله ۳۵۶ بر هر کسی که وقت غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و غنی باشد و بنده کسی نباشد واجب است زکات فطره خود و هر کسی را که موقع غروب شب عید فطر از عائله و نان خور او است بدهد.

و بنا بر احتیاط هوشیاری شرط وجوب نیست.

مسئله ۳۵۷ اگر کسی بیشتر از مخارج سال و مستثنیات دین و قرض نداشته باشد، باید زکات فطره را بدهد.

و لازم نیست که زیاده بر مخارج سال و دین و مستثنیات به مقدار زکات فطره

هم داشته باشد.

مسئله ۳۵۸ کسی که سید و هاشمی است حرام است زکات فطره غیر سید را بگیرد، ولی سادات و بنی هاشم می توانند زکات فطره خود را به سادات هاشمی و غیر سادات هاشمی بدهند.

مسئله ۳۵۹ زکات فطره باید از چیزی که قوت غالب مردم است اداء شود مثل گندم و جو و خرما و کشمش و برنج و شیر و احتیاط مستحب آن است که از گندم و جو و خرما و کشمش بدهد و افضل این است که خرما و بعد از آن کشمش بدهد و بهتر این است که هر کدام از این اجناس را که به حال فقیر نافع تر است بدهد. و قیمت یکی از آنها را اگر بدهد کفایت می کند.

مسئله ۳۶۰ مقدار فطره که از خود و به عدد هر نفری از عائله باید داد یک من تبریز و بیستوپنج مثقال و هیجده نخود کم است که تقریباً سه کیلو است.

مسئله ۳۶۱ وقتی که شخص با شرایطی که گفته شد وارد شب عید فطر شود واجب است فطره خود و عائله خود و هر کس نان خور او در آن وقت می باشد را بدهد و تا غروب روز عید وقت آن باقی است.

مسئله ۳۶۲ احتیاط لازم آن است که با وجود مستحق در محل خود فطره را به محل و شهر دیگر نبرد.

ولی اگر در آنجا مستحق نباشد جایز است آن را به شهری که در آن مستحق هست ببرد.

و بهتر این است که در جائی که فطره بر او واجب شده آن را بدهد اگر چه مال یا وطن او در شهر

دیگر باشد.

مسئله ۳۶۳ بهتر است زکات فطره را به فقرای شیعه اثنی عشری دهند و جایز نیست به کسی بدهند که آن را صرف در معصیت می کند. اگر چه جایز است به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکات سال گفته شد برسانند.

و احتیاط واجب آن است که به شراب خوار و کسی که آشکارا معصیت می کند فطره ندهند.

خمس

واجب است خمس در هفت چیز:

اول - غنیمت جنگ با کفار. دوم - معدن. سوم - گنج. چهارم - آنچه با غوص یعنی فرو رفتن به دریا بیرون آورند. پنجم - مال حلال مخلوط به حرام. ششم - زمینی که کافر ذمی آن را از مسلمان خریداری کند. هفتم - منافع معامله و کسب و صنعت زراعت بلکه کلیه فوائدی که عائد انسان می شود اگر چه منافع کسب نباشد.

مسئله ۳۶۴ هرگاه از معدن طلا و نقره یا مس یا سرب یا آهن یا نفت یا یاقوت یا فیروزه یا عقیق یا کبریت یا قیر یا نمک یا هر معدن دیگر چیزی استخراج نمایند باید خمس آن را بدهند به شرط آنکه به حد نصاب رسیده باشد.

مسئله ۳۶۵ خمس معدن بنا بر احتیاط در صورتی واجب است که اگر قیمت چیزی که از معدن بیرون آورده قبل از کم کردن مخارج استخراج و تصفیه آن پانزده مثقال صیرفی (بیستوچهار نخودی) طلا یا ۱۰۵ مثقال معمولی نقره باشد که خمس این مقدار و زیاده بر این هر اندازه باشد واجب است.

مسئله ۳۶۶ طلا و نقره ای که در زمین یا کوه یا دیوار یا در محل دیگر پنهان و ذخیره شده باشد گنج

گویند و مال کسی است که آن را یافته و واجب است خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۳۶۷ اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند که ملك فروشنده آن زمین نیست آن را مالك می شود و خمسش را باید بدهد.

مسئله ۱۳۶۸ در صورتی خمس گنج واجب است که قبل از مخارجش به قدر نصاب باشد و نصاب گنج پانزده مثقال صیرفی طلا در طلا و یکصدوپنج مثقال صیرفی نقره در نقره می باشد و چنانچه به این حد برسد خمس آن و هرچه زیادتر از آن است باید بدهد.

مسئله ۱۳۶۹ فرو رفتن در دریا را غوص گویند و آنچه بیرون آورند از دریا مثل لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگر.

در صورتی که قبل از مخارج بیرون آوردن آن به قیمت هیجده نخود طلا باشد خمس آن و هرچه بیشتر باشد واجب است.

ولی اگر کمتر از هیجده نخود طلا قیمت داشته باشد خمس ندارد.

مسئله ۱۳۷۰ اگر قیمت مجموعی که از آب در چند مرتبه بیرون آورده به قدر نصاب باشد خمس آن را باید بدهد هرچند در هر مرتبه کمتر از نصاب باشد.

مسئله ۱۳۷۱ اگر مال حلال انسان به مال حرامی که مقدار و صاحب آن معلوم نیست مخلوط شود باید خمس آن را بدهد تا حلال شود.

مسئله ۱۳۷۲ اگر مالی با عین زکات یا خمس مخلوط شده باشد و مقدار آن را نداند دادن خمس کافی نیست و حکم مالی را دارد که صاحب آن معین باشد و باید احتیاط کند و با حاکم شرع به تراضی و مصالحه ذمه خود را بری نماید.

مسئله ۱۳۷۳ زمینی را

که کافر ذمی از مسلمان بخرد چه زمینی باشد که در آن زراعت می کند و چه زمینی باشد که در آن خانه و منزل بنا شده یا زمین باغ یا دکان و غیر آنها باشد واجب است خمس آن را از عین آن زمین یا از مال دیگرش به عنوان قیمت بدهد.

مسئله ۳۷۴ منافع هر کسبی از تجارت و غیر تجارت که زیادتر از مخارج سال انسان و عائله اش باشد باید خمس آن را بدهند.

مسئله ۳۷۵ در هر فائده و منفعتی که به کسب هم حاصل نشده باشد مثل هبه و هدیه و جایزه و مالی که برای شخص وصیّت شده اگر زیادتر از مخارج سال باشد خمس آن واجب است بنا بر اقوی.

مسئله ۳۷۶ مهریه زن و میراثی که به انسان می رسد از کسی که گمان ارث بردن از او را ندارد خمس دارد.

ولی ارثی که مورد توقع بوده و گمان بردن از او را دارد خمس ندارد.

مسئله ۳۷۷ مالی که بابت خمس یا زکات به مستحق می دهند چنانچه از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.

مسئله ۳۷۸ مالی که مقصود از آن تجارت و استفاده از ترقی قیمت است زیادتی قیمت آن جزء منافع است و اگر از مخارج سال زیاد آمد خمس آن را باید بدهد اگر فروش و گرفتن قیمت آن بعد از تمام شدن سال ممکن باشد.

بلکه زیادی قیمت بر مالی ولو به ارث رسیده باشد و مالی که مقصود از آن تجارت نباشد و امثال آنها خمس دارد با شرط مذکور.

مسئله ۳۷۹ هر چه را شخص به مصرف آنچه که خود و عائله اش

در معاش و زندگی به حسب شأن خود در سال حاجت دارد و صرف می نماید از خوراک و پوشاک و ظروف و اثاث منزل و مخارج دید و بازدید و مهمانی ها و احسانی که به اشخاص به حسب حال خود می نماید و حقوقی که بر او به نذر و کفاره و غیر اینها واجب می شود و اداء می کند از مخارج سال حساب می شود، و همچنین مخارج دیگر از قبیل مخارج عقد و عروسی اولاد و معالجه مرض خود و عائله و به طور کلی آنچه به حسب شأن خود در زندگی و معاش به آن حاجت داشته باشد.

مسئله ۳۸۰ مخارجی که برای کسب و به دست آوردن منافع در سال لازم است و مصرف می شود مثل اجاره دکان و اجرت شاگرد و غیر آنها جزء مخارج سال حساب می شود و خمس ندارد.

مسئله ۳۸۱ اسباب و ابزاری که برای صنعت یا کسب لازم است مثل ابزار صنعت نجاری یا چرخ خیاطی یا ترازو و غیر آنها جزء مخارج سال حساب نمی شود و باید اگر از مالی که خمس به آن تعلق می گیرد آنها را تهیه کرده خمس آنها را بدهد ولی اگر هر یک از آنها بعد از دادن خمس آنها تلف شود یا آنکه از مال کم شود می تواند آن را از منفعت آن سال جبران کند.

مسئله ۳۸۲ اگر برای مخارج سالش مبلغی را سرمایه برداشت کند و در همان سال از منافع کسبش آن را جبران نماید جایز است و خمس ندارد.

مسئله ۳۸۳ اگر در یک سال کسب او هیچ منفعتی نکند و

در سال بعد منفعت کند مخارج سال پیش را نمی تواند از منفعت بعد کم نماید.

مسئله ۳۸۴ مخارج حج از مخارج سالی است که در آن شروع به مسافرت نموده پس اگر در بین سال مستطیع شد و از منافع کسب آن سال به حج رفت مخارج حج از مخارج سالش حساب می شود و خمس ندارد و اگر نتوانست به حج برود تا سال بگذرد باید خمس منافع را بدهد.

مسئله ۱۳۸۵گر از منافع چند سال مستطیع شود باید خمس منافع سال های پیش از سال مسافرت ها را بدهد.

دستور تقسیم خمس و مستحقین آن

مسئله ۳۸۶ خمس به شش سهم تقسیم می شود.

سه سهم یعنی نصف آن را باید به فقرای سادات و اطفال یتیم آنها و ابناءالسبیل سادات که در سفر محتاج شده باشند اگر چه در وطنشان غنی باشند بدهند.

و سه سهم دیگر مال حضرت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه می باشد که در عصر غیبت باید به مجتهد جامع الشرایط بدهند یا به اذن او به مصرف برسانند.

مسئله ۳۸۷ احتیاط واجب این است که شخص خمس را به سید واجب النفقه خود برای نفقه واجب او ندهد ولی جایز است از باب خمس برای مخارج غیر نفقه واجبه مثل مخارج عیال او بدهد.

مسئله ۱۳۸۸گر سید فقیری واجب النفقه شخصی باشد که نفقه او را ندهد یا از جهت نداشتن یا از روی معصیت اشخاص دیگر می توانند به آن خمس بدهند.

مسئله ۳۸۹ بنا بر احتیاط واجب به یک نفر سید بیشتر از مخارج یک سال خمس ندهند.

مسئله ۳۹۰ نصف خمس را که سهم سادات است دهنده خمس می تواند بدون اذن

مجتهد جامع الشرایط به مستحقین آن برساند، ولی احتیاط مستحب آن است که به مجتهد جامع الشرایط بدهد یا به اذن او به مصرف برساند.

احکام خرید و فروش

مسئله ۳۹۱ در خرید و فروش واجب است یاد گرفتن احکام آن، حضرت صادق(ع) فرمودند کسی که می خواهد خرید و فروش کند، باید احکام آن را یاد بگیرد و اگر پیش از یاد گرفتن احکام آن خرید و فروش کند، به واسطه معامله های باطله و شبهه ناک به هلاکت می افتد.

و چهار چیز مستحب است:

اول – در قیمت جنس بین مشتری های مسلمان فرق نگذارد.

دوم – در قیمت جنس سخت گیری نکند.

سوم – چیزی را که می فروشد زیادتر بدهد و آنچه را که می خرد کمتر بگیرد.

چهارم – کسی که با او معامله کرده، اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله را به هم بزند، برای به هم زدن معامله حاضر شود.

مسئله ۳۹۲ اگر انسان از جهت مسئله ندانستن شک کند که معامله ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی تواند در مالی که گرفته تصرف نماید.

مسئله ۳۹۳ کسی که مال ندارد و مخارجی مثل خرج زن و بچه بر او واجب است باید کسب کند.

و برای کارهای مستحب مانند وسعت دادن به عیالات و دستگیری از فقرا کسب کردن مستحب است.

معاملات مکروه

مسئله ۳۹۴ عمده معاملات مکروه از این قرار است:

اول – ملك فروشی مگر آنکه با آن پول ملك دیگری بخرد.

دوم – قصابی.

سوم – کفن فروشی.

چهارم – معامله با مردان پست.

پنجم - معامله بین اذان صبح و اول آفتاب.

ششم - آنکه کار خود را خرید و فروش گندم و جو و مانند اینها قرار دهد.

هفتم - برای خریدن جنسی که دیگری می خواهد بخرد،

داخل معامله او شود.

معاملات حرام

مسئله ۳۹۵ معاملات باطله عمده اش چند چیز است مثل خرید و فروش بعضی از اعیان نجسه مانند میته و خوک و شراب، و خرید و فروش مال غصبی - و خرید و فروش چیزی که مالیت ندارد - و تفصیل اینها در مسائل آتیه خواهد آمد.

و معاملات حرام سه است:

اول - معامله چیزی که منافع معمولی آن فقط کار حرام است مانند اسباب قمار.

دوم - معامله ای که در آن ربا باشد.

سوم - فروش جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است. و این عمل را غش می گویند.

پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حیله نماید و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می برد و راه معاش او را می بندد و او را به خودش واگذار می کند.

مسئله ۳۹۶ فروختن چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است اشکال ندارد; ولی اگر مشتری آن چیز را برای کاری بخواهد که شرطش پاک بودن است مثل خوراکی که می خواهد آن را بخورد باید فروشنده نجس بودن آن را به او بگوید.

مسئله ۳۹۷ اگر چیز پاکی مانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست نجس شود. چنانچه آن را برای کاری بخواهد که شرطش پاک بودن است مثلاً روغن نجس را برای خوردن بخواهند

باید نجس بودن آن را به مشتری بگوید.

و اگر برای کاری بخواهند که شرطش پاک بودن نیست مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند لازم نیست نجس بودن آن را بگویند و در هر دو صورت فروش آن به فرض شرایط صحت معامله اشکال ندارد.

مسئله ۳۹۸ خرید و فروش دواهای نجس اگر منفعت محلله که مشروط به طهارت نیست دارد جایز است و صحیح و الّا فاسد است.

ولی اگر پول را برای ظرف آن یا برای زحمت دوافروش بدهند اشکال ندارد.

مسئله ۳۹۹ خرید و فروش روغن و دواهای روان و عطرهایی که از ممالک غیراسلامی می آورند اگر شک در نجاست آن باشد اشکال ندارد. ولی روغنی را که از حیوان بعد از جان دادن آن می گیرند; چنانچه در شهر کفار از دست کافر بگیرند و از حیوانی باشد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند، نجس است و معامله آن باطل می باشد.

مسئله ۴۰۰ اگر روباه و مانند آن را به غیر دستوری که در شرع معین شده کشته باشند یا خودش مرده باشد، خرید و فروش پوست آن حرام و معامله آن باطل است.

مسئله ۴۰۱ خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از ممالک غیراسلامی می آورند باطل است و همچنین اگر از دست کافر بگیرند ولی اگر انسان بداند که آنها از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده، خرید و فروشش اشکال ندارد.

مسئله ۴۰۲ خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از دست مسلمانان در بازار اسلام گرفته شود اشکال ندارد. ولی اگر انسان بداند که مسلمانان آن را از

دست کافر گرفته و تحقیق نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، خریدن آن حرام و معامله آن باطل است.

مسئله ۴۰۳ خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.

مگر مسکرات مستحدثه که منفعت مقصوده از آنها غیر شرب است.

مسئله ۴۰۴ فروختن مال غصبی باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند.

مسئله ۴۰۵ اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را ندهد و جداً قصد معامله داشته باشد معامله صحیح است، ولی فروشنده خیار فسخ دارد و می تواند معامله را به هم بزند.

مسئله ۴۰۶ اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را بعداً از حرام بدهد، معامله صحیح است. ولی مقداری را که بدهکار است باید از مال حلال بدهد. و اگر از حرام بدهد دینش ساقط نمی شود.

مسئله ۴۰۷ خرید و فروش آلات لهو که منافع آن مختص در لهو است مثل تار و ساز حتی سازهای کوچک حرام است.

مسئله ۴۰۸ اگر چیزی را که می شود استفاده حلال از آن ببرند به قصد این بفروشند که آن را در حرام مصرف کنند، مثلاً انگور را بفروشد که شراب از آن تهیه نمایند، معامله آن اشکال ندارد.

مسئله ۴۰۹ خرید و فروش مجسمه حرام نیست و همچنین خرید و فروش صابونی که روی آن مجسمه دارد اگر چه مقصود معامله صابون و مجسمه هر دو باشد.

مسئله ۴۱۰ خرید و فروش چیزی که از قمار یا دزدی یا از معامله باطل تهیه شده باطل است و تصرف در آن حرام است و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب

اصلیش برگرداند.

مسئله ۱۴۱۱ اگر روغنی را که با پیه مخلوط است بفروشد چنانچه آن را معین کند مثلاً بگوید این یک من روغن را می فروشم معامله به مقدار پیهی که در آن است باطل می باشد و پولی که فروشنده برای پیه آن گرفته مال مشتری و پیه مال فروشنده است و مشتری می تواند معامله روغن خالصی را هم که در آن است به هم بزند ولی اگر آن را معین نکند بلکه یک من روغن بفروشد بعد روغنی که پیه دارد بدهد، مشتری فقط می تواند آن روغن را پس بدهد و روغن خالص مطالبه نماید.

مسئله ۱۴۱۲ اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشد به زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشد، ربا و حرام است.

بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است. پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن، مس شکسته بگیرد یا برنج صدری را بدهد و بیشتر از آن، برنج گرده بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد ربا و حرام می باشد.

مسئله ۱۴۱۳ اگر چیزی را که اضافه می گیرد غیر از جنسی باشد که می فروشد مثلاً یک من گندم را به یک من گندم و یک قران پول بفروشد ربا و حرام است.

بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی

شرط کند که خریدار کاری برای او انجام دهد باز هم ربا و حرام می باشد. بنا بر احتیاط غیر لزومی.

مسئله ۱۴۱۴ اگر کسی که مقدار کمتر را می فروشد چیزی علاوه کند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد، اشکال ندارد.

و همچنین است اگر از هر دو طرف چیزی زیاد کنند مثلاً ـ یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشد.

مسئله ۱۴۱۵ اگر چیزی را که مثل پارچه با متر و ذرع می فروشند یا چیزی را که مثل گردو، تخم مرغ با شماره معامله می کنند بفروشد. و زیادتر بگیرد مثلاً ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۴۱۶ جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می کنند، باید در معامله آن جنس زیادی نگیرند در شهرهایی که با پیمانه معامله می کنند.

مسئله ۱۴۱۷ اگر چیزی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک جنس نباشد زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.

مسئله ۱۴۱۸ اگر جنسی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک چیز عمل آمده باشند، باید در معامله زیادی نگیرد، پس اگر یک من روغن بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد ربا و حرام است. و احتیاط لازم آن است که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی

نگیرد.

مسئله ۴۱۹ جو و گندم در ربا یک جنس حساب می شوند پس اگر یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد، ربا و حرام است. بلکه اگر مثلاً ده من جو بخرد که سر خرمن ده من گندم بدهد. چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می دهد مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می باشد.

مسئله ۴۲۰ هر چیز که مکیل و موزون نباشد ربای معاملی در آن نیست چنانچه نقداً بفروشند.

مسئله ۴۲۱ اگر مسلمان از کافری ربا بگیرد اشکال ندارد. و نیز زن و شوهر و پدر و فرزند می توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

شرایط فروشنده و خریدار

مسئله ۴۲۲ برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است:

اول – آنکه بالغ باشند.

دوم – آنکه عاقل باشند.

سوم – سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

چهارم – قصد خرید و فروش داشته باشند پس اگر مثلاً به شوخی بگوید مال خود را فروختم معامله باطل است.

پنجم – آنکه مجبور و مکره نباشند.

ششم – جنس و عوضی را که می دهند مالك باشند و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله ۴۲۳ معامله با بچه نابالغ باطل است، اما اگر پدر یا جد آن بچه به او اجازه داده باشند که معامله کند معامله صحیح است و همچنین اگر طفل وسیله باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده اند معامله صحیح

است، ولی بایـد فروشـنده و خریـدار یقین داشـته باشـند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می رساند، یا خود صاحب پول اذن داده باشد که پول را بردار و جنس را بده بچه بیاورد که در این صورت نیز معامله صحیح است.

مسئله ۱۴۲۴ اگر از بچه نابالغ چیزی بخرد یا چیزی به او بفروشـد چنانچه جنس یا پول مال بچه نباشـد بایـد جنس یا پولی را که گرفته به صاحب آن برساند یا از صاحبش رضایت بخواهد. و اگر صاحب آن را نمی شـناسد و برای شـناختن او هم وسـیله ای ندارد باید چیزی را که گرفته از طرف صاحبش صدقه بدهد، و اگر مال خود بچه باشد باید بولی او بدهد.

مسئله ۱۴۲۵ اگر مال کسـی را بدون اجازه او بفروشد در صورتی که صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه نکند معامله باطل است.

مسئله ۱۴۲۶ اگر مالی را که غصب کرده بفروشـد و بعـد از فروش صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد معامله صـحیح است و مال و منفعت های آن از موقع معامله ملک مشتری و عوضـی را که مشتری داده و منفعت های آن از موقع معامله ملک صاحب مال است.

مسئله ۱۴۲۷ اگر مالی را غصب کنـد و بفروشـد به قصـد اینکه پول آن مال خودش باشـد، در صورتی که صاحب مال معامله را اجازه نکند معامله باطل است، و اگر برای خودش یا برای کسی که مال را غصب کرده اجازه نماید معامله صحیح است.

مسئله ۱۴۲۸ پدر و جد پدری طفل و نیز وصیّ پدر و وصیّ جد پدری می توانند مال طفل را

بفروشند. مجتهد عادل هم می تواند مال دیوانه یا طفل یتیم یا مال کسی را که غائب است بفروشد.

مسئله ۴۲۹ جنس و چیزی را که در عوض آن می گیرند چهار شرط دارد:

اول – مقدار آن با وزن یا پیمانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد. دوم – بتوانند آن را تحویل دهند بنابراین فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست، ولی اگر اسبی که فرار کرده با چیزی که می تواند تحویل دهد مثلاً با یک فرش بفروشد اگر چه آن اسب پیدا نشود معامله صحیح است.

سوم – خصوصیاتی را که در جنس و عوض هست و به واسطه آنها میل مردم به معامله فرق می کند معین نمایند.

چهارم – خود جنس را بفروشد نه منفعت آن را پس اگر مثلاً ـ منفعت یک ساله خانه را بفروشد صحیح نیست، ولی چنانچه خریدار به جای پول، منفعت ملک خود را بدهد مثلاً عوض فرشی را که از کسی می خرد منفعت یک ساله خانه خود را به او واگذار کند اشکال ندارد. و اما مالی که نزد کسی گرو است فروختن آن صحیح است و از گرو خارج نمی شود و مشتری با جهل خیار فسخ دارد.

مسئله ۴۳۰ اگر یکی از شرطهایی که در مسائل گذشته گفته شد در معامله نباشد معامله باطل است. ولی چنانچه خریدار و فروشنده با صرف نظر از معامله راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند تصرف آنها اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۱ در خرید و فروش لازم نیست صیغه عربی بخوانند پس اگر فروشنده به فارسی بگوید این مال را در عوض این پول فروختم و

مشتری بگوید قبول کردم معامله صحیح است. ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند یعنی به گفتن این دو جمله مقصودشان خرید و فروش باشد.

مسئله ۴۳۲ اگر در موقع معامله صیغه نخوانند ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می گیرد مال خود را ملك او کند و او بگیرد به همین قصد که مالش باشد و خریدار هم پولی را به فروشنده بدهد که مالش باشد معامله صحیح است.

مسئله ۴۳۳ فروش میوه ای که گل آن ریخته و دانه بسته، پیش از چیدن، صحیح است و نیز فروختن غوره بر درخت اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۴ فروختن خیار و بادمجان و سبزی ها و مانند اینها که سالی چند مرتبه چیده می شود در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که مشتری در سال چند دفعه آن را بچیند اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۵ اگر خوشه گندم و جو را بعد از دانه بستن به چیزی غیر گندم و جو بفروشد اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۶ اگر جنسی را نقد بفروشد خریدار و فروشنده بعد از معامله می توانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند.

و تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها به این است که آن را در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف کند و تحویل دادن فرش و لباس و مانند اینها به این است که طوری آن را در اختیار خریدار بگذارند که اگر بخواهد آن را به جای دیگر ببرد فروشنده جلوگیری نکند.

مسئله ۴۳۷ در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد پس اگر جنسی را بفروشد که سر

خرمن پول آن را بگیرد چون مدت را کاملاً معین نکرده معامله باطل است.

مسئله ۴۳۸ در معامله نسیه پیش از تمام شدن مدت، انسان نمی تواند طلب خود را از خریدار مطالبه نماید. ولی اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد فروشنده می تواند پیش از تمام شدن مدت، طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید.

مسئله ۴۳۹ در معامله نسیه بعد از تمام شدن مدت انسان می تواند طلب خود را از خریدار مطالبه نماید ولی اگر نتواند بپردازد باید او را مهلت دهد.

مسئله ۴۴۰ در معامله نسیه اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۴۴۱ معامله سلف آن است که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد و اگر بگوید این پول را می دهم که مثلاً بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید قبول کردم، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم معامله صحیح است.

مسئله ۴۴۲ اگر جنسی را سلف بفروشد و عوض آن، جنس دیگر یا پول بگیرد معامله صحیح است.

مسئله ۴۴۳ معامله سلف شش شرط دارد:

اول – خصوصیاتی را که قیمت جنس به واسطه آنها فرق می کند معین نمایند. ولی دقت زیاد هم لازم نیست همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده کافی است.

دوم – پیش از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را بدهد یا به مقدار پول جنس از فروشنده طلبکار باشد

و طلب خود را عوض جنس حساب کند چنانچه مدت طلب سر آمده باشد و او قبول نماید، و در صورتی که مقداری از قیمت آن را بدهد اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است، ولی فروشنده می تواند معامله آن مقدار را هم به هم بزند.

سوم - مـدت را کاملاًـ معین کننـد، و اگر مثلاًـ بگویـد تـا اول خرمن جنس را تحویل می دهم چون مـدت کاملاً معلوم نشـده معامله باطل است.

چهارم - وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت جنس کمیاب نباشد و فروشنده بتواند آن را تحویل بدهد.

پنجم - جای تحویل جنس را معین کننـد. ولی اگر از حرف های آنان جای تحویل جنس معلوم باشـد لازم نیست اسم آنجا را ببرند.

ششم - وزن یا پیمانه آن را معین کنند. و جنسـی را که معمولاً با دیدن معامله می کنند اگر سـلف بفروشند اشکال ندارد. ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

مسئله ۴۴۴ انسان نمی تواند جنسـی را که سـلف خریده پیش از تمام شدن مدت بفروشد و بعد از تمام شدن مدت اگر چه آن را تحویل نگرفته باشـد فروختن آن اشـکال نـدارد، ولی فروختن غله مانند گندم و جو و هر چه با وزن یا پیمانه معامله می شود پیش از تحویل گرفتن آن مکروه است.

مسئله ۴۴۵ در معامله سـلف اگر فروشـنده جنسـی را که قرارداد کرده بدهـد مشتری بایـد قبول کند و نیز اگر بهتر از آنچه قرار گذاشتند بدهد و طوری باشد که از

همان جنس حساب شود مشتری باید قبول نماید.

مسئله ۱۴۴۶ اگر جنسی را که فروشنده می دهد پست تر از جنسی باشد که قرارداد کرده مشتری می تواند قبول نکند.

مسئله ۱۴۴۷ اگر به جای جنسی که قرارداد کرده جنس دیگری بدهد و مشتری راضی شود اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۴۸ اگر جنسی را که سلف فروخته در موقعی که باید آن را تحویل دهد نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند مشتری می تواند صبر کند تا تهیه نماید یا معامله را به هم بزند و چیزی را که داده پس بگیرد.

مسئله ۱۴۴۹ اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد معامله باطل است.

مسئله ۱۴۵۰ حق به هم زدن معامله را خیار می گویند و خریدار و فروشنده در یازده صورت می توانند معامله را به هم بزنند.

اول – آنکه از مجلس معامله متفرق نشده باشند و این خیار را خیار مجلس می گویند.

دوم – آنکه مغبون شده باشند (خیار غبن).

سوم – در معامله قرارداد کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنان بتوانند معامله را به هم بزنند (خیار شرط).

چهارم – فروشنده یا خریدار، مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود (خیار تدلیس).

پنجم – فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند که در این صورت دیگری می تواند معامله را به هم بزند (خیار تخلف شرط).

ششم –

در جنس یا در عوض آن عیبی باشد (خیار عیب).

هفتم – معلوم شود که مقداری از جنسی را که فروخته مال دیگری است مشاعاً که اگر صاحب آن به معامله راضی نشود، خریدار می تواند معامله را به هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد. و نیز اگر معلوم شود که مقداری از عوضی را که خریدار داده مال دیگری است مشاعاً و صاحب آن راضی نشود، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند یا عوض آن مقدار را از خریدار بگیرد (خیار شرکت و تبعض صفقه).

هشتم – فروشنده خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده به او بگوید بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است، که در این صورت مشتری می تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر مشتری خصوصیات عوض معینی را که می دهد بگوید بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است فروشنده می تواند معامله را به هم بزند (خیار رؤیت).

نهم – مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد که اگر مشتری شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر بیندازد فروشنده می تواند معامله را به هم بزند (خیار تأخیر).

دهم – حیوانی را خریده باشد که تا سه روز می تواند معامله را به هم بزند و اگر در عوض حیوانی که خریده حیوان دیگری داده باشد فروشنده هم تا سه روز می تواند معامله را به هم بزند (خیار حیوان).

یازدهم – فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد مثلاً اسبی را که فروخته فرار نماید که در این صورت مشتری می تواند معامله را به هم

بزند (خیار تعذر تسلیم).

مسئله ۴۵۱ در معامله بیع شرط، که مثلاً خانه هزار تومانی را به دویست تومان می فروشند و قرار می گذارند که اگر فروشنده سر مدت پول را بدهد بتواند معامله را به هم بزند در صورتی که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند معامله صحیح است.

مسئله ۴۵۲ در معامله بیع شرط اگر چه فروشنده اطمینان داشته باشد که هرگاه سر مدت پول را ندهد خریدار ملك را به او می دهد معامله صحیح است، ولی اگر سر مدت پول را ندهد حق ندارد ملك را از خریدار مطالبه کند و اگر سر مدت پول را ندهد و خریدار بمیرد نمی تواند ملك را از ورثه او مطالبه نماید.

مسئله ۴۵۳ اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید باید تمام چیزهایی را که به واسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد می شود بگوید اگر چه به همان قیمت یا به کمتر از آن بفروشد مثلاً باید بگوید که آن را نقد خریده است یا نسیه.

مسئله ۴۵۴ اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و بگوید این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید قبول کردم یا به قصد فروختن، جنس را بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد مال خود اوست. ولی اگر فقط قیمت جنس را معین کند و بگوید این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتر فروختی مال خودت باشد هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد مال صاحب مال است و فروشنده فقط می تواند مزد زحمت و

کار خود را بگیرد.

مسئله ۱۴۵۵ اگر قصاب گوشت نر بفروشد و به جای آن گوشت ماده بدهد معصیت کرده است پس اگر گوشت را معین کرده و گفته این گوشت نر را می فروشم مشتری می تواند معامله را به هم بزند و اگر معین نکرده و مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود قصاب باید گوشت نر به او بدهد.

مسئله ۱۴۵۶ اگر مشتری به بزاز بگوید: پارچه ای می خواهم که رنگ آن نرود و بزاز پارچه ای بفروشد که رنگ آن برود مشتری می تواند معامله را به هم بزند.

مسئله ۱۴۵۷ قسم خوردن در معامله، اگر راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد حرام است.

احکام صلح

مسئله ۱۴۵۸ صلح آن است که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند، یا از طلب یا حق خود بگذرد که او هم در عوض مقداری از مال یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب یا حقی که دارد بگذرد. بلکه اگر بدون آنکه عوض بگیرد مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کند یا از طلب یا حق خود بگذرد باز هم صلح صحیح است.

مسئله ۱۴۵۹ دو نفری که چیزی را به یکدیگر صلح می کنند، باید بالغ و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و قصد صلح داشته باشند.

مسئله ۱۴۶۰ لازم نیست صیغه صلح را به عربی بخوانند بلکه با هر لفظی که بفهمانند با هم صلح و سازش کرده اند صحیح است.

مسئله ۱۴۶۱ اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را به دیگری

صلح کند در صورتی صحیح است که او قبول نماید، ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود بگذرد قبول کردن او لازم نیست.

مسئله ۱۴۶۲ اگر از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۶۳ اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می توانند صلح را به هم بزنند. و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را قرار داده باشند کسی که آن حق را دارد می تواند صلح را به هم بزند.

احکام اجاره

مسئله ۱۴۶۴ اجاره دهنده و کسی که چیزی را اجاره می کند باید مکلف و عاقل باشند و به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشند، پس سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید اگر چیزی را اجاره کند یا اجاره دهد صحیح نیست.

مسئله ۱۴۶۵ اگر ولی یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید اشکال ندارد. اما اگر مقداری از زمان بالغ شدن او را جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آنکه بچه بالغ شد می تواند بقیه اجاره را به هم بزند یعنی اجازه ندهد در این صورت اجاره صحیح نیست.

مسئله ۱۴۶۶ بچه صغیری را که ولی ندارد بدون اجازه مجتهد نمی شود اجیر کرد

و کسی که به مجتهد دسترسی ندارد می تواند از مؤمن که عادل باشد اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.

مسئله ۴۶۷ در اجاره لازم نیست صیغه عربی خوانده شود، بلکه اگر مالک به کسی بگوید ملک خود را به تو اجاره دادم و او بگوید قبول کردم اجاره صحیح است. و نیز اگر حرفی نزنند ولی مالک به قصد اینکه ملک را اجاره دهد آن را به مستأجر واگذار کند و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد اجاره صحیح می باشد.

مسئله ۴۶۸ اگر انسان برای انجام عملی اجیر شود همین که مشغول آن عمل شد اجاره صحیح است و خواندن صیغه اجاره لازم نیست.

مسئله ۴۶۹ زن می تواند برای آنکه از شیرش استفاده کنند اجیر شود و لازم نیست از شوهر خود اجازه بگیرد، ولی اگر به واسطه شیر دادن حق شوهر از بین برود بدون اجازه او نمی تواند اجیر شود بنا بر احتیاط.

مسئله ۴۷۰ استفاده ای که مال را برای آن اجاره می دهند سه شرط دارد:

اول – آنکه حلال باشد بنابراین اجاره دادن دکان برای شراب فروشی و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب باطل است.

دوم – اگر چیزی را که اجاره می دهند چند استفاده دارد استفاده ای را که مستأجر باید ببرد معین نمایند، مثلاً اگر حیوانی را که سواری می دهد و بار می برد اجاره می دهند; باید در موقع اجاره معین کنند سواری یا باربری آن، مال مستأجر است یا همه استفاده های آن.

سوم – مدت استفاده را معین نمایند و اگر مدت معلوم نباشد ولی عمل را معین کنند

مثلاً با خیاط قرار بگذارند که لباس معینی را به طور مخصوصی بدوزد کافی است.

مسئله ۴۷۱ خانه ای را که غریب و زوار در آن منزل می کننـد و معلوم نیست که چقدر در آن می مانند، اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی یک تومان بدهند و صاحب خانه راضی شود، استفاده از آن خانه اشکال ندارد.

و این معامله را اباحه به عوض می نامند و چنانچه در حین معامله بنا بگذارند تا هر وقت استفاده کنند بخواهد بماند نمی تواند او را بیرون کند.

مسئله ۴۷۲ اگر چیزی را کـه اجاره کرده از بیـن برود چنـانچه در نگهـداری آن کوتـاهی نکرده و در استفاده بردن از آن هم زیاده روی ننموده ضامن نیست. و نیز اگر مثلاً پارچه ای را که به خیاط داده از بین برود در صورتی که خیاط تقصیر نکرده و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد، لازم نیست عوض آن را بدهد.

مسئله ۴۷۳ چیزی را که صنعتگر گرفته اگر ضایع کنـد ضـامن است. در صورتی که تجاوز از حـد مـا ذون نموده، والّا ضامن نیست.

احکام حواله

مسئله ۴۷۴ اگر انسان طلبکـار خود را حواله بدهـد که طلب خود را از دیگری بگیرد و طلبکار قبول نمایـد بعـد از آنکه حواله درست شـد کسـی که به او حـواله شـده بـدهکار می شود و دیگر طلبکـار نمی توانـدطلبی را که دارد از بـدهکار اولی مطـالبه نماید.

مسئله ۴۷۵ بدهکار و طلبکار و کسـی که سر او حواله شده باید مکلف و عاقل باشـند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف

نکنند.

مسئله ۴۷۶ حواله دادن بر سر کسی که بدهکار نیست در صورتی صحیح است که او قبول نماید.

مسئله ۴۷۷ بعد از آنکه حواله درست شد حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی توانند حواله را به هم بزنند و هرگاه کسی که به او حواله شده در موقع حواله فقیر نباشد اگر چه بعداً فقیر شود طلبکار هم نمی تواند حواله را به هم بزند و همچنین است اگر موقع حواله فقیر باشد ولی طلبکار بداند که فقیر است اما اگر نداند که فقیر است و بعد بفهمد اگر چه در آن وقت مالدار شده باشد طلبکار می تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد.

مسئله ۴۷۸ اگر بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده یا یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهند مطابق قراری که گذاشته اند می توانند حواله را به هم بزنند.

احکام رهن

مسئله ۴۷۹ رهن آن است که بدهکار مقداری مال نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد طلبش را از آن مال به دست آورد.

مسئله ۴۸۰ در رهن لازم نیست صیغه بخوانند همین قدر که بدهکار مال خود را به قصد گرو به طلبکار بدهد و طلبکار به این قصد بگیرد رهن صحیح است.

مسئله ۴۸۱ گرو دهنده و کسی که مال را گرو می گیرد باید هر دو مکلف و عاقل باشند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

مسئله ۴۸۲ انسان مالی را می تواند گرو بگذارد

که شرعاً بتواند در آن تصرف کند.

و اگر مال کس دیگر را گرو بگذارد در صورتی صحیح است که صاحب مال اذن بدهد.

مسئله ۴۸۳ چیزی را که گرو می گذارند باید خرید و فروش آن صحیح باشد، پس اگر شراب و مانند آن را گرو بگذارند درست نیست.

مسئله ۴۸۴ منافع چیزی را که گرو می گذارند مال کسی است که آن را گرو گذاشته.

مسئله ۴۸۵ طلبکار نمی تواند مالی را که گرو گذاشته شده بدون اجازه بدهکار ملک کسی کند مثلاً ببخشد یا بفروشد. ولی اگر صاحب مال آن را ببخشد یا بفروشد و گرو گیرنده بگوید راضی هستم اشکال ندارد.

اما بدهکار می تواند بدون اجازه طلبکار ببخشد یا بفروشد، ولی حق الرهن از بین نمی رود و باقی است به همان چیز و خریدار اگر جاهل باشد خیار فسخ دارد.

مسئله ۴۸۶ اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد پول آن هم مثل خود مال گرو می باشد مگر آنکه حق الرهن اسقاط شده باشد که در این صورت به آن پول حقی ندارد.

مسئله ۴۸۷ اگر موقعی که باید بدهی خود را بدهد طلبکار مطالبه کند و او ندهد چنانچه طلبکار وکیل در بیع باشد می تواند مالی را که گرو برداشته بفروشد و طلب خود را بردارد و باید بقیه را به بدهکار بدهد.

و اگر وکیل نباشد به بدهکار مراجعه در بیع می کند و او را الزام می نماید.

و اگر قبول نکرد مراجعه به حاکم شرع می نماید تا حاکم او را مجبور نماید و اگر قبول نکرد حاکم از طرف او می فروشد یا

اجازه می دهد که طلبکار بفروشد.

احکام ضامن شدن

مسئله ۴۸۸ اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد ضامن شدن او در صورتی صحیح است که به هر لفظی اگر چه عربی نباشد یا به فعلی به طلبکار بگوید و یا بفهماند. من ضامن شده ام که طلب تو را بدهم و طلبکار هم رضایت خود را بفهماند، ولی راضی بودن بدهکار شرط نیست.

مسئله ۴۸۹ ضامن و طلبکار باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند ولی این شرطها در بدهکار نیست پس اگر کسی ضامن شود که بدهی بچه یا دیوانه را بدهد صحیح است.

مسئله ۴۹۰ هرگاه برای ضامن شدن خودش شرطی قرار دهد مثلاً بگوید: اگر بدهکار بدهی خود را نداد من می دهم ضامن شدن او باطل است. بنا بر احتیاط واجب.

ولی چنانچه ضمان مشروط نباشد اداء مشروط باشد ضمان صحیح است.

احکام کفالت

مسئله ۴۹۱ کفالت آن است که انسان ضامن شود که هر وقت طلبکار بدهکار را خواست به دست او بدهد و به کسی که این طور ضامن می شود کفیل می گویند.

مسئله ۴۹۲ کفالت در صورتی صحیح است که کفیل به هر لفظی اگر چه عربی نباشد یا به فعلی به طلبکار بگوید و بفهماند من ضامنم که هر وقت بدهکار خود را بخواهی به دست تو بدهم و طلبکار هم قبول نماید.

مسئله ۴۹۳ کفیل باید مکلف و عاقل باشد و او را در کفالت مجبور نکرده باشند و نیز باید بتواند بدهکار را حاضر نماید.

مسئله ۴۹۴ یکی از پنج چیز کفالت را به هم می زند:

اول – کفیل بدهکار را به دست طلبکار بدهد.

دوم – طلب طلبکار داده شود.

سوم – طلبکار از طلب خود بگذرد.

چهارم – بدهکار بمیرد.

پنجم – طلبکار کفیل را از کفالت آزاد کند.

مسئله ۴۹۵ اگر کسی به زور بدهکار را از دست طلبکار رها کند چنانچه طلبکار دسترسی به او نداشته باشد کسی که بدهکار را رها کرده باید او را به دست طلبکار بدهد یا طلب او را بدهد.

احکام مالی که انسان آن را پیدا می کند

مسئله ۴۹۶ مالی که انسان آن را پیدا می کند اگر نشانه ای نداشته باشد که به واسطه آن، صاحبش معلوم شود می تواند به قصد آنکه ملک خودش شود آن را بردارد.

مسئله ۴۹۷ اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از یک درهم که ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار است کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند که راضی است یا نه نمی تواند بدون اجازه او را بردارد.

و اگر صاحب آن معلوم نباشد می تواند به قصد اینکه ملک خودش شود بردارد و چنانچه عین مال باقی است هر وقت صاحبش پیدا شد آن را باید به او بدهد و اگر باقی نیست لازم نیست عوض آن را به او بدهد.

مسئله ۴۹۸ هرگاه چیزی پیدا کند که نشانه دارد و قیمتش به ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار می رسد، اگر چه بداند که صاحب آن سنّی یا کافری است که در پناه مسلمانان است، باید از روزی که آن را پیدا کرده تا یک سال اعلان کند.

و مقتضای احتیاط در کیفیت اعلان آن است که تا

یـک هفته روزی دو مرتبه بعـد تـا یـک مـاه هفته ای یک مرتبه بعـد تا یک سال ماهی یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند.

مسئله ۱۴۹۹ اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند می تواند به کسی که اطمینان دارد بگوید که از طرف او اعلان نماید.

مسئله ۱۵۰۰ اگر تا یک سال اعلان کنـد و صاحب مال پیـدا نشود می توانـد، برای او نگهـداری کنـد که هر وقت پیدا شد به او بدهد، یا برای خود بردارد به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد و یا از طرف صاحبش صدقه بدهد به قصد آنکه اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد عوض آن را به او بدهد.

مسئله ۱۵۰۱ اگر بعـد از آنکه یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیـدا نشـد مال را برای صاحبش نگهداری کند و از بین برود، در صورتی که در نگهـداری آن کوتـاهی نکرده و تعـدی و تقصـیر ننموده ضـامن نیست. و اگر از طرف صاحبش صـدقه داده باشـد، یا برای خودش برداشـته باشد در هر دو صورت اگر صاحبش پیدا شد و صدقه را قبول نکرد و مطالبه کرد باید مثل و یا قیمت آن را به صاحبش بدهد و ضامن است.

مسئله ۱۵۰۲ کسـی که مالی را پیدا کرده اگر عمداً به دسـتوری که گفته شده اعلان نکند گذشته از اینکه معصیت کرده باز هم واجب است اعلان نماید.

مسئله ۱۵۰۳ اگر در بین سالی که اعلان می کنـد مال از بین برود چنانچه در نگهـداری آن کوتاهی کرده یا تعـدی و تقصـیر در حفظ کرده باشد باید عوض آن را

به صاحبش بدهد و اگر کوتاهی و تقصیر نکرده چیزی بر او واجب نیست.

مسئله ۵۰۴ اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند چنانچه بداند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده در صورتی که آن شخص عمداً تبدیل نموده و یا اگر جهلًا بوده فعلًا متصرف در آن کفش است و دسترسی به او نیست، یا آنکه علم به رضایت او دارد می تواند به جای کفش خودش بردارد.

ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد.

و در صورتی که از پیدا شدن او ناامید شود باید زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد.

و اگر احتمال دهد کفشی که مانده مال کسی نیست که کفش او را برده پس اگر قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار کمتر است می تواند برای خودش بردارد و اگر بیشتر است باید تا یک سال اعلان کند و بعد از یک سال احتیاطاً از طرف صاحبش صدقه بدهد.

احکام نکاح – ازدواج – زناشویی

مسئله ۵۰۵ به واسطه عقد ازدواج زن به مرد حلال می شود.

و آن بر دو قسم است، دائم و غیر دائم، عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقد کنند زوجه دائمه می گویند، عقد غیر دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود مثلاً زن را به مدت یک ساعت، یا یک روز، یا یک ماه، یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که به

این قسم عقد کنند متعه و صیغه می نامند.

مسئله ۵۰۶ در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست.

و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند.

مسئله ۵۰۷ یک نفر می تواند برای خواندن صیغه عقد دائم و غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شود، ولی انسان نمی تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کند.

شرایط عقد ازدواج

مسئله ۵۰۸ عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول - آنکه بنا بر احتیاط به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، می توانند خودشان به غیر عربی بخوانند، اما باید لفظی بگویند که معنای «زَوَّجْتُ و قَبِلْتُ» را بفهماند.

دوم - مرد و زن یا وکیل آنان که صیغه را می خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند، زن به گفتن زوّجتک نفسی قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن قبلت التزویج زن بودن او را برای خود قبول نماید. و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می خوانند به گفتن زوّجت و قبلت قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند زن و شوهر شوند.

سوم - کسی که صیغه را می خواند بالغ و عاقل باشد، بلی عقد غیربالغ به اذن ولی صحیح است و نیز عقد او در صورت وکیل

در اجرای صیغه فقط بدون اذن ولی صحیح است.

چهارم - اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنان صیغه را می خوانند در عقد، زن و شوهر را معین کنند.

پنجم - زن و مرد به ازدواج راضی باشند، ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد که قلباً راضی است عقد صحیح است.

دستور خواندن عقد دائم

مسئله ۵۰۹ اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند، اول زن بگوید: زَوَّجْتُکَ نَفْسی عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُومْ یعنی خود را زن تو نموده به مهری که معین شده پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْیجْ یعنی قبول کردم ازدواج را صحیح است.

و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان صیغه عقد را بخواند، چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتی فاطمَهَ مُوَکِّلَکَ اَحْمَدَ عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُومْ پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی اَحْمَدَ عَلَی الصَّداقْ صحیح می باشد.

و بنا بر احتیاط غیر واجب باید لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد مثلاً اگر زن زَوَّجْتُ می گوید مرد هم قَبِلْتُ التَّزْویجْ بگوید.

دستور خواندن عقد غیر دائم

مسئله ۵۱۰ اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: زَوَّجْتُکَ نَفْسی فِی الْمُدَّهِ الْمَعْلُومَهِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومْ بعد بدون فاصله مرد بگوید قَبِلْتُ صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَتَّعْتُ مُوَکِّلَتی مُوَکِّلَکَ فِی الْمَّدهِ الْمَعْلومَهِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلوم بعد بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا صحیح می باشد.

احکام عقد

مسئله ۵۱۱ اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنای آن را عوض کند عقد باطل است.

مسئله ۵۱۲ کسی که دستور زبان عربی را نمی داند اگر قرائتش درست باشد و معنای هر کلمه عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد کند می تواند عقد را بخواند.

مسئله ۵۱۳ پدر و جد پدری می توانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود که به حال دیوانگی بالغ شده است ازدواج کنند. و بعد از آنکه بچه بالغ یا دیوانه عاقل گردید نمی تواند آن را به هم بزند.

مسئله ۵۱۴ دختر باکره ای که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، اگر بخواهد شوهر

کند، لازم نیست از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد و اختیار ازدواج با خود اوست.

مسئله ۵۱۵ اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می تواند عقد را به هم بزند: اول - دیوانگی. دوم - مرض خوره. سوم - مرض برص. چهارم - کوری. پنجم - زمین گیر بودن. ششم - راه بول

و حیض یا راه حیض و غایط او یکی شده باشد. هفتم - آنکه گوشت یا استخوانی در فرج او باشد که از جماع کردن جلوگیری کند.

مسئله ۵۱۶ اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش دیوانه است یا آلت مردی ندارد، یا مرضی دارد که نمی تواند جماع کند، یا تخم های او را کشیده اند می تواند عقد را به هم بزند.

مسئله ۵۱۷ مرد اگر بعد از عقد و عروسی هر وقت دیوانه شود زن می تواند عقد نکاح را فسخ نماید ولی زن اگر بعد از عقد و عروسی دیوانه شود مرد حق فسخ نکاح را ندارد.

مسئله ۵۱۸ اگر شخصی زنی را برای خود عقد نماید اگر چه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالاتر روند، به آن مرد محرم می شوند.

مسئله ۵۱۹ اگر زنی را برای خود عقد کند و با او نزدیکی نماید دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پائین روند چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند.

مسئله ۵۲۰ اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد; تا وقتی که آن زن در عقد او است نمی تواند با دختر او ازدواج کند. ولی اگر نزدیکی نکرده طلاق داد یا در متعه مدت سر آمد می تواند دختر او را بگیرد.

مسئله ۵۲۱ عمه و خاله پدر و خاله پدر پدر و عمه و خاله مادر و عمه و خاله مادر مادر هر چه بالا روند به انسان محرمند.

مسئله ۵۲۲ پدر و جد شوهر

هر چه بالا رونـد و پسـر و نوه پسـری و دختری او هر چه پایین آیند چه در موقع عقد باشـند یا بعداً به دنیا بیایند به زن او محرم هستند.

مسئله ۵۲۳ انسان نمی توانـد بـدون اجازه زن خود با خواهرزاده و برادرزاده او ازدواج کند، ولی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکال ندارد.

مسئله ۵۲۴ زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر در آید.

ولی مرد مسلمان می تواند با زن های اهل کتاب به طور دائم و صیغه کردن ازدواج نماید.

مسئله ۵۲۵ اگر با زن بی شوهری که در عـده نیست زنا کند بعداً می تواند آن زن را برای خود عقد نماید و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند.

مسئله ۵۲۶ مادر و خواهر و دختر پسر غیربالغی که لواط داده بر لواط کننده حرام است، چنانچه لواط کننده بالغ باشد. ولی اگر یقین نداشته باشند چه گمان داشته باشند که دخول شده یا شک کنند که دخول شده یا نه; بر او حرام نمی شود.

مسئله ۵۲۷ اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسـی ازدواج نمایـد و بعد از ازدواج و عروسـی با آن کس لواط کند آنان بر او حرام نمی شوند بنابر مشهور، ولی احتیاط ترک نشود.

مسئله ۵۲۸ زنی که صیغه شده، اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد.

مسئله ۵۲۹ زنی که صیغه شده حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد.

مسئله ۵۳۰ زنی که صیغه شده; می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود

ولی اگر به واسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین برود بیرون رفتن او حرام است.

مسئله ۵۳۱ اگر پدر یا جد پدری برای محرم شدن، یک ساعت یا دو ساعت زنی را به عقد پسر نابالغ خود در آورند کافی است. و نیز می تواند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن، به عقد کسی در آورد ولی باید آن عقد برای دختر نفعی داشته باشد.

مسئله ۵۳۲ اگر مرد مدت صیغه زن را ببخشد چنانچه با او جماع کرده باشد تمام چیزی را که قرار گذاشته باید به او بدهد و اگر جماع نکرده باید نصف آن را بدهد.

مسئله ۵۳۳ مرد می تواند زنی را که صیغه او بوده و او را رها کرده و هنوز عده اش تمام نشده به عقد دائم خود در آورد.

احکام نگاه کردن

مسئله ۵۳۴ نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم بالغه همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است.

و نگاه کردن به صورت و دست ها با قصد لذت حرام می باشد، و اگر بدون قصد لذت باشد جایز است.

و نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است. و اما نگاه کردن به مثل سر و موی آن و گردن و دست و ساق پا ظاهراً جایز است.

مسئله ۵۳۵ زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، و لازم نیست بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولو خوب و بد را می فهمد بپوشاند و پوشاندن صورت و دست ها لازم نیست.

مسئله ۵۳۶ نگاه کردن به عورت دیگری حتی عورت بچه ممیزی

که خوب و بد را می فهمد حرام است، اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مسئله ۵۳۷ مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

مسئله ۵۳۸ نگاه کردن به عکس زن نامحرم با قصد لذت حرام و بدون قصد لذت جایز است، ولی بهتر است به عکس زن نامحرمی که می شناسد نگاه نکند.

مسئله ۵۳۹ اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن تنها بتواند معالجه نماید نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه نماید نباید او را نگاه کند.

مسئله ۵۴۰ اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند و چاره ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

مسائل متفرقه زناشویی

مسئله ۵۴۱ کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می افتد واجب است زن بگیرد.

مسئله ۵۴۲ اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده نمی تواند عقد را به هم بزند، ولی تفاوت مهر بکر و ثیب را می گیرد.

مسئله ۵۴۳ ماندن مرد و زن نامحرم در اتاقی که کسی در آن نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود حرام نیست. چه به ذکر خدا مشغول باشند چه به صحبت دیگر، خواب باشند یا بیدار.

مسئله ۵۴۴

اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.

مسئله ۵۴۵ اگر زن انسان از شوهر دیگرش دختری داشته باشد انسان می تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند می تواند با مادر آن دختر ازدواج کند.

مسئله ۵۴۶ اگر زنی از زنا آبستن شود در صورتی که خود آن زن با مردی که با او زنا کرده یا هر دو آنان مسلمان باشند برای آن زن جایز نیست که بچه را سقط کند.

مسئله ۵۴۷ زن های سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زن هایی که سیده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند و اگر زن بگوید یائسه ام و یا شوهر ندارم، یا عده ندارم حرف او قبول می شود. ولی اگر زن قبلاً شوهر داشته و ادعای مردن شوهر یا طلاق بنماید و زن در دعوی خود متهمه باشد، در این صورت بنا بر احتیاط نباید حرف او را بدون تفحص از حالش قبول کرد.

مسئله ۵۴۸ مستحب است در شوهر دادن دختری که مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق(ع) فرمودند: یکی از سعادت های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند.

احکام شیر دادن

مسئله ۵۴۹ اگر زنی بچه ای را با شرایطی که در مسئله ۵۶۰ گفته خواهد شد شیر دهد، آن بچه به این عده محرم می شود:

اول - خود زن شیر دهنده

و او را مادر رضاعی می گویند.

دوم – شوهر زن که شیر مال او است و او را پدر رضاعی می گویند.

سوم – پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.

چهارم – بچه هایی که از آن زن به دنیا آمده اند یا به دنیا می آیند.

پنجم – بچه های اولاد آن زن هر چه پایین روند چه از اولاد او به دنیا آمده یا اولاد او آن بچه ها را شیر داده باشند.

ششم – خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند یعنی به واسطه شیر خوردن خواهر و برادر آن زن شده باشند.

هفتم – عمو و عمه آن زن اگر چه رضاعی باشند.

هشتم – دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.

نهم – اولاد شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است هر چه پایین روند اگر چه اولاد رضاعی او باشند.

دهم – پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است هر چه بالا روند.

یازدهم – خواهر و برادر شوهری که شیر مال او است اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.

دوازدهم – عمو و عمه و دایی و خاله شوهری که شیر مال او است هر چه بالا روند اگر چه رضاعی باشند و نیز عده دیگری هم که در مسائل بعد گفته می شوند به واسطه شیر دادن محرم می شوند.

مسئله ۵۵۰ اگر زنی بچه ای را با شرایطی که در مسئله ۵۶۲ گفته می شود شیر دهد پدر آن بچه نمی تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده اند ازدواج

نماید و نیز نمی تواند دخترهای شوهری را که شیر مال او است برای خود عقد کند اگر چه دخترهای رضاعی او باشند، بنا بر احتیاط واجب با دخترهای رضاعی آن زن ازدواج ننماید.

مسئله ۵۵۱ اگر زنی بچه ای را با شرایطی که در مسئله ۵۶۲ گفته می شود شیر دهد شوهر آن زن که صاحب شیر است به خویشان آن بچه محرم نمی شود و نیز خویشان شوهر به خواهر و برادر آن بچه محرم نمی شوند.

مسئله ۵۵۲ اگر زنی بچه ای را شیر دهد به برادرهای آن بچه محرم نمی شود و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده محرم نمی شوند.

مسئله ۵۵۳ اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی کند دیگر نمی تواند با دختری که از آن زن شیر کامل خورده ازدواج کند.

مسئله ۵۵۴ اگر دختری را برای خود عقد کند، دیگر نمی تواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده ازدواج نماید.

مسئله ۵۵۵ انسان نمی تواند با دختری که مادر یا مادربزرگ انسان او را شیر کامل داده ازدواج نماید.

مسئله ۵۵۶ اگر زن پدر انسان از شیر پدر او دختری را شیر کامل بدهد انسان نمی تواند با آن دختر ازدواج نماید.

مسئله ۵۵۷ اگر دختر شیرخواری را برای خود عقد کند بعد مادر یا مادربزرگ یا زن پدر او آن دختر را شیر دهد عقد باطل می شود.

مسئله ۵۵۸ با دختری که خواهر یا زن برادر انسان از برادر انسان او را شیر کامل داده نمی شود ازدواج کرد.

مسئله ۵۵۹ اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد، آن دختر

به شوهر خود حرام می شود.

و همچنین است اگر بچه ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد.

مسئله ۵۶۰ اگر بچه پسر خود را شیر دهد زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی شود.

مسئله ۵۶۱ اگر زن پدر دختری بچه شوهر آن دختر را شیر دهد به شوهر خود حرام می شود، چه بچه از همان دختر یا از زن دیگر شوهر او باشد.

شرایط شیردادنی که علت محرم شدن است

مسئله ۵۶۲ شیردادنی که علت محرم شدن است چند شرط دارد:

اول – شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه دیگر بدهند آن بچه به کسی محرم نمی شود.

دوم – بچه شیر را از پستان بمکد پس اگر شیر را در گلوی او بریزند نتیجه ندارد.

سوم – شیر، خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد.

چهارم – شیر از یک شوهر باشد پس اگر زن شیردهی را طلاق دهند بعد شوهر دیگر کند و از او آبستن شود و تا موقع زاییدن شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش از زاییدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زاییدن از شیر شوهر دوم به بچه ای بدهد آن بچه به کسی محرم نمی شود.

پنجم – بچه به واسطه مرض شیر را قی نکند، و اگر قی کند بنا بر احتیاط لازم کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می شوند باید با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او ننمایند.

ششم – دو سال بچه تمام نشده باشد

پس اگر مثلاً پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن، یک مرتبه شیر بخورد به کسی محرم نمی شود ولی چنانچه از موقع زاییدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد آن بچه به کسانی که گفته شد حرام و محرم می شود.

هفتم - پانزده مرتبه یا یک شبانه روز به طوری که در مسئله بعد گفته می شود شیر سیر بخورد یا مقداری شیر بخورد که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است.

مسئله ۵۶۳ باید بچه در بین یک شبانه روز غذا یا شیر کس دیگر را نخورد، ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین، غذا خورده اشکال ندارد و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر یک زن بخورد و در بین پانزده مرتبه شیر کس دیگر را نخورد و در هر دفعه بدون فاصله شیر بخورد، بلی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند یا کمی صبر کند که از اولی که پستان در دهان می گیرد تا وقتی که سیر می شود یک دفعه حساب شود اشکال ندارد.

مسئله ۵۶۴ اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد بعد شوهر دیگر کند و از آن شیر آن شوهر هم بچه دیگر را شیر دهد آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی شوند اگر چه بهتر است که احتیاطاً با هم ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به یکدیگر ننمایند.

مسئله ۵۶۵ اگر زن از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد همه آنان

به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده محرم می شوند.

مسئله ۲۵۶۶ اگر کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرایطی که در مسئله ۲۵۶۲ گفته شد بچه ای را شیر دهد همه آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زن ها محرم می شوند.

مسئله ۲۵۶۷ اگر کسی دو زن شیرده داشته باشد و یکی از آن دو بچه ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر دهد آن بچه به کسی محرم نمی شود.

مسئله ۲۵۶۸ اگر زنی از شیر یک شوهر پسر و دختری را شیر دهد خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی شوند.

مسئله ۲۵۶۹ انسان نمی تواند بدون اذن زن خود با خواهرزاده یا برادرزاده رضاعی( ) زن ازدواج نماید.

و نیز اگر با پسری لواط کند لازم است که دختر و خواهر و مادر و مادربزرگ رضاعی آن پسر را برای خود عقد نکند.

مسئله ۲۵۷۰ اگر زن از شیر شوهر خود کسانی را که بعداً گفته می شود شیر دهد شوهرش بر او حرام نمی شود. اول - برادر و خواهر خود را. دوم - عمو و عمه و دایی و خاله خود را. سوم - اولاد عمو و اولاد دایی خود را. چهارم - برادرزاده خود را. پنجم - برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را. ششم - خواهرزاده خود یا خواهرزاده شوهرش را. هفتم - عمو و عمه و دایی و خاله شوهرش را. هشتم - نوه زن دیگر شوهر خود را.

مسئله ۲۵۷۱ اگر به واسطه شیر

دادن حق شوهر از بین نرود زن می تواند بدون اجازه شوهر بچه کس دیگر را شیر دهد، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به او بر شوهر خود حرام شود، مثلاً اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد خودش مادر زن شوهر می شود و بر او حرام می گردد.

مسئله ۵۷۲ اگر کسی بخواهد زن برادرش به او محرم شود باید دختر شیرخواری را مثلاً دو روز برای خود صیغه کند و در آن دو روز با شرایطی که در مسئله ۵۵۸ گفته شد زن برادرش آن دختر را شیر دهد.

احکام طلاق

مسئله ۵۷۳ مردی که زن خود را طلاق می دهد باید کمتر از ده سال نداشته باشد بلکه بنا بر احتیاط بالغ باشد، و باید عاقل باشد، و به اختیار خود طلاق دهد پس اگر مجبورش کنند که زن خود را طلاق دهد طلاق باطل است.

و نیز باید قصد طلاق داشته باشد پس اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست.

مسئله ۵۷۴ در طلاق رضایت زن شرط نیست بلکه علم او هم شرط نیست و در خفای او می شود طلاق داد اگر شرایط طلاق موجود باشد.

مسئله ۵۷۵ زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و تفصیل این دو شرط در مسائل آینده گفته می شود.

مسئله ۵۷۶ طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

اول – شوهرش

بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

دوم – معلوم باشد که آبستن است و اگر معلوم نباشد و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد بعد بفهمد که آبستن بوده طلاق صحیح است.

سوم – مرد به واسطه غایب بودن نتواند بفهمد که زن از خون حیض یا نفاس پاک است یا نه و بنا بر احتیاط یک ماه از وقت جماع گذشته باشد.

مسئله ۵۷۷ اگر کسی با عیالش که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و بخواهد طلاقش دهد باید صبر کند تا دوباره حیض ببیند و پاک شود. ولی زن یائسه( ) و زنی را که نه سالش تمام نشده، یا آبستن است بعد از نزدیکی هم می شود طلاق داد.

مسئله ۵۷۸ اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کند و مسافرت نماید و بخواهد در سفر طلاقش دهد باید به قدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی خون می بیند و دوباره پاک می شود صبر کند.

مسئله ۵۷۹ اگر مرد بخواهد زن خود را که به واسطه مرضی حیض نمی بیند طلاق دهد باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از جماع با او خودداری نماید و بعد او را طلاق دهد.

مسئله ۵۸۰ طلاق باید به صیغه عربی معین که بعد ذکر می شود صحیح خوانده شود و دو مرد عادل آن را بشنوند.

و اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه باشد، باید بگوید: زَوْجَتی فاطِمَةُ طالِق یعنی زن من فاطمه رها است و اگر دیگری را وکیل کند، آن وکیل باید

بگوید: زَوْجَهُ مُوَکِّلی فاطِمَهُ طالِق.

مسئله ۵۸۱ زنی که صیغه شده مثلاً یک ماهه یا یکساله او را عقد کرده اند طلاق ندارد و رها شدن او به این است که مدتش تمام شود یا مرد مدت را به او ببخشد به این ترتیب که بگوید: مدت را به تو بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض لازم نیست.

عده طلاق

مسئله ۵۸۲ زنی که، نه سالش تمام شده و یائسه نیست، اگر شوهرش با او نزدیکی کند و طلاقش دهد بعد از طلاق باید عده نگهدارد یعنی بعد از آنکه در پاکی طلاقش داد به قدری صبر کند که دو بار حیض ببیند و پاک شود و همین که حیض سوم را دید عده او تمام می شود و می تواند شوهر کند.

مسئله ۵۸۳ زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده عده ندارد یعنی بعد از طلاق می تواند فوراً شوهر کند.

مسئله ۵۸۴ زنی که نه سالش تمام نشده و زن یائسه( ) عده ندارند یعنی اگر چه شوهرانشان با آنان نزدیکی کرده باشند بعد از طلاق می توانند فوراً شوهر کنند.

مسئله ۵۸۵ زنی که حیض نمی بیند اگر در سن زن هایی باشد که حیض می بینند چنانچه شوهرش او را طلاق دهد باید بعد از طلاق تا سه ماه عده نگهدارد.

مسئله ۵۸۶ اگر زن آبستن را طلاق دهند عده اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه او است، بنابراین اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق بچه او به دنیا آید عده اش تمام می شود.

و اگر قبل از بچه به دنیا آمدن مدت عده غیر حامله بگذرد عده اش

تمام می شود.

مسئله ۵۸۷ زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست اگر صیغه شود مثلاً یک ماهه یا یک ساله شوهر کند و شوهرش با او نزدیکی نماید چنانچه مدت آن زن تمام شود یا شوهر مدت را به او ببخشد باید عده نگهدارد پس اگرحیض می بیند باید به مقدار دو حیض عده نگهدارد و شوهر نکند و اگر حیض نمی بیند چهلوپنج روز از شوهر کردن خودداری نماید.

عده زنی که شوهرش مرده

مسئله ۵۸۸ زنی که شوهرش مرده، اگر آبستن نباشد باید تا چهار ماه و ده روز عده نگهدارد یعنی از شوهر کردن خودداری نماید، اگر چه صغیره یا یائسه یا صیغه باشد یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد و اگر آبستن باشد باید تا موقع زاییدن عده نگهدارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز بچه اش به دنیا آید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند و این عده را عده وفات می گویند.

مسئله ۵۸۹ زنی که در عده وفات می باشد حرام است لباس الوان بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب می شود بر او حرام است.

طلاق بائن و طلاق رجعی

مسئله ۵۹۰ طلاق بائن آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند یعنی بدون عقد او را به زنی قبول نماید و آن بر پنج قسم است:

اول – طلاق زنی که نه سالش تمام نشده باشد.

دوم – طلاق زنی که یائسه باشد.

سوم – طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

چهارم – طلاق سوم زنی که او را سه دفعه طلاق داده اند.

پنجم – طلاق خلع و مبارات( ).

و غیر اینها طلاق رجعی است که بعد از طلاق تا وقتی زن در عده است مرد می تواند به او رجوع نماید.

مسئله ۵۹۱ کسی که زنش را طلاق رجعی داده حرام است او را از خانه ای که موقع طلاق در آن بوده بیرون کند، مگر آنکه او را منتقل کند به خانه مناسب او که در این

صورت و در بعضی از مواقع مثل آنکه اتیان به فاحشه نماید که موجب حد شود و موارد دیگری که در کتاب های مفصل گفته شده که بیرون کردن او اشکال ندارد، و نیز حرام است زن برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود مگر با اذن شوهر.

مسئله ۵۹۲ در طلاق رجعی مرد به سه قسم می تواند به زن خود رجوع کند:

اول – حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است.

دوم – کاری کند که آن کار دلالت بر قصد رجوع کند.

سوم – نزدیکی کردن به آن رجوع محقق می شود ولو قصد رجوع نداشته باشد.

مسئله ۵۹۳ برای رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد یا به زن خبر دهد بلکه اگر بدون اینکه کسی بفهمد بگوید به زنم رجوع کردم صحیح است.

مسئله ۵۹۴ اگر زنی را دو بار طلاق دهد و به او رجوع کند یا دو بار طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند بعد از طلاق سوم آن زن بر او حرام است، ولی اگر بعد از طلاق سوم به دیگری شوهر کند با پنج شرط به شوهر اول حلال می شود یعنی می تواند آن زن را عقد نماید: اول – عقد شوهر دوم همیشگی باشد و اگر مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را صیغه کند بعد از آنکه از او جدا شد شوهر اول نمی تواند او را عقد کند.

دوم – شوهر دوم با او جماع کند.

سوم – شوهر دوم طلاقش دهد یا بمیرد.

چهارم – عده طلاق یا عده وفات

شوهر دوم تمام شود.

پنجم - شوهر دوم بالغ باشد.

احکام متفرقه طلاق

مسئله ۵۹۵ اگر با زن نامحرمی به گمان اینکه عیال خود او است نزدیکی کند چه زن بداند که او شوهرش نیست یا گمان کند که شوهرش می باشد باید عده نگهدارد.

مسئله ۵۹۶ اگر با زنی که می داند عیالش نیست زنا کند، چه زن بداند که آن مرد شوهر او نیست، یا گمان کند شوهرش می باشد عده لازم ندارد.

مسئله ۵۹۷ زنی که شوهرش گم شده اگر بخواهد شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل نماید.

مسئله ۵۹۸ اگر پدر یا جد پدری برای طفل خود زنی را صیغه کند، در صورتی که صلاح باشد می تواند مدت آن زن را ببخشد.

ولی زن دائمی او را نمی تواند طلاق دهد.

مسئله ۵۹۹ پدر و جد پدری دیوانه می توانند زن او را طلاق دهند.

مسئله ۶۰۰ اگر از روی علاماتی که در شرع معین شده، مرد دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنان طلاق دهد، دیگری که آنان را فاسق بداند مشکل است بتواند آن زن را بعد از تمام شدن عده اش برای خود یا برای دیگری عقد نماید و احتیاط لازم در ترک آن است. بلی اگر کسی نمی داند آنان عادلند یا نه می تواند آن زن را بعد از تمام شدن عده اش برای خود یا کسی دیگر عقد کند.

احکام وصیّت

مسئله ۶۰۱ وصیّت عبارت است از عهد و پیمان انسان راجع به انجام امور بعد از مرگش، مثل اینکه تملیک کند مالی را به غیر معلق به موت، یا سفارش کند که بعد از موت تملیک کنند، یا سفارش انجام کاری بکند بعد

از مرگش، یا قیّم و سرپرست معین نماید برای اولادش و کسی را که به او وصیّت می کنند وصیّ می گویند.

مسئله ۶۰۲ وصیّ باید مسلمان و بالغ در صورتی که به تنهایی وصیّ قرار داده شود، عاقل و مورد اطمینان باشد.

مسئله ۶۰۳ وصیّت کننده باید بالغ باشد بلی وصیّت صبی ده ساله اگر عاقل و در وجوه معروف باشد صحیح است و نیز وصیت کننده باید عاقل باشد و از روی اختیار وصیّت کند و نیز باید سفیه نباشد یعنی مال خود را در بیهوده مصرف نکند.

مسئله ۶۰۴ کسی که نمی تواند حرف بزند با اشاره ای که مقصودش را بفهماند برای هر کاری می تواند وصیّت کند بلکه بنا بر اقوی کسی هم که می تواند حرف بزند اگر با اشاره مقصودش را بفهماند وصیّت کند صحیح است.

مسئله ۶۰۵ اگر نوشته ای به امضاء یا مهر میّت ببینند در صورتی که مقصود او را بفهماند و معلوم باشد که برای وصیّت کردن نوشته باید مطابق آن عمل کنند.

مسئله ۶۰۶ اگر انسان وصیّت کند که چیزی به کسی بدهند در صورتی آن کس آن چیز را مالک می شود که بعد از مردن وصیّت کننده آن را به او بدهند و او رد ننماید، و قبول لازم نیست.

مسئله ۶۰۷ وقتی انسان نشانه های مرگ را در خود دید باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانشان برگرداند و اگر به مردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده باید بدهد.

و اگر خودش نمی تواند بدهد، یا موقع دادن بدهی او نرسیده باید وصیّت کند و بر وصیّت شاهد بگیرد، ولی اگر

بدهی او معلوم باشد وصیّت کردن لازم نیست.

مسئله ۶۰۸ کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، اگر خمس و زکات و مظالم بدهکار است باید فوراً بدهد و اگر نمی تواند بدهد در صورتی که از خودش مال دارد یا احتمال می دهد که کسی آنها را اداء نماید، باید وصیّت کند و همچنین است اگر حج بر او واجب باشد.

مسئله ۶۰۹ کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند اگر نماز و روزه قضا دارد باید وصیّت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی اگر احتمال بدهد که کسی بدون اینکه چیزی بگیرد آنها را انجام می دهد باز هم واجب است وصیّت نماید و اگر قضای نماز و روزه او بر پسر بزرگش واجب باشد( )باید به او اطلاع دهد یا وصیّت کند که برای او به جا آورند.

مسئله ۶۱۰ کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند اگر مالی پیش کسی دارد یا در جایی پنهان کرده است که ورثه نمی دانند و به واسطه ندانستن، حقشان از بین می رود باید به آنان اطلاع دهد. و لازم نیست برای بچه های خود قیّم و سرپرست معین کند. ولی در صورتی که بدون قیّم مالشان از بین می رود یا خودشان ضایع می شوند باید برای آنان قیّم امینی معین نماید.

مسئله ۶۱۱ اگر انسان از وصیّت خود برگردد مثلاً بگوید ثلث مالش را به کسی بدهند بعد بگوید به او ندهند وصیّت باطل می شود.

و اگر وصیّت خود را تغییر دهد مثلاً قیّمی برای بچه های خود

معین کند بعد دیگری را به جای او قیّم نماید وصیّت اولش باطل می شود و باید به وصیّت دوم او عمل نمایند.

مسئله ۶۱۲ اگر کاری کند که معلوم شود از وصیّت خود برگشته مثلاً خانه ای را که وصیّت کرده به کسی بدهند بفروشد وصیّت باطل می شود.

مسئله ۶۱۳ اگر انسان بفهمد کسی او را وصیّ کرده و به اطلاع وصیّت کننده برسانند که برای انجام وصیّت حاضر نیست، لازم نیست بعد از مردن او به وصیّت عمل کند. ولی اگر پیش از مردن او نفهمد یا بفهمد و به او اطلاع ندهد که برای عمل کردن به وصیّت حاضر نیست در صورتی که مشقت نداشته باشد باید وصیّت را انجام دهد.

و همچنین اگر پیش از مرگ، موقعی ملتفت شود که مریض به واسطه شدت مرض نتواند به دیگری وصیّت کند در صورتی که مشقت نداشته باشد باید وصیّت را قبول نماید.

مسئله ۶۱۴ حجی که بر میّت واجب است و بدهکاری و حقوق مثل خمس و زکات و مظالم که اداء کردن آنها واجب می باشد باید از اصل مال میّت بدهند.

مسئله ۶۱۵ اگر مال میّت از بدهی و حج واجب و حقوقی که مثل خمس و زکات و مظالم بر او واجب است زیاد بیاید چنانچه وصیّت کرده باشد که ثلث یا مقداری از ثلث را به مصرفی برسانند باید به وصیّت او عمل کنند و اگر وصیّت نکرده باشد آنچه می ماند مال ورثه است.

مسئله ۶۱۶ اگر مصرفی را که میّت معین کرده از ثلث مال او بیشتر باشد وصیّت او در بیشتر از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه

حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود انجام دادن وصیّت را اجازه داده اند و تنها راضی بودن آنان کافی نیست و اگر مدتی بعد از مردن او هم اجازه بدهند صحیح است.

مسئله ۶۱۷ اگر مصرفی را که میّت معین کرده از ثلث مال او بیشتر باشد و پیش از مردن او ورثه اجازه بدهند که وصیتش عملی شود بعد از مردنش نمی توانند از اجازه خود برگردند.

مسئله ۶۱۸ اگر وصیّت کند که از ثلث او خمس و زکات یا بدهی دیگر او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم مثل اطعام به فقرا انجام دهند باید اول بدهی او را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و اگر از آن هم زیاد آمد مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند ولی اگر ثلث مال او فقط به اندازه بدهی او باشد ورثه هم اجازه ندهند که بیشتر از ثلث مال مصرف شود وصیّت برای نماز و روزه و کارهای مستحبی باطل است.

ولی باید نماز و روزه را از اصل مال بدهند.

مسئله ۶۱۹ اگر وصیّت کند که بدهی او را بدهند و برای نماز و روزه مستحبی او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم انجام دهند چنانچه وصیّت نکرده باشد که اینها را از ثلث بدهند باید بدهی را از اصل مال بدهند و اگر چیزی زیاد آمد ثلث آن را به مصرف نماز و روزه و کارهای مستحبی که معین کرده برسانند و در صورتی که ثلث کافی نباشد، پس اگر ورثه اجازه بدهند باید وصیّت

او انجام داده شود و اگر اجازه ندهند باید نماز و روزه را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد به مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند.

مسئله ۶۲۰ اگر وصیّت کند که چیزی به کسی بدهند و آن کس پیش از آنکه قبول کند یا ردّ نماید بمیرد تا وقتی ورثه او وصیّت را ردّ نکرده اند می توانند آن چیز را قبول نمایند، ولی این در صورتی است که وصیّت کننده از وصیّت خود برنگردد وگرنه حقی به آن چیز ندارند.

احکام ارث

احکام ارث

مسئله ۶۲۱ کسانی که به واسطه خویشاوندی ارث می برند سه دسته اند:

دسته اول - پدر و مادر و اولاد میّت و با نبودن اولاد، اولاد اولاد هر چه پایین روند هر کدام آنان که به میّت نزدیکتر است ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته دوم ارث نمی برند.

دسته دوم - جدّ یعنی پدربزرگ و جدّه یعنی مادربزرگ و خواهر و برادر و با نبودن برادر و خواهر، اولاد ایشان هر چه پایین روند هر کدام آنان که به میّت نزدیکتر است ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته سوم ارث نمی برند.

دسته سوم - عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است و تا یک نفر از عموها و عمه ها و دایی ها و خاله های میّت زنده اند، اولاد آنان ارث نمی برند.

ولی اگر میّت عموی پدری و پسر عموی پدر و مادری داشته باشد، ارث به پسر عموی پدر و مادری می رسد و عموی پدری ارث نمی برد.

مسئله ۶۲۲ اگر

عمو و عمه و دایی و خاله خود میّت و اولاد آنان و اولاد اولاد آنان نباشند عمو و عمه و دایی و خاله پدر و مادر میّت ارث می برند و اگر اینها نباشند اولادشان ارث می برند و اگر اولاد نداشته باشند عمو و عمه و دایی و خاله جدّ و جدّه میّت و اگر اینها هم نباشند ارث به اولادشان می رسد.

ارث دسته اول

مسئله ۶۲۳ اگر وارث میّت فقط یک نفر از دسته اول باشد مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر باشد همه مال میّت به او می رسد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند همه مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر یک پسر و یک دختر باشند مال را سه قسمت می کنند دو قسمت را پسر و یک قسمت را دختر می برد و اگر چند پسر و چند دختر باشند مال را طوری قسمت می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله ۶۲۴ اگر وارث میّت فقط پدر و مادر او باشند مال سه قسمت می شود، دو قسمت را پدر و یک قسمت را مادر می برد، ولی اگر میّت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد که همه آنان پدری باشند یعنی پدر آنان با پدر میّت یکی باشد خواه مادرشان هم با مادر او یکی باشد یا نه اگر چه تا میّت پدر و مادر دارد اینها ارث نمی برند اما به واسطه بودن اینها مادر، شش یک مال را می برد و بقیه را به پدر می دهند.

مسئله

۱۶۲۵ اگر وارث میّت فقط پدر و مادر و یک دختر باشند، چنانچه میّت دو برادر، یا چهار خواهر، یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، مال را شش قسمت می کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت می برد و یک قسمت باقیمانده را چهار قسمت می کنند: یک قسمت را به پدر و سه قسمت را به دختر می دهند، بنابراین اگر مال میّت را بیستوچهار قسمت کنند; پانزده قسمت آن را دختر و پنج قسمت را پدر و چهار قسمت دیگر را مادر می برد، ولی اگر میّت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و خواهر پدری نداشته باشد مال را پنج قسمت می کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را می برد.

مسئله ۱۶۲۶ اگر وارث میّت فقط پدر و مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و پسر چهار قسمت آن را می برد. ولی اگر چند پسر یا چند دختر باشند آن چهار قسمت به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر پسر و دختر باشند آن چهار قسمت را طوری تقسیم می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله ۱۶۲۷ اگر وارث میّت فقط پدر و یک پسر یا مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر و پنج قسمت را پسر می برد. ولی اگر وارث فقط پدر و یک دختر یا مادر و یک دختر باشند مال

را چهار قسمت می کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر و بقیه را به دختر می دهند.

مسئله ۶۲۸ اگر وارث میّت فقط پدر یا مادر با پسر و دختر باشند مال را شش قسمت می کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر می برد و بقیه را طوری قسمت می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله ۶۲۹ اگر وارث میّت فقط پدر و چند دختر یا مادر و چند دختر باشد مال را پنج قسمت می کنند یک قسمت را پدر یا مادر می برد و چهار قسمت را دخترها به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند.

مسئله ۶۳۰ اگر میّت اولاد نداشته باشد نوه پسری او اگر چه دختر باشد سهم پسر میّت را می برد و نوه دختری او اگر چه پسر باشد سهم دختر میّت را می برد مثلاً اگر میّت یک پسر از دختر خود و یک دختر از پسرش داشته باشد مال را سه قسمت می کنند یک قسمت را به پسر دختر و دو قسمت را به دختر پسر می دهند.

ارث دسته دوم

مسئله ۶۳۱ دسته دوم از کسانی که به واسطه خویشاوندی ارث می برند جدّ یعنی پدربزرگ و جدّه یعنی مادربزرگ و برادر و خواهر میّت است و اگر میّت برادر و خواهر نداشته باشد اولادشان ارث می برند.

مسئله ۶۳۲ اگر وارث میّت فقط یک برادر یا یک خواهر باشد همه مال به او می رسد و اگر چند برادر پدری و مادری، یا چند خواهر پدر و مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر برادر و خواهر

پـدری و مـادری بـا هم باشـند هر برادر دو برابر خواهر می برد. مثلاًـ اگر دو برادر و یـک خواهر پـدر و مـادری دارد مـال پنج قسمت می شود هر یک از برادرها دو قسمت و خواهر یک قسمت آن را می برد.

مسئله ۶۳۳ اگر میّت برادر و خواهر پدر و مادری داشته باشد برادر و خواهر پدری که از مادر با میّت جدا است ارث نمی برد.

مسئله ۶۳۴ اگر میّت برادر و خواهر پدر و مادری نداشته باشد و فقط یک خواهر یا یک برادر پدری داشته باشد همه مال به او می رسد و اگر چند برادر یا چند خواهر پدری داشـته باشد مال به طور مساوی بین آنان قسـمت می شود و اگر هم برادر و هم خواهر پدری داشته باشد هر برادری دو برابر خواهر می برد.

مسئله ۶۳۵ اگر وارث میّت فقط یک برادر یا یک خواهر مادری باشـد که از پـدر با میّت جـدا است همه مال به او می رسـد و اگر چند برادر مادری یا چند خواهر مادری یا چند برادر و خواهر مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۶۳۶ اگر میّت برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری و یک برادر یا یک خواهر مادری داشته باشد برادر و خواهر پـدری ارث نمی برنـد و مال را شـش قسـمت می کننـد یک قسـمت آن را به برادر یا خواهر مادری و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می دهند و هر برادری دو برابر خواهر می برد.

مسئله ۶۳۷ اگر میّت برادر و خواهر پدر و

مادری و برادر و خواهر پـدری و برادر و خواهر مادری داشـته باشـد، برادر و خواهر پـدری ارث نمی برند و مال را سه قسـمت می کنند یک قسـمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می دهند و هر برادری دو برابر خواهر می برد.

مسئله ۶۳۸ اگر وارث میّت فقط یک جـدّ یا یک جـدّه است چه پـدری باشـد چه مادری همه مال به او می رسد و با بودن جدّ میّت پدر جدّ او ارث نمی برد.

مسئله ۶۳۹ اگر وارث میّت فقط جدّ و جدّه پدری باشـند مال سه قسـمت می شود دو قسـمت آن را جدّ و یک قسـمت را جدّه می برد و اگر جدّ و جدّه مادری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۶۴۰ اگر وارث میّت فقط یک جدّ یا جدّه پدری و یک جدّ یا جدّه مادری باشـند مال سه قسـمت می شود دو قسـمت را جدّ یا جدّه پدری و یک قسمت را جدّ و جدّه مادری می برد.

ارث دسته سوم

مسئله ۶۴۱ دسته سوم عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است به تفصیلی که در مسئله ۶۲۱ گفته شد که اگر از طبقه اول و دوم کسی نباشد اینها ارث می برند.

مسئله ۶۴۲ اگر وارث میّت فقط یک عمو یا یک عمه است چه پدر و مادری باشد یعنی با پدر میّت از یک پدر و مادر باشد یا پدری باشد یا مادری مال به او می رسد.

مسئله ۶۴۳ اگر وارث میّت چند

عمو یا چند عمه باشند و همه پدر و مادری یا همه پدری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۶۴۴ اگر وارث میّت عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشند عمو دو برابر عمه می برد مثلاً اگر وارث میّت دو عمو و یک عمه باشد مال پنج قسمت می شود، یک قسمت را عمه می برد و چهار قسمت را عموها به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند.

مسئله ۶۴۵ اگر وارث میّت فقط چند عموی مادری یا چند عمه مادری یا عمو و عمه مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

ارث زن و شوهر

مسئله ۶۴۶ اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد نصف همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگرش اولاد داشته باشد چهار یک همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند.

مسئله ۶۴۷ اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد چهار یک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد هشت یک مال را زن و بقیه را ورثه دیگر می برند.

ولی زن از زمین و از قیمت آن ارث نمی برد، چه زمین خانه باشد و چه زمین باغ و زراعت و زمین های دیگر باشد و بهتر آن است که در زمین غیر خانه سایر ورثه رضایت او را تحصیل نمایند احتیاطاً و از خود هوایی خانه مانند ساختمان و درخت ارث نمی برد و از قیمت آنها

ارث می برد و همچنین از خود درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمین های دیگر است ارث نمی برد اما از قیمت آنها ارث می برد.

مسئله ۱۶۴۸ اگر زن بخواهد در زمین و چیزهای دیگری که از آنها ارث می برد تصرف کند باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد. و اگر پیش از دادن سهم زن آنها را بفروشند معامله صحیح است و اجازه زن شرط صحت معامله نیست.

مسئله ۱۶۴۹ اگر بخواهند ساختمان و درخت و مانند آن را قیمت نمایند باید حساب کنند که اگر آنها بدون اجاره در زمین بمانند تا از بین بروند چقدر ارزش دارند و سهم زن را از آن قیمت بدهند.

مسئله ۱۶۵۰ اگر میّت بیش از یک زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد چهار یک مال، و اگر اولاد داشته باشد، هشت یک مال به شرحی که در مسئله ۱۶۴۷ گفته شد به طور مساوی بین زن های او قسمت می شود اگر چه شوهر با هیچ یک از آنان یا بعض آنان نزدیکی نکرده باشد ولی اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده و با او نزدیکی نکرده است آن زن از او ارث نمی برد و حق مهر هم ندارد.

مسئله ۱۶۵۱ اگر زن در حال مرض شوهر کند و به همان مرض بمیرد شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد از او ارث می برد.

مسئله ۱۶۵۲ اگر زن را طلاق رجعی بدهند( ) و در بین عده بمیرد شوهر از او ارث می برد. و نیز اگر شوهر در بین عده

زن بمیرد زن از او ارث می برد.

ولی اگر بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق بائن( ) یکی از آن دو بمیرد دیگری از او ارث نمی برد.

مسئله ۱۶۵۳ اگر شوهر در حال مرض، عیالش را طلاق دهد و پیش از گذشتن دوازده ماه قمری بمیرد زن با دو شرط از او ارث می برد:

اول – آنکه در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد.

دوم – شوهر در مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود زن از او ارث نمی برد.

مسئله ۱۶۵۴ لباسی که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته اگر چه زن آن را پوشیده باشد جزء مال شوهر است.

احکام متفرقه ارث

مسئله ۱۶۵۵ قرآن و انگشتر و شمشیر میّت و لباسی را که پوشیده یا مهیا شده برای پوشیدن مال پسر بزرگتر است و اگر میّت از سه چیز اول بیشتر از یکی دارد مثلاً ـ دو قرآن یا دو انگشتر دارد یکی بیشتر مال او نیست، ولی لباس هر چه باشد به او تعلق دارد.

مسئله ۱۶۵۶ اگر میّت قرض داشته باشد و قرضش به اندازه مال او یا زیادتر باشد باید چهار چیزی هم که مال پسر بزرگتر است و در مسئله پیش گفته شد به قرض او بدهند و اگر قرضش کمتر از مال او باشد نباید از آن چهار چیزی که به پسر بزرگتر می رسد به نسبت به قرض او بدهند مثلاً اگر همه دارایی او شصت تومان است و به مقدار بیست تومان

آن از چیزهایی است که مال پسر بزرگ است و سی تومان هم قرض دارد قرض را از چهل تومان باقی می دهند.

مسئله ۶۵۷ مسلمان از کافر ارث می برد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میّت باشد از او ارث نمی برد.

مسئله ۶۵۸ اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و به ناحق بکشد از او ارث نمی برد، ولی اگر از روی خطا باشد مثل اینکه سنگ را به هوا بیندازد و اتفاقاً به یکی از خویشان او بخورد و او را بکشد از او ارث می برد، ولی ارث نمی برد از دیه قتل.

مسئله ۶۵۹ هرگاه بخواهند ارث را تقسیم کنند برای بچه ای که در شکم است و اگر زنده به دنیا بیاید ارث می برد سهم دو پسر را کنار می گذارند. ولی اگر احتمال بدهند زن سه بچه یا بیشتر حامله است سهم سه پسر را کنار می گذارند و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمد زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می کنند.

احکام حج

مسئله ۶۶۰ حج زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده اند در آنجا به جا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می شود:

اول – آنکه بالغ باشد.

دوم – آنکه عاقل و آزاد باشد.

سوم – به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را انجام دهد، یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است ترک نماید، پس اگر مثلاً مجبور باشد از راه غصبی برود و راه دیگری هم

نباشد نباید حج برود.

چهارم – آنکه مستطیع باشد.

مسئله ۶۶۱ مستطیع بودن به چند چیز است:

اول – آنکه توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

دوم – سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را به جا آورد.

سوم – در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه، جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از راه دیگری بتواند برود اگر چه دورتر باشد، باید از آن راه برود.

چهارم – به قدر به جا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

پنجم – به قدر مخارج کسانی که عرفاً عائله او محسوبند داشته باشد هر چند شرعاً واجب نباشد.

ششم – بعد از برگشتن، کسب، یا زراعت، یا عایدی ملک، یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند.

مسئله ۶۶۲ کسانی که بدون خانه ملکی زندگانی آنها مختل می شود وقتی حج بر آنها واجب است که پول خانه را هم داشته باشند.

مسئله ۶۶۳ زنی که می تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد، و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۶۶۴ اگر کسی توشه راه و مرکب سواری نداشته باشد و دیگری به او بگوید حج برو و من خرج تو و عیالت را در موقعی که در سفر حج

هستی می دهم در صورتی که اطمینان داشته باشد که خرج او را می دهد حج بر او واجب می شود.

مسئله ۱۶۶۵ اگر خرجی رفتن و برگشتن و خرجی عیالات کسی را در مدتی که مکه می رود و برمی گردد به او ببخشند و با او شرط کنند که حج کند و او قبول نماید، حج بر او واجب می شود. اگر چه قرض داشته باشد و در موقع برگشتن هم مالی که بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد.

مسئله ۱۶۶۶ اگر مخارج رفتن و برگشتن و مخارج عیالات کسی را در مدتی که مکه می رود و برمی گردد به او بدهند و بگویند حج برو ولی ملك او نکنند، در صورتی که اطمینان داشته باشد که از او پس نمی گیرند، حج بر او واجب می شود.

مسئله ۱۶۶۷ اگر مقداری مال که برای حج کافی است به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه خدمت کسی که مال را داده بنماید، حج بر او واجب نمی شود.

مسئله ۱۶۶۸ اگر مقداری مال به کسی بدهند و حج بر او واجب شود، چنانچه حج نماید، هر چند بعداً مالی از خود پیدا کند، دیگر حج بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۶۹ اگر برای تجارت مثلاً تا جده برود و مالی به دست آورد که اگر بخواهد از آنجا به مکه رود مستطیع باشد باید حج کند.

و در صورتی که حج نماید; اگر چه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود به مکه رود، دیگر حج بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۷۰ اگر انسان اجیر شود که از طرف کس

دیگر حج کند چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.

مسئله ۱۶۷۱ اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و فقیر شود، باید اگر چه به زحمت باشد بعداً حج کند و اگر به هیچ قسم نتواند حج برود چنانچه کسی او را برای حج اجیر کند باید به مکه رود و حج کسی را که برای او اجیر شده به جا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج نماید.

ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد بگیرد و کسی که او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد به جا آورده شود، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر شده حج نماید.

مسئله ۱۶۷۲ اگر در سال اولی که مستطیع شده به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده اند به عرفات و مشعرالحرام نرسد، چنانچه در سال های بعد مستطیع نباشد، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از سال های پیش مستطیع بوده و نرفته، اگر چه به زحمت باشد باید حج کند.

مسئله ۱۶۷۳ اگر در سال اولی که مستطیع شده حج نکند و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج نماید و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد. بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند، و ناامید باشد که خودش

بتواند حج کند واجب است کسی را از طرف خود بفرستد تا حج کند.

مسئله ۶۷۴ کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده، باید طواف نساء را از طرف او به جا آورد و اگر به جا نیاورد، زن بر آن اجیر حرام می شود.

مسئله ۶۷۵ اگر طواف نساء را درست به جا نیاورد یا فراموش کند، چنانچه بعد از چند روز یادش بیاید و از بین راه برگردد و به جا آورد صحیح است.

مسائل متفرقه

مسئله ۶۷۶ اگر ریشه درخت همسایه در ملک انسان بیاید می تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری هم از ریشه درخت به او برسد می تواند از صاحب درخت بگیرد.

مسئله ۶۷۷ جهیزیه ای که پدر به دختر می دهد اگر مثلاً به واسطه صلح یا بخشش ملك او کرده باشد نمی تواند از او پس بگیرد.

مسئله ۶۷۸ برای مخارج عزاداری میّت از سهم صغیر نمی شود چیزی برداشت.

مسئله ۶۷۹ اگر انسان غیبت مسلمانی را کرده باشد لازم است اگر مفسده ای پیدا نشود از او خواهش کند که او را حلال نماید و چنانچه ممکن نباشد باید برای او از خدا طلب آمرزش کند و اگر به واسطه غیبتی که کرده توهینی از آن مسلمان شده در صورتی که ممکن است باید آن توهین را برطرف نماید.

مسئله ۶۸۰ انسان نمی تواند بدون اذن حاکم شرع از مال کسی که می داند خمس نمی دهد خمس را بردارد و به حاکم شرع برساند.

مسئله ۶۸۱ آوازی که مخصوص مجالس لهو بازیگری است غنا و حرام می باشد. و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند

حرام است. ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۶۸۲ کشتن حیوانی که اذیت می رساند و مال کسی نیست اشکال ندارد.

مسئله ۶۸۳ جایزه ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز حساب دارند می دهد چون برای تشویق مردم از خودش می دهد و ضرر آن به کسی نمی رسد حلال است. و همچنین جایزه ای که بعض فروشندگان اجناس به بعض خریدارها می دهند.

مسئله ۶۸۴ اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند چنانچه صاحب آن نیاید آن را ببرد و صنعتگر بعد از جستجو از پیدا شدن صاحب آن ناامید شود باید آن را به نیت صاحبش صدقه بدهد.

مسئله ۶۸۵ سینه زدن در کوچه و بازار با اینکه زن ها عبور می کنند ولو در صورتی که سینه زن پیراهن نپوشیده باشد اشکال ندارد. و اگر جلوی جمعیت عزادار بیرق و مانند آن ببرند مانعی ندارد ولی باید استعمال آلات لهو نشود.

مسئله ۶۸۶ گذاشتن دندان طلا و دندانی که روکش طلا دارد مانعی ندارد. اگر چه زینت حساب شود ولی برای مرد جایز نیست پوشیدن طلا ولو با انگشتر دست کردن.

مسئله ۶۸۷ حرام است انسان استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید.

مسئله ۶۸۸ تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و در این حکم تمام مردم یکسانند و حکم خدا به واسطه مسخره مردم تغییر نمی کند پس اگر هم که اول تکلیف او است یا اگر ریش نتراشد مردم او را مسخره می کنند چنانچه ریش بتراشد یا

طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد حرام است.

مسئله ۶۸۹ احتیاط واجب آن است که ولی بچه پیش از آنکه بالغ شود او را ختنه نماید و اگر ختنه نکند بعد از بالغ شدن بر خود بچه واجب است.

مسئله ۶۹۰ اگر پدر و مادر فقیر باشند و نتوانند کاسبی کنند فرزند آنان اگر بتواند باید خرجی آنان را بدهد.

مسئله ۶۹۱ اگر کسی فقیر باشد و نتواند کاسبی کند پدرش باید خرجی او را بدهد و اگر پدر ندارد یا نمی تواند خرجی او را بدهد چنانچه فرزندی هم نداشته باشد که بتواند خرجی او را بدهد جدّ پدری او باید خرجی او را بدهد. و اگر جدّ پدری ندارد یا نمی تواند خرجی او را بدهد مادرش باید خرجی او را بدهد. و اگر مادر هم ندارد یا نمی تواند خرجی او را بدهد باید مادر پدر و مادر مادر و پدر مادر با هم خرجی او را بدهند. و اگر مادر پدر و مادر مادر ندارد پدر مادر باید خرجی او را بدهد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹